

۱/۶/۱۶۵

جدول فقهی زینت

در مقایسه با مکتب هنری فرمالیسم

با استناد به ۵۹۶ آیه و روایت

«إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِيَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (کهف ۷)

مسلماناً آنچه را روی زمین است، زینت زمین قرار دادیم تا آنان را آزمایش کنیم که کدامشان از جهت عمل نیکوترند.



محورهای جلسه:

۱. اصطلاحات مرتبط با هنر در آیات و روایات کدام است؟
۲. سیاق مفهوم هنر و توجه به زیبایی‌ها چیست؟
۳. اصول فرم از نگاه انبیاء چیست؟
۴. اشیائی که از نظر انبیاء زینت محسوب می‌شوند و ما باید آنها را برجسته کنیم کدام هستند؟
۵. ساختار و روش‌های تثبیت زینت در افراد و جامعه کدام است؟

شورای راهبردی
الگوی پیشرفت اسلامی
۲۸ مرداد ۱۴۰۲



الْحَمْدُ لِلَّهِ

وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيثُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا
اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۶

و چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند، پس در مقابل آنچه در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم و ذلت فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

شناسنامه:

متن پیش رو (ویرایش اول) صد و شصت و پنجمین مکتوب از نوع ششم محصولات مرتبط با نقشه الگوی پیشرفت اسلامی (پیاده فوری) است. محتوای این محصول، متن پیاده شده سخنان حجت الاسلام و المسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) در نشست تخصصی «جدول فقهی زینت (در مقایسه با مکتب هنری فرمالیسم (Formalism))» می باشد که در تاریخ شنبه ۲۸ مردادماه سال ۱۴۰۲ در محل تالار شهر اهواز برگزار گردیده است. شایان ذکر است این متن، مستند به ۵۹۶ آیه و روایت و زیرمجموعه "فقه العلم" (ذیل مباحث فقه الخلق) است. ضمناً بحث حاضر حاوی یک جدول تصمیم (مشتمل بر ۸ تصمیم) می باشد.

جدول فقهی زینت (در مقایسه با مکتب هنری فرمالیسم)

جدول فقهی زینت

مقدمه:

اصطلاحات مرتبط با هنر در آیات و روایات:

اصطلاح اصلی: «زینت»

اصطلاحات مشابه: «حلیه»، «عروس»، «جمال» و ...

حکم عقل بر لزوم استنتاج و پرسش از انبیاء در مسائل مختلف زندگی (از جمله: مسئله هنر):

دلیل: مبتنی بودن توصیفات انبیاء بر وصف اشراف

سیاق مفهوم هنر و توجه به زیبایی‌ها چیست؟ (تعریف)

معنای سیاق مفهوم هنر: برجسته‌سازی مفاهیم پیشینی هنر (تعریف)

ایده فرمالیسم (Formalism)

هنر برای هنر! (اصالت داشتن فرم)

اشکال بدیهی:

بی توجهی به اهداف - مفاهیم پیشینی و برای «هنر»

اصول سه‌گانه فرم از نگاه انبیاء چیست؟ (تعریف)

اصول سه‌گانه فرم از نگاه انبیاء (جنبه‌های شکلی برجسته کردن خیر و افساء شر)

سیاق مفهوم هنر از نظر انبیاء (فلسفه هنر)

برجسته‌سازی مفاهیم و حالات خیر افساء "شر" اضافه شده به مفاهیم "خیر"

فوائد سیاق از مفهوم هنر از نظر انبیاء (تصویر)

مفهوم محاسبه و تقاص (عواقب در انجام کارها، بخاطر نادیده‌نشدن در عاقبت آنها)

مفهوم امتداد و بقاء (توجه به امتداد آثار اعمال)

جهت‌دهی نرم به اختیاراتها

ایجاد نظم اختیاری: راهکار انبیاء برای جهت‌دهی نرم به نظم اختیاری

هنر: یکی از ابزار ایجاد نظم اختیاری

عدم انسجام و اتفاق نظر در اصول فرم در فرمالیسم (Formalism)

رعایت ادب

قل و دل بودن (مختصر و مفید بودن)

بیان بعد از ایجاد تأمل

سهل‌انگاری و پیچیده‌نبودن فرم

توجه به مجاز بودن فرم

حاکم بودن نوعی از انتزاع بر فرم

توجه ساختارگراها بر چارچوب‌های متفاوت فرم (در اعتراض به فرمالیست‌های اولیه و افراطی)

تأکید بر اصل «تفکیک اثر مؤلف از زندگی و تیت مؤلف»

تأکید بر اصل «عدم تفسیر متن به محوریت جهان و واقعیت» بلکه «تفسیر جهان و واقعیت به محوریت متن»

تحقق بیشتر هدف هنر (عادت‌زدایی و برانگیخته شدن توجه و انگیزه مخاطب) به وسیله «اصول سه‌گانه فرم از نگاه انبیاء» نسبت به «اصول مختلف فرم در فرمالیسم»

اشیائی که از نظر انبیاء زینت محسوب می‌شوند و ما باید آنها را برجسته کنیم کدام هستند؟ (تعریف)

۱۴ «زینت» برای ۱۴ «خیر» در روایتی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

- عَفَّتْ (زینت) برای ابتلاء (خیر)
- تَوَاضَعُ (زینت) برای آقا زاده‌ها! (خیر)
- فَصَاحَةُ (زینت) برای کلام (خیر)
- عَدَالَتُ (زینت) برای اهل ایمان (خیر)
- سَكِينَةٌ (زینت) برای عبادت (خیر)
- حِفْظُ (زینت) برای روایت خیر (خیر)
- حِفْظُ الْحَاجِّ الْجَجَاجِ (زینت) العلم (خیر)
- حُسْنُ الْأَدَبِ (زینت) برای عقل (خیر)
- بَسْطُ الْوَجْهِ (زینت) در هنگام حلم (خیر)
- بَذْلُ الدَّارِی (زینت) برای یقین (خیر)
- اِكْتِفَاءٌ (زینت) برای قناعت (خیر)
- تَرْكُ مَنْت (زینت) برای انجام کار نیک (خیر)
- خُشُوعٌ (زینت) برای نماز (خیر)
- تَرْكُ مَا لَا یَعْنِي (زینت) برای پرهیزکاری (خیر)

ساختار و روش‌های تثبیت زینت در افراد و جامعه کدام است؟ (تصمیم)

روایت داستان و آحسن القصص به شکل روایت غیر متمرکز

رؤیت و تجربه (مانند: بازدید از اماکن تاریخی)

احیاء و تقویت قوای دریافتی شنونده و بیننده اثر هنری

ماندگاری بیشتر (بخاطر ایجاد کاراکترها و شخصیت‌سازی‌های متنوع) + همراه بودن با محبت

تغذیه مبتنی بر طبیئات: یکی از هشت راهکار احیاء و تقویت قوای دریافتی انسان

فهرست مطالب:

۱. مقدمه: ۳
- ۱/۱. حکم عقل بر لزوم استنطاق و پرسش از انبیاء در مسائل مختلف زندگی (از جمله: مسئله هنر)؛ به دلیل مبتنی بودن توصیفات انبیاء بر وصف اشراف ۳
- ۱/۲. بحث از مسئله هنر در آیات و روایات ذیل اصطلاح اصلی «زینت» و اصطلاحات مشابهی مانند: «حلیه»، «عروس»، «جمال» و ۵
- ۱/۳. اجمالی از چهار پرسش مطرح در جلسه در مورد مسئله هنر از نگاه انبیاء ۶
۲. پرسش اول: سیاق مفهوم هنر و توجه به زیبایی‌ها چیست؟ (فلسفه هنر) (تعریف) ۱۶
- ۲/۱. برجسته‌سازی مفاهیم پیشینی هنر؛ معنای سیاق مفهوم هنر (تعریف) ۱۶
- ۲/۱/۱. اشتباه روشن و بدیهی ایده فرمالیسم (هنر برای هنر)؛ بی‌توجهی به مفاهیم پیشینی، اهداف و برایی «هنر» ۱۶
- ۲/۱/۲. سیاق (مفاهیم پیشینی) مفهوم هنر از نظر انبیاء: ۱۷
- ۲/۱/۲/۱. برجسته‌سازی مفاهیم و حالات خیر؛ اولین مفهوم پیشینی و سیاقی مفهوم هنر (چارچوب‌ها و اصول فرم) از نظر انبیاء («هنر برای برجسته‌سازی مفاهیم و حالات خیر»). نه «هنر برای هنر» (!) ۱۷
- ۲/۱/۲/۲. افشاء "شر" اضافه‌شده به مفاهیم "خیر"؛ دومین مفهوم پیشینی و سیاقی مفهوم هنر (چارچوب‌ها و اصول فرم) از نظر انبیاء («هنر برای افشاء شر اضافه‌شده به مفاهیم خیر»). نه «هنر برای هنر» (!) ۱۹
- ۲/۱/۲/۲/۱. مثال: انیمیشن باب اسفنجی (معرفی هفت "شر" نهی‌شده در تورات (مانند: حرص، شهوت‌گرایی، سبک‌سری و ...)) به صورت زیبا و "خیر" به کودکان! ۲۰
- ۲/۲. فوائد سیاق مفهوم هنر (برجسته‌سازی مفاهیم و حالات خیر + افشاء شر اضافه‌شده به مفاهیم خیر) از نظر انبیاء (تصویر) ۲۴
- ۲/۲/۱. فائده اول: توجه‌دادن مخاطب نسبت به مفهوم محاسبه و تقاص (مراقبت در انجام کارها؛ بخاطر اندیشیدن در عاقبت آنها) ۲۴
- ۲/۲/۲. فائده دوم: توجه‌دادن مخاطب نسبت به مفهوم امتداد و بقاء (امتداد آثار اعمال) ۳۰
- ۲/۲/۳. فائده سوم: جهت‌دهی نرم به اختیارها ۳۴
- ۲/۲/۳/۱. خداوند همه موجودات (نه فقط انسان) را مختار آفریده است ۳۴

- ۲/۲/۳/۲. سوال مهم: نحوه جهت‌دادن اختیار موجودات چگونه است؟ ۳۷
- ۲/۲/۳/۲/۱. ایجاد نظم به محوریت قانون و جبر؛ راهکار تمدن مدرنیته و مجالس قانون‌گذاری مدرن برای جهت‌دادن به اختیارها. ۳۷
- ۲/۲/۳/۲/۱/۱. به وجود آمدن پدیده «قانون زیاد» در قانون‌گذاری مدرن (مانند: فعال بودن ۱۲ هزار بسته قانونی از ۱۰۰ هزار بسته قانونی تصویب‌شده در دوران ۱۰۰ ساله از تأسیس مجالس قانون‌گذاری در ایران!) ۳۸
- ۲/۲/۳/۲/۱/۱/۱. سه اشکال مهم پدیده «قانون زیاد» در قانون‌گذاری مدرن: ۱. عدم توانایی آموزش‌دادن این قوانین. ۲. عدم توانایی بر نظارت بر قوانین. ۳. عدم توانایی برطرف کردن تعارض بین قوانین. (و در نتیجه: ایجاد بی‌نظمی!) ۳۸
- ۲/۲/۳/۲/۲. ایجاد نظم اختیاری؛ راهکار انبیاء برای جهت‌دادن به اختیارها ۳۸
- ۲/۲/۳/۲/۲/۱. هنر (برجسته‌سازی خیر و شر در ذهن‌ها)؛ یکی از راهکارها برای ایجاد نظم اختیاری ۳۸
- ۲/۳. خلاصه سرفصل اول ۴۰
۳. پرسش دوم: اصول فرم از نگاه انبیاء چیست؟ (تعریف). ۴۲
- ۳/۱. جنبه‌های شکلی برجسته‌کردن خیر و افساء شر؛ معنا و مقصود از اصطلاح «اصول فرم» ۴۲
- ۳/۲. اصول سه‌گانه فرم از نگاه انبیاء: ۴۳
- ۳/۲/۱. رعایت ادب؛ اولین اصل فرمی از نگاه انبیاء ۴۳
- ۳/۲/۲. قَل و دَل (مختصر و مفید بودن)؛ دومین اصل فرمی از نگاه انبیاء ۴۵
- ۳/۲/۳. بیان بعد از ایجاد تأمل (پرسش)؛ سومین اصل فرمی از نگاه انبیاء ۴۶
- ۳/۳. عدم انسجام و اتفاق نظر در اصول فرم در فرمالیسم (Formalism): ۴۹
- ۳/۳/۱. سهل‌انگاری و پیچیده‌نبودن فرم؛ نمونه‌ای از «اصول فرم» مطرح در فرمالیسم ۵۰
- ۳/۳/۲. توجه به مجاز بودن فرم؛ نمونه‌ای دیگر از «اصول فرم» مطرح در فرمالیسم ۵۰
- ۳/۳/۳. حاکم بودن نوعی از انتزاع بر فرم؛ نمونه‌ای دیگر از «اصول فرم» مطرح در فرمالیسم ۵۰
- ۳/۳/۴. توجه ساختارگراها بر چارچوب‌های متفاوت فرم (در اعتراض به فرمالیست‌های اولیه و افراطی)؛ نمونه‌ای دیگر از «اصول فرم» مطرح در فرمالیسم ۵۱
- ۳/۳/۵. تأکید بر اصل «تفکیک اثر مؤلف از زندگی و نیت مؤلف»؛ نمونه‌ای دیگر از «اصول فرم» مطرح در فرمالیسم ۵۴
- ۳/۳/۶. تأکید بر اصل «عدم تفسیر متن به محوریت جهان و واقعیت» بلکه «تفسیر جهان و واقعیت به محوریت متن!»؛ ۵۵
- نمونه‌ای دیگر از «اصول فرم» مطرح در فرمالیسم ۵۵

۳/۴. تحقق بیشتر هدف هنر (عادت زدایی و برانگیخته شدن توجه و انگیزه مخاطب) به وسیله «اصول سه گانه فرم از نگاه انبیاء» نسبت به «اصول مختلف فرم در فرمالیسم» ۵۶

۴. پرسش سوم: اشیائی که از نظر انبیاء زینت محسوب می شوند و ما باید آنها را برجسته کنیم کدام

هستند؟ (تعریف)..... ۶۰

۴/۱. بیان ۱۴ «زینت» برای ۱۴ «خیر» در روایتی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله):..... ۶۰

۴/۱/۱. عفت (زینت) برای ابتلاء (خیر)؛ اولین شیئی زینت از نظر انبیاء «الْعَفَافُ زِينَةُ الْبُلَاءِ» ۶۰

۴/۱/۱/۱. خیربودن ابتلاء و مبتلاشدن تمام انسان ها به ابتلاء؛ دو نکته قابل توجه در مورد ابتلاء ۶۲

۴/۱/۱/۲. عفت (خودنگهداری) در صورت ابتلاء به ازدواج دیر هنگام یا به مرگ عزیزان؛ دو نمونه از مصادیق زینت عفت در هنگام ابتلاء

..... ۶۵

۴/۱/۱/۳. درک نشاط و لذتی بالاتر!؛ یکی از آثار خیر «عفت در مقام ابتلاء» برای انسان (خصوصاً انبیاء و بندگان صالح)..... ۶۸

۴/۱/۱/۳/۱. افزایش ناامیدی و خودکشی در کشور (و از بین رفتن آثار خیر ابتلاء)؛ یکی از نتایج عدم پرداختن هنرمندان به آثار خیر

«عفت در مقام ابتلاء» در کارهای هنری ۷۰

۴/۱/۱/۳/۲. ایجاد حالت نشاط و شادی خاص در صورت سیر با بلای امام حسین (علیه السلام) (مانند: روضه و گریه برای حضرت،

پیاده روی اربعین و...)؛ یکی از مصادیق لذت و آثار خیر ناشی از «عفت در مقام ابتلاء» ۷۱

۴/۱/۲. تواضع (زینت) برای آقا زاده ها! (خیر)؛ دومین شیئی زینت از نظر انبیاء «التَّوَّاضِعُ زِينَةُ الْحَسَبِ» ۷۸

۴/۱/۳. فصاحت (زینت) برای کلام (خیر)؛ سومین شیئی زینت از نظر انبیاء «الْفَصَاحَةُ زِينَةُ الْكَلَامِ» ۸۱

۴/۱/۴. عدالت (زینت) برای اهل ایمان (خیر)؛ چهارمین شیئی زینت از نظر انبیاء «الْعَدْلُ زِينَةُ الْإِيمَانِ» ۸۳

۴/۱/۵. سکینه و آرامش (زینت) برای عبادت (خیر)؛ پنجمین شیئی زینت از نظر انبیاء «السَّكِينَةُ زِينَةُ الْعِبَادَةِ» ۸۳

۴/۱/۶. حفظ امانت (زینت) برای روایت خبر (خیر)؛ ششمین شیئی زینت از نظر انبیاء «الْحِفْظُ زِينَةُ الرَّوَايَةِ» ۸۴

۴/۱/۷. بیان کامل و دقیق استدلال ها (زینت) برای علم (خیر)؛ هفتمین شیئی زینت از نظر انبیاء «حِفْظُ الْحَاجِّ [الْحِجَاجِ]

زِينَةُ الْعِلْمِ» ۸۵

۴/۱/۸. حُسن ادب (زینت) برای عقل (خیر)؛ هشتمین شیئی زینت از نظر انبیاء «حُسْنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ» ۸۶

۴/۱/۹. گشاده رویی (زینت) در هنگام حلم (خیر)؛ نهمین شیئی زینت از نظر انبیاء «بَسْطُ الْوَجْهِ زِينَةُ الْحِلْمِ» ۸۶

۴/۱/۱۰. بذل دارایی (زینت) برای یقین (خیر)؛ دهمین شیئی زینت از نظر انبیاء «بَدْلُ الْمَوْجُودِ زِينَةُ الْيَقِينِ» ۸۷

۴/۱/۱۱. اکتفاء به قلیل (زینت) برای قناعت (خیر)؛ یازدهمین شیئی زینت از نظر انبیاء «التَّقْلُّ زِينَةُ الْقَنَاعَةِ» ۹۰

- ۴/۱/۱۲. ترک مَنّت (زینت) برای انجام کار نیک (خیر)؛ دوازدهمین شیئی زینت از نظر انبیاء «تَرَكَ الْمَنَّ زِينَةَ الْمَعْرُوفِ» ۹۱
- ۴/۱/۱۳. خشوع (زینت) برای نماز (خیر)؛ سیزدهمین شیئی زینت از نظر انبیاء «الْخُشُوعُ زِينَةُ الصَّلَاةِ» ۹۲
- ۴/۱/۱۴. ترک کارهای بیهوده (زینت) برای پرهیزگاری (خیر)؛ چهاردهمین شیئی زینت از نظر انبیاء «تَرَكَ مَا لَا يَغْنِي زِينَةَ الْوَرَعِ» ۹۲
- ۴/۲. خلاصه پرسش سوم ۹۳
- جمع‌بندی پرسش دوم و سوم ۹۴
۵. پرسش چهارم: ساختار و روش‌های تثبیت زینت در افراد و جامعه کدام است؟ (تصمیم) ۹۵
- ۵/۱. روایت داستان و أحسن القصص به شکل روایت غیرمتمرکز؛ اولین روش تثبیت زینت در افراد و جامعه ۹۵
- ۵/۱/۱. ماندگاری بیشتر (بخاطر ایجاد کاراکترها و شخصیت‌سازی‌های متنوع) و همراه‌بودن با محبت؛ دو نمونه از مزیت‌های روایت داستان به شکل غیرمتمرکز ۹۵
- ۵/۲. رؤیت و تجربه (مانند: بازدید از اماکن تاریخی)؛ دومین روش تثبیت زینت در افراد و جامعه ۹۶
- ۵/۳. احیاء و تقویت قوای دریافتی شنونده و بیننده اثر هنری؛ سومین روش تثبیت زینت در افراد و جامعه ۹۸
- ۵/۳/۱. تغذیه مبتنی بر طَبِیَّات؛ یکی از هشت راهکار احیاء و تقویت قوای دریافتی انسان ۹۹
- جمع‌بندی مطالب ۱۰۱
- پیوست‌ها: ۱۰۳
- پیوست شماره ۱: آیات و روایاتی در مورد «زینت» و اصطلاحات مشابه ۱۰۴
۱. برخی از آیات و روایات متفرقه اصطلاح «زینت» ۱۰۴
- ۱/۱. نام جهان به زبان یونانی: قوسموس (زینت و آراستگی) ۱۰۴
- ۱/۲. زینت‌های دنیا (زن، فرزند، طلا و نقره، اسب ...) ۱۰۴
- ۱/۳. فریبندگی زینت‌های دنیا! ۱۰۶
- ۱/۴. آزمایش؛ یکی از اهداف خلقت زینت بر روی زمین ۱۱۰
- ۱/۵. زینت (فریب)‌های شیطان: ۱۱۰
- ۱/۵/۱. زینت دادن کارهای زشت! ۱۱۰

- ۱۱۱ ۱/۵/۲. زینت دادن ظواهر دنیا
- ۱۱۱ ۱/۶. فریبنده بودن مشورت با انسان حریص
- ۱۱۲ ۱/۷. فریب کاری اهل نفاق
- ۱۱۲ ۱/۸. نحوه برخورد عاقلانه انبیاء با زینت‌ها و زخارف دنیا
- ۱۱۴ ۱/۹. توصیه به زینت (آراستگی) برای دوستان
- ۱۱۵ ۱/۱۰. مذمت شدید یادگیری علم و قرآن بخاطر زینت دنیا
- ۱۱۵ ۱/۱۱. نهی از زینت (خودنمایی، ریاکاری، اغواگری) در برابر مردم
- ۱۱۸ ۱/۱۲. توصیه به ترک زینت‌های دنیوی (زهد)
- ۱۱۹ ۱/۱۳. توصیه به آراسته بودن مردان برای همسران در خانه
- ۱۲۳ ۱/۱۴. توصیه به همنشینی با کسی که زینت ما باشد
- ۱۲۴ ۱/۱۵. آراستگی در مقابل دشمنان
- ۱۲۴ ۱/۱۶. توصیه به زینت (آراستگی) در روز جمعه
- ۱۲۵ ۱/۱۷. زینت بانوان:
- ۱۲۵ ۱/۱۷/۱. اهمیت زینت برای زنان
- ۱۲۶ ۱/۱۷/۲. زینت کردن برای همسر؛ وظیفه بانوان
- ۱۲۷ ۱/۱۷/۳. توصیه به زینت و آرایش دختران در هنگام ازدواج (مراسم عروسی)
- ۱۲۹ ۱/۱۷/۴. ممنوعیت زینت کردن زن برای غیر شوهر و بیرون از خانه
- ۱۳۲ ۱/۱۷/۴/۱. آیه ۳۱ از سوره مبارکه نور: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا...»
- ۱۳۲ ۱/۱۷/۴/۲. تفسیر آیه «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»
- ۱۳۳ ۱/۱۷/۵. توصیه به بلند نگاه‌داشتن ناخن به زنان (بخاطر زینت بیشتر بودن)
- ۱۳۴ ۱/۱۷/۶. ممنوعیت زینت (تا ۴ ماه و ۱۰ روز) برای زنی که همسرش از دنیا رفته است
- ۱۳۵ ۱/۱۷/۷. امنیت زنان (و زینت آنها) بعد از ظهور
- ۱۳۵ ۱/۱۷/۸. مذمت آراستن زنان برای مردان (یکی از علائم آخرالزمان)
- ۱۳۶ ۱/۱۸. مذمت زینت کردن مردان شبیه زنان! (از علائم آخرالزمان)
- ۱۳۷ ۱/۱۹. معنای مروّت (زینت کردن به خوبیها و دوری از زشتی‌ها)
- ۱۳۷ ۱/۲۰. آراستن بهشت در ماه رمضان
- ۱۳۹ ۱/۲۱. توصیه به زینت در روز غدیر

- ۱/۲۲. آراستن بهشت بخاطر امام حسن و حسین (علیهما السلام) در روز قیامت! ۱۳۹
- ۱/۲۳. آراستن بهشت در هنگام ازدواج علی و فاطمه (سلام الله علیهما)! ۱۴۱
- ۱/۲۴. شیعیان سه دسته‌اند ۱۴۳
۲. برخی از آیات و روایات متفرقه اصطلاح «حلیه»: ۱۴۵
- ۲/۱. فریبندگی زینت و حلیه دنیا! ۱۴۵
- ۲/۲. حلیه (آراستن) بهشت در ماه رمضان ۱۴۵
- ۲/۳. از علائم آخرالزمان: زینت کردن (حلیه و زخرف) ظاهری قرآن‌ها و مساجد! ۱۴۶
- ۲/۴. یکی از عذاب‌های زینت کردن (تحلی) زنان برای مردان نامحرم! ۱۵۰
- ۲/۵. حکم زینت (حلیه) کعبه ۱۵۱
۳. برخی از آیات و روایات متفرقه اصطلاح «جمال»: ۱۵۲
- ۳/۱. اهمیت تجمل و آراستگی ۱۵۲
- ۳/۲. توصیه به آراستگی (تجمل) برای خانواده و دوستان ۱۵۴
- ۳/۳. حجاب؛ راهکاری برای دوام بیشتر زیبایی و جمال زنان ۱۵۵
۴. برخی از آیات و روایات مشابه اصطلاح زینت و جمال و حلیه: ۱۵۷
- ۴/۱. حُسن ۱۵۷
- ۴/۲. تسویل (تزئین) ۱۵۷
- ۴/۳. زِبْرَج ۱۵۷
- ۴/۴. تَبْرُج (زینت و آرایش) ۱۵۷
- ۴/۵. لکل شیء شَرَف ۱۵۹
- ۴/۶. لکل شیء وجه ۱۶۰
- ۴/۷. زهرة الحیاه الدنیا ۱۶۰
- ۴/۸. زُخْرُف - نَجْد (مُنَجَّد) ۱۶۱
- پیوست شماره ۲: توضیحاتی در مورد مکتب فرمالیسم (formalism) ۱۶۵
- پیوست شماره ۳: برخی از مصادیق زینت در آیات و روایات ۱۸۲
۱. مصادیقی از اصطلاح «زینت» در آیات و روایات: ۱۸۲
- ۱/۱. الله (جل جلاله)؛ زینت آسمان‌ها و زمین‌ها ۱۸۳

- ۱۸۴..... ۱/۲. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)؛ زینت بخش عرصه قیامت!
- ۱۸۵..... ۱/۳. امیرالمومنین علی بن ابیطالب (علیه السلام).....
- ۱۸۶..... ۱/۴. امام حسین (علیه السلام)؛ زینت آسمانها و زمینها!
- ۱۸۷..... ۱/۵. امام سجاد (علیه السلام)؛ زینت عبادت کنندگان و اولیاء.....
- ۱۹۰..... ۱/۶. امام کاظم (علیه السلام)؛ زینت شب زنده داران.....
- ۱۹۰..... ۱/۷. عقل.....
- ۱۹۲..... ۱/۸. ایمان.....
- ۱۹۲..... ۱/۹. هدایت.....
- ۱۹۳..... ۱/۱۰. علم.....
- ۱۹۴..... ۱/۱۱. حلم (بردباری).....
- ۱۹۷..... ۱/۱۲. همراهی علم و حلم.....
- ۱۹۷..... ۱/۱۳. انصاف.....
- ۱۹۸..... ۱/۱۴. صبر.....
- ۱۹۸..... ۱/۱۵. شکر (زینت ثروت مندی).....
- ۱۹۸..... ۱/۱۶. رفق (مدارا و ملایمت).....
- ۲۰۰..... ۱/۱۷. بلاء.....
- ۲۰۰..... ۱/۱۸. حیاء.....
- ۲۰۱..... ۱/۱۹. زهد.....
- ۲۰۶..... ۱/۲۰. صدق (راستگویی).....
- ۲۰۷..... ۱/۲۱. احتمال (تحمل).....
- ۲۰۷..... ۱/۲۲. سکینه و آرامش.....
- ۲۰۸..... ۱/۲۳. طهارت درون و اعمال نیک.....
- ۲۰۸..... ۱/۲۴. صبر و رضا.....
- ۲۰۸..... ۱/۲۵. احسان.....
- ۲۰۸..... ۱/۲۶. صلح رحم.....
- ۲۰۸..... ۱/۲۷. عفو و گذشت.....
- ۲۰۹..... ۱/۲۸. خشوع.....

۲۰۹ ۱/۲۹ سخاوت (بخشنندگی)
۲۱۰ ۱/۳۰ رعایت پیمان
۲۱۰ ۱/۳۱ عدالت
۲۱۰ ۱/۳۲ مال و فرزندان
۲۱۰ ۱/۳۳ وقار و متانت
۲۱۱ ۱/۳۴ عفت بطن
۲۱۱ ۱/۳۵ طاعت خداوند
۲۱۱ ۱/۳۶ خوش اخلاقی
۲۱۲ ۱/۳۷ درستی کردار
۲۱۲ ۱/۳۸ حُسن سمت (نیکویی روش)
۲۱۳ ۱/۳۹ دین
۲۱۴ ۱/۴۰ محبت مساکین
۲۱۴ ۱/۴۱ جوانمردی (فتوّت)
۲۱۴ ۱/۴۲ سکوت (صمت)
۲۱۶ ۱/۴۳ عفاف (خودنگهداری)
۲۱۶ ۱/۴۴ فصاحت
۲۱۶ ۱/۴۵ ایثار
۲۱۶ ۱/۴۶ تقوی
۲۱۷ ۱/۴۷ تواضع
۲۱۸ ۱/۴۸ وَرَع (پرهیزکاری)
۲۱۹ ۱/۴۹ نصیحت پنهانی
۲۱۹ ۱/۵۰ اداء امانت
۲۱۹ ۱/۵۱ دشمنی بدان با نیکان؛ زینتِ نیکان است!
۲۱۹ ۱/۵۲ نماز شب:
۲۲۰ ۱/۵۴ صدق (راستی)
۲۲۱ ۱/۵۵ فقه (برای ایمان)، حلم (برای فقه)، رفق (برای حلم)، نرمش (برای رفق)، سهل‌گیری (برای نرمش)
۲۲۱ ۱/۵۶ نظامیان برای حکومت‌ها

۲۲۱ ادب . ۱/۵۷
۲۲۲ حفظ زبان . ۱/۵۸
۲۲۲ همشینی با علما . ۱/۵۹
۲۲۲ دوستان خوب . ۱/۶۰
۲۲۲ زینت بودن ستارگان برای اهل زمین . ۱/۶۱
۲۲۵ دشت و سرسبزی‌های روی زمین . ۱/۶۲
۲۲۵ حیوانات زمین ! . ۱/۶۳
۲۲۶ طلا؛ زینت زنان در دنیا . ۱/۶۴
۲۲۶ طلا؛ زینت مومنین در آخرت (و ممنوعیت طلا برای مردان در دنیا) . ۱/۶۵
۲۲۸ نگاه کردن در آینه و سُرمه کشیدن؛ دو نمونه از مصادیق زینت (که در حال احرام حرام است) . ۱/۶۶
۲۳۰ ریش (محاسن) برای مردان . ۱/۶۷
۲۳۰ شانه زدن . ۱/۶۸
۲۳۱ خضاب (حنا) . ۱/۶۹
۲۳۲ سبزی در سُفره . ۱/۷۰
۲۳۲ ریسندگی برای زنان . ۱/۷۱
۲۳۳ زینت برخی مکان‌ها . ۱/۷۲
۲۳۳ آهن؛ زینت جَنیان و جهنمیان ! . ۱/۷۳
۲۳۴ لکل شیء زینه . ۱/۷۴
۲۳۵ چشم به مال مردم نداشتن . ۱/۷۵
۲۳۶ قبول ولایت اهلیت (علیهم‌السلام) . ۱/۵۳
۲۳۶ کفن مُردگان ! . ۱/۷۵
۲۳۷ ۲. مصادیقی از اصطلاح «حلیه» در آیات و روایات: . ۲/۱
۲۳۷ عقل . ۲/۱
۲۳۷ حلم . ۲/۲
۲۳۷ قناعت . ۲/۳
۲۳۸ عفاف . ۲/۴

۲۳۸ ۲/۴ سخاوت و وَرَع
۲۳۸ ۲/۵ سکینه و آرامش
۲۳۸ ۲/۵ احسان
۲۳۹ ۲/۶ وفاء
۲۳۹ ۲/۷ سبزی؛ حلیه و زینت سفره‌ها
۲۳۹ ۲/۸ صوت زیبا؛ حلیه و زینت قرآن
۲۳۹ ۲/۹ راستگویی؛ حلیه و زینت سخن گفتن
۲۴۰ ۲/۱۰ دوستان؛ حلیه و زینت مردان
۲۴۰ ۲/۱۱ پیری (حلیه و زینت عقل)
۲۴۱ ۲/۱۲ طلا و نقره و خضاب برای زنان
۲۴۲ ۲/۱۳ طلا؛ زینت اهل بهشت در قیامت (ممنوعیت طلا برای مردان در دنیا)
۲۴۲ ۲/۱۴ حلیه ابلیس (تکبر)!
۲۴۲ ۳ مصادیقی از اصطلاح «جمال» در آیات و روایات:
۲۴۲ ۳/۱ الله (جل جلاله)؛ جمال آسمان‌ها و زمین
۲۴۳ ۳/۲ عقل
۲۴۴ ۳/۳ علم
۲۴۴ ۳/۴ حلم (بردباری)
۲۴۴ ۳/۵ اخلاق خوب
۲۴۴ ۳/۶ زبان (خوش سخنی)
۲۴۵ ۳/۷ صداقت
۲۴۵ ۳/۸ ادب
۲۴۵ ۳/۹ وقار (متانت) و گذشت و ...
۲۴۶ ۳/۱۰ حُسن معاشرت
۲۴۶ ۳/۱۱ موااسات با دیگران با وجود تنگدستی
۲۴۶ ۳/۱۲ اطاعت از پروردگار
۲۴۶ ۳/۱۳ قناعت

۲۴۶ ۳/۱۴. ترک مَنّت
۲۴۶ ۳/۱۵. عمل به علم
۲۴۷ ۳/۱۶. بیشتربودن عمل کردن نسبت به سخن گفتن
۲۴۷ ۳/۱۷. نشر علم
۲۴۷ ۳/۱۸. اجتناب از ننگ
۲۴۷ ۳/۱۹. وَرَع (پرهیزکاری)
۲۴۷ ۳/۲۰. عفو و عدل
۲۴۷ ۳/۲۱. تمام کردن کار نیک
۲۴۸ ۳/۲۲. حُسن نیت
۲۴۸ ۲/۲۳. نیک سیرتی
۲۴۸ ۳/۲۴. حِفْغُوبی
۲۴۸ ۳/۲۵. عافیت
۲۴۹ ۳/۲۶. صورت زیبا (جمال ظاهر)
۲۴۹ ۳/۲۷. مو و صدای خوش
۲۵۰ ۳/۲۸. ریش (محاسن) برای مردان
۲۵۱ ۳/۲۹. خضادب (حنا)
	پیوست شماره ۴: آیاتی از قرآن در باب تأکید بر رؤیت و تجربه (بازدید از اماکن تاریخی) به عنوان یکی از روش‌های
۲۵۲ تثبیت زینت در افراد و جامعه
	پیوست شماره ۵: روایاتی در مورد برخی از راهکارهای تقویت قوای دریافتی انسان؛ به عنوان یکی از روش‌های
۲۵۵ تثبیت زینت در افراد و جامعه
۲۶۳ نظام اصطلاحات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَشَفِيعِنَا فِي يَوْمِ الْجَزَاءِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى
أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ سَيِّمًا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ أَرْوَاحُنَا لِأَمَالِهِ الْفِدَاءِ وَعَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ
الشَّرِيفُ وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِ أَعْدَاءِ اللَّهِ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

همانطوری که به استحضار برادران و خواهران گرامی رسیده است؛ موضوع بحث امشب ما ارائه یک تبیین اجمالی از «مفهوم زینت در آیات و روایات» است.^۱ یعنی ان شاء الله اگر خداوند متعال

۱. **ارجاع پژوهشی:** اشیاء، آیات دلالت کننده بر توحید خداوند هستند. در مجموعه‌ای از آیات و روایات درباره اشیاء بحث‌های تفصیلی مغفولی وجود دارد؛ که سعی کرده‌ایم این مباحث را در باب *فقه الخلق طبقه‌بندی و تبویب* نماییم. مباحث *فقه الخلق* را بر اساس قواعد اصولی فقه البیان استنباط و تبویب نموده ایم و در ۱۰ بخش ۱- تبیین فقهی خاصیت‌های اشیاء (جدول تسخیر)، ۲- تبیین فقهی خصلت‌های اصلی تگون اشیاء (جدول فقهی خصلت)، ۳- تبیین فقهی منابع اصلی اشیاء و جواهر اربعه (جدول فقهی بنیاد)، ۴- تبیین فقهی زمان تنزیل و ایجاد اشیاء (جدول فقهی زمان)، ۵- تبیین فقهی زینت‌های اشیاء و بحث هنر (جدول فقهی زینت)، ۶- تبیین فقهی دایره تغییرات متصور برای اشیاء (جدول فقهی تغییر و حرکت)، ۷- تبیین فقهی معیارهای اندازه‌گیری و طبقه بندی اشیاء (جدول فقهی طبقه بندی موجودات)، ۸- تبیین فقهی ابعاد حمایت خالق از اشیاء (جدول فقهی عماد)، ۹- تبیین فقهی الگوی تسلط خالق بر اشیاء (جدول فقهی حیات) و ۱۰- تبیین فقهی نفی شباهت خالق به اشیاء (جدول فقهی نفی تشبیه) به شرح ویژگی‌های اشیاء می‌پردازیم. مباحث *فقه الخلق* به دلیل ارائه یک توصیف بسیار تفصیلی از شئیت و وجود، عملاً توصیف‌های بسیار ضعیف فلسفه صدرایی از وجود (احکام کلی وجود) را به چالش کشیده است و از سوی دیگر این مباحث مرتبط با وجود شناسی؛ در مقایسه با توصیف‌های پوزیتیویستی از اشیاء (مانند بحث‌های مطرح در شیمی و فیزیک) کارآمدی بیشتری در استفاده از طبیعت را برای انسان تأمین می‌کند!

به عبارت ساده‌تر: با مطالعه مباحث *فقه الخلق*؛ همزمان هم درک بهتری از توحید تحصیل می‌شود و هم ذیل تعلیمات وحیانی استفاده بهتری از اشیاء را تجربه می‌کنیم!

حجت الاسلام علی کشوری - مقایسه مباحث *فقه الخلق* با مباحث فلسفی احکام کلی وجود - دوشنبه ۱۸ مهرماه ۱۴۰۱ - قم



کمک کند؛ امشب می‌خواهیم با نگاه پیامبران و خداوند متعال، نگاهی به مسئله "زینت" (که در زبان فارسی به «زیبایی» ترجمه می‌کنیم) داشته باشیم و ببینیم درک پیامبران (که علم اول و آخر در نزدشان بوده است و به صورت تجربی و ناقص به مسائل نگاه نمی‌کرده‌اند)، از مفهوم زینت و زیبایی چیست؟ و نگاه به این مسئله مهم را چگونه برای مردم اصلاح می‌کردند.

منبع: کانال الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou۶۷۴/۴>

قبلاً عرض کرده ایم که در "فلسفه" یک بحثی تحت عنوان "احکام کلی وجود" مطرح است و در آن به شکلی ناقص ویژگی‌های مشترک اشیاء بحث می‌شود. همچنین در شبه علمی مانند "شیمی" به نحوی ناقص‌تر درباره "خاصیت‌های عناصر" مانند واکنش پذیری، رسانایی، چکش‌خواری و... مطالبی ارائه شده است.

در مباحث "فقه الخلق" - که در فضای مقایسه با این توصیف‌های ناقص ارائه شده است - به شکل تفصیلی به تبیین خاصیت‌های کاربردی اشیاء پرداخته‌ایم. در مجموع - در مباحث فقه الخلق - برای اشیاء ۱۰ گروه خاصیت استنباط و تدوین کرده ایم؛ که مجموعاً بیش از ۷۰ خاصیت مشترک را شامل می‌شود. عناوین این خاصیت‌های مشترک و کاربردی به شرح زیر است:

۱- خصلت‌های اصلی حاکم بر ایجاد اشیاء (مشیت، اراده، قدر، قضا، اذن، کتاب، اجل) ۲- معرفی ماده اصلی تکون اشیاء (بذر، معدن، جوهر، اساس، ملکوت، مخزن و ماده اولیه اشیاء (آب)) ۳- زمان داری همه اشیاء (انف، ربیع، فوت، اجل، کتاب) ۴- حمایت‌های امری از همه اشیاء (القه، مطیة، لکل شیء، شیء یستریح الیه، عماد، رکن، نور، قلب، استغفار اشیاء، زکات اشیاء، تسبیح اشیاء)، ۵- اخذ زینت در همه اشیاء (زینت، حلیه، وجه، عروس، شرف)، ۶- سببیت در همه اشیاء (فاکهة، غایة، علامة، مفتاح، حقیقت، حبله، ثمره، سبب، طریق، تسخیر)، ۷- تغییرات اشیاء (تغییر ناپذیر بودن جوهریت اشیاء توسط مخلوقین (ولا یَتَقَلَّبُ النَّسِیءَ مِنْ جَوْهَرِیَّتِهِ إِلَى جَوْهَرٍ آخَرَ إِلَّا اللَّهُ)، لکل شیء آفة تُفْسِدُهُ، لکل شیء دواء، لکل شیء حفیظ، لکل شیء حرمة)، ۸- طبقه بندی اشیاء (سید، قدر، حد، سنام، صفوه، ذروه، قیمة)، ۹- شرح تسلط حضرت رب العالمین بر اشیاء (حیازت ربوبی بر اشیاء مانند: احاطه علمی، احصاء عددی اشیاء، علی کل شیء قدیر، کَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَیْءٍ رَقِیْبًا و...) و ۱۰- سلب خاصیت همه اشیاء از حضرت رب العالمین.

به عبارت دیگر: تاکنون بر اساس مباحث فقه الخلق، اوصاف اشیاء مخلوق در قالب ده جدول: ۱- جدول فقهی خصلت، ۲- جدول فقهی بنیاد، ۳- جدول فقهی زمان، ۴- جدول فقهی عماد، ۵- جدول فقهی زینت، ۶- جدول فقهی سببیت (جدول تسخیر)، ۷- جدول فقهی تغییر، ۸- جدول فقهی طبقه بندی اشیاء، ۹- جدول فقهی حیازت و ۱۰- و جدول فقهی نفی تشبیه، تدوین شده است.

حجت الاسلام علی کشوری (مدیر مدرسه فقهی هدایت) / تبیین تنوع صفاتی اشیاء - شنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۰ - قم

منبع: سایت مدرسه فقهی هدایت

<https://nro-di.blog.ir/۱۴۰۰/۰۸/۲۲>



۱. مقدمه:

۱/۱. حکم عقل بر لزوم استنطاق و پرسش از انبیاء در مسائل مختلف زندگی (از جمله:

مسئله هنر)؛ به دلیل مبتنی بودن توصیفات انبیاء بر وصف اشراف

من قبل از اینکه بحث را آغاز کنم یک نکته‌ای را متذکر بشوم و آن اینکه: در دانشگاه‌ها و حتی در حوزه‌های علمیه و در مجموع در رشته‌های مختلف تخصصی در کشور ما، دأب [و رسم] نیست که کسی نظر انبیاء را استنطاق کند^۱ و از آنها سوال بپرسد. این یک مشکلی است که در دوران

۲. **ارجاع پرورشی:** به سه دلیل تعریف موجود [از فقه] را امضا نکرده و قبول نداریم. حال تعریف ما چیست؟ ما گفتیم: «الْفَقْهُ هُوَ الْإِسْتِنَاقُ عَنِ الْوَحْيِ» این تعریف ما از فقاهت است. اجتهاد و فقه یعنی استنطاق کردن از وحی. در این تعریف واژه اصلی و محوری بحث، کلمه "استنطاق" است (البته در کنار "استنطاق" هم کلمه "وحی" است). بایستی به بحث و گفتگو حول این‌ها بپردازیم. به هر حال در تعریف سابق که می‌گفت «الْفَقْهُ هُوَ الْعِلْمُ بِالْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ» یک مزیت‌هایی وجود دارد، پس در ادامه باید ببینیم آیا آن مزیت‌ها در تعریف ما هم موجود است یا نه. ... اینکه ما فقه را به «استنطاق از وحی» (پرسش از وحی) تعریف کردیم، نسبت به تعریف مشهور که الان با آن روبه‌رو هستیم سه مزیت دارد:

مزیت اولش این است که در تعریف ما، حوزه تفقه به "احکام شرعی" محدود نشده است. ... مزیت دوم این است که ما در کلمه "استنطاق"، مخاطب استنطاق را -که وحی باشد- را در فهم خودمان حاضر فرض کردیم. در حالی که در اجتهاد موجود، فرض بر این است که ما از "متن صامت" برداشت می‌کنیم. ... درحالی که ما در تعریف "استنطاق از وحی"، این مبنا را گنجانده‌ایم که خداوند متعال و امام (علیه‌السلام)، در ایجاد فهم دین اصل هستند. اینگونه نیست که شما مستقلاً از یک متن صامتی استنباط کنید. خیر! اینجا تلقین امام هم وجود دارد. [به همین خاطر گاهی] دو نفر، آیات قرآن یا روایاتی را می‌خوانند ولی دو برداشت متفاوت دارند. متن صامت اینجا خیلی نمی‌تواند این مسئله را توضیح دهد. شما با یک شدت و اخلاصی طلب فهم می‌کنید و تابع شدتتان در طرح مسئله و تابع اخلاص و تزکیه‌تان، یک عنایتی به شما می‌شود آنگاه شما یک برداشتی را پیدا می‌کنید. لذا قرآن می‌فرماید (...يُضِلُّ بِهٖ كَثِيْرًا وَيَهْدِي بِهٖ كَثِيْرًا... (بقره ۲۶)). قرآن همیشه ابزار "هدایت" نیست. [گاهی] خداوند متعال به وسیله قرآن، افراد را گمراه می‌کند. در مورد روایات هم اینگونه است. حضرت ولی عصر (ارواح‌نفاذ) -که امام حجتی هستند و القای فهم می‌کند- به برخی بیشتر القاء می‌کنند و به بعضی کمتر. در واقع ما برای فهم دین مقابل یک "موجود حجتی" قرار داریم نه یک "موجود صامت!"

... تفاوت سوم -که بسیار بحث مهمی است و در ادامه سرنوشت "روش تفقه" تغییر می‌دهد- این است که ما بر پذیرش "نقش طلب و سؤال در تفقه" تاکید کرده‌ایم؛ چون گفته‌ایم: «الْفَقْهُ هُوَ الْإِسْتِنَاقُ»، پس شما باید "استنطاق" کنید. شما که قصد فقاهت دارید، باید در وجودتان "طلب" باشد، بایستی در وجودتان "پرسش" باشد. اساساً "استنطاق" را موقعی می‌شود فهم و تصور کرد که وجود "پرسش" و وجود دغدغه در طرف مقابل احراز شده باشد وگرنه "استنطاق" نیست.

تکیه "استنطاق" به این است که شما یک "سؤال" و پرسشی دارید؛ که در اینجا هم ده‌ها دسته بحث شکل می‌گیرد؛ مثل اینکه «چگونه می‌شود در انسان‌ها طلب ایجاد کرد تا بروند و از امام استنطاق کنند؟». این هم منشأ پیدایش ده‌ها دسته بحث می‌شود. اساساً سرنوشت اداره حوزه‌های علمیه تغییر پیدا می‌کند. ما حدود ده دسته روایت را از شاء الله در دوره‌های تفصیلی بحث می‌کنیم که عمل



مدرنیته وجود دارد و [مشکلی] عمومی هم است. ریشه‌هایی دارد که چرا مردم انبیاء و ائمه (علیهم‌السلام) را شخصیت‌های محترمی می‌دانند ولی این ایده در ذهنشان برجسته نیست که سوالات زندگی‌شان را از آنها بپرسند.

بنابراین ما با یک بشرِ خودبنیاد روبرو هستیم! البته استدلال این مسئله هم این است که [می‌گویند: «ما می‌خواهیم تعقل و تفکر کنیم»]; و [در نتیجه] به این بهانه، روایت‌ها و توصیف‌های انبیاء از مسائل حذف می‌شود. در حالی که خود عقل حکم می‌کند که توصیف فرد خبره را باید شنید و به آن دقت کرد. یعنی: اگر ما در این مسئله، تأملی داشته باشیم، می‌بینیم که اتفاقاً حکم عقل این است که: وقتی یک نفر نگاه ناقص و استقرایی و تجربه‌بنیاد به مسئله‌ای دارد، و یک نفر دیگری از پایگاه اِشراف به مسائل نگاه می‌کند؛ عقل حکم می‌کند که نگاه آن فرد مُشرف و مسلط به مسئله را هم بررسی کنیم. بنابراین از عجایب روزگار ما این است که به اسم "عقل"، یک "حکم عقلی" نادیده گرفته می‌شود! و در واقع [با این نوع نگاه،] ما خودمان را از راه انبیاء و پیامبران در مسائل مختلف محروم می‌کنیم!

حالا با این مقدمه ساده‌ای که عرض کردم، بنای بنده در جلسه امروز این است که: اندکی نگاه انبیاء راجع به مسئله هنر (که ذیل کلمه "زینت" در آیات و روایات بحث شده) را در محضر شما بشکافم.

فرض بفرمایید در محضر نبیِّ مُکَرَّم اسلام حضرت مدینه‌العلم (صلی الله علیه و آله)^۳ هستیم و ایشان مشغول بحث کردن در مورد مسئله هنر هستند؛ ببینیم نکته ایشان و زاویه دید ایشان راجع به

به این ده دسته آیات و روایات کمک می‌کند که در قلب طلبه "پرسش" به وجود بیاید. وقتی "طلب" به وجود بیاید، "حرکت" هم به وجود می‌آید، "دقت" هم به وجود می‌آید.

حجت الاسلام علی کشوری، روش استنباط نظریات فقهی الگوی پیشرفت اسلامی، ۲۱ دی‌ماه ۱۳۹۹، مرکز مدیریت حوزه علمیه استان البرز

۳. **ارجاع پژوهشی:** قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بِأَبْهَا فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): من شهر علم هستم و علی در آن است؛ پس هر کس اراده این شهر را دارد پس باید از درب آن وارد شود.



هنر چیست؟ سعی می‌کنم [در این جلسه] این مسئله را بشکافم و بحث کنم. البته امیدوارم بتوانم این نکات را در یک جلسات فنی تری این کار را انجام بدهم. البته این جلسه هم در مورد این مسئله مغتنم است.

۱/۲. بحث از مسئله هنر در آیات و روایات ذیل اصطلاح اصلی «زینت» و اصطلاحات مشابهی مانند: «حلیه»، «عروس»، «جمال» و ...

یک نکته کوچک دیگری عرض کنم و وارد بحث بشوم: اصطلاح اصلی هنر در آیات و روایات، کلمه «زینت»^۴ است. البته اهل بیت (علیهم السلام) در ذیل کلمات دیگری مثل کلمه «حلیه»،^۵ کلمه «عروس»،^۶ کلمه «جمال»^۷ و اصطلاحات مشابه دیگر راجع به «مفهوم هنر» بحث کرده‌اند.

الفصول المختارة (شیخ مفید)، ص ۲۲۰ / الفضائل (لابن ساذان القمی)، ص ۹۶ / عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب امام الأبرار (ابن بطریق، ۶۰۰ ق)، ص ۳۰۱ / شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج ۷، ص ۲۱۹ / الطرائف (ابن طاووس، ۶۶۴ ق)، ص ۱۹۲ / الصراط المستقیم إلى مستحقی التقدیم (عاملی نباطی، ۸۷۷ ق)، ج ۲، ص ۱۹
 إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات (شیخ محرز عاملی)، ج ۱، ص ۸۳ / بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۸۷

۴. ارجاع پژوهشی: إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِيَتَّبِعُوهُمُ أَتَّيْمًا أَحْسَنُ عَمَلًا.

ما آنچه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم، تا آنها را بیازماییم که کدامینشان بهتر عمل می‌کنند!

سوره مبارکه کهف، آیه ۷

۵. ارجاع پژوهشی: وَ اتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَى مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُوَازٍ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يَكْلُمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَ كَانُوا ظَالِمِينَ؛

قوم موسی بعد (از رفتن) او (به میعادگاه خدا)، از زیورهای خود گوساله‌ای ساختند؛ جسد بی‌جانی که صدای گوساله داشت! آیا آنها نمی‌دیدند که با آنان سخن نمی‌گوید، و به راه (راست) هدایتشان نمی‌کند؟! آن را (خدای خود) انتخاب کردند، و ظالم بودند!

سوره اعراف، آیه ۱۴۸

۶. ارجاع پژوهشی: مِنْ كِتَابِ عُيُونِ الْحِكْمِ وَ الْمَوَاعِظِ، لِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْوَاسِطِيِّ كَتَبَتْهُ مِنْ أَصْلِ قَدِيمٍ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ: أَحَدُزُوا هَذِهِ الدُّنْيَا الْحَدَاةَ الْعَدَاةَ الَّتِي قَدْ تَرَبَّيْتُ بِحُلِيِّهَا وَ فَتِنْتُ بِعُزُورِهَا وَ عَزَّتْ بِأَمَالِهَا وَ تَسَوَّفَتْ لِخَطَابِهَا فَاصْبَحَتْ كَالْعُرُوسِ الْمَجْلُوءَةِ وَ الْعُيُونِ إِلَيْهَا نَاطِرَةٌ وَ النَّفُوسُ بِهَا مَسْعُوفَةٌ وَ الْقُلُوبُ إِلَيْهَا تَانِقَةٌ وَ هِيَ لِأَزْوَاجِهَا كُلِّهَا قَاتِلَةٌ فَلَا الْبَاقِي بِالْمَاضِي مُعْتَبِرٌ وَ لَا الْآخِرُ بِسُوءِ أَثَرِهَا عَلَى الْأَوَّلِ مُزْدَجِرٌ وَ لَا اللَّيْبُ فِيهَا بِالتَّجَارِبِ مُنْتَفِعٌ.

امام علی (علیه السلام): از این دنیای حیل‌گر فریبنده، بر حذر باشید؛ دنیایی که خویشتن را با زیورهایش آراسته، و با فریبی‌اش مفتون می‌سازد، و با آرزوهایش می‌فریبد، و برای خواستگاران خود آرایی می‌کند، و همچون عروس نقاب برکشیده‌ای شده است که چشم‌ها بدو خیره گشته، و جان‌ها شیدایش شده، و دل‌ها شیفته‌اش گردیده‌اند، و در حالی که او قاتل همه شوهران خویش است، نه



بنده چون می‌دانستم وقت جلسه امروز کم است، بحث امروز را بعد از مرور [فقط] نیمی از آیات و روایات [مرتبط با مسئله هنر و زینت] در محضر شما ارائه خواهم کرد. در جلسات تفصیلی، شاید حدود ۷۰۰ آیه و روایت در این حوزه داریم که باید بحث کنیم! این خودش یک باب علمی گسترده و فضایی جدی است. این‌ها باید تجمیع بشود. باید در این اصطلاحات آیات و روایات، درایه و گفتگو بشود تا یک فهم جدیدی در مقابل بشر قرار بگیرد.

۱/۳. اجمالی از چهار پرسش مطرح در جلسه در مورد مسئله هنر از نگاه انبیاء

حالا با توجه به این بحث‌ها، من چهار پرسش را در حوزه هنر مطرح می‌کنم. مراد من هم از کلمه «هنر» همین کلمه «زینت» است که در واقع ماده اصلی آن هم کلمه «زین» است و اصطلاح مقابل آن هم کلمه «شین» است.^۹ یعنی شارح محترم وقتی راجع به «زیبایی‌ها» بحث می‌کند در مقابلش

شوهران آینده از شوهران گذشته عبرت می‌گیرند، و نه بدرفتاری او با اولی، عامل بازدارنده آخری است، و نه خردمند از این تجربه‌ها سود می‌برد.

بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۰۸

و زُوِيَ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: لِكُلِّ شَيْءٍ عَرُوسٌ وَ عَرُوسُ الْقُرْآنِ الرَّحْمَنُ. رسول خدا (صلی الله علیه و آله): برای هر چیزی عروسی است و عروس قرآن سوره الرحمن است.

المصباح للكفعمي (جنة الأمان الواقية)، ص ۴۴۶ / مجمع البيان ج ۵ ص ۱۹۵
مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۳۵۱ / تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۲، ص ۵۵۸

۷. **ارجاع پژوهشی:** وَ الْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَ مَنَافِعٌ وَ مِنْهَا تَأْكُلُونَ * وَ لَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَ حِينَ تَسْرَحُونَ.

و چهارپایان را آفرید؛ در حالی که در آنها، برای شما وسیله پوشش، و منافع دیگری است؛ و از گوشت آنها می‌خورید! و در آنها برای شما زینت و شکوه است به هنگامی که آنها را به استراحتگاهشان بازمی‌گردانید، و هنگامی که (صبحگاهان) به صحرا می‌فرستید!
سوره مبارکه نحل، آیه ۵ و ۶

۸. جهت مشاهده «مجموعه‌ای از آیات و روایات در مورد زینت و اصطلاحات مشابه»؛ به پیوست شماره ۱ مراجعه فرمایید.

۹. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُؤَدَّبِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكْرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بَهْلُولٍ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عُثْمَانَ الْأَحْوَلُ قَالَ حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ مَهْرَانَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع وَ عِنْدَهُ نَفَرٌ مِنَ الشَّيْعَةِ فَسَمِعْتُهُ وَ هُوَ يَقُولُ: مَعَاشِرَ الشَّيْعَةِ! كُونُوا لَنَا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا أَحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ كَفُّوا عَنِ الْفُضُولِ وَ قَبِّحِ الْقَوْلِ.

امام صادق (علیه السلام): ای گروه شیعه! مایه زینت ما باشید و باعث عیب و ننگ، نباشید. با مردم نیکو سخن بگویید و زبانه‌تان را ننگه دارید و از زیاده‌گویی و سخن زشت، بازشان دارید.



الأُمالي (لِلصَّدُوقِ)، ص ۴۰۰ / الأُمالي (لِلطُّوسِي)، ص ۴۴۰
وسائل الشيعة، ج ۱۲، ص ۱۹۳ / بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۱۰

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ بَحْرٍ عَنْ مَهْزَمِ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا أَخَذَتِ الدُّهْنَ عَلَى رَاحَتِكَ فَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّيْنَ وَ الزَّيْنَةَ وَ الْمُحَبَّةَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّيْنِ وَ الشَّنَانِ وَ الْمَقْتِ.

امام صادق (علیه السلام): چون روغن را در کف دستت نهادی، بگو: بار خدایا! آراستگی و زیور و دوستی را از تو درخواست می‌کنم و از زشتی و ننگ و دشمنی و کینه، به تو پناه می‌برم.

الکافی، ج ۶، ص ۵۱۹
الوافی، ج ۶، ص ۷۱۷ / وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۱۵۹

قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: عَلَيْكُمْ بِالرَّفْقِ، فَإِنَّهُ مَا خَالَطَ شَيْئاً إِلَّا زَانَهُ، وَ لَا فَارَقَهُ إِلَّا شَانَهُ.

همواره (با مردم) همراهی و ملایمت کنید که همراه چیزی نشد جز آن که آن را زینت داد و از چیزی جدا نشد مگر آن که زشت کرد.
نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۱۴ و ۳۷

عن عليّ ع: خَصَلَتَانِ فِيهِمَا جَمَاعُ الْمَرْوَةِ: اجْتِنَابُ الرَّجُلِ مَا يَشِيئُهُ، وَ اِكْتِسَابُهُ مَا يَزِينُهُ.

امام علی (علیه السلام): دو ویژگی است که در آنها تمام مرآت جمع شده است: دوری گزیدن از آنچه باعث ننگ و عیب انسان است، و کسب کردن آنچه او را زینت دهد.

غرر الحكم، ص ۳۶۳

عن عليّ ع: الْمَرْوَةُ اجْتِنَابُ الْمَرْءِ مَا يَشِيئُهُ وَ اِكْتِسَابُهُ مَا يَزِينُهُ.

امام علی (علیه السلام): مرآت [در دو چیز است]: دوری گزیدن از آنچه باعث ننگ و عیب انسان است، و کسب کردن آنچه او را زینت دهد.

غرر الحكم، ص ۹۷

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص: ... الْفَقْرُ شَيْنٌ عِنْدَ النَّاسِ زَيْنٌ عِنْدَ اللَّهِ، الْغِنَى زَيْنٌ عِنْدَ النَّاسِ شَيْنٌ عِنْدَ اللَّهِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): فقر در نزد مردم ننگ و زشت است و در نزد خداوند زینت است. ثروت در نزد مردم زینت است و در نزد خداوند ننگ و زشتی.

مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۱۹

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الْفَقْرُ شَيْنٌ عِنْدَ النَّاسِ وَ زَيْنٌ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): فقر در نزد مردم ننگ و زشت است و روز قیامت پیش خدا زینت است.

جامع الأخبار (لِلشَّعْبِيِّ)، ص ۱۱۱

نهج الفصاحة، ص ۵۹۱ / بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۴۹

الإمام عليّ عليه السلام: الكذبُ شَيْنٌ الْأَخْلَاقِ.

امام علی (علیه السلام): دروغ‌گویی، ننگ (زشت‌ترین) اخلاق است.

غرر الحكم، ص ۵۳

الإمام عليّ عليه السلام: التَّفَاقُ شَيْنٌ الْأَخْلَاقِ.

امام علی (علیه السلام): نفاق (دورویی)، ننگ (زشت‌ترین) اخلاق است.

غرر الحكم، ص ۴۴

عن عليّ عليه السلام: الجفَاءُ شَيْنٌ، الْمَعْصِيَةُ حَيٌّ.



«زشتی‌ها» را هم مطرح کرده است. حالا ببینیم (به اندازه‌ای که ما اطلاع داریم) نگاه پیامبران راجع به مسئله هنر چیست؟

۱/۳/۱. پرسش اول: سیاق مفهوم هنر و توجه به زیبایی‌ها چیست؟

من [در مورد مسئله هنر] ۴ سوال دارم؛ یکی اینکه: سیاق مسئله هنر و توجه به زیبایی‌ها چیست؟ در واقع [این سوال،] سوالی روشی است. اصطلاح "سیاق" به صورت ساده یعنی «پیش فرض‌های مفهومی» و «مفاهیم پیشینی».^{۱۰} آیا وقتی بشر به مسئله هنر می‌پردازد؛ آغاز

امام علی علیه السلام: جفا، مایه ننگ است و گناه، موجب محنت.

غرر الحکم، ص ۲۱

۱۰. **ارجاع پرورشی:** در قاعده هشتم از قواعد اصولی "فقه البیان"، بحث کرده‌ایم که بیان شارع مبتنی بر "سیاق" است؛ یعنی شارع همواره در بیان خود، یک مقدمات و مفاهیم پیشینی دارد و اگر کسی بخواهد بیان شارع را بفهمد باید به آن‌ها توجه کند. اگر کسی بخواهد روایتی را بصورت روشمند و با توجه به "قاعده بیان مبتنی بر سیاق" بخواند، باید بعد از ترجمه الفاظ و انجام کارهای اولیه صدور و غیره، از خودش بپرسد که آیا شارع قبل از این مفهوم، مفاهیم دیگری را به عنوان پیش فرض با راوی و عرف مخاطب خودش بحث کرده یا نه؟

مثلاً: شما به بحث "حج" وارد می‌شوید و می‌خواهید درباره مفهوم حج گفتگو کنید تا مخاطب حج را به صورت کامل بفهمد. "قاعده بیان مبتنی بر سیاق" از شما می‌پرسد: «آیا شارع قبل از حج، مفهومی را به عنوان مبنا برای شرح مفهوم حج قرار داده است یا نه؟» یعنی آیا مفهومی وجود دارد که شارع، بحث را روی آن سوار کرده باشد؟ مفهوم "حج" یک مفهوم اولیه نیست، حتی خود احکام حج را پیامبر صلی الله علیه و آله در حجة الوداع تکمیل کردند ۱۰ یعنی گذاشتند در آخرین مرحله بحث را مطرح کردند. بنابراین پیداست که قبل از تبیین حج یک سری مفاهیم مطرح بوده و فهم حج به آن‌ها وابسته است و گرنه باید همان سال اول در دوران دعوت مخفی، همه احکام حج را می‌گفتند.

چرا پیغمبر صلی الله علیه و آله تقدم و تأخر در بیان احکام داشتند؟ یکی از دلایل این بوده که باید فرصت می‌داشتند تا مفاهیم پیشینی حکم حج یا سایر احکام را تبیین کنند. البته یکی از دلایل دیگرش هم ممکن است بحث‌های سیاسی و اجتماعی باشد یعنی [مخالفین] به پیامبر صلی الله علیه و آله فرصت ندادند که بحث را مطرح کند. به هر حال حتماً یکی از دلایل [تقدم و تأخر در بیان احکام] این است که شما باید ابتدا مفاهیم قبلی را بحث کنید. مثلاً در همین رساله حج بحث کردیم که مفهوم "فرار الی الله" مفهوم پیشینی حج است. امام صادق علیه السلام ذیل آیه «فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ»^{۱۰} در سوره ذاریات می‌فرماید: «یعنی؛ به حج بروید». پس اگر کسی می‌خواهد مفهوم "حج" را خوب بفهمد باید به او بگوید: «شما باید از مجموعه ظلماتی که در دنیا وجود دارد به سمت خدا فرار کنید». اگر کسی بخواهد مفهوم "فرار الی الله" را هم توضیح دهد که مخاطب می‌پرسد: «اصلاً چرا باید ما "فرار الی الله" داشته باشیم؟» اینجا سیاق مفهوم "فرار الی الله" [مطرح می‌شود که] بحث از مفهوم "ظلمت" و اثرات آن بر عاقبت انسان خواهد بود.

... چطور "فرار الی الله" درک نمی‌شود؟ چون خطرات "ظلمت" بحث نمی‌شود. پس "ظلمت"، سیاق "فرار" است. به همین خاطر است که وقتی کسی می‌گوید: من می‌خواهم به سمت خدای متعال فرار کنم؛ قرآن و روایت به او می‌گوید: حج بجا بیاورد.



بحث همین مسئله هنر است؟ یا اینکه قبل از مسئله هنر یک مفاهیم پیشینی برای بشر مطرح است و سپس به تبع آن [مفاهیم پیشینی] به مسئله هنر نیز می‌پردازد؟ این مسئله در مورد همه بحث‌های دیگر هم مطرح است؛ هر مفهوم دیگری هم روبروی شما قرار بگیرد، بهتر است این سوال را در مورد آن مطرح کنید که: آیا قبل از آن مفهوم، یک مفهوم پیشینی مطرح است یا خیر؟ مثلاً وقتی در مورد مفهوم تجارت بحث می‌کنید؛ آیا قبل از مفهوم تجارت مثلاً مفاهیم پیشینی یا سیاقی هم بحث می‌شود یا نه؟

به صورت ساده: هنر در وسط بحث قرار دارد. قبل از هنر ده‌ها مفهوم پیشینی دیگر نیز مطرح است. که اگر آنها را بازخوانی نکنیم، درک ما نسبت به مفهوم هنر، درک ناقصی خواهد بود. [به عبارت دیگر:] از نظر اهل بیت و انبیاء (علیهم‌السلام)، نقطه شروع مسئله، هنر نیست. [بلکه] هنر، یک ابزار و روش و چارچوبی است که بسیاری از مفاهیم دیگر را تأمین می‌کند که [در جلسه امروز] به آنها می‌پردازم.

بنابراین سوال اول این است که: سیاق مفهومی هنر و توجه به زیبایی کدام است؟ برای چه ما باید به زیبایی‌ها توجه داشته باشیم؟ آیا صرف اینکه توجه به زیبایی‌ها لذت‌آفرین و آرامش‌آفرین است، کفایت می‌کند؟ یا اینکه با توجه به زیبایی‌ها قرار است به یک اهداف و مفاهیم عالی‌تری دست پیدا کنیم؟ این سوال اول است.

۱/۳/۲. پرسش دوم: اصول فرم از نگاه انبیاء چیست؟

سوال دوم: حالا اگر قرار شد که ما به وسیله هنر و برجسته‌سازی زیبایی‌ها، یک توجهی به یک مفاهیم مهم‌تری داشته باشیم (که در ادامه بحث خواهم گفت که آن مفاهیم مهم‌تر چه مفاهیمی هستند)؛ سوال این است که: جنبه‌های شکلی چقدر در این دلالت ما به مسئله مفاهیم پیشینی تأثیر دارند؟ یعنی: اگر ما بگوییم بحث هنر در واقع چارچوب‌های دلالت است تا ما به یک مدل‌ولی توجه



کنیم^{۱۱} [آن چارچوب‌ها چه هستند؟] فرمالیست (Formalist)ها همین را تحقیق کرده‌اند یعنی من کتاب‌ها و مقالاتِ مادر [و اصلی] این‌ها را که مطالعه می‌کردم، دیدم که در آغاز نهضت مدرنِ خودشان خیلی اعتراض کرده‌اند که چرا آثار هنری را فقط از حیث مبانی و محتوا بررسی می‌کنید؟ [پس] بحث چارچوب‌های فرمی چه نقشی در نقد شما دارد؟ لذا یک روش جدید را [برای بررسی و نقد آثار هنری] شروع کردند که ما امروز به «فرمالیسم (Formalism)^{۱۲}» یا «نو فرمالیسم (new Formalism)^{۱۳}» یا اصطلاحات دیگر می‌شناسیم.

۱۱. ارجاع پرورشی: هنر. [ه ن ن- (ا) علم و معرفت و دانش و فضل و فضیلت و کمال . (از ناظم الاطباء) (یادداشت مؤلف) . کیاست . فراست . زیرکی . (یادداشت مؤلف) . این کلمه در واقع به معنی آن درجه از کمال آدمی است که هشیاری و فراست و فضل و دانش را دربردارد و نمود آن صاحب هنر را برتر از دیگران مینماید .

لغتنامه دهخدا

هنر: فعالیتی که به منظور خلق آثار مبتنی بر برداشت‌های شخصی و عدم دریافت سود مادی صورت می‌گیرد، اثری که به وسیله این فعالیت به وجود می‌آید، کار نمایان و برجسته، [قدیمی] پیشه، صنعت، فن .

فرهنگ عمید

۱۲. ارجاع پرورشی:

Formalism: Also known as: Russian Formalism, Russky Formalism. Formalism, innovative ۲۰th-century Russian school of literary criticism. It began in two groups: OPOYAZ, an acronym for Russian words meaning Society for the Study of Poetic Language, founded in ۱۹۱۶ at St. Petersburg (later Leningrad) and led by Viktor Shklovsky; and the Moscow Linguistic Circle, founded in ۱۹۱۵. Other members of the groups included Osip Brik, Boris Eikhenbaum, Yury Tynianov, and Boris Tomashevsky. Although the Formalists based their assumptions partly on the linguistic theory of Ferdinand de Saussure and partly on Symbolist notions concerning the autonomy of the text and the discontinuity between literary and other uses of language, the Formalists sought to make their critical discourse more objective and scientific than that of Symbolist criticism. Allied at one point to the Russian Futurists and opposed to sociological criticism, the Formalists placed an “emphasis on the medium” by analyzing the way in which literature, especially poetry, was able to alter artistically or “make strange” common language so that the everyday world could be “defamiliarized.” They stressed the importance of form and technique over content and looked for the specificity of literature as an autonomous verbal art. They studied the various functions of “literariness” as ways to separate poetry and fictional narrative from other forms of discourse. Although always anathema to the Marxist critics, Formalism was important in the Soviet Union until ۱۹۲۹, when it was condemned for its lack of political perspective. Later, largely through the work of the structuralist linguist Roman Jakobson, it became influential in the West, notably in Anglo-American New Criticism, which is sometimes called Formalism.

فرمالیسم: همچنین به عنوان: فرمالیسم روسی، فرمالیسم روسکی شناخته می‌شود. فرمالیسم، مکتب نوآورانه نقد ادبی روسیه در قرن بیستم. در دو گروه آغاز شد: OPOYAZ، مخفف کلمات روسی به معنای انجمن مطالعه زبان شاعرانه، که در سال ۱۹۱۶ در



سن پترزبورگ (بعدها لنینگراد) تاسیس شد و توسط ویکتور شکولوفسکی رهبری شد. و حلقه زبانی مسکو که در سال ۱۹۱۵ تأسیس شد. سایر اعضای این گروه عبارتند از: اوسپ بریک، بوریس آخنباوم، یوری تینیانوف و بوریس توماشفسکی. اگرچه فرمالیست‌ها پیش فرض‌های خود را تا حدی بر اساس نظریه زبانی فردیناند دو سوسور و تا حدی بر مفاهیم نمادین مربوط به استقلال متن و ناپیوستگی بین کاربردهای ادبی و دیگر کاربردهای زبان استوار می‌کردند، فرمالیست‌ها تلاش کردند گفتمان انتقادی خود را بیشتر عینی و علمی کنند. نقد سمبولیستی فرمالیست‌ها که در مقطعی با آینده پژوهان روسی متحد شده بودند و با نقد جامعه‌شناختی مخالف بودند، با تحلیل روشی که ادبیات، به ویژه شعر، توانست از نظر هنری تغییر کند یا زبان مشترک را «عجیب» کند، «تاکید بر رسانه» گذاشتند. دنیای روزمره را می‌توان «آشنایی زدایی» کرد. آنها بر اهمیت فرم و تکنیک بر محتوا تأکید کردند و به دنبال ویژگی ادبیات به عنوان یک هنر کلامی مستقل بودند. آنها کارکردهای مختلف «ادبیات» را به عنوان راه‌هایی برای جدا کردن شعر و روایت داستانی از دیگر اشکال گفتمان مورد مطالعه قرار دادند. اگرچه فرمالیسم همیشه برای منتقدان مارکسیست تحقیر آمیز بود، اما فرمالیسم تا سال ۱۹۲۹ در اتحاد جماهیر شوروی مهم بود، زمانی که به دلیل نداشتن دیدگاه سیاسی محکوم شد. بعدها، عمدتاً از طریق کار زبان‌شناس ساختارگرا، رومن یاکوبسون، در غرب، به ویژه در نقد جدید انگلیسی-آمریکایی، که گاهی اوقات فرمالیسم نامیده می‌شود، تأثیرگذار شد.

منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://www.britannica.com/art/Formalism-literary-criticism>

جهت مطالعه بیشتر در مورد مکتب فرمالیسم (formalism)؛ به پیوست شماره ۲ مراجعه بفرمایید.

یکی از داغ‌ترین بحث‌های نیمه‌ی قرن بیستم تعهد یا عدم تعهد نویسنده بود. جدال‌های قلمی در این راستا منجر به چاپ دو کتاب (که ابتدا تعدادی مقاله بودند) شد: یکی از نظرگاه تعهد که به ادبیات چیست اثر «سارتر» منتهی شد و دیگری هواداری از انصراف از تعهد که درجه‌ی صفر نوشتار به قلم «بارت» را به وجود آورد. این موضوع هنوز در ایران گرم است. شهریار زرشناس در دسته‌ی منتقدان ایرانی است که همچنان شور تعهد دارد؛ وی بی‌تعهدی ادبیات را بیشتر به بی‌تفاوتی نسبت به محتوا مربوط می‌داند. وی مسئله مورد نظر را به تاریخ فکر غرب و بالطبع سوء استفاده سرمایه‌داری حواله می‌دهد.

منبع: خلاصه مصاحبه از ادبیات تا ادبیت؛ نسبت فرمالیسم با تعهدگرایی در ادبیات / نویسندگان: شهریار زرشناس

منبع: سوره اندیشه آذر و دی ۱۳۹۰ شماره ۵۴ و ۵۵

<https://ensani.ir/fa/article/۲۰۰۸۸۶/%D%A۱%D%A۲%D%A۳%D%A۴%D%A۵%D%A۶%D%A۷%D%A۸%D%A۹%D%AA%D%AB%D%AC%D%AD%D%AE%D%AF%D%BA%D%BB%D%BC%D%BD%D%BE%D%BF%D%CA%D%CB%D%CC%D%CD%D%CE%D%CF%D%DA%D%DB%D%DC%D%DD%D%DE%D%DF%D%EA%D%EB%D%EC%D%ED%D%EE%D%EF%D%FA%D%FB%D%FC%D%FD%D%FE%D%FF>

مطالعه بیشتر: فرمالیسم مقلد تکنیک زده (در بررسی آثار هوشنگ گلشیری) / نویسندگان: شهریار زرشناس

منبع: ادبیات داستانی مهر و آبان ۱۳۸۲ شماره ۷۳

<https://ensani.ir/fa/article/۲۰۰۸۸۶/%D%A۱%D%A۲%D%A۳%D%A۴%D%A۵%D%A۶%D%A۷%D%A۸%D%A۹%D%AA%D%AB%D%AC%D%AD%D%AE%D%AF%D%BA%D%BB%D%BC%D%BD%D%BE%D%BF%D%CA%D%CB%D%CC%D%CD%D%CE%D%CF%D%DA%D%DB%D%DC%D%DD%D%DE%D%DF%D%EA%D%EB%D%EC%D%ED%D%EE%D%EF%D%FA%D%FB%D%FC%D%FD%D%FE%D%FF>

۱۳. **ارجاع پرورشی:** New Formalism: The rise of New Formalism was probably the most significant

Its proponents, however, ...development in American poetry in the last fifteen years of the twentieth century By the turn of the millennium, however, New Formalism was an "have made exaggerated claims for it NewThe movement has even found supporters in Britainestablished part of the American poetry scene ..Formalism now routinely merits entries in literary encyclopedias



حالا من عرضم این است که من [هم] می‌خواهم دقیقاً همان مفهوم را دوباره بازخوانی کنم: من می‌گویم که اگر قرار شد ما به وسیله هنر به یک غایات و مفاهیم پیشینی دیگری دست پیدا کنیم، آیا نقش [این] جنبه‌های شکلی، صفر [و بی‌تاثیر] می‌شود؟ یا اینکه جنبه‌های شکلی و فرمی هم [برای رسیدن به آن غایات و مفاهیم پیشینی] موضوعیت دارند؟ و اگر پذیرفتیم جنبه‌های شکلی موضوعیت دارند، باز [این سوال مطرح است که: جنبه‌های شکلی اصلی از نظر انبیاء کدام است؟ این را هم بحث می‌کنم.

من اینجا بنا ندارم که جنبه‌های مدنظر فرمالیسم (حالا چه فرمالیست (Formalist) های قدیم که می‌گویند از روسیه شروع شده، یا فرمالیست‌های جدید (New Formalism) که در سایر کشورها هستند) را بحث کنم؛ بلکه می‌خواهم بگویم که خود انبیاء روی یک چارچوب‌های فرمی‌ای تاکید کرده‌اند. من بعضی از این چارچوب‌ها را محضر شما بیان خواهم کرد که هرکسی بخواهد کار هنری انجام بدهد می‌تواند به این چهارچوب‌ها توجه داشته باشد و بحث کند. این هم سوال دوم جلسه است.

پس مثلاً اگر گفته می‌شود: «کار فرم، آشنایی‌زدایی، یا بیگانه‌سازی فرد نسبت به شیء است»؛ که در مقاله «هنر همچون شگرد» روی همین مسائل ایستاده است؛ می‌خواهیم ببینیم که مفهوم مکمل یا جایگزین این مسائل از نظر انبیاء چیست؟ به کدام یک از چارچوب‌های فرمی توجه کنیم تا عادت‌زدایی و آشنایی‌زدایی در نگاه به اشیاء برداشته شود؟

فرمالیسم جدید (نو فرمالیسم): ظهور فرمالیسم جدید احتمالاً مهم‌ترین تحول در شعر آمریکایی در پانزده سال آخر قرن بیستم بود. با این حال، طرفداران آن ادعاهای اغراق‌آمیزی برای آن داشته‌اند... با این حال، در آغاز هزاره، فرمالیسم جدید بخشی تثبیت شده از صحنه شعر آمریکا بود... این جنبش حتی در بریتانیا هم طرفدارانی پیدا کرده است... فرمالیسم جدید اکنون به طور معمول شایسته مدخل‌هایی در دایره‌المعارف‌های ادبی است.

منبع: دایره‌المعارف‌های تحقیقاتی آکسفورد

Oxford Research Encyclopedias

<https://oxfordre.com/literature/display/۱۰.۱۰۹۳/acrefore/۹۷۸۰۱۹۰۲۰۱۰۹۸.۰۰۱.۰۰۰۱/acrefore-۹۷۸۰۱۹۰۲۰۱۰۹۸-e-۵۱۳>



حالا اینها خیلی این مباحث را سخت می‌کنند؛ مثلاً کسی که در رشته تخصصی هنر نیست، [خیلی] باید به اصطلاحاتِ اینها توجه کند تا مطلب را متوجه شود! در حالی که اصل بحث این است که اینها می‌خواهند در قالب چارچوب‌های فرمی، نگاه دقیق‌تری [را نسبت] به اشیاء ایجاد کنند. حالا ما می‌گوییم: چارچوب‌های نگاه دقیق‌تر به اشیاء پیرامون (که هر سوژه‌ای می‌تواند باشد)، از نگاه انبیاء چیست؟ من در این جلسه سه نکته را در این باره عرض خواهم کرد که حالا می‌توان در جلسات تفصیلی، نکات پیش‌تری را نیز بحث کرد.

یک بار دیگر سوال دوم را بیان می‌کنم: من نمی‌خواهم اصول فرم از نظر فرمالیست‌ها را بحث کنم؛ [بلکه] می‌خواهم اصول فرم از نگاه انبیاء را بحث کنم که چارچوب‌های فرمی آنها چه بوده است؟ این هم یک سوال.

۱/۳/۳. پرسش سوم: اشیائی که از نظر انبیاء زینت محسوب می‌شوند و ما باید آنها را برجسته کنیم کدام هستند؟ (زیبایی‌های مرتبط با حالات و مفاهیم "خیر" کدام است؟)

سوال سوم: حالا زیبایی‌های مرتبط با حالات و مفاهیم خیر کدام است؟ یعنی آن اشیائی که از نظر انبیاء زینت محسوب می‌شوند و ما باید آنها را برجسته کنیم کدام هستند؟ من در اینجا (اگر شما حوصله کنید) ۱۴ نمونه از آنها را بیان خواهم کرد. ولی من دیشب که داشتم در موسوعه‌های روایی دقت می‌کردم، بیش از صد نمونه از این‌ها وجود داشت! یعنی انبیاء و اهل بیت (علیهم‌السلام) بر روی صد شیء که زیبایی و زینت هستند توجه دارند؛ آن هم زیبایی‌هایی که در همه ادوار تاریخ و برای همه ابناء بشر زیبایی محسوب می‌شوند! یعنی اصطلاحاً قید زمان و مکان برنمی‌دارند.

حالا از این فهرست حدوداً صد زینت مطرح شده در آیات و روایات، من ۱۴ نمونه را بحث خواهم کرد که می‌توان در کارهای هنری روی آن‌ها دقت انجام داد.

**۱/۳/۴. پرسش چهارم: ساختار و روش‌های تثبیت زینت در افراد و جامعه کدام است؟**

و سوال آخر: حالا اگر ما پذیرفتم که بعضی از اشیاء، زینت هستند و ما باید آن‌ها را در کارهای هنری خودمان برجسته کنیم؛ [سوال این است که:] ساختار تثبیت زینت در افراد و جامعه کدام است؟ آیا توسط همین ساختار هنرهایی که معروف است (مانند: تئاتر، سینما، ادبیات، عکاسی و...) این کار را انجام می‌دهید و برجسته می‌کنید؟ یا اینکه ساختارهای دیگری هم برای برجسته‌سازی اشیائی که زینت محسوب می‌شوند وجود دارد؟ اینجا اصل چالش ما با نگاه‌های مرسوم است که مثلا هنر را در ۷ موضوع اصلی یا بیشتر یا کمتر طبقه‌بندی می‌کنند؛^{۱۴} ما اینجا یک بحث‌های دیگری در مورد ساختارهای هنری داریم که این‌ها چه چیزهایی هستند؛ که در این باره بحث و گفتگو خواهیم کرد.

پس سوال آخر هم در واقع تفاوت ساختارهای هنری از نگاه فقهی با ساختارهای هنری مرسوم است.

به هر حال آنچه که من می‌خواهم اینجا عرض کنم این است که: من ملتزم نیستم بحث‌های دیگران را مطرح کنم؛ از اول به ذهنم رسیده که مثل بقیه مسائل که انبیاء در مور آنها اظهار نظر بدون نقص دارند؛ در مورد هنر هم همین نکته جاری است. ما باید یک همتی کنیم و این مفاهیم را گسترش بدهیم.

۱۴. **ارجاع پرورشی:** art, a visual object or experience consciously created through an expression of skill or imagination. The term art encompasses diverse media such as painting, sculpture, printmaking, drawing, decorative arts, photography, and installation

هنر، یک شی یا تجربه بصری که آگاهانه از طریق بیان مهارت یا تخیل ایجاد شده است. اصطلاح هنر شامل رسانه های متنوعی مانند نقاشی، مجسمه‌سازی، چاپ، طراحی، هنرهای تزئینی، عکاسی و نصب می‌شود.

By the turn of the ۲۱st century, a variety of new media (e.g., video art) further challenged traditional definitions of art

در آغاز قرن بیست و یکم، انواع رسانه‌های جدید (مانند هنر ویدئویی) تعاریف سنتی هنر را بیشتر به چالش کشیدند.

منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://www.britannica.com/art/visual-arts>



از جملهٔ عجایب در جمهوری اسلامی این است که حتی در صورتی که نیروهای انقلاب هم می‌خواهند کشور را اسلامی اداره کنند، باز هم برنامه‌ریزی برای گسترش این مفاهیم (خصوصاً در حوزه‌هایی مثل هنر) یک برنامه‌ریزی حداقلی است!

این هم دورنمای بحث و ساختار بحث بود؛ من به ترتیب و به اجمال این چهار سوال را پاسخ می‌دهم و سپس از محضر شما استفاده می‌کنم و اگر فرمایشی داشتید بهره می‌برم.



۲. پرسش اول: سیاق مفهوم هنر و توجه به زیبایی‌ها چیست؟ (فلسفه هنر) (تعریف)

۲/۱. برجسته‌سازی مفاهیم پیشینی هنر؛ معنای سیاق مفهوم هنر (تعریف)

سوال اول این است: سیاق مفهوم هنر چیست؟ عرض کردیم «سیاق مفهوم هنر یعنی: برجسته‌سازی مفاهیم پیشینی (مفاهیم قبلی) هنر». به نظر ما هنر یک «برای» دارد. نمی‌شود «برای»ی هنر را حذف کرد و گفت: «هنر برای هنر!». ^{۱۵} «هنر برای هنر» یعنی: توجه به فرم عالی [و مطلوب].

۲/۱/۱. اشتباه روشن و بدیهی ایده فرمالیسم (هنر برای هنر): بی توجهی به مفاهیم پیشینی، اهداف و برای «هنر»

حالا من یک سوالی مطرح می‌کنم که چرا ما باید یک فرم عالی داشته باشیم؟ چرا باید یک شکل عالی مثلا برای داستان‌نویسی را مسلط بشویم؟

[پاسخ به این سوال] خیلی روشن است؛ آن شکل عالی روایت برای این است که ما یک اهداف و مفاهیم دیگری را روایت کنیم.

بنابراین اگر شما این سوال را از یک نفری با دقت پرسید، او به غلط‌بودن این ایده فرمالیسم (Formalism) پی خواهد برد. ^{۱۶} کسی که این ایده را مطرح می‌کند که: «هنر یعنی:

۱۵. **ارجاع پرورشی:** art for art's sake, a slogan translated from the French l'art pour l'art, which was coined in the early ۱۹th century by the French philosopher Victor Cousin. The phrase expresses the belief held by many writers and artists, especially those associated with Aestheticism, that art needs no justification, that it need .serve no political, didactic, or other end

هنر برای هنر، شعاری که از l'art pour l'art فرانسوی ترجمه شده است، که در اوایل قرن نوزدهم توسط فیلسوف فرانسوی ویکتور کوزین ابداع شد. این عبارت بیانگر این عقیده است که بسیاری از نویسندگان و هنرمندان، به ویژه آنهایی که با زیبایی‌گرایی مرتبط هستند، معتقدند که هنر نیازی به توجیه ندارد، که نیازی به خدمت هیچ هدف سیاسی، آموزشی یا دیگری ندارد.

منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://www.britannica.com/topic/art-for-arts-sake>

^{۱۶}. انتقال از متن: بله؛ ما منکر نیستیم که باید به چارچوب‌های روایت و فرم توجه بشود؛ [ولی نه اینکه اصلاً هیچ هدف دیگری غیر از چارچوب‌های فرم مدنظر قرار نگیرد!]



توجه کردن به اصول فرم، توجه کردن به شکل مطلوب؛ بلافاصله می شود این سوال فنی را از او پرسید که: «دقیقاً چرا من باید مثلاً در فرمالیسم ادبی به بهترین شکل بنویسم؟»^{۱۷}

[پاسخ روشن این سوال این است که: مثلاً ما] بهترین شکل نوشتن را برای توجه دادن به یک موضوعی انتخاب می کنیم؛ وگرنه «بهتر نوشتن، برای بهتر نوشتن!» [بدون توجه به یک هدف خاص] که معنا ندارد! باید این «بهتر نوشتن» را برای یک مفهوم پیشینی و یک مفهوم سیاقی در نظر بگیریم و وارد بحث از آن بشویم.

بنابراین کلمه «هنر برای هنر» خیلی کلمه روشنی نیست. [بلکه آنچه درست است این است که: هنر برای روایت یک مسئله دیگری است. حالا سوال اول ما همین است که: آن مسئله دیگر چیست؟]

۲/۱/۲. سیاق (مفاهیم پیشینی) مفهوم هنر از نظر انبیاء:

من در اینجا یک مفهوم سیاقی و یک مفهوم پیشینی که نمی شود آن را انکار کرد را به عنوان "مفهوم پیشینی هنر" بحث و مطرح کرده ام؛ یعنی: فهم من از روایات این بوده که روایات می گویند این مفهوم، مفهوم پیشینی زینت یا هنر است؛ و آن عبارت است از: «برجسته سازی [مفاهیم و حالات خیر]».^{۱۸}

خوب دقت کنید! شاید این بحث تا الان مطرح نشده است: ما چون می خواهیم "مفهوم خیر" را برجسته کنیم، نیاز به یک فرم صحیح و جذاب داریم. یعنی شکل صحیح هنری را (چه در ادبیات،

۲/۱/۲/۱. برجسته سازی مفاهیم و حالات خیر؛ اولین مفهوم پیشینی و سیاقی مفهوم هنر (چارچوب ها و اصول فرم) از نظر انبیاء («هنر برای برجسته سازی مفاهیم و حالات خیر». نه «هنر برای هنر»!)

۱۷. انتقال از متن: ما [در پاسخ به این سوال] در اینکه «باید به بهترین شکل بنویسم» و «بهترین شکل نوشتن چیست؟»، اختلاف نمی کنیم و فعلاً در اینجا تسالم می کنیم و بحث را جلو می بریم. ولی من می گویم: «برای چه باید به بهترین شکل بنویسم؟»

۱۸. ارجاع پژوهشی: إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِيَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا.

ما آنچه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم، تا آنها را بیازماییم که کدامینشان بهتر عمل می کنند!

سوره مبارکه کهف، آیه ۷



چه در سایر هنرها) استخدام می‌کنیم تا "مفهوم خیر"^{۱۹} را برجسته کنیم. شکل صحیح روایت را بکارگیری می‌کنیم تا خیرها بهتر و دقیق‌تر دیده بشوند؛ در واقع «هنر برای برجسته‌سازی خیر» است، [نه «هنر برای هنر»!]. این یک بحث پیشینی است.

۱۹. **ارجاع پژوهشی:** «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَ يُحَدِّثُكَ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ».

«[روز قیامت] روزی [است] که هرکس کارهای خیر و کارهای شرّ خود را در برابر خویش حاضر می‌بیند، آرزو می‌کند که ای کاش میان او و کردار بدش فاصله‌ای دور بود؛ و خداوند شما را از خودش برحذر می‌دارد و خدا بر بندگانش مهربان است».

سوره مبارکه آل عمران، آیه ۳۰

يَقُولُ مَوْلَايَ أَيُّ طَوْلٍ لِلَّهِ عُمَرُ الْفَضْلُ بْنُ الْحَسَنِ هَذِهِ الْأَوْزَانُ مِنْ وَصِيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ص لِأَبِي ذَرِّ الْعِفَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ الَّتِي أَخْبَرَنِي بِهَا الشَّيْخُ الْمُفِيدُ أَبُو الْوَفَاءِ عَبْدِ الْجَبَّارِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْمُفْرِيُّ الرَّازِيُّ وَ الشَّيْخُ الْأَجَلُ الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ بَابُوئِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا إِجَازَةً قَالَا أَمَلَى عَلَيْنَا الشَّيْخُ الْأَجَلُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الطُّوسِيُّ فَدَسَّ سِرَّهُ وَ أَخْبَرَنِي بِذَلِكَ الشَّيْخُ الْعَالِمُ الْحُسَيْنُ بْنُ الْفَتْحِ الْوَاعِظُ الْجُرْجَانِيُّ فِي مَشْهَدِ الرِّضَاعِ قَالَ أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْإِمَامُ أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الطُّوسِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ فَدَسَّ سِرَّهُ قَالَ أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُطَّلِبِ الشَّيْبَانِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ رَجَاءُ بْنُ يَحْيَى الْعَبْرَتَائِيُّ الْكَاتِبُ سَنَةَ أَرْبَعِ عَشْرَةَ وَ ثَلَاثِمِائَةَ وَ فِيهَا مَاتَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مَيْمُونٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمُّ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ وَهْبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهِنَاءِ [الْهِنَائِيِّ] قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو حَرْبٍ بْنُ أَبِي الْأَسْوَدِ الدَّوَلِيِّ عَنْ أَبِي الْأَسْوَدِ عَنِ ابْنِ دُرِّعَانَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): «... يَا أَبَا ذَرٍّ! إِنَّكَ فِي مَمَرِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ فِي أَجَالٍ مُنْقُوصَةٍ وَ أَعْمَالٍ مَحْفُوظَةٍ وَ الْمَوْتُ يَأْتِي بَعْتَهُ وَ مَنْ يَزْرَعُ خَيْرًا يُوشِكُ أَنْ يَحْصُدَ خَيْرًا وَ مَنْ يَزْرَعُ شَرًّا يُوشِكُ أَنْ يَحْصُدَ نَدَامَةً وَ لِكُلِّ زَارِعٍ مِثْلُ مَا زَرَعَ...»

رسول خدا (صلى الله عليه وآله): «... ای ابوذر! تو در مسیر گذشت شب و روز و در کمین اجلهای ناگهانی می‌باشی و اعمال تو همه محفوظ خواهد ماند و مرگ ناگهان می‌رسد، و هر که تخم خیرات بکارد خیر درو می‌کند و هر که تخم فساد و شرّ کشت کند محصول ندامت برچیند، و هر کشت‌کننده‌ای همان درو کند که کاشته است...»

مکارم الأخلاق، ص ۶۰

الوافي، ج ۲۶، ص ۱۸۷ / بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۷۶

قال رسول الله ص: اَطْلُبُوا الْخَيْرَ دَهْرَكُمْ وَ تَعَرَّضُوا لِتَفَحَاتِ رَحْمَةِ اللَّهِ فَإِنَّ لِلَّهِ نَفَحَاتٍ مِنْ رَحْمَتِهِ. يُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ.

پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله): در سراسر عمر خود، خیر را طلب کنید و خویشتن را در معرض نسیم‌های خداوندی قرار دهید؛ زیرا نسیم رحمت خدا، گه‌گاه می‌وزد و به هر يك از بندگانش که او بخواهد، می‌رسد.

شرح فارسی شهاب الأخبار (فضاعی، ۴۵۴ ق)، ص ۳۱۸

عن عليّ عليه السلام: بأعمال الخَيْرِ فتبادروها، ولا يَكُنْ غَيْرُكُمْ أَحَقَّ بِهَا مِنْكُمْ.

امام علی علیه السلام: در انجام کارهای خیر شتاب ورزید، و مباد که دیگران به آنها سزاوارتر از شما شوند.

غرر الحکم، ص ۴۴۸



۲/۲/۱/۲. افشاء "شر"
 اضافه شده به مفاهیم
 "خیر"؛ دومین مفهوم
 پیشینی و سیاقی مفهوم
 هنر (چارچوبها و اصول
 فرم) از نظر انبیاء («هنر
 برای افشاء شر اضافه شده
 به مفاهیم خیر». نه «هنر
 برای هنر»!

در کنار این بحث پیشینی و به لازمه این بحث، یک بحث پیشینی دیگری متولد می‌شود [که عبارت است از اینکه]: بعضی وقتها "شر"ها، زینتی از "خیر" را برای خودشان تهیه می‌کنند؛^{۲۰} ما از هنر

۲۰. ارجاع پژوهشی: عنه (احمد بن محمد بن خالد) عن علي بن عيسى القاساني عن ابن مسعود الميسري رفعه قال: قال المسيح ع: كونوا ثقاداً أكلام فكتم من ضلاله زحرفت باية من كتاب الله كما زحرف الذرهم من نحاس بالفضة الممؤهة النظر إلى ذلك سواة و البصراء به خبراء.

عیسی بن مریم علیه السلام: حق را از اهل باطل فرا گیرید، و باطل را از اهل حق فرا نگیرید. ناقدان سخن باشید؛ زیرا چه بسا گمراهی‌ای که با آیه‌ای از کتاب خدا آراسته می‌شود، چنان که سگه مسین را با نقره روکش کنند! به نظر، نقره می‌نماید؛ لیک روشن‌بینان، آن را می‌شناسند.

المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۹

بحار الأنوار، ج ۲، ص ۹۶ / نوادر الأخبار (للفیض)، ص ۳۶ / إنبات الهداة (شیخ حر عاملی)، ج ۱، ص ۹۵

علي بن إبراهيم عن أبيه عن حماد بن عيسى عن إبراهيم بن عمر اليماني عن عمر بن أذينة عن أبان بن أبي عياش عن سليمان بن قيس الهلالي عن أمير المؤمنين ع: ... الشبهة على أربع شعب: إعجاب بالزينة و تسويل النفس و تأول العوج و لبس الحق بالباطل و ذلك بأن الزينة تضدف عن البينة و أن تسويل النفس يثجم على الشهوة و أن العوج يميل بصاحبه ميلاً عظيماً و أن اللبس ظلمات بعضها فوق بعض.

شبهه بر چهار شعبه است: اعجاب و خوش آمدن از زینت، و فریب دادن نفس، و توجیه کجروی‌ها، و پوشاندن حق به وسیله باطل. به این صورت که زینت از دلیل منحرف می‌کند و فریب دادن نفس را به شهوت می‌اندازد، و کجروی صاحبش را به انحراف عظیمی می‌اندازد، و پوشاندن حق به باطل ظلماتی روی هم است.

الكافي، ج ۲، ص ۳۹۳ / کتاب سلیم بن قیس الهلالي، ج ۲، ص ۹۵۱ / تحف العقول، ص ۱۶۷

وسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۳۴۲ / بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۳۸۴

من كلام لاميرالمومنين ع: إنما بدء و فوع الفتن أهواء تتبع و أحكام تتدع يخالف فيها كتاب الله و يتولى عليها رجال رجلاً على غير دين الله فلو أن الباطل خلص من مزاج الحق لم يخف على المتأدين و لو أن الحق خلص من لبس الباطل انقطعت عنه ألسن المعاندين و لكن يؤخذ من هذا ضغث و من هذا ضغث فيمترجان فهناك يستولي الشيطان على أوليائه و ينجو الذين سبقت لهم من الله الحسنى.

امیرالمومنین (علیه السلام): آغاز پیدایش فتنه‌ها، هوس‌هایی دنبال شده و احکامی بدعت نهاده شده است که با کتاب خدا مخالفت دارند و بر اساس آنها و بر خلاف دین خدا، برخی، ولایت برخی دیگر را می‌پذیرند. پس اگر باطل با حق در نمی‌آمیخت، بر حق جویان، پوشیده نمی‌ماند و اگر بر حق، جامه باطل نمی‌پوشانند، زبان معاندان از آن، کوتاه می‌شد؛ اما اندکی از این و اندکی از آن می‌گیرند و به هم می‌آمیزند و در این جاست که شیطان بر دوستانش مسلط می‌شود و [تنها] کسانی که لطف الهی بر آنها پیشی گرفته، نجات می‌یابند.

نهج البلاغة (خطبه ۵۰)، ص ۸۸

الكافي، ج ۱، ص ۵۴ (با اندکی تفاوت)

سند کافی: الحسين بن محمد الأشعري عن معلي بن محمد بن الحسن بن علي الوشاء و عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن ابن فضال جميعاً عن عاصم بن حميد عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر ع عن أمير المؤمنين ع



استفاده می‌کنیم که توجه بدهیم که بخش فرعی به یک "شر" اضافه شده است، یک لباس خیری به یک شری پوشانده شده است!

من گاهی اوقات که تدریس می‌کنم، در این مواقع یک مثالی به انیمیشن باب اسفنجی^{۲۱} می‌زنم؛ که حتماً هم خودتان و هم فرزندانتان آن را دیده‌اید. اصل ایده این انیمیشن چیست؟ این کسی که این انیمیشن را طراحی کرد، اصل ایده‌اش این بوده که "هفت شر مطرح در تورات" را به بچه‌ها به شکل خوب معرفی کند! ما در کتاب تورات (همین توراتی که تحریف شده است) هفت شر را از زبان حضرت موسی (ع) معرفی کرده و مردم را پرهیز داده که [مبادا] به این هفت شر مبتلا بشوند؛^{۲۲} مثلاً

۲/۱/۲/۲/۱. مثال:
انیمیشن باب اسفنجی
(معرفی هفت "شر"
نهی شده در تورات (مانند:
حرص، شهوت‌گرایی،
سبک‌سری و...) به صورت
زیبا و "خیر" به کودکان!)

المحاسن، ج ۱، ص ۲۰۸ و ۲۱۸

سند محاسن: عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَصَّالٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع
الأصول الستة عشر (کتاب عاصم بن حمید الحنطاط)، ص ۱۵۴

بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳۱۵ و ۲۹۰ / الوافی، ج ۱، ص ۲۴۳ / الفصول المهمة (تکملة الوسائل)، ج ۱، ص ۵۳۰

۲۱. **ارجاع پرورشی:** باب اسفنجی شلوارمکعبی (به انگلیسی: SpongeBob SquarePants) یک مجموعه پویانمایی تلویزیونی آمریکایی است که توسط مربی علوم دریایی و انیماتور، استیون هیلنبرگ ساخته شده است که اولین بار در نیکلودئون پس از جوایز منتخب کودکان در سال ۱۹۹۹ در ۱ مه ۱۹۹۹ و به‌طور رسمی در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۹ پخش شد.

۲۲. **ارجاع پژوهشی:** زُوي عن الصادق عليه السلام أَنَّهُ قَالَ لِبَعْضِ تَلَامِيذِهِ: أَيُّ شَيْءٍ تَعَلَّمْتَ مِنِّي؟ قَالَ لَهُ: يَا مَوْلَايَ ثَمَانِ مَسْأَلٍ. قَالَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَضَّهَا عَلَيَّ لِأَعْرِفَهَا، قَالَ: الْاُولَى: رَأَيْتُ كُلَّ مَحْبُوبٍ يَفَارِقُ عِنْدَ الْمَوْتِ حَبِيبَتَهُ، فَصَرَفْتُ هِمَّتِي إِلَى مَا لَا يَفَارِقُنِي بَلْ يُونِسُنِي فِي وَحْدَتِي وَهُوَ فِعْلُ الْخَيْرِ، فَقَالَ: أَحْسَنْتَ وَاللَّهِ.

الثَّانِيَةُ قَالَ: رَأَيْتُ قَوْمًا يَفْخَرُونَ بِالْحَسَبِ وَالْآخِرِينَ بِالْمَالِ وَالْوَالِدَ إِذَا ذَلِكَ لَا فَخْرَ، وَرَأَيْتُ الْفَخْرَ الْعَظِيمَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» فَاجْتَهَدْتُ أَنْ أَكُونَ عِنْدَهُ كَرِيمًا، قَالَ: أَحْسَنْتَ وَاللَّهِ! الثَّالِثَةُ قَالَ: رَأَيْتُ لَهْوَ النَّاسِ وَطَرَبَهُمْ، وَسَمِعْتُ قَوْلَهُ تَعَالَى: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» فَاجْتَهَدْتُ فِي صَرْفِ الْهَوَىٰ عَنِ نَفْسِي حَتَّى اسْتَقَرَّتْ عَلَيَّ طَاعَةُ اللَّهِ تَعَالَى، قَالَ: أَحْسَنْتَ وَاللَّهِ! الرَّابِعَةُ قَالَ: رَأَيْتُ كُلَّ مَنْ وَجَدَ شَيْئًا يَكْرَهُ عِنْدَهُ اجْتَهَدَ فِي حِفْظِهِ، وَسَمِعْتُ قَوْلَهُ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعَفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» فَأَحْبَبْتُ الْمُضَاعَفَةَ، وَلَمْ أَرِ أَحْفَظْ مِمَّا يَكُونُ عِنْدَهُ، فَكَلَّمَا وَجَدْتُ شَيْئًا يَكْرَهُ عِنْدِي وَجَّهْتُ بِهِ إِلَيْهِ لِيَكُونَ لِي دُخْرًا إِلَى وَقْتِ حَاجَتِي إِلَيْهِ، قَالَ: أَحْسَنْتَ وَاللَّهِ! الْخَامِسَةُ قَالَ: رَأَيْتُ حَسَدَ النَّاسِ بَعْضِهِمْ لِلْبَعْضِ فِي الرِّزْقِ، وَسَمِعْتُ قَوْلَهُ تَعَالَى: «نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا وَ رَحِمَتْ رَبِّكَ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» فَمَا حَسَدْتُ أَحَدًا وَلَا أَسِفْتُ عَلَيَّ مَا فَاتَنِي، قَالَ: أَحْسَنْتَ وَاللَّهِ! السَّادِسَةُ قَالَ: رَأَيْتُ عِدَاوَةَ بَعْضِهِمْ لِبَعْضٍ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَالْخِزَايَاتِ الَّتِي فِي صُدُورِهِمْ، وَسَمِعْتُ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا» فَاشْتَعَلْتُ بِعِدَاوَةِ الشَّيْطَانِ عَنِ عِدَاوَةِ غَيْرِهِ، قَالَ: أَحْسَنْتَ وَاللَّهِ! السَّابِعَةُ قَالَ: رَأَيْتُ كَدْحَ النَّاسِ وَاجْتِهَادَهُمْ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ، وَسَمِعْتُ قَوْلَهُ تَعَالَى: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ * مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَ مَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونَ * إِنَّ اللَّهَ هُوَ



الرَّزَائِيُّ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» فَعَلِمْتُ أَنَّ وَعْدَهُ وَقَوْلُهُ صِدْقٌ، فَسَكَنْتُ إِلَى وَعْدِهِ، وَرَضِيْتُ بِقَوْلِهِ، وَاشْتَعَلْتُ بِمَا لَهُ عَلَيَّ عَمَّا لِي عِنْدَهُ، قَالَ: أَحْسَنْتَ وَاللَّهِ.

الثَّامِنَةُ قَالَ: رَأَيْتُ قَوْمًا يَتَّكِلُونَ عَلَى صِحَّةِ أَبْدَانِهِمْ، وَقَوْمًا عَلَى كَثْرَةِ أَمْوَالِهِمْ، وَقَوْمًا عَلَى خَلْقِ مِثْلِهِمْ، وَسَمِعْتُ قَوْلَهُ تَعَالَى: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا* وَبِرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَّكِلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ [إِنَّ اللَّهَ بِالْبَالِغِ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا]» فَاتَّكَلْتُ عَلَى اللَّهِ وَزَالَ اتِّكَالِي عَلَى غَيْرِهِ، فَقَالَ لَهُ: وَاللَّهِ إِنَّ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَالزَّبُورَ وَالْفُرْقَانَ وَسَائِرَ الْكُتُبِ تَرْجِعُ إِلَى هَذِهِ الثَّمَانِ الْمَسْأَلِ.»

روایت شده است که امام صادق علیه السلام خطاب به یکی از شاگردان خود فرمود: تو از من چه آموخته‌ای؟ عرض کرد: سرورم! هشت مسأله آموخته‌ام. فرمود: بگو بدانم چیست. عرض کرد: نخست این که دریافتم هر محبوبی، در هنگام مرگ، از حبیب خود جدا می‌شود. از این رو، هم خود را مصروف چیزی کردم که از من جدا نمی‌شود، بلکه یار تنهایی من است و آن کار نیک است. حضرت فرمود: آفرین! دوم این که مشاهده کردم قومی به تبار خود می‌نازند و جماعتی به مال و فرزند، در صورتی که اینها افتخار نیست، بلکه افتخار بزرگ را در این سخن خداوند متعال یافتیم که: «همانا گرامیترین شما در پیشگاه خدا پرهیزگارتین شماست». بنابراین، کوشش کردم تا نزد او گرامی باشم. حضرت فرمود: آفرین! سوم این که هوسرانی و خوشگذرانی مردم را دیدم و این فرموده خداوند متعال را نیز شنیدم: «اما آن که از مقام پروردگارش ترسید و نفس را از هوس بازداشت، بهشت جایگاه اوست»؛ پس، سعی کردم نفس را از هوس باز دارم تا بر طاعت خداوند متعال آرام و قرار گیرد. حضرت فرمود: آفرین! چهارم این که دیدم هر کس به چیزی که برایش ارزشمند است دست یابد، در نگهداری آن می‌کوشد و این سخن خداوند سبحان را شنیدم: «کیست که به خداوند وام نیکو دهد و او آن را برایش دو چندان گرداند و مزدی کریمانه به وی دهد». و من دو چندان شدن را پسندیدم و محفوظتر از آنچه نزد خداست چیزی ندیدم. بنابراین، هر چیزی که می‌یافتم و برابرم ارزشمند بود آن را به خدا دادم، تا برای زمانی که بدان نیاز دارم پس‌انداز شود. حضرت فرمود: آفرین! پنجم این که دیدم مردم به روزی هم حسادت می‌ورزند و این سخن خداوند متعال را شنیدم: «ما روزی آنها را در زندگی این جهان میانشان تقسیم کردیم و برخی را بر برخی دیگر برتری دادیم، تا عده‌ای، عده‌ای دیگر را به خدمت گیرند. و رحمت پروردگارت از آنچه آنها گرد می‌آورند بهتر است». بنابراین، به هیچ کس حسد نبردم و برای آنچه از دستم رفته افسوس نخوردم. حضرت فرمود: آفرین! ششم این که دیدم مردم در این سرای دنیا با یکدیگر دشمنی و کینه می‌ورزند و این سخن خداوند متعال را شنیدم: «همانا شیطان دشمن شماست؛ پس شما نیز او را دشمن دارید». از این رو به دشمنی با شیطان پرداختم و از دشمنی با جز او فارغ گشتم. حضرت فرمود: آفرین! هفتم این که دیدم مردم در تحصیل روزی، خود را به رنج و زحمت می‌اندازند و این سخن خداوند متعال را شنیدم: «جَنِّ و انس را نیافریدم، مگر برای این که مرا عبادت کنند. از آنها رزقی نمی‌خواهم و نمی‌خواهم که مرا اطعام کنند. خداست روزی دهنده و اوست صاحب نیروی سخت استوار» و دانستم که وعده و سخن او راست است و به وعده او اطمینان کردم و سخنش را پذیرفتم و به انجام وظیفه‌ای که در قبال او دارم (عبادت و شناخت) پرداختم و از به رنج افکندن خود در طلب روزی‌ای که نزد او دارم [و رساندنش را تضمین کرده است] فارغ گشتم. حضرت فرمود: آفرین! هشتم این که دیدم عده‌ای به تندرستی خود تکیه می‌کنند و گروهی به پول و ثروت فراوان خویش و جماعتی دیگر به امثال این چیزها. و سخن خداوند متعال را شنیدم: «هر کس از خدا بترسد، خداوند برای او برونشوی قرار دهد و از جایی که گمانش را هم نمی‌برد روزیش دهد و هر که به خدا تکیه و توکل کند، خداوند او را بس است». پس، به خدا تکیه کردم و تکیه‌ام به جز او از بین رفت. حضرت فرمود: به خدا قسم که تورات و انجیل و زبور و فرقان و دیگر کتابها [ی آسمانی] همگی به این هشت مسأله برمی‌گردند.

مجموعه ورام، ج ۱، ص ۳۰۳

إرشاد القلوب إلى الصواب (للديلمي)، ج ۱، ص ۱۸۷



یکی از این هفت شرّ، "شرّ شهوت‌گرایی" است که کاراکتر (Character)^{۲۳} این شرّ در انیمیشن باب اسفنجی، سنجاب است. در این سریال انیمیشنی یک شرّ دیگری هم وجود دارد که "شرّ حرص" است که کاراکترش صاحب آن رستوران است. پس در اینجا حرص را هم خواسته برجسته کند. یکی دیگر [از شرّها] "سُبک سری" و تصمیمات دقیق نگرفتن یعنی عدم استفاده از عقل است که مظهر آن خود «باب اسفنجی» است. شخصیت‌های دیگری هم در این انیمیشن وجود دارند.

اصل کاراکترها در واقع به دنبال برجسته‌سازی هفت شرّ مطرح در تورات هستند؛ اما چطوری این مفاهیم شرّ را زیبا جلوه می‌دهند؟ مثلاً یکی از مظاهر [زیبا جلوه‌دادن مفاهیم شرّ] در این انیمیشن باب اسفنجی، استفاده از "رنگ" است؛ مثلاً از گرما و جذابیت رنگ قرمز، در تعریف کاراکتر سنجاب استفاده کرده است. یا از جذابیت و نشاط‌آفرینی رنگ زرد، برای بازآفرینی شخصیت باب اسفنجی استفاده کرده است. گاهی وقت‌ها اینطور است که اصل مسئله موضوع روایت، شرّ است؛ ولی یک مفاهیم فرعی زینت‌آفرین به آن شرور اضافه می‌شوند.

پس این هم باید مورد توجه قرار بگیرد که: اگر ما قائل به فرمالیسم شدیم (خصوصاً فرمالیست‌های اولیه و افراطی که ابتدا این بحث‌ها را مطرح کردند)، گاهی وقت‌ها می‌آییم با چارچوب‌های هنری و چارچوب‌هایی که زیبایی‌آفرینی می‌کنند، مفاهیم شرّ را تثبیت می‌کنیم. این عرض من است.

بنابراین من معتقدم که: از نظر تفکر انبیاء، مفهوم اصلی [و پیشینی] قبل از این که وارد "مفهوم هنر" بشویم، "مفهوم خیر و شرّ" است. انبیاء خیلی توجه دارند که انسان‌ها به سمت "مفاهیم خیر" بروند و به سمت "مفاهیم شرّ" نروند، مفاهیم خیر در ذهنشان مثبت باشد و مفاهیم شرّ در ذهنشان منفی تلقی بشود؛ این غرض اصلی است. و حالا برای این که این کارها را انجام بدهند، از یک فرم روایتی خوب هم استفاده می‌کنند.



بنابراین غرض اصلی "برجسته‌سازی حالات خیر و مطلوب"، یا "افشاء لایه شرّ اضافه‌شده به مفاهیم خیر" است. این هدف اصلی است.

۲/۲. فوائد سیاق مفهوم هنر (برجسته سازی مفاهیم و حالات خیر + افشاء شرّ اضافه شده به مفاهیم خیر) از نظر انبیاء (تصویر)

حالا این کار را که انبیاء مدنظر دارند و انجام می دهند، فوایدی را برای بشر به وجود می آورد.^{۲۴}

۲/۲/۱. فائده اول: توجه دادن مخاطب نسبت به مفهوم محاسبه و تقاص (مراقبت در انجام کارها؛ بخاطر اندیشیدن در عاقبت آنها)

یکی از آن فوائد، "مفهوم محاسبه و تقاص"^{۲۵} است. این مفهوم یک مفهومی است که آدم‌ها را به این نتیجه می‌رساند که امور را به خیر و شرّ تقسیم کنند. بحث‌های دقیق من اینجاست! شما اگر توانستید از ذهن یک نفری مفهوم محاسبه و تقاص را حذف کنید، [خواهید توانست] به او بگویید که خیر و شرّ با هم فرقی ندارد. اما اگر توانستید با او تفاهم کنید که [مفهومی با عنوان محاسبه و تقاص در عالم وجود دارد، قطعاً بین خیر و شرّ تفاوت قائل خواهد شد]. به تعبیر نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله): «فَاعْمَلْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مُلَاقِيهِ»؛^{۲۶} یعنی: «تو هر عملی را که می‌خواهی

۲۴. انتقال از متن: چون آخرالزمان است اجازه بدهید من اندکی از فوائد "مفهوم خیر" را در مقابل "مفهوم شرّ" توضیح بدهم! متأسفانه مفاهیم بدیهی هم در "ظلمات تمدن مدرنیته" زیر سوال رفته است! اخیراً این جنبش‌های همجنس‌گرایی و... را که انسان مشاهده می‌کند، می‌بیند که مثلاً یک نفری آمده و می‌گوید که: «تمایل پیدا کرده‌ام که «زن» بشوم!» یعنی: [در این دوران آخرالزمان] فطریات هم دارد تبدیل می‌شود! حالا این نوع تمایلات چطور به وجود می‌آید؟ آیا مثل فطرت است؟ یا خلاف فطرت است؟ اینها یک مباحث دیگری است که جای دیگری باید به آن بپردازیم. بنابراین مهم است که انسان دوباره بازخوانی کند که چرا باید مفهوم خیر را برجسته‌سازی کند؟ و مفهوم شرّ را تضعیف کند؟ یا [چرا باید] یک شری که خودش را در لایه‌های خیر به عقول و قلوب انسان‌ها نفوذ می‌دهد را افشاء کند؟

۲۵. ارجاع پرورشی: الْقُصُ: تَبِعَ الْأَثَرَ (به دنبال آمدن اثر کار).

مفردات الفاظ القرآن، ص ۶۷۱

تَقَاصٌ - تَقَاصًا [قَصٌّ] الْقَوْمُ: آن قوم در حسابرسی یا جز آن از هم قصاص گرفتند.

فرهنگ ابجدی فارسی عربی، ج ۱، ص ۲۴۶

۲۶. ارجاع پژوهشی: الْخِصَالُ، عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْكُمُنْدَانِيِّ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِحَبْرَتَيْهِ: عِظْنِي فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! عِشْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ. وَ أَحْبِبْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مُفَارِقُهُ. وَ اعْمَلْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مُلَاقِيهِ. شَرَّفَ الْمُؤْمِنِ صَلَاتُهُ بِاللَّيْلِ. وَ عِزُّهُ كَفُّهُ عَنِ اعْتِرَاضِ النَّاسِ.



انجام بده فقط بدان آن عمل را روزی ملاقات خواهی کرد»؛ یعنی در عالم یک مفهومی به نام "مفهوم تقاض و محاسبه" وجود دارد.^{۲۷}

امام صادق (علیه السلام): رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به جبرئیل فرمود: مرا اندرزی بنما، عرض کرد: یا محمد! هر چه خواهی زندگی کن که عاقبت خواهی مُرد. و هر چه را خواهی دوستش بدار که آخر کار از آن جدا خواهی شد. و هر چه خواهی انجام بده که به کرده خویش خواهی رسید. شرافت مومن در این است که شب نماز گذارد. و عزتش در اینکه از ریختن آبروی مردم خودداری کند.

الخصال، ج ۱، ص ۷ / من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۹۹ / اعتقادات الإمامیه (للمصدق)، ص ۸۵
روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۲۱
وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۱۴۶ / بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۱۴۱

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: عَلَّمَنِي جِبْرِئِيلُ ع وَ أَوْجَرَ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ أَحِبِّ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مُفَارِقُهُ وَ عِشْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ وَ اَعْمَلْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مُلَاقِيهِ.
رسول خدا (صلی الله علیه و آله): جبرئیل به صورت مفید و مختصر به من تعلیم داد که ای محمد! هر چه را میخوای دوست داشته باش؛ پس از آن جدا خواهی شد. و هر طور میخوای زندگی کن؛ پس خواهی مُرد. و هر کاری که میخوای انجام بده؛ پس تو آن را ملاقات خواهی کرد.

الجعفریات (الأشعثیات)، ص: ۱۸۱
مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱، ص: ۱۲۲

مِنْ كِتَابٍ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَتَى جِبْرِئِيلُ رَسُولَ اللَّهِ ص فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ يُفَرِّقُكَ السَّلَامَ وَ يَفْوُكُكَ اَعْمَلْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ لَاقِيهِ وَ أَحِبِّ مَنْ شِئْتَ فَإِنَّكَ مُفَارِقُهُ وَ عِشْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ يَا مُحَمَّدُ صَلَاةَ اللَّيْلِ شَرَفُ الْمُؤْمِنِ وَ عِزُّ الْمُؤْمِنِ فِي لِسَانِهِ.
امام صادق (علیه السلام): جبرئیل خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد و عرض کرد: ای محمد! خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: هر کاری می‌خواهی انجام بده زیرا به آن خواهی رسید، و هر که را می‌خواهی دوست بدار، زیرا از وی جدا خواهی شد، و هر چه می‌خواهی زندگی کن زیرا تو خواهی مرد، ای محمد! نماز شب شرافتی برای مؤمن است، و عزت مؤمن در گرو زبان اوست.
مشكاة الأنوار، ص ۳۰۴

قَوْلُهُ ص: إِنَّ رُوحَ الْقُدُسِ نَفَتْ فِي رُوعِي أَحِبِّ مَا أَحَبَّبْتَ فَإِنَّكَ مُفَارِقُهُ وَ عِشْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ وَ اَعْمَلْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مَجْرِيٌّ بِهِ.
رسول خدا (صلی الله علیه و آله): همانا روح القدس (جبرئیل) به من وحی کرد که: هر چه را دوست داری دوست داشته باش؛ پس از آن جدا خواهی شد. هر طوری می‌خواهی زندگی کن؛ پس تو خواهی مُرد. و هر چه می‌خواهی انجام بده؛ پس تو به آن جزا داده خواهی شد.

أعلام الدين، ص ۲۴۲ / مجموعة ورام، ج ۱، ص ۲۵۵

۲۷. **ارجاع پژوهشی:** وَ وُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَ يَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَ وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَ لَا يَنْظُمُ رَبُّكَ أَحَدًا



و [در روز قیامت] کارنامه [ی عمل شما در میان] نهاده می‌شود. آن گاه، گناهکاران را از آنچه در آن است، بیمناک می‌بینی و می‌گویند: «ای وای بر ما! این چه نامه‌ای است که هیچ [کار] کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته، جز این که همه را به حساب آورده است؟!» و آنچه را انجام داده‌اند، حاضر می‌یابند؛ و پروردگار تو به هیچ کس ستم روا نمی‌دارد.

سوره مبارکه کهف، آیات ۴۷ تا ۴

حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاؤُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَ أَبْصَارُهُمْ وَ جُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ* وَ قَالُوا لَوْلَا جُلُودُهُمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَ هُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ* وَ مَا كُنْتُمْ تَسْتَوِيُونَ أَنْ يُشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَ لَا أَبْصَارُكُمْ وَ لَا جُلُودُكُمْ وَ لَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ.

چون [دوزخیان] به کنار آتش جهنم آیند، گوش و چشم‌ها و پوست‌هایشان، بر علیه آنچه می‌کرده‌اند شهادت می‌دهند! * به پوست‌های خود گویند: چرا بر ضد ما شهادت دادید؟! گویند: آن خدایی که هر چیزی را به سخن می‌آورد، ما را به سخن آورده است و اوست که نخستین بار شما را آفرید و به سوی او باز می‌گردید * از این که گوش و چشم‌ها و پوست‌های شما بر ضد شما گواهی دهند، [گناهاتان را] پنهان نمی‌کردید؛ ولی گمان می‌کردید که خداوند بر بسیاری از کارهایی که انجام می‌دادید آگاه نیست.

سوره مبارکه فصلت، آیات ۲۰ الی ۲۲

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا مِنْ يَوْمٍ يَأْتِي عَلَى ابْنِ آدَمَ إِلَّا قَالَ لَهُ ذَلِكَ الْيَوْمُ يَا ابْنَ آدَمَ أَنَا يَوْمٌ جَدِيدٌ وَ أَنَا عَلَيْكَ شَهِيدٌ فَقُلْ فِيهِ خَيْرًا وَ اعْمَلْ فِيهِ خَيْرًا أَشْهَدُ لَكَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَإِنَّكَ لَنْ تَرَانِي بَعْدَهَا أَبَدًا. قَالَ: وَ كَانَ عَلِيٌّ ع إِذَا أَمْسَى يَقُولُ مَرْحَبًا بِاللَّيْلِ الْجَدِيدِ وَ الْكَاتِبِ الشَّهِيدِ أَكْتُبَا عَلَيَّ اسْمَ اللَّهِ ثُمَّ يَذْكُرُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: هیچ روزی بر آدمی زاده نگذرد مگر اینکه آن روز به انسان گوید: ای آدمی زاده! من روز جدید هستم و بر تو گواه و شاهدم؛ پس در من کار خوب انجام بده تا در روز رستاخیز برای تو شهادت بدهم؛ چرا که پس از این هرگز مرا نخواهی دید! و همچنین فرمود: امیرالمومنین (علیه السلام) همیشه وقتی شب می‌شد می‌فرمود: مرحبا به این شب تازه و نویسنده گواه؛ نام خدا را بنویسید، سپس شروع به ذکر خداوند عز و جل می‌کرد.

الکافی، ج ۲، ص ۵۲۳ / وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۷۲

عَنْ خَالِدِ بْنِ يَحْيَى [نَجِيج] عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: فِي قَوْلِهِ «افْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ شَهِيدًا» قَالَ: يَذْكُرُ الْعَبْدُ جَمِيعَ مَا عَمِلَ وَ مَا كُتِبَ عَلَيْهِ حَتَّىٰ كَانَتْهُ فَعَلَهُ تِلْكَ السَّاعَةَ؛ فَلِذَلِكَ قَوْلُهُ «يَا وَيَلْتَنَّا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُعَادِرُ صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا»!

امام صادق (علیه السلام) درباره آیه «بخوان نامهات را امروز تو برای رسیدگی به حسابت بسنده‌ای» فرمود: تمام کارهایی را که بنده انجام داده و آنچه برای او نوشته شده است، به او یادآوری می‌شود به طوری که گویی در همان لحظه انجامشان داده است. به همین دلیل می‌گویند: «وای بر ما! این چه نامه‌ای است که هیچ ریز و درشتی را از قلم نینداخته است!»

تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۳۲۸ / بحار الأنوار، ج ۷، ص ۳۱۵



بنابراین اگر کسی به "تقاص و محاسبه" قائل شد، خود به خود امور را در ذهن خودش به امور خیر و شرّ تقسیم خواهد کرد. اما اگر آدم‌ها به تعبیر صحیح انبیاء، دچار غفلت و سهو شدند [و دیگر قائل به مفهوم تقاص و محاسبه نبودند و به عاقبت کارهای خود توجه نداشتند]، دیگر خیر و شرّ برای آنها موضوعیت ندارد! این پس یک دلیل. دلیل مهمی است.

آقایان! خانم‌های محترم! در عالم یک مفهومی به نام "مفهوم تقاص" و "مفهوم محاسبه" وجود دارد. بنابراین نباید یک کاری را انجام بدهیم که موقع محاسبه و تقاص دچار ضرر و زیان بشویم. وقتی دارید تصمیم به انجام کاری می‌گیرید، سعی کنید که بعد از انجام آن، به تقاص و نتیجه خوب

عَنْ خَالِدِ بْنِ نَجِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ دُفِعَ إِلَى الْإِنْسَانِ كِتَابُهُ ثُمَّ قِيلَ لَهُ: اقْرَأ. قُلْتُ فَيَعْرِفُ مَا فِيهِ؟ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ يُدَكِّرُهُ فَمَا مِنْ لِحْظَةٍ وَلَا كَلِمَةٍ وَلَا تَقْلٍ قَدِمَ وَلَا شَيْءٍ فَعَلَهُ إِلَّا ذَكَرَهُ كَأَنَّهُ فَعَلَهُ تِلْكَ السَّاعَةَ؛ فَلِذَلِكَ قَالُوا: «يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُعَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا!»

امام صادق (علیه السلام): چون روز قیامت شود کارنامه انسان به او داده می‌شود و می‌گویند: آن را بخوان. [راوی می‌گوید: عرض کردم: آنچه را در آن کارنامه هست می‌شناسد؟ حضرت فرمود: هیچ نگاهی نکرده و هیچ کلمه‌ای نگفته و هیچ قدمی برداشته و هیچ کاری انجام نداده باشد، مگر این که در آن نامه ذکر شده است و او آنها را به یاد آورد به طوری که گویی همان لحظه آنها را انجام داده است. به همین دلیل می‌گویند: «وای بر ما! این چه نامه‌ای است که هیچ ریز و درشتی را از قلم نینداخته است!»

تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۳۲۸ / بحار الأنوار، ج ۷، ص ۳۱۵

امیرالمومنین علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لَا يَخْفَى عَلَيْهِ مَا الْعِبَادُ مُقْتَرِفُونَ فِي لَيْلِهِمْ وَنَهَارِهِمْ، لَطَفَ بِهِ خُبْرًا، وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمًا، أَعْضَاؤُكُمْ شُهُودٌ، وَجَوَارِحُكُمْ جُنُودٌ، وَصِمَاتُكُمْ عِيُونٌ، وَخَلَوَاتُكُمْ عِيَانٌ.

امیرالمومنین علیه السلام: آنچه را که بندگان در شب و روز خود انجام می‌دهند بر خداوند پاک و بزرگ پوشیده نیست. به کوچکترین کارشان آگاه و به کردارشان داناست و احاطه دارد. اعضای بدن شما شاهدان او هستند و اعضاء و جوارح شما سپاهیان او، و درون شما جاسوسان او و خلوت‌های شما نزد او آشکار است.

نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹ / بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۴۵۰

امیرالمومنین علیه السلام: اَعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ عَلَيْكُمْ رَصْدًا مِنْ أَنْفُسِكُمْ، وَعِيونًا مِنْ جَوَارِحِكُمْ، وَحُقَاظَ صِدْقِي يَحْفَظُونَ أَعْمَالَكُمْ، وَعَدَدَ أَنْفَائِكُمْ!

امیرالمومنین علیه السلام: بدانید ای بندگان خدا! که دیده‌بانانی از خود شما، و جاسوسانی از اعضاء و جوارح شما، و نگهدارندگان صادقی که اعمال شما و تعداد نفَس‌های شما را حفظ می‌کنند، بر شما گماشته شده‌اند!

نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷ / بحار الأنوار، ج ۵، ص ۳۲۲



برسید. پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «إِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ»؛^{۲۸} یعنی: اگر خواستی تصمیمی بگیری، عاقبت و آخر آن را ببین. و پیامبر (صلی الله علیه و آله) [در ادامه این روایت،] معیار عاقبت سنجی را "خیر" و "شر" و "هدایت" و "ضلالت" قرار می دهد.^{۲۹}

۲۸. ارجاع پژوهشی: عَنْهُ (عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ) عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ مَسْعَدَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ ص فَقَالَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَوْصِنِي. فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص: فَهَلْ أَنْتَ مُسْتَوْصٍ إِنْ أَنَا أَوْصَيْتُكَ؟ حَتَّى قَالَ لَهُ ذَلِكَ ثَلَاثًا وَ فِي كُلِّهَا يَقُولُ لَهُ الرَّجُلُ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص: فَإِنِّي أَوْصِيكَ إِذَا أَنْتَ هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنْ يَكُ رُشْدًا فَامْضِهِ وَ إِنْ يَكُ غِيًّا فَانْتِهِ عَنْهُ.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: مردی خدمت پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! به من سفارشی کن؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: اگر به تو سفارشی کنم به آن عمل می کنی؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) سه بار این سخن را فرمود و آن مرد هر سه بار جواب داد: آری، ای رسول خدا. پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به او فرمود: به تو سفارش می کنم که هرگاه خواستی کاری انجام دهی، در عاقبت آن بیندیش؛ اگر کار درستی بود، آن را انجام ده و اگر نادرست بود از آن خودداری کن.

الكافي، ج ۸، ص ۱۵۰ / مجموعة ورام، ج ۲، ص ۱۴۶

الوافي، ج ۴، ص ۳۱۴ / وسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۲۸۱ / بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۳۹

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي وَصِيَّتِهِ لِمُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ قَالَ: ... مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَ الْآرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَايَا وَ مَنْ تَوَرَّطَ فِي الْأُمُورِ غَيْرِ نَاطِرٍ فِي الْعَوَاقِبِ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِمُفْطِعَاتِ النَّوَائِبِ وَ التَّدْبِيرِ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ مِنَ التَّدَمِّ وَ الْعَاقِلُ مَنْ وَعَظَهُ التَّجَارِبُ وَ فِي التَّجَارِبِ عِلْمٌ مُسْتَأْتَفٌ...

در وصیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به محمد بن حنفیه: ... هر آن کس که در امور جاریه و حوادث واقعه با دیگران مشورت کند موارد لغزشها را خواهد شناخت، کسی که بدون دقت در عواقب کارها وارد شود و بدون صلاح اندیشی کاری انجام دهد در مشکلات و سختیها گرفتار خواهد شد، و راه نجات پیدا نخواهد کرد. قبل از شروع هر کاری در موضوع آن دقت و بررسی کن تا موجبات پشیمانی فراهم نگردد، و ضرر و زیان متوجه تو نشود، عاقل آن کسی است که از تجارب پند گیرد، و تجربه علمی است که انسان از آن نتیجه خوب میتواند بگیرد...

من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۸۸

وسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۲۸۱ / مكاتيب الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص ۲۰۹ / هداية الأمة، ج ۵، ص ۵۴۶

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عِمْرَانَ الدَّقَائِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ الصُّوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو تَرَابٍ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى الزُّوْيَانِيُّ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الرِّضَا ع يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ حَدِّثْنِي بِحَدِيثٍ عَنْ آبَائِكَ ع فَقَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع ... التَّدْبِيرُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ مِنَ التَّدَمِّ...

امیرالمؤمنین (علیه السلام): ... تدبیر قبل از انجام عمل، تو را از پشیمانی ایمن می کند.

عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۵۴ / الأمالي (للصدوق)، ص ۴۴۷ / من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۸۸

كنز الفوائد، ج ۱، ص ۳۶۷ / تحف العقول، ص ۹۰ و ۸۸

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اذْكُرْ حَسْرَاتِ التَّفْرِيطِ، تَلَدَّ بِقَدِيمِ الْحَزْمِ.



پس توجه به "مفهوم تقاص و محاسبه"، تفکیک امور به خیر و شر را در ذهن‌ها متولد می‌کند.

امام هادی علیه السلام: حسرت‌های کوتاهی کردن [در کارها و اعمال] را به یاد آور، تا احتیاط و دوراندیشی در پیش گیری.

نزهة الناظر، ص ۱۴۱ / أعلام الدين، ص ۳۱۱

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۷۰

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ جَمِيعًا قَالَا حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ الْأَدَمِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ الرَّيَّاتِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ الْخَزَّازِ عَنْ ثَابِتِ بْنِ دِينَارٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفِ الْخَفَّافِ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقُولُ: ... الْحَزْمُ كِبَاسَةٌ ...

امیرالمومنین (علیه السلام): ... دوراندیشی، زیرکی است ...

الخصال، ج ۲، ص ۵۰۵ / بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۷۹

۲۹. **ارجاع پژوهشی:** عَنْهُ (عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ) عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ ص فَقَالَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَوْصِنِي. فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص: فَهَلْ أَنْتَ مُسْتَوْصٍ إِنْ أَنَا أَوْصَيْتُكَ؟ حَتَّى قَالَ لَهُ ذَلِكَ ثَلَاثًا وَ فِي كُلِّهَا يَقُولُ لَهُ الرَّجُلُ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص: فَإِنِّي أَوْصِيكَ إِذَا أَنْتَ هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنْ يَكُ رُشْدًا فَاْمُضِهِ وَ إِنْ يَكُ غِيًّا فَانْتِهِ عَنْهُ.

امام صادق (علیه السلام): ... پیامبر (صلی الله علیه و آله): هرگاه خواستی کاری انجام دهی، در عاقبت آن بیندیش؛ اگر کار درستی بود، آن را انجام ده و اگر نادرست بود از آن خودداری کن.

الکافی، ج ۸، ص ۱۵۰ / مجموعة ورام، ج ۲، ص ۱۴۶

الوافي، ج ۴، ص ۳۱۴ / وسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۲۸۱ / بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۳۹

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: أَتَى رَسُولَ اللَّهِ ص رَجُلٌ فَقَالَ عَلَّمْنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ عَلَيْكَ بِالْبُاسِ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ فَإِنَّهُ الْغَنَى الْحَاضِرُ قَالَ زِدْنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِيَّاكَ وَ الطَّمَعُ فَإِنَّهُ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ قَالَ زِدْنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: إِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنْ يَكُ خَيْرًا وَ رُشْدًا فَاتَّبِعْهُ وَ إِنْ يَكُ غِيًّا فَدَعْهُ. امام باقر علیه السلام فرمود: مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! مرا بیاموز، فرمود: از آنچه در دست مردم می‌بینی ناامید باش، زیرا این کار بی‌نیازی فعلی است، عرض کرد: ای رسول خدا! بیافزای بر من، فرمود: هرگاه قصد کاری کردی به آینده آن بیندیش، اگر خیر و هدایت بود آن را انجام بده، و اگر گمراهی و ضلالت بود آن را رها کن.

المحاسن، ج ۱، ص ۱۶ / مشکاة الأنوار، ص ۱۴۵

الوافي، ج ۴، ص ۴۱۷ / وسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۲۸۲

مِنْ كَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ ص: إِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنْ كَانَ خَيْرًا فَاسْرِعْ إِلَيْهِ وَ إِنْ كَانَ شَرًّا فَانْتِهِ عَنْهُ.

کنز الفوائد، ج ۲، ص ۳۱

مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۰۷ / بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۴۲

**۲/۲/۲. فائده دوم: توجه دادن مخاطب نسبت به مفهوم امتداد و بقاء (امتداد آثار اعمال)**

یک مفهوم [و فائده] دیگر، "مفهوم امتداد و بقاء" است. من دارم فلسفه هنر را با روش تحقیق فقهی تبیین می‌کنم؛ می‌گویم یک مفهومی به نام "مفهوم امتداد و بقاء" وجود دارد؛ یعنی امور باقی می‌مانند،^{۳۰} اصطلاحاً امور، سرنوشت می‌سازند،^{۳۱} امور تبدیل به یک امور دیگری می‌شوند.

۳۰. **ارجاع پژوهشی:** إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ

ما مردگان را زنده می‌کنیم و آنچه [از اعمال] از پیش فرستاده‌اید به همراه آثار آنها را می‌نویسیم ...

سوره مبارکه یس، آیه ۱۲

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنَّا جَعَلْنَا لَكُمُ الْفِضَّةَ حَرَمًا لَّكُم مِّنْهَا وَمِنَ اللَّحْمِ فَذُقُوا خَالِدِينَ فِيهَا وَمِمَّا يُغْنِي عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

ای سرک من! اگر [عمل تو] هم وزن دانه خردلی و در تخته‌سنگی یا در آسمان‌ها یا در زمین باشد، خدا آن را می‌آورد، که خدا بس دقیق و آگاه است.

سوره مبارکه لقمان، آیه ۱۶

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ

امروز (قیامت) مردم پراکنده بازمی‌گردند تا اعمال خویش را ببینند * پس هر کس به اندازه ذره‌ای نیکی کند آن را می‌بیند و هر کس به مقدار ذره‌ای بدی کند آن را خواهد دید.

سوره مبارکه زلزال، آیات ۶ تا ۸

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ

[روز قیامت] روزی [است] که هر کس کارهای نیک و کارهای بد خود را در برابر خود حاضر می‌یابد، آرزو کند که ای کاش میان او و کردار بدش فاصله‌ای بزرگ بود. خداوند شما را از خودش می‌ترساند؛ و خدا به بندگانش مهربان است.

سوره مبارکه آل عمران، آیه ۳۰

۳۱. **ارجاع پژوهشی:** لَهُ مَعْقَبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ

وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ

خداوند فرشتگانی که دنبال یک دیگر می‌آیند بر انسان گمارده است که او را به دستور خدا از پیش رو و از پشت سر محافظت و نگهبانی می‌نمایند خداوند آنچه برای قومی هست را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه خودشان آن را تغییر دهند ...

سوره مبارکه رعد، آیه ۱۱

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ وَ أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

این [کیفر] بدان سبب است که خداوند، نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته، تغییر نمی‌دهد، مگر آن که آنان، آنچه را در دل دارند، تغییر دهند؛ و خدا شنوای داناست.

سوره مبارکه انفال، آیه ۵۳



مثلاً کسی که در یک لحظه مرتکب زنا می‌شوند، اثر این کارش امتداد دارد!^{۳۲}

۳۲. ارجاع پژوهشی: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الزَّانَا يُورِثُ الْفَقْرَ وَيَدْعُ الدِّيَارَ بِلَاقِعٍ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: زنا موجب فقر و تنگدستی است و آبادیها را بدون سکنه باقی میگذارد!

من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۲۰

الوافي، ج ۱۵، ص ۲۱۳ / وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۱۰ / جامع احادیث الشیعة (للبروجردي)، ج ۲۵، ص ۶۹۸

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ ع قَالَ: لِلزَّانِي سِتٌّ خِصَالٌ ثَلَاثٌ فِي الدُّنْيَا وَثَلَاثٌ فِي الْآخِرَةِ؛ أَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا: فَيَذْهَبُ بِنُورِ الْوَجْهِ وَ يُورِثُ الْفَقْرَ وَيُعَجِّلُ الْقِتَاءَ. وَ أَمَّا الَّتِي فِي الْآخِرَةِ: فَسَخَطُ الرَّبِّ وَ سُوءُ الْحِسَابِ وَ الْخُلُودُ فِي النَّارِ.

امام صادق (ع) فرمود: شش وبال گردنگیر شخص زناکار است؛ سه در دنیا و سه در آخرت. آنچه در دنیا است این است که: چهره را بی نور کند و تنگدستی آورد و شخص را زودتر نابود سازد. و آنچه در آخرت است: خشم پروردگار جل جلاله و سخت گیری در حساب و جاوید ماندن در آتش.

الكافي، ج ۵، ص ۵۴۱ / من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۷۳ / المحاسن، ج ۱، ص ۱۰۶

سند محاسن: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ أَبِيهِ

الخصال، ج ۱، ص ۳۲۱

سند خصال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

ثَوَابِ الْأَعْمَالِ وَ عِقَابِ الْأَعْمَالِ، ص ۲۶۲

سند ثواب الاعمال: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيٌّ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ أَبِيهِ ع

عَوَالِي اللَّيَالِي، ج ۳، ص ۵۴۷

الوافي، ج ۱۵، ص ۲۰۹ / وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۰۹ / بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۲

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ ع قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِذَا كَثُرَ الزَّانَا مِنْ بَعْدِي كَثُرَ مَوْتُ الْفَجَاءَةِ.

امام باقر علیه السلام: در کتاب علی علیه السلام یافتیم که فرموده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه بعد از من زنا زیاد شود، مرگهای ناگهانی افزایش یابد.

الكافي، ج ۵، ص ۵۴۱ / المحاسن، ج ۱، ص ۱۰۷

بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۷

حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ الْكُوفِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا فَشَتْ أُرْبَعَةٌ ظَهَرَتْ أُرْبَعَةٌ: إِذَا فَشَا الزَّانَا ظَهَرَتْ الزَّلَازِلُ وَ إِذَا أُمْسَكَتِ الزُّكَاةُ هَلَكَتْ الْمَاشِيَةُ وَ إِذَا جَارَ الْحَاكِمُ فِي الْقَضَاءِ أُمْسَكَتِ الْقَطْرُ مِنَ السَّمَاءِ وَ إِذَا خُفِرَتِ الدِّمَةُ نَصَرَ الْمُشْرِكُونَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ.

امام صادق علیه السلام فرمود: چهار چیز که رواج یابد چهار چیز آشکار شود: چون زنا رواج گردد زمین لرزه پدید آید و چون از دادن زکاة خودداری شود چهار پایان بمیرند و چون قاضی حکم بنا حق دهد باران از آسمان نبارد و چون عهد و پیمان میان مسلمانان و مشرکان شکسته شود مشرکان بر مسلمانان پیروز گردند.

الخصال، ج ۱، ص ۲۴۲ / تهذیب الأحكام، ج ۳، ص ۱۴۸ / من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۲۴

بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۱۳ / الوافی، ج ۵، ص ۱۰۴۰



مثلاً در روایت است که: اگر کسی غیبت کسی را انجام داد، اثر غیبت در ۷۰ نسلش باقی می ماند! چطور وقتی شما مثلاً در مورد رادیو اکتیو و انرژی هسته ای که صحبت می کنید، مثلاً می گوید: «حادثه چرنوبیل (Chernobyl)»^{۳۳} اتفاق افتاد. یا مثلاً بمب اتم در ژاپن منفجر شد و ۳۰ یا ۴۰ سال

حَدَّثَنَا أَبِي رَجِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ الْعَلَاءِ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الدُّنُوبُ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعَمَ الْبُغْيَ، وَ الدُّنُوبُ الَّتِي تُورِثُ التَّدَمُّمَ الْقَتْلُ وَ الدُّنُوبُ الَّتِي تُنْزِلُ النَّقْمَ الظُّلْمُ وَ الدُّنُوبُ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ وَ هِيَ السُّنُورُ شَرْبُ الْخَمْرِ وَ الَّتِي تُخْبِسُ الرِّزْقَ الرِّثَا وَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْقَنَاءَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ وَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ وَ تُظْلِمُ الْهَوَاءَ عَفْوُ الْوَالِدَيْنِ.

امام صادق (علیه السلام): از جمله گناهانی که نعمت های الهی را تغییر می دهند بغی و نافرمانی است و از جمله معاصی که مورت ندامت و پشیمانی است کشتن نفس است و از گناهانی که نعمت و گرفتاری به دنبالش می باشد ظلم و ستم است، و از عصیان هایی که پرده ها را پاره می کند و شرب خمر است و گناهی که سبب حبس رزق است، زنا است، و آنچه فناء و مرگ را به انسان نزدیک می نماید قطع رحم می باشد و گناهی که موجب رد شدن دعا و مستجاب نشدنش بوده و هوا را تیره و تار می کند عاق والدین شدن می باشد.

معانی الأخبار، ص ۲۶۹ / الکافی، ج ۲، ص ۴۴۷

سند کافی: الحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۸۴

سند علل: جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ رَجِمَهُ اللَّهُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ غَامِرٍ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

الإختصاص (مفید)، ص ۲۳۸

بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۳۷۳ / وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۷۴

حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ عَنِ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: أَرْبَعٌ لَا تَدْخُلُ بَيْتًا وَاحِدَةً مِنْهُنَّ إِلَّا خَرِبَ وَ لَمْ يُعْمَرْ بِالْبِرَّةِ الْخِيَانَةُ وَ السَّرِقَةُ وَ شَرْبُ الْخَمْرِ وَ الرِّثَاءُ.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): چهار چیز است که اگر یکی از آنها به هر خانه ای وارد شود آن را ویران می کند و دیگر آباد و بابرکت نمی شود: خیانت، دزدی، شرابخواری و زنا.

الأمالی (للسدوق)، ص ۳۹۸ / أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۴۰۴

وسائل الشیعة، ج ۲۸، ص ۲۴۲ / بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۱۷۰

۳۳. ارجاع پرورشی:

The Chernobyl accident in ۱۹۸۶ was the result of a flawed reactor design that was operated with inadequately trained personnel. The April ۱۹۸۶ disaster at the Chernobyl nuclear power plant in Ukraine was the product of a flawed Soviet reactor design coupled with serious mistakes made by the plant operators. It was a direct consequence of Cold War isolation and the resulting lack of any safety culture. The accident destroyed the Chernobyl reactor, killing ۳۰ operators and firemen within three months and several further deaths later. One person was killed immediately and a second died in hospital soon after as a result of injuries received. Another person is reported to have died at the time from a coronary thrombosis. Acute radiation syndrome (ARS) was originally diagnosed in ۲۳۷ people onsite and involved with the clean-up and it was later confirmed in ۱۳۴ cases. Of these, ۲۸ people died as a result of ARS within a few weeks of the accident. Nineteen more workers



آثار اتمی باقی ماند.^{۳۴} رادیو اکتیو بر جسم انسان‌ها و بر محیط زیست و بر جاهای مختلف آثاری دارد؛ شبیه این حرف‌ها را انبیاء می‌فرمایند که مثلاً: تخریب آبروی آدم‌ها با ابزار غیبت، تا ۷۰ نسل آثارش باقی می‌ماند و امتداد دارد!^{۳۵} تصور نکنید [که آثار اعمال ما] تمام می‌شود!

subsequently died between ۱۹۸۷ and ۲۰۰۴, but their deaths cannot necessarily be attributed to radiation exposed. Nobody offsite suffered from acute radiation effects although a significant, but uncertain, fraction of the thyroid cancers diagnosed since the accident in patients who were children at the time are likely to be due to intake of radioactive iodine fallout.^۹ Furthermore, large areas of Belarus, Ukraine, Russia, and beyond were contaminated in varying degrees. The Chernobyl disaster was a unique event and the only accident in the history of commercial nuclear power where radiation-related fatalities occurred.

حادثه چرنوبیل در سال ۱۹۸۶ نتیجه طراحی ناقص راکتوری بود که با پرسنل آموزش دیده ناکافی کار می‌کرد. فاجعه آوریل ۱۹۸۶ در نیروگاه هسته ای چرنوبیل در اوکراین محصول طراحی ناقص راکتور شوروی همراه با اشتباهات جدی اپراتورهای نیروگاه بود. این پیامد مستقیم انزوای جنگ سرد و فقدان فرهنگ ایمنی ناشی از آن بود. این حادثه راکتور چرنوبیل ۴ را نابود کرد و ۳۰ نفر از اپراتورها و آتش نشانان را ظرف سه ماه کشته و چندین نفر بعد از آن نیز جان باختند. یک نفر بلافاصله جان خود را از دست داد و نفر دوم نیز در اثر جراحات وارده بلافاصله در بیمارستان جان باخت. گزارش شده است که یک نفر دیگر نیز در آن زمان بر اثر ترومبوزیس کرونر جان خود را از دست داده است. سندرم تشعشع حاد (ARS) در ابتدا در ۲۳۷ نفر در محل تشخیص داده شد و درگیر پاکسازی شد و بعداً در ۱۳۴ مورد تأیید شد. از این تعداد، ۲۸ نفر در اثر ARS طی چند هفته پس از حادثه جان خود را از دست دادند. متعاقباً ۱۹ کارگر دیگر بین سال‌های ۱۹۸۷ و ۲۰۰۴ جان خود را از دست دادند، اما مرگ آنها را نمی‌توان لزوماً به قرار گرفتن در معرض تشعشعات نسبت داد. هیچ کس خارج از سایت از اثرات تشعشع حاد رنج نمی‌برد، اگرچه بخش قابل توجهی، اما نامشخص از سرطان‌های تیروئید تشخیص داده شده از زمان حادثه در بیمارانی که در آن زمان کودک بودند، احتمالاً به دلیل دریافت ریزش ید رادیو اکتیو است. علاوه بر این، مناطق وسیعی از بلاروس، اوکراین، روسیه و فراتر از آن به درجات مختلفی آلوده شدند. فاجعه چرنوبیل یک رویداد منحصر به فرد و تنها حادثه در تاریخ انرژی هسته ای تجاری بود که در آن تلفات ناشی از تشعشعات رخ داد.

منبع: انجمن جهانی هسته ای

World Nuclear Association

<https://world-nuclear.org/information-library/safety-and-security/safety-of-plants/chernobyl-accident>

۳۴. ارجاع پرورشی: Hiroshima and Nagasaki bombings

The two atomic bombs dropped on Japan in ۱۹۴۵ killed and maimed hundreds of thousands of people, and their effects are still being felt today. By the end of ۱۹۴۵, the bombing had killed an estimated ۱۴۰,۰۰۰ people in Hiroshima, and a further ۷۴,۰۰۰ in Nagasaki. In the years that followed, many of the survivors would face leukemia, cancer, or other terrible side effects from the radiation. The uranium bomb detonated over Hiroshima on ۶ August ۱۹۴۵ had an explosive yield equal to ۱۵,۰۰۰ tonnes of TNT. It razed and burnt around ۷۰ per cent of all buildings and caused an estimated ۱۴۰,۰۰۰ deaths by the end of ۱۹۴۵, along with increased rates of cancer and chronic disease among the survivors. A slightly larger plutonium bomb exploded over Nagasaki three days later levelled ۶.۷ sq km. of the city and killed ۷۴,۰۰۰ people by the end of ۱۹۴۵. Ground temperatures reached ۴,۰۰۰°C and radioactive rain poured down.

بمباران هیروشیما و ناکازاکی: دو بمب اتمی که در سال ۱۹۴۵ بر ژاپن پرتاب شد، صدها هزار نفر را کشته و مجروح کرد و تأثیرات آنها هنوز هم احساس می‌شود. در پایان سال ۱۹۴۵، بمباران حدود ۱۴۰۰۰۰ نفر در هیروشیما و ۷۴۰۰۰ نفر دیگر در ناکازاکی کشته



بنابراین اگر کسی را به "مفهوم امتداد و بقاء" توجه دادید، می‌توانید در ذهن او تفکیک امور به خیر و شر را ایجاد کنید. این هم یک بحث.

۲/۲/۳. فائده سوم: جهت‌دهی نرم به اختیاریها

بحث و مسئله سوم را هم بگویم و از این بحث (که چرا ما باید امور را به خیر و شر تقسیم کنیم) عبور کنم. مسئله دیگر این است که: برجسته‌سازی خیر یا شر یعنی «جهت‌دهی نرم به اختیاریها».

۲/۲/۳/۱. خداوند همه موجودات (نه فقط انسان) را مختار آفریده است

خداوند متعال تمام مخلوقاتش را مختار خلق کرده است. ولی بعضی به اشتباه می‌گویند که فقط انسان‌ها مختار خلق شده‌اند؛ در حالی که آنچه از دانش اهل‌بیت (علیهم‌السلام) استفاده می‌شود این است که همه موجودات مختار خلق شده‌اند؛ یعنی در انتخاب خیر و شر اختیار داشته‌اند. منتها خیر

شدند. در سال‌های بعد، بسیاری از بازماندگان با سرطان خون، سرطان یا سایر عوارض جانبی وحشتناک ناشی از تشعشعات مواجه شدند. بمب اورانیومی که در ۶ اوت ۱۹۴۵ بر فراز هیروشیما منفجر شد، بازده انفجاری برابر با ۱۵۰۰۰ تن TNT داشت. حدود ۷۰ درصد از ساختمان‌ها را ویران کرد و سوزاند و تا پایان سال ۱۹۴۵ باعث مرگ ۱۴۰۰۰۰ نفر شد، همراه با افزایش نرخ سرطان و بیماری‌های مزمن در میان بازماندگان. یک بمب پلوتونیومی کمی بزرگتر سه روز بعد بر فراز ناگازاکی منفجر شد و ۶۰۷ کیلومتر مربع را با خاک یکسان کرد. در پایان سال ۱۹۴۵، ۷۴۰۰۰ نفر کشته شدند. دمای زمین به ۴۰۰۰ درجه سانتیگراد رسید و باران رادیواکتیو بارید.

منبع: کمپین بین‌المللی برای نابودی سلاح‌های هسته‌ای

International Campaign to Abolish Nuclear Weapons

https://www.icanw.org/hiroshima_and_nagasaki_bombings

۳۵. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عَمْرَانَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أَسْبَاطِ بْنِ مُحَمَّدٍ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ: الْغَيْبَةُ أَشَدُّ مِنَ الزُّنَا! فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ لِمَ ذَلِكَ قَالَ صَاحِبُ الزُّنَا يُتُوبُ فَيُتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ يُتُوبُ فَلَا يُتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِ حَتَّى يَكُونَ صَاحِبُهُ الَّذِي يُحِلُّهُ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): غیبت از زنا سخت‌تر است! عرض شد: یا رسول الله برای چه؟ فرمود: آنکه زنا کند اگر توبه نماید خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد ولی آنکه غیبت میکند اگر توبه کرد تا آن کس که از او بدگویی شده از حق خود نگذرد خداوند توبه بدگور را نمی‌پذیرد.

الخصال، ج ۱، ص ۶۳ / علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۵۷

سند علل: أَبِي رَحِمَةَ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنِ

أَسْبَاطِ بْنِ مُحَمَّدٍ يَرْفَعُهُ إِلَى النَّبِيِّ ص

الإختصاص (مفید)، ص ۲۲۶

بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۲۴۲ / وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۸۴ / مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۱۴



و شرّ برای انسان‌ها یک مقدار تغلیظ‌شده‌تر و جدی‌تر از انتخاب خیر و شرّ برای [دیگر موجودات مانند:] درختان یا حیوانات یا پرندگان است.

حالا این نکته را باید بعداً توضیح بدهم؛ [من در اینجا] فقط خواستم بگویم که همه موجودات مختارند و اختیار دارند؛ [مثلاً:] همه موجودات [خدا را] تسبیح می‌کنند،^{۳۶} همه موجودات [چه

۳۶. ارجاع پژوهشی: تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ

آسمان‌های هفتگانه و زمین و هر کس که در آنهاست، او را تسبیح می‌گویند. و هیچ چیز نیست، مگر این که در حال ستایش، تسبیح او می‌گوید؛ ولی شما تسبیح آنها را در نمی‌یابید!

سوره مبارکه اسراء، آیه ۴۴

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

آنچه در آسمان‌ها و زمین است، برای خدا تسبیح می‌گویند، و او عزیز و حکیم است.

سوره مبارکه حدید، آیه ۱

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَّاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ
«آیا ندانسته‌ای که هر که [و هر چه] در آسمان‌ها و زمین است، برای خدا تسبیح می‌گویند، و پرندگان [نیز] در حالی که در آسمان، پر گشوده‌اند [تسبیح او می‌گویند]؟ همه ستایش و نیایش خود را می‌دانند؛ و خدا به آنچه می‌کنند، داناست.

سوره مبارکه نور، آیه ۴۱

مِنْ أَدْعِيَةِ مَوْلَانَا فَاطِمَةَ عَ عَقِيبِ الْخَمْسِ الْمَفْرُوضَاتِ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ ... الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ، وَبِشُكْرِهِ تُسْتَوْجَبُ الرِّيَادَاتُ، وَبِأَمْرِهِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ، وَبِعَزَّتِهِ اسْتَفْرَتِ الرَّاسِيَّاتُ، وَسَبَّحَتِ الْوُحُوشُ فِي الْفَلَوَاتِ، وَالطَّيْرِ فِي الْوُكُنَاتِ ...»
از دعاهای فاطمه زهرا علیها السلام بعد از نمازهای واجب: ستایش، خداوند را ... که با لطف و نعمت او کارهای نیک، انجام می‌پذیرد و سپاس‌گزاری‌اش، موجب افزونی نعمت‌ها می‌شود و به فرمان او، آسمان‌ها بر پایند و به قدرت او، کوه‌ها پابرجاست و حیوانات در بیابان‌ها و مرغان در کاشانه‌هایشان، او را تسبیح می‌گویند.

فلاح السائل و نجاح المسائل، ص ۲۵۱

بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۱۱۵

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: لَا تُعْتَنُوا عَلَى ظُهُورِهَا أَمَا يَسْتَحْيِي أَحَدَكُمْ أَنْ يُعْتَنِيَ عَلَى ظَهْرِ دَابَّةٍ وَهِيَ تُسَبِّحُ؟!
امام صادق علیه السلام در باره چاربیان: سوار بر آنها آواز نخوانید. آیا هر یک از شما شرم نمی‌کند که بر پشت چارپایی آواز بخواند، در حالی که او [خدا را] تسبیح می‌گوید؟!

المحاسن، ج ۲، ص ۶۲۷

بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۲۰۶ / وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۴۱۹



انسان‌ها و چه دیگر موجودات)] یا به شکر مبتلا می‌شوند یا به کُفر مبتلا می‌شوند؛^{۳۷} [و لکن] میزان شکر و کُفر انسان‌ها بیشتر از سایر موجودات است.^{۳۸}

أبو عَبْدِ اللَّهِ أَبُو عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ مَشِيخَتِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَمَا يَسْتَحْيِي أَحَدَكُمْ أَنْ يُعْنِي عَلَى دَابَّتِهِ وَ هِيَ تُسَبِّحُ؟!

المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۵

وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۴۱۹ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۲۹۱

عِدَّةٌ مِنْ أَضْحَانِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: لَا تَضْرِبُوا الدَّوَابَّ عَلَى وُجُوهِهَا فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِ اللَّهِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به صورت چارپایان نزدیک؛ چرا که آنها خدا را تسبیح و ستایش می‌گویند.

الكافي، ج ۶، ص ۵۳۸ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۳۳ / الخصال، ج ۲، ص ۶۱۸

سند خصال: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ غُبَيْرِ الْبُطَيْنِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَّمَ أَضْحَانَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعِينَ بَابٍ ...

الوافي، ج ۲۰، ص ۸۳۰ / وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۴۷۹ و ۴۸۲ / بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۲۰۴

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: لَا تَضْرِبُوا وُجُوهُ الدَّوَابِّ وَ كُلِّ شَيْءٍ فِيهِ الرُّوحُ فَإِنَّهُ يُسَبِّحُ بِحَمْدِ اللَّهِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به صورت چارپایان و هر چیزی که دارای روح است نزدیک؛ چرا که آنها خدا را تسبیح و ستایش می‌گویند.

المحاسن، ج ۲، ص ۶۳۳

وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۴۸۴ / بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۲۰۴ / الفصول المهمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص ۳۵۰

۳۷. **ارجاع پژوهشی:** برخی از روایات که به این امر اشاره دارند:

عَنْهُ (الْحَسَنُ بْنُ ظَرِيفٍ) عَنِ الْخَسَيْنِ بْنِ غُلْوَانَ، عَنْ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالرِّكَاءَةِ، فَإِنَّهُ مَا يُصَادُ مَا صِيدَ مِنَ الطَّيْرِ إِلَّا بِتَضْيِيعِهِمُ التَّسْبِيحَ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از دارایی‌هایتان، با پرداخت زکات، محافظت کنید؛ زیرا هیچ پرنده شکار شده‌ای شکار نشد، مگر این که تسبیحگویی خود را وانهاد.

قرب الإسناد، ص ۱۱۷

بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۲۸۸ / وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۲۹

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ فِي الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَمَّنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: الصَّاعِقَةُ لَا تُصِيبُ ذَاكِرًا وَ لَيْسَ يُصَادُ مِنَ الطَّيْرِ إِلَّا مَا صَيَّعَ تَسْبِيحَهُ.

امام صادق (علیه السلام): صاعقه به هیچ کسی که ذکر خداوند را می‌گوید برخورد نمی‌کند! و هیچ پرنده‌ای صید نمی‌شود مگر اینکه تسبیحگویی خداوند را ضایع کرده باشد!

المحاسن، ج ۱، ص ۲۹۴



۲/۲/۳/۲. سوال مهم: نحوه جهت دادن اختیار موجودات چگونه است؟

۲/۲/۳/۲/۱. ایجاد نظم به محوریت قانون و جبر؛ راهکار تمدن مدرنیته و مجالس قانون گذاری مدرن برای جهت دادن

به اختیارها

حالا عرض من این است که می گویم: خداوند متعال، موجود مختار خلق کرده است؛ حالا [سوال مهم این است که: شما چطور می خواهید [به صورت] اختیاری، اختیارها را جهت بدهید؟! تا مثل

بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۳ / وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۲۹

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الثُّعْمَانِ عَنْ إِسْحَاقَ قَالَ حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: مَا ضَاعَ مَالٌ فِي بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ إِلَّا بِتَضْيِيعِ الزَّكَاةِ وَلَا يُضَادُّ مِنَ الطَّيْرِ إِلَّا مَا ضَيَّعَ تَسْبِيحَهُ.

امام صادق علیه السلام: از پرندگان شکار نمی شود، مگر آن پرنده ای که تسبیحگویی اش را فرو نهاده باشد.

الكافي، ج ۳، ص ۵۰۵ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۲

الوافي، ج ۱۰، ص ۴۲ / وسائل الشیعة، ج ۹، ص: ۲۸

وَ فِي رِوَايَةِ أَبِي الْحُسَيْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْأَسَدِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْبَزْمَكِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُعْتَبِ مَوْلَى الصَّادِقِ ع قَالَ قَالَ الصَّادِقُ ع ... أَقْسَمُ بِالَّذِي خَلَقَ الْخَلْقَ وَ بَسَطَ الرِّزْقَ أَنَّهُ مَا ضَاعَ مَالٌ فِي بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ إِلَّا بِتَرْكِ الزَّكَاةِ وَ مَا صِيدَ صَيْدٌ فِي بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ إِلَّا بِتَرْكِهِ التَّسْبِيحِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ.

امام صادق علیه السلام: سوگند می خورم به آن که آفرینش را آفرید و روزی را گسترانید که هیچ مالی در خشکی و دریا، تلف نمی شود، مگر به سبب نپرداختن زکات، و هیچ صیدی در خشکی و دریا شکار نمی شود، مگر بدان سبب که در آن روز، تسبیح را ترک گفت.

من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۷

وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۱۲ / الوافي، ج ۱۰، ص ۵۰

۳۸. ارجاع پژوهشی: اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ النَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَدُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ

النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

خدا کسی است که شب را برایتان پدید آورد تا در آن بیارامید و روز را روشنی بخش [قرار داد]. آری، خدا بر مردم بسیار ممت دارد ولی بیشتر مردم ناسپاسند.

سوره مبارکه غافر، آیه ۶۱

اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرُونَ

ای خاندان داود! سپاسگزاری کنید و اندکی از بندگان من سپاسگزارانند

سوره مبارکه سبأ، آیه ۱۳

وَ لَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ

و قطعاً شما را در زمین قدرت عمل دادیم و برای شما در آن وسایل معیشت نهادیم. اما چه اندک سپاس می گزارید

سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۰



تمدن مدرنیته مجبور نشوید برای هر نوع جهت دادن به اختیار، "قانون" وضع کنید. این فاجعه مجالس مدرن در ایجاد نظم را در دنیا و در ایران خودمان بررسی کنید؛ که چه فاجعه‌ای به وجود آورده‌اند! چون خواسته‌اند نظم را به محوریت جبر جلو ببرند.

مثلاً ما در ایران از اول تاسیس مجالس مشروطه تا الآن، حدود صد هزار بسته قانونی داریم! می‌گویند ۱۲ هزار از این بسته‌های قانونی هم فعال است! من همیشه از نماینده‌های مجلس و از حقوق‌دان‌ها یک سوالی می‌پرسم؛ می‌گویم: شما چطور می‌خواهید ۱۲ هزار بسته قانونی را آموزش بدهید؟! چطور می‌خواهید بر اجرای آنها نظارت کنید؟! چطور می‌خواهید تعارض آنها را برطرف کنید؟ چون وقتی تعداد قوانین زیاد شد، هر سه کاری که گفتم محال می‌شود؛ هم آموزش دادن آنها، هم نظارت کردن بر آنها، و هم حذف تعارض بین آنها. اصلاً قانون زیاد یعنی بی‌نظمی! به دلیل این که این سه کار را نمی‌شود در مورد قانون زیاد اعمال کرد.

قانون آن موقعی منشأ نظم است که: (۱) بتوانی آن را آموزش بدهی. (۲) بتوانی بر اجرای آن نظارت کنی و (۳) قوانین با یکدیگر متعارض نباشند. حالا اگر قانون زیاد شد، تمام این سه کار را نمی‌توانی انجام بدهی. پس قانون زیاد یعنی: بی‌نظمی در جامعه.

این خلاصه کارنامه قانون‌گذاری مدرن است. برای مجلس خودمان هم می‌بینیم که مثلاً برای ساعت بیرون آمدن مردم هم ساعت وضع می‌کنند! مثلاً برای اینکه ساعت ۶ صبح بیرون بیاید یا ساعت ۷ صبح، قانون وضع می‌کنند! و با همین دست‌فرمان به اسم ایجاد نظم برای همه چیز قانون وضع می‌کنند. [لذا]] نتیجه‌اش شده پدیده شوم و ناکارآمد قانون زیاد.

۲/۲/۳/۲/۲. ایجاد نظم اختیاری؛ راهکار انبیاء برای جهت‌دادن به اختیارها

حالا اگر در اینجا گفته شود که: «من نمی‌خواهم راه غربی‌ها (که ایجاد نظم جبری است) را انجام بدهم؛ پس چه کار کنم؟» می‌گویم: «برو به سمت [ایجاد] نظم اختیاری». اگر شما برسید:

۲/۲/۳/۲/۱/۱. وجود آمدن پدیده «قانون زیاد» در قانون‌گذاری مدرن (مانند: فعال بودن ۱۲ هزار بسته قانونی از ۱۰۰ هزار بسته قانونی تصویب شده در دوران ۱۰۰ ساله از تاسیس مجالس قانون‌گذاری در ایران!)

۲/۲/۳/۲/۱/۱/۱. اشکال مهم پدیده «قانون زیاد» در قانون‌گذاری مدرن: ۱. عدم توانایی آموزش دادن این قوانین. ۲. عدم توانایی بر نظارت بر قوانین. ۳. عدم توانایی برطرف کردن تعارض بین قوانین. (و در نتیجه: ایجاد بی‌نظمی!)

۲/۲/۳/۲/۲/۱. (برجسته‌سازی خیر و شر در ذهن‌ها)؛ یکی از راهکارها برای ایجاد نظم اختیاری



«معادله [ایجاد] نظم اختیاری چیست؟» می‌گویم: «برجسته‌سازی خیر و برجسته‌سازی شر در ذهن‌ها»؛ [با انجام این کار،] خود اختیارها به صورت اختیاری جهت پیدا می‌کنند.^{۳۹}

۳۹. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ تَمِيمٍ الْفَرَزِيِّ رَه قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي الصَّلْتِ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: سَأَلَ الْمَأْمُونُ يَوْمًا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَاعِ فَقَالَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا مَعْنَى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ». وَ مَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ» فَقَالَ الرَّضَاعُ: حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: أَنَّ الْمُسْلِمِينَ قَالُوا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَوْ أَكْرَهْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ قَدَّرْتَ عَلَيْهِ مِنَ النَّاسِ عَلَى الْإِسْلَامِ لَكُنْتُمْ عَدُوْنَا. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا كُنْتُ لِأَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِبِدْعَةٍ لَمْ يُحْدِثْ إِلَيَّ فِيهَا شَيْئًا، وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ. فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: يَا مُحَمَّدُ «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا» عَلَى سَبِيلِ الْإِلْجَاءِ وَالْإِضْطِرَارِ فِي الدُّنْيَا كَمَا يُؤْمِنُونَ عِنْدَ الْمُعَايَنَةِ وَرُؤْيَةِ الْبَاسِ فِي الْآخِرَةِ، وَلَوْ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهِمْ لَمْ يَسْتَحِقُّوا مِنِّي ثَوَابًا وَلَا مَدْحًا، لَكِنِّي أَرِيدُ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْمِنُوا مُخْتَارِينَ غَيْرَ مُضْطَرَّيْنَ لِيَسْتَحِقُّوا مِنِّي الرَّزْقِ وَالْكَرَامَةَ، وَدَوَامَ الْخُلُودِ فِي جَنَّةِ الْخُلْدِ «أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ».

به نقل از ابو صلّت، عبد السلام بن صالح هروی: روزی مأمون از علی بن موسی الرضا علیه السلام پرسید: ای فرزند پیامبر خدا! معنای این آیه شریف: «و اگر پروردگار تو می‌خواست، قطعاً همه آنان که در زمین اند، ایمان می‌آوردند. پس آیا تو مردم را ناگزیر می‌کنی که بگروند؟» چیست؟ فرمود: «پدرم موسی بن جعفر، به نقل از پدرش جعفر بن محمد، به نقل از پدرش محمد بن علی، به نقل از پدرش علی بن الحسین، به نقل از پدرش حسین بن علی، به نقل از پدرش علی بن ابی‌طالب علیه السلام برایم روایت کرد که مسلمانان به پیامبر خدا گفتند: ای پیامبر خدا! اگر هر تعداد از مردم را که می‌توانستی به اسلام وادار کنی، وادار می‌کردی، شمار ما فراوان می‌شد و بر دشمنانمان قوت می‌یافتیم. پیامبر خدا فرمود: "من خداوند عز و جل را با بدعتی که برایم بنیان نگذاشته، ملاقات نخواهم کرد و من از کسانی نیستم که از پیش خود، چیزی می‌سازند." در پی آن، خداوند متعال، این آیه را فرو فرستاد: ای محمد! «و اگر پروردگار تو می‌خواست، همه آنان که در زمین اند، ایمان می‌آوردند»، اما به شیوه وادار ساختن و از روی ناچاری در دنیا، همان گونه که در آخرت با مشاهده عذاب، ایمان می‌آورند؛ ولی اگر با آنان چنین کنم، استحقاق پاداش یا ستایش ندارند؛ اما من خواسته‌ام تا آنان از روی اختیار، بدون ناچاری، ایمان بیاورند تا از سوی من، استحقاق قربت، کرامت و جاودانگی در بهشت جاوید را پیدا کنند.

التوحيد (للسدوق)، ص ۳۴۲ / عبون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۱۳۵

الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي)، ج ۲، ص ۴۱۲ / بحار الأنوار، ج ۵، ص ۴۹

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا * إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا * إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا * إِنَّ الْأَبْرَارَ يُشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا * عَنِينًا يُشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا (سوره مبارکه انسان، آیات ۲ الی ۶)

ما انسان را از نطفه آمیخته و مختلطی [از مواد و عناصر] آفریدیم و او را از حالتی به حالتی و شکلی به شکلی [از نطفه به علقه، از علقه به مضغه، از مضغه به استخوان تا طفلی کامل] درآوردیم، پس او را شنوا و بینا قرار دادیم. * ما راه را به او نشان دادیم یا سپاس گزار خواهد بود یا ناسپاس. * ما برای کافران زنجیرها و بندها و آتش فروزان آماده کرده‌ایم. * همانا نیکان همواره از جامی می‌نوشند



[پس] بحث هنر در نظم جامعه هم موثر است؛ چرا؟ چون می‌تواند خیر را در ذهن‌ها برجسته کند و آدم‌ها را در موقع تصمیم‌گیری (بدون وضع قانون) به سمت خیر متمایل کند! خیلی مسئله مهمی است! این کارکرد سوم هنر، کارکرد هنر در اداره جامعه است.

۲/۳. خلاصه سرفصل اول

بنابراین به نظر بنده، در نهایت، فرمالیسم (Formalism) به سه دلیل باید به سمت «برجسته‌سازی خیرها و افشاء شر اضافه‌شده به خیر» برود: (۱) به دلیل اینکه انسان‌ها در موقع تقاص و محاسبه دچار ضرر نشوند. (۲) به دلیل اینکه مفهوم امتداد و بقاء را به انسان‌ها متذکر شوند. انسان‌ها فکر نکنند که هر تصمیمی گرفتند، [آثار آن تصمیم فقط در] همان لحظه است و تأثیرات ممتد ندارد. (۳) به دلیل اصل مهم نظم اختیاری.^{۴۰}

خب؛ من به سوال اول جواب دادم؛ سوال اول این بود که: هنر برای چه استخدام می‌شود؟ برای چه ما باید کار هنری انجام بدهیم؟ پاسخ من این بود که: فهم بنده از آیات و روایات این است که ما

که نوشیدنی‌اش آمیخته به کافور [آن ماده سرد، سپید و معطر] است. * آن جام از چشمه‌ای است که همواره بندگان خدا از آن می‌نوشند و آن را به دلخواهشان هرگونه که بخواهند جاری می‌نمایند.

لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۵۶)

در دین، هیچ اکراه و اجباری نیست [کسی حق ندارد کسی را از روی اجبار وادار به پذیرفتن دین کند، بلکه هر کسی باید آزادانه بنا به کارگیری عقل و با تکیه بر مطالعه و تحقیق دین را بپذیرد]. مسلماً راه هدایت از گمراهی [به وسیله قرآن، پیامبر و امامان معصوم] روشن و آشکار شده است. پس هر که به طاغوت [که شیطان، بت و هر طغیان‌گری است] کفر ورزد و به خدا ایمان بیاورد، بی‌تردید به محکم‌ترین دستگیره که آن را گسستن نیست، چنگ زده است و خدا شنوا و داناست.

۴۰. انتقال از متن: حالا من اینجا داخل پراتنز عرض کنم: همه شما فرزند دارید؛ سوال [بسیاری از] پدرها و مادرها این است که: «وقتی فرزند ما به سن بلوغ می‌رسد، [خیلی] شر می‌شود! چه کار کنیم؟» من عرض می‌کنم: مادران محترم و پدران گرامی! از هر فرصتی استفاده کنید و تفکیک خیر و شر را در ذهن فرزندان‌تان برجسته کنید؛ تا اینکه مجبور نشوید در وقتی که فرزندان‌تان به سن اختیار و تصمیم رسید، از روش‌های قهری و غلبه‌ای استفاده کنید. پس این هنری که ما می‌گوییم، به درد تربیت هم می‌خورد؛ چون می‌تواند به صورت نرم اختیارها را جهت بدهد.



باید از هنر برای برجسته کردن خیرها در مقابل شرّها استفاده کنیم؛ تا آن سه فایده به دست بیاید. ما اصطلاحاً اسم این کار را «فلسفه هنر» می‌گذاریم.^{۴۱} «حکمت هنر» یا «برایِ هنر» و «مفهوم سیاقی هنر»، مفهوم برجسته‌سازی خیر است تا آن سه فایده به دست بیاید. پس ما به یک تعریف [جدید] از هنر دست پیدا کردیم که من ادله آن را هم ذکر کردم. بنابراین دیگر نمی‌توانیم بگوییم: «هنر برای هنر!». [بلکه] یک معیاری [برای نقد] پیدا کردیم که می‌توانیم فرمالیست‌های افراطی و حتی ساختارگراها را نقد کنیم. حتی آنهایی که می‌گویند «هم به فرم توجه داریم و هم به مسئله» را می‌توانیم با یک مفهوم بالادستی نقد کنیم؛ [و آن نقد اینگونه است که: می‌گوییم: هم فرم، هم برایِ فرم؛ هر دو باید دلالت بر خیر و افشاء شرّ را متکفل بشوند. در این باره مباحثی دارم که به آن خواهیم پرداخت.

۴۱. انتقال از متن: البته می‌دانید که نگاه من فلسفی نیست؛ بلکه فقهی است. حالا من با یک اصطلاح ویرایش شده‌تری می‌گویم:



۳. پرسش دوم: اصول فرم از نگاه انبیاء چیست؟ (تعریف)

۳/۱. جنبه‌های شکلی برجسته کردن خیر و افشاء شر؛ معنا و مقصود از اصطلاح «اصول

فرم»

سراغ سوال دوم برویم؛ حرف ما این است که: با هر فرمی نمی‌شود خیر را برجسته کرد، و با هر فرمی نمی‌شود شر را افشاء کرد. دقیقاً حتی در زمانی که ما می‌پذیریم که فرم یا شکل (یا به تعبیر ناقص: صورت) و چارچوب‌های آنها، خیلی در هنر مهم هستند؛ باز هم آن را با محور «دلالت بر خیر» ارزیابی می‌کنیم. اگر هدف «دلالت بر خیر» شد، با هر فرمی نمی‌توانیم دلالت بر خیر را ایجاد کنیم؛ پس خود اصول فرمی هم از نگاه اهل بیت (علیهم‌السلام) متفاوت می‌شوند.

پس سوال دوم این است: آیا جنبه‌های شکلی، در توجه به زیبایی‌ها و زینت‌ها نقش دارند؟

زیبایی و زینت، عامل برجسته‌کننده خیرها بودند. به این نکته توجه داشته باشید که: "خیر" یک مسئله است و "برجسته کردن و ویژه نشان دادن خیر در ذهن‌ها" یک مسئله دیگر است؛ ما به این دومی «زینت» می‌گوییم. این نکته در ذهنتان باشد؛ مفهوم "زینت" و "خیر" را یکی نگیرید! یک مفهوم «خیر» داریم که سه فائده داشت، [و یک مفهوم «زیبایی» و «زینت»؛] حالا می‌گوییم: چه چیزی زیبایی و زینت است؟ می‌گوییم: آن مفهوم و فرمی که به وسیله آن خیر را در ذهن‌ها برجسته می‌کنیم، [زینت و زیبایی است.]

پس خود زینت، [هم] "شیئی" است و هم "فرم". هردو تای اینها زینت محسوب می‌شوند؛ یک "زینت فرمی" داریم، یک "زینت شیئی" داریم. هردو تای اینها کمک می‌کنند به این که خیرها برجسته شوند.

حالا من در سوال دوم، اصول فرمی‌ای که خیر را برجسته می‌کنند را توضیح می‌دهم و در سوال سوم اشیاء زینتی و حالاتی را که زینت هستند را شرح خواهم داد؛ این دو با هم متفاوت است.



۳/۲. اصول سه گانه فرم از نگاه انبیاء:

اصطلاحاً وقتی ما داریم با نگاه انبیاء "خیر" را روایت می‌کنیم، باید به این سه مسئله (که اصول فرم هستند) توجه داشته باشیم:

۳/۲/۱. رعایت ادب؛ اولین اصل فرمی از نگاه انبیاء

امیرالمومنین (علیه السلام) در روایات متعددی می‌فرماید: «ادب را در بیان رعایت کنید»؛^{۴۲} وقتی دارید از "خیر" دفاع می‌کنید، روایت شما از خیر، مبتنی بر "ادب" باشد. خیلی مهم است که ما با "ادب" یک "خیر" را روایت کنیم و یا یک "شر" را افشاء کنیم. یا اینکه بدون ادب [این دو کار را انجام دهیم]. حضرت در این رابطه می‌فرماید: «ادب، زینتِ بیان و لسان است»^{۴۳} لسان و بیان، فرم است؛ اما یک زینت دارد که ادب است.

۴۲. ارجاع پژوهشی: عن علی ع: إِيَّاكَ وَ مَا يُسْتَهْجَنُ مِنَ الْكَلَامِ فَإِنَّهُ يَحِسُّ عَلَيْكَ اللَّئَامَ وَ يَنْفِرُ عَنْكَ الْكِرَامَ.

امام علی علیه السلام: از گفتار زشت برحذر باش، که فرومایگان را گرد تو آورد و بزرگواران را از تو فراری دهد.

غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۷۲

وَ رَوَى مُعَاذُ بْنُ جَبَلٍ عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ: إِيَّاكَ أَنْ ... تَتَكَلَّمَ فِي غَيْرِ أَدَبٍ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: بپرهیز از آن که ... بدون رعایت ادب سخن بگویی.

أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص: ۲۷۳

الامام زین العابدین ع فی رسالته ع المعروفة برسالة الحقوق: ... وَ أَمَّا حَقُّ اللِّسَانِ فَإِكْرَامُهُ عَنِ الْخَنَا وَ تَعْوِيدُهُ عَلَى الْخَيْرِ وَ حَمْلُهُ عَلَى الْأَدَبِ.

امام زین العابدین علیه السلام: اما حق زبان، این است که آن را با ترك زشتگویی گرامی بداری، و به خوبی [گفتار] عادتش دهی و او را بر رعایت ادب حمل کنی.

تحف العقول، ص ۲۵۶

مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۵۶ / بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۱ / مکاتیب الأئمة عليهم السلام، ج ۳، ص ۱۹۸

۴۳. ارجاع پژوهشی: وَ رَوَى أَنْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع أَوْصَى وَ لَكَدَهُ الْحَسَنُ فَقَالَ: يَا بَنِيَّ الْأَدَبُ هُوَ لِقَاخُ الْعَقْلِ وَ ذِكَاؤُ الْقَلْبِ وَ زِينَةُ اللِّسَانِ.

امیرالمومنین (علیه السلام) در وصیت به امام حسن (علیه السلام): ادب، مایه باروری عقل و تزکیه قلب و زینت زبان است.

أعلام الدین (دیلمی)، ص ۸۴



بنابراین مثلاً اگر سناریوی یک فیلم یا فیلمنامه‌ای را جلوی ما بگذارند و ما بخواهیم آن را نقد ادبی^{۴۴} کنیم؛ مثلاً می‌گوییم: ادب در دیالوگ شخصیت اول فیلم با شخصیت دوم چقدر رعایت شده است؟ اگر روایت یک مسئله،^{۴۵} با چارچوب‌های ادبی باشد،^{۴۶} ما می‌گوییم این یک روایت هنری است. مثلاً خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِذْ هَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى»؛^{۴۷} توضیح می‌دهد که فرعون طغیان کرده [ولی] می‌فرماید: «قُولُوا قَوْلًا لِّئِنَّا»؛^{۴۸} یعنی: با او نرم حرف بزن! نرم حرف زدن و با لینت حرف زدن (ولو داری با فرعون حرف می‌زنی) یک نوع ادب است.

مثلاً در این فضای امر به معروف و نهی از منکر که الان در جامعه ما آرام آرام دارد احیاء می‌شود و خیلی مهم است، شما می‌خواهید بگویید که بی‌حجابی منکر است؛ من می‌گویم قالب بیان این مسئله باید پر از ادب باشد. نباید کرامت ولو آن زن بی‌حجاب به چالش کشیده شود.

هزار مثال دیگر هم می‌توان پیدا کرد؛ مثلاً در موضوع تربیت فرزند؛ وقتی فرزندان یک کار اشتباهی انجام داد، وقتی دارید او را توبیخ می‌کنید، حتماً افعال را جمع به کار ببرید؛ چرا که در افعال جمع احترام بیشتری وجود دارد. این یک کار هنری محسوب می‌شود؛ منتها این کار هنری را مادر دارد انجام می‌دهد. مثلاً مادر به فرزندش می‌گوید: «پسر! به نظرم شما مرتکب اشتباه

۴۴. انتقال از متن: حالا نقد محتوایی آن را کار نداریم.

۴۵. انتقال از متن: مثلاً طبق مبنای ما: روایت خیر یا شر.

۴۶. انتقال از متن: یعنی به همراه احترام باشد.

۴۷. ارجاع پژوهشی: اِذْ هَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى

به سوی فرعون برو که طغیان کرده است!

سوره مبارکه طه، آیه ۲۴ / نازعات آیه ۱۷

۴۸. ارجاع پژوهشی: اِذْ هَبَ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَبْتَغِي فِي ذِكْرِي * اِذْ هَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى * فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لِّئِنَّا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ

أَوْ يَخْشَى

سوره مبارکه طه، آیات ۴۲ تا ۴۴



شده‌اید». حتی وقتی دارید با فرزندتان دعوا هم می‌کنید، با یک ادبیات نرم با او صحبت کنید؛ جدیت، تلازمی با فحش دادن [و بی ادبانه صحبت کردن] ندارد. مثلاً می‌توانید بگویید: «من اساساً با نظر جنابعالی جدّاً مخالف هستم!»؛ این نوع ادبیات، [علاوه بر جدیت،] مبتنی بر احترام [هم] هست.

بنابراین من آنچنان که از روایات برداشت می‌کنم، حضرات اهل بیت (علیهم السلام) زینت اصلی فرم را «ادب در بیان» معرفی کرده‌اند. فرموده‌اند: «[ادب،] زینت لسان و بیان است»؛ پس چه در زمانی که افشاء شرّ می‌کنید، و چه در زمانی که خیر را برجسته می‌کنید، چارچوب‌های ادب را رعایت کنید.^{۴۹}

۳/۲/۲. قَلَّ وَ دَلَّ (مختصر و مفید بودن)؛ دومین اصل فرمی از نگاه انبیاء

دومین چارچوب فرمی روایت از نظر دانش انبیاء و اهل بیت (علیهم السلام)، «قَلَّ وَ دَلَّ» بودن است؛ یعنی: حوصله آدم‌ها را سر نیاورید! کوتاه‌بودن اثر هنری، موضوعیت دارد. لذا مثلاً اگر شما مجبور هستید که یک فیلم بلند بسازید، خود این بلندبودن فیلم، یک اصل فرمی نامطلوب است؛ [بلکه سعی کنید مثلاً آن فیلم بلند را] به سه سریال تبدیل کنید و حرف خودتان را بزنید. چرا؟ چون قلیل حرف‌زدن خیلی خوب است؛^{۵۰} حضرت فرمود: «خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ»^{۵۱} یعنی: بهترین

۴۹. انتقال از متن: ان شاء الله در دوره‌های بعدی که هنر از نظر اهل بیت (علیهم السلام) را بحث کردم، ساختار ادب را بحث خواهم کرد؛ این که «ادب در بیان چند رکن دارد؟» طلب شما باشد اینها را باید بحث کنیم که بعداً محضران گزارش می‌دهم.

۵۰. انتقال از متن: مثلاً من در این جلسه خیلی دارم صحبت می‌کنم! بهتر بود جلسه را مثلاً در طول یک هفته برگزار می‌کردید و من روزی نیم ساعت بحث می‌کردم. ولی چه کار کنیم دیگر! شما جلسه را اینطور برگزار کرده‌اید تازه من دارم خلاصه می‌کنم. به هر حال [قلیل صحبت کردن] مهم است.

۵۱. ارجاع پژوهشی: پیامبر ص: خَيْرُ الْكَلَامِ مَا دَلَّ وَ جَلَّ وَ قَلَّ وَ لَمْ يُمِلَّ؛

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): بهترین سخن، آن است که قابل فهم و روشن و کوتاه باشد و خستگی نیاورد.

أنوار العلویه، ص ۴۸۹

نوع روایت، روایت قلیل است. و در ضمن اینکه روایت را کوتاه [و قلیل] می‌کنید، دلالت [بر مطلب و خواسته شما] نیز داشته باشد.^{۵۲} بنابراین اینکه شما می‌گویید: «برای یک [فیلم یا مسئله‌ای پایان باز می‌گذارم]؛ این خلاف دلالت صریح است. همه این‌ها را می‌توان با این چارچوب‌ها نقد کرد.

۳/۲/۳. بیان بعد از ایجاد تأمل (پرسش)؛ سومین اصل فرمی از نگاه انبیاء

اصل سوم فرم در روایت و چارچوب‌های فرمی که انبیاء توصیه می‌کنند: «بیان بعد از پرسش» است. خیلی مهم است که آن طرف مقابل شما (یعنی آن کسی که دارید برایش روایت می‌کنید) آیا نسبت به موضوع شما تأمل دارد؟ یا ندارد؟ من عرض می‌کنم که اگر شما دارید یک داستان تعریف می‌کنید، یا یک فیلمنامه می‌نویسید، باید نصف اول آن تأمل را در طرف مقابل شما زنده کند^{۵۳} و

۵۲. ارجاع پژوهشی: عن علی علیه السلام: خَيْرُ الْكَلَامِ مَا لَا يُمَلُّ وَلَا يُقَلُّ.

امام علی علیه السلام: بهترین کلام آن است که نه ملال آور باشد و نه نارسا.

غرر الحکم، ص ۳۵۵

عن علی علیه السلام: الْكَلَامُ بَيْنَ خَلْتِي سَوْءٍ، هُمَا: الْإِكْثَارُ وَالْإِقْلَالُ، فَالْإِكْثَارُ هَدْرٌ، وَالْإِقْلَالُ عِيٌّ وَحَصْرٌ.

امام علی علیه السلام: سخن، میان دو خصلت زشت قرار گرفته است: پرگویی و کم‌گویی؛ زیرا پرگویی به یاوه‌گویی می‌انجامد و کم‌گویی، نشانگر درماندگی و عجز در سخن گفتن است.

غرر الحکم، ص ۱۰۰

عن علی علیه السلام: الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ؛ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ، وَكَثِيرُهُ قَاتِلٌ.

امام علی علیه السلام: سخن گفتن چون داروست، اندکش سود می‌بخشد و بسیارش کشنده است.

غرر الحکم، ص ۱۲۶

الإمام علي عليه السلام: إِيَّاكَ وَكَثْرَةَ الْكَلَامِ؛ فَإِنَّهُ يُكْثِرُ الزَّلَلَ وَيُورِثُ الْمَلَلَ.

امام علی علیه السلام: بپرهیز از پرگویی؛ زیرا که لغزشها را زیاد می‌کند و ملال می‌آورد.

غرر الحکم، ص ۱۶۹

۵۳. ارجاع پرورشی: فقه البیان [۱] فرم بیان و تحقق را از نظر شارع بیان کرده است! در مباحث اصولی فقه البیان، مسئله

فرم بیان و فرم تحقق دین تئوریزه شده است. فرم از نظر شارع بر مبنای مفهوم سؤال و مفهوم تفکر شکل گرفته است. برای تبیین مفهوم سؤال (نقطه آغاز فرم از نظر شارع) بررسی "قاعده اصولی بیان مبتنی بر تأمل" ضرورت دارد. قاعده اصولی بیان مبتنی بر تأمل، حالات افراد در برخورد با یک موضوع را به سه بخش ۱- عدم توجه فرد به سؤال، ۲- پذیرش سؤال غلط توسط فرد و ۳- پذیرش سؤال صحیح توسط فرد تقسیم کرده است و برای مدیریت هر بخش، روشی را ارائه کرده است



حجت الاسلام علی کشوری، نشست تخصصی بررسی قاعده اصولی بیان مبتنی بر تأمل، چهارشنبه اول فروردین ۱۴۰۳
منبع: کانال الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا
<https://eitaa.com/olgou/6300>

[۱] تعریف ساده از فقه البیان: فقه البیان شامل ۹ دسته قاعده اصولی است؛ که روش و اسلوب استنباط و استنتاج از وحی را توضیح می دهد. به عبارت بهتر: استنتاج از وحی باید ۱- مبتنی بر قدر مخاطب و ظرفیت، ۲- مبتنی بر تأمل، ۳- مبتنی بر مقایسه، ۴- مبتنی بر مُکث، ۵- مبتنی بر رفق، ۶- مبتنی بر منزلت، ۷- مبتنی بر انفتاح، ۸- مبتنی بر سیاق و کشف پیشفرض و ۹- مبتنی بر کمیت و عدد، تعریف شود.

مهمترین باب از ابواب فقه البیان، مباحث باب پیشرفته بیان مبتنی بر تأمل است؛ زیرا آغاز و مفتاح علم، شرح صحیح پرسش و ایجاد "سؤال خوب" در ذهن مخاطب است. تبیین روش موضوع شناسی از مباحث این باب است.

منبع: کانال الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا
<https://eitaa.com/olgou/5259>

قواعد اصول فقه را به محوریت پنج نوع تفکر شامل ۱- تأمل (خروج از غفلت)، ۲- تعقل (مبداء یابی برای اشیاء به غرض دستیابی به ثبات)، ۳- تدبیر (عاقبت سنجی برای رفتار)، ۴- تجرّب (افزایش یقین)، ۵- تفقه (بررسی تفکر برتر) بازسازی کرده و توسعه داده ایم. مبتنی بر قواعد اصولی فقه البیان یک طلبه می تواند تفکر در جامعه را - به محوریت آیات و روایات - گسترش دهد. توضیح بیشتر اینکه: فریه کردن تفکر در جامعه با کاهش اصطکاک اجتماعی و توسعه نظم اختیاری و گسترش درونی سازی نسبت به فقه (آیات و روایات) مرتبط است.

در مباحث اصولی فقه هدایت، اصل تحریک فکر و حسن السؤال را بر حالات مُکلف فقیه (قطع، ظن و شک) حاکم می دانیم؛ زیرا چگونگی گسترش بعث نسبت به فقاہت، در مبانی اصول فقه فعلی تحلیلی ندارد. (متأسفانه)

حجت الاسلام علی کشوری - مقایسه مبانی اصول فقه در فرائد الأصول (رسائل شیخ انصاری) و فقه البیان - در جمع برخی از طلاب مدرسه هدایت - بامداد شنبه ۲۵ بهمن ۱۳۹۹ - قم
منبع: کانال الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا
<https://eitaa.com/olgou/2950>

برای ایجاد یک گفتگوی جذاب و ناظر به تحریک فکر مخاطب، ده ملاحظه مهم در روایات و آیات وجود دارد. (شرح قاعده اصولی بیان مبتنی بر تأمل) یکی از مهمترین این ملاحظات، توجه جدی به سازه های سه گانه بیان است. سازه های سه گانه بیان، در یک جمله، ماده اصلی بعث آفرینی و تفکر آفرینی بیانی محسوب میشوند!

سازه اول بیان: شروع و آغاز یک گفتگوی صحیح، تبیین سؤال برای مخاطب و یا تمرکز بیانی بر روی سؤالات افراد است. بیان صحیح همیشه ناظر به یک پرسش شکل می گیرد و از نقطه شروع های حقوقی، جبری و... فاصله می گیرد.

سازه دوم بیان: استفاده از اصطلاحات عمیق و غیر تقلیدی در بیان است. اصطلاح در واقع، هسته اصلی جواب محسوب می شود و نباید از دستگاه دانشی دیگران به عاریه گرفته شود. در مباحثات فقه نظام به دنبال درایه و احیای اصطلاحات پیامبران هستیم. استفاده و درایه در اصطلاح نظام به جای اصطلاح سیستم، استفاده و درایه در اصطلاح طبیات به جای غذای ارگانیک، استفاده و درایه در اصطلاح عبرتکده به جای اصطلاح میراث فرهنگی، استفاده و درایه از اصطلاح محله (محیط همسایگی) به جای اصطلاح معیوب منطقه شهری، استفاده و درایه در اصطلاح طبایع اربعه به جای اصطلاح معیوب سلول و... بخشی از مسیر علمی احیای اصطلاحات وحی در گفتگوهای کارشناسی کشور محسوب میشود.



سازه سوم بیان: بیان تفصیلی ارجاعات سه‌گانه در نظریات فقهی نقشه الگوی پیشرفت اسلامی و هر بیان تحریک‌کننده فکر، سازه سوم بیان است. در هر کلام علمی سه نوع ارجاع پژوهشی (تکیه گاه‌های بحث)، ارجاع پرورشی (توضیحات تبیینی به تشخیص تدوین‌کننده) و ارجاع پردازشی (گزارش‌های آماری) متصور است. از نظر ادبیات وحی، حذف ارجاعات یک بحث، نوعی دروغ‌گویی محسوب می‌شود.

حجت‌الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) - تبیین سازه‌های بیان از منظر فقه‌البیان - دوشنبه ۶

شهریور ۱۴۰۲ - مسجد جمکران

منبع: کانال الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌سان ایتا

<https://eitaa.com/olgou/556>

چهار مهارت مرتبط با سؤال و تفکر:

چهار مهارت مهم در حوزه پرسشگری و مدیریت پرسش‌های جامعه در فقه‌البیان - بخش مرتبط با بیان مبتنی بر تأمل - مطرح است. تسلط بر این مهارت‌ها از مقدمات اجتهاد و مدیریت تأملات یک جامعه محسوب می‌شود:

مهارت اول: مدیریت حفظ سؤال در مباحثه، اولین مهارت لازم برای مدیریت تأملات یک جامعه است. برخی افراد در یک مباحثه علمی به سرعت اسیر پرسش‌های طرف مقابل می‌شوند و قدرت حفظ سؤال خود در یک جلسه علمی و یا محیط اطراف خود را ندارند. در یک مباحثه علمی یا یک پروژه اجتماعی، پاسخ به سؤالات مخاطبان را باید در رتبه دوم مباحثات قرار داد و از پدیده گیج‌کننده ازدحام و تکثر سؤال جلوگیری به عمل آورد. انتخاب یک پایه سؤال قوی و تبیین قوی پرسش (بیان فواید پرسش محل بحث) از جمله ابزارهای حفظ سؤال در ذهنیت مخاطبان است. برای حفظ سؤال باید به صورت حداقلی از امر و نهی استفاده نمایم.

مهارت دوم: تسلط بر روش کشف سؤال شارع از بیان شارع است. همانطور که در مقدمات فقه‌البیان مطرح کرده‌ایم: بیان علمی شارع مبتنی بر یک سؤال آشکار یا سؤال مفروض مطرح شده است. کشف سؤال شارع و تبیین آن به عنوان نقطه آغاز فهم روایت و آیه، یک مهارت مغفول در علم اصول فعلی است. تعاضد یابی درباره روایات و آیات و توجه جدی به تعلیل‌های مطرح در آیات و روایات؛ مهمترین ابزار کشف سؤال از بیان شارع است و در مواردی که سؤال آشکار یا مفروض است؛ به تبیین سؤال شارع مدد می‌رساند. در بسیاری از موارد که روایت و آیه در ملاحظات لفظی اولیه دارای اجمال بیانی است؛ توجه به سؤال شارع، سبب "انصراف معنایی" لفظ مجمل و بالتبع عدم نیاز به برخی از "اصول مرادیه" برای کشف مقصود شارع می‌شود. (کشف سؤال شارع، زمینه انصراف معنایی بیان شارع محسوب می‌شود)

مهارت سوم: تسلط بر روش تنقیح و تصحیح سؤالات غلط مخاطبان شارع است. همانطور که قبلاً معروض داشته‌ایم: سؤالات عرف‌های عمومی و تخصصی مشمول چهار صفت ۱- سؤال غلط، ۲- سؤال ناقص، ۳- سؤال صحیح فاقد اولویت و ۴- سؤال صحیح اولویت دار است و فقیه در مقام هدایت تفکرات جامعه، ناگزیر از مدیریت علمی سؤال معیوب است. پاسخ دادن به سؤال مخاطب به معنای تنقیح سؤالات معیوب مخاطب است و برای تنقیح سؤالات معیوب، سه مرحله ۱- تنقیح بیانی، ۲- تنقیح زیرساختی و ۳- تنقیح شاکله‌ای در سرفصل دوم فقه‌البیان تصویر شده است

مهارت چهارم: تسلط بر روش کشف سؤالات مرتبط با یک سؤال صحیح است. (تسلط بر روش کشف نظام سؤالات شارع) برای مدیریت یک جامعه، نیازمند ایجاد تأمل در همه ابعاد نیاز آن جامعه هستیم و طرح سؤالات یک بعدی به معنای پذیرش حضور دانش غلط در سایر حوزه‌ها است. اگرچه تفکر از یک سؤال مادر آغاز می‌گردد؛ ولی زایش سؤالات بخشی از آن سؤال مادر، یک ضرورت قطعی محسوب می‌شود. به عنوان مثال در بسته اولویت‌های تمدنی ۱۲ گانه ۱۱ پرسش اصلی از پرسش‌های مادر تقسیمات شهری کوچک مطلوب است؟ (محل محوری) یا تقسیمات شهری بزرگ؟ (منطقه شهری) زائیده شده است و در واقع یک مجموعه از پرسش‌های مرتبط با محله محوری با مخاطبان مطرح می‌شود.

حجت‌الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) - تبیین فواید قاعده اصولی بیان مبتنی بر تأمل (سرفصل دوم

فقه‌البیان) - ۳۰ صفر ۱۴۴۵ (شهادت عالم آل محمد) - قم



بعد از آن، مطلب خودتان را بیان کنید. چرا؟ چون به نظر من، بدترین نوع برخورد با اختیارها این است که بگویید: «بیا بنشین حرف مرا گوش کن!» این خودش یک نوع جبر است! ممکن است شما پدر خانواده یا معلم خانواده باشید و آن شخص مجبور باشد که پای صحبت شما بنشیند؛ ولی در دل [و قلب] با شما همراهی نخواهد کرد! بنابراین سعی کنید به عنوان یک اصل روشی حتماً در ابتدای روایت هنری^{۵۴} تأمل آفرینی کنید و تأمل طرف مقابلتان را زنده کنید، تا او در قسمت دوم با شما همراهی کند.

پس این هم یک اصل فرمی است؛ البته اصول شکلی فرم روایت از نظر اهل بیت (علیهم السلام) بیشتر از اینهاست که لازم است در مورد آنها بحث‌های بیشتری صورت بگیرد.

۳/۳. عدم انسجام و اتفاق نظر در اصول فرم در فرمالیسم (Formalism):

حالا شما این‌ها را با اصل‌های فرمالیست‌ها (فرمالیست‌های افراطی یا نوفرمالیست‌ها، یا سمبولیست (Symbolist)‌ها^{۵۵} و یا هر مکتب دیگری که دارند) مقایسه کنید و ببینید که چقدر به این اصول شکلی روایت توجه می‌کنند.

منبع: کانال الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5601>

۵۴. انتقال از متن: حالا روایت هنری راجع به هر چیزی؛ راجع به غذا، راجع به لباس، یا راجع به هر چیز دیگر.

۵۵. **ارجاع پرورشی:** Symbolism, a loosely organized literary and artistic movement that originated with a group of French poets in the late ۱۹th century, spread to painting and the theatre, and influenced the European and American literatures of the ۲۰th century to varying degrees. Symbolist artists sought to express individual emotional experience through the subtle and suggestive use of highly symbolized language.

سمبولیسم (نمادگرایی): یک جنبش ادبی و هنری با سازماندهی ضعیفی است که با گروهی از شاعران فرانسوی در اواخر قرن نوزدهم سرچشمه گرفت، به نقاشی و تئاتر گسترش یافت و ادبیات اروپایی و آمریکایی قرن بیستم را به درجات مختلفی تحت تأثیر قرار داد. هنرمندان نمادگرا به دنبال بیان تجربه عاطفی فردی از طریق استفاده ظریف و پیشنهادی از زبان بسیار نمادین بودند.

منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://www.britannica.com/art/Symbolism-literary-and-artistic-movement>

**۳/۳/۱. سهل‌انگاری و پیچیده‌نبودن فرم؛ نمونه‌ای از «اصول فرم» مطرح در فرمالیسم**

این را هم داخل پراتنز عرض کنم: اختلاف و معركة الآراء وجود دارد در مورد اینکه چارچوب‌های فرمی و اصول فرم چیست؟ هر کسی یک چیزی گفته است؛ مثلاً: بعضی در همین اندازه وارد بحث شده‌اند و گفته‌اند: اگر «سهل‌انگاری» در یک روایت مد نظر باشد، این خود فرمالیسم (Formalism) است. یعنی می‌گویند یک روایت باید روایت سهلی باشد و یک روایت پیچیده‌ای از یک مسئله نباشد.^{۵۶}

۳/۳/۲. توجه به مجاز بودن فرم؛ نمونه‌ای دیگر از «اصول فرم» مطرح در فرمالیسم

یا مثلاً بعضی دیگر آمده‌اند و گفته‌اند: اگر کسی «معانی مجازی» را در روایت خودش برجسته کند، این اصل اصلی فرم و مفهوم اصلی شکل است. [یعنی: اینها] توجه به مجاز در روایت [را چارچوب اصلی فرم می‌دانند].

۳/۳/۳. حاکم‌بودن نوعی از انتزاع بر فرم؛ نمونه‌ای دیگر از «اصول فرم» مطرح در فرمالیسم

بعضی دیگر آمده‌اند و گفته‌اند: اگر «نوعی انتزاع» بر یک متن یا بر یک اصل هنری حاکم باشد، این در واقع اصل اصلی فرم مطلوب است.^{۵۷}

^{۵۶} **ارجاع پرورشی:** Form plays an important role in the simplification of a subject. If you are able to see the basic forms through all the “noise”, you will be able to paint a more convincing image as you will have a better feel and understanding of the subject. You will know why the subject looks the way it looks rather than having to rely entirely on observation.

فرم نقش مهمی در ساده سازی یک موضوع دارد. اگر بتوانید فرم‌های پایه را از میان این‌همه "سروصدا" ببینید، می‌توانید تصویر قانع‌کننده تری ترسیم کنید زیرا احساس و درک بهتری از موضوع خواهید داشت. خواهید دانست که چرا موضوع به این شکل است، نه اینکه کاملاً به مشاهده وابسته باشید.

منبع: آکادمی Draw Paint

<https://drawpaintacademy.com/form/#form-and-simplification>

۵۷. ارجاع پرورشی: The Emergence of Abstraction

Formalism's emphasis upon the composition of formal elements paralleled and furthered the rise of abstraction. The connection could be seen as early as the near-abstraction of Whistler's Nocturne in Black and Gold: The



۳/۳/۴. توجه ساختارگراها بر چارچوب‌های متفاوت فرم (در اعتراض به فرمالیست‌های اولیه و افراطی)؛ نمونه‌ای دیگر از «اصول فرم» مطرح در فرمالیسم

خیلی اختلاف است در اینکه فرم مطلوب چیست؟ برای همین هم هر کسی روی یک مفهومی ایستاده و یک مکاتبی ایجاد شده است؛ مثلاً ساختارگراها^{۵۸} که در واقع بعداً در اعتراض به

Falling Rocket (۱۸۷۵) or Cezanne's final landscapes. Building upon Cezanne's emphasis upon "the cylinder, sphere and the cone" as the visual components of the natural world, Pablo Picasso and Georges Braque developed Cubism's multiple perspectives and fractured forms .

In ۱۹۱۳, Kazimir Malevich developed the principles of Suprematism, an abstract art composed of a limited number of geometric forms. As he later recalled, "[i]n the year ۱۹۱۳, trying desperately to free art from the dead weight of the real world, I took refuge in the form of the square." David Bomberg, a pioneer of abstraction in Britain, described his work on similar lines: "I appeal to a sense of form – where I use naturalistic form I have stripped it of all irrelevant matter...My object is the construction of Pure Form." His works, such as The Mud Bath (۱۹۱۴), depicted the human figure as a geometric shape, a process which he described as "searching for an intenser expression".

پیدایش انتزاع: تاکید فرمالیسم بر ترکیب عناصر شکل‌دهنده، موازی و تقویت‌کننده ظهور انتزاع بود. این ارتباط را می‌توان در آثار نزدیک به انتزاع مانند "نکتورن در سیاه و طلا: راکت سقوط‌کننده" (۱۸۷۵) ویستلر یا مناظر نهایی سزان دید. با تکیه بر تاکید سزان بر "استوانه، کره و مخروط" به عنوان اجزای بصری دنیای طبیعی، پابلو پیکاسو و ژرژ براک چشم‌اندازهای چندگانه و فرم‌های شکسته کویسیم را توسعه دادند.

در سال ۱۹۱۳، کازیمیر مالویچ اصول سوپره‌ماتیسم را توسعه داد، یک هنر انتزاعی متشکل از تعداد محدودی از فرم‌های هندسی. همانطور که بعدها یادآوری کرد، "در سال ۱۹۱۳، با تلاش شدید برای رهایی هنر از وزن مرده دنیای واقعی، به پناهگاه فرم مربع پناه بردم." دیوید بامبرگ، پیشگام انتزاع در بریتانیا، کار خود را در خطوط مشابهی توصیف کرد: "من به حسی از فرم متوسل می‌شوم - جایی که از فرم طبیعی استفاده می‌کنم، آن را از تمام مواد غیر مرتبط جدا کرده‌ام... هدف من ساخت فرم خالص است." آثار او، مانند "حمام گل" (۱۹۱۴)، شکل انسانی را به عنوان یک شکل هندسی به تصویر کشید، فرآیندی که او آن را "جستجو برای یک بیان شدیدتر" توصیف کرد.

The Art Story منبع: دانشنامه هنری

theartstory.org/definition/formalism/

^{۵۸}. **ارجاع پرورشی:** Russian: Konstruktivizm / Key People: Joaquín Torres-García Constructivism / art /

Naum Gabo Antoine Pevsner / Related Topics: art

Constructivism, Russian artistic and architectural movement that was first influenced by Cubism and Futurism and is generally considered to have been initiated in ۱۹۱۳ with the "painting reliefs"—abstract geometric constructions—of Vladimir Tatlin. The expatriate Russian sculptors Antoine Pevsner and Naum Gabo joined Tatlin and his followers in Moscow, and upon publication of their jointly written Realist Manifesto in ۱۹۲۰ they became the spokesmen of the movement. It is from the manifesto that the name Constructivism was derived; one of the directives that it contained was "to construct" art. Because of their admiration for machines and technology, functionalism, and modern industrial materials such as plastic, steel, and glass, members of the movement were also called artist-engineers.



scale model of Vladimir Tatlin's Monument to the Third International Scale model of Vladimir Tatlin's ۱۹۲۰ Monument to the Third International by Jeremy Dixon, ۳۲.۸ feet (۱۰ metres) high, ۲۰۱۱; shown in the courtyard of the Royal Academy London.

Other important figures associated with Constructivism were Alexander Rodchenko and El Lissitzky. Soviet opposition to the Constructivists' aesthetic radicalism resulted in the group's dispersion. Tatlin and Rodchenko remained in the Soviet Union, but Gabo and Pevsner went first to Germany and then to Paris, where they influenced the Abstraction-Création group with Constructivist theory, and later in the ۱۹۳۰s Gabo spread Constructivism to England and in the ۱۹۴۰s to the United States. Lissitzky's combination of Constructivism and Suprematism influenced the de Stijl artists and architects whom he met in Berlin, as well as the Hungarian László Moholy-Nagy, who was a professor at the Bauhaus. In both Dessau and Chicago, where (because of Nazi interference) the New Bauhaus was established in ۱۹۳۷, Moholy-Nagy disseminated Constructivist principles.

سازه‌گرایی (ساختارگرایی) / هنر / روسی: Konstruktivizm / افراد کلیدی: خواکین تورس-گارسیا ناوم گابو آنتوان پوسنر / موضوعات مرتبط: هنر

کنستراکتیویسم، جنبش هنری و معماری روسیه که برای اولین بار تحت تأثیر کویبیسیم و فوتوریسم قرار گرفت و به طور کلی در سال ۱۹۱۳ با «نقش برجسته‌های نقاشی» - ساختارهای هندسی انتزاعی - ولادیمیر تاتلین آغاز شد. مجسمه‌سازان روسی خارج‌شده آنتوان پفسنر و ناوم گابو به تاتلین و پیروانش در مسکو پیوستند و پس از انتشار مانیفست رنالیستی مشترکشان در سال ۱۹۲۰، سخنگویان جنبش شدند. از این مانیفست است که نام سازنده‌گرایی مشتق شده است. یکی از دستوراتی که در آن گنجانده شده بود «ساخت» هنر بود. اعضای این جنبش به دلیل تحسین ماشین‌ها و فناوری، کارکردگرایی و مواد صنعتی مدرن مانند پلاستیک، فولاد و شیشه، مهندسان هنرمند نیز خوانده می‌شدند.

مدل مقیاس بنای یادبود ولادیمیر تاتلین به سومین بین‌الملل مدل مقیاس بنای یادبود ولادیمیر تاتلین در سال ۱۹۲۰ توسط جرمی دیکسون، ۳۲.۸ فوت (۱۰ متر) ارتفاع، ۲۰۱۱؛ در حیاط آکادمی سلطنتی لندن نشان داده شده است.

دیگر شخصیت‌های مهم مرتبط با سازه‌گرایی الکساندر رودچنکو و الیسیتزکی بودند. مخالفت شوروی با رادیکالیسم زیبایی‌شناختی سازه‌گرایان منجر به پراکندگی این گروه شد. تاتلین و رودچنکو در اتحاد جماهیر شوروی باقی ماندند، اما گابو و پوسنر ابتدا به آلمان و سپس به پاریس رفتند، جایی که گروه انتزاع-آفرینش را با نظریه سازه‌گرایی تحت تأثیر قرار دادند و بعداً در دهه ۱۹۳۰ گابو ساخت‌گرایی را به انگلستان و در دهه ۱۹۴۰ به انگلستان گسترش داد. ایالات متحده ترکیب کنستراکتیویسم و سوپرماتیسم لیسیستسکی بر هنرمندان و معمارانی که در برلین با آنها ملاقات کرد و همچنین لازلو موهولی ناگی مجارستانی که استاد باهاوس بود، تأثیر گذاشت. هم در دسائو و هم در شیکاگو، جایی که (به دلیل مداخله نازی‌ها) باهاوس جدید در سال ۱۹۳۷ تأسیس شد، موهولی-ناگی اصول سازنده‌گرایی را منتشر کرد.

منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://www.britannica.com/art/Constructivism-art>



من الآن در اینجا قضاوتی نمی‌کنم که آیا این نکته مهم است یا نیست؛ شاید من برعکس این نکته را معتقد باشم؛ ولی می‌گویم: [هر اندازه این نکته مهم باشد،] به اندازه «اصل ادب»، یا به اندازه «اصل قل و دل»، یا به اندازه «اصل بیان بعد از تأمل» مهم نیست. من اینطور می‌فهمم.

۳/۳/۶. تأکید بر اصل «عدم تفسیر متن به محوریت جهان و واقعیت» بلکه «تفسیر جهان و واقعیت به محوریت متن!»؛ نمونه‌ای دیگر از «اصول فرم» مطرح در فرمالیسم

یا مثلاً می‌گویند: نباید متن را به محوریت جهان و واقعیت تفسیر کرد؛ بلکه برعکس باید جهان را به محوریت متن تفسیر کرد. چون در زمان قبل از فرمالیست‌ها می‌گفتند مثلاً: «این کتابی که تو نوشته‌ای، خیلی با واقعیت تطابق ندارد!» و این نکته را معیار نقد قرار می‌دادند. لذا فرمالیست‌ها علیه این نوع نگاه قیام و اعتراض کردند و گفتند: «اصلاً برعکس است؛ [معیار نقد، متن است نه جهان بیرونی.] شما ببینید این متن، جهان را چگونه روایت کرده است؟ چرا جهان بیرونی را مبنای نقد این متن قرار می‌دهید؟! فرمالیست‌ها روی این اصل بحث و گفتگو کردند.^{۶۲}

الغرض؛ می‌خواستم بگویم آنهایی هم که دارند می‌گویند ما "نقد ادبی" انجام می‌دهیم، یا "نقد هنری" (به معنای نقد شکل و فرم) انجام می‌دهیم، اصول ثابتی را برای مسئله شکل و فرم ارائه نمی‌دهند. و این هم خودش یک مسئله است.

۶۲. **ارجاع پرورشی:** به نظر فرمالیست‌ها دنیای ادبیات با دنیای واقعیت‌های متعارف متفاوت است و بنابراین اثر ادبی را نباید فقط با توجه به واقعیت‌های بیرونی سنجید. از این رو از اثر ادبی نباید انتظار کسب اطلاعات و معلومات و آموزش راه و رسم زندگی داشت.

منبع: همان

Formalism describes the critical position that the most important aspect of a work of art is its form - the way it is made and its purely visual aspects - rather than its narrative content or its relationship to the visible world. فرمالیسم این موضع انتقادی را توصیف می‌کند که مهم‌ترین جنبه یک اثر هنری، فرم آن است - نحوه ساخت و جنبه‌های صرفاً بصری آن - نه محتوای روایی یا ارتباط آن با جهان مرئی.

گالری‌های تیت، (موزه‌های هنری در بریتانیا)

tate.org.uk/art/art-terms/f/formalism

ولی انبیاء (علیهم السلام) سه اصل روشن برای شکل و فرم بیان می‌کنند که باید در همه انواع فرم‌های هنری به آنها توجه کرد تا روایت جذاب‌تر شود.

۳/۴. تحقق بیشتر هدف هنر (عادت‌زدایی و برانگیخته‌شدن توجه و انگیزه مخاطب) به وسیله «اصول سه‌گانه فرم از نگاه انبیاء» نسبت به «اصول مختلف فرم در فرمالیسم»

من به علت کمبود وقت، این [اقوال مختلف فرمالیسم در مورد اصول فرم] را در محضر شما نقد نمی‌کنم. فقط عرض می‌کنم که حتی اگر معیارهای اساسی فرم، همین‌ها باشند، اساسی‌تر [و مهم‌تر] از آن «اصول ثلاثه فقهی» که ما برای فرم بیان کردیم، نیست. چرا؟^{۶۳} چون قرار بود که ما در هنر، توجه و انگیزه آدم‌ها را برانگیخته کنیم. این هدف اصلی ما در هنر بود. [مثلاً] شما می‌گویید: آدم‌ها عادت کرده‌اند که یک وقایعی را هر روز ببینند ولی از کنار آنها عادی عبور کنند. [لذا] ما با هنر یک کاری انجام می‌دهیم که از آن وقایع، "عادت‌زدایی" شود، یا به اصطلاحی که «مقاله هنر همچون شگرد» به کار برده این است: از آن وقایع "آشنایی‌زدایی" می‌کنیم، یا به اصطلاح دیگران: "بیگانه‌سازی" می‌کنیم.^{۶۴}

۶۳. انتقال از متن: چرایی این مطلب، مهم است.

۶۴. **ارجاع پرورشی:** ostranenie: A central concept in Russian Formalism's attempt to describe and define what constitutes literariness (literariness). A neologism, it implies two kinds of actions: making strange, and pushing aside. Consistent with this double meaning, the concept refers to the techniques writers use to transform ordinary language into poetic language, which for the Russian Formalists is language which induces a heightened state of perception.

Habit, according to the Russian Formalists, is the enemy of art, therefore to produce art the writer has to force the reader outside of the usual patterns of perception by making the familiar appear strange or different.

The principal theorist of this concept, Victor Shklovsky, uses a famous passage in Tolstoy's War and Peace (۱۸۶۹), where an opera is described as 'painted cardboard and oddly dressed men and women who moved, spoke and sang strangely in a patch of blazing light' to exemplify this concept.

Basically what Tolstoy does, according to Shklovsky in Theory of Prose (۱۹۹۰), is view things out of context, or to put it another way he fails to see the thing that makes the actions he describes either meaningful or coherent and in this way he defamiliarizes them. In The Prison-House of Language (۱۹۷۲), Fredric Jameson enumerates three advantages of the concept of ostranenie: firstly, it enables literary theory itself to come into being by



خب؛ [ما می‌گوییم:] مگر هدف شما [از هنر] "بیگانه‌سازی" نیست؟ مگر هدف شما "عادت‌زدایی" نیست؟ مگر هدف شما "آشنایی‌زدایی" نیست؟ خب؛ آشنایی‌زدایی با «اصل ادب» و «اصل قَلّ و دَلّ» و با «اصل بیان مبتنی بر تأمل» بیشتر اتفاق می‌افتد. این است آن نگاه [و نکته اصلی در] بحث بنده.

پس من سوال دوم را هم جواب دادم: ما توجه به فرم را فی‌الجمله قبول داریم؛ اما نه به تفصیلی که صاحب مقاله «هنر همچون شگرد»^{۶۵} نوشته است. تفسیر انبیاء از اصول فرم و شکل، متفاوت

providing a way of distinguishing its object—namely, poetic language; secondly, it enables a hierarchy to be established within works and between works (i.e. more or less defamiliarizing); thirdly, it generates a new way of thinking literary history in terms of ruptures and breaks rather than continuities and influences.

Ostranenie (آشنایی‌زدایی): مفهومی محوری در تلاش فرمالیسم روسی برای توصیف و تعریف آنچه که ادبیات (ادبی بودن) را تشکیل می‌دهد. یک نئولوژیسم، متضمن دو نوع کنش است: عجیب کردن، و کنار زدن. مطابق با این معنای مضاعف، این مفهوم به تکنیک‌هایی اشاره دارد که نویسندگان برای تبدیل زبان معمولی به زبان شاعرانه استفاده می‌کنند، که برای فرمالیست‌های روسی زبانی است که باعث افزایش حالت ادراک می‌شود.

عادت، از نظر فرمالیست‌های روسی، دشمن هنر است، بنابراین نویسنده برای تولید هنری مجبور است خواننده را با عجیب یا متفاوت جلوه دادن چیزهای آشنا، از الگوهای معمول ادراک خارج کند.

نظریه پرداز اصلی این مفهوم، ویکتور شک洛夫سکی، از قطعه‌ای معروف در جنگ و صلح تولستوی (۱۸۶۹) استفاده می‌کند، که در آن اپرا به عنوان «مقوا نقاشی شده و مردان و زنانی با لباس‌های عجیب و غریب که حرکت می‌کردند، صحبت می‌کردند و آواز می‌خواندند، توصیف می‌شود. نور برای مثال زدن این مفهوم.

اساساً کاری که تولستوی انجام می‌دهد، طبق نظر شک洛夫سکی در نظریه تتر (۱۹۹۰)، این است که چیزها را خارج از زمینه ببیند، یا به عبارت دیگر، او از دیدن چیزی که اعمالی را که توصیف می‌کند معنادار یا منسجم می‌کند، ناکام است و به این ترتیب او آنها را ناآشنا می‌کند. در زندان-خانه زبان (۱۹۷۲)، فردریک جیمسون سه مزیت مفهوم ostranenie را برمی‌شمارد: اولاً، نظریه ادبی را قادر می‌سازد تا با ارائه راهی برای تمایز موضوع آن - یعنی زبان شاعرانه - به وجود آید. ثانیاً، سلسله مراتبی را در درون آثار و بین آثار ایجاد می‌کند (یعنی کم و بیش آشنایی‌زدایی). ثالثاً، شیوه جدیدی از تفکر تاریخ ادبی را از نظر گسست و گسست به جای تداوم و تأثیر ایجاد می‌کند.

منبع: دایره المعارف‌های تحقیقاتی آکسفورد

Oxford Research Encyclopedias

<https://www.oxfordreference.com/display/10.1093/oi/authority.2011080300256378>

۶۵. ارجاع پرورشی:

Viktor Shklovsky (born January ۲۴ [January ۱۲, Old Style], ۱۸۹۳, St. Petersburg, Russia—died December ۸, ۱۹۸۴, Moscow) was a Russian literary critic and novelist. He was a major voice of Formalism, a critical school that had great influence in Russian literature in the ۱۹۲۰s.

Educated at the University of St. Petersburg, Shklovsky helped found OPOYAZ, the Society for the Study of Poetic Language, in ۱۹۱۴. He was also connected with the Serapion Brothers, a collection of writers that began meeting in Petrograd (St. Petersburg) in ۱۹۲۱. Both groups felt that literature's importance lay primarily not in

است. بنابراین شما می‌توانید^{۶۶} کتاب، زمان، فیلم [و سایر قالب‌ها و آثار هنری] را با معیارها و اصول فرمی مدنظر انبیاء (یعنی: «معیار ادب»)، «معیار قَل و دَل» و «معیار روایت بعد از تأمل» مورد نقد قرار دهید.

its social content but rather in its independent creation of language. In O teori prozy (۱۹۲۵; "On the Theory of Prose") and Metod pisatel'skogo masterstva (۱۹۲۸; "The Technique of the Writer's Craft"), Shklovsky argued that literature is a collection of stylistic and formal devices that force the reader to view the world afresh by presenting old ideas or mundane experiences in new, unusual ways. His concept of ostranenie, or "making it strange," was his chief contribution to Russian Formalist theory.

ویکتور اشک洛夫سکی (زاده ۲۴ ژانویه ۱۲ ژانویه، به سبک قدیمی)، ۱۸۹۳، سن پترزبورگ، روسیه - درگذشته ۸ دسامبر ۱۹۸۴، مسکو) منتقد ادبی و رمان‌نویس روسی بود. او یکی از صدای اصلی فرمالیسم بود، مکتبی انتقادی که در دهه ۱۹۲۰ تأثیر زیادی در ادبیات روسیه داشت.

اشک洛夫سکی که در دانشگاه سن پترزبورگ تحصیل کرده بود، در سال ۱۹۱۴ به تأسیس OPOYAZ، انجمنی برای مطالعه زبان شعر کمک کرد. او همچنین با برادران سرایون، مجموعه‌ای از نویسندگان که در پتروگراد (سن پترزبورگ) در سال ۲۰۱۴ شروع به ملاقات کردند، در ارتباط بود. ۱۹۲۱. هر دو گروه احساس کردند که اهمیت ادبیات اساساً نه در محتوای اجتماعی آن، بلکه در خلق مستقل زبان آن است. در (O teori prozy ۱۹۲۵؛ "درباره نظریه شعر") و (Metod pisatel'skogo masterstva ۱۹۲۸؛ "تکنیک هنر نویسنده")، اشک洛夫سکی استدلال کرد که ادبیات مجموعه‌ای از ابزارهای سبکی و رسمی است که خواننده را وادار به مشاهده می‌کند. با ارائه ایده‌های قدیمی یا تجربیات پیش پا افتاده به روش‌های جدید و غیرمعمول، جهان را از نو بازگرداند. مفهوم او از ostranenie یا «عجیب ساختن آن» سهم اصلی او در نظریه فرمالیستی روسیه بود.

منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://www.britannica.com/biography/Viktor-Shklovsky>

یکی از مهم‌ترین و جذاب‌ترین مفاهیم در فرمالیسم که از اصلی‌ترین ویژگی‌هایی است که به شکل‌های مختلفی در بیان ادبی استفاده شده است، آشنایی زدایی یا بیگانه کردن است. اشک洛夫سکی (Victor Shklovsky) نخستین بار این مفهوم را مطرح کرد. پس از او یاکوبسن و «تینالوف» در مواردی از این مفهوم به عنوان بیگانه سازی یاد کردند. ویکتور اشک洛夫سکی در رساله اش «هنر همچون شگرد» (هنر به مثابه فن) (Art Technique) ۱۹۱۷ برای اولین بار به این مفهوم اشاره می‌کند.

منبع: پایان نامه بررسی سبک فرمالیسم

<https://jozve.org/product/formalism-style/>

۶۶. انتقال از متن: یک جلسه نقد در مورد یک کتاب یا یک زمان (حالا در مورد دفاع مقدس یا موضوعات دیگر) [برگزار کنیم]. مثلاً من در یک زمانی (در اوائل بلوغ) خیلی از این بحث‌ها را می‌خواندیم؛ مثلاً زمان «سه مرد یک‌دست» که توسط یک نویسنده خارجی (به نام جک لندن) نوشته شده بود [۱] را من خواندم. وقتی وارد [مطالعه متن آن] شدم، دیدم برخی از صحنه‌ها را خیلی بی‌ادبانه روایت می‌کند. چون خلاصه این داستان این است که این سه مرد دست‌های خود را بخاطر دوست دخترشان، از دست داده بودند! و در یک جایی به هم برخورد کرده بودند و داشتند داستان خودشان را تعریف می‌کردند. بعد آدم می‌دید که در روایت این داستان، از ادب عبور می‌کنند. لذا وقتی می‌خواندم، سریع از آن عبور کردم. چون من بالغ شده بودم و این‌ها برایم اذیت‌کننده بود. نمی‌دانستیم



که یک روزی می‌آید که این کارها را در خیابان انجام می‌دهند! [می‌توانید یک جلسه نقد در مورد این موضوعات] برگزار کنید و مثلاً افرادی از مدرسه ما هم در آن جلسه حاضر شوند.

[۱] **ارجاع پرورشی:** کتاب «محکومین به زندگی» از جک لندن، ترجمه عنایت الله شکیباپور، ناشر: عین‌اللهی، سال انتشار ۱۳۶۱ - داستان «سه مرد یک‌دست» یکی از داستان‌های این مجموعه است.



۴. پرسش سوم: اشیائی که از نظر انبیاء زینت محسوب می‌شوند و ما باید آنها را برجسته کنیم کدام هستند؟ (تعریف)

برویم سراغ سوال سوم که به نوعی سوال مهم [و اصلی] است. [حالا که] ما می‌خواهیم [در هنر،] خیرها را برجسته کنیم؛ زینت‌های اصلی خیرها چه چیزهایی هستند تا ما آن‌ها را برجسته کنیم تا خیر باقی بماند و دیده شود؟

بحث‌های فرمی را که در سر جای خود بیان کردیم؛ حالا [در سوال سوم بحث بر سر این است که:] یک "اشیاء زینتی" به خود "خیر" اضافه می‌شوند؛ این‌ها چه چیزهایی هستند؟ من ۱۴ نمونه از آن‌ها را طبق روایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای شما می‌خوانم.

۴/۱. بیان ۱۴ «زینت» برای ۱۴ «خیر» در روایتی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله):

۴/۱/۱. عَفَّتْ (زینت) برای ابتلاء (خیر)؛ اولین شیئی زینت از نظر انبیاء «الْعَفَافُ زِينَةُ الْبُلَاءِ»

روایتی از نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) در جامع‌الاکخبار شعیری نقل شده است^{۶۷} که ۱۴ زینت را برای ۱۴ خیر بیان می‌فرمایند.^{۶۸} ما در کار هنری باید به این ۱۴ زینت توجه کنیم. متن

۶۷. انتقال از متن: جناب شعیری از فقهای ما است که مربوط به قرن ششم هجری می‌باشد و مورد وثوق رجالیون است؛ لذا روایت ایشان فی‌الجمله مورد اعتماد است. [۱] البته ضعف فی‌الجمله سندی که این روایت دارد به دلیل روایات معاضدش برطرف می‌شود بنابراین من در استنباط به این روایت کاملاً بر مبنای وثوق الصدوری اعتماد دارم. این توضیح اجمالی را در مورد رجال این روایت بیان کردم تا بعداً بعضی نگویند که روایت ضعیف است.

[۱] **ارجاع پرورشی:** برخی از قرائن اعتماد به محتوای روایات مذکور در کتاب جامع‌الاکخبار شعیری: الف- اعتماد و نقل روایات این کتاب توسط بزرگان و محدثان دیگر: مثلاً: علامه مجلسی و مرحوم محدث نوری این کتاب را از مصادر کتاب بحار الأنوار و مستدرک الوسایل قرار داده‌اند و از آن نقل روایت می‌کنند. ب- همخوانی روایات این کتاب با اصول و مبانی شیعه و وجود تناسب و عدم تعارض با روایات دیگر: مرحوم محدث نوری (ره) در خاتمه کتاب مستدرک الوسایل - بعد از ارایه بحث نسبتاً مفصل در مورد جامع‌الاکخبار و مولف آن و عدم نتیجه‌گیری خاصی در این مورد- در نهایت کلام متینی را می‌فرمایند که دلالت بر اعتبار محتوا و مدلول عمده روایات این کتاب می‌کند: « و الذي يهون الخطب قلة ما فيه من الأخبار المحتاجة إلى النظر في أسانيدها... » « آنچه کار را



آسان می‌کند این است که در این کتاب (جامع الاخبار) کم روایتی پیدا می‌شود که نیاز به نظر کردن در سند آن باشد! [بخاطر همخوانی روایات این کتاب با اصول و مبانی شیعه و وجود تناسب و عدم تعارض با روایات دیگر] ...»

مستدرک الوسائل / الخاتمة ج ۱ / ص ۳۵۲

۶۸. **ارجاع پژوهشی:** قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الْعَفَافُ زِينَةُ الْبَلَاءِ، وَ التَّوَاضُّعُ زِينَةُ الْحَسَبِ، وَ الْفَصَاحَةُ زِينَةُ الْكَلَامِ، وَ الْعَدْلُ زِينَةُ الْإِيمَانِ، وَ السَّكِينَةُ زِينَةُ الْعِبَادَةِ، وَ الْحِفْظُ زِينَةُ الرِّوَايَةِ، وَ حِفْظُ الْحَاجِّ [الْحِجَابِ] زِينَةُ الْعِلْمِ، وَ حُسْنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ، وَ بَسْطُ الْوَجْهِ زِينَةُ الْحِلْمِ، وَ الْإِيثَارُ زِينَةُ الرَّهْدِ، وَ بَدَلُ الْمُجْهُودِ زِينَةُ الْيَقِينِ، وَ التَّقَلُّلُ زِينَةُ الْقَنَاعَةِ، وَ تَرْكُ الْمَنِّ زِينَةُ الْمَعْرُوفِ، وَ الْخُشُوعُ زِينَةُ الصَّلَاةِ، وَ تَرْكُ مَا لَا يَعْنِي زِينَةُ الْوَرَعِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): عفت، زینت بلاء است، و تواضع زینت نسب و فصاحت زینت کلام و عدل زینت ایمان و سکون زینت عبادت و حفظ زینت روایت و حفظ حجتها زینت علم و نیکی ادب زینت عقل و گشادگی روزی زینت بخشش و برگزیدن کسیرا بر خود زینت زهد و بخشش آنچه موجود است زینت یقین و کم چیز بودن زینت قناعت و ترک مت زینت نیکی و ترس و خشوع زینت نماز و ترک آن چه معنی ندارد زینت پرهیزکاری.

جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۱۲۳ / بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۳۱

* قابل ذکر است که این روایت در مصادر و منابع دیگر، از امیرالمومنین (علیه السلام) و با اندکی تفاوت نقل شده است:

قَالَ اميرالمومنين ع: الْعَفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ، وَ الشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى، وَ الصَّبْرُ زِينَةُ الْبَلَاءِ، وَ التَّوَاضُّعُ زِينَةُ الْحَسَبِ، وَ الْفَصَاحَةُ زِينَةُ الْكَلَامِ، وَ الْعَدْلُ زِينَةُ الْإِيمَانِ، وَ السَّكِينَةُ زِينَةُ الْعِبَادَةِ، وَ الْحِفْظُ زِينَةُ الرِّوَايَةِ، وَ حَفْضُ الْجَنَاحِ زِينَةُ الْعِلْمِ، وَ حُسْنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ، وَ بَسْطُ الْوَجْهِ زِينَةُ الْحِلْمِ، وَ الْإِيثَارُ زِينَةُ الرَّهْدِ، وَ بَدَلُ الْمُجْهُودِ زِينَةُ النَّفْسِ، وَ كَثْرَةُ الْبُكَاءِ زِينَةُ الْخَوْفِ، وَ التَّقَلُّلُ زِينَةُ الْقَنَاعَةِ، وَ تَرْكُ الْمَنِّ زِينَةُ الْمَعْرُوفِ، وَ الْخُشُوعُ زِينَةُ الصَّلَاةِ، وَ تَرْكُ مَا لَا يَعْنِي زِينَةُ الْوَرَعِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): عفاف زینت فقر است و سپاسگراری زینت ثروت و صبر زینت بلا و تواضع زینت شخصیت و فصاحت زینت کلام و عدل زینت ایمان و آرامش زینت عبادت و حفظ زینت روایت و نقل. و فروتنی زینت علم و مؤدب بودن زینت عقل و خوشرویی زینت حلم و ایثار زینت زهد، بخشش بمقدار قدرت زینت نفس است و زیاد گریه کردن زینت خوف. و به کم گذراندن زینت قناعت، و منت نگذاشتن زینت کمک نمودن است، خشوع زینت نماز و ترک آنچه نامربوط است زینت ورع.

كشف الغمة في معرفة الأئمة (اربلی، ۶۹۲ ق)، ج ۲، ص ۳۴۷ / بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۸۰

من كلام أميرالمؤمنين ع و حكمه: الْعَفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ، وَ الشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى، وَ الصَّبْرُ زِينَةُ الْبَلَاءِ، وَ التَّوَاضُّعُ زِينَةُ الْحَسَبِ، وَ الْفَصَاحَةُ زِينَةُ الْكَلَامِ، وَ الْعَدْلُ زِينَةُ الْإِيمَانِ، وَ السَّكِينَةُ زِينَةُ الْعِبَادَةِ، وَ الْحِفْظُ زِينَةُ الرِّوَايَةِ، وَ حَفْضُ الْجَنَاحِ زِينَةُ الْعِلْمِ، وَ حُسْنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ، وَ بَسْطُ الْوَجْهِ زِينَةُ الْحِلْمِ، وَ الْإِيثَارُ زِينَةُ الرَّهْدِ، وَ بَدَلُ الْمُجْهُودِ زِينَةُ الْمَعْرُوفِ، وَ الْخُشُوعُ زِينَةُ الصَّلَاةِ، وَ تَرْكُ مَا لَا يَعْنِي زِينَةُ الْوَرَعِ.

كنز الفوائد (كراچکی، ۴۴۹ ق)، ج ۱، ص ۲۹۹ / بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۹۱

قَالَ اميرالمؤمنين ع: الْعَفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ وَ الشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى، وَ الصَّبْرُ زِينَةُ الْبَلَاءِ، وَ التَّوَاضُّعُ زِينَةُ الْحَسَبِ، وَ الْفَصَاحَةُ زِينَةُ الْكَلَامِ، وَ الْعَدْلُ زِينَةُ الْإِيمَانِ، وَ السَّكِينَةُ زِينَةُ الْعِبَادَةِ، وَ الْحِفْظُ زِينَةُ الرِّوَايَةِ، وَ حَفْضُ الْجَنَاحِ زِينَةُ الْعِلْمِ، وَ بَدَلُ الْمُجْهُودِ زِينَةُ الْمَعْرُوفِ، وَ الْخُشُوعُ زِينَةُ الصَّلَاةِ، وَ الْإِيثَارُ زِينَةُ الرَّهْدِ، وَ حُسْنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ، وَ بَسْطُ الْوَجْهِ زِينَةُ الْحُكْمِ، وَ تَرْكُ مَا لَا يَعْنِي زِينَةُ الْوَرَعِ.



روایت به این شرح است: « قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): الْعَفَافُ زِينَةُ الْبَلَاءِ »؛ اولین زینت این است که ما باید به مفهوم "عَفَّت" توجه کنیم. می فرماید: اولین خیری که به انسان می رسد "خیر ابتلاء" است.

اولاً این معلوم باشد که حضرت می فرماید: یک خیری به اسم "ابتلاء" وجود دارد؛^{۶۹} ولی چون در ابتلاء یک نوع سختی هم وجود دارد، [لذا] معمولاً وقتی مردم مبتلا می شوند می گویند: خدایا! ما

۴/۱/۱/۱. خیربودن
ابتلاء و مبتلاشدن تمام
انسان ها به ابتلاء؛ دو
نکته قابل توجه در مورد
ابتلاء

أعلام الدين في صفات المؤمنين (ديلمی، ۸۴۱ ق)، ص ۳۲۱

۶۹. ارجاع پژوهشی: عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ خَيْرًا ابْتَلَاهُمْ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): وقتی خداوند برای قومی نیکی خواهد آنها را مبتلا سازد.

جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۱۱۳

نهج الفصاحة، ص ۲۸۸ / بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۳۶ / مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۳۸

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: مَا مِنْ عَبْدٍ أُرِيدُ أَنْ أُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ إِلَّا ابْتَلَيْتُهُ فِي جَسَدِهِ فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ كَفَّارَةً لِدُنُوبِهِ وَ إِلَّا شَدَّدْتُ عَلَيْهِ عِنْدَ مَوْتِهِ حَتَّى يَأْتِيَنِي وَلَا ذَنْبَ لَهُ ثُمَّ أُدْخِلُهُ الْجَنَّةَ وَ مَا مِنْ عَبْدٍ أُرِيدُ أَنْ أُدْخِلَهُ النَّارَ إِلَّا صَحَّحْتُ لَهُ جِسْمَهُ فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ تَمَاماً لَطَلْبَتِهِ عِنْدِي وَ إِلَّا آمَنْتُ حَوْفَهُ مِنْ سُلْطَانِهِ فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ تَمَاماً لَطَلْبَتِهِ عِنْدِي وَ إِلَّا وَسَّعْتُ عَلَيْهِ فِي رِزْقِهِ فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ تَمَاماً لَطَلْبَتِهِ عِنْدِي وَ إِلَّا هَوَّنْتُ عَلَيْهِ مَوْتَهُ حَتَّى يَأْتِيَنِي وَ لَا حَسَنَةَ لَهُ عِنْدِي ثُمَّ أُدْخِلُهُ النَّارَ.

امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از خداوند سبحان، نقل کرده که حضرت حق فرموده: هر بنده ای را که می خواهم به بهشت ببرم، در این دنیا بدن او را بیمار می کنم. این بیماری اگر برای کفاره گناهانش کافی باشد چه بهتر، و اگر نه مرگ را برایش سخت می کنم تا هیچ گناهی نداشته باشد. باز هم هر بنده ای را که می خواهم در آخرت داخل آتش جهنم بکنم، در دنیا جسمش را سالم می کنم. اگر این سلامتی برای جبران آن کارهای نیکش کافی نباشد او را از خوف پادشاه هم ایمن می کنم. اگر این هم برای جبران کارهای خوب او کافی نباشد، به رزقش وسعت می دهم و اگر این هم کافی نباشد مرگ را برایش آسان می کنم تا وقتی که به آخرت قدم گذاشت حتی یک عمل نیک نداشته باشد بعد او را داخل جهنم می کنم.

الكافي، ج ۲، ص ۴۴۶

التمحيص (اسكافي، ۳۳۶ ق)، ص ۳۸ / جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۱۱۴

الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیة (کلیات حدیث قدسی)، ص ۲۴۸ / بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۷۲ / الوافی، ج ۵، ص ۱۰۳۵

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانَ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا كَانَ مِنْ أَمْرِهِ أَنْ يُكْرِمَ عَبْدًا وَ لَهُ ذَنْبٌ ابْتَلَاهُ بِالسُّقْمِ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ لَهُ ابْتِلَاءٌ بِالْحَاجَةِ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ بِهِ ذَلِكَ شَدَّدَ عَلَيْهِ الْمَوْتَ لِيُكَافِيَهُ بِذَلِكَ الذَّنْبِ قَالَ وَ إِذَا كَانَ مِنْ أَمْرِهِ أَنْ يُهَيِّنَ عَبْدًا وَ لَهُ عِنْدَهُ حَسَنَةٌ صَحَّحَ بَدَنَهُ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ بِهِ ذَلِكَ وَسَّعَ عَلَيْهِ فِي رِزْقِهِ فَإِنْ هُوَ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ بِهِ هَوَّنَ عَلَيْهِ الْمَوْتَ لِيُكَافِيَهُ بِتِلْكَ الْحَسَنَةِ.

امام باقر (علیه السلام): چون خدای عز و جل خواهد که بنده ای را که دارای گناه هیست اکرام کند او را به بیماری گرفتاری کند، و اگر این کار را نکند به نیازمندی مبتلاش سازد، و اگر این کار را با او نکرد مرگ را بر او سخت کند تا بدان واسطه گناهش را



چه کار کردیم که به این شر مبتلا شدیم؟! لذا حضرت این را توضیح می‌دهند که به [خیربودن ابتلاء] توجه کنید.

این را بدانید که: ابناء بشر بدون ابتلاء خلق نشده‌اند! خداوند متعال این دنیا را قرین ابتلاء قرار داده است.^{۷۰} همه انسان‌ها مبتلا می‌شوند؛ حالا یا مبتلای به فقر مالی، یا مبتلای به عدم سلامت.^{۷۱ ۷۲}

جبران کند (و بگناهش مکافات کند) فرمود و چون بخواهد بنده‌ای را که حسنه‌ای در نزدش دارد خوار کند تنش را سالم کند و اگر این کار را در باره‌اش نکند روزیش را فراخ گرداند، و اگر آن را هم در باره‌اش انجام ندهد مرگ را بر او آسان کند تا بدان سبب در عوض آن حسنه او را پاداش دهد.

الکافی، ج ۲، ص ۴۴۴

مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۲۹۴ / إرشاد القلوب إلى الصواب (للديلمي)، ج ۱، ص ۱۸۱ / التمهيد، ص ۳۸

الوافي، ج ۵، ص ۱۰۳۳

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَا أُخْرِجُ عَبْدًا مِنَ الدُّنْيَا وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَرْحَمَهُ حَتَّى أَسْتَوْفِي مِنْهُ كُلَّ خَطِيئَةٍ عَمِلَهَا إِمَّا بِسُقْمٍ فِي جَسَدِهِ وَ إِمَّا بِضَيْقٍ فِي رِزْقِهِ وَ إِمَّا بِخَوْفٍ فِي دُنْيَاهُ فَإِنْ بَقِيَثَ عَلَيْهِ بَقِيَّةٌ شَدَّدْتُ عَلَيْهِ عِنْدَ الْمَوْتِ . وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَا أُخْرِجُ عَبْدًا مِنَ الدُّنْيَا وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أُعَذِّبَهُ حَتَّى أَوْفِيَهُ كُلَّ حَسَنَةٍ عَمِلَهَا إِمَّا بِسَعَةٍ فِي رِزْقِهِ وَ إِمَّا بِصَحَّةٍ فِي جِسْمِهِ وَ إِمَّا بِأَمْنٍ فِي دُنْيَاهُ فَإِنْ بَقِيَثَ عَلَيْهِ بَقِيَّةٌ هَوَّنْتُ عَلَيْهِ بِهَا الْمَوْتَ .

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): خداوند متعال فرموده: سوگند به عزت و جلالم، وقتی که من می‌خواهم به بنده‌ای رحم کنم او را از دنیا نمی‌برم مگر این که تمامی گناهان او را می‌بخشم. یعنی یا او را بیمار می‌کنم و یا او را مبتلا به خوف از دنیا می‌کنم و در اثر صبر در مقابل رنجها، گناهانش را می‌بخشم. اگر باز هم گناهی برایش باقی ماند، جان‌کندن را برایش سخت می‌گیرم تا بقیه گناهانش هم پاک شود. سوگند به عزت و جلالم، وقتی که می‌خواهم بنده‌ای را عذاب بدهم او را از دنیا نمی‌برم و به وی سلامتی و وسعت رزق و ایمنی می‌دهم تا همه اعمال خویش را با گناهان از بین ببرد و اگر چیزی از آن حسنات باقی بماند، مرگ را به وی آسان می‌کنم تا در آن دنیا حاجتی نداشته باشد.

الکافی، ج ۲، ص ۴۴۴

إرشاد القلوب إلى الصواب (للديلمي)، ج ۱، ص ۱۸۲ / مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۱۵۷

الجواهر السننية في الأحاديث القدسية (كليات حديث قدسی)، ص ۲۴۷ / الوافي، ج ۵، ص ۱۰۳۳

۷۰. **ارجاع پژوهشی:** وَ لَتَنْبَلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشْرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابْتَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی، و کاهش در اموال و جانها و محصولات می‌آزماییم؛ و مژده ده شکیبایان را * [همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، می‌گویند: «ما از آن خدا هستیم، و به سوی او باز می‌گردیم.» * بر ایشان درووها و رحمتی از پروردگارشان [باد] و راه‌یافتگان [هم] خود ایشانند.

سوره مبارکه بقره، آیات ۱۵۵ تا ۱۵۷



تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ
بزرگوار [و خجسته] است آنکه فرمانروایی به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست * همانکه مرگ و زندگی را خلق کرد تا شما را
ببازماید که کدامتان نیکوکارترید، و اوست ارجمند آمرزنده.

سوره مبارکه ملک، آیات ۱ و ۲

قَالَ النَّبِيُّ: إِنَّ الْبَلَاءَ لِلظَّالِمِ أَدَبٌ وَ لِلْمُؤْمِنِ امْتِحَانٌ وَ لِلْأَنْبِيَاءِ دَرَجَةٌ وَ لِلْأَوْلِيَاءِ كَرَامَةٌ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): بلا برای ظالم تأدیب، برای مؤمن امتحان، برای پیامبران درجه، و برای اولیاء کرامت است.

جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۱۱۳

بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۳۵ و ج ۷۸، ص ۱۹۸ / مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۳۸

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيِّ ع: أَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءً النَّبِيُّونَ ثُمَّ الْوَصِيُّونَ
ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَالْأَمْثَلُ وَ إِنَّمَا يَبْتَلَى الْمُؤْمِنَ عَلَى قَدْرِ أَعْمَالِهِ الْحَسَنَةِ فَمَنْ صَحَّ دِينُهُ وَ حَسُنَ عَمَلُهُ اشْتَدَّ بَلَاؤُهُ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ
يَجْعَلِ الدُّنْيَا ثَوَابًا لِمُؤْمِنٍ وَ لَا عُقُوبَةً لِكَافِرٍ وَ مَنْ سَخَفَ دِينَهُ وَ ضَعَفَ عَمَلَهُ قَلَّ بَلَاؤُهُ وَ أَنَّ الْبَلَاءَ أَسْرَعُ إِلَى الْمُؤْمِنِ النَّقِيِّ مِنَ الْمَطْرِ
إِلَى قَرَارِ الْأَرْضِ.

امام صادق (علیه السلام): در کتاب امیر المؤمنین (علیه السلام) آمده است: سخت‌ترین مردم از نظر بلا و گرفتاری انبیاء و سپس
اوصیاء و بعد اشخاص شریف و بعد از آن افراد شریف‌تر از دیگران می‌باشند و اساساً مؤمن به مقدار اعمال نیکی که انجام داده مبتلا
می‌شود بنا بر این کسی که دین و کردارش صحیح است ابتلاش شدید و سخت است زیرا حق عزّ و جلّ دنیا را اجر و پاداش برای
مؤمن و عقوبت برای کافر قرار نداده است و کسی که دینش سخیف و عملش ضعیف باشد ابتلاش کمتر است و بلا و گرفتاری نسبت
به مؤمن از ریزش باران به سطح زمین سریع‌تر می‌باشد.

الکافی، ج ۲، ص ۲۵۹ / علل الشرائع، ج ۱، ص ۴۴

سند علل: أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَانِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۱۱۴

الوافی، ج ۵، ص ۷۶۴ / وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۲۶۲ / مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۴۰

۷۱. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي

عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّهُ لَيَكُونُ لِلْعَبْدِ مَنْزِلَةٌ عِنْدَ اللَّهِ فَمَا يَتَأَلَّهَا إِلَّا بِأَحَدِي خَصَلَتَيْنِ إِمَّا بِذَهَابِ مَالِهِ أَوْ بِبِلْيَةِ فِي جَسَدِهِ.

امام صادق (علیه السلام): بنده در نزد خدا مقام و مرتبه‌ای دارد، او به آن مقام نخواهد رسید مگر اینکه نقصان در مال و یا در بدنش
پدید آید.

الکافی، ج ۲، ص ۲۵۷ / المؤمن (حسین بن سعید اهوازی، قرن ۳)، ص ۲۸

جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۱۱۴ / مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۲۹۸

الوافی، ج ۵، ص ۷۶۹ / وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۲۶۲ / بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۱۶

۷۲. انتقال از متن: من برای شما آرزو می‌کنم که اعضای بدن شما وارث شما باشند (طبق دعای امام سجاد (علیه السلام)) [۱] و شما

تا آخر عمر هیچ وقت نقص عضو پیدا نکنید؛ ولی ...

[۱] **ارجاع پژوهشی:** عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَهْلٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَحْسَنَ كَأَنِّي أَرَاكَ وَ أَسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ وَ لَا تُشْقِنِي بِسُطْحِي لِمَعَاصِيكَ وَ خِرْ لِي فِي قَضَائِكَ وَ بَارِكْ لِي فِي



بعضی به نقص عضو مبتلا می‌شوند، بعضی به فقدان [و مرگ] عزیزان مبتلا می‌شوند. بالاخره انسان‌ها در این دنیا یک نوع فقدان و یک نوع ابتلاء را تجربه می‌کنند.

حالا حضرت می‌فرماید: وقتی به بلاء مبتلا شدید، زینتِ بلاء (یعنی: آن چیزی که باعث می‌شود آثار خیرِ بلاء تثبیت شود) این است که شما "عفیف" باشید؛ یعنی: هر وقت به هر ابتلائی دچار شدید، جَزَع و فَزَع [بی‌تابی] نکنید و خودنگهدار باشید.^{۷۳}

مثلاً بعضی‌ها در عصر ما به هر دلیلی بخاطر برنامه‌ریزی دولت مدرن، به ازدواج دیرهنگام مبتلا هستند، حضرت می‌فرماید: «خودنگهدار [و عفیف] باشید.»^{۷۴} این نوعی ابتلاء است ولی اگر شما

مثلاً بعضی‌ها در عصر ما به هر دلیلی بخاطر برنامه‌ریزی دولت مدرن، به ازدواج دیرهنگام مبتلا هستند، حضرت می‌فرماید: «خودنگهدار [و عفیف] باشید.»^{۷۴} این نوعی ابتلاء است ولی اگر شما

مثلاً بعضی‌ها در عصر ما به هر دلیلی بخاطر برنامه‌ریزی دولت مدرن، به ازدواج دیرهنگام مبتلا هستند، حضرت می‌فرماید: «خودنگهدار [و عفیف] باشید.»^{۷۴} این نوعی ابتلاء است ولی اگر شما

مثلاً بعضی‌ها در عصر ما به هر دلیلی بخاطر برنامه‌ریزی دولت مدرن، به ازدواج دیرهنگام مبتلا هستند، حضرت می‌فرماید: «خودنگهدار [و عفیف] باشید.»^{۷۴} این نوعی ابتلاء است ولی اگر شما

مثلاً بعضی‌ها در عصر ما به هر دلیلی بخاطر برنامه‌ریزی دولت مدرن، به ازدواج دیرهنگام مبتلا هستند، حضرت می‌فرماید: «خودنگهدار [و عفیف] باشید.»^{۷۴} این نوعی ابتلاء است ولی اگر شما

قَدْرَكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَأْخِيرَ مَا عَجَلْتَ وَلَا تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَ مَتَّعْنِي بِسَمْعِي وَ بَصْرِي وَ اجْعَلْهُمَا الْوَارِثَيْنِ مِنِّي وَ انْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَ ارْنِي فِيهِ قُدْرَتَكَ يَا رَبَّ وَ أَقْرَبْ بَدَلِكَ عَيْنِي.

امام صادق علیه السلام: بگو (دعائی را که ترجمه‌اش چنین است): «بار خدایا مرا از خود ترسان کن چنان که گویا ترا بچشم بینم و با تقوای نسبت بخودت مرا سعادت‌مند گردان، و بوسیله نشاط در نافرمانیت مرا بدبخت مکن، و خیر و سعادت مرا در حکم خود بخواه، و قضا و قدر خود را بر من مبارک گردان تا بدان جا که پس افتادن آنچه را در آن شتاب داری دوست نداشته باشم، و شتاب در آنچه پس افتادش را خواهی نخواهم، و توانگری مرا در خودم مقرر فرما، و به گوش و چشمم مرا بهره‌مند ساز، و آن دورا وارث من گردان و مرا به آن کس که به من ستم کند یاری فرما، و قدرت خودت را در باره او به من بنما ای پروردگار، و دیده‌ام را بدان روشن کن.»

الکافی، ج ۲، ص ۵۷۸

جمال الأسبوع (ابن طاووس)، ص ۱۹۹ / البلد الأمين (کفعمی)، ص ۶۹ / مصباح المتجهد (طوسی)، ج ۱، ص ۲۷۰

فرازی از دعای عرفه امام حسین (علیه السلام): «اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَ الْإِحْلَاصَ فِي عَمَلِي وَ الثَّوْرَ فِي بَصْرِي وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَ مَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي وَ اجْعَلْ سَمْعِي وَ بَصْرِي الْوَارِثَيْنِ مِنِّي...»

خدایا! مرا به بی‌نیازی در نفس و یقین در قلب و اخلاص در عمل و نور در چشم و بصیرت در دین عطا فرما و به اعضاء و جوارحم بهره‌مند کن و گوش و چشم را دو وارث من گردان.

إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۳۴۲

۷۳. ارجاع پژوهشی: عن النبي ص: إن الله إذا أراد بقوم خيرا ابتلاهم بشر؛ فمن رضى فله الرضى، و من سخط فله السخط.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): خدای تعالی چون به قومی نیکی خواهد ایشان را آزمایش کند به بلائی؛ هر کس که صبر کند بر آن و راضی باشد وی را راضی گرداند روز قیامت، و هر که جزع و بی‌صبری کند او را ملامت و ذم کند.

شرح فارسی شهاب الأخبار (قضاعی، ۴۵۴ ق)، ص ۳۷۱

۷۴. ارجاع پژوهشی: وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ * وَ لَيْسَتْ عَفْفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ...



عَقَّتْ به خرج ندهید، آثار این ابتلاء تبدیل به شرّ می‌شود^{۷۵} و آثار خیر آن^{۷۶} برای شما باقی نمی‌ماند.

زنان بی همسر خود، و غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید. اگر فقیراند، خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد. و خداوند، گشایشگر داناست * و کسانی که [وسیله و امکان] ازدواج نمی‌یابند، باید خویشتنداری ورزند تا [با این کار]، خدا از فضل خویش آنان را بی‌نیاز گرداند...

سوره مبارکه نور، آیات ۳۲ و ۳۳

و الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
و بر زنان از کار افتاده‌ای که [دیگر] امید ازدواج ندارند، گناهی نیست که پوشش خود را کنار نهند، به شرطی که زینتی را آشکار نکنند؛ ولی عَقَّتْ ورزیدن، برای آنها بهتر است. و خدا شنوای داناست.

سوره مبارکه نور، آیه ۶۰

۷۵. **ارجاع بزوهشی:** حَدَّثَنَا الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الطُّوسِيِّ (رَحِمَهُ اللَّهُ)، قَالَ: أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا رَجَاءُ بْنُ يَحْيَى بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَبْرَتَائِيَّ الْكَاتِبِ سَنَةَ أَرْبَعِ عَشْرَةَ وَ ثَلَاثِ مِائَةٍ وَ فِيهَا مَاتَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمُّ، عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ، عَنْ وَهَبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي ذُبَيْبٍ الْهَنْتَائِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو حَزْبِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَدِ الدُّؤَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ أَبِي الْأَسْوَدِ، قَالَ: قَدِمْتُ الرَّبِذَةَ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي ذَرِّ جُنْدَبِ بْنِ جُنَادَةَ فَحَدَّثَنِي أَبُو ذَرِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: زُبَّ شَهْوَةِ سَاعَةٍ تُورِثُ حُزْنَ طَوِيلًا.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چه بسیار شهوتی که ساعتی بیش نباید، اما اندوهی طولانی در پی آرد.

الأمالی (للطوسی)، ص ۵۳۳ / مجموعه ورام، ج ۲، ص ۵۹ / أعلام الدین، ص ۱۹۶

الوافی، ج ۲۶، ص ۱۹۲

عن علي عليه السلام: مَنْ تَلَدَّدَ بِمَعَاصِي اللَّهِ أَوْرَثَهُ اللَّهُ ذُلًّا.

امام علی علیه السلام: هر که از معصیت‌های خدا لذت برد، خداوند او را خوار گرداند.

غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۴۰

عن علي عليه السلام: إِنَّاكُمْ وَ تَمَكَّنَ الْهَوَى مِنْكُمْ؛ فَإِنَّ أَوْلَهُ فِتْنَةٌ وَ آخِرُهُ مِحْنَةٌ.

امام علی علیه السلام: مبدا هوس بر شما چیره آید؛ زیرا که ابتدای آن، فتنه است و عاقبتش رنج و غصه است.

غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۷۵

عن علي عليه السلام: قَرِينُ الشَّهْوَةِ مَرِيضُ النَّفْسِ، مَعْلُولُ الْعَقْلِ.

امام علی علیه السلام: کسی که شهوت پرست باشد، جانس بیمار و عقلش علیل است.

غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۰۱

عن علي عليه السلام: مَنْ لَمْ يُدَاوِ شَهْوَتَهُ بِالتَّرْكِ لَمْ يَزَلْ عَلِيًّا.

امام علی علیه السلام: کسی که شهوت خود را با ترک آن درمان نکند، پیوسته بیمار باشد.

غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۵۳

عن علي عليه السلام: الشَّهَوَاتُ أَعْلَالٌ قَاتِلَاتٌ، وَ أَفْضَلُ دَوَائِهَا اقْتِنَاءُ الصَّبْرِ عَنْهَا.



یا مثلاً فرض بفرمایید در روایت دارد که: اگر کسی یک عزیزی را از دست داد، خودنگهداری کند. یکی از آثار این خودنگهداری این است که دشمن شاد نمی‌شود. و این خیلی مهم است. حالا اجر اخروی تحمل ابتلاء فقدان عزیزان، سر جای خودش؛^{۷۷} [ولی] این دشمن شاد نشدن خودش یک خیری است که آدم باید داشته باشد.

امام علی علیه السلام: شهوت‌ها، بیماری‌هایی کشنده‌اند و بهترین داروی آنها، پایداری در برابر آنهاست.

غرر الحکم و درر الکلم، ص ۹۶

۷۶. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَاطٍ عَنْ عُیَیْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: بَرُّوا آبَاءَكُمْ بَيْرَكُمْ أَبْنَاؤُكُمْ وَعَفُوا عَنْ نِسَائِ النَّاسِ تَعَفَّ نِسَاؤُكُمْ.

امام صادق (علیه السلام): با پدرانتان خوش رفتاری کنید تا پسرانتان با شما خوش رفتاری کنند، و از زنان مردم عقیف باشید تا زنانتان عقیف باشند.

الکافی، ج ۵، ص ۵۵۴ / من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۱ / الخصال، ج ۱، ص ۵۵

سند خصال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّمَاوِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ رَبَاطٍ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْخَطْرَمِيِّ عَنْ بَغِيضِ أَطْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

تحف العقول، ص ۳۵۹

وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۵۶ / بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۲۷۰

الإمام علی علیه السلام: أَصْلُ الْعَفَافِ الْقَنَاعَةُ وَ ثَمَرَتُهَا قَلَّةُ الْأَحْزَانِ.

امام علی علیه السلام: ریشه عفت قناعت است و ثمره عفت، کم شدن اندوه‌هاست.

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۷

عن علی علیه السلام: الْعَفَافُ يَصُونُ النَّفْسَ وَيُتْرَهُهَا عَنِ الدُّنْيَا.

امام علی علیه السلام: عفت، نفس را مصون می‌دارد و آن را از پستی‌ها دور نگه می‌دارد.

غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۱۰

عن علي عليه السلام: مَنْ غَلَبَ شَهْوَتَهُ ظَهَرَ عَقْلُهُ.

امام علی علیه السلام: هر که بر شهوت خود غالب آید، عقلش آشکار گردد.

غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۸۸

عن علي عليه السلام: اغلب الشهوة تكمل لك الحكمة.

امام علی علیه السلام: بر شهوت چیره شو، تا حکمت برایت کامل شود.

غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۳۲

۷۷. **ارجاع پژوهشی:** عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: إِذَا وَجَّهْتُ إِلَى عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِي [مُصِيبَةً] فِي بَدَنِهِ أَوْ مَالِهِ أَوْ وَلَدِهِ ثُمَّ اسْتَقْبَلَ ذَلِكَ بِصَبْرٍ جَمِيلٍ اسْتَحْيَيْتُ مِنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ أَنْصِبَ لَهُ مِيزَانًا أَوْ أَنْشُرَ لَهُ دِيوَانًا.



بنابراین آدم‌ها باید عندالبلاء عقیف باشند. من دیگر بیشتر شرح نمی‌دهم خود این‌ها شرح‌های تفصیلی دارد [ولی این را بدانید که:] بهترین "حالت خیر" در نزد انبیاء، "حالت ابتلاء" است.

این را بدانید که روایت صریح داریم که امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «اگر کسی در مقام ابتلاء عقیف بود، خداوند یک لذتی را به او می‌چشاند که در فرض عدم ابتلاء، آن لذت را درک نمی‌کند.»^{۷۸} یعنی: اتفاقاً خداوند ابتلاء را به ما انسان‌ها می‌دهد تا سطح لذت ما را بالا ببرد! مثلاً ما غنی (ثروت) را یک لذت می‌دانیم؛ فرض کنید خداوند متعال ما را موقتاً مبتلای به فقر کند. می‌گوییم: چرا این اتفاق افتاد؟ می‌فرماید: خدا می‌خواهد برتر از لذت غنی (ثروت)) را به شما بچشاند!^{۷۹} یا مثلاً خدای نکرده گاهی وقت‌ها ابتلای انسان این می‌شود که نزدیکان یا فرزند آدم از

۴/۱/۱/۳. درک نشاط
و لذتی بالاتر!؛ یکی از
آثار خیر «عفت در مقام
ابتلاء» برای انسان
(خصوصاً انبیاء و بندگان
صالح)

انس می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «که خداوند عز و جل می‌فرماید: هر گاه مصیبت و بلایی را متوجه بدن یا مال یا فرزند بنده‌ام سازم سپس او با صبر جمیل از آن بلا استقبال نماید من از او شرم می‌کنم که در روز قیامت ترازویی جهت بررسی حساب او نصب کنم یا نامه عمل او را بگشایم!

جامع الأخبار (للشعیری)، ص ۱۱۶
مسکن الفؤاد عند فقد الأحبة و الأولاد، ص ۴۴ / الدعوات (لراوندی)، ص ۱۷۲
الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیة (کلیات حدیث قدسی)، ص ۳۳۱ / نهج الفصاحة، ص ۵۹۴
بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۱۲۲ / مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۸

۷۸. **ارجاع پژوهشی:** قَالَ الصَّادِقُ ع: الْبَلَاءُ زَيْنُ الْمُؤْمِنِ... وَ مَنْ ذَاقَ طَعْمَ الْبَلَاءِ تَحْتِ سِتْرِ حِفْظِهِ اللَّهُ لَهُ تَلَذُّدٌ بِهِ أَكْثَرَ مِنْ تَلَذُّدِهِ بِالنَّعْمَةِ وَ يَسْتَأْتِي إِلَيْهِ إِذَا فَقَدَهُ لِأَنَّهُ تَحْتَ يَدِ نِزَانِ الْبَلَاءِ وَ الْمِخْنَةِ أَنْوَازِ النَّعْمَةِ وَ تَحْتَ أَنْوَازِ النَّعْمَةِ نِزَانُ الْبَلَاءِ وَ الْمِخْنَةِ وَ قَدْ يَنْجُو مِنْهُ كَثِيرٌ وَ يَهْلِكُ فِي النَّعْمَةِ كَثِيرٌ.

امام صادق (علیه‌السلام): بلاء، زینت مؤمن است... و هر کس مزه بلا را در پنهانی (یعنی بدون این که به مردم ابراز کند) بچشد یا این که تحت مراقبت و حفظ پروردگار متعال مزه بلا را بچشد هر آینه لذت و خوشی او از بلا بیش از لذتش از نعمت می‌باشد و هر گاه آن بلا از او دور شود آرزوی آمدنش را می‌نماید و همواره مشتاق آن است، زیرا در تحت آتشیهای بلا و محنت، انوار نعمت است، و در تحت انوار نعمت آتشیهای بلا و محنت است، و گاه عده زیادی از بلا نجات می‌یابند و گاه عده زیادی در نعمت به هلاکت می‌رسند.

مصباح الشریعة، ص ۴۰۸ / مسکن الفؤاد عند فقد الأحبة و الأولاد (شهید ثانی، ۹۶۶ ق)، ص ۵۲
بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۳۱

۷۹. **ارجاع پژوهشی:** عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: الْمَصَائِبُ مَنَحٌ مِنَ اللَّهِ وَ الْفَقْرُ مَحْزُونٌ عِنْدَ اللَّهِ.

امام صادق علیه‌السلام: مصیبت‌ها، هدیه‌هایی هستند از سوی خداوند! و فقر، در خزانه خدا نگهداری می‌شود.



دنیا می‌روند! خداوند متعال می‌فرماید: «شما اگر [در این مصیبت] عقیف باشید، من یک لذت بالاتر از زنده‌بودن ایشان را به شما می‌چشانم.»^{۸۰}

پس بدانید که حکمت ابتلاء خیلی بالاست! لذا در روایت دارد: «انبیاء (که عزیزترین افراد در نزد خداوند بودند) بیشترین ابتلاء را داشتند!»^{۸۱} چون خداوند متعال می‌خواهد بیشتر لذت ببرند. ابتلاء

الکافی، ج ۲، ص ۲۶۰
بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۸ / الوافی، ج ۵، ص ۷۸۹

عَنْ ابْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْمَصَائِبُ مَنَحٌ مِنَ اللَّهِ وَالْفَقْرُ عِنْدَ اللَّهِ مِثْلُ الشَّهَادَةِ وَلَا يُعْطِيهِ مِنْ عِبَادِهِ إِلَّا مَنْ أَحَبَّ.
امام صادق علیه السلام: مصیبتها، هدیه‌هایی هستند از سوی خداوند! و فقر، در نزد خداوند مانند شهادت است! و آن را جز به بندگان خاصش نمی‌دهد.

التمحیص (اسکافی، ۳۳۶ ق)، ص ۴۶
بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۵۰

۸۰. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ عَلَاءٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا غَتَّهُ بِالْبَلَاءِ غَتًّا وَتَجَّهُ بِالْبَلَاءِ تَجًّا فَإِذَا دَعَا قَالَ لَبَّيْكَ عَبْدِي لَيْنٌ عَجَلْتُ لَكَ مَا سَأَلْتَ إِنِّي عَلَى ذَلِكَ لِقَادِرٌ وَلَيْنٌ أَدَّخَرْتُ لَكَ فَمَا أَدَّخَرْتُ لَكَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكَ.

امام باقر علیه السلام فرمود: هر گاه خدای تبارک و تعالی بنده‌ای را دوست دارد، او را در بلا غوطه‌ور سازد و باران بلا را بر سر او ریزد، و چون به درگاه خدا دعا کند، فرماید، لبیک بنده من، اگر خواسته تو را به زودی دهم، توانایم، ولی اگر برایت ذخیره کنم، برای تو بهتر است.

الکافی، ج ۲، ص ۲۵۳ / المؤمن (حسین بن سعید اهوازی، قرن ۳)، ص ۲۵
مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۲۹۷ / مسکن الفؤاد عند فقد الأحبة والأولاد، ص ۱۲۳
بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۰۸ / الوافی، ج ۵، ص ۷۶۵ / وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۲۶۴

۸۱. **ارجاع پژوهشی:** عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءً الْأَنْبِيَاءَ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَلَا مِثْلَ.

امام صادق (علیه السلام): سخت‌ترین مردم از لحاظ بلا و گرفتاری پیغمبرانند، سپس کسانی که در پی آنانند، سپس کسی که از دیگران بهتر است بترتیب.

الکافی، ج ۲، ص ۲۵۲ / الأمالی (للطوسی)، ص ۶۵۹
سند امالی: وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ [حَدَّثَنَا الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الطُّوسِيِّ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ)، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْقُرُونِيُّ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ وَهْبَانَ الْهَنْدَانِيُّ الْبَصْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْكَرِيمِ الرَّغْفَرَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قِصَصِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ (لِلرَّوَانِدِيِّ)، ص ۲۷۸ / مشکاة الأنوار، ص ۲۹۸ / التمحیص (اسکافی، ۳۳۶ ق)، ص ۳۵
وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۲۶۲



ظاهرش "نقمت" است [اما] باطنش "لذت" است. بعد می‌فرماید: «هر مومنی شبیه‌تر به انبیاء باشد ابتلاش بیشتر می‌شود.»^{۸۲}

حالا من عرض می‌کنم: می‌دانید چرا خودکشی در جامعه ما زیاد است؟^{۸۳} چرا ناامیدی زیاد است؟ چون هنرمندان روی مسئله "عفت در مقام ابتلاء" نمی‌ایستند؛ لذا ابتلاء آثار خودش را از

۴/۱/۱/۳/۱ افزایش
ناامیدی و خودکشی در
کشور (و از بین رفتن آثار
خیر ابتلاء)؛ یکی از نتایج
عدم پرداختن هنرمندان
به آثار خیر «عفت در مقام
ابتلاء» در کارهای هنری

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ ذَكَرَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ الْبَلَاءَ وَ مَا يُخْضُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الْمُؤْمِنَ فَقَالَ سَيْلَ رَسُولِ اللَّهِ ص مَنْ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءً فِي الدُّنْيَا؟ فَقَالَ: النَّبِيُّونَ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَلَا مَثَلَ وَ يُبْتَلَى الْمُؤْمِنُ بَعْدَ عَلَيِّ قَدْرٍ إِيْمَانِهِ وَ حُسْنِ أَعْمَالِهِ فَمَنْ صَحَّ إِيْمَانُهُ وَ حَسُنَ عَمَلُهُ أَشْتَدَّ بَلَاءُهُ وَ مَنْ سَخَفَ إِيْمَانَهُ وَ ضَعَفَ عَمَلُهُ قَلَّ بَلَاءُهُ.

عبدالرحمن بن حجاج گوید: خدمت امام صادق علیه السلام سخن از بلا و آنچه خدای عز و جل مؤمن را بآن مخصوص میدارد بمیان آمد، حضرت فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: در دنیا بلای کدام کس سخت‌تر است؟ فرمود: پیغمبران، سپس هر که بآنها شبیه‌تر است بترتیب و بعد از آن مؤمن باندازه ایمان و نیکی کردارش گرفتار شود، پس هر که ایمانش درست و کردارش نیکو باشد گرفتارش سخت است و هر که ایمانش سست و عملش ضعیف باشد گرفتارش اندکست.

الکافی، ج ۲، ص ۲۵۲

مسکن الفؤاد عند فقد الأحبة والأولاد، ص ۱۲۳ / مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۲۹۸ / التمحیص، ص ۳۹

وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۲۶۱ / بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۰۷

۸۲. همان.

۸۳. **ارجاع پرورشی:** محمد علی محمدی، جامعه شناس و عضو کرسی یونسکو در سلامت اجتماعی و توسعه در نشست «خودکشی در ایران، دلایل و راهکارهای مقابله:» خودکشی در ایران پدیده رو به رشدی دانسته شده است و می‌گویند در هر ۱۰۰ هزار نفر در این امر موفق می‌شوند. ایران در میان کشورهای اسلامی در جایگاه سوم است و در جهان جایگاه پنجاه و هشتم را دارد. ۱۲۵ نفر در هر ۱۰۰ هزار نفر اقدام به خودکشی می‌کنند که از این بین ۶ نفر موفق می‌شوند. همچنین روزانه ۱۳ نفر اقدام به خودکشی می‌کنند و از سال ۹۹ این ۱۳ نفر تبدیل به ۱۵ نفر شده است. «... وی افزود: «طبق آمار پزشکی قانونی جوانان قربانیان اصلی خودکشی هستند و بیشتر خودکشی‌ها در بین افراد ۱۵ تا ۳۵ ساله رخ می‌دهد. همچنین ۵۴ درصد خودکشی‌های منجر به مرگ در میان جوانان زیر ۳۰ سال رخ داده است.» وی یادآور شد: «طبق آمار وزارت بهداشت در سال ۹۹، ۱۰۰ هزار نفر در ایران اقدام به خودکشی کردند که این میزان نیز رو به افزایش است. بعد از جوانان، مردان متأهل یا پدران، قربانیان بعدی هستند. تقریباً نیمی از خودکشی‌ها در بین افراد متأهل اتفاق می‌افتد. همچنین در سال ۹۹ مردان حدود ۶۵ درصد و زنان ۳۵ درصد خودکشی‌های اتفاق افتاده را شامل شدند و در سال ۹۸ مردان ۷۰ درصد خودکشی‌ها را شامل می‌شدند.»

این آمارها در حالی است که سال گذشته تقی رستموندی معاون سابق وزیر کشور، در یک نشست از روند روبه‌افزایش خودکشی در ایران خبر داد. اگرچه سید حسن موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران آمارهای خودکشی در ایران را نصف آمارهای جهانی می‌داند، وی در این رابطه گفت: «براساس گزارش پزشکی قانونی آمار خودکشی منجر به فوت به‌ازای هر ۱۰۰ هزار نفر ۶۰۲ نفر است. این آمار در دهه قبل ۵۰۲ بوده است. اما در بحث اقدام به عمل بعضی از منابع از ۲۰ برابر بودن و بعضی از ۱۰ برابر بودن این تعداد خبر می‌دهند. اینها درحالی است که میانگین کشورهای دنیا در خودکشی منجر به فوت ۱۲ تا ۱۴ است. با توجه به آمار ۶۰۲ ارائه‌شده خودکشی در ایران، آمار کشور ما نصف میانگین جهانی است. البته باید توجه کرد هر کشوری که نظام ثبت دقیق‌تر و جامع‌تری دارد، آمار دقیق‌تری را ارائه می‌کند، آمار در خودکشی منجر به فوت به دلیل آنکه هر فوت مشکوک به خودکشی را باید پزشکی قانونی نظر بدهد، تقریباً واقعی است. اما در زمینه اقدام به خودکشی با یک نظام ثبت جامع و فراگیر روبه‌رو نیستیم؛ چراکه همه کسانی که اقدام



دست می‌دهد. بنابراین مهمترین موضوع بحثی من این است که: باید عند الابتلاء، عقیف باشیم تا لذت ناشی از ابتلاء نصیبمان شود.

من مثالی ذکر کنم: آیا ما بالاتر از ابتلای امام حسین (علیه السلام) در کربلا هم داریم؟ نه اینطور نیست؛ بلکه قرآن می‌فرماید: «[ابتلای امام حسین (علیه السلام)] بلاء عظیم است!»^{۸۴} عظیم‌تر از این بلاء وجود ندارد!

۴/۱/۱/۳/۲ ایجاد
حالت نشاط و شادی خاص
در صورت سیر با بلای امام
حسین (علیه السلام)
(مانند: روضه و گریه برای
حضرت، پیاده روی اربعین
و...)؛ یکی از مصادیق
لذت و آثار خیر ناشی از
«عفت در مقام ابتلاء»

می‌کنند ممکن است به مراکز تحت نظر درمانی تحت پوشش وزارت بهداشت نروند، مطب‌های خصوصی ملزم به ارائه گزارش نیستند و شاید برخی به دلایل دیگر مثل حفظ آبروی خانواده و پایگاه اجتماعی، حاضر نباشند علت واقعی را بیان کنند. بنابراین بهزیستی، مراکز مشاوره ناجا و وزارت بهداشت هر کدام یک آماری می‌دهند. گرچه همین آمار پراکنده که منعکس می‌شود نشان می‌دهد اقدام به خودکشی رشد داشته و بیشتر از خودکشی منجر به فوت است.»

منبع: سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران / شهرستان کرمان / ۲۱ شهریور ۱۴۰۱

<https://kmc.ir/۹۰۷/%D%A%D%85%DBA%CD%AA%YD%86%DA%AF%DBA%CD%A7%9-%D%AAE%D%88%9D%8AF%DA%A%9D%8B%4DBA%CD%8AF%D%8B1-%D%AA%YD%8A%CD%8B%1D%8A%YD%86-87%9-%D%86%9D%81%9D%8B1-%D%AA%YD%8B1-%D%87%9D%8B1...-1-%D%87%9D%8B%2D%8A%YD%8B1>

۸۴. ارجاع پژوهشی: «و قَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي سَيَّهْدِينِ * رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ * فَمَسَّرْنَاهُ بِلِغَامِ حَلِيمٍ * فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيُ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ * فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ * وَ نَادَيْتَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ * قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ * وَ قَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ * وَ تَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ * سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ * كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ»
«و [ابراهیم] گفت: (من به سوی پروردگارم رهسپارم، زود که مرا راه نماید * ای پروردگار من! مرا [فرزندی] از شایستگان بخش.)
پس او را به پسری بردبار مژده دادیم * و وقتی با او به جایگاه «سعی و رشد» رسید، گفت: «ای پسرک من! من در خواب [چنین] می‌بینم که تو را سر می‌برم، پس ببین چه به نظرت می‌آید؟» گفت: «ای پدر من! آنچه را مأموری بکن. ان شاء الله مرا از شکستیان خواهی یافت.» * پس وقتی هر دو تن دردادند [و همدیگر را بدرد گفتند] و [پسر] را به پیشانی بر خاک افکند، * او را ندادیم که ای ابراهیم! * رؤیا [ی خود] را حقیقت بخشیدی. ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم * راستی که این همان آزمایش آشکار بود * و او را در ازای قربانی بزرگی باز رهنانیدیم * و در [میان] آیندگان برای او [آوازه نیک] به جای گذاشتیم * درود بر ابراهیم * نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم * در حقیقت، او از بندگان با ایمان ما بود.»

سوره مبارکه صافات، آیات ۹۹ تا ۱۱۱

حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ وَسِ النَّبْسَابُورِيُّ الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ النَّبْسَابُورِيُّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ قَالَ سَمِعْتُ الرِّضَاعَ يَقُولُ: لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِبْرَاهِيمَ ع أَنْ يَذْبَحَ مَكَانَ ابْنِهِ إِسْمَاعِيلَ الْكَبِشَ الَّذِي أَنْزَلَهُ عَلَيْهِ تَمَتَّى إِبْرَاهِيمَ ع أَنْ يَكُونَ قَدْ ذَبَحَ ابْنَهُ إِسْمَاعِيلَ بِيَدِهِ وَ أَنَّهُ لَمْ يُؤْمَرْ بِذَبْحِ الْكَبِشِ مَكَانَهُ لِجَعِ إِلَى قَلْبِهِ مَا يَرِجُّ إِلَى قَلْبِ الْوَالِدِ الَّذِي يَذْبَحُ أَعَزُّ وَ وُلْدُهُ عَلَيْهِ بِيَدِهِ فَيَسْتَحَقُّ بِذَلِكَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ أَهْلِ التَّوَابِ عَلَى الْمَصَائِبِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ يَا إِبْرَاهِيمُ مَنْ أَحَبُّ خَلْقِي إِلَيْكَ فَقَالَ يَا رَبِّ مَا خَلَقْتَ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ ص فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ أَفْهَوُ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ نَفْسِكَ قَالَ بَلْ هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ نَفْسِي قَالَ فَوَلَدُهُ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ وُلْدُكَ قَالَ بَلْ وُلْدُهُ قَالَ فَذَبْحُ وُلْدِهِ ظُلْمًا عَلَى أَيْدِي أَعْدَائِهِ أَوْ جَعِ لِقَلْبِكَ أَوْ ذَبْحُ وُلْدِكَ بِيَدِكَ فِي طَاعَتِي قَالَ يَا رَبِّ بَلْ



حالا آثار روضه خواندن^{۸۵} و گریه کردن [برای امام حسین (علیه السلام)] چیست؟ بلااستثنا هر کس با غم امام حسین (علیه السلام) آشنا می‌شود، دلش شاد می‌شود.^{۸۶} و این شادی یک نوع شادی

ذَبْحٌ وَوَلِدُهُ ظُلْمًا عَلَىٰ أَيْدِي أَعْدَائِهِ أَوْحَىٰ لِقَلْبِي قَالَ: يَا إِبْرَاهِيمُ! فَإِنَّ طَائِفَةً تَزْعُمُ أَنَّهَا مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ سَتَقْتُلُ الْحُسَيْنَ ابْنَهُ مِنْ بَعْدِهِ ظُلْمًا وَغُدْوَانًا كَمَا يُذْبَحُ الْكَبِشُ وَيَسْتَوْجِبُونَ بِذَلِكَ سَخَطِي فَجَزِعَ إِبْرَاهِيمُ عَ لِذَلِكَ وَتَوَجَّعَ قَلْبُهُ وَاقْبَلَ يَبْكِي فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ: يَا إِبْرَاهِيمُ! قَدْ فَدَيْتُ جَزَعَكَ عَلَىٰ ابْنِكَ إِسْمَاعِيلَ لَوْ ذَبَحْتَهُ بِيَدِكَ بِجَزَعِكَ عَلَىٰ الْحُسَيْنِ وَ قَتَلْتَهُ وَ أَوْجَبْتُ لَكَ أَزْفَعَ دَرَجَاتٍ أَهْلِ الثَّوَابِ عَلَى الْمَصَائِبِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَ فَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ».

فضل بن شاذان می‌گوید: از امام رضا (علیه السلام) شنیدم که فرمود: چون خداوند به ابراهیم (ع) فرمان داد به جای پسرش اسماعیل آن قوچی را که فرستاده بود ذبح کند، ابراهیم آرزو کرد که پسرش اسماعیل را به دست خود ذبح می‌کرد و به ذبح آن قوچ مأمور نمی‌شد تا به قلبش آن رسد که به قلب پدری که عزیزترین فرزندش را ذبح کرد می‌رسد، تا با این کار به بالاترین درجه شواب مصیبت‌زده نایل گردد. پس خداوند به او وحی کرد: ای ابراهیم محبوب‌ترین خلق من نزد تو کیست؟ گفت: پروردگارا، کسی را که محبوب‌تر از حبیب تو محمد (صلی الله علیه و آله) باشد نیافریده‌ای، وحی شد: آیا او را بیشتر دوست داری یا خودت را؟ گفت: او را از خودم بیشتر دوست دارم. خداوند فرمود: آیا فرزند او را بیشتر دوست داری یا فرزند خودت را؟ گفت: بلکه فرزند او را. فرمود: ذبح شدن فرزند او به دست دشمنانش برای تو دردناک‌تر است یا ذبح شدن فرزندت به دست خودت به خاطر اطاعت من؟ گفت: پروردگارا ذبح شدن فرزند او به دست دشمنانش برایم دردناک‌تر از ذبح فرزندم به دست خودم است. فرمود: ای ابراهیم! طائفه‌ای که گمان می‌کنند که از امت محمد هستند، فرزند او حسین را پس از وی از روی ستم و دشمنی می‌کشند، همانگونه که قوچ را سر می‌برند و با این کار دچار غضب من می‌شوند. ابراهیم با شنیدن این سخن بسیار ناراحت شد و قلبش به درد آمد و شروع به گریه کرد، پس به او وحی شد که ای ابراهیم ناراحتی تو بر قتل حسین را معادل ناراحتی تو بر فرزندت اسماعیل، در صورتی که او را ذبح می‌کردی قرار می‌دهم و با این کار تو را به بالاترین درجه اهل ثواب در مصیبت می‌رسانم و این معنای سخن خداوند است که فرمود: «و فدیناه بذبح عظیم».

الخصال، ج ۱، ص ۵۹ / عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۰۹

الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه (کلیات حدیث قدسی)، ص ۴۹۵ / تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره

الطاهره (استرآبادی، ۹۴۰ ق)، ص ۴۸۷

البرهان فی تفسیر القرآن (بحرانی، ۱۱۰۷ ق)، ج ۴، ص ۶۱۸ / تفسیر نور الثقلین (الحویری، ۱۱۱۲ ق)، ج ۴، ص ۴۳۰

/ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب (قمی مشهدی، ۱۱۲۵ ق)، ج ۱۱، ص ۱۷۰ / بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۲۵ / النور المبین فی قصص الأنبیاء و

المرسلین (للجزائری، ۱۱۱۲ ق)، ص ۱۲۹

۸۵. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنِي نَصْرُ بْنُ الصَّبَّاحِ، قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى، عَنْ يَحْيَى بْنِ عَمْرَانَ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانَ، عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ، قَالَ كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَ نَحْنُ جَمَاعَةٌ مِنَ الْكُوفِيِّينَ، فَدَخَلَ جَعْفَرُ بْنُ عَمَّانَ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَفَرَّغَهُ وَ أَذْنَاهُ، ثُمَّ قَالَ يَا جَعْفَرُ! قَالَ لَبَّيْكَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ، قَالَ: بَلَّغْنِي أَنَّكَ تَقُولُ الشَّعْرَ فِي الْحُسَيْنِ (ع) وَ تُجِيدُ! فَقَالَ لَهُ نَعَمْ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ، فَقَالَ قُلْ فَأَشَدَّهُ (ع) وَ مَنْ حَوْلَهُ حَتَّى صَارَتْ لَهُ الدُّمُوعُ عَلَى وَجْهِهِ وَ لِحْيَتِهِ، ثُمَّ قَالَ يَا جَعْفَرُ وَ اللَّهُ لَقَدْ شَهِدَكَ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ هَاهُنَا يَسْمَعُونَ قَوْلَكَ فِي الْحُسَيْنِ (ع) وَ لَقَدْ بَكَوْا كَمَا بَكَيْتَنَا أَوْ أَكْثَرَ، وَ لَقَدْ أَوْجَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَكَ يَا جَعْفَرُ فِي سَاعَتِهِ الْجَنَّةَ بِأَسْرَهَا وَ عَفَّرَ اللَّهُ لَكَ، فَقَالَ يَا جَعْفَرُ أَلَا أَرَيْدُكَ! قَالَ نَعَمْ يَا سَيِّدِي، قَالَ: مَا مِنْ أَحَدٍ قَالَ فِي الْحُسَيْنِ (ع) شِعْرًا فَبَكَى وَ أَبْكَى بِهِ إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ وَ عَفَّرَ لَهُ.



رجال الکشی به نقل از زید شحام: تعدادی کوفی در خدمت امام صادق علیه السلام بودیم که جعفر بن عقیان به محضر امام صادق علیه السلام وارد شد. امام علیه السلام او را به خود نزدیک کرد و در کنار خود جا داد و آن گاه فرمود: «ای جعفر!» جعفر گفت: گوش به فرمانم. خدا، مرا فدایت کند! فرمود: «به من [خبر] رسیده که تو در باره حسین علیه السلام شعر می‌گویی و خوب هم می‌گویی». او گفت: آری، خدا مرا فدایت گرداند! فرمود: «بگو». جعفر هم شعری خواند و امام علیه السلام گریست و کسانی که در خدمت ایشان بودند، گریستند، تا این که اشک بر گونه و محاسن امام علیه السلام جاری شد. آن گاه فرمود: «ای جعفر! به خدا سوگند، فرشتگان مقرب خدا، پیش تو حاضر بودند و سخن تو را در باره حسین علیه السلام در این جا شنیدند و گریستند، همان گونه که ما گریستیم، و آنها بیشتر گریستند. خداوند متعال در این ساعت ای جعفر تمام بهشت را برایت واجب کرد و گناهت را آمرزید». آن گاه فرمود: «ای جعفر! آیا بیشتر نگویم؟». گفت: چرا، ای سرورم! فرمود: «کسی نیست که در باره حسین علیه السلام شعری بگوید و بگیرد و با آن بگریاند، مگر این که خداوند، بهشت را برایش واجب می‌کند و گناهش را می‌آمرزد».

رجال الکشی، ص ۲۸۹

وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۹۴ / بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيٌّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي عَمَّارَةَ الْمُثَنَّبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ لِي يَا أَبَا عَمَّارَةَ أَنْشِدْنِي لِلْعَبْدِيِّ فِي الْحُسَيْنِ ع قَالَ فَأَنْشَدْتُهُ فَبَكَى قَالَ ثُمَّ أَنْشَدْتُهُ فَبَكَى قَالَ فَوَ اللَّهُ مَا زِلْتُ أَنْشُدُهُ وَ يَبْكِي حَتَّى سَمِعْتُ الْبُكَاءَ مِنَ الدَّارِ فَقَالَ لِي يَا أَبَا عَمَّارَةَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع فَأَبُوكِي حَمْسِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ ع فَأَبُوكِي أَرْبَعِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ ع فَأَبُوكِي ثَلَاثِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ ع فَأَبُوكِي عَشْرَةَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ شِعْرًا وَاحِدًا فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ ع شِعْرًا فَبَكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ ع شِعْرًا فَتَبَاكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ.

به نقل از ابو عماره شعرخوان: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ای ابو عماره! در باره حسین علیه السلام برایش شعر بخوان». من هم برای ایشان شعر خواندم و ایشان گریست. باز هم شعر خواندم و ایشان گریست. به خدا سوگند، من همین طور شعرخوانی را ادامه دادم و ایشان گریه می‌کرد تا این که صدای گریه را از خانه شنیدم. آن گاه به من فرمود: «ای ابو عماره! هر کس در باره حسین بن علی علیه السلام شعری بخواند و پنجاه نفر را بگریاند، بهشت برایش حتمی می‌شود، و هر کس در باره حسین علیه السلام شعری بخواند و چهل نفر را بگریاند، بهشت برایش حتمی می‌شود، و هر کس در باره حسین علیه السلام شعری بخواند و سی نفر را بگریاند، بهشت برایش حتمی می‌شود، و هر کس در باره حسین علیه السلام شعری بخواند و بیست نفر را بگریاند، بهشت برایش حتمی می‌شود، و هر کس در باره حسین علیه السلام شعری بخواند و ده نفر را بگریاند، بهشت برایش حتمی می‌شود، و هر کس در باره حسین علیه السلام شعری بخواند و یک نفر را بگریاند، بهشت برایش حتمی می‌شود، و هر کس در باره حسین علیه السلام شعری بخواند و بگیرد، بهشت برایش حتمی می‌شود، و هر کس در باره حسین علیه السلام شعری بخواند و تظاهر به گریه کند، بهشت برایش حتمی می‌شود».

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۸۴ / الأمالی (للصدوق)، ص ۱۶۱

سند امالی: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عَمْرَانَ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنِ أَبِي عَمَّارَةَ الْمُثَنَّبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي عَمَّارَةَ الْمُثَنَّبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

کامل الزیارات، ص ۱۰۵

سند کامل الزیارات: حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي عَمَّارَةَ الْمُثَنَّبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۹۵ / بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲



۸۶. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادِ الْبَصْرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ كُرْدِينَ الْبَصْرِيِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: يَا مِسْمَعُ! ... إِنَّ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ لَتَبْكِي مُنْذُ قُتِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَحْمَةً لَنَا، وَمَا بَكَى لَنَا مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَكْثَرَ، وَمَا رَقَا دُمُوعُ الْمَلَائِكَةِ مُنْذُ قُتِلْنَا، وَمَا بَكَى أَحَدٌ رَحْمَةً لَنَا وَلِمَا لَقِينَا، إِلَّا رَحِمَهُ اللَّهُ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ الدَّمْعَةُ مِنْ عَيْنِهِ، فَإِذَا سَأَلْتَ دُمُوعَهُ عَلَى خَدِّهِ، فَلَوْ أَنَّ قَطْرَةً مِنْ دُمُوعِهِ سَقَطَتْ فِي جَهَنَّمَ لَأَطْفَأَتْ حَرَّهَا حَتَّى لَا يَوْجَدَ لَهَا حَرٌّ، وَإِنَّ الْمَوْجِعَ قَلْبُهُ لَنَا لَيَفْرَحَ يَوْمَ يَرَانَا عِنْدَ مَوْتِهِ، فَرِحَةٌ لَا تَزَالُ تِلْكَ الْقَرِحَةُ فِي قَلْبِهِ حَتَّى يَرِدَ عَلَيْنَا الْحَوْضُ، وَإِنَّ الْكَوْثَرَ لَيَفْرَحُ بِمُحِبِّنَا إِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ، حَتَّى أَنَّهُ لَيَذِيْقُهُ مِنْ ضُرُوبِ الطَّعَامِ مَا لَا يَشْتَهِي أَنْ يَصْدُرَ عَنْهُ.

امام صادق (علیه السلام): ای مسمع! ... زمین و آسمان از زمانی که امیر مؤمنان علیه السلام کشته شد، بر ما از سر ترخم می‌گریزد؛ ولی آنچه فرشتگان برایمان گریستند، بیشتر است و اشک فرشتگان، از زمانی که ما کشته شدیم، بند نیامده است. هیچ کس به خاطر ترخم بر ما و مصیبت‌هایی که به ما رسیده، گریه نمی‌کند، مگر این که خداوند، پیش از بیرون آمدن اشک از چشمانش، به او رحم می‌آورد، و زمانی که اشک‌های چشمانش به گونه‌اش روان شود، اگر قطره‌ای از آن در جهنم بیفتد، داغی آن را از بین می‌برد، به گونه‌ای که گرمایی در آن نخواهد بود. و کسی که قلبش برای ما به درد آید، روز مرگش، ما را می‌بیند و شاد می‌شود، چنان شادی‌ای که همواره در دلش خواهد بود تا در کنار حوض [کوثر] بر ما وارد شود و کوثر، از دیدن دوستدار ما شادمان می‌شود، زمانی که بر آن وارد می‌شود، تا جایی که از انواع غذاها به او می‌چشانند، آن چنان که مایل نیست از آن، خارج شود.

کامل الزیارات، ص ۱۰۲ / بحار الأنوار، ج ۸، ص ۲۳
حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَابَادِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ هَازُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ع: أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ قُتِلْتُ مَكْرُوبًا وَ حَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَأْتِيَنِي مَكْرُوبٌ إِلَّا أَرَدَهُ وَ أَقْلَبَهُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا.

امام صادق علیه السلام: حسین بن علی علیه السلام فرمود: «من، کشته اشکم. به رنج [و سختی] شهید شدم و برای خدا سزاوار است که رنجیده‌ای نزد من نیاید، مگر آن که او را با دل شادی به خانواده‌اش باز گرداند».

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۹۸ / کامل الزیارات، ص ۱۰۹
سند کامل الزیارات: (۱) حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَابَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ هَازُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع (۲) حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ عَنْ سَلْمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَفْرٍو عَنْ هَازُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع
بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۴۸ / وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۲۲

وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّمَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَصَّالٍ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَرَضَ وَ لَا يَتَنَا عَلَى أَهْلِ الْأَمْصَارِ فَلَمْ يَقْبَلْهَا إِلَّا أَهْلَ الْكُوفَةِ وَ إِنَّ إِلَيَّ جَانِبَهَا قَبْرًا لَا يَأْتِيهِ مَكْرُوبٌ فَيُصَلِّيَ عِنْدَهُ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ إِلَّا رَجَعَهُ اللَّهُ مَسْرُورًا بِقَضَائِهِ حَاجَتِهِ.

امام صادق علیه السلام: خداوند، ولایت ما را بر شهرها عرضه کرد و جز کوفیان، آن را نپذیرفتند. نزدیک آن، قبری است که گرفتاری به آن جا نمی‌آید و چهار رکعت نماز کنار آن نمی‌خواند، جز آن که خداوند، او را شادمان از روا شدن حاجتش، باز می‌گرداند.

کامل الزیارات، ص ۱۶۸ / بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۲۵۹



أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الطَّيِّبِ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ النَّخَوِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ أَحْمَدُ بْنُ مَازِنٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ سَلِيمَانَ الْبَرْزَازِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي بَكْرُ بْنُ هِشَامٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ مَهْرَانَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) يَقُولُ: إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) عِنْدَ رَبِّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) يُنْظَرُ إِلَى مَوْضِعِ مَعْسَكِرِهِ، وَ مِنْ حَلَّةٍ مِنَ الشَّهْدَاءِ مَعَهُ، وَ يُنْظَرُ إِلَى زُورَارِهِ وَ هُوَ أَعْرَفُ بِحَالِهِمْ وَ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ، وَ بِدَرَجَاتِهِمْ وَ مَنْزِلَتِهِمْ عِنْدَ اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) مِنْ أَحَدِكُمْ بِوَلَدِهِ، وَ إِنَّهُ لَيَرَى مَنْ يَبْكِيهِ فَيَسْتَغْفِرُ لَهُ وَ يَسْأَلُ آبَاءَهُ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لَهُ، وَ يَقُولُ: لَوْ يَعْلَمُ زَائِرِي مَا أَعَدَّ اللَّهُ لَهُ لَكَانَ فَرَحُهُ أَكْثَرَ مِنْ جَزَعِهِ، وَ إِنَّ زَائِرَهُ لَيَنْقَلِبُ وَ مَا عَلَيْهِ مِنْ ذَنْبٍ. امام صادق (عليه السلام): حسين بن علي (عليه السلام) در پیشگاه پروردگارت، به اردوگاهش و هر شهیدی که با او در آن بوده، نگاه می‌اندازد و به زائرانش نیز نگاه می‌کند و او به حال آنها و به نامشان و نام پدرانشان و درجاتشان و جایگاهشان در پیشگاه خدای عزوجل، دانتر از هر یک از شما به حال فرزندش است و او گریه کننده‌اش را می‌بیند و برایش درخواست آمرزش می‌کند و از پدرانش علیهم السلام درخواست می‌کند که برای او درخواست آمرزش کنند و می‌فرماید: «زائر من، اگر می‌دانست که خداوند، چه چیزی را برایش فراهم کرده، خوش حالی اش بیش از بی‌تابی اش بود». زائر حسین علیه السلام باز می‌گردد، در حالی که گناهی برای او نیست.

الأمالی (للطوسي)، ص ۵۵

بشارة المصطفى لشعبة المرمضى (طبری آملی، ۵۵۳ ق)، ج ۲، ص ۷۸

وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۴۲۳ / بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۱

حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَكْرِ الْأَرْجَانِيِّ وَ حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَكْرِ قَالَ: حَجَّجْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لَوْ نَبَشَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ هَلْ كَانَ يُصَابُ فِي قَبْرِهِ شَيْءٌ فَقَالَ يَا ابْنَ بَكْرِ مَا أَعْظَمَ مَسَائِلَكَ إِنَّ الْحُسَيْنَ ع مَعَ أَبِيهِ وَ أُمِّهِ وَ أَخِيهِ فِي مَنْزِلِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ مَعَهُ يُرْزَقُونَ وَ يُحْبَرُونَ وَ إِنَّهُ لَعَنَ يَمِينِ الْعَرْشِ مُتَعَلِّقٌ بِهِ يَقُولُ - يَا رَبِّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَ إِنَّهُ لَيُنْظَرُ إِلَى زُورَارِهِ وَ إِنَّهُ أَعْرَفُ بِهِمْ وَ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَ مَا فِي رِحَالِهِمْ مِنْ أَحَدِهِمْ بِوَلَدِهِ وَ إِنَّهُ لَيُنْظَرُ إِلَى مَنْ يَبْكِيهِ فَيَسْتَغْفِرُ لَهُ وَ يَسْأَلُ آبَاءَهُ الْإِسْتِغْفَارَ لَهُ وَ يَقُولُ: أَيُّهَا الْبَاكِي لَوْ عَلِمْتَ مَا أَعَدَّ اللَّهُ لَكَ لَفَرِحْتَ أَكْثَرَ مِمَّا حَزِنْتَ وَ إِنَّهُ لَيَسْتَغْفِرُ لَهُ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَ خَطِيئَةٍ.

عبد الله بن بکر نقل کرده که گفت: با حضرت ابی عبد الله علیه السلام حجج به جا آوردم ... حدیث طولانی است و در یکی از فقرات آن راوی می‌گوید: محضر امام علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اگر قبر حضرت حسین ابن علی علیهما السلام را نبش کنند در قبر به چیزی برخورد و اصابت می‌کنند یا نه؟ حضرت در جواب فرمودند: چقدر سؤال بزرگی کردی، حضرت حسین علیه السلام با پدر و مادر و برادر بزرگوارشان در منزل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده و جملگی با آن حضرت از روزی خدا بهره‌مند می‌شوند و در خصوص آن جناب باید بگویم که حضرتش بر سمت راست عرش چنگ زده و به درگاه الهی عرض می‌کند: یا رب آنجز لی ما وعدتني (آنچه را به من وعده دادی روانما). و آن حضرت به زور خود نگر بسته و به آنها و به اسماء ایشان و اسماء پدرانشان و آنچه در خورجین و بارشان می‌باشد اعرف و آگاه‌تر از ایشان به فرزندشان می‌باشد و نیز آن جناب به گریه کننده‌گانش نظر فرموده و برای آنها طلب آمرزش نموده و از پدر بزرگوارش درخواست استغفار برای ایشان می‌نماید و خطاب به کسانی که برایش گریه می‌کنند کرده و می‌فرماید: ای کسی که گریه می‌کنی اگر بدانی چه خدا برایت آماده نموده مسلماً سرور و شادی تو بیشتر از حزن و اندوهت می‌گردد و این حتمی است که حق تعالی تمام گناهان و لغزشهای تو را بواسطه این اشگی که ریخته‌ای می‌آمرزد.

کامل الزیارات، ص ۱۰۳ / بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۹۲



خاص است؛ [اگرچه] غم و ابتلاء است ولی روایت آن و تاثیر روحی آن، شادی آفرین است. حتماً شما تجربه سیر با بلای امام حسین (علیه السلام) در محرم و صفر را برای خودتان دارید. همه افرادی که به پیاده روی اربعین می روند؛ اگر از آنها پرسید که: «آقا! اینجا گرمای هوا که هست، پیاده روی هم که می کنید، از محل سکونت خودتان هم که جدا می شوید، گاهی وقتها از عزیزانتان هم جدا می شوید.» یعنی همه نوع ابتلاء و فقدان در آن وجود دارد؛ ولی از زائر امام حسین (علیه السلام) که می پرسید، می بینید که واقعاً نشاط دارد! و حالت درونی اش "حالت انبعاث و نشاط" است. این همان نکته ای است که گفتم.

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمْبَرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَادِ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ... إِنَّهُ [أَيُّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ] لَيَنْظُرُ إِلَى زُورَاهُ وَ هُوَ أَعْرَفُ بِهِمْ وَ بِأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَ بِدَرَجَاتِهِمْ وَ بِمَنْزِلَتِهِمْ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ أَحَدِكُمْ يُولِدُوهُ وَ مَا فِي رَحْلِهِ وَ إِنَّهُ لَيَرَى مَنْ يَبْكِيهِ فَيَسْتَغْفِرُ لَهُ رَحْمَةً لَهُ وَ يَسْأَلُ أَبَاهُ الْإِسْتِغْفَارَ لَهُ وَ يَقُولُ: لَوْ تَعَلَّمُ أَبْنَاهُ الْبَاكِي مَا أَعَدَّ لَكَ لَفْرَحَتْ أَكْثَرُ مِمَّا جَزَعْتَ فَلْيَسْتَغْفِرْ لَهُ كُلُّ مَنْ سَمِعَ بُكَاءَهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ فِي السَّمَاءِ وَ فِي الْحَاثِرِ وَ يَنْقَلِبُ وَ مَا عَلَيْهِ مِنْ ذَنْبٍ.

عبد الله بن بکیر ازجانی، از امام صادق علیه السلام: حسین علیه السلام به زائرانش نظر می اندازد و او به حال آنها و به نام پدرانشان و درجاتشان و جایگاهشان در پیشگاه خداوند، داناتر است از هر یک از شما به حال فرزندش و آنچه در خانه اش هست و گریه کننده اش را می بیند و برایش از سر رحمت، درخواست آمرزش می کند و از پدرانش علیهم السلام می خواهد که برای او درخواست آمرزش کنند و می فرماید: «ای گریه کننده! اگر آنچه را که برایت فراهم شده، می دانستی، خوش حالی ات بیش از بی تابی ات بود.» پس هر یک از فرشتگان آسمان و فرشتگان حائر (حرم) حسینی، که صدای گریه او را می شنود، برایش درخواست آمرزش می کند و زائر، در حالی باز می گردد که گناهی ندارد.

کامل الزیارات، ص ۳۲۹ / بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۳۷۶

حَدَّثَنِي أَبِي وَ جَمَاعَةٌ مَسَابِيحِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى وَ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنِ الْعُمَرَكِيِّ عَنْ يَحْيَى وَ كَانَ فِي خِدْمَةِ أَبِي جَعْفَرٍ ع عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ بَطْهَرَ الْكُوفَةِ لَقَبْرًا مَا أَتَاهُ مَكْرُوبٌ قَطُّ إِلَّا قَرَّحَ اللَّهُ كُرْبَتَهُ يَعْنِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ. امام صادق علیه السلام: در پشت کوفه، قبری است که هیچ گاه گرفتاری نزد آن نمی آید، مگر آن که خداوند، گره از کارش می گشاید؛ یعنی قبر حسین علیه السلام.

کامل الزیارات، ص ۱۶۸

بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۴۵ / مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۳۹



حالا بنده عرض می‌کنم همه بلاها اینطور هستند [و یک نشاطی را به انسان می‌دهند]؛ منتها سیر با بلای امام اثر بیشتری دارد.

بنابراین اولین مفهومی که باید در داستان‌ها [و کارهای هنری] بر روی آن تاکید شود، مفهوم عقیف بودن است.

روایت دیگری برای شما بخوانم؛ می‌فرمایند: «اگر مریض شدید به کسی گله و اظهار ناراحتی نکنید، در اینصورت خداوند متعال اجر شما را مضاعف خواهد کرد.»^{۸۷} تقریباً به تفکیک در مورد همه ابتلائات، تاکید بر عقیف بودن در روایات وجود دارد.

۸۷. **ارجاع پژوهشی:** قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: إِنَّ الشَّيَاطِينَ أَكْثَرُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الزَّانِبِينَ عَلَى اللَّحْمِ وَ مَا مِنْكُمْ مِنْ عَبْدٍ ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِمَكْرُوهِ فَصَبَرَ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ.

امام صادق (علیه السلام): همانا شیاطین بر مؤمن بیشتر از زنبورها بر سر گوشت هستند! و هیچیک از شما از بندگان خدا نیستند که بر مکروهی که خدا بر آن مبتلایشان کرده صبر کند، مگر اینکه خداوند برای او اجر ۱۰۰ شهید می‌نویسد!

المؤمن (حسین بن سعید اهوازی، قرن ۳)، ص ۱۶

أعلام الدين في صفات المؤمنين (ديلمي)، ص ۴۳۳

بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۲۱۱

عَنْ عَلِيِّ ع: الْمَرِيضُ فِي سِجْنِ اللَّهِ مَا لَمْ يَشْكُ إِلَى عَوَادِهِ ثُمَّ حَيَّ سَيِّئَاتُهُ وَ أَيُّ مُؤْمِنٍ مَاتَ مَرِيضاً مَاتَ شَهِيداً.

امام علی علیه السلام: بیمار، در زندان خداست [و] تا زمانی که نزد عیادت کنندگان خود شکوه نکند، گناهانش پاک شود. و هر مومنی در حال بیماری بمیرد، شهید مرده است!

دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۱۷

بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۲۱۱ / مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۹

أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: يُكْتَبُ أَنْيُنُ الْمَرِيضِ فَإِنْ كَانَ صَابِراً كُتِبَ حَسَنَاتٍ وَ إِنْ كَانَ جَزِعاً كُتِبَ هَلُوعاً لَا أَجْرَ لَهُ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ناله بیمار، نوشته می‌شود. پس اگر شکیبیا باشد، [ناله‌اش] حسنه و پاداش نوشته می‌شود و اگر بی‌تاب باشد، ناشکیبا و بی‌پاداش نوشته می‌شود.

الجعفریات (الأشعثیات)، ص ۲۱۱ / دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۱۷

مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۱ / بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۲۱۱



پس: «الْعَفَافُ زِينَةُ الْبَلَاءِ» یعنی: با عفاف، زیبایی‌های ابتلاء را برجسته می‌کنیم. یعنی: [در هنگام ابتلاء،] حوصله کن! جَزَع و فَزَع نکن؛ یک خیری در راه است.

۴/۱/۲. تواضع (زینت) برای آقا زاده‌ها! (خیر)؛ دومین شیئی زینت از نظر انبیاء «التَّوَّاضُعُ زِينَةُ الْحَسَبِ»

[دومین زینت، زینتِ تواضع است:] «التَّوَّاضُعُ زِينَةُ الْحَسَبِ»؛^{۸۸} می‌فرماید بعضی‌ها خانواده‌دار و آقا زاده هستند و فکر می‌کنند که این یک امتیاز خیلی زیادی محسوب می‌شود و یک زینت است. الان مثلاً آقا زاده‌های آقای فلانی فکر می‌کنند که ایران مال آنهاست! و اگر با آنها صحبت کنید می‌بینید که فکر می‌کنند چون آقا زاده هستند اینطور شده‌اند. بعضی‌ها خیلی به "حَسَب" افتخار می‌کنند. حالا حضرت می‌فرماید: آقا یا خانم هنرمند! تواضع را برجسته کن؛ چون "تواضع"، زینت حَسَب است نه "تکبر". اتفاقاً اگر کسی تکبر بورزد، در نظر مردم زشت می‌آید^{۹۰} و به او می‌گویند: «تو

^{۸۸} ارجاع پژوهشی: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: ... التَّوَّاضُعُ زِينَةُ الْحَسَبِ ...

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ... تواضع، زینت حَسَب و نَسَب است ...

جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۱۲۳ / كشف الغمة (اربلی، ۶۹۲ ق)، ج ۲، ص ۳۴۷ / كنز الفوائد (كراچکی، ۴۴۹ ق)، ج ۱، ص ۲۹۹ /

أعلام الدين (دیلمی، ۸۴۱ ق)، ص ۳۲۱

بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۳۱ و ج ۷۵، ص ۸۰ و ۹۱

^{۸۹} ارجاع پرورشی: الحَسَب: الشرف الثابت في الآباء.

كتاب العين (خلیلی بن احمد، ۱۷۵ ق)، ج ۳، ص ۱۴۸

الحَسَبُ فِي الْأَصْلِ: الشَّرْفُ بِالْآبَاءِ وَ مَا يَعْدَهُ النَّاسُ مِنْ مَفَاخِرِهِمْ.

النهاية (ابن اثیر جزری، ۶۰۶ ق)، ج ۱، ص ۳۸۱

^{۹۰} ارجاع پژوهشی: عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَ فِي رَأْسِهِ حَكْمَةٌ وَ مَلَكٌ يُمَسِّكُهَا فَإِذَا تَكَبَّرَ قَالَ لَهُ اتَّضِعْ وَ صَعَكَ اللَّهُ فَلَا يَزَالُ أَعْظَمَ النَّاسِ فِي نَفْسِهِ وَ أَصْغَرَ النَّاسِ فِي أَعْيُنِ النَّاسِ وَ إِذَا تَوَاضَعَ رَفَعَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ثُمَّ قَالَ لَهُ اتَّعَشْ نَعَشَكَ اللَّهُ فَلَا يَزَالُ أَصْغَرَ النَّاسِ فِي نَفْسِهِ وَ أَرْفَعَ النَّاسِ فِي أَعْيُنِ النَّاسِ.

امام صادق علیه السلام: هیچ بنده‌ای نیست، مگر این که بر سرش لگامی است که فرشته‌ای آن را نگه داشته، پس هر گاه آن بنده تکبر کند، فرشته به او گوید: خوار شو، خدا تو را پست کند! از آن پس، پیوسته در نظر خود، بزرگترین مردمان و در چشم مردم کوچکترین افراد باشد. و هر گاه تواضع کند، خداوند عزوجل او را بلند مرتبه گرداند و فرشته به او گوید: سرت را بالا بگیر، خدایت سر فراز کند! از آن پس، همواره در نظر خود کمترین مردم و در چشم مردم، بلند مرتبه‌ترین افراد باشد.

الكافي، ج ۲، ص ۳۱۲

بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۲۴ / وسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۳۷۶



که مثلاً فرزند فلان آیت‌الله بودی، تو که فرزند فلان وزیر بودی؛ تو چرا این کارها را کردی؟! پس در واقع این زینت دوم (تواضع) جلوی این آفت (تکبر) را می‌گیرد. به هر حال بعضی‌ها خانواده‌دار

حُطْبَةُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ هِيَ حُطْبَةُ الْوَسِيلَةِ: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَعْمَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عُكَايَةَ التَّمِيمِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ النَّضْرِ الْفَهْرِيِّ عَنْ أَبِي عَمْرٍو الْأَوْزَاعِيِّ عَنْ عَمْرٍو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع حَظَبَ النَّاسِ بِالْمَدِينَةِ بَعْدَ سَبْعَةِ أَيَّامٍ مِنْ وَفَاةِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ ذَلِكَ حِينَ فَرَّغَ مِنْ جَمْعِ الْقُرْآنِ وَ تَأْلِيفِهِ فَقَالَ ... مَنْ تَكَبَّرَ عَلَى النَّاسِ ذَلَّ امیرالمؤمنین (علیه السلام): ... هر کس در مقابل مردم تکبر بورزد ذلیل می‌شود. . . .

الکافی، ج ۸، ص ۱۹

تحف العقول، ص ۸۸ و ۹۳ / کنز الفوائد، ج ۱، ص ۲۰۰ / نزهة الناظر، ص ۶۲ / غرر الحکم، ص ۵۸۹ / العدد القویة، ص ۳۵۹

بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۸۲

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ... النَّبِيُّ ص قَالَ لِأَصْحَابِهِ إِنَّ الصَّدَقَةَ تَزِيدُ صَاحِبَهَا كَثْرَةَ فَتَصَدَّقُوا بِرَحْمَتِكُمْ اللَّهُ. وَ إِنَّ التَّوَاضِعَ يَزِيدُ صَاحِبَهُ رِفْعَةً فَتَوَاضَعُوا يَرْفَعَكُمْ اللَّهُ. وَ إِنَّ الْعُمُو يَزِيدُ صَاحِبَهُ عِزًّا فَاعْمُوا يُعِزِّكُمْ اللَّهُ.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): همانا صدقه ممال را زیاد می‌کند پس صدقه بدهید خدا شما را پیامرزد. همانا تواضع بر بلندمرتبگی (رفعت) صاحب خود می‌افزاید. پس متواضع باشید تا خداوند، شما را مرتبه بلند بخشد. و همانا عفو و بخشش به صاحبش عزت می‌دهد پس عفو کنید خدا شما را عزت دهد.

الکافی، ج ۲، ص ۱۲۱

الأمالي (للمفيد)، ص ۲۳۹ / الأمالي (للطوسي)، ص ۱۴

وسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۲۷۵ / مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۰۲ / بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۱۲۲

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: إِنَّ فِي السَّمَاءِ مَلَائِكِينَ مُوَكَّلِينَ بِالْعِبَادِ فَمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفْعًا وَ مَنْ تَكَبَّرَ وَصَعًا.

الکافی، ج ۲، ص ۱۲۲ / الزهد (حسین بن سعید اهوازی، قرن ۳)، ص ۶۲

مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۲۲۷ / مجموعة ورام، ج ۲، ص ۱۹۰

وسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۲۷۲ / مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۹۶

ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ... مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفْعَهُ اللَّهُ وَ مَنْ تَكَبَّرَ خَفَضَهُ اللَّهُ. امام صادق (علیه السلام): هر کس بخاطر خدا تواضع کند، خداوند او را بالا می‌برد. و هر کس تکبر ورزد، خداوند او را خوار کند و پایین آورد.

الکافی، ج ۲، ص ۱۲۲ / الزهد، ص ۵۵

مجموعة ورام، ج ۲، ص ۱۹۰

وسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۲۷۷ / مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۰۳ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۲۵

۹۱. **ارجاع پژوهشی:** عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو التَّصْبِيحِيِّ عَنِ السَّرِيِّ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ آبَائِهِ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: قَالَ لِعَلِيِّ ع يَا عَلِيُّ ... آفَةُ الْحَدِيثِ الْكُدْبُ وَ آفَةُ الْعِلْمِ التَّنْسِيَانُ وَ آفَةُ الْعِبَادَةِ الْفُشْرَةُ وَ آفَةُ الظَّرْفِ الصَّلْفُ وَ آفَةُ السَّمَاخَةِ الْمَنُّ وَ آفَةُ الشَّجَاعَةِ الْبُغْيُ وَ آفَةُ الْجَمَالِ الْخِيَلَاءُ وَ آفَةُ الْحَسَبِ الْفُخْرُ.



هستند و خانواده‌های بزرگی دارند؛ [حضرت] می‌فرماید: به آنها توجه بدهید که تواضع، زینت است. ببینید چقدر کاربردی و گره‌گشاست!

اگر هنرمندان ما از اول انقلاب در حوزه هنری و سایر جاها به جای اینکه دائماً آفازدها را بکوبند، می‌آمدند در مدارس این روایت «التَّوَّاضُعُ زِينَةُ الْحَسَبِ» را تفسیر می‌کردند، یا در قالب یک اثر هنری، تواضع را به رخ می‌کشیدند، [برای هدایت و اصلاح رفتار آنها و جامعه مفیدتر به نظر می‌رسید].

خب؛ حالا بزرگ‌ترین و عجیب و غریب‌ترین تواضع‌ها در عالم متعلق به تواضع امیرالمومنین علی (علیه السلام) نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله)^{۹۲} و یا تواضع حضرت

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود: ای علی! ... آفت سخن دروغ است، آفت دانش فراموشی، آفت عبادت سستی، آفت زیرکی زیاده‌روی در تعریف خود است، آفت بخشش منت گذاردن است، آفت شجاعت سرکشی است، آفت زیبایی خود پسندی است، آفت حسب به خود بالیدن و افتخارکردن است.

المحاسن، ج ۱، ص ۱۷

بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۶۸

عليُّ بنُ إبراهيمَ عن أبيه عن الثَّوْقَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: آفَةُ الْحَسَبِ الْإِفْتِخَارُ وَالْعُجْبُ.

الكافي، ج ۲، ص ۳۲۸ (بَابُ الْفَخْرِ وَالْكَبْرِ)

وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۴۲ / بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۲۸ / الوافي، ج ۵، ص ۸۷۵

۹۲. **ارجاع پژوهشی:** وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ (عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا) عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمُؤَصِّلِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: جَاءَ حَبْرٌ مِنَ الْأَحْبَارِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! مَتَى كَانَ رَبُّكَ؟ فَقَالَ لَهُ: تَكَاتُكَ أُمَّكَ وَ مَتَى لَمْ يَكُنْ حَتَّى يُقَالَ مَتَى كَانَ رَبِّي قَبْلَ الْقَبْلِ بِلَا قَبْلِ وَ بَعْدَ الْبَعْدِ بِلَا بَعْدٍ وَ لَا غَايَةَ وَ لَا مُنْتَهَى لِعَايَتِهِ انْقَطَعَتِ الْعَايَاتُ عِنْدَهُ فَهُوَ مُنْتَهَى كُلِّ غَايَةٍ. فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَفَنَبِيٌّ أَنْتَ؟ فَقَالَ: وَتِلْكَ! إِنَّمَا أَنَا عَبْدٌ مِنْ عِبِيدِ مُحَمَّدٍ ص.

امام صادق (علیه السلام): عالمی از علماء یهود به خدمت امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمد و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! پروردگار تو در چه زمان بود؟ حضرت به آن مرد فرمود: مادرت به مرگت نشیند! او در چه زمان نبود تا آنکه گفته شود که در چه زمان بود؟! پروردگار من پیش از پیش بوده بی‌آنکه پیش باشد، و بعد از بعد خواهد بود بی‌آنکه بعدی باشد، و آخر و پایانی از برای آخرش نیست و آخرها از او بریده شده. پس آن جناب پایان هر آخری است. عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! آیا تو پیغمبری؟ فرمود: وای بر تو! جز این نیست که من بنده از بندگان محمد (صلی الله علیه و آله) هستم.

الكافي، ج ۱، ص ۹۰ / التوحيد (للصدوق)، ص ۱۷۴

سند توحيد: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَا دِي عَنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنِ أَبِي الْحَسَنِ الْمُؤَصِّلِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي)، ج ۱، ص ۲۱۰

الوافي، ج ۱، ص ۳۵۷ / بحار الأنوار، ج ۵۴، ص ۱۶۰



ابوالفضل العباس (علیه السلام) نسبت به امام حسین (علیه السلام) است! با اینکه صاحب نَسَب بوده‌اند.

پس تواضع، زینت است. به این نکته توجه داشته باشید که زینت‌هایی که اهل بیت (علیهم السلام) روی آن‌ها می‌ایستند [و بر آنها تاکید دارند] چقدر کاربردی است! و من دائماً اصرار دارم که بگویم "جدول فقهی زینت"، کاربردی است.

پس با آن فرم‌ها [که در سرفصل دوم ذکر شد: ادب، قَل و دَل و بیان بعد از تأمل]، این زینت‌ها را برجسته کنید. دائماً نیاید بگویید: «هنر برای هنر!» [بلکه] بگویید: «هنر برای برجسته‌سازی تواضع»، «هنر برای برجسته‌سازی عفاف» و ...

چون "ابتلاء"، "خیر" است، "خانواده خوب" [حَسَب و نَسَب] "هم قطعاً خیر" است؛ اما اگر زینت آنها [یعنی: عَقَّت و تواضع] را بردارید، تبدیل به شَر (یا به تعبیر روایت: تبدیل به شَین^{۹۳} و زشتی) خواهند شد.

۴/۱/۳. فصاحت (زینت) برای کلام (خیر)؛ سومین شیئی زینت از نظر انبیاء «الْفَصَاحَةُ زِينَةُ الْكَلَامِ»

سومین زینت: «الْفَصَاحَةُ زِينَةُ الْكَلَامِ»؛^{۹۴} همه حرف می‌زنند اما زیبایی کلام انسان فصیح بیشتر است. پس این هم مهم است.

۹۳. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الثُّعْمَانَ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ وَ الْاجْتِهَادِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ وَ حُسْنِ الْجَوَارِ وَ كُونُوا دُعَاةً إِلَى أَنْفُسِكُمْ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ وَ كُونُوا زَيْنًا وَ لَا تَكُونُوا شَيْنًا.

ابو اسامه گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام میفرمود: بر تو باد به تقوای خدا و ورع و کوشش و راستی گفتار و اداء امانت و حسن خلق و نیکی با همسایه. و مردم را با غیر زبان بمذهب خود دعوت کنید (یعنی رفتار شما شیعیان باید طوری باشد که مخالفینتان بگرویدن مذهب شما مایل شوند) و زینت ما باشید و ننگ ما نباشید.

الکافی، ج ۲، ص ۷۷

وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۴۵ / الوافی، ج ۴، ص ۳۰۸ / بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۹۹

۹۴. ارجاع پژوهشی: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: ... الْفَصَاحَةُ زِينَةُ الْكَلَامِ ...

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ... فصاحت، زینت کلام است ...



[حالا اینکه] فصاحت چیست؟ این باید بحث بشود.^{۹۵} برای همین من گفتم بحث هنر از منظر روایات خیلی وقت می‌خواهد. چون این‌ها باید بحث شود. در بحث قبلی هم باید بحث شود که تواضع چیست؟ همچنین باید بحث شود که عفاف چیست؟ این‌ها همه بحث تفصیلی می‌خواهد. اگر این [مباحث را به صورت تفصیلی] به هنرمند نگوئیم، او نخواهد توانست عفاف، تواضع، فصاحت [و دیگر زینت‌ها] را برجسته کند و یا حداقلی بحث خواهد کرد. پس این زینت‌ها شرح تفصیلی نیاز دارند.

جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۱۲۳ / كشف الغمة (اربلی، ۶۹۲ ق)، ج ۲، ص ۳۴۷ / كنز الفوائد (كراچکی، ۴۴۹ ق)، ج ۱، ص ۲۹۹ /
 أعلام‌الدين (ديلمی، ۸۴۱ ق)، ص ۳۲۱
 بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۳۱ و ج ۷۵، ص ۸۰ و ۹۱

قَالَ ص: الْجَمَالُ فِي اللِّسَانِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زیبایی، در زبان است.

تحف العقول، ص ۳۷ / بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۴۱

امیرالمومنین ع: الْجَمَالُ فِي اللِّسَانِ وَ الْكَمَالُ فِي الْعَقْلِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): زیبایی در زبان و کمال در عقل است.

كنز الفوائد (كراچکی، ۴۴۹ ق)، ج ۱، ص ۲۰۰ / كشف الغمة (اربلی، ۶۹۲ ق)، ج ۲، ص ۳۴۷
 بحار الأنوار، ج ۱، ص ۹۶ / مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۰۷

عنه صلی الله علیه و آله: جَمَالُ الرَّجُلِ فَصَاحَةٌ لِسَانِهِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): زیبایی مرد، فصاحت زبانش است. (یعنی نطقش نیکو بود و تواند که از سخن اندک معنی بسیار بیرون آورد.)

شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم ص) (قضاعی، ۴۵۴ ق)، ص ۷۳

۹۵. ارجاع پژوهشی: ابْنُ الصَّلْتِ عَنِ ابْنِ عُقْدَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الضَّرِيرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَكَرِيَّا الْمَكِّيِّ عَنْ كَثِيرِ بْنِ طَارِقٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ: سُئِلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع مَنْ أَفْصَحُ النَّاسِ قَالَ الْمُجِيبُ الْمُسْكِيْتُ عِنْدَ بَدِيهَةِ السُّؤَالِ.

امام علی (علیه السلام) در پاسخ به این پرسش که: فصیح‌ترین مردم کیست؟ فرمود: کسی که به سؤال ناگهانی پاسخ دندان‌شکن دهد.

الأمالي (للطوسي)، ص ۷۰۳

بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۲۹۰

**۴/۱/۴. عدالت (زینت) برای اهل ایمان (خیر)؛ چهارمین شیء زینت از نظر انبیاء «الْعَدْلُ زِينَةُ الْإِيمَانِ»**

[چهارمین زینت:] «الْعَدْلُ زِينَةُ الْإِيمَانِ».^{۹۶} [توضیح روایت:] بعضی‌ها اهل ایمان به خدا هستند ولی به اطرافیان و فرزندانیشان ظلم می‌کنند! این کار باعث می‌شود که ایمان در ذهن مردم زشت جلوه کند! [و مردم با خود] می‌گویند: ببینید نمازخوان‌ها [و اهل ایمان] چه می‌کنند! ببینید طرفداران پیغمبر چه می‌کنند! یعنی: باعث می‌شود ایمان زیر سوال برود. بنابراین [در کارهای هنری] برای اینکه مومنینی زیر سوال نروند بر روی چه چیزی تاکید کنیم؟ پیامبر ما را راهنمایی می‌کند و می‌فرماید: «الْعَدْلُ زِينَةُ الْإِيمَانِ»؛ یعنی: مومن باید عادل باشد؛ چون خدای نکرده اگر مومن به یک ظلم مبتلا شد ایمان زیر سوال می‌رود. حالا ببینید این‌ها چقدر کاربردی هستند! باید بر روی اینها تاکید بشود.

۴/۱/۵. سکینه و آرامش (زینت) برای عبادت (خیر)؛ پنجمین شیء زینت از نظر انبیاء «السَّكِينَةُ زِينَةُ الْعِبَادَةِ»

[پنجمین زینت:] «وَالسَّكِينَةُ زِينَةُ الْعِبَادَةِ».^{۹۷} می‌فرماید: اگر دارید عبادت خدا را انجام می‌دهید (حالا هر عبادتی: روزه، نماز، حج ...)، آرامش خودتان را حفظ کنید. بعضی‌ها با عجله نماز می‌خوانند، با عجله طواف می‌کنند، با عجله خودشان را سر سفره افطار می‌رسانند. مردم که نگاه می‌کنند می‌بینند آرامش و وقار از بین رفته است. لذا حضرت می‌فرماید: اگر می‌خواهید عبادتتان در نظر دیگران زشت جلوه نکند، سکینه و آرامش خودتان را [در عبادت] حفظ کنید.

۹۶. **ارجاع پژوهشی:** قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: ... وَالْعَدْلُ زِينَةُ الْإِيمَانِ ...

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ... عدالت، زینت ایمان است ...

همان

۹۷. **ارجاع پژوهشی:** قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: ... وَالسَّكِينَةُ زِينَةُ الْعِبَادَةِ ...

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ... سکون و آرامش، زینت عبادت است ...

همان



۴/۱/۶. حفظ امانت (زینت) برای روایت خبر (خبر)؛ ششمین شیء زینت از نظر انبیاء «الْحِفْظُ زِينَةُ الرَّوَايَةِ»

[ششمین زینت:] «وَ الْحِفْظُ زِينَةُ الرَّوَايَةِ».^{۹۸} می‌فرماید: وقتی دارید یک داستانی را روایت می‌کنید چرا ناقص روایت می‌کنید؟! خیلی در جامعه به این مشکل مبتلا هستیم؛ خبرنگارها، روزنامه‌نگارها "حفظ" نمی‌کنند و ناقص روایت می‌کنند.

چند هفته پیش در سمنان جلسه‌ای داشتیم که «اینترنشنال» آن جلسه ما را به صورت ناقص و دروغ روایت کرد!^{۹۹} من آنجا این بحث را مطرح کرده بودم که: «وزارت بهداشت دچار یک فقر دانش است و نمی‌تواند پیشگیری از بیماری ایجاد کند! شاخص اصلی در حوزه سلامت، "ساخت بیمارستان" و "تولید دارو" نیست؛ بلکه شاخص اصلی سلامت، "پیشگیری از بیماری" است» بعد اینترنشنال تیتراژ زد: «در سمنان گفته شده که بیمارستان و دارو نسازید!» این یعنی چه؟ یعنی روایت ناقص، روایت غلط.

حضرت همین نکته را می‌فرمایند: «الْحِفْظُ زِينَةُ الرَّوَايَةِ»؛ یک راوی و خبرنگار خوب باید حفظ کند. یعنی: با امانت روایت کند؛ وگرنه اینترنشنال [آن خبر را] به صورت دروغ برای همه مردم ایران پخش می‌کند و ممکن است دو سه میلیون نفر هم آن را ببینند؛ ولی خیلی کار زشتی می‌کند! الان خود جمهوری اسلامی هم مبتلا به روایت غلط شده است؛ [به این معنا که:] دیگران دارند از آن روایت غلط ارائه می‌دهند!

۹۸. ارجاع پژوهشی: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: ... وَ الْحِفْظُ زِينَةُ الرَّوَايَةِ ...

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ... حفظ، زینت روایت است ...

همان

۹۹. ارجاع پژوهشی: مقام حوزه علمیه (دبیر «شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی»): وزارت بهداشت سواد پیشگیری از بیماری را ندارد!

منبع: سایت خبری ایران اینترنشنال

<https://www.iranintl.com/۲۰۲۳۰۷۰۷۵۸۰۲>



۴/۱/۷. بیان کامل و دقیق استدلال‌ها (زینت) برای علم (خیر)؛ هفتمین شیئی زینت از نظر انبیاء «حِفْظُ الْحَجَّاجِ»
[الْحَجَّاجِ زِينَةُ الْعِلْمِ]

«وَحِفْظُ الْحَجَّاجِ زِينَةُ الْعِلْمِ»؛^{۱۰۰} می‌فرماید: شما که دانشمند هستید، [در طرح مباحث خود،] ادله را به صورت کامل بگویید. "حَجَّاج" و "حِجَّاج" جمع "حَجَّت" است^{۱۰۱} یعنی: [حجت و] دلیل‌ها را کامل بگویید. اصلاً خوب نیست کسی که دانشمند است وقتی به جایی می‌رود بگوید: «چون من دانشمند هستم پس نظر من این است» [و دلیل‌های بحثش را نگوید. آقای دانشمند!] چرا دلیل‌ها را حذف می‌کنی؟! دلیل‌های بحث را دقیق بگو؛ این زینت فرد دانشمند است. کسانی که دانشمند هستند می‌گویند: «حالا که دیگر مردم به ما اعتماد دارند، پس بگذارید من ادله خود را حذف کنم»؛ حضرت می‌فرماید: این کار برای یک دانشمند، زشت است.

۱۰۰. ارجاع پژوهشی: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: ... وَحِفْظُ الْحَجَّاجِ [الْحَجَّاجِ] زِينَةُ الْعِلْمِ ...

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ... و حفظ حجت‌ها زینت علم است ...

جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۱۲۳ / بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۳۱

* برخی از نسخه‌های دیگر این روایت:

قَالَ اميرالمؤمنين ع: ... وَحَفْظُ الْحَجَّاجِ زِينَةُ الْعِلْمِ ...

امیرالمؤمنین (علیه السلام): ... و فروتنی زینت علم است ...

كشف الغمة في معرفة الأئمة (اربلي، ۶۹۲ ق)، ج ۲، ص ۳۴۷ / كنز الفوائد (كراچكي، ۴۴۹ ق)، ج ۱، ص ۲۹۹

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۸۰ و ۹۱

قَالَ اميرالمؤمنين ع: ... حَفْظُ الْحَجَّاجِ زِينَةُ الْعِلْمِ ...

امیرالمؤمنین (علیه السلام): ... و فروتنی زینت حلم و صبوری است ...

أعلام الدين في صفات المؤمنين (ديلمی، ۸۴۱ ق)، ص ۳۲۱

۱۰۱. ارجاع پرورشی: الْحَجُّ: الْقَصْدُ. حَجَّ إِلَيْنَا فَلَانَ أَيْ قَدِمَ؛ وَحَجَّهَ يَحْجُهُ حَجًّا: قَصَدَهُ. وَحَجَّجْتُ فَلَانًا وَاعْتَمَدْتُهُ أَيْ قَصَدْتَهُ. وَرَجُلٌ مَحْجُوجٌ أَيْ مَقْصُودٌ. ... جَمْعُ الْحُجَّةِ: حُجُوجٌ وَحِجَّاجٌ. وَحَاجَّهُ مُحَاجَّةً وَحِجَّاجًا: نَازَعَهُ الْحُجَّةَ. ... قَالَ الْأَزْهَرِيُّ: إِنَّمَا سَمِيَتْ حُجَّةً لِأَنَّهَا تُحَجُّ أَي تَقْتَصَدُ لِأَنَّ الْقَصْدَ لَهَا وَإِلَيْهَا؛ وَكَذَلِكَ مَحَجَّةُ الطَّرِيقِ هِيَ الْمَقْصُودُ وَ الْمَسْلُوكُ.

لسان العرب، ج ۲، ص ۲۲۶ الی ۲۲۸

الْحُجَّةُ: وَجْهُ الظُّفْرِ عِنْدَ الخُصُومَةِ. وَالفِعْلُ حَاجَجْتُهُ فَحَجَّجْتُهُ. وَاخْتَجَجْتُ عَلَيْهِ بِكَذَا. وَ جَمْعُ الْحُجَّةِ: حُجُوجٌ. وَ الْحِجَّاجُ الْمَصْدَرُ.

حُجَّت: روش پیروزی بر خصم در هنگام خصومت و استدلال. ... جمع حُجَّت: حُجُوجٌ است. و مصدر آن: حِجَّاجٌ است.

کتاب العين، ج ۳، ص ۱۰

داریم در مورد هنر و زینت بحث می‌کنیم؛ می‌گوییم: چه چیزی دانشمند را زیبا می‌کند؟ می‌فرماید: «حِفْظُ الْحَاجِّ» یعنی: دقیق گفتنِ حجت و دلیل‌ها. بنابراین شما می‌توانید مصاحبه و سخنرانی یک دانشمند را نقد هنری کنید؛ مثلاً بگویید: چون همه ادله را نگفت، پس سخنرانی او زشت بود. ولی وقتی همه ادله را بگویید، مخاطب می‌گوید: چقدر کلام مُسْتَدَل و زیبایی!

۴/۱/۸. حُسْنُ ادب (زینت) برای عقل (خیر)؛ هشتمین شیئی زینت از نظر انبیاء «حُسْنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ»

«وَحُسْنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ»^{۱۰۲} می‌فرماید: آدم‌های عاقل باید برای خود یک چارچوب تعریف کنند؛ این هم یک زینت است. نباید کسی فکر کند چون عاقل است و چون بهترین راه حل در ذهنش است، پس می‌تواند آن را به هر روشی مطرح کند. [نه؛ اینطور نیست بلکه] باید طرح مطلبش، چارچوب داشته باشد. این هم یک مسئله است.

۴/۱/۹. گشاده‌رویی (زینت) در هنگام حِلْم (خیر)؛ نهمین شیئی زینت از نظر انبیاء «بَسْطُ الْوَجْهِ زِينَةُ الْحِلْمِ»

«وَبَسْطُ الْوَجْهِ زِينَةُ الْحِلْمِ»^{۱۰۳} نمی‌دانم این را تجربه کرده‌اید یا نه؟ خصوصاً پدران و مادران اینطور هستند: یک جایی تصمیم می‌گیرند تحمل کنند؛ ولی چهره‌شان پر از غضب است! این روایت می‌فرماید: حالا که تصمیم گرفته‌ای تحمل کنی، پس لبخند هم بزن، بسط وجه داشته باش. چرا؟ چون [اگر چهره‌ات لبخند نداشته باشد و غضبناک باشد،] تحمل تو را بی‌اثر خواهد کرد.

۱۰۲. ارجاع پژوهشی: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: ... وَحُسْنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ ...

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ... و نیکی ادب زینت عقل است ...

جامع الأخبار (للشعیری)، ص ۱۲۳ / كشف الغمة (اربلی، ۶۹۲ ق)، ج ۲، ص ۳۴۷
کنز الفوائد (کراجکی، ۴۴۹ ق)، ج ۱، ص ۲۹۹ / أعلام الدین (دیلمی، ۸۴۱ ق)، ص ۳۲۱
بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۳۱ و ج ۷۵، ص ۸۰ و ۹۱

۱۰۳. ارجاع پژوهشی: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: ... وَبَسْطُ الْوَجْهِ زِينَةُ الْحِلْمِ ...

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ... گشاده‌رویی زینت حلم و صبوری است ...

جامع الأخبار (للشعیری)، ص ۱۲۳ / كشف الغمة (اربلی، ۶۹۲ ق)، ج ۲، ص ۳۴۷
کنز الفوائد (کراجکی، ۴۴۹ ق)، ج ۱، ص ۲۹۹ / أعلام الدین (دیلمی، ۸۴۱ ق)، ص ۳۲۱
بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۳۱ و ج ۷۵، ص ۸۰ و ۹۱



یک وقتی انسان - به هر دلیلی - نمی‌خواهد تحمل کند. اما وقتی می‌خواهی تحمل کنی، با لبخند و بسط وجه تحمل کن. این خیلی برای پدرها و مادرها مهم است که اگر می‌خواهید تحمل کنید و حلم^{۱۰۴} به خرج بدهید تا فرزندتان رشد پیدا کند، بهتر است با حالت غضب‌آلود تحمل نکنید.^{۱۰۵} لذا حضرت می‌فرماید: «بَسَطُ الْوَجْهِ زِينَةُ الْحِلْمِ»؛ [یعنی: زینت گذشت و حلم، گشاده‌روی است]. حضرت زینت‌های حالات خیر را یکی یکی بیان می‌فرمایند.

۴/۱/۱۰. بذل دارایی (زینت) برای یقین (خیر)؛ دهمین شیئی زینت از نظر انبیاء «بَذْلُ الْمَوْجُودِ زِينَةُ الْيَقِينِ»

«وَبَذْلُ الْمَوْجُودِ زِينَةُ الْيَقِينِ»؛^{۱۰۶} می‌فرماید: اگر واقعاً یقین داری که خداوند متعال تو را کفایت می‌کند، پس از آن چیزی که در دست داری خساست به خرج نده؛ همه آن را بذل و مصرف کن.

۱۰۴. ارجاع پرورشی: الْحِلْمُ: ضبط النفس و الطبع عن هيجان الغضب. حلم: خود را نگه‌داشتن از هیجان غضب.

مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۵۳

حَلْمٌ - حِلْمًا: گذشت کرد و بردبار شد. ... الْحِلْمُ - ج أَحْلَامٌ وَ حُلُومٌ: شکیبائی و بردباری و آرامش با داشتن نیرو و توانائی.

فرهنگ ابجدی عربی فارسی، ص ۳۴۱

۱۰۵. انتقال از متن: گاهی وقت‌ها پدر [با حالت غضب‌آلود] در یک گوشه‌ای می‌نشیند تا اعتراض کند [و عصبانیت خود را نشان بدهد]: این جا مقام بحث نیست. مقام بحث در آنجایی است که می‌خواهی حلم به خرج بدهی.

۱۰۶. ارجاع پژوهشی: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: ... بَذْلُ الْمَوْجُودِ زِينَةُ الْيَقِينِ ...

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ... بخشش آنچه موجود است زینت یقین است ...

جامع الأخبار (للشعیری)، ص ۱۲۳ / بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۳۱

* آیات و روایاتی در این معنا:

«قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»

[ای رسول من! به مردم] بگو: همانا پروردگار من است که روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواهد گشایش می‌دهد یا بر او تنگ می‌گرداند و هر چه را انفاق کردید عوضش را او می‌دهد. و او بهترین روزی دهندگان است.

سوره مبارکه سبأ، آیه ۳۹

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ أَيَّقَنَ بِالْخَلْفِ سَخَتْ نَفْسُهُ بِالنَّقْمَةِ. وَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ».



رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس به جایگزین شدن یقین داشته باشد، نفسش به بخشیدن سخاوتمند می‌شود. و خداوند فرموده: «و هر آنچه که [در راه خدا] انفاق می‌کنید، پس خداوند جای او را پر خواهد کرد و او بهترین روزی دهندگان است».

من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲

وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۱۸

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ زَائِدٍ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ سَخَتْ نَفْسُهُ بِالتَّقَفَةِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس به جایگزین شدن یقین داشته باشد، نفسش به بخشیدن سخاوتمند می‌شود.

الكافي، ج ۴، ص ۴۳ / من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲

دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۵۴ / الإختصاص (شیخ مفید)، ص ۳۰

وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۵۴۸

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رَضَوَانُ اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ الصُّوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو ثَرَابٍ غَيْبُ اللَّهِ بْنُ [مُوسَى] الرُّوْيَانِيُّ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الرِّضَا ع يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ حَدَّثَنِي بِحَدِيثٍ عَنْ آبَائِكَ ع فَقَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ آبَائِهِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: مَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ جَادَ بِالْعَطِيَّةِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): هر کس به جایگزین شدن یقین داشته باشد، به بخشیدن سخاوتمند می‌شود.

الأمالي (صدوق)، ص ۴۴۷ / عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۵۴

تحف العقول، ص ۱۱۱ و ۲۲۱ و ۴۰۳ / نهج البلاغة (حکمت ۱۳۸)، ص ۴۹۴

وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۸۸ / بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۱۳۲ و ۱۱۵ / مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۵۸ و ج ۱۵، ص ۲۶۱

صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع قَالَ: ... اسْتَنْزَلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ. مَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ جَادَ بِالْعَطِيَّةِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُنْزِلُ الْمَعُونَةَ عَلَى قَدْرِ الْمَثُونَةِ حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ.

امام صادق (علیه السلام): روزی خود را با دادن صدقه فرود آورید. هر کس یقین به جایگزین داشته باشد بذل و بخشش میکند، خداوند وسائل زندگی را به اندازه خرج میفرستد، ثروت خود را با دادن زکاة حفظ کنید.

من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۶

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَا نَقَصَ مَالٌ مِنْ صَدَقَةٍ فَأَعْطُوا وَ لَا تَجَنَّبُوا.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ گاه مالی بر اثر صدقه دادن کم نشده است. پس عطا کنید و نترسید.

الجعفریات (الأشعثبات)، ص ۵۶ / النوادر (للراوندي)، ص ۳

مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۵۳ / بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۱۳۱

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَمْرِ بْنِ أَدْبِيَةَ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَوْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: يُنْزِلُ اللَّهُ الْمَعُونَةَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْعَبْدِ بِقَدْرِ الْمَثُونَةِ فَمَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ سَخَتْ نَفْسُهُ بِالتَّقَفَةِ.

امام صادق یا امام باقر (علیهما السلام): خداوند وسائل زندگی را از آسمان به اندازه مخارج زندگی به بندگان خود نازل می‌کند؛ پس هر کس به جایگزین شدن یقین داشته باشد، نفسش به بخشیدن سخاوتمند می‌گردد.

الكافي، ج ۴، ص ۴۴



وسائل الشیعة، ج ۲۶، ص ۵۴۸ / الوافی، ج ۱۰، ص ۴۸۷

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَيْمَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ: يَا حُسَيْنُ! أَنْفَقْ وَأَتَّقِنِ بِالْخَلْفِ مِنَ اللَّهِ فَإِنَّهُ لَمْ يَخْلُ عَبْدٌ وَلَا أُمَّةٌ بِنَفَقَةٍ فِيمَا يُرْضِي اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا أَنْفَقَ أَضْعَافَهَا فِيمَا يُسْخِطُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ.

حسین بن ایمن از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که فرمودند: ای حسین! انفاق کن و به جایگزین شدن از طرف خداوند یقین داشته باش؛ پس همانا هیچ بنده‌ای از بخشش در راه رضایت خدا بخل نمی‌ورزد مگر اینکه چندین برابر آن را در راه نارضایتی خداوند خرج خواهد کرد!

الکافی، ج ۴، ص ۴۳

وسائل الشیعة، ج ۲۶، ص ۵۴۸ / الوافی، ج ۱۰، ص ۴۸۸

مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الصَّدَقَةَ تَقْضِي الدَّيْنَ وَتَخْلِفُ بِالْبِرَّةِ.

امام صادق علیه السلام: صدقه دادن، بدهی را ادا می‌کند و برکت را جایگزین می‌نماید.

الکافی، ج ۴، ص ۹

عدة الداعي (ابن فهد حلی، ۸۴۱ ق)، ص ۶۹

وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۳۶۷ / بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۱۳۴

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ وَهْبَانَ عَنْ عَمِّهِ هَازُونَ بْنِ عَيْسَى قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لِمُحَمَّدِ ابْنِهِ: يَا بُنَيَّ! كَمْ فَضَّلَ مَعَكَ مِنْ تِلْكَ التَّفَقَّةِ؟ قَالَ: أَرْبَعُونَ دِينَارًا. قَالَ: أَخْرَجَ فَتَصَدَّقْ بِهَا. قَالَ: إِنَّهُ لَمْ يَتَّقْ مَعِيَ غَيْرَهَا. قَالَ: تَصَدَّقْ بِهَا؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُخْلِفُهَا أَوْ مَا عَلِمْتَ أَنْ لِكُلِّ شَيْءٍ مِفْتَاحًا وَمِفْتَاحُ الرِّزْقِ الصَّدَقَةُ فَتَصَدَّقْ بِهَا. فَفَعَلَ فَمَا لَبِثَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَشْرَةَ أَيَّامٍ حَتَّى جَاءَهُ مِنْ مَوْضِعِ أَرْبَعَةِ آلَافِ دِينَارٍ! فَقَالَ: يَا بُنَيَّ! أَعْطَيْنَا لِلَّهِ أَرْبَعِينَ دِينَارًا فَأَعْطَانَا اللَّهُ أَرْبَعَةَ آلَافِ دِينَارٍ.

امام صادق (ع) به فرزندش محمد فرمود: پسرکم! از آن خرجی چه مقدار باقی مانده است؟ عرضه داشت: چهل دینار. فرمود: برو و آن را صدقه بده! عرض کرد: جز آن چیزی باقی با من نمانده است، فرمود: همان را صدقه بده؛ زیرا خداوند تعالی آن را جایگزین می‌کند. آیا نمی‌دانی که هر چیزی کلیدی دارد و کلید روزی صدقه است پس صدقه‌اش را بده. و محمد گفت: پس آن را صدقه دادم بیش از ده روز نگذشته بود که چهار هزار دینار از جایی به آن حضرت رسید. پس فرمود: ای پسرکم! چهل دینار برای خدا دادیم، خداوند چهار هزار دینار به ما بخشید.

الکافی، ج ۴، ص ۹

عدة الداعي (ابن فهد حلی، ۸۴۱ ق)، ص ۶۹

وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۳۶۹ / بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۱۳۴ / الوافی، ج ۱۰، ص ۳۹۷

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُمَانَ بْنِ عَيْسَى عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ... لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ اكْتَسَبَ الْمَالَ مِنْ جِلِّهِ وَأَنْفَقَهُ فِي حَقِّهِ لَمْ يَنْفِقْ دَرَاهِمًا إِلَّا أَخْلَفَ اللَّهُ عَلَيْهِ.

امام صادق (علیه السلام): ... اگر فردی از شما مال حلال به دست آورد و به حق انفاق کند، دره‌می انفاق نکند مگر اینکه خداوند عوض آن را بدهد.

الکافی، ج ۲، ص ۴۸۶



نمی‌شود آدم از یک طرف بگوید: «من یقین دارم که خداوند متعال روزی رسان است» ولی [از ظرف دیگر] روزی موجود خود را بذل نکند. حالا مراد، مطلق بذل است و فرقی نمی‌کند بین بذل برای زن و بچه، یا برای مهمان، یا برای فقیر.

یعنی: وقتی شما یک دارایی داری؛ اگر آن را بذل می‌کنی، این نشان می‌دهد که تو یک یقین زیبا داری. ولی اگر بگویی: «(من یقین دارم)؛ ولی اهل بذل موجودی و دارایی خودت نیستی، این یک نوع زشتی محسوب می‌شود.

۱۱/۱/۰۴. اکتفاء به قلیل (زینت) برای قناعت (خیر)؛ یازدهمین شیئی زینت از نظر انبیاء «التَّقَلُّ زِينَةُ الْقَنَاعَةِ»

یازدهمین زینت: «التَّقَلُّ زِينَةُ الْقَنَاعَةِ»^{۱۰۷} که حالا من این را توضیح نمی‌دهم.

مکارم الأخلاق، ص ۲۷۶ / عدة الداعي، ص ۲۱ / المصباح للكفعمي، ص ۷۷۰
الوافي، ج ۹، ص ۱۵۰۷ / وسائل الشيعة، ج ۷، ص ۸۲ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۲، ص ۲۳۸

وَ قَالَ الصَّادِقُ ع: حَسَبَ الْبُخَيْلِ مَنْ بُخِلَهُ سُوءُ الظَّنِّ بِرَبِّهِ؛ مَنْ آتَقَنَ بِالْخَلْفِ جَادًا بِالْعَطِيَّةِ.

امام صادق (علیه السلام): بخیل را همین بس که به خدای خود، بدگمان است. کسی که به عوض دادن [خدا] یقین داشته باشد، به بذل و بخشش سخی می‌شود.

الإختصاص (مفید)، ص ۲۳۴
بحار الأنوار، ج ۷، ص ۳۰۷ / مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۸.

۱۰۷. ارجاع پژوهشی: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: ... وَ التَّقَلُّ زِينَةُ الْقَنَاعَةِ ...

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ... کم خواهی، زینت قناعت است ...

جامع الأخبار (لشعبیری)، ص ۱۲۳ / كشف الغمة في معرفة الأئمة (اربلی، ۶۹۲ ق)، ج ۲، ص ۳۴۷
بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۸۰ / ج ۷۴، ص ۱۳۱

* برخی از روایات در تبیین بیشتر معنای "تقل":

امیرالمومنین ع: الْمَنِيَّةُ وَ لَا الدِّيَّةُ، وَ التَّقَلُّ وَ لَا التَّوَسُّلُ.

امیرالمومنین (علیه السلام): مُردن نه پستی و خواری [مرگ با عزت، بهتر از زندگی با ذلت است]. و اکتفاء به قلیل، نه دست توسل به دیگران.

نهج البلاغة (حکمت ۳۹۶)، ص ۵۴۶ / مجموعة ورام، ج ۲، ص ۲۹۷
الوافي، ج ۲۶، ص ۳۰ / بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۸۴

امیرالمومنین ع: التَّقَلُّ وَ لَا التَّدَلُّ.

امیرالمومنین (علیه السلام): اکتفاء به قلیل، نه خوار شدن! (یعنی کم شدن مال و اسباب و مانند آنها خوشتر است از خوار شدن، پس در جایی که دفع خواری بدادن آنها توان کرد باید داد. (ترجمه و شرح اقا جمال خوانساری))

غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۱



۴/۱/۱۲. ترک مَنّت (زینت) برای انجام کار نیک (خیر)؛ دوازدهمین شیئی زینت از نظر انبیاء «تَرْكُ الْمَنِّ زِينَةُ الْمَعْرُوفِ»

دوازدهمین زینت: «(وَ تَرْكُ الْمَنِّ زِينَةُ الْمَعْرُوفِ)»^{۱۰۸} توضیح این روایت، نیاز به مفاهیمی دارد [که شرح آنها در این جلسه مقدر و نیست. لذا فعلاً] اصل این نکته را در نظر داشته باشید: می‌فرماید: شما اهل بخشش هستی؛ ولی چرا مَنّت می‌گذاری؟! [منت گذاشتن،] بخشش شما را زشت می‌کند.

زیبایی بخشش و زیبایی معروف و کار خوب انجام دادن، "ترک مَنّت" است. لذا در روایت می‌فرمایند: «اگر به یک فقیری کمک کردی؛ اگر با دست راست‌تان کمک کرده‌اید، دست چپ‌تان متوجه نشود!»^{۱۰۹} اینکه دوربین بردارید و جلوی دوربین یک بسته غذایی را به فقیری بدهید؛ این کار اعطاء و بخشش شما را زشت می‌کند. این‌ها هنر است.

وَ رَوَى حَمْرُزُ بْنُ عَمْرِو الْأَسْمَی: ... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِنَّ سَلِيمَانَ ع سَأَلَ اللَّهَ فَأُعْطِيَ، مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ وَ مُحَمَّدٌ ص عَرَضَتْ عَلَيْهِ مَفَاتِيحُ خَزَائِنِ كُنُوزِ الْأَرْضِ فَأَتَى اسْتِحْقَارًا لَهَا فَاخْتَارَ التَّقَلُّ وَ الْفُرْبَى وَ الْقُوْت فَآتَاهُ اللَّهُ الشَّفَاعَةَ وَ الْكُوْتَر وَ هِيَ أَعْظَمُ مِنْ مُلْكِ الدُّنْيَا مِنْ أَوْلَاهَا إِلَى آخِرِهَا سَبْعِينَ مَرَّةً
رسول خدا (صلی الله علیه و آله): همانا حضرت سلیمان از خداوند درخواست کرد، پس به او ملکی عطا شد که سزاوار هیچکس بعد از او نیست. و کلیدهای گنج‌های زمین بر محمد (صلی الله علیه و آله) عرضه شد؛ پس ایشان خودداری کرده و آن را حقیر شمردند؛ پس تقَلُّ (اکتفاء به قلیل) و نزدیکی [به خدا] را اختیار کردند...

بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۲۵۷

امیرالمومنین ع: إِذَا رَغِبْتَ فِي صَلَاحِ نَفْسِكَ فَعَلَيْكَ بِالْاِقْتِصَادِ وَ الْقُنُوعِ وَ التَّقَلُّ.

امیرالمومنین (علیه السلام): اگر خواستار تهذیب نفس خویشی، بر تو باد به میانه‌روی و قناعت و کمتر خواستن.

غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۹۵

۱۰۸. ارجاع پژوهشی: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: ... وَ تَرْكُ الْمَنِّ زِينَةُ الْمَعْرُوفِ ...

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ... ترک مَنّت زینت نیک است ...

جامع الأخبار (للشعیری)، ص ۱۲۳ / بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۳۱

کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة (اربلی، ۶۹۲ ق)، ج ۲، ص ۳۴۷ / بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۸۰

۱۰۹. ارجاع پژوهشی: الإمام الصادق علیه السلام: لَا تَتَصَدَّقْ عَلَى أَعْيُنِ النَّاسِ لِئُرْكَوْكَ؛ فَإِنَّكَ إِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ فَقَدْ اسْتَوْقَيْتَ أَجْرَكَ، وَلَكِنْ إِذَا أَعْطَيْتَ بِيَمِينِكَ فَلَا تُطْلِعْ عَلَيْهَا شِمَالَكَ؛ فَإِنَّ الَّذِي تَتَصَدَّقُ لَهُ سِرًّا يَجْزِيكَ عَلَانِيَةً.

امام صادق علیه السلام: جلو چشم مردم صدقه نده تا تو را ستایش کنند؛ زیرا اگر چنین کنی هر آینه پاداش خود را گرفته‌ای؛ بلکه اگر با دست راست صدقه دادی دست چپت خیردار نشود؛ زیرا آن کسی که به خاطر او پنهانی صدقه می‌دهی، پاداش تو را آشکارا خواهد داد.

**۴/۱/۱۳. خشوع (زینت) برای نماز (خیر)؛ سیزدهمین شیئی زینت از نظر انبیاء «الْخُشُوعُ زِينَةُ الصَّلَاةِ»**

سیزدهمین زینت: «وَالْخُشُوعُ زِينَةُ الصَّلَاةِ»؛^{۱۱۰} اینکه کسی نماز بخواند و در برابر خداوند متعال خشوع کند، ولی متکبر باشد؛ اینها با هم نمی‌سازد. معلوم می‌شود اصلاً نماز او نماز نیست! [لذا حضرت] می‌فرماید: «(زینت نماز، خشوع است)»؛ چه در هنگام نماز، چه بعد از نماز، آدم باید خشوعش زیادتر بشود. کسی که نماز می‌خواند، در مقابل خانواده خاشع‌تر است، در مقابل حق خاشع‌تر است، در مقابل خداوند متعال خاشع‌تر است.

۴/۱/۱۴. ترک کارهای بیهوده (زینت) برای پرهیزگاری (خیر)؛ چهاردهمین شیئی زینت از نظر انبیاء «تَرَكَ مَا لَا يَغْنِي زِينَةُ الْوَرَعِ»

«وَتَرَكَ مَا لَا يَغْنِي زِينَةُ الْوَرَعِ»؛^{۱۱۱} این قسمت از روایت را هم بخاطر مقدماتی که لازم دارد، شرح نمی‌دهم.

تحف العقول، ص ۳۰۵

الوافي، ج ۲۶، ص ۲۷۶ / بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۸۴ / مکاتیب الأئمة عليهم السلام، ج ۴، ص ۲۱۱

۱۱۰. **ارجاع پژوهشی:** قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: ... وَالْخُشُوعُ زِينَةُ الصَّلَاةِ ...

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ... و خشوع، زینت نماز است ...

جامع الأخبار (للسعیری)، ص ۱۲۳ / كشف الغمة في معرفة الأئمة (اربلی، ۶۹۲ ق)، ج ۲، ص ۳۴۷
کنز الفوائد (کراچی، ۴۴۹ ق)، ج ۱، ص ۲۹۹ / أعلام الدين في صفات المؤمنين (دبلمی، ۸۴۱ ق)، ص ۳۲۱
بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۹۱ و ۸۰ و ج ۷۴، ص ۱۳۱

۱۱۱. **ارجاع پژوهشی:** قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: ... وَتَرَكَ مَا لَا يَغْنِي زِينَةُ الْوَرَعِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ... و ترک کارهای بیهوده، زینت پرهیزکاری است.

همان

قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ بْنِ سَالِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَزِيدَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ رَزْقٍ عَنْ أَبِي زَيْدٍ الْقُفَيْمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ الْكَلَامِ فِيمَا لَا يَغْنِيهِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از نشانه‌های نیکویی اسلام آدمی، فرو گذاشتن سخن در بیهوده‌ها است.

الأمالي (للمفيد)، ص ۳۳

بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۳۶ / مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۴

**۴/۲. خلاصه پرسش سوم:**

من در سوال سوم چه مطالبی را ذکر کردم؟ سوال سوم این بود که: زینت‌های تثبیت‌کننده خیر کدام‌اند؟ چون ما عرض کردیم که "هنر" (به دلائل سه‌گانه‌ای که ذکر کردیم) به دنبال "تثبیت خیر" است، و ما باید به وسیله "هنر"، "خیر" را تثبیت کنیم. حضرت آمدند و به من و شما ۱۴ زینت را بیان فرمودند.

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ النَّخَعِيِّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ يُونُسَ بْنِ طَبِيَّانَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع أَنَّهُ قَالَ: ... أَعْظَمُ النَّاسِ قَدْرًا مَنْ تَرَكَ مَا لَا يَعْنيهِ ...

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پُراج‌ترین مردم، کسی است که آنچه را بیهوده است، فرو گذارد.

الأمالی (للسدوق)، ص ۲۱ / من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۵ / معانی الأخبار، ص ۱۹۶
سند معانی: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيْرَةَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ رُوِيَتْهُ الْوَاعِظِينَ، ج ۲، ص ۴۳۲ / مشکاة الأنوار، ص ۸۶ و ۲۴۳ / الأربعون حديثاً (شهيد اول)، ص ۵۶ / أعلام الدين، ص ۳۲۲ / الوافي، ج ۲۶، ص ۱۵۹ / بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۲۷۶ / مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۷۵ / نهج الفصاحة، ص ۲۲۲

رسول الله صلی الله علیه و آله: لا تهيجوا وهج النار على وجوهكم بالخوض فيما لا يعنينكم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با فرو رفتن در کارهای بیهوده، زیانه آتش را بر صورت‌های خود، شعله‌ور نکنید.

مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۱۶

رسول الله (صلی الله علیه و آله) في الدعاء: اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِتَرْكِ الْمَعَاصِي أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، و ارْحَمْنِي مِنْ أَنْ أَتَكَلَّفَ مَا لَا يَعْنيُنِي.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در دعا: بار خدایا! به من رحم کن که تا زنده هستم، گناهان را فرو گذارم و به من رحم کن تا در راه آنچه بیهوده است، به زحمت نیفتم.

مصباح المتعبد و سلاح المتعبد (شیخ طوسی)، ج ۱، ص ۲۶۴
جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع (ابن طاووس)، ص ۱۸۹
العدد القویة لدفع المخاوف اليومية (ابن مطهر حلی، ۷۰۳ ق)، ص ۳۷۷

كِتَابُ الْإِمَامَةِ وَ التَّبَصُّرَةِ، عَنْ سَهْلِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْأَشْعَثِ عَنْ مُوسَى بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: زَاحَةُ النَّفْسِ تَرْكُ مَا لَا يَعْنيُنِيهَا وَ أَوْحَشُ الْوَحْشَةِ قَرِيْبُ السَّوْءِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): آسایش جان، در رها کردن بیهوده‌هاست.

بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۶۷



برادران و خواهران گرامی! حالا من به شکلی که [در سرفصل چهارم ذکر خواهم کرد]، به شما عرض می‌کنم: نشر هنر در نگاه اهل بیت (علیهم‌السلام)، نیاز به دستگاه هنری ندارد؛ [بلکه] فرد به فرد می‌توانیم این کار را انجام بدهیم و شروع به تثبیت این مفاهیم کنیم.

هر کدام از این مفاهیم ۱۴ گانه یک مشکلی را حل می‌کنند؛ [مثلاً:] اگر مردم عقیف شدند، خیر ابتلاء را می‌برند. اگر مردم متواضع شدند، خیر خانواده‌دار بودن و اصل و نسب‌دار بودن خودشان را می‌برند. اگر مردم فصیح شدند، خیر کلام و سخن را می‌برند. اگر مردم عادل شدند، ایمان در جامعه محبوب می‌شود. اگر مردم آرام شدند، عبادتشان زیباتر به نظر می‌رسد. و همین‌طور بقیه مسائل. همه این موارد، خیرها را تثبیت می‌کنند.

جمع‌بندی پرسش دوم و سوم:

بنابراین جمع‌بندی سوال دوم و سوم این می‌شود که: ما به دو شکل، خیر را تثبیت می‌کنیم: (۱) اصول فرمی سه‌گانه‌ای که اهل بیت (علیهم‌السلام) فرمودند؛ که عبارت بود از: «ادب در بیان»، «اصل قل و دل»، و «روایت بعد از تأمل». (۲) با تاکید بر زینتِ حالات مختلف؛ [یعنی:] باید زینت اختصاصی هر حالت را هم بشناسیم و آن‌ها را روایت کنیم. البته بحث از زینت‌های شیئی پایه، بیش از این ۱۴ مورد است. عرض کردم حدود صد تا است! ^{۱۱۲} که ان‌شاء الله اگر عمری داشتم و خداوند متعال توفیق داد، این‌ها را بعداً بحث خواهم کرد.

پس الان تکلیف روایت هنری ما معلوم شد: [در سرفصل اول] فهمیدیم که غرض از روایت هنری، تثبیت خیر است. [در سرفصل سوم] به اشیاء تثبیت‌کننده خیرها، علم پیدا کردیم. و [در سرفصل دوم اصول فرمی و] چارچوب‌های سه‌گانه روایت خیر و اشیاء تثبیت‌کننده آن را بدست آوردیم.

۱۱۲. جهت مطالعه «برخی از مصادیق زینت در آیات و روایات»: به پیوست شماره ۳ مراجعه فرمایید.



۵. پرسش چهارم: ساختار و روش های تثبیت زینت در افراد و جامعه کدام است؟ (تصمیم)

خب؛ حالا اگر هنر این است؛ آیا ساختار ارائه اش، همین ساختارهای ارائه ی موجود است؟ آیا مثلاً حتماً باید "گرافیسیت" بشویم تا بتوانیم این ها را روایت کنیم؟^{۱۱۳} آیا باید "فیلمنامه" بنویسیم؟ آیا باید "مجسمه" بسازیم؟ همینطور بقیه سبک های هنری موجود...^{۱۱۴}

فی الجمله به شما بگویم که می توان با روش های ساده تر دیگری هم این روایت هنری را ایجاد کرد؛ که من سه روش ساده را در اینجا مطرح می کنم:

۵/۱. روایت داستان و احسن القصص به شکل روایت غیر متمرکز؛ اولین روش تثبیت زینت در افراد و جامعه

اولین روش: روایت و داستان و احسن القصص به شکل روایت غیر متمرکز (نه متمرکز). چون وقتی شما یک فیلمی مثل «حضرت یوسف (ع)»^{۱۱۵} یا «قیام مختار»^{۱۱۶} می سازید و می گوئید یک اثر هنری درجه یک و فاخر است؛ ما می گوئیم اگر شما همین داستان مختار یا داستان حضرت یوسف (ع) را به صورت غیر متمرکز شروع کنید روایت کنید، ماندگاری اش بالاتر می رود. چون وقتی شما شروع می کنید یک روایت متمرکز برای همه جهان اسلام انجام می دهید، مثلاً شخصیت «مختار» غیر متمرکز

۱۱۳. انتقال از متن: مثلاً در عصر ما کاریکاتور خیلی رشد پیدا کرده است و آن را یک سبک هنری می دانند.

۱۱۴. انتقال از متن: من در این جلسه به نقد سبک های هنری نمی پردازم؛ اینکه چه اشکالاتی به سبک های هنری موجود وارد است؟ مثلاً چه اشکالی به آواز و موسیقی وارد است؟ چه اشکالاتی به سینما، تئاتر، هنرهای تجسمی و ... وارد است؟ من اینها را بحث نمی کنم و به بنده اجازه بدهید که در جلسات دیگری به آنها بپردازم. ولی ...

۱۱۵. ارجاع پرروشی: «یوسف پیامبر» نام یک مجموعه تلویزیونی پیرامون زندگی حضرت یوسف به کارگردانی فرج الله سلحشور است.

منبع: شبکه قرآن سیما

<https://qurantv.ir/content/۴۹۵۲۱>

۱۱۶. مختارنامه، یک مجموعه ی تلویزیونی ایرانی به کارگردانی داوود میرباقری است که داستان آن پیرامون زندگی مختار ثقفی و چگونگی قیام او که پس از حادثه ی عاشورا به خون خواهی حسین بن علی برمی خیزد پرداخته است.



یک کاراکتر (همان کاراکتری که آقای میرباقری نوشتند) پیدا خواهد کرد. مثلاً مدل مو و مدل حرکت‌ها و سوارشدن بر اسب و... همان‌طوری خواهد شد که آقای میرباقری نوشته‌است. یا مثلاً کاراکتر حضرت یوسف (ع) و زلیخا همان‌طوری خواهد شد که مرحوم فرج‌الله سلحشور نوشته‌است. یعنی کاراکتر را یک نفر می‌سازد. یعنی [در مدل روایت متمرکز،] ما درک یک نفر را تعمیم می‌دهیم. اما اگر داستان و روایت را غیرمتمرکز کردیم، به همه کمک می‌کنیم که در ساخت کاراکتر شخصیت‌ها سهیم شوند. یعنی خیال بیشتری به کار گرفته می‌شود؛ یک دفعه می‌بینیم ده مدل درک از مختار در ذهن‌ها به وجود می‌آید و هر درکی هم تابع راوی‌اش است؛ مثلاً راوی اول، مادر بزرگ شما بوده است که دارای یک نوع دقتی بوده است. ولی مثلاً مادر بزرگ من یک نوع دقت بیشتری داشته است.

من خیلی بر روی «داستان خوانی غیرمتمرکز» تاکید دارم! به دلیل تنوع کاراکتری که در ذهن‌ها ایجاد می‌کند. شخصیت‌سازی واحد یک آفت است. شخصیت‌سازی متنوع یک مزیت است. خود تکرر در روایت (خصوصاً در روایت خیرها) یک مزیت است. این خیلی مسئله مهمی است! پس من الگوی روایت قصه و داستان را قبول دارم؛ منتها به شرط اینکه عیب آن گرفته شود. [یکی دیگر از فوائد روایت غیرمتمرکز این است که:] مثلاً فرض کنید مادر بزرگ شما که خیلی شما را دوست دارد و شما هم خیلی او را دوست دارید برای شما روایت می‌کند و این محبت به آن روایت ضمیمه می‌شود. در حالی که روایت آقای میرباقری دیگر محبتی ضمیمه‌اش نیست.

۵/۲. رؤیت و تجربه (مانند: بازدید از اماکن تاریخی)؛ دومین روش تثبیت زینت در

افراد و جامعه

روش دوم: رؤیت و تجربه است. این خودش یک نوع روایت است. لذا قرآن می‌فرماید: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»^{۱۱۷} می‌فرماید: خودت برو ببین. می‌خواهی روایت

۱۱۷. ارجاع پژوهشی: الأنعام: ۱۱ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ

بگو: در زمین بگردید، سپس با تأمل بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است؟



پیدا کنی؟ خودت برو ببین. مثلاً می‌خواهی بدانی زیارت امام حسین (علیه‌السلام) چیست؟ خودت برو ببین و خودت تجربه کن. تجربه کردن و رؤیت کردن (نه از زبان دیگران شنیدن) هم یک نوع روایت است. پس به این نکته هم توجه کنید. این هم مسئله مهمی است.

من در روایات دیدم امام (علیه‌السلام) می‌فرماید: ^{۱۱۸} از خرابه سوال کنید و بگویید: «أَيْنَ بَانُوكِ؟! أَيْنَ سَاكِنُوكِ?!» ^{۱۱۹} پرسید: بانیان تو کجا رفتند؟! آنهایی که در تو ساکن بودند، کجا رفتند؟! در روایت

آل عمران: ۱۳۷ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ
قطعاً پیش از شما روش‌هایی [در میان ملل و جوامع] بوده که از میان رفته است، پس در زمین گردش کنید و با دقت و تأمل بنگرید که سرانجام تکذیب کنندگان [حقایق] چگونه بود.

النحل: ۳۶ وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ ادْعُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ
و همانا در هر امتی پیامبری فرستادیم که [اعلام کند که] خدا را پرستید و از [پرستش] طاغوت پرهیزید. پس خدا گروهی از آنان را [که لیاقت نشان دادند] هدایت کرد و گروهی [دیگر را به سبب تکبر و عنادشان] گمراهی بر آنان مقرر شد. پس در زمین بگردید و با تأمل بنگرید که سرانجام تکذیب کنندگان چگونه بود.

جهت مشاهده آیات بیشتر قرآن کریم در باب «تأکید بر رؤیت و تجربه (بازدید از اماکن تاریخی)»: به پیوست شماره ۴ مراجعه فرمایید.

۱۱۸. انتقال از متن: با فرزندتان یا با خانم‌تان سوار ماشین بشوید و به یک خرابه و جایی که خراب شده است بروید مثل تخت جمشید (حالا تخت جمشید که پر از تحریف است! یا یک جایی که در قدیم بوده است. بعد وقتی رسیدید آنجا از ماشین پیاده بشوید ... و

۱۱۹. **ارجاع پژوهشی:** عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي بَانَ عَنِ الْحَسَنِ الصَّبَّاحِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَمَّا يَزُورِي النَّاسُ أَنْ تَفَكَّرَ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ لَيْلَةٍ فَلْتُ كَيْفَ يَتَفَكَّرُ قَالَ يَمُزُّ بِالْخَرَبَةِ أَوْ بِالْأَدَارِ فَيَقُولُ: أَيْنَ سَاكِنُوكِ؟! أَيْنَ بَانُوكِ؟! مَا بَالُكَ لَا تَتَكَلَّمِينَ؟!
حسن صیقل که گفت به حضرت صادق (علیه‌السلام) عرض کردم: نقل می‌کنند یک لحظه تفکر بهتر از ایستادن یک شب در عبادت است. حضرت فرمود: آری؛ عرض کردم: چگونه فکر کند؟ فرمود: مثلاً به ویرانه‌ای که عبور می‌کند. بگوید: ساکنان و بانیان تو کجا هستند؟ چه شده؟ چرا جواب نمی‌دهی و سخن نمی‌گویی؟!
الکافی، ج ۲، ص ۵۴ / المحاسن، ج ۱، ص ۲۶ (عَنْ بَنَانِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنِ الْحَسَنِ الْكَرْخِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي بَانَ عَنِ الْحَسَنِ الصَّبَّاحِيِّ)
الزهد (حسین بن سعید اهوازی، قرن ۳)، ص ۱۵ / مجموعة ورام، ج ۲، ص ۱۸۳ / مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۳۷
بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۲۰ و ۳۲۴ / وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۹۶ / الوافی، ج ۴، ص ۳۸۵



نقل شده است که: [برای این عمل] ثواب هفتاد سال عبادت را برای شما می‌نویسند! ^{۱۲۰} چرا؟ چون خیلی تأثیر دارد. این که آدم برود خودش رؤیت کند و بعضی از مفاهیم را زنده کند. «أَيُّنَ بَانُوكِ؟! أَيُّنَ سَاكِنُوكِ?!» دست بچه‌هایتان را بگیرید ببرید و میراث فرهنگی را نشانشان بدهید؛ حضرت می‌فرماید: این از آن نوع تفکراتی است که [معادل] هفتاد سال عبادت است! تصریح می‌کنند. پس رؤیت و تجربه هم مهم است. بله؛ من می‌خواهم کار هنری کنم. چرا شما کارهای هنری را [منحصر در یک کارهای خاص می‌دانید؟! یکی از] کارهای هنری، سفر میراث فرهنگی و داستان غیرمتمرکز است.

۵/۳. احیاء و تقویت قوای دریافتی شنونده و بیننده اثر هنری؛ سومین روش تثبیت زینت در افراد و جامعه

سومین مسئله مهمی که به مسئله روایت هنری کمک می‌کند، "تقویت قوای دریافتی انسان‌ها" است.

۱۲۰. **ارجاع پژوهشی:** وَ أَرْوِي: فَكُرُّ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ فَسَأَلْتُ الْعَالِمَ عَ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ تَمُرُّ بِالْحَرْبَةِ وَ بِالذَّيَارِ الْفَقَارِ فَتَقُولُ: أَيُّنَ بَانِيكِ؟! أَيُّنَ سَاكِنُوكِ؟! مَا لِكَ لَا تَكَلِّمِينَ وَ لَيْسَ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ الْعِبَادَةُ التَّفَكُّرُ فِي أَمْرِ اللَّهِ جَلَّ وَ عَلَا. تفکر یک لحظه بهتر از یکسال عبادت است. از امام رضا (علیه السلام) در این باره سوال کردم. حضرت فرمود: به ویرانه‌ای که عبور می‌کند بگوید: ساکنان و بانیان تو کجا هستند؟ چه شده؟ چرا جواب نمی‌دهی و سخن نمی‌گویی؟! و عبادت، کثرت نماز و روزه نیست؛ بلکه عبادت تفکر در امر خداوند بزرگ است.

الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۸۰
بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۲۵ / مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۸۴

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: فِكْرَةُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ .

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): ساعتی اندیشه کردن، بهتر از يك سال عبادت است.

مصباح الشریعة، ص ۱۱۴
بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۲۶

عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أَوْلُوا الْأَلْبَابِ

امام صادق (علیه السلام): يك ساعت اندیشیدن بهتر از سالی عبادت است. «جز این نیست که خردمندان پند می‌گیرند».

تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۰۸
بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۲۷ / مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۸۳



من در فرمالیسم (Formalism)، در سمبولیسم (Symbolism)، در ساختارگراها و در مکاتب هنری دیگر ندیده‌ام که به بر لزوم ارتقاء قوه دریافت شنونده روایت تأکید داشته باشند. شما بهترین روایت را هم که داشته باشید (مثلاً ما دیگر بهتر از روایت قرآن که نداریم؛ چون می‌فرماید: قرآن «أَحْسَنَ الْقَصَصِ» است^{۱۲۱}) [ولی با این حال] چرا برخی‌ها را [بهترین] روایت هنری [که قرآن است] هم متنه و متوجه نمی‌کند؟!^{۱۲۲}

۵/۳/۱. تغذیه مبتنی بر طیبات؛ یکی از هشت راهکار احیاء و تقویت قوای دریافتی انسان

شارع ما را راهنمایی می‌کند که یکی از دلائل [عدم تاثیرگذاری آثار هنری بر افراد] این است که: قوای دریافتی طرف مقابلتان دچار اختلال شده است؛ بنابراین سعی کنید در کارهای هنری روی احیاء قوای دریافتی طرف مقابلتان توجه کنید که من در جلسات دیگری شرح داده‌ام: هشت کار قوای دریافتی انسان‌ها را احیاء می‌کند؛^{۱۲۳} یکی از آنها: «تغذیه مبتنی بر طیبات» است. و [همچنین] بعضی از امور دیگر که در این جلسه توضیح نمی‌دهم.^{۱۲۴}

۱۲۱. **ارجاع پژوهشی:** نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ.

ما زیباترین قصه‌ها را به وسیله این قرآن که به تو وحی کردیم، بر تو حکایت می‌کنیم، و تو قطعاً پیش از آن از بی‌خبران بودی.

سوره مبارکه یوسف، آیه ۳

۱۲۲. **ارجاع پژوهشی:** وَ نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا

و ما آنچه را برای مؤمنان، مایه درمان و رحمت است، از قرآن نازل می‌کنیم؛ ولی ستمگران را جز زیان نمی‌افزاید.

سوره مبارکه اسراء، آیه ۸۲

۱۲۳. **ارجاع پرورشی:** در "الگوی فقهی تفصیل" عوامل موثر بر ارتقای قوه دریافت طلبه را بحث کرده ایم. بدون احیاء و تقویت قوه دریافت در انسان، بهترین ارائه‌ها و گفتگوها به نتیجه دلخواه نمی‌رسد. به عنوان مثال الگوی تغذیه طلبه در فهم بهتر مطالب تاثیر شگرفی می‌گذارد. الگوی تفصیل ۸ عامل موثر بر دریافت علم را تبیین می‌کند.

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین اجمالی نظریه مدرسه هدایت - شنبه ۱۰ آبان ۱۳۹۹ - قم

منبع: کانال الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou2703/4>

بی توجهی به الگوی تفصیل، سطح فهم انسان را کاهشی و بالتبع تصمیمات او را ناقص می‌کند. شارع محترم میان مسائلی مانند: الگوی تغذیه و فهم، الگوی خواب و فهم، الگوی معاشرت و فهم و... ارتباطی را گزارش داده است!

حجت الاسلام علی کشوری (مدیر مدرسه فقهی هدایت) - تبیین الگوی مدیریت اسلامی - دوشنبه ۲ بهمن ۱۴۰۲ - قم

منبع: کانال الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou6110/4>



عمومی شدن تجارت، بخشی از الگوی تفصیل یک جامعه و مهمترین پیشنهاد فقه المکاسب برای فقر زدائی است.

کارگروه پژوهش مدرسه فقهی هدایت - سه شنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۹۹ - قم مبارک

منبع: کانال الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou۲۳۲۵/۴>

در الگوی تفصیل اساساً ظرف تولد درک دینی را قلب انسان تصور کرده ایم و شرایط ایجاد درک در قلب را در قالب الگوی تفصیل متذکر می شویم. پرسش اصلی الگوی تفصیل این است که: ظرف تولد یک مطلب در قلب انسان است یا ظرف تولد یک مطلب در ذهن انسان است؟! اگر ظرف تولد مطالب را در قلب انسان دانستیم؛ حتماً شرایط تولد در قلب با شرایط انتقال یک مطلب به ذهن متفاوت خواهد بود.

ظرف هدایت را قلب انسان می دانیم («... وَ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ - تغابن ۱۱») و به صورت طبیعی شرایط تولد درک در قلب را استظهاری و فقهی مباحثه می کنیم. الگوی تفصیل در فقه هدایت متکفل تبیین شرایط و مفاهیم و اصول تولد درک در قلب است.

علت نام گذاری این مطالب به الگوی تفصیل، به استعمال و معنای کلمه تفصیل در قرآن بازگشت دارد.

حجت الاسلام علی کشوری - نشست فوق العاده الگوی پیشرفت اسلامی - بامداد ۲۳ رمضان المبارک ۱۴۴۰ - قم مبارک

منبع: کانال الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou۱۵۲۸/۴>

جهت مطالعه بیشتر به گزارش مکتوب مدرسه فقهی هدایت با عنوان «الگوی تفصیل (نظام‌سازی اختیاری)» مراجعه فرمایید:

<https://eitaa.com/olgou۱۸۲۵/۴>

۱۲۴. جهت مشاهده روایاتی در مورد «برخی از راهکارهای تقویت قوای دریافتی انسان»؛ به پیوست شماره ۵ مراجعه فرمایید.



جمع‌بندی مطالب

عرائض من تمام شد؛ چهار مسئله را در این جلسه محضران مطرح کردم:

مسئله و سوال اول این بود که: آیا برای هنر، سیاق و مفهوم پیش‌فرضی متصور است یا نه؟ آیا عبارت «هنر برای هنر» یا «هنر و اصول فرمی بدون توجه به اصول محتوایی» معتبر است؟ که جوابش را عرض کردم.

در سوال دوم تفاوت‌های «اصول فرمی و شکلی» روایت از نظر انبیاء با «اصول فرمی و شکلی فرمالیست‌ها» را اجمالاً مقایسه کردم.

در سوال سوم چهارده مورد از اشیاء تثبیت‌کننده خیر را معرفی کردم و گفتم هنرمند باید این اشیاء تثبیت‌کننده حالات خیر را برجسته کند.

و در سوال چهارم هم مقداری در شکل‌های هنری امروز مناقشه کردم و عرض کردم شکل‌های هنری امروز دارای معایی هستند خصوصاً اینکه هیچ کدام به احیاء قوای دریافتی مخاطب به نحو کامل توجه نکردند. ^{۱۲۵} والحمدلله رب العالمین.

۱۲۵. ارجاع پرورشی: فهرست مباحث جدول فقهی زینت (در مقایسه با مکتب فرمالیسم)

پرسش اول: نظام اصطلاحات مرتبط با موضوع هنر در بیان شارع کدام است؟ (خلاصه جواب: اصطلاحات زینت، جمال، حلیه، عروس و...)

پرسش دوم: سیاق هنر شامل چه مفاهیمی می‌شود؟ (خلاصه جواب: برجسته‌سازی مفهوم خیر سیاق هنر است + فواید سه‌گانه برجسته‌سازی مفهوم خیر)

پرسش سوم: اصول شکلی برجسته‌سازی خیر در قلوب کدام است؟ (طبق نظر شارع) و تفاوت آن با اصول فرمالیسم چیست؟ (خلاصه جواب: ادب در انتقال، قَل و دَل در انتقال و انتقال بعد از تأمل (تقدم تفصیل بر ساخت) سه اصل شکلی برجسته‌سازی خیر در قلوب است.)

پرسش چهارم: ماده برجسته‌سازی خیر چیست؟! (خلاصه جواب: تبیین ۱۴ ماده زینت بخش برای ۱۴ موقعیت پر تکرار در زندگی افراد)

پرسش پنجم: ساختار تلفیق اصول شکلی برجسته‌سازی خیر و زینت‌های مرتبط با خیر کدام است؟! + نقد ساختار هنرهای موجود (خلاصه جواب: ساختار احسن القصص، ساختار سیروا فی الارض + بیان مزایای روایت شخصی و غیر متمرکز در مقایسه با روایت متمرکز)



پی نوشت اول: هنر اسلامی (احیای زینت‌ها در موقعیت‌های پرتکرار) در چهار موضوع: ۱- هدف (سیاق)، ۲- اصول حاکم بر شکل انتقال پیام، ۳- ماده هنر و ۴- ساختارهای طراحی و ساخت اثر هنری، با مکاتب و الگوهای رایج هنری تفاوت دارد و مکاتب و آثار هنری موجود را نقد می‌کند.

پی نوشت دوم: نظریه فقهی زینت برای تفاهم با حوزه هنری سازمان تبلیغات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت سیما و مادران تنظیم شده است.

منبع: کانال الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان ایتا
<https://eitaa.com/olgou۵۵۸۷/۴>



پیوست‌ها:



پیوست شماره ۱: آیات و روایاتی در مورد «زینت» و اصطلاحات مشابه

۱. برخی از آیات و روایات متفرقه اصطلاح «زینت»

۱/۱. نام جهان به زبان یونانی: قوسموس (زینت و آراستگی)

عن الصادق ع: وَ اعْلَمْ يَا مَفْضَلُ أَنَّ اسْمَ هَذَا الْعَالَمِ بِلِسَانِ الْيُونَانِيَّةِ الْجَارِي الْمَعْرُوفِ عِنْدَهُمْ قوسموس وَ تَفْسِيرُهُ الزَّيْنَةُ وَ كَذَلِكَ سَمَّيْتُهُ الْفَلَاسِفَةُ وَ مَنْ ادَّعَى الْحِكْمَةَ أَفْكَانُوا يُسَمُّونَهُ بِهَذَا الْإِسْمِ إِلَّا لِمَا رَأَوْا فِيهِ مِنَ التَّقْدِيرِ وَ النَّظَامِ فَلَمْ يَرْضَوْا أَنْ يُسَمَّوهُ تَقْدِيرًا وَ نِظَامًا حَتَّى سَمَّوْهُ زَيْنَةً لِيُخْبِرُوا أَنَّهُ مَعَ مَا هُوَ عَلَيْهِ مِنَ الصَّوَابِ وَ الْإِتْقَانِ عَلَى غَايَةِ الْحُسْنِ وَ الْبِهَاءِ.

امام صادق (علیه السلام): ای مفضل! بدان که نام این جهان در نزد یونانیان «قوسموس» است. این کلمه به معنی «آراستگی» است. کسانی که دعوی فلسفه و حکمت دارند نامش را این گونه نهاده‌اند. آیا این نامگذاری جز برای آن است که در آن، حساب و کتاب دقیق و نظم و حکمت را دیدند و راضی به اینها نشدند و در نهایت جهان هستی را «آراستگی» و «زینت» نام نهادند تا بگویند که با تمام استواری و حکمتی که در آن نهفته در نهایت «حسن» و «بهاء» و زیبایی نیز هست.

توحید المفضل، ص ۱۷۶ / بحار الأنوار، ج ۳، ص ۱۴۶

۱/۲. زینت‌های دنیا (زن، فرزند، طلا و نقره، اسب ...)

زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْفَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَيْلِ الْمَسْوَمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ.

در چشم مردم زینت داده شده است عشق به امیال نفسانی: از دوست داشتن زنان و فرزندان و همیان‌های زر و سیم و اسبان داغ نهاده و چارپایان و زراعت. همه اینها متاع زندگی این جهانی است، در حالی که بازگشتنگاه خوب نزد خداست.

سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴

اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُوَ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيْجُ فَتَرَاهُ مِصْفَرًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ

بدانید که زندگی دنیا، در حقیقت، بازی و سرگرمی و زینت و فخرفروشی شما به یکدیگر و برتری جویی در اموال و فرزندان است؛ همانند بارانی است که زُستنی آن [باران]، کشاورزان را به



شگفتی می‌اندازد، سپس [آن کشت] خشک می‌شود و آن را زرد می‌بینی، آن گاه خاشاک می‌شود. و در آخرت، [دنیاپرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آمرزش و خشنودی است، و زندگانی دنیا، جز کالای فریبنده نیست.

سوره مبارکه حدید، آیه ۲۰

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُنْخَسُونَ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

کسی که زندگی دنیا و زینت آن را بخواهد، به ایشان تمام می‌دهیم، در برابر کردارشان در دنیا و ایشان در دنیا گم نشوند، آناند که در آخرت جز آتش برایشان نیست، و عمل آنها در دنیا نابود است و آنچه انجام می‌دادند بر باطل است.

سوره مبارکه هود، آیه ۱۹

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عِيسَى رَفَعَهُ قَالَ: إِنَّ مُوسَى ع نَاجَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَقَالَ لَهُ فِي مُنَاجَاةِهِ ... يَا مُوسَى انْظُرْ إِلَى الْأَرْضِ فَإِنَّهَا عَنْ قَرِيبٍ قَبْرُكَ وَارْفَعْ عَيْنَيْكَ إِلَى السَّمَاءِ فَإِنَّ فَوْقَكَ فِيهَا مَلِكًا عَظِيمًا وَابْنُكَ عَلَى نَفْسِكَ مَا كُنْتَ فِي الدُّنْيَا وَتَخَوَّفَ الْعَطَبَ وَ الْمَهَالِكَ وَ لَا تَعْرَتَكَ زِينَةُ الدُّنْيَا وَ زَهْرَتُهَا وَ لَا تَرْضَ بِالظُّلْمِ وَ لَا تَكُنْ ظَالِمًا فَإِنَّ لِلظَّالِمِ بِمَرَصَدٍ حَتَّى أُدِيلَ مِنْهُ الْمَظْلُومَ.

خداوند متعال: ... ای موسی! به زمین بنگر که در واقع به زودی گور تو باشد و دیدگانت را به آسمان برآور که به راستی بر فراز سر تو در آن ملکی بزرگ است و تا در دنیا هستی بر خویشتن زاری کن و از نابودی و مهلکه‌ها بترس و زینت و رونق دنیا نفریبت و به ستم رضایت مده و خود نیز ستمگر مباش زیرا من در کمین ستمکارم تا داد ستمدیده را از او بستانم.

الکافی، ج ۸، ص ۴۹

تحف العقول، ص ۴۹۶ / أعلام الدين في صفات المؤمنين، ص ۲۲۲

الوافي، ج ۲۶، ص ۱۲۷ / الجواهر السننية في الأحاديث القدسية (كليات حديث قدسي)، ص ۱۵۱

/ بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۳۳۷

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الثُّعْمَانَ أَبِي جَعْفَرٍ الْأَحْوَلِ عَنْ سَلَامِ بْنِ الْمُسْتَنِيرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: قَالَ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع لَمَّا انْقَضَتِ الْقِصَّةُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ طَلْحَةَ وَ الزُّبَيْرِ وَ عَائِشَةَ - بِالْبَصْرَةِ صَعِدَ الْمِنْبَرَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَتَى عَلَيْهِ وَ صَلَّى عَلَى



رَسُولِ اللَّهِ عِ تَمَّ قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوهٌ خَضِرَةٌ تَفْتِنُ النَّاسَ بِالشَّهَوَاتِ وَتُزَيِّنُ لَهُمْ
بِعَا جِلِّهَا وَ إِيْمُ اللَّهِ إِنَّهَا لَتَنُغَّرُ مَنْ أَمَلَهَا وَ تُخَلِّفُ مَنْ رَجَاهَا وَ سَتُورُثُ أَقْوَامًا التَّدَامَةَ وَ الْحَسْرَةَ بِإِقْبَالِهِمْ
عَلَيْهَا وَ تَنَافَسِهِمْ فِيهَا وَ حَسَدِهِمْ وَ بَغْيِهِمْ عَلَى أَهْلِ الدِّينِ وَ الْفُضْلِ فِيهَا ظُلْمًا وَ عُذْوَانًا وَ بَغْيًا وَ أَشْرًا وَ
بَطْرًا...

امام باقر علیه السلام: امیر مؤمنان علیه السلام، چون ماجرای میان او و طلحه و زبیر و عایشه در
بصره پایان یافت، بر منبر رفت و حمد و ثنای خداوند به جای آورد و بر پیامبر خدا درود فرستاد و
آنگاه فرمود: «ای مردم! دنیا شیرین و دل‌پذیر است، مردم را با خواست‌ها می‌فریبد و زرق و برق
گذرای خود را در نگاه آنان می‌آراید. سوگند به خدا که دنیا، هر که را آرزومند آن شود، می‌فریبد و
هر که را بدان امید بندد، نومید می‌سازد و به زودی، مردمانی را که به آن روی آورده‌اند و در آن به
رقابت برخاسته‌اند و بر سر آن بر یکدیگر حسادت می‌ورزند و بر اهل دین و فضیلت ستم و تعدی و
زورگویی و سرکشی و گستاخی می‌کنند، دچار پشیمانی و افسوس خواهد کرد.

الکافی، ج ۸، ص ۲۵۶

بحار الأنوار، ج ۳۲، ص ۲۳۴ / الوافی، ج ۲۶، ص ۶۵

۱/۳. فریبندگی زینت‌های دنیا!

و من خطبة له ع في ذم الدنيا: وَ أَحَدَّرَكُمُ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا مَنْزِلٌ قُلْعَةٌ وَ لَيْسَتْ بِدَارٍ نُجْعَةٌ قَدْ تَزَيَّنَتْ
بِغُرُورِهَا وَ غَرَّتْ بِزِينَتِهَا- [دَارٌ] دَارُهَا هَانَتْ عَلَى رَبِّهَا فَخَلَطَ حَلَالُهَا بِحَرَامِهَا وَ خَيْرُهَا بِشَرِّهَا وَ
حَيَاتِهَا بِمَوْتِهَا وَ حُلُوهَا بِمَرِّهَا لَمْ يُصِفِهَا اللَّهُ تَعَالَى لِأَوْلِيَائِهِ وَ لَمْ يَضِنَّ بِهَا [عَنْ] عَلَى أَعْدَائِهِ.
از خطبه‌های امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نکوهش دنیا: شما را از دنیا می‌ترسانم که منزل کوچ
است نه جای اقامت. به امور زیننده (فریبنده) خود را آراسته، و با زینتش به فریفتن
برخاسته. سرابی است که نزد پروردگارش بی‌مقدار است، حلالش را به حرام، و خیرش را به شرّ، و
حیاتش را به مرگ، و شیرینش را به تلخی در آمیخته. خداوند آن را برای دوستانش خالص و گوارا
نکرده، و از پرداخت آن به دشمنانش مضایقه نموده است.

نهج البلاغة، ص ۱۶۷ (خطبه ۱۱۳)

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۱

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عِيسَى رَفَعَهُ قَالَ: إِنَّ مُوسَى ع نَاجَاهُ اللَّهُ
تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَقَالَ لَهُ فِي مُنَاجَاتِهِ: يَا مُوسَى! لَا يَطُولُ فِي الدُّنْيَا أَمْلَكَ فَيَفْسُو لِدَلِكْ قَلْبِكَ وَ قَاسِي



الْقَلْبِ مَنِّي بَعِيد ... يَا مُوسَى انظُرْ إِلَى الْأَرْضِ فَإِنَّهَا عَنْ قَرِيبٍ قَبْرُكَ وَ اذْفَعْ عَيْنَيْكَ إِلَى السَّمَاءِ فَإِنَّ فَوْقَكَ فِيهَا مَلِكًا عَظِيمًا وَ ابْنِكَ عَلَى نَفْسِكَ مَا دُمْتَ فِي الدُّنْيَا وَ تَخَوَّفِ الْعُطْبَ وَ الْمَهَالِكَ وَ لَا تُعَزِّرَنَّكَ زِينَةُ الدُّنْيَا وَ زَهْرَتُهَا وَ لَا تَرْضَ بِالظُّلْمِ وَ لَا تَكُنْ ظَالِمًا فَإِنِّي لِلظَّالِمِ رَصِيدٌ حَتَّى أُدِيلَ مِنْهُ الْمَظْلُومَ

مناجات موسی بن عمران علیه السلام با خدای عزّ و جلّ: ای موسی در دنیا آرزو دراز مدار که دلت سخت شود و سخت دل از من دور است ... ای موسی نگاه بسوی زمین کن که به زودی گورتو خواهد بود دیدگانت را به آسمان بلند کن که بالای سر تو کشوری است بزرگ تا زمانی که در دنیائی بحال خویشتن گریه کن و از نابودی بترس. تو را زینت و درخشش دنیا نفرینند نه به ستم راضی باش و نه ستمکار باش زیرا که من برای ستمکاران بر سر راه ستمکارانم تا بر گردد از او ستمدیده.

الکافی، ج ۸، ص ۴۹

تحف العقول، ص ۴۹۶ / اعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۲۲۲

الوافی، ج ۲۶، ص ۱۲۷ / بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۳۹

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ الْقُرَشِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مَنْصُورُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَصْفَهَانِيُّ الصُّوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مَهْرُويه الْقُرَوَيْنِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا دَاوُدُ بْنُ سُلَيْمَانَ الْغَازِي قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَاعِ يَقُولُ عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا» وَ قَالَ لَمَّا «قَالَتِ التَّمَلَّةُ يَا أَيُّهَا التَّمَلُّ اذْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطَمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَ جُنُودُهُ وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ» حَمَلَتِ الرِّيحُ صَوْتَ التَّمَلَّةِ إِلَى سُلَيْمَانَ ع وَ هُوَ مَاثِرٌ فِي الْهَوَاءِ وَ الرِّيحُ قَدْ حَمَلَتْهُ فَوَقَفَ وَ قَالَ عَلِيٌّ بِالتَّمَلَّةِ فَلَمَّا أَتَى بِهَا قَالَ سُلَيْمَانُ يَا أَيُّهَا التَّمَلَّةُ أَمَا عَلِمْتَ أَنِّي نَبِيُّ اللَّهِ وَ أَنِّي لَا أَظْلِمُ أَحَدًا قَالَتِ التَّمَلَّةُ بَلَى قَالَ سُلَيْمَانُ ع فَلِمَ حَدَرْتَهُمْ ظُلْمِي فَقُلْتِ «يَا أَيُّهَا التَّمَلُّ اذْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ»؟! قَالَتِ التَّمَلَّةُ: حَشِيتُ أَنْ يَنْظُرَ [يَنْظُرُوا] إِلَى زِينَتِكَ فَيَقْتَتِنُوا بِهَا فَيَبْعُدُونَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى! ثُمَّ ... قَالَتِ التَّمَلَّةُ: هَلْ تَدْرِي لِمَ سَخَّرْتَ لَكَ الرِّيحَ مِنْ بَيْنِ سَائِرِ الْمَمْلَكَةِ؟ قَالَ سُلَيْمَانُ: مَا لِي بِهَذَا عِلْمٌ. قَالَتِ التَّمَلَّةُ: يَعْنِي عَزَّ وَ جَلَّ بِذَلِكَ لَوْ سَخَّرْتَ لَكَ جَمِيعَ الْمَمْلَكَةِ كَمَا سَخَّرْتَ لَكَ هَذِهِ الرِّيحَ لَكَانَ زَوَالُهَا مِنْ يَدِكَ كَزَوَالِ الرِّيحِ. فَحِينَئِذٍ تَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا.

از داود بن سلیمان غازی مروی است که گفت از حضرت علی بن موسی الرضا (ع) شنیدم که از پدرش موسی بن جعفر از پدرش جعفر بن محمد (ع) در مورد قول حقتعالی در قرآن «فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا» روایت میکرد که آن جناب فرمود: مورچه گفت: «یا ایُّهَا التَّمَلُّ اذْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطَمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَ جُنُودُهُ» ای مورچگان داخل خانه‌های خود شوید که سلیمان و لشکریان او شما را پایمال نکنند. باد صدای این مورچه را به گوش سلیمان (ع) رسانید در حالتی که باد سلیمان را



برداشته در هوا عبور می‌داد. سلیمان ایستاد و فرمود: این مورچه را نزد من آورید؛ چون مورچه را نزدش آوردند فرمود: ای مورچه آیا نمیدانی که منم پیغمبر خدا هستم و احدی را ظلم و ستم نمیکنم؟! مورچه عرض کرد: بلی میدانستم. فرمود: پس چرا مورچگان را از ظلم من ترسانیدی و گفتی «ادخلوا مساکنکم لا یحطمنکم سلیمان و جنوده»؟! مورچه گفت: ترسیدم که چون زینت تو را به بینند فریفته شوند و از خدا دور شوند! ... پس از آن مورچه عرض کرد: آیا میدانی چرا باد را خدا از میان سائر اجزاء مملکت از برای تو مسخر گردانید؟ سلیمان فرمود: مرا به این مطلب دانائی نیست. مورچه عرض کرد که: مقصود خدا این بود که اگر جمیع مملکت را از برای تو مسخر می‌گردانیدم زوال همه مملکت تو مثل زوال باد می‌بود! و چون باد از دست تو می‌رفت. پس سلیمان از قول مورچه خندید.

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۷۸ / علل الشرائع، ج ۱، ص ۷۲

بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۹۲ / النور المبین فی قصص الأنبیاء و المرسلین (للجزائری)، ص ۳۶۸

وَ بِالْإِسْنَادِ الْأَوَّلِ (أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ الْقُمِّيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ) عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع: ... كَفَانَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ كَيْدَ الظَّالِمِينَ وَ بَغْيِ الْحَاسِدِينَ وَ بَطْشِ الْجَبَّارِينَ أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الطَّوَاغِيَةُ وَ اتَّبَاعُهُمْ مِنْ أَهْلِ الرَّغْبَةِ فِي الدُّنْيَا الْمَانِلُونَ إِلَيْهَا الْمُفْتُونُونَ بِهَا الْمُقْبِلُونَ عَلَيْهَا وَ عَلَى حُطَامِهَا الْهَامِدِ وَ هَشِيمِهَا الْبَائِدِ غَدًا وَ أَحْذَرُوا مَا حَذَرَكُمُ اللَّهُ مِنْهَا وَ اذْهَبُوا فِيمَا زَهَدَكُمُ اللَّهُ فِيهِ مِنْهَا وَ لَا تَرْتَكُوا إِلَى مَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا زُكُونَ مِنْ أَعْدَائِهَا دَارًا وَ قَرَارًا وَ بِاللَّهِ إِنَّ لَكُمْ مِمَّا فِيهَا عَلَيْهَا دَلِيلًا مِنْ زِينَتِهَا وَ تَصْرِيفِ أَيَّامِهَا وَ تَغْيِيرِ انْقِلَابِهَا وَ مَثَلَاتِهَا وَ تَلَاعِبِهَا بِأَهْلِهَا إِنَّهَا لَتَرْفَعُ الْخَمِيلَ وَ تَضَعُ الشَّرِيفَ وَ تُورِدُ النَّارَ أَقْوَامًا غَدًا فَفِي هَذَا مُعْتَبَرٌ وَ مُخْتَبَرٌ وَ زَاجِرٌ لِمُنْتَبِهٍ امام سجاد (علیه السلام): ... خدا ما و شما را از مکر ستمگران، تجاوز حسودان، و فشار گردنکشان نگهدارد، مؤمنان! مبدا سرکشان و دنباله روانشان، دنیا طلبان دلباخته و شیفته دنیا که به این جهان و علوفه‌های پژمرده و گیاههای خشکیده‌اش که فردا همه نابود شود روی آورده‌اند، شما را بفریبند، از آنچه خدا بر حذرتان داشته پرهیزید، از آنچه دستور داده دل بر کنید، بر متاع این دنیا مهر بگیرید، به شیوه آنها که اینجا را وطن و قرارگاه پنداشته‌اند اعتماد نکنید، به خدا وضع دنیا خود هویت آن را روشن می‌کند زینت‌ها، گردش روزگار، دگرگونی احوال و مکافات‌ها، و بازی با جهانیان که فرومایگان گمنام را بالا می‌برد، شریفان را فرو مینهد، و فردا گروههائی را به دوزخ می‌فرستد، اینها همه برای بیداردلان عبرت است و آزمون و جلوگیری.



الأمالي (للمفيد)، ص ۲۰۲ / تحف العقول، ص ۲۵۴
بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۴۹

مِنْ كِتَابِ عُيُونِ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظِ، لِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْوَاسِطِيِّ كَتَبْنَاهُ مِنْ أَصْلِ قَدِيمٍ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
ع قَالَ: ... فَأَحْذَرُ هَذِهِ الدَّارَ الْعَدَاةَ الْخَتَالَةَ الْخَدَاعَةَ الَّتِي قَدْ تَزَيَّنَتْ بِخُدَعِهَا وَ قَتَلَتْ بِغُرُورِهَا وَ
حَتَلَتْ بِأَمَالِهَا وَ شَوَقَتْ لِخُطَابِهَا فَأَصْبَحَتْ كَالْعُرُوسِ الْمُتَحَلِّيَةِ الْجَمِيلَةِ فَالْعُيُونُ إِلَيْهَا نَاطِرَةٌ وَ
الْقُلُوبُ عَلَيْهَا وَالْهَيَّةُ وَ النَّفُوسُ لَهَا عَاشِقَةٌ وَ هِيَ لِأَزْوَاجِهَا كُلِّهَا قَاتِلَةٌ فَلَا الْبَاقِيَ بِالْمَاضِي مُعْتَبِرٌ وَ لَا
الْآخِرُ عَلَى الْأَوَّلِ مُزْدَجِرٌ ...

امیرالمومنین (علیه السلام): ... از این دنیای فریبکار، حيله گر بترس که با نیرنگ خود را زینت کرده
و با فریبکاری اش کسانی را کشته و با آرمانهایش فریفته، و خواستگاراناش را شیفته کرده و خود را
چون عروسی زیبا، زینت کرده، چشمها به سوی آن خیره، و دلها، شیدا و نفوس دلباخته آن شده
است، در حالی که او تمام همسرانش را کشته است، پس چرا باقیماندهها از گذشتهها عبرت نگیرند،
و آیندگان از پیشینیان درس خودداری نیاموزند ...

مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۴۲ / أعلام الدین، ص ۲۳۸
بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۰۸

اعْلَمْ أَنَّ الدُّنْيَا مُزَيَّنَةٌ الظَّوَاهِرِ قَبِيحَةُ السَّرَائِرِ وَ هِيَ تُشْبِهُ عَجُوزًا مُتَزَيَّنَةً تَخْدَعُ النَّاسَ بِظَاهِرِهَا
فَإِذَا وَقَفُوا عَلَى بَاطِنِهَا وَ كَشَفُوا الْفِنَاعَ عَنْ وَجْهِهَا تَمَثَّلَ لَهُمْ قَبَائِحُهَا فَندَمُوا عَلَى اتِّبَاعِهَا وَ حَجَلُوا مِنْ
ضَعْفِ عُقُولِهِمْ فِي الْإِغْتِرَارِ لِظَاهِرِهَا.

بدان که دنیا ظاهرش زینت داده شده است، ولی باطنش زشت است، و شبیه پیرزنی است که
زینت کرده، و با ظاهرش مردم را می فریبد، اما وقتی که از باطنش آگاه شوند، و پوشش از صورتش
بردارند، زشتیها بر آنها آشکار می شود و از پیروی آن [یا از خریداری آن] پشیمان، و از کم عقلی خود
و فریب ظاهر آن را خوردن، شرمند شوند.

مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۴۶

وَ قَالَ بَعْضُهُمْ: بَلَّغْنِي أَنَّ رَجُلًا عَرَجَ بِرُوحِهِ فَإِذَا امْرَأَةً عَلَى قَارِعَةِ الطَّرِيقِ عَلَيْهَا مِنْ كُلِّ زِينَةِ الْحُلِيِّ وَ
الثِّيَابِ وَ إِذَا لَا يَمُرُّ بِهَا أَحَدٌ إِلَّا جَرَحَتْهُ وَ إِذَا هِيَ أَذْبَرَتْ كَانَتْ كَأَحْسَنِ شَيْءٍ رَأَاهَا النَّاسُ وَ إِذَا هِيَ



أَقْبَلْتُ كَأَنَّهُ أَقْبَحَ شَيْءٍ رَأَاهَا النَّاسُ عَجُوزٌ شَمَطَاءٌ قَالَ فَقُلْتُ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْكَ قَالَتْ لَا وَاللَّهِ لَا يُعِيدُكَ اللَّهُ حَتَّى تُبْغِضَ الدُّرْهَمَ قُلْتُ مَنْ أَنْتِ قَالَتْ أَنَا الدُّنْيَا.

یکی از بزرگان می‌گوید: اطلاع یافتیم که روح مردی به معراج رفت، ناگاه زنی سر راهش را گرفت که به هر نوع زر و زیور و جامه آراسته بود، و هیچ کس بر او نگذشته بود، مگر اینکه صدمه زده بود، وقتی که کسی از پشت آن را می‌دید، بهترین چیزی بود که می‌دید، اما وقتی که از رو می‌دید، زشتترین چیزی بود که می‌دید، پیرزنی با موی سفید و سیاه، آن مرد گفت: به او گفتم: از تو به خدا پناه می‌برم. گفت: نه به خدا، خداوند تو را پناه نمی‌دهد، تا اینکه دشمن پول باشی! گفتم: تو کیستی؟ جواب داد: من دنیا هستم.

مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۴۶

۱/۴. آزمایش؛ یکی از اهداف خلقت زینت بر روی زمین

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا ما آنچه بر زمین است زینت و زیور قرار دادیم تا مردم را بیازماییم که کدام کارهاشان نیکوتر است و ما آنچه را که بر زمین است نابود و با خاک یکسان خواهیم ساخت.

سوره مبارکه کهف، آیات ۶ و ۷

۱/۵. زینت (فریب) های شیطان:

۱/۵/۱. زینت دادن کارهای زشت!

امیرالمومنین (علیه السلام): عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ الدَّهْرَ يَجْرِي بِالْبَاقِينَ كَجَرِّهِ بِالْمَاضِينَ لَا يُعُودُ مَا قَدْ وَلَّى مِنْهُ وَلَا يَبْقَى سَرْمَدًا مَا فِيهِ آخِرُ فَعَالِهِ كَأَوَّلِهِ مُتَشَابِهَةٌ أُمُورُهُ، مُتَظَاهِرَةٌ أَعْلَامُهُ فَكَأَنَّكُمْ بِالسَّاعَةِ تَحْدُوكُمْ حَدْوُ الزَّاجِرِ بِسُؤْلِهِ فَمَنْ شَغَلَ نَفْسَهُ بِغَيْرِ نَفْسِهِ تَحْيَرَ فِي الظُّلُمَاتِ وَ ارْتَبَكَ فِي الْهَلَكَاتِ وَ مَدَّتْ بِهِ شَيْطَانِيَّةٌ فِي طُغْيَانِهِ وَ زَيْنَتْ لَهُ سَيِّئَ أَعْمَالِهِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): ای بندگان خدا! روزگار بر باقی ماندگان چنان گذرد که بر گذشتگان گذشت. آنچه سپری شد باز نگردد، و آنچه هست جاویدان نماند. کار آخرش همچون کار اول آن است. امورش (در فنا پذیری) از هم پیشی می‌گیرند، و پرچمهایش پشتیبان یکدیگر است. گویا حاضر در قیامت هستید، شما را می‌راند چون ساربانانی که شترهای چابکش را می‌راند. پس هر کس خود را به آنچه که شایسته او نیست سرگرم کند در تاریکی‌ها سرگردان گردد، و در مهلکه‌ها گرفتار شود، و شیطانهایش او را به راه سرکشی کشند، و کارهای زشتش را در نظرش زینت دهند.



نهج البلاغة، ص ۲۲۱ (خطبه ۱۵۷)

۱/۵/۲. زینت دادن ظواهر دنیا

امیرالمومنین (علیه السلام): ... فَأَحْذَرُوا عِبَادَ اللَّهِ عَدُوَّ اللَّهِ أَنْ يُعَدِّيَكُمْ بِدَائِهِ وَأَنْ يَسْتَفْزِكُمْ بِنِدَائِهِ وَأَنْ يُجْلِبَ عَلَيْكُمْ بِخَيْلِهِ وَرَجَلِهِ [رَجَلِهِ] فَلَعَمْرِي لَقَدْ فَوْقَ لَكُمْ سَهْمَ الْوَعِيدِ وَأَغْرَقَ إِلَيْكُمْ بِالنَّزَعِ الشَّدِيدِ وَرَمَاكُمْ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ فَقَالَ: «رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لِأَزِينَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» قَدْفًا بَعِيْبٍ بَعِيدٍ وَرَجْمًا بَطْنٌ غَيْرِ مُصِيبٍ صَدَّقَهُ بِهِ أَبْنَاءُ الْحَمِيَّةِ وَإِخْوَانُ الْعَصِيَّةِ وَفُرْسَانُ الْكِبْرِ وَالْجَاهِلِيَّةِ ...

امیرالمومنین (علیه السلام): ... بندگان خدا، از دشمن خدا حذر کنید، مباد آنکه شما را به درد خود مبتلا کند، و با ندایش شما را به حرکت آورد، و با ارتش سواره و پیاده‌اش بر شما بتازد. به جان خودم سوگند که تیری سهمناک علیه شما به کمان گذاشته و کمان را با شدت هر چه تمامتر کشیده، و از مکانی نزدیک به شما تیر انداخته. و گفته: «پروردگارا، برای آنکه مرا اغوا کردی، [زر و زینت دنیا را] در زمین در برابر دیده آنان جلوه می‌دهم و همه را به ضلالت دچار می‌نمایم»، به تاریکی تیری به هدفی دور انداخت، و گمانی ناصواب و خطا بر زبان راند، ولی زادگان کبر و نخوت با عمل خود ادعایش را تصدیق کردند، و برادران عصبیت، و سواران کبر و جاهلیت آن گفتار کج و باطل را راست آوردند.

نهج البلاغة، ص ۲۸۷ (خطبه ۱۹۲ قاصعه)

بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۴

۱/۶. فریبده بودن مشورت با انسان حریص

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ آدَمَ عَنْ أَبِيهِ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: يَا عَلِيُّ لَا تُشَاوِرَنَّ جَبَانًا فَإِنَّهُ يُضَيِّقُ عَلَيْكَ الْمَخْرَجَ وَلَا تُشَاوِرَنَّ الْبَخِيلَ فَإِنَّهُ يَقْضُرُ بِكَ عَنْ غَايَتِكَ وَلَا تُشَاوِرَنَّ حَرِيصًا فَإِنَّهُ يُزِينُ لَكَ شَرَّهَا وَاعْلَمْ يَا عَلِيُّ أَنَّ الْجُبْنَ وَالْبُخْلَ وَالْحِرْصَ غَرِيظَةٌ وَاحِدَةٌ يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: یا علی! با ترسو مشورت مکن که راه رهایی را به تو تنگ می‌کند و با بخیل مشورت مکن که تو را از هدف باز می‌دارد و با حریص مشورت مکن که طمع کاری را برای تو زینت می‌دهد و بدان یا علی که ترس و بخل و حرص یک طبیعت دارند و بدگمانی (به خدا) جامع آنهاست.

الخصال، ج ۱، ص ۱۰۲ / من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۹ / علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۵۹



سند عل: اَبِي رَحْمَةَ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ آدَمَ عَنْ أَبِيهِ بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ
بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۳۸۶ / الوافي، ج ۵، ص ۵۸۲ / وسائل الشيعة، ج ۱۲، ص ۴۷

۱/۷. فریب کاری اهل نفاق

عن عليّ ع: بِالْكَذِبِ يَتَزَيَّنُّ أَهْلُ النَّفَاقِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): اهل نفاق به وسیله دروغ، [مردم را] زینت (فریب) می دهند.

غرر الحکم، ص ۲۹۸

۱/۸. نحوه برخورد عاقلانه انبیاء با زینت‌ها و زخارف دنیا

امیرالمومنین (علیه السلام): ... فَتَأَسَّ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ ص فَإِنَّ فِيهِ أُسُوءَةً لِمَنْ تَأَسَّى وَ عَزَاءٌ لِمَنْ تَعَزَّى وَ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأَسِّي بِنَبِيِّهِ وَ الْمُفْتَضُّ لِأَثَرِهِ فَصَمَّ الدُّنْيَا قَضَمًا وَ لَمْ يُعْرِهَا طَرْفًا ... يَكُونُ السُّرُّ عَلَى بَابِ بَيْتِهِ فَتَكُونُ فِيهِ التَّصَاوِيرُ فَيَقُولُ يَا فَلَانَةُ لِأَحَدِي أَرْوَاجِهِ غَيْبِيهِ عَنِّي فَإِنِّي إِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ ذَكَرْتُ الدُّنْيَا وَ زَخَارِفَهَا فَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا بِقَلْبِهِ وَ أَمَاتَ ذِكْرَهَا مِنْ نَفْسِهِ وَ أَحَبَّ أَنْ تَغِيبَ زِينَتَهَا عَنْ عَيْنِهِ لِكَيْلَا يَتَّخِذَ مِنْهَا رِيَاشًا وَ لَا يَعْتَقِدَهَا قَرَارًا وَ لَا يَرْجُوَ فِيهَا مَقَامًا فَأَخْرَجَهَا مِنْ التُّفْسِ وَ أَشْخَصَهَا عَنِ الْقَلْبِ وَ غَيْبَهَا عَنِ الْبَصَرِ.... وَ لَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ ص مَا يَدُلُّكَ عَلَى مَسَاوِي الدُّنْيَا وَ عُيُوبِهَا إِذْ جَاعَ فِيهَا مَعَ حَاصِنَتِهِ وَ زُوِيَتْ عَنْهُ زَخَارِفُهَا مَعَ عَظِيمِ زُلْفَتِهِ. فَلْيُنْظُرْ نَاطِرٌ بِعَقْلِهِ أَكْرَمَ اللَّهُ مُحَمَّدًا بِذَلِكَ أَمْ أَهَانَهُ؟ فَإِنْ قَالَ أَهَانَهُ فَقَدْ كَذَبَ وَ اللَّهُ الْعَظِيمُ بِالْإِفْكِ الْعَظِيمِ. وَإِنْ قَالَ أَكْرَمَهُ فَلْيَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهَانَ غَيْرَهُ حَيْثُ بَسَطَ الدُّنْيَا لَهُ وَ زَوَاهَا عَنْ أَقْرَبِ النَّاسِ مِنْهُ فَتَأَسَّى مُتَأَسِّ بِنَبِيِّهِ وَ اقْتَصَّ أَثَرَهُ وَ وَلَّجَ مَوْلِجَهُ وَ إِلَّا فَلَا يَأْمَنُ الْهَلَكَةَ فَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ مُحَمَّدًا ص عَلَمًا لِلْسَّاعَةِ وَ مُبَشِّرًا بِالْجَنَّةِ وَ مُنْذِرًا بِالْعُقُوبَةِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): ... پس به پیامبر پاکتر و پاکیزه‌ترت - که درود خدا بر او و آتش باد - اقتدا کن، که وجودش برای هر که بخواید به او اقتدا کند سر مشق است، و برای آن که تسلی جوید در زندگی به آن حضرت تسلی است، و محبوبترین بندگان نزد خدا کسی است که به پیامبر اقتدا کند و قدم جای قدم او بگذارد. او از دنیا به حداقل قناعت کرد، و دیده برای تماشای آن باز نکرد ... پرده‌ای همراه با نقش و نگار بر در خانه‌اش آویخته بود، به یکی از همسرانش فرمود: فلانی! این پرده را از برابر دید من پنهان کن، زیرا وقتی آن را می بینم دنیا و زرو زیورش را به یاد می آورم. با عمق دل از دنیا اعراض کرد، و یاد این سرای فانی را از خاطرش میراند، علاقه داشت زرو زینت دنیا از برابر دیده‌اش مخفی باشد، تا از آن جامه زیبا برنگیرد، و باورش نیاید که سرای قرار و آرامش است، و امیدی به درنگ در آن نداشته باشد، علاقه به دنیا را از دل بیرون کرد، و از این محل فانی دل برداشت، و از دیده خود پنهان نمود.... در روش رسول خدا صلی الله علیه و آله حالتی



است که تو را به زشتی‌ها و عیوب دنیا رهنمون است، زیرا آن حضرت با اهل بیتش در دنیا گرسنه بود، و با منزلت و تقرب عظیمی که نزد حق داشت زر و زیور دنیا از او دور داشته شده بود. پس دقت‌کننده با عقلش دقت کند که خداوند با وضعی که برای پیامبرش در برنامه دنیا به وجود آورد. آیا او را اکرام کرد یا به او اهانت روا داشت؟ اگر بگوید: اهانت کرد، به خدای بزرگ قسم دروغ گفته، و بهتان عظیمی به حق زده، و اگر بگوید: به او اکرام کرد، پس باید بداند که خداوند غیر حضرتش را با ارزانی داشتن دنیا به او خوار نموده، و دنیا را از مقرب‌ترین مردم به درگاهش دور کرده است. اقتدا کننده باید به پیامبرش اقتدا کند، و قدم جای قدم آن حضرت بگذارد، و هر جا او در آمد در آید، ورنه از هلاکت امان ندارد، چرا که خداوند محمد - صلی الله علیه و آله - نشانه قیامت، و بشارت دهنده به بهشت، و ترساننده از عقوبت قرار داد.

نهج البلاغه، ص ۲۲۶ (خطبه ۱۵۹) / مکارم الأخلاق، ص ۹
بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۸۴

مواعظ المسيح ع في الإنجيل وغيره و من حكمه: ... وَيَلِكُمْ يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا مِنْ أَجْلِ نِعْمَةٍ زَائِلَةٍ وَ حَيَاةٍ مُنْقَطِعَةٍ تَفْتُرُونَ مِنَ اللَّهِ وَ تَكْرَهُونَ لِقَاءَهُ فَكَيْفَ يُحِبُّ اللَّهُ لِقَاءَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَكْرَهُونَ لِقَاءَهُ فَإِنَّمَا يُحِبُّ اللَّهُ لِقَاءَ مَنْ يُحِبُّ لِقَاءَهُ وَ يَكْرَهُ لِقَاءَ مَنْ يَكْرَهُ لِقَاءَهُ وَ كَيْفَ تَزْعُمُونَ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ وَ أَنْتُمْ تَفْتُرُونَ مِنَ الْمَوْتِ وَ تَعْتَصِمُونَ بِالدُّنْيَا فَمَا ذَا يُغْنِي عَنِ الْمَيِّتِ طِيبُ رِيحِ حُنُوطِهِ وَ بَيَاضُ أَكْفَانِهِ وَ كُلُّ ذَلِكَ يَكُونُ فِي التُّرَابِ كَذَلِكَ لَا يُغْنِي عَنْكُمْ بِهِجَةٌ دُنْيَاكُمْ الَّتِي زُيِّنَتْ لَكُمْ وَ كُلُّ ذَلِكَ إِلَى سَلْبٍ وَ زَوَالٍ مَا ذَا يُغْنِي عَنْكُمْ نَقَاءُ أَجْسَادِكُمْ وَ صَفَاءُ أَلْوَانِكُمْ وَ إِلَى الْمَوْتِ تَصِيرُونَ وَ فِي التُّرَابِ تُسَوْنَ وَ فِي ظِلْمَةِ الْقَبْرِ تُعْمَرُونَ

موعظه‌های حضرت عیسی در انجیل و غیر آن و حکمت‌هایی از او: ... وای بر شما ای بندگان بد که به خاطر نعمتی نابودشونده و زندگی‌ای گسلنده از خدا می‌گریزید و دیدارش را ناخوش می‌دارید، چگونه خدا دیدارتان را خوش دارد؟ در حالی که شما دیدارش را نمی‌خواهید، به راستی خدا دیدار کسی را خواهد که خواستار دیدار خداست و دیدار کسی را ناخوش دارد که دیدار خدا را خوش ندارد. و چگونه پندارید که دوستداران خدا در حالی که از مرگ می‌گریزید و به دنیا می‌آویزید؟ مرده را چه سود که حنوطش خوشبوی و کفنش سپید باشد؟ و این همه در زیر خاک؟ همچنین خرّمی دنیا که خود را برای شما آراسته سودیتان نبخشد که این همه از دست رفتنی و نابودشدنی است. پاکیزگی پیکرها و روشنی رنگها چه سودتان دهد در حالی که سرانجام به سوی مرگ رهسپارید و در خاک فراموش می‌شوید و در تاریکی گور فرو می‌روید؟

تحف العقول، ص ۵۰۵



الوافی، ج ۲۶، ص ۲۹۲ / بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۰۸

۱/۹. توصیه به زینت (آراستگی) برای دوستان

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدِ الْيَقْطِينِيِّ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعًا بَابَ مِمَّا يُصْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ قَالَ: ... لِيَتَزَيَّنَ أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ إِذَا آتَاهُ كَمَا يَتَزَيَّنُ لِلْغَرِيبِ الَّذِي يُحِبُّ أَنْ يَرَاهُ فِي أَحْسَنِ الْهَيْئَةِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): همان گونه که شما در برابر شخص غریب، آراسته و زیبا ظاهر می شوید، باید در برابر دوست خود نیز به بهترین هیئت و زیباترین شکل درآیید.

الخصال، ج ۲، ص ۶۱۲ / تحف العقول، ص ۱۰۲

بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۱ و ج ۷۶، ص ۲۹۸

حَدَّثَنَا الْحَاكِمُ أَبُو عَلِيٍّ الْحُسَيْنِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْبَيْهَقِيُّ بِبَيْسَابُورَ سَنَةَ اثْنَتَيْنِ وَ خَمْسِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الصَّوْلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَوْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبَّادٍ قَالَ: كَانَ جُلُوسَ الرِّضَا ع فِي الصَّيْفِ عَلَى حَصِيرٍ وَ فِي الشِّتَاءِ عَلَى مِسْحٍ وَ لُبْسُهُ الْغَلِيظُ مِنَ الثِّيَابِ حَتَّى إِذَا بَرَزَ لِلنَّاسِ تَزَيَّنَ لَهُمْ.

ابو عبّاد: امام رضا علیه السلام در تابستان، روی حصیر و در زمستان، روی گلیم موین می نشست. جامه ایشان، خشن بود؛ اما وقتی در میان مردم حضور پیدا می کرد، خود را برای آنان می آراست.

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۷۸

مکارم الأخلاق، ص ۱۱۷ / إعلام الوری، ص ۳۲۸ / كشف الغمة، ج ۲، ص ۳۱۶ / مناقب (لابن شهر آشوب)،

ج ۴، ص ۳۶۰

وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۵۳ / بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۸۹

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لِعُبَيْدِ بْنِ زِيَادٍ: إِظْهَارُ النِّعْمَةِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ صِيَانَتِهَا فَإِيَّاكَ أَنْ تَتَزَيَّنَ إِلَّا فِي أَحْسَنِ زِيٍّ قَوْمِكَ قَالَ فَمَا رُئِيَ عُبَيْدٌ إِلَّا فِي أَحْسَنِ زِيٍّ قَوْمِهِ حَتَّى مَاتَ.

امام صادق (علیه السلام): آشکار کردن نعمت را خدا بیش از (پنهان) نگاه داشتن آن دوست می دارد، پس جز این مباد که با بهترین شکل آرایش و زینت مرسوم قوم خویش خود را بیاری. (راوی



حدیث) می‌گوید: عبید، از آن پس تا زمان مرگ خود جز با بهترین شکل و لباس در میان قوم خویش ظاهر نشد.

الکافی، ج ۶، ص ۴۴۰

الوافی، ج ۲۰، ص ۶۹۷ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۸

۱/۱۰. مذمت شدید یادگیری علم و قرآن بخاطر زینت دنیا

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): ... يَا ابْنَ مَسْعُودٍ! مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ يُرِيدُ بِهِ الدُّنْيَا وَآثَرَ عَلَيْهِ حُبَّ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا اسْتَوْجَبَ سَخَطَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَكَانَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ مَعَ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى الَّذِينَ نَبَذُوا كِتَابَ اللَّهِ تَعَالَى قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ». يَا ابْنَ مَسْعُودٍ! مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ لِلدُّنْيَا وَزِينَتِهَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ... ای پسر مسعود! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس علم را برای دنیا بیاموزد و علاقه به دنیا و زینت آن را بر علم، ترجیح دهد، مستوجب خشم خدا می‌شود و با یهود و نصارا- که کتاب خدای متعال را دور افکندند- در پایین‌ترین طبقه دوزخ خواهد بود. خداوند متعال [در باره یهود و نصارا] فرموده است: «پس چون آنچه را می‌شناختند، برایشان آمد، آن را انکار کردند. پس لعنت خدا بر کافران باد!». ای پسر مسعود! هر کس قرآن را بخاطر دنیا و زینت آن بیاموزد خدا بهشت را بر او حرام می‌کند.

مکارم الأخلاق، ص ۴۵۱ / إلزام الناصب، ج ۲، ص ۱۲۶

بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۹۹ / الوافی، ج ۲۶، ص ۲۱۰

۱/۱۱. نهی از زینت (خودنمایی، ریاکاری، اغواگری) در برابر مردم

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ قَالَ حَدَّثَنَا الْمُغْبِرَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ حُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الشَّامِيِّ عَنْ نَوْفٍ الْبِكَالِيِّ قَالَ: أَتَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ص وَهُوَ فِي رَحْبَةِ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ فَقُلْتُ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ فَقَالَ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا نَوْفُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ فَقُلْتُ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عِظْنِي فَقَالَ يَا نَوْفُ أَحْسِنْ يُحَسِّنْ إِلَيْكَ فَقُلْتُ زِدْنِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ: ... يَا نَوْفُ! إِيَّاكَ أَنْ تَتَزَيَّنَ لِلنَّاسِ وَتُبَارِزَ اللَّهَ بِالْمَعَاصِي فَيَفْضَحَكَ اللَّهُ يَوْمَ تَلْقَاهُ يَا نَوْفُ احْفَظْ عَنِّي مَا أَقُولُ لَكَ تَلِّ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): ... مبدا خود را برای مردم بیاری ولی با خدا با ارتکاب گناهان مبارزه کنی؛ که در این صورت خداوند، در روز ملاقات تو را رسوا خواهد کرد.

الأمالي (للصدوق)، ص ۲۱۰



مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۶۴ / أعلام الدين في صفات المؤمنين، ص ۱۸۷
بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۶۴ و ج ۷۴، ص ۳۸۳

عَبْدُ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ ظَرِيفٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنِ جَعْفَرِ، عَنِ أَبِيهِ، عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ تَزَيَّنَ لِلنَّاسِ بِمَا يُحِبُّ اللَّهُ، وَبَارَزَ اللَّهَ فِي السَّرِّ بِمَا يَكْرَهُ اللَّهُ، لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانٌ، لَهُ مَا قَتَّ.

علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله: کسی که خود را در نظر مردم آراسته به زیور اطاعت و کارهای خدا پسندانه نشان دهد ولی در پنهان با اعمال زشت و ناپسند خود در مقام مبارزه با خدا باشد خدای خود را غضبناک ملاقات نموده و بر او خشمناک خواهد بود.

قرب الإسناد، ص ۹۲

مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۳۲۱

بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۶۴ / وسائل الشيعة، ج ۱، ص ۶۸

قَالَ الصَّادِقُ ع: وَ أَمَا اللَّبَاسُ الظَّاهِرُ فَنِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى تُسْتَرُّ بِهَا عَوْرَاتُ بَنِي آدَمَ وَ هِيَ كَرَامَةٌ أَكْرَمَ اللَّهُ بِهَا ذُرِّيَّةَ آدَمَ مَا لَمْ يُكْرِمَ بِهَا غَيْرَهُمْ وَ هِيَ لِلْمُؤْمِنِينَ آلَةٌ لِأَدَاءِ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ. وَ خَيْرُ لِبَاسِكَ مَا لَا يَشْغَلُكَ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بَلْ يَقْرُبُكَ مِنْ ذِكْرِهِ وَ شُكْرِهِ وَ طَاعَتِهِ وَ لَا يَحْمِلُكَ عَلَى الْعُجْبِ وَ الرِّبَايَةِ وَ التَّزْيِينِ وَ التَّفَاخُرِ وَ الْخِيَلَاءِ فَإِنَّهَا مِنْ آفَاتِ الدِّينِ وَ مَوْرِثَةُ الْقِسْوَةِ فِي الْقَلْبِ.

و اما لباس ظاهری: پس آن نعمتی است که عورتهای بنی آدم، به آن پوشیده می شود و آن کرامتی است که خداوند اولاد آدم را به آن گرامی داشته است و به جز آنان، موجودات دیگر مشمول این کرامت نیستند، و آن برای مؤمنین وسیله ای است برای اداء فرایض و انجام تکالیف الهی. و بهترین لباس تو، آن لباسی است که تو را از یاد خدا و از انجام وظائف لازم مانع نشود، و بلکه تو را به یاد و سپاسگزاری و اطاعت پروردگار متعال نزدیک کند، و باز تو را واندارد به خود بینی و خود نمایی و زینت دادن خود و افتخار کردن و خودستایی، زیرا اینها همه از آفات دین و سبب قساوت و تیره بودن قلب است.

مصباح الشریعة، ص ۳۰

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۳۲۴



دعاء ليلة الاثنين: «... اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ وَ مَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ حَوْنِ الْأَمَانَةِ وَ أَكْلِ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ مِنَ التَّرْتِيبِ بِمَا لَيْسَ فِي...»

بخشی از دعای شب دوشنبه: «... خدایا! به تو پناه می برم از زینت و خودنمایی به چیزی که در من نیست...»

المصباح للكفعمي، ص ۱۱۳ / البلد الأمين، ص ۱۱۲

تفسیر الإمام علیه السلام: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» الآية قَالَ الْإِمَامُ ع: لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْآيَةِ الْمُتَقَدِّمَةِ بِالتَّقْوَى سِرًّا وَ عَلَانِيَةً أَخْبَرَ مُحَمَّدًا ص أَنَّ فِي النَّاسِ مَنْ يُظْهِرُهَا وَ يُسِرُّ خِلَافَهَا وَ يَنْطَوِي عَلَى مَعَاصِي اللَّهِ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» وَ يَظْهَرُ تِلْكَ الدِّينَ وَ الْإِسْلَامَ وَ تَزِينُهُ فِي حَضْرَتِكَ بِالْوَرَعِ وَ الْإِحْسَانِ «وَ يُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ» بِأَنْ يَحْلِفَ لَكَ بِأَنَّهُ مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ مُصَدِّقٌ لِقَوْلِهِ بِعَمَلِهِ «وَ إِذَا تَوَلَّى» عَنْكَ «أَدْبَرَ سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا» وَ يَعْصِي بِالْكَفْرِ الْمُخَالِفِ لِمَا أَظْهَرَ لَكَ وَ الظُّلْمِ الْمُبَايِنِ لِمَا وَعَدَ مِنْ نَفْسِهِ بِحَضْرَتِكَ...

تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام): ... در بین مردم برخی هستند که اظهار به اسلام می کنند ولی در سر و پنهان خلاف آن را انجام می دهند ... در حضور تو خود را متزین (زینت دهنده) به پرهیزگاری و احسان نشان می دهند ولی خدا بر آنچه در قلب های آنان است شهادت می دهد...

التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، ص ۶۱۷

بحار الأنوار، ج ۹، ص ۱۸۸

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْخَشَّابِ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يُوسُفَ عَنِ مُعَاذِ بْنِ ثَابِتٍ عَنِ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: ... يَا حَامِلَ الْقُرْآنِ! تَزَيَّنْ بِهِ لِلَّهِ يُزَيِّنَكَ اللَّهُ بِهِ وَ لَا تَزَيَّنْ بِهِ لِلنَّاسِ فَيَشِينَكَ اللَّهُ بِهِ!

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ای قاری قرآن! خود را به وسیله قرآن برای خدا زینت ده، تا خدا تو را زینت دهد. و خود را به وسیله قرآن برای مردم زینت نده که خداوند تو را زشت [و خوار] گرداند!



الکافی، ج ۲، ص ۶۰۴

الوافی، ج ۹، ص ۱۷۰۶ / وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۱۸۱

و من کتاب له ع إلیه [إلی معاویة] ایضاً: وَ كَيْفَ أَنْتَ صَانِعٌ إِذَا تَكَشَّفَتْ عَنْكَ جَلَابِيبُ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ دُنْيَا قَدْ تَبَهَّجَتْ بِرِيتِيهَا وَ خَدَعَتْ بِلَدَّتِيهَا دَعْنَكَ فَأَجَبَّتْهَا وَ قَادَتِكَ فَاتَّبَعَتْهَا وَ أَمَرْتِكَ فَأَطَعَتْهَا وَ إِنَّهُ يُوشِكُ أَنْ يَفْقَكَ وَاقِفٌ عَلَى مَا * لَا يُنْجِيكَ مِنْهُ [مُنْجٍ] مَجْنٌ فَاقْعَسْ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ وَ خُذْ أَهْبَةَ الْحِسَابِ وَ شَمِّرْ لِمَا قَدْ نَزَلَ بِكَ وَ لَا تُمَكِّنِ الْغَوَاةَ مِنْ سَمْعِكَ وَ إِلَّا تَفْعَلْ أُعْلِمُكَ مَا أَغْفَلْتَ مِنْ نَفْسِكَ فَإِنَّكَ مُتْرَفٌ قَدْ أَخَذَ الشَّيْطَانُ مِنْكَ مَا أَخَذَهُ وَ بَلَغَ فِيكَ أَمَلَهُ وَ جَرَى مِنْكَ مَجْرَى الرُّوحِ وَ الدَّمِ ...

نامه دیگری از امیرالمومنین (علیه السلام) به معاویه: چه خواهی کرد، آنگاه که جامه‌های رنگین تو کنار رود، جامه‌هایی که به زیباییهای دنیا زینت شده است؟ دنیا تو را با خوشی‌های خود فریب داده، تو را به سوی خود خواند، و تو به دعوت آن پاسخ دادی، فرمانت داد و اطاعت کردی. همانا به زودی تو را وارد میدان خطرناکی می‌کند که هیچ سپر نگهدارنده‌ای نجات نمی‌دهد. ای معاویه از این کار دست بکش، و آماده حساب باش، و آماده حوادثی باش که به سراغ تو می‌آید. به گمراهان فرو مایه، گوش مسپار! اگر چنین نکنی به تو اعلام می‌دارم که در غفلت زدگی قرار گرفته‌ای، همانا تو ناز پرورده‌ای هستی که شیطان بر تو حکومت می‌کند، و با تو به آرزوهایش می‌رسد، و چون روح و خون در سراسر وجودت جریان دارد.

نهج البلاغة (نامه ۱۰)، ص ۳۷۰

بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۱۰۱ / مکاتیب الأئمة علیهم السلام، ج ۱، ص ۳۷۶

۱/۱۲. توصیه به ترک زینت‌های دنیوی (زهد)

رُوي عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع أَنَّ النَّبِيَّ ص سَأَلَ رَبَّهُ سُبْحَانَهُ لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ فَقَالَ يَا رَبِّ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى لَيْسَ شَيْءٌ أَفْضَلَ عِنْدِي مِنَ التَّوَكُّلِ عَلَيَّ وَ الرِّضَا بِمَا قَسَمْتَ ... يَا أَحْمَدُ! لَا تَزَيِّنْ [تَتَزَيَّنْ] بِلَيِّنِ اللَّبَاسِ وَ طَيِّبِ الطَّعَامِ وَ لَيِّنِ الْوِطَاءِ؛ فَإِنَّ النَّفْسَ مَاوَى كُلِّ شَرٍّ وَ رَفِيقُ كُلِّ سُوءٍ تَجُرُّهَا إِلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ تَجُرُّكَ إِلَى مَعْصِيَتِهِ وَ تُخَالِفُكَ فِي طَاعَتِهِ وَ تُطِيعُكَ فِيمَا تَكْرَهُ [يَكْرَهُ] وَ تَطْعَى إِذَا شَبِعْتَ وَ تَشْكُو إِذَا جَاعَتْ وَ تَغْضَبُ إِذَا افْتَقَرْتَ وَ تَتَكَبَّرُ إِذَا اسْتَعْنَتْ وَ تَتَسَوَّى إِذَا كَبُرَتْ وَ تَفْعَلُ إِذَا آمَنْتَ وَ هِيَ قَرِينَةُ الشَّيْطَانِ وَ مَثَلُ النَّفْسِ كَمَثَلِ النَّعَامَةِ تَأْكُلُ الْكَثِيرَ وَ إِذَا حَمَلَ عَلَيْهَا لَا تَطِيرُ وَ كَمَثَلِ الدُّفْلَى لَوْنُهُ حَسَنٌ وَ طَعْمُهُ مُرٌّ ...

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) شب معراج از پروردگارش عز و جل در مقام پرسش آمد و عرض کرد: پروردگار من! کدامیک از کردارها نیکوست؟



سپس خدای عز و جل فرمود: چیزی پیش من برتر از توکل بمن و راضی بودن بآنچه من قسمت کرده‌ام نیست، ... ای احمد! خود را با لباس نرم، غذای گوارا، بستر نرم زینت مده؛ زیرا که نفس مرجع تمام بدی‌هاست، رفیق هر بدی است، نفس را برای پیروی خدا بکش که او تو را برای نافرمانی خدا می‌کشد و نافرمانی تو را در اطاعت خدا می‌کند و فرمانبرداری تو را در آنچه که خدا ناخوش دارد می‌کند، سرکشی می‌کند هر گاه سیر است. شکایت می‌کند هر گاه گرسنه است خشم می‌کند هر گاه نیازمند است، بلند پروازی می‌کند هر گاه بی‌نیاز است، فراموش می‌کند هر گاه بزرگ می‌شود، غافل می‌شود هر گاه در امان است، آن نفس رفیقش شیطان است، مثل نفس مانند شتر مرغ است بسیار می‌خورد و هر گاه بر او بار می‌نهند پرواز نمی‌کند، مانند خرزهره است، رنگش خوب و مزه‌اش تلخ است...

إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، ج ۱، ص ۲۰۱
 الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیة (کلیات حدیث قدسی)، ص ۳۸۲
 الوافی، ج ۲۶، ص ۱۴۲ / بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۲

۱/۱۳. توصیه به آراسته بودن مردان برای همسران در خانه

عَنْ نَادِرِ الْخَادِمِ عَنْهُ ع أَنَّهُ قَالَ لِبَعْضِ مَنْ مَعَهُ: اُكْتَحِلْ. فَعَرَضَ أَنَّهُ: لَا يُحِبُّ الرَّيْنَةَ فِي مَنْزِلِهِ! فَقَالَ: اتَّقِ اللَّهَ وَ اُكْتَحِلْ وَلَا تَدْعِ الْكُحْلَ.

از نادر خادم: امام [موسی بن جعفر] (علیه السلام) به یکی از اهل مجلس فرمود: سرمه بکش، آن مرد جواب داد که: دوست ندارم در خانه زینت داشته باشم! امام (علیه السلام) فرمود: تقوی داشته باش و سرمه بکش و سرمه را فراموش مکن!

مکارم الأخلاق، ص ۴۷ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۹۶

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَسَنِ الرَّيَّانِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ ع أَنَا وَ صَاحِبٍ لِي وَ إِذَا هُوَ فِي بَيْتٍ مُنْجِدٍ وَ عَلَيْهِ مَلْحَفَةٌ وَرْدِيَّةٌ وَ قَدْ حَفَّ لِحَيْتِهِ وَ اُكْتَحِلَ فَسَأَلْتُهُ عَنْ مَسَائِلَ فَلَمَّا قُمْنَا قَالَ لِي يَا حَسَنُ قُلْتُ لَبَيْكَ قَالَ إِذَا كَانَ غَدًا فَاتَّبِعْنِي أَنْتَ وَ صَاحِبُكَ فَقُلْتُ نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْعَدِ دَخَلْتُ عَلَيْهِ وَ إِذَا هُوَ فِي بَيْتٍ لَيْسَ فِيهِ إِلَّا حَصِيرٌ وَ إِذَا عَلَيْهِ قَمِيصٌ غَلِيظٌ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ صَاحِبِي فَقَالَ يَا أَحَا أَهْلِ الْبَصْرَةِ إِنَّكَ دَخَلْتَ عَلَيَّ أَمْسٍ وَ أَنَا فِي بَيْتِ الْمَرْأَةِ وَ كَانَ أَمْسِ يَوْمَهَا وَ الْبَيْتُ بَيْتَهَا وَ الْمَتَاعُ مَتَاعَهَا فَتَرَيْتَنِي لِي عَلَى أَنْ أَتْرَيْنَ لَهَا كَمَا تَرَيْتَنِي لِي فَلَا يَدْخُلُ قَلْبُكَ شَيْءٌ فَقَالَ لَهُ صَاحِبِي جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ كَانَ وَ اللَّهُ دَخَلَ فِي قَلْبِي شَيْءٌ فَأَمَّا الْآنَ فَقَدْ وَ اللَّهُ أَذْهَبَ اللَّهُ مَا كَانَ وَ عَلِمْتُ أَنَّ الْحَقَّ فِيمَا قُلْتُ.



حسن زیات بصری گفت من و دوستم خدمت حضرت باقر (علیه السلام) رسیدیم دیدیم در خانه آراسته يك جامه گلی رنگ بر تن نموده و سر و ریش خود را روغن زده و سُرمه کشیده است و چند مسأله پرسیدیم همین که خواستم حرکت کنم فرمود حسن فردا با رفیقت بیا پیش من و عرض کردم بسیار خوب فدایت شوم. فردا خدمتش رسیدم دیدم در خانه ای است که جز حصیر چیزی ندارد و يك جامه خشن پوشیده رو کرد به دوست من فرمود: برادر بصری! تو دیروز آمدی من در خانه عروسی بودم و آن روز نوبت او بود و خانه متعلق به خودش بود تمام وسائل نیز به او تعلق داشت او خود را برای من زینت کرده بود من نیز لازم بود خود را برایش بیاریم. مبدا خیالی بکنی! رفیقم گفت: به خدا خاطر من چیزی گذشت ولی اکنون دیگر هر چه خیال کرده بودم از بین رفت و فهمیدم حق با شما است.

الكافي، ج ۶، ص ۴۴۸

الوافي، ج ۲۰، ص ۷۱۷ / وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۳۲ / بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۹۳

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الزِّيَّاتِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ ع وَهُوَ فِي بَيْتٍ مُنَجَّدٍ ثُمَّ عُدْتُ إِلَيْهِ مِنَ الْعَدِ وَهُوَ فِي بَيْتٍ لَيْسَ فِيهِ إِلَّا حَصَى فَبَرَزَ وَ عَلَيْهِ قَمِيصٌ غَلِيظٌ فَقَالَ الْبَيْتُ الَّذِي رَأَيْتُمْ أَمْسٍ لَيْسَ هُوَ بَيْتِي إِنَّمَا هُوَ بَيْتُ الْمَرْأَةِ وَ كَانَ أَمْسٍ يَوْمَهَا.

حسن بن زیات گوید: بر حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) داخل شدم، در حالی که خانه اش آراسته بود، فردا بر او وارد شدم، وی در خانه ای بود که جز شن چیزی در آن نبود، و حضرت آمد و پیراهنی خشن به تن داشت، و فرمود: خانه ای که دیروز دیدی اطاق من نبود، بلکه خانه همسرم بود که دیروز روز او بود (و وقت من مربوط به او).

مكارم الأخلاق، ص ۸۲

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الزِّيَّاتِ قَالَ كَانَ يَجْلِسُ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ فَلَمْ أَزَلْ بِهِ حَتَّى دَخَلَ فِي هَذَا الْأَمْرِ قَالَ وَ كُنْتُ أَصِفُ لَهُ أَبَا جَعْفَرٍ ع فَخَرَجْنَا إِلَى مَكَّةَ فَلَمَّا قَضَيْنَا التُّسُكَ أَخَذْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ فَاسْتَأْذَنَّا عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ ع فَأَذِنَ لَنَا فَدَخَلْنَا عَلَيْهِ فِي بَيْتٍ مُنَجَّدٍ وَ عَلَيْهِ مَلْحَفَةٌ وَرْدِيَّةٌ وَ قَدْ اِخْتَضَبَ وَ اِكْتَحَلَ وَ حَفَّ لِحْيَتَهُ فَجَعَلَ صَاحِبِي يَنْظُرُ إِلَيْهِ وَ يَنْظُرُ إِلَى الْبَيْتِ وَ يَعْزُضُ عَمَاهُ بِقَلْبِهِ فَلَمَّا قُمْنَا قَالَ يَا حَسَنُ إِذَا كَانَ الْعَدُ إِِنْ شَاءَ اللَّهُ فَعُدْ أَنْتَ وَ صَاحِبُكَ إِلَيَّ فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْعَدِ قُلْتُ لِصَاحِبِي اذْهَبْ بِنَا إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ ع فَقَالَ اذْهَبْ وَ دَعْنِي قُلْتُ سُبْحَانَ اللَّهِ أَلَيْسَ قَدْ قَالَ عَدَا عُدْ أَنْتَ وَ صَاحِبُكَ



قَالَ أَذْهَبَ أَنْتَ وَ دَعْنِي فَوَ اللَّهُ مَا زِلْتُ بِهِ حَتَّى مَضَيْتُ بِهِ فَدَخَلْنَا عَلَيْهِ فَإِذَا هُوَ فِي بَيْتٍ لَيْسَ فِيهِ إِلَّا حَصَى فَبَرَزَ وَ عَلَيْهِ قَمِيصٌ غَلِيظٌ وَ هُوَ شَعْتُ فَمَالَ عَلَيْنَا فَقَالَ دَخَلْتُمْ عَلَيَّ أَمْسِ فِي الْبَيْتِ الَّذِي رَأَيْتُمْ وَ هُوَ بَيْتُ الْمَرْأَةِ وَ لَيْسَ هُوَ بَيْتِي وَ كَانَ أَمْسِ يَوْمَهَا فَتَزَيَّنْتُ لَهَا وَ كَانَ عَلَيَّ أَنْ أَتَزَيَّنَ لَهَا كَمَا تَزَيَّنْتُ لِي وَ هَذَا بَيْتِي فَلَا يَعْزُضُ فِي قَلْبِكَ يَا أَحَا الْبَصْرَةَ فَقَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ كَانَ عَرَضَ فَأَمَّا الْآنَ فَقَدْ أَذْهَبَهُ اللَّهُ.

حسن بن زیات گوید: مردی بصری با من مجالست داشت، و همواره با او بودم تا به تشیع گرایید. من وصف او را برای حضرت باقر (علیه السلام) می نمودم، و به مکه رفتیم، چون مناسک را به انجام رسانیدیم، به مدینه رفتیم، و از امام (علیه السلام) اجازه ورود خواستیم، اجازه داد. وارد شدیم. اطاقی آراسته دیدیم، و حضرت لباسی خوشرنگ پوشیده بود، حنا بسته و سُرمه کشیده و محاسن را اصلاح نموده، رفیق من همچنان به امام و اطاق نظاره می کرد، چون برخاستیم، حضرت فرمود: حسن، چون ان شاء الله فردا شد با رفیقت نزد ما آید، فردا به رفیقم گفتم، برویم به خانه امام (علیه السلام). مرد گفت: تو برو و مرا رها کن، گفتم: مگر هر دوی ما را دعوت نکرد؟ و چندان اصرار کردم، قبول کرد. و چون بر حضرت وارد شدیم در خانه امام (علیه السلام) جز ریگ و شن چیزی نبود، و حضرت با جامه‌ای کهنه و خشن نزد ما آمد و فرمود: خانه‌ای را که دیروز دیدید و به آن وارد شدید خانه من نبود بلکه خانه همسرم بود، و دیروز من متعلق به او بود و من خود و خانه را بخاطر او آراسته بودم و بر من است که خود را برای او بیاریم، چنان که او خود را برای من، و خانه من این است. ای برادر بصری در دل تو تردید نباشد. مرد گفت: جانم فدایت! قبلا تردیدی آمد ولی اکنون خدا آن را بر طرف کرد.

مکارم الأخلاق، ص ۸۰ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۰۱

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ مَيْسَرَةَ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ عُثَيْبَةَ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ وَ هُوَ فِي بَيْتٍ مُتَجَدِّدٍ وَ عَلَيْهِ قَمِيصٌ رَطْبٌ وَ مِلْحَفَةٌ مَضْبُوعَةٌ قَدْ أَثَرَ الصَّبْغُ عَلَى عَاتِقِهِ فَجَعَلْتُ أَنْظُرُ إِلَى الْبَيْتِ وَ أَنْظُرُ إِلَى هَيْئَتِهِ فَقَالَ يَا حَكَمُ مَا تَقُولُ فِي هَذَا فَقُلْتُ وَ مَا عَسَيْتُ أَنْ أَقُولَ وَ أَنَا أَرَاهُ عَلَيْكَ وَ أَمَّا عِنْدَنَا فَإِنَّمَا يَفْعَلُهُ الشَّابُّ الْمُرْهَقُ فَقَالَ لِي: يَا حَكَمُ! «مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» وَ هَذَا مِمَّا أَخْرَجَ اللَّهُ لِعِبَادِهِ فَأَمَّا هَذَا الْبَيْتُ الَّذِي تَرَى فَهُوَ بَيْتُ الْمَرْأَةِ وَ أَنَا قَرِيبُ الْعَهْدِ بِالْعُرْسِ وَ بَيْتِي الْبَيْتُ الَّذِي تَعْرِفُ.

حکم بن عتیبه گفت خدمت حضرت باقر رسیدم دیدم در یک اطاق آراسته نشسته پیراهن تازه‌ای پوشیده است و یک بالاپوش رنگ شده بر خود انداخته که اثر رنگ روی شانه‌اش مانده است و شروع



کردم بتماشای خانه و سر و لباس امام. فرمود حکم چه میگوئی راجع باین وضع. عرض کردم: چه بگویم؟! شما که خود را به این وضع آراسته‌اید ما چنین می‌پنداریم که این قبیل کارها مخصوص جوانان بی‌زن و شهوتران است! فرمود: حکم چه کسی حرام کرده زینت خدا را که به بندگانش اختصاص داده اما این خانه که می‌بینی خانه عروس است و من تازه عروسی کرده‌ام خانه خودم همان خانه‌ای است که دیده‌ای.

الکافی، ج ۶، ص ۴۴۶

الوافی، ج ۲۰، ص ۷۱۶ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۱ / بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۲۹۲

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ بُرَيْدٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَ وَ عَلَيْهِ مِلْحَفَةٌ حُمْرَاءُ جَدِيدَةٌ شَدِيدَةٌ الْحُمْرَةَ فَتَبَسَّمْتُ حِينَ دَخَلْتُ فَقَالَ كَأَنِّي أَعْلَمُ لِمَ ضَحِكْتَ ضَحِكْتَ مِنْ هَذَا الثَّوْبِ الَّذِي هُوَ عَلَيَّ إِنَّ الثَّقَفِيَّةَ أَكْرَهْتَنِي عَلَيْهِ وَ أَنَا أُحِبُّهَا فَأَكْرَهْتَنِي عَلَى لُبْسِهَا ثُمَّ قَالَ إِنَّا لَا نُصَلِّي فِي هَذَا وَ لَا تُصَلُّوا فِي الْمُسْبَعِ الْمُضْرَجِ قَالَ ثُمَّ دَخَلْتُ عَلَيْهِ وَ قَدْ طَلَقَهَا فَقَالَ سَمِعْتُهَا تَبْرَأُ مِنْ عَلِيٍّ عَ فَلَمْ يَسْعِنِي أَنْ أُمْسِكَهَا وَ هِيَ تَبْرَأُ مِنْهُ.

مالک بن اعین گفت خدمت حضرت باقر رسیدم دیدم روپوشی خیلی قرمز پوشیده لبخندی زد. فرمود میدانم چرا می‌خندی از این جامه من خنده‌ات گرفت. زنی از قبیله بنی تقیف دارم که مرا مجبور به پوشیدن این لباس کرده من او را دوست دارم او هم با جبار این لباس را بمن پوشانده ولی نماز در آن نمیخوانم شما هم در جامه خیلی قرمز نماز نخوانید. مالک گفت: بعد باز خدمتش رسیدم آن زن را طلاق داده بود و فرمود دیدم از علی بیزاری میجوید با این کار دیگر تاب نیاوردم که او را نگه دارم.

الکافی، ج ۶، ص ۴۴۷

مکارم الأخلاق، ص ۱۰۵ (با اندکی تفاوت)

الوافی، ج ۲۰، ص ۷۱۷ / وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۴۶۰ / بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۲۹۲

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ جَهْمٍ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَ اخْتَصَبَ فَقُلْتُ جُعِلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ اخْتَصَبْتَ فَقَالَ نَعَمْ إِنَّ التَّهْيِئَةَ مِمَّا يَزِيدُ فِي عِفَّةِ النِّسَاءِ وَ لَقَدْ تَرَكَ النِّسَاءُ الْعِفَّةَ بِتَرْكِ أَزْوَاجِهِنَّ التَّهْيِئَةَ ثُمَّ قَالَ أَيْسُرُكَ أَنْ تَرَاهَا عَلَى مَا تَرَكَ عَلَيْهِ إِذَا كُنْتَ عَلَى غَيْرِ تَهْيِئَةٍ قُلْتُ لَا قَالَ فَهُوَ ذَاكَ ثُمَّ قَالَ: مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ التَّنْظُفُ وَ التَّطَيُّبُ وَ حَلْقُ الشَّعْرِ وَ كَثْرَةُ الطَّرُوفَةِ.



ذروان مدائنی گوید: بر حضرت امام هادی (ع) وارد شدم که تازه خضاب بسته بود، عرض کردم جانم فدای شما! خضاب کرده‌اید؟ فرمود: آری خضاب را پاداش زیاد است، نمیدانی که آراستن مرد بر عفت زنان می‌افزاید (مرد چون خود را تمیز و زیبا بسازد همسرش بدیگری رغبت نمی‌کند)، آیا تو دوست داری وقتی بخانه میروی همسر خود را ژولیده و ناآراسته ببینی؟ گفتم: نه. فرمود: زن نیز چنین است. سپس فرمود: از اخلاق پیامبران، تمیز بودن، معطر بودن، تراشیدن سر و زیاد همبستر شدن [با همسران] است.

الکافی، ج ۵، ص ۵۶۷ / مکارم الأخلاق، ص ۷۹

الوافی، ج ۲۲، ص ۸۷۱ / وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۴۶ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۰۰

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَ وَ قَدْ اخْتَضَبَ بِالسَّوَادِ فَقُلْتُ أَرَأَيْكَ قَدْ اخْتَضَبْتَ بِالسَّوَادِ فَقَالَ إِنَّ فِي الْخِضَابِ أَجْرًا وَ الْخِضَابُ وَ التَّهْيِئَةُ مِمَّا يَزِيدُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي عِفَّةِ النِّسَاءِ وَ لَقَدْ تَرَكَ النِّسَاءُ الْعِفَّةَ بِتَرْكِ أَرْوَاجِهِنَّ لَهُنَّ التَّهْيِئَةَ قَالَ قُلْتُ بَلَّغْنَا أَنَّ الْحَنَاءَ يَزِيدُ فِي الشَّيْبِ قَالَ أَيُّ شَيْءٍ يَزِيدُ فِي الشَّيْبِ الشَّيْبُ يَزِيدُ فِي كُلِّ يَوْمٍ.

حسن بن جهم گوید: بر حضرت امام هفتم وارد شدم که رنگ سیاه بسته بود، عرض کردم: فدایت شوم، رنگ سیاه بسته‌اید؟ فرمود: در خضاب پاداشی است، خضاب و خودآرائی بر عفت زنان می‌افزاید، که زنان عفت خود را از آن رها می‌کنند که شوهرانشان خود را نمی‌آریند و ژولیده و کثیف می‌مانند.

الکافی، ج ۶، ص ۴۸۰ / من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۲ / مکارم الأخلاق، ص ۷۹

وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۸۸ / الوافی، ج ۶، ص ۶۳۵ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۰۰

۱/۱۴. توصیه به همنشینی با کسی که زینت ما باشد

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ حَرِيْزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ يَقُولُ: اصْحَبْ مَنْ تَزَيَّنَ [تتزيّن] بِهِ وَ لَا تَصْحَبْ مَنْ تَزَيَّنَ [يتزيّن] بِكَ.

امام صادق (علیه السلام) همیشه می‌فرمودند: با کسی همنشین باش که زینت و افتخار تو باشد، نه آنکه تو زینت او باشی.

المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۷ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۷۸

مکارم الأخلاق، ص ۲۵۱ / عوالي اللئالی، ج ۴، ص ۳۱

الوافی، ج ۵، ص ۵۷۳ / وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۴۱۲ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۲۶۷

**۱/۱۵. آراستگی در مقابل دشمنان**

سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ جَبَلَةَ الْكِنَانِيِّ قَالَ: اسْتَقْبَلَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَ وَ قَدْ عَلَّقْتُ سَمَكَةً فِي يَدِي فَقَالَ أَقْدِفْهَا إِنِّي لَأَكْرَهُ لِلرَّجُلِ السَّرِيَّ أَنْ يَحْمِلَ الشَّيْءَ الدَّنِيَّ بِنَفْسِهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ أَعْدَاؤُكُمْ كَثِيرَةٌ عَادَاكُمْ الْخَلْقُ يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ إِنَّكُمْ قَدْ عَادَاكُمْ الْخَلْقُ فَتَزَيَّنُوا لَهُمْ بِمَا قَدَرْتُمْ عَلَيْهِ.

امام کاظم علیه السلام- به عبدالله بن جبله که ماهی ای را در دستش آویزان کرده بود- فرمود: آن را دور انداز؛ من خوش ندارم که مرد شریف و محترم، چیز پستی را حمل کند. ای گروه شیعه! شما مردمی هستید که دشمنان زیادی دارید. شما جماعتی هستید که خلق با شما دشمنی می‌کنند. پس تا جایی که می‌توانید در برابر آنان آراسته (با شخصیت) باشید.

الكافي، ج ۶، ص ۴۸۰

صفات الشيعة، ص ۱۶ (حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خَالِدِ الْكِنَانِيِّ)

وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۱۲ / الوافي، ج ۱۷، ص ۷۹ / الفصول المهمة، ج ۳، ص ۳۰۸ / بحار

الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۴۸

۱/۱۶. توصیه به زینت (آراستگی) در روز جمعه

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: لِيَتَزَيَّنَ أَحَدُكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يَغْتَسِلُ وَيَتَطَيَّبُ وَيَسْرُحُ لِحْيَتَهُ وَيَلْبَسُ أَنْظَفَ ثِيَابِهِ وَ لِيَتَهَيَّأَ لِلْجُمُعَةِ وَ لِيَكُنْ عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ السَّكِينَةُ وَ الْوَقَارُ وَ لِيُحْسِنَ عِبَادَةَ رَبِّهِ وَ لِيُفْعَلَ الْخَيْرَ مَا اسْتَطَاعَ فَإِنَّ اللَّهَ يَطَّلِعُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ لِيُضَاعَفَ الْحَسَنَاتِ.

امام صادق علیه السلام: در روز جمعه هر يك از شما باید حتما زینت کرده و آراسته باشد و غسل جمعه نموده و بوی خوش استعمال کند و موی را شانه زند و پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را بر تن نماید و با چنین آراستگی خود را برای برگزاری نماز جمعه آماده سازد، و باید در آن روز آرامش و متانت بر حرکات او و اطمینان و جمعیت خاطر بر اندیشه و روانش حکمفرما باشد و با چنین کیفیتی عبادت و پرستش پروردگار خویش را نیکو بجای آرد و تا آنجا که در توان دارد اعمال خیر انجام دهد، پس بدرستی که خداوند جل ذکره نظر رحمت و شفقت خویش را بر زمینیان میافکند تا حسنات شما را مضاعف سازد.

الكافي، ج ۳، ص ۴۱۷ / تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۱۰ / من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۱۶

جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع، ص ۳۶۷

سند جمال الاسبوع: يَأْتِنَا إِلَى جَدِّي أَبِي جَعْفَرِ الطُّوسِيِّ رَضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِيمَا رَوَاهُ فِي تَهْذِيبِ الْأَحْكَامِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ

وسائل الشيعة، ج ۷، ص ۳۹۵ / بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۳۵۲ / الوافي، ج ۸، ص ۱۰۹۵



مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فَضَّلَ اللَّهُ الْجُمُعَةَ عَلَى غَيْرِهَا مِنَ الْأَيَّامِ وَإِنَّ الْجَنَانَ لَتُرْخَرَفُ وَتُزَيَّنُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لِمَنْ آتَاهَا وَإِنَّكُمْ تَسَابِقُونَ إِلَى الْجَنَّةِ عَلَى قَدْرِ سَبَقِكُمْ إِلَى الْجُمُعَةِ وَإِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لَتُفْتَحَ لَصُغُودِ أَعْمَالِ الْعِبَادِ.

امام صادق علیه السلام: خداوند، روز جمعه را بر روزهای دیگر برتری بخشیده است. در روز جمعه، بهشت برای آن کس که به [نماز] جمعه بیاید، آراسته و مزین می شود، و شما به اندازه پیشتازی تان به سوی [نماز] جمعه، به سوی بهشت پیش خواهید تاخت و همانا درهای آسمان برای بالا رفتن اعمال بندگان، باز می شوند.

الكافي، ج ۳، ص ۴۱۵ / تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۴
بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۲۱۳ / الوافي، ج ۸، ص ۱۱۱۴ / وسائل الشيعة، ج ۷، ص ۳۸۵

۱/۱۷. زینت بانوان:

۱/۱۷/۱. اهمیت زینت برای زنان

امیرالمومنین ع: إِنَّ النَّسَاءَ هُمُ هُنَّ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْفَسَادُ فِيهَا إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُسْتَكِينُونَ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُشْفِقُونَ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ حَائِفُونَ.

امیرالمومنین (علیه السلام): هم و غم زنان [غیر مومن]، زینت حیات دنیا [در غیر رضایت خدا] و فساد در آن است. مؤمنان فروتنند، مؤمنان مهربانند، مؤمنان اهل بیم از خدایند.

نهج البلاغة، ص ۲۱۵ (خطبه ۱۵۳)

غرر الحکم، ص ۲۲۱

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ: رَخَّصَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَخْضِبَ رَأْسَهَا بِالسَّوَادِ قَالَ وَ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص النَّسَاءَ بِالْخِضَابِ ذَاتِ الْبُعْلِ وَ غَيْرِ ذَاتِ الْبُعْلِ أَمَّا ذَاتُ الْبُعْلِ فَتَتَزَيَّنُ لِزَوْجِهَا وَ أَمَّا غَيْرُ ذَاتِ الْبُعْلِ فَلَا تُشْبِهُ يَدَهَا يَدَ الرَّجَالِ.

امام باقر (علیه السلام): رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به زن اجازه داده که سر را به رنگ سیاه خضاب کند، و زنان را به خضاب کردن (دستها) امر فرمود، - چه شوهردار و چه بی شوهر، - که شوهر دار برای شوهر زینت می کند، و دیگری دستش شبیه دست مردان نخواهد بود.

مکارم الأخلاق، ص ۸۲

وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۹۷ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۰۲



۱/۱۷/۲. زینت کردن برای همسر؛ وظیفه بانوان

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْجَامُورَانِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُبَيْرِ الْعَزْرَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةً إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَيَّ الْمَرْأَةِ قَالَ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ فَقَالَتْ فَخَبِّرْنِي عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ فَقَالَ لَيْسَ لَهَا أَنْ تَصُومَ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْنِي تَطَوُّعًا وَلَا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ عَلَيْهَا أَنْ تَطَيَّبَ بِأَطْيَبِ طَيِّبِهَا وَ تَلْبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهَا وَ تَزَيَّنَ بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا وَ تَعْرِضَ نَفْسَهَا عَلَيْهِ غُدْوَةً وَ عَشِيَّةً وَ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ حُقُوقُهُ عَلَيْهَا.

امام صادق (علیه السلام): زنی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد و گفت: یا رسول الله! حق مرد بر زن چیست؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: خیلی بیش از اینهاست! پس آن زن گفت: برخی از آنها را به من خبر دهید. پس فرمود: زن نمی تواند روزه (مستحبی) بگیرد مگر با اذن و اجازه شوهر. و از خانه اش بیرون نرود مگر با اذن شوهر. و وظیفه اوست که خود را [برای شوهر] به بهترین عطر معطر کند. و بهترین لباسش را بپوشد، و خود را به بهترین زینت بیاراید، و شب و روز خود را بر شوهر عرضه کند. و حقوق مرد بر زن خیلی بیشتر از اینهاست!

الکافی، ج ۵، ص ۵۰۸

الوافی، ج ۲۲، ص ۷۷۴ / وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۵۸

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع: إِنَّمَا الدُّنْيَا سِتَّةُ أَشْيَاءَ مَطْعُومٌ وَ مَشْرُوبٌ وَ مَلْبُوسٌ وَ مَرْكُوبٌ وَ مَنْكُوحٌ وَ مَشْمُومٌ فَأَشْرَفُ الْمَطْعُومَاتِ الْعَسَلُ وَ هِيَ مَذْقَةٌ ذُبَابِيَّةٌ وَ أَشْرَفُ الْمَشْرُوبَاتِ الْمَاءُ يَسْتَوِي فِيهِ الْبُرُّ وَ الْفَاجِرُ وَ أَشْرَفُ الْمَلْبُوسَاتِ الْحَرِيرُ وَ هُوَ نَسْجٌ دُودِيَّةٌ وَ أَشْرَفُ الْمَرْكُوبَاتِ الْخَيْلُ وَ عَلَيْهَا يُقْتَلُ الرَّجَالُ وَ أَشْرَفُ الْمَنْكُوحَاتِ النِّسَاءُ وَ هِيَ مَبَالٌ فِي مَبَالٍ وَ إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَزَيَّنُ أَحْسَنَ مَا فِيهَا وَ يُرَادُ أَفْبَحُ مَا فِيهَا وَ أَشْرَفُ الْمَشْمُومَاتِ هُوَ الْمِسْكُ وَ هُوَ بَعْضُ دَمٍ

امیرالمومنین (علیه السلام): دنیا شش چیز است: خوراکی، نوشیدنی، جامه، مرکوب، منکوح و بوئیدنی. بهترین خوراک عسل است که جویده حشره است. بهترین نوشابه آب است که نیک و بد در آن یکسانند. بهتر جامه حریر است که بافته کرم است. بهتر مرکوب اسب است که بر او مردم را کشند. و بهتر منکوح زن است که مبالی است در مبالی! و همانا زن خود را زینت می دهد به بهترین چیزها ولی بعد از آن بدترین عضو او اراده می شود. و بهتر بوئیدنی مشک است که خون جانور است.

مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۴۰

بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۲۴۰

۱/۱۷/۳. توصیه به زینت و آرایش دختران در هنگام ازدواج (مراسم عروسی)

وَمِنَ الْمَنَاقِبِ، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ وَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع وَ كُلِّ قَالُوا: ... ام سلمه: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ هَذَا أَحْوَكُ فِي الدُّنْيَا وَ ابْنُ عَمِّكَ فِي النَّسَبِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ يُحِبُّ أَنْ تُدْخَلَ عَلَيْهِ زَوْجَتَهُ فَاطِمَةَ ع وَ تَجْمَعَ بِهَا شَمْلَهُ فَقَالَ يَا أُمَّ سَلَمَةَ فَمَا بَالُ عَلِيٍّ لَا يَسْأَلُنِي ذَلِكَ فَقُلْتُ يَمْنَعُهُ الْحَيَاءُ مِنْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَتْ أُمَّ أَيَمَنَ فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ص انْطَلِقِي إِلَى عَلِيٍّ فَأْتِينِي بِهِ فَخَرَجْتُ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَإِذَا عَلِيٌّ يَنْتَظِرُنِي لِيَسْأَلَنِي عَنْ جَوَابِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَلَمَّا رَأَى قَالَ مَا وَرَاكَ يَا أُمَّ أَيَمَنَ قُلْتُ أَجِبْ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ ع فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ وَ فُئِمْنَ أَرْوَاجُهُ فَدَخَلْنَ الْبَيْتَ وَ جَلَسْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ مُطْرِقًا نَحْوَ الْأَرْضِ حَيَاءً مِنْهُ فَقَالَ أَتُحِبُّ أَنْ تُدْخَلَ عَلَيْكَ زَوْجَتُكَ فَقُلْتُ وَ أَنَا مُطْرِقٌ نَعَمْ فَذَاكَ أَبِي وَ أُمِّي فَقَالَ نَعَمْ وَ كَرَامَةً يَا أَبَا الْحَسَنِ أَدْخِلْهَا عَلَيْكَ فِي لَيْلَتِنَا هَذِهِ أَوْ فِي لَيْلَةٍ غَدٍ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَقُمْتُ فَرِحًا مَسْرُورًا وَ أَمَرَ (ص) أَرْوَاجَهُ أَنْ يُزَيِّنَ فَاطِمَةَ ع وَ يُطَيِّبُهَا وَ يُفْرَشَنَّ لَهَا بَيْتًا لِيُدْخِلْنَهَا عَلَيَّ بَعْلَهَا فَفَعَلْنَ ذَلِكَ ...

ام سلمه: یا رسول الله! این علی علیه السلام در دنیا برادر و پسر عموی تو می باشد. او دوست دارد که تو فاطمه را در اختیارش بگذاری تا با یک دیگر مانوس شوند. رسول اعظم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به ام سلمه فرمود: پس چرا علی این موضوع را با من در میان نمیگذارد؟ گفت: از شما خجالت میکشد. ام ایمن میگوید: پیغمبر خدا بمن فرمود: برو علی را نزد من بیاور. وقتی من بسراغ علی رفتم دیدم آن حضرت در انتظار من میباشد تا جواب رسول خدا را برایش بگویم. وقتی مرا دید فرمود: چه خبر؟ گفتم: پیامبر خدا تو را میخواهد. حضرت امیر می فرماید: هنگامی که من در محضر آن برگزیده خدا مشرف شدم زنان آن حضرت برخاستند و به حجره های خود رفتند. من در حالی بحضور رسول خدا نشستم که به زمین نگاه می کردم، زیرا از آن بزرگوار خجالت میکشیدم. پیغمبر خدا به من فرمود: آیا دوست داری که زوجهات را در اختیار بگذارم؟ من همان طور که بزمین می نگریدم گفتم: آری، پدر و مادرم به فدایت باد. فرمود: بسیار خوب، امشب یا فردا شب این خواسته تو بر آورده خواهد شد و من با یک دنیا خوشحالی برخاستم. سپس آن حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به زنان خود دستور داد: فاطمه را زینت و معطر نمائید، یک اطاق از برایش فرش کنید تا شوهرش نزد او بیاید.

كشف الغمة، ج، ۱، ص ۳۵۳ / بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳۱

وَ قَالَ صَاحِبُ الْكَامِلِ: فَلَمَّا بَلَغَهَا اجْتَمَعَ الْجَبَّارُونَ إِلَى بَلْعَمَ بْنِ بَاعُورَاءَ وَ هُوَ مِنْ وُلْدِ لُوطٍ ع فَقَالُوا لَهُ إِنَّ مُوسَى ع جَاءَ لِيُقْتَلَنَا وَ يُخْرِجَنَا مِنْ دِيَارِنَا فَادْعُ اللَّهَ عَلَيْهِمْ وَ كَانَ بَلْعَمُ يَعْرِفُ اسْمَ اللَّهِ الْأَعْظَمِ فَقَالَ



لَهُمْ كَيْفَ أَدْعُو عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَعَهُمُ الْمَلَائِكَةُ فَرَاغُوهُ فِي ذَلِكَ وَ هُوَ يَمْتَنِعُ عَلَيْهِمْ. فَأَتَوْا امْرَأَتَهُ وَ أَهْدَوْا لَهَا هَدِيَّةً وَ طَلَبُوا إِلَيْهَا أَنْ تُحْسِنَ لِرَوْحِهَا أَنْ يَدْعُوَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فَقَالَتْ لَهُ فِي ذَلِكَ فَا مْتَنِعْ فَلَمْ تَزَلْ بِهِ حَتَّى قَالَ أَسْتَخِيرُ رَبِّي فَاسْتَخَارَ اللَّهُ تَعَالَى فَفَنَاهَا فِي الْمَنَامِ فَأَخْبَرَهَا بِذَلِكَ فَقَالَتْ رَاجِعِ رَبِّكَ فَعَادَ الْإِسْتِخَارَةَ فَلَمْ يَرِدْ جَوَابٌ فَقَالَتْ لَوْ أَرَادَ رَبُّكَ لَنَهَاكَ وَ لَمْ تَزَلْ تَدْعُهُ حَتَّى أَجَابَهُمْ. فَكَرَبَ حِمَارًا لَهُ مُتَوَجِّهًا إِلَى جَبَلٍ يُشْرِفُ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ لِيَقِفَ عَلَيْهِ وَ يَدْعُوَ عَلَيْهِمْ فَمَا مَشَى عَلَيْهِ إِلَّا قَلِيلًا حَتَّى رَبِضَ الْحِمَارُ فَضْرَبَهُ حَتَّى قَامَ فَكَرَبَهُ فَسَارَ قَلِيلًا فَزَبَضَ فَفَعَلَ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. فَلَمَّا اشْتَدَّ ضَرْبُهُ فِي الثَّلَاثَةِ فَأَنْطَقَهَا اللَّهُ وَ يَحَاكَ يَا بَلْعَمُ أَيْنَ تَذْهَبُ أَمَا تَرَى الْمَلَائِكَةَ تَرُدُّنِي فَلَمْ يَرْجِعْ فَأَطْلَقَ اللَّهُ الْحِمَارَ حِينِيذٍ فَسَارَ حَتَّى أَشْرَفَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فَكَانَ كُلَّمَا أَرَادَ أَنْ يَدْعُوَ عَلَيْهِمْ يَنْصَرِفُ لِسَانَهُ إِلَى الدُّعَاءِ لَهُمْ وَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَدْعُوَ لِقَوْمِهِ انْقَلَبَ دُعَاؤُهُ عَلَيْهِمْ. فَقَالُوا لَهُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ هَذَا شَيْءٌ غَلَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ انْدَلَعَ لِسَانُهُ فَوَقَعَ عَلَى صَدْرِهِ فَقَالَ الْآنَ خَسِرْتُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ. وَ لَمْ يَبْقَ إِلَّا الْمَكْرُ وَ الْحِيلَةُ وَ أَمْرُهُمْ أَنْ يُزَيِّنُوا النِّسَاءَ وَ يُعْطُوهُنَّ السَّلْعَ لِلْبَيْعِ وَ يُرْسِلُوهُنَّ إِلَى الْعَسْكَرِ وَ لَا تَمْنَعُ امْرَأَةٌ نَفْسَهَا مِمَّنْ يُرِيدُهَا وَ قَالَ إِنْ زَنَى مِنْهُمْ رَجُلٌ وَاحِدٌ كُفَيْتُمُوهُمْ. فَفَعَلُوا ذَلِكَ وَ دَخَلَ النِّسَاءُ عَسْكَرَ بَنِي إِسْرَائِيلَ فَأَخَذَ زَمْرِيُّ بْنُ شَلُومَ وَ هُوَ رَأْسُ سِبْطِ شَمْعُونَ بْنِ يَعْقُوبَ امْرَأَةً وَ أَتَى بِهَا إِلَى مُوسَى ع فَقَالَ لَهُ أَظُنُّكَ تَقُولُ إِنَّ هَذَا حَرَامٌ فَوَاللَّهِ لَا نُطِيعُكَ ثُمَّ أَدْخَلَهَا خَيْمَةً فَوَقَعَ عَلَيْهَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الطَّاغُونَ.

صاحب (الكامل) می گوید: وقتی سپاه موسی به اریحا رسیدند، جبّاران گرد بلعم باعورا که از اولاد لوط (ع) بود اجتماع کردند و به او گفتند: موسی (ع) می خواهد بیاید و ما را به قتل برساند یا ما را از دیارمان خارج کند، پس تو او را نفرین کن، بلعم باعورا که به اسم اعظم آگاه بود، به آنها گفت: چگونه بر علیه پیامبر خدا و مؤمنین و ملائکه همراه ایشان دعا کنم، پس آنها بازگشتند و ناامید شدند. بعد به نزد همسر او رفتند و به او هدیه ای دادند و از او خواستند از همسرش خواهش کند تا بنی اسرائیل را نفرین کند، همسرش از او درخواست کرد و او باز هم امتناع کرد، اما آن زن آنقدر اصرار کرد که بلعم باعورا گفت: باید از پروردگارت استخاره کنم، سپس استخاره کرد، پروردگارش در عالم خواب او را از نفرین نهی کرد، بلعم ماجرا را به همسرش گفت، زن گفت: دوباره از پروردگارت طلب خیر کن، مجدداً استخاره کرد و این بار جوابی نگرفت، همسرش گفت: اگر پروردگارت می خواست تو را نهی می کرد، از آن پس آنقدر در گوش او نجوا کرد تا او را مجبور به اجابت قوم کرد، پس بلعم برخاست و سوار بر درازگوش شد تا به جانب کوهی برود که مشرف بر بنی اسرائیل بود تا در برابر آنها بایستد و به آنها نفرین کند، اما درازگوش اندکی راه رفت و ایستاد، بلعم او را تازیانه زد، دوباره اندکی راه رفت و ایستاد، بلعم باز هم او را تازیانه زد، و بار سوم حمار کمی حرکت کرد و ایستاد، وقتی برای بار سوم بلعم او را تازیانه زد، خداوند حمار را به سخن در آورد و به او گفت: وای



بر تو ای بلعم، به کجا می‌روی، آیا ملائکه را نمی‌بینی که ما را باز می‌گردانند؟ اما بلعم باز نگشت، ولی حمار بازگشت و به جانب بنی اسرائیل رفت، وقتی بلعم اراده کرد که بر بنی اسرائیل نفرین کند، خداوند زبان او را بازداشت و نتوانست، اما وقتی که خواست قوم خود را دعا کند، خداوند زبان او را منقلب کرد و آنها را نفرین نمود، به او گفتند: این چه کاری بود که کردی؟ بلعم گفت: این امری بود که خداوند جاری نمود، از آن پس زبانش تا روی سینه‌اش آویزان شد، آنگاه گفت: اکنون در دنیا و آخرت زیان کار شدم، پس جبار به چاره‌ای جز مکر و حيله ندیدند، لذا زنان خود را زینت کرده و آنها را برای خود فروشی به جانب سپاه بنی اسرائیل روان کردند و هیچ يك از آن زنها از هیچ مردی پروا نداشتند و خود را به آنها عرضه می‌کردند، با خود گفتند: اگر یکی از بنی اسرائیل زنا کند، این امر ما را کفایت می‌کند و خداوند دست از یاری آنها بر می‌دارد. وقتی زنان را وارد لشکر بنی اسرائیل کردند، مردی بنام (زمري بن شلوم) که سر کرده قبیله شمعون بن یعقوب بود، زن زیبایی را برداشت و او را به نزد موسی آورد و گفت: گمان کنم که تو می‌گویی این زن بر من حرام است، به خدا قسم از تو اطاعت نمی‌کنم، سپس آن زن را به خیمه برد و با او زنا کرد، در اثر این عمل خداوند بیماری طاعون را بر آنها مسلط نمود.

النور المبين في قصص الأنبياء والمرسلين (للجزائري)، ص ۳۱۴

۱/۱۷/۴. ممنوعیت زینت کردن زن برای غیر شوهر و بیرون از خانه

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ الْفَقِيهُ نَزِيلَ الرَّيِّ مُصَنَّفٌ هَذَا الْكِتَابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ أَرْضَاةُ رُوِي عَنْ شُعَيْبِ بْنِ وَقِيدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ - عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ص ... أَنْ تَخْرُجَ الْمَرْأَةُ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا فَإِنْ خَرَجَتْ لَعَنَهَا كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاءِ وَ كُلُّ شَيْءٍ تَمُرُّ عَلَيْهِ مِنَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا وَ نَهَى أَنْ تَتَزَيَّنَ لِغَيْرِ زَوْجِهَا فَإِنْ فَعَلَتْ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُحْرِقَهَا بِالنَّارِ ...

امام صادق (علیه السلام) از پدرانش از امیرالمومنین (علیه السلام): رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نهی فرمود که زن بی‌اجازه شوهر از خانه بیرون رود، و اگر برود همه ملائکه آسمانها و هر جن و انسی که این زن بر او بگذرد لعنتش کنند تا وقتی که بخانه باز گردد. و نهی فرمود که زن برای غیر شوهرش زینت کند و اگر کند بر خدا حق است که او را به آتش بسوزاند...

من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۶ / الأمالي (للصدوق)، ص ۴۲۳

سند امالی: حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَزِيدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْأَهْرَبِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو



و زَوِي: أَنَّ الْمَرْأَةَ تَسْتَحِقُّ عَذَابَ النَّارِ بِتَرْكِ تَغْطِيَةِ شَعْرِهَا مِنَ الرَّجَالِ، وَ أَدَى زَوْجِهَا، وَ إِضَاعِ غَيْرِ
أَوْلَادِهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ، وَ الْخُرُوجِ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِهِ، وَ التَّرْتِيبِ لِلنَّاسِ، وَ قَدَارَةَ الْوُضُوءِ وَ الثِّيَابِ، وَ تَرْكِ
الْغُسْلِ مِنَ الْجَنَابَةِ وَ الْحَيْضِ، وَ تَرْكِ التَّنْظِيفِ، وَ التَّهَاؤُنِ بِالصَّلَاةِ، وَ أَنْ تَلِدَ مِنَ الزَّنَا فَتَعَلَّقَهُ فِي عُنُقِ
زَوْجِهَا، وَ أَنْ تُعَرِّضَ نَفْسَهَا عَلَى الرَّجَالِ، وَ الْقِيَادَةَ، وَ التَّمِيمَةَ، وَ الْكُذْبَ، وَ النَّبَاحَةَ، وَ الْحَسَدَ، وَ قَالَ
عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَيَلُّ لِمَرْأَةٍ أَغْضَبَتْ زَوْجَهَا، وَ طُوبَى لِمَرْأَةٍ يَرْضَى عَنْهَا زَوْجَهَا.

روایت شده است که: زن مستحق عذاب جهنم می‌گردد با: پوشاندن موی خود از مردان، و اذیت همسر، و شیردادن به غیر اولادش بدون اذن شوهر، و خارج شدن از خانه بدون اذن شوهر، و زینت کردن برای مردم، و کثیفی وضو و لباس، و ترک غسل جنابت و حیض، و ترک نظافت و پاکیزگی، و سبک شمردن نماز، و اینکه فرزندی از زنا به دنیا آورد و آن را به گردن شوهرش بیندازد!، و اینکه خود را در معرض مردان قرار دهد، و قیادت، و سخن چینی، و دروغ‌گویی، و نوحه سرایی (آوازه خوانی)، و حسادت. حضرت فرمود: وای بر زنی که شوهر خود را غضبناک کند، و خوشا به حال زنی که شوهرش از او راضی باشد.

هدایة الأمة (شیخ حر عاملی)، ج ۷، ص ۸۷

عن النبی ص: مثل الراقلة فی الزینة من غیر أهلها کمثل ظلمة یوم القیامة لا نور لها.
رسول خدا (صلی الله علیه و آله): حکایت زنی که در زینت خویش برون خانه، دامن‌کشان رود چون ظلمتی است در روز قیامت که نور ندارد.

نهج الفصاحة، ص ۷۱۶

عن النبی ص: أَيْمًا رَجُلٍ رَضِيَ بِتَرْيُّنِ امْرَأَتِهِ وَ تَخْرُجَ مِنْ بَابِ دَارِهَا فَهِيَ دَيْوُثٌ وَ لَا يَأْتُمُّ مَنْ يُسَمِّيهِ
دَيْوُثًا وَ الْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَابِ دَارِهَا مُتَزَيِّنَةً مُتَعَطَّرَةً وَ الزَّوْجُ بِذَلِكَ رَاضٍ بِنِي لَزَوْجِهَا بِكُلِّ قَدَمٍ
بَيْتٌ فِي النَّارِ ... أَحْفَظُوا وَصِيَّتِي فِي أَمْرِ نِسَائِكُمْ حَتَّى تَتَّجُوا مِنْ شِدَّةِ الْحِسَابِ وَ مَنْ لَمْ يَحْفَظْ وَصِيَّتِي
فَمَا أَسْوَأَ حَالَهُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَعَالَى.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر مردی که راضی است همسرش خود را بیاراید و از خانه بیرون برود، آن مرد، دیوث است، و هر که او را دیوث بنامد، گناه نکرده است. هرگاه زن، آرایش کنان و عطرزنان، از خانه‌اش خارج شود و شوهرش به این کار او راضی باشد، به ازای هر



قدمی که بر می‌دارد، برای شوهر او، خانه‌ای در جهنم بنا می‌شود! ... وصیت مرا در مورد زنانتان حفظ کنید تا اینکه از شدت حساب [در روز قیامت] نجات یابید و هر کس وصیت مرا حفظ نکند پس چه حال بدی خواهد داشت در پیشگاه خداوند متعال!

جامع الأخبار (للشعیری)، ص ۱۵۸

بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۹

۱/۱۷/۴/۱. آیه ۳۱ از سوره مبارکه نور: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا...»

سوره مبارکه نور، آیه ۳۱: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِزْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

[ای پیامبر!] به زنان خود بگو که چشمان خود را [از هر نامحرمی] فروبندازند (از خیره نگاه کردن به نامحرم بپرهیزند) و پاکدامنی ورزند و زینت‌های خود را آشکار نکنند، مگر آنچه از آن ظاهر است و روسری خود را بر گردن خویش ببندازند و زینت‌های خود را ظاهر نساازند جز برای: شوهران، پدران، پدرشوهران، پسران خود، پسران شوهر، برادران، پسران برادر و پسران خواهر، زنان و کنیزان خود (حتی اگر مسلمان نباشند) و خدمتکاران مردی که میل جنسی ندارند (مردان خواجه یا خنثا که مطلقاً آلت رجولیت ندارند و یا مردان ابلهی که به هیچ وجه، میل جنسی ندارند، یا پیرمردانی که میل جنسی در آنها خاموش شده) و کودکانی که بر عورت‌های زنان، وقوف حاصل نکرده‌اند، و پاهای خود را بر زمین نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند، معلوم گردد. ای مؤمنان! همگی به درگاه خدا توبه کنید. امید است که رستگار شوید).

۱/۱۷/۴/۲. تفسیر آیه «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ، وَ فِي رِوَايَةِ أَبِي الْجَارُودِ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ ع: فِي قَوْلِهِ: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» فَهِيَ الثِّيَابُ وَالْكُحْلُ وَالْخَاتَمُ وَخِصَابُ الْكَفِّ وَالسَّوَارِ وَالزَّيْنَةُ ثَلَاثُ زِينَةٍ لِلنَّاسِ وَزِينَةٌ لِلْمَحْرَمِ وَزِينَةٌ لِلزَّوْجِ فَأَمَّا زِينَةُ النَّاسِ فَقَدْ ذَكَرْنَا^{۱۳۶} وَأَمَّا زِينَةُ الْمَحْرَمِ فَمَوْضِعُ الْقِلَادَةِ فَمَا فَوْقَهَا وَالدَّمْلَجِ وَمَا دُونَهُ وَالْحَلْحَالَ وَمَا أَسْفَلَ مِنْهُ وَأَمَّا زِينَةُ الزَّوْجِ فَالْجَسَدُ كُلُّهُ.

۱۳۶. هَارُونَ بْنُ مُسْلِمٍ عَنِ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ قَالَ: سَمِعْتُ جَعْفَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ سُئِلَ عَمَّا تُظْهِرُ الْمَرْأَةُ مِنْ زِينَتِهَا؟ قَالَ الْوَجْهَ وَالْكَفَّيْنِ.



علی بن ابراهیم در تفسیرش: از امام باقر (علیه السلام) در مورد قول خداوند متعال که فرمود «و زنان زینت‌های خود را آشکار نکنند، مگر آنچه ظاهر است» مراد لباس‌ها و سُرمه و انگشتر و خضاب دست و دستبند است. زینت سه‌گونه است: ۱. زینت برای مردم ۲. زینت برای محرم ۳. زینت برای شوهر. اما زینت برای مردم؛ پس ذکر کردیم. و اما زینت برای محرم: جایگاه گردنبند به بالا، و بازوبند به پایین، و خلخال و پایین‌تر از آن. و اما زینت برای شوهر: تمام بدن است.

تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۰۱

مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۷۵ / بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۳۳ / تفسیر کنز الدقائق، ج ۹، ص ۲۸۳

۱/۱۷/۵. توصیه به بلند نگاه داشتن ناخن به زنان (بخاطر زینت بیشتر بودن)

عَلِيُّ بْنُ اِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: لِلرِّجَالِ قُصُّوا أَظْفِيرَكُمْ وَ لِلنِّسَاءِ ائْتَرِكْنَ فَإِنَّهُ أَزِينُ لَكُنَّ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مردان فرمود: ناخن‌هایتان را کوتاه کنید، و به زنان فرمود: ناخن‌هایتان را بلند بگذارید که بر زینت شما می‌افزاید.

الکافی، ج ۶، ص ۴۹۲ / مکارم الأخلاق، ص ۶۵

وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۳۴

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: لِلرِّجَالِ قُصُّوا أَظْفِيرَكُمْ وَ لِلنِّسَاءِ ائْتَرِكْنَ مِنْ أَظْفَارِكُنَّ فَإِنَّهُ أَزِينُ لَكُنَّ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مردان فرمود: ناخن‌هایتان را کوتاه کنید، و به زنان فرمود: برخی از آنها را بلند بگذارید که بر زینت شما می‌افزاید.

مکارم الأخلاق، ص ۶۶

وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۳۴ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۲۳

از امام صادق (علیه السلام) در مورد اینکه زن چه مقدار از زینت خود را [در مقابل نامحرمان] می‌تواند ظاهر کند؟ فرمود: صورت و دو دست (از مُج تاسر انگشتان).

قرب الإسناد، ص ۸۲

وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۲۰۲ / بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۳۳



۱/۱۷/۶. ممنوعیت زینت (تا ۴ ماه و ۱۰ روز) برای زنی که همسرش از دنیا رفته است

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا لَيْسَ لَهَا أَنْ تَطَيَّبَ وَلَا تَزَيَّنَّ حَتَّى تَنْقُضِيَ عِدَّتَهَا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرَةَ أَيَّامٍ.

امام صادق (علیه السلام): زنی که شوهرش فوت کرده، نباید عطر بزند و خود را زینت کند تا اینکه عده او (که چهار ماه و ده روز است) به پایان برسد.

الکافی، ج ۶، ص ۱۱۷

الوافی، ج ۲۳، ص ۱۲۱۸ / وسائل الشیعة، ج ۲۲، ص ۲۳۴

وَعَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع أَنَّهُ قَالَ: لَا تَلْبَسُ الْحَادُّ ثِيَابًا مُصَبَّغَةً وَلَا تَكْتَحِلُ وَلَا تَطَيَّبُ وَلَا تَزَيَّنُّ حَتَّى تَنْقُضِيَ عِدَّتَهَا وَلَا بَأْسَ أَنْ تَلْبَسَ ثَوْبًا مَصْبُوعًا بِسَوَادٍ.

امام صادق (علیه السلام): زنی که همسرش از دنیا رفته، لباس رنگی نپوشد، سُرمه نکشد، خود را معطر نکند، و زینت نکند تا اینکه عده اش تمام شود. و اشکالی ندارد که لباسی که رنگ شده به رنگ سیاه است بپوشد.

دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۹۱

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۳۶۰

وَرُوينا عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ ع أَنَّهُ قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ص الْحَادُّ أَنْ تَمْتَشِطَ أَوْ تَكْتَحِلَ أَوْ تَخْتَضِبَ أَوْ تَزَيَّنَّ حَتَّى تَنْقُضِيَ عِدَّتَهَا وَنَهَى أَنْ تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا نَهَاراً وَلَا تَبِيْتُ عَنْ بَيْتِهَا فَإِنْ عَرَضَ لَهَا حَقٌّ خَرَجَتْ بَعْدَ زَوَالِ اللَّيْلِ وَرَجَعَتْ عِنْدَ الْمَسَاءِ وَلَا تَبِيْتُ عَنْ بَيْتِهَا حَتَّى تَنْقُضِيَ عِدَّتَهَا.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) زنی که همسرش از دنیا رفته را نهی فرمودند که شانه بر سر بکشد، یا سُرمه بکشد، یا خضاب کند، یا زینت کند تا اینکه عده اش تمام شود...

دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۹۱

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۳۶۰

حُمَيْدٌ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنِ ابْنِ رَبَاطٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا قَالَ: لَا تَكْتَحِلُ لِلزَّيْنَةِ وَلَا تَطَيَّبُ وَلَا تَلْبَسُ ثَوْبًا مَصْبُوعًا وَلَا تَخْرُجُ نَهَاراً وَ



لَا تَبِيْتُ عَنْ بَيْتِهَا قُلْتُ أَرَأَيْتَ إِنْ أَرَادَتْ أَنْ تَخْرُجَ إِلَى حَقِّ كَيْفَ تَصْنَعُ قَالَ تَخْرُجُ بَعْدَ نِصْفِ اللَّيْلِ وَ تَرْجِعُ عِشَاءً.

الكافي، ج ۶، ص ۱۱۶

تهذيب الأحكام، ج ۸، ص ۱۵۹ / الإستبصار فيما اختلف من الأخبار، ج ۳، ص ۳۵۳

وسائل الشيعة، ج ۲۲، ص ۲۳۳ / الوافي، ج ۲۳، ص ۱۲۱۸

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبَانَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُ عَنْ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجَهَا فَقَالَ لَا تَكْتَحِلُ لِلزَّيْنَةِ وَلَا تَطْيِبُ وَلَا تَلْبَسُ ثَوْبًا مَصْبُوغًا وَلَا تَبِيْتُ عَنْ بَيْتِهَا وَ تَقْضِي الْحُقُوقَ وَ تَمْتَشِطُ بِغَسَلَةٍ وَ تَحُجُّ وَ إِنْ كَانَتْ فِي عِدَّتِهَا.

الكافي، ج ۶، ص ۱۱۶ / تهذيب الأحكام، ج ۸، ص ۱۵۹

الوافي، ج ۲۳، ص ۱۲۱۷ / وسائل الشيعة، ج ۲۲، ص ۲۳۳

۱/۱۷/۷. امنیت زنان (و زینت آنها) بعد از ظهور

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدِ الْيَقُطِينِيِّ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَنْبَاءَ بَابِ مِمَّا يُصْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ قَالَ ع: ... وَ لَوْ قَدْ قَامَ فَائِمُنَا لِأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ لَدَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَ عَلَى رَأْسِهَا زِينَتَهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَعٌّ وَ لَا تَخَافُهُ

حدیث اربعماه: امیرالمومنین (علیه السلام): ... و اگر قائم ما (ع) قیام نماید آسمان بارانش را بیارد و زمین گیاهش را برویاند و کینه از دل بندگان زدوده شود و درندگان و چهارپایان با یک دیگر در صلح و آشتی بوده، تا آنجا که زنی از عراق تا شام راه بیفتد و جز بر سبزه‌زاران گام ننهد و زیور و زینت خود را بر سر داشته شد، هیچ درنده‌ای او را به هیجان نیاورده و او از هیچ چیزی نترسد.

الخصال، ج ۲، ص ۶۲۶ / تحف العقول، ص ۱۱۵ (فیه: زنیله‌ها بدل زینت‌ها)

نوادر الأخبار (للفیض)، ص ۲۷۸ / بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶

۱/۱۷/۸. مذمت آراستن زنان برای مردان (یکی از علائم آخرالزمان)

قَالَ النَّبِيُّ ص: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ أَمْرَاؤُهُمْ يَكُونُونَ عَلَى الْجَوْرِ وَ عُلَمَاؤُهُمْ عَلَى الطَّمَعِ وَ عَبَادُهُمْ عَلَى الرِّبَا وَ تُجَارُهُمْ عَلَى أَكْلِ الرِّبَا وَ نِسَاؤُهُمْ عَلَى زِينَةِ الدُّنْيَا وَ غِلْمَانُهُمْ فِي التَّرْوِيجِ فَعِنْدَ ذَلِكَ



كَسَادُ أُمَّتِي كَكَسَادِ الْأَسْوَاقِ وَ لَيْسَ فِيهَا مُسْتَقِيمٌ الْأَمْوَاتُ آسُونَ فِي قُبُورِهِمْ مِنْ خَيْرِهِمْ وَ لَا يَعِيشُونَ الْأَحْيَاءُ فِيهِمْ فَعِنْدَ ذَلِكَ الزَّمَانِ الْهَرَبُ خَيْرٌ مِنَ الْقِيَامِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): می‌آید زمانی بر امت من که امراء ایشان باشند بر جور و عالمان ایشان بر طمع و عابدان ایشان بر ریا و تاجران ایشان بر خوردن سود و ربا و زنان ایشان بر زینت دنیا و پسران ایشان در تزویج پس نزد این کساد امت من مانند کساد بازارها است و نیست در میان ایشان هیچ راستی مردگان ایشان ناامیدند در قبرهای خود از خیر خود و زندگانی نمیکنند نیکان در میان ایشان پس بدرستی که در این زمان گریختن بهتر است از ایستادن

جامع الأخبار (للشعيري)، ص ۱۳۰

بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۴۵۴ / مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۶

۱/۱۸. مذمت زینت کردن مردان شبیه زنان! (از علائم آخر الزمان)

رَوَى جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: ... يُعَامِلُ الشُّرَكَاءَ بِالْخِيَانَةِ وَ قَلَّ الْوَفَاءُ وَ شَاعَ الزَّنَاءُ وَ تَزَيَّنَ الرَّجَالُ بِثِيَابِ النِّسَاءِ وَ ذَهَبَ عَنْهُمْ قِنَاعُ الْحَيَاءِ ...

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ... [در آخر الزمان] مردان خود را با لباس و پوشش زنان زینت و آرایش می‌کنند و پوشش حیا از آنان رخت برمی‌بندد ...

جامع الأخبار (للشعيري)، ص ۱۴۱

بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۶۳

الْحَسَنُ الطَّبْرِسِيُّ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ: عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ عَنِ النَّبِيِّ ص فِي وَصِيَّةٍ طَوِيلَةٍ قَالَ: سَيَأْتِي أَقْوَامٌ يَأْكُلُونَ طَيِّبَ الطَّعَامِ وَ أَلْوَانَهَا وَ يَرْكَبُونَ الدَّوَابَّ وَ يَتَزَيَّنُونَ بِزِينَةِ الْمَرْأَةِ لِزَوْجِهَا وَ يَتَبَرَّجُونَ تَبَرُّجَ النِّسَاءِ وَ زِينَتَهُنَّ مِثْلَ زِيِّ الْمُلُوكِ الْجَبَابِرَةِ هُمْ مُنَافِقُو هَذِهِ الْأُمَّةِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ شَارِبُونَ بِالشَّهَوَاتِ لَاعِبُونَ بِالْكَعَابِ رَاكِبُونَ الشَّهَوَاتِ تَارِكُونَ الْجَمَاعَاتِ رَافِدُونَ عَنِ الْعَتَمَاتِ مُفَرِّطُونَ فِي الْعَدَوَاتِ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا».

ابن مسعود گوید: رسول خدا (ص) در ضمن حدیث طویلی فرمود: به زودی مردمی بیایند که طعام‌های پاکیزه و رنگارنگ خورند، به مرکبها سوار شوند، و خود را همانند زنی که برای همسرش خود را می‌آراید خویشتن را آرایش می‌کنند و همانند زنان زینت خود را به دیگران می‌نمایانند و به مانند پادشاهان ستمگر رفتار می‌کنند، آنان منافقان این امت در آخر الزمان هستند، خورندگان قهوه (نام نوعی از شراب) باشند، با مهره‌ها نرد بازی کنند (قمار کنند)، در پی شهوات باشند،



نمازهای جماعت را ترك نمایند، در دل شب به خواب غفلت روند، و در روز در پی شهوت و افراط باشند، و اینجاست که خداوند می‌گوید: پس جانشین شدند از پس ایشان نسلی که تباه کردند نماز را و پیروی کردند شهوات را، پس زود باشد برسند به شرّ و گمراهی.

مکارم الأخلاق، ص ۴۴۹

وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۳۴۳ / هداية الأمة، ج ۸، ص ۲۴۰

۱/۱۹. معنای مروّت (زینت کردن به خوبیها و دوری از زشتی‌ها)

عن علیّ ع: خَصَلْتَانِ فِيهِمَا جَمَاعُ الْمُرْوَةِ: اجْتِنَابُ الرَّجُلِ مَا يَشِينُهُ، وَ اِكْتِسَابُهُ مَا يَزِينُهُ.

امام علی (علیه السلام): دو ویژگی است که در آنها تمام مروّت جمع شده است: دوری گزیدن از آنچه باعث ننگ و عیب انسان است، و کسب کردن آنچه او را زینت دهد.

غرر الحکم، ص ۳۶۳

عن علیّ ع: الْمُرْوَةُ اجْتِنَابُ الْمَرْءِ مَا يَشِينُهُ وَ اِكْتِسَابُهُ مَا يَزِينُهُ.

امام علی (علیه السلام): مروّت [در دو چیز است]: دوری گزیدن از آنچه باعث ننگ و عیب انسان است، و کسب کردن آنچه او را زینت دهد.

غرر الحکم، ص ۹۷

۱/۲۰. آراستن بهشت در ماه رمضان

حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْأَحْمَدَانِيِّ الْأَسْوَارِيُّ الْفَقِيهِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مَكِّيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ سَعْدَوَيْهِ الْبُرُوعِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْفَقِيهِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَمْرٍو يَعْقُوبُ بْنُ يُوْسُفَ الْقَزْوِينِيُّ بِبَغْدَادَ قَالَ أَبُو الْقَاسِمِ بْنُ الْحَكَمِ الْعَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا هَاشِمُ بْنُ الْوَلِيدِ عَنْ حَمَادِ بْنِ سُلَيْمَانَ السَّدُوسِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا شَيْخٌ يُكْنَى أَبُو الْحَسَنِ عَنِ الضَّحَّاكِ بْنِ مُرَاحِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ: إِنَّ الْجَنَّةَ لَتُحْبَرُ وَ تُزَيَّنُ مِنَ الْحَوْلِ إِلَى الْحَوْلِ لِدُخُولِ شَهْرِ رَمَضَانَ ...

فضائل الأشهر الثلاثة (شيخ صدوق)، ص ۱۲۶ / الأمالي (للمفيد)، ص ۲۳۰

الإقبال بالأعمال الحسنة، ج ۱، ص ۲۴

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ شَبَابَةَ الْفَارِسِيِّ الْمَاوَرِدِيُّ بِعَدَنَ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ بْنِ عَمْرٍو الْيَمَامِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ): أُعْطِيَتْ أُمَّتِي فِي شَهْرِ رَمَضَانَ حَمْسًا لَمْ تُعْطَهَا أُمَّةٌ نَبِيٍّ قَبْلِي: إِذَا كَانَ أَوَّلُ يَوْمٍ مِنْهُ نَظَرَ اللَّهُ (عَزَّ وَ جَلَّ) إِلَيْهِمْ، فَإِذَا نَظَرَ اللَّهُ (عَزَّ وَ جَلَّ) إِلَى شَيْءٍ لَمْ يُعَذِّبْهُ بَعْدَهَا، وَ حُلُوفُ



أَفْوَهِهِمْ حِينَ يُمَسُونَ أَطْيَبَ عِنْدَ اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ، وَتَسْتَغْفِرُ لَهُمُ الْمَلَائِكَةُ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ مِنْهُ، وَيَأْمُرُ اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ) جَنَّتَهُ فَيَقُولُ: تَزَيَّنِي لِعِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ، يُوْشِكُ أَنْ يَسْتَرِيحُوا مِنْ نَصَبِ الدُّنْيَا وَأَذَاهَا إِلَى جَنَّتِي وَ كَرَامَتِي، فَإِذَا كَانَ آخِرَ لَيْلَةٍ مِنْهُ غَفَرَ اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ) لَهُمْ جَمِيعاً.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): خداوند در روز اول ماه رمضان به بهشت امر می فرماید که خود را برای بندگان مومن من زینت ده ...

الأمالی (للطوسی)، ص ۴۹۶

وسائل الشيعة، ج ۱۰، ص ۳۱۷ / بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۶۸

و رُوِيَ أَنَّ اللَّهَ جَلَّ وَ عَزَّ يَصْرِفُ السُّوءَ وَ الْفَحْشَاءَ وَ جَمِيعَ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ فِي اللَّيْلَةِ الْخَامِسَةِ وَ الْعِشْرِينَ عَنْ صَوَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ يُعْطِيهِمُ الثُّورَ فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ وَ أَنَّ الْجَنَّةَ تُزَيَّنُ فِي يَوْمِهِ وَ لَيْلَتِهِ.

روایت شده که: خداوند متعال سوء و فحشاء و جمیع انواع بلاء را در شب ۲۵ از روزه داران ماه مبارک رمضان برمی دارد، سپس به گوش ها و چشم های آنان نور می بخشد و بهشت را در شب و روز ۲۵ ماه رمضان زینت می دهد.

الدعوات (للراوندي)، ص ۲۰۷

بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۵

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ الْمُعَاذِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمَرْزُوقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِيَّاشٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَاصِمِ الْوَاسِطِيِّ قَالَ أَخْبَرَنِي عَطَاءُ بْنُ سَائِبٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَ وَ قَدْ تَذَكَّرَ أَصْحَابُهُ عِنْدَهُ فَضَائِلَ شَعْبَانَ فَقَالَ: شَهْرٌ شَرِيفٌ وَ هُوَ شَهْرِي وَ حَمَلَةٌ الْعَرْشِ تُعْظَمُهُ وَ تَعْرِفُ حَقَّهُ وَ هُوَ شَهْرٌ تَزَادُ فِيهِ أَرْزَاقُ الْمُؤْمِنِينَ كَشَهْرِ رَمَضَانَ وَ تُزَيَّنُ فِيهِ الْجَنَّةُ وَ إِنَّمَا سُمِّيَ شَعْبَانٌ لِأَنَّهُ يَنْسَعِبُ فِيهِ أَرْزَاقُ الْمُؤْمِنِينَ وَ هُوَ شَهْرُ الْعَمَلِ فِيهِ مُضَاعَفُ الْحَسَنَةِ بِسَبْعِينَ وَ السَّيِّئَةِ مُحْطُوطَةٌ وَ الذَّنْبُ مَغْفُورٌ وَ الْحَسَنَةُ مَقْبُولَةٌ ...

الأمالی (للسدوق)، ص ۲۳ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۶۲

سند ثواب الاعمال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمَرْزُوقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَبَّاسٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ عَامِرِ الْوَاسِطِيِّ قَالَ

أَخْبَرَنِي عَطَاءُ بْنُ سَائِبٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَامِرٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَ

فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۴۶

سند فضائل: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ الْمُعَاذِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا

الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمَرْزُوقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَاصِمِ الْوَاسِطِيِّ قَالَ أَخْبَرَنِي عَطَاءُ بْنُ سَائِبٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ

عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ



إقبال الأعمال، ج ۲، ص ۶۸۴ / روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۰۳ / زاد المعاد، ص ۴۴
وسائل الشيعة، ج ۱۰، ص ۴۹۸ / بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۶۹

۱/۲۱. توصیه به زینت در روز غدیر

فَسِنَدٍ مُّعْتَبَرٍ عَنِ الْإِمَامِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ زُفَّتْ أَرْبَعَةُ أَيَّامٍ إِلَى اللَّهِ كَمَا تُزْفُ الْعُرُوسُ إِلَى خَدْرِهَا قَبْلَ مَا هَذِهِ الْأَيَّامُ قَالَ يَوْمُ الْأَضْحَى وَ يَوْمُ الْفِطْرِ وَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمُ الْغَدِيرِ وَ إِنَّ يَوْمَ الْغَدِيرِ بَيْنَ الْأَضْحَى وَ الْفِطْرِ وَ الْجُمُعَةِ كَالْقَمَرِ بَيْنَ الْكَوَاكِبِ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي نَجَا فِيهِ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلُ مِنَ النَّارِ فَصَامَهُ شُكْرًا لِلَّهِ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ بِهِ الدِّينَ فِي إِقَامَةِ النَّبِيِّ عَ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عُلَمَاءَ وَ أَبَانَ فَضِيلَتَهُ وَ وَصَاءَتَهُ فَصَامَ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَ إِنَّهُ لَيَوْمُ الْكَمَالِ وَ يَوْمُ مَرْغَمَةِ الشَّيْطَانِ وَ يَوْمُ تَقْبُلِ أَعْمَالِ الشَّيْخَةِ وَ مُجَبِّي آلِ مُحَمَّدٍ ... فَمَنْ تَزَيَّنَ لِيَوْمِ الْغَدِيرِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ كُلَّ خَطِيئَةٍ عَمَلَهَا صَغِيرَةً أَوْ كَبِيرَةً وَ بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَائِكَةً يَكْتُبُونَ لَهُ الْحَسَنَاتِ وَ يَرْفَعُونَ لَهُ الدَّرَجَاتِ إِلَى قَابِلٍ مِثْلِ ذَلِكَ الْيَوْمِ فَإِنْ مَاتَ مَاتَ شَهِيدًا وَ إِنْ عَاشَ عَاشَ سَعِيدًا ...

إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۴۶۴ / زاد المعاد، ص ۲۰۴

۱/۲۲. آراستن بهشت بخاطر امام حسن و حسین (علیهما السلام) در روز قیامت!

وَ مِمَّا قَالَهُ النَّبِيُّ ص فِي فَضْلِ عَلِيٍّ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: ثُمَّ قَالَ ص إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يُزَيَّنُ الْعَرْشُ بِكُلِّ زِينَةٍ ثُمَّ يُؤْتَى بِمَنْبَرَيْنِ مِنْ نُورٍ طُولُهُمَا مِائَةَ مِيلٍ فَيُوضَعُ أَحَدُهُمَا عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ وَ الْآخَرُ عَنْ يَسَارِ الْعَرْشِ ثُمَّ يُؤْتَى بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَ فَيَقُومُ الْحَسَنُ عَ عَلَى أَحَدِهِمَا وَ الْحُسَيْنُ عَ عَلَى الْآخَرِ يُزَيَّنُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِهِمَا عَرْشَهُ كَمَا تُزَيَّنُ الْمَرْأَةُ قُرْطَاهَا.

ابن عمر از رسول خدا روایت میکنند که فرمود: موقعی که روز قیامت شود عرش پروردگار را زینت میکنند. آنگاه دو منبر از نور میاورند که طول آنها: صد میل است. یکی از آنها را طرف راست عرش و دیگری را طرف چپ عرش میگذارند. سپس حسن و حسین علیهما السلام را میاورند. حسن بر فراز یکی از آن منبرها و حسین بر فراز دیگری خواهند رفت و خدای سبحان عرش خود را بوسیله آنان آنچنان زینت میکند که زن گوشواره‌های خود را زینب نماید.

الفضائل (لابن شاذان القمي)، ص ۱۱

بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۶۱

رُوي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُزَيِّنُ بِهِمَا جَنَّتَهُ كَمَا تُزَيَّنُ الْمَرْأَةُ بِقُرْطَيْهَا. وَ فِي خَبَرٍ آخَرَ: يُزَيِّنُ اللَّهُ بِهِمَا عَرْشَهُ.

معاني الأخبار، ص ۲۰۶

بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۴۲



قَالَ ص: إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ زُيِّنَ عَرْشُ رَبِّ الْعَالَمِينَ بِكُلِّ زَيْنَةٍ تُمُّ يُؤْتَى بِمُنْبَرَيْنِ مِنْ نُورٍ طَوْلُهُمَا مِائَةٌ مِيلٌ فَيُوضَعُ أَحَدُهُمَا عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ وَالْآخَرُ عَنْ يَسَارِ الْعَرْشِ تُمُّ يُؤْتَى بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَ يُزَيَّنُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهِمَا عَرْشَهُ كَمَا تُزَيَّنُ الْمَرْأَةُ قَرطِهَا.

روضه الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، ص ۱۵۷

مناقب آل ابي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب)، ج ۳، ص ۳۹۶

سَلِمَانُ بْنُ أَحْمَدَ الطَّبْرَانِيِّ وَالْقَاضِي أَبُو الْحَسَنِ الْجَزَّاحِيُّ وَأَبُو الْفَتْحِ الْحَقَّارُ وَالْكِشِيرِي وَ الْقَاضِي التَّنْزِيُّ بِأَسَانِيدِهِمْ عَنْ عُقْبَةَ عَنْ عَامِرِ الْجُهَنِيِّ وَأَبِي دُجَانَةَ وَ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَنَفَا الْعَرْشِ. وَ فِي رِوَايَةٍ: وَ لَيْسَا بِمُعَلَّقَيْنِ. وَإِنَّ الْجَنَّةَ قَالَتْ يَا رَبَّ أَسْكَنْتَنِي الضُّعَفَاءَ وَ الْمَسَاكِينَ فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى أَلَا تَرْضَيْنِ أَنِّي زَيَّنْتُ أَرْكَانَكَ بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَمَا سَتَ كَمَا تَمِيسُ الْعُرُوسُ فَرَحًا.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): حسن و حسین دو گوشوار عرش می باشند، بهشت میگوید: پروردگارا! تو بینوایان و فقراء را در میان من مسکن دادی؟ خدای علیم در جوابش میفرماید: آیا تو راضی نیستی که ارکان تو را به وسیله حسن و حسین زینت داده ام. بهشت پس از این مژده مسرور و خوشحال شد.

مناقب آل ابي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب)، ج ۳، ص ۳۹۵ / الإرشاد، ج ۲، ص ۱۲۷

كشف الغمة، ج ۲، ص ۶ / روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۶۶ / إعلام الوری، ص ۲۲۱

بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۹۲

فِي رِوَايَةٍ أَبِي لَهَيْعَةَ الْمِصْرِيِّ قَالَ: سَأَلَتِ الْجَنَّةُ رَبَّهَا أَنْ يُزَيَّنَ رُكْنًا مِنْ أَرْكَانِهَا فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهَا أَنِّي قَدْ زَيَّنْتُكَ بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَزَادَتْ الْجَنَّةُ سُرُورًا بِذَلِكَ.

مناقب آل ابي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب)، ج ۳، ص ۳۹۶

بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۹۳

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ [حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الشَّاهِ الْفَقِيهَ الْمَرْوَزِيَّ بِمَرْوَرِدٍ فِي دَارِهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ التَّيْسَابُورِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرِ بْنِ سَلِيمَانَ الطَّائِيَّ بِالْبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي فِي سَنَةِ سِتِّينَ وَ مِائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَاعِ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَ تِسْعِينَ وَ مِائَةٍ وَ حَدَّثَنَا أَبُو مَنْصُورٍ أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ بَكْرِ الْخُورِيِّ بِنَيْسَابُورٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمَ بْنُ هَازُونَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْخُورِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ زِيَادٍ الْفَقِيهَ الْخُورِيِّ



بَنِيْسَابُورَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْهَرَوِيُّ الشَّيْبَانِيُّ عَنِ الرَّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى ع وَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْثَانِيُّ الرَّازِيُّ الْعَدْلُ بِنَلْخ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَهْرَوَيْهِ الْقَرْوِينِيُّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سُلَيْمَانَ الْفَرَّاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ: [قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: أَتَانِي مَلَكٌ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ يُفَرِّتُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ قَدْ زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ فَرَوَّجَهَا مِنْهُ وَ قَدْ أَمَرْتُ شَجْرَةَ طُوبَى أَنْ تَحْمِلَ الدَّرَّ وَ الْيَاقُوتَ وَ الْمَرْجَانَ وَ إِنَّ أَهْلَ السَّمَاءِ قَدْ فَرَّحُوا بِذَلِكَ وَ سَيُولَدُ مِنْهُمَا وَلَدَانِ سَيَدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ بِهِمَا تَتَزَيَّنُّ أَهْلُ الْجَنَّةِ فَأَبْشِرْ يَا مُحَمَّدُ فَإِنَّكَ خَيْرُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ملکی نزد من آمد و گفت: ای محمد، خداوند بر تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: من فاطمه را برای علی تزویج کرده‌ام. پس تو او را به علی تزویج کن و به شجره طوبی امر کرده‌ام که در و یاقوت و مرجان بدهد و اهل آسمان بر این تزویج شاد شده‌اند و به زودی از آنها دو فرزندی زاده می‌شوند که آقای جوانان اهل بهشت هستند و با وجود آن دو بهشت مزین می‌شود. پس به تو مژده می‌دهم ای محمد، که تو بهترین مردم اولین و آخرین هستی.

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷ / صحیفة الإمام الرضا علیه السلام، ص ۶۴

سند صحیفه: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْإِمَامُ الْأَجَلُّ الْعَالِمُ الرَّاهِدُ الرَّاشِدُ أَمِينُ الدِّينِ نَقَةَ الْإِسْلَامِ أَمِينُ الرُّوسَاءِ أَبُو عَلِيٍّ الْفَضْلُ بْنُ الْحَسَنِ الطَّبْرَسِيُّ أَطَالَ اللَّهُ بَقَاءَهُ فِي يَوْمِ (۲) الْخَمِيسِ غَزَّةَ مَهْرَ اللَّهِ الْأَحْمَرِّ رَجَبِ سَنَةِ تِسْعٍ وَ عَشْرِينَ وَ خَمْسِمِائَةٍ قَالَ أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْإِمَامُ السَّعِيدُ الرَّاهِدُ أَبُو الْفَتْحِ غُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ هَوَازِنِ الْقَشِيرِيُّ أَدَامَ اللَّهُ عِزَّهُ قِرَاءَةً عَلَيْهِ دَاخِلَ الْفُتْبَةِ الَّتِي فِيهَا قَبُرَ الرَّضَا ع غَزَّةَ شَهْرِ اللَّهِ الْمُبَارَكِ رَمَضَانَ سَنَةِ إِحْدَى وَ خَمْسِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنِي الشَّيْخُ الْجَلِيلُ الْعَالِمُ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ الْحَاجِمِيُّ الرَّوْرَنِيُّ قِرَاءَةً عَلَيْهِ سَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَ خَمْسِينَ وَ أَرْبَعِمِائَةٍ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ هَارُونَ الرَّوْرَنِيُّ بِهَا قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ حَفَدَةَ الْعَبَّاسِ بْنِ حَفْزَةَ النَّيْسَابُورِيِّ سَنَةِ سَبْعٍ وَ ثَلَاثِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرِ الطَّائِبِيِّ بِالْبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي سَنَةَ سِتِّينَ وَ مِائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا ع سَنَةَ أَرْبَعٍ وَ تِسْعِينَ وَ مِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص

كشف الغمة، ج ۱، ص ۳۵۳ (نقلًا عن المناقب - وفيه تزین الجنه بدل تزین اهل الجنه)

بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۰۵ / الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیة (کلیات حدیث قدسی)، ص

۴۸۱

۱/۲۳. آراستن بهشت در هنگام ازدواج علی و فاطمه (سلام الله علیهما)!

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ سَلْمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ الْبَرَاوِسْتَانِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مِقَاتِلٍ قَالَ حَدَّثَنِي حَامِدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ هَارُونَ عَنْ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ: لَقَدْ هَمَمْتُ بِتَزْوِجِ فَاطِمَةَ ع ابْنَةَ مُحَمَّدٍ ص حِينًا وَ لَمْ أَتَجَرَّ أَنْ أُذْكَرَ ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ ص وَ إِنَّ ذَلِكَ اخْتَلَجَ فِي صَدْرِي لَيْلِي وَ نَهَارِي حَتَّى دَخَلْتُ



عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ يَا عَلِيُّ قُلْتُ لَبَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ هَلْ لَكَ فِي التَّزْوِيجِ قُلْتُ رَسُولُ اللَّهِ ص
 أَعْلَمُ وَإِذَا هُوَ يُرِيدُ أَنْ يُزَوِّجَنِي بَعْضَ نِسَاءِ قُرَيْشٍ وَإِنِّي لَخَائِفٌ عَلَى فَوْتِ فَاطِمَةَ فَمَا شَعَرْتُ بِشَيْءٍ إِذْ
 أَتَانِي رَسُولُ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ لِي أَحِبِّ النَّبِيَّ وَ أَسْرِعْ فَمَا رَأَيْنَا رَسُولَ اللَّهِ أَشَدَّ فَرَحًا مِنْهُ الْيَوْمَ قَالَ
 فَأَتَيْتُهُ مُسْرِعًا فَإِذَا هُوَ فِي حُجْرَةٍ أُمَّ سَلَمَةَ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيَّ تَهَلَّلَ وَجْهُهُ فَرِحًا وَ تَبَسَّمَ حَتَّى نَظَرْتُ إِلَى بَيَاضِ
 أَسْنَانِهِ يَبْرُقُ فَقَالَ أُبَشِّرُ يَا عَلِيُّ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ كَفَانِي مَا قَدْ كَانَ هَمَمِي مِنْ أَمْرِ تَزْوِيجِكَ فَقُلْتُ وَ
 كَيْفَ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَتَانِي جَبْرَيْلٌ وَ مَعَهُ مِنْ سُنْبُلِ الْجَنَّةِ وَ قَرْنِفَلِهَا فَنَاوَلْنِيهِمَا فَأَخَذْتُهُمَا وَ
 شَمِمْتُهُمَا فَقُلْتُ مَا سَبَبُ هَذَا السُّنْبُلِ وَ الْقَرْنِفَلِ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَمَرَ سُكَّانَ الْجَنَانِ مِنَ
 الْمَلَائِكَةِ وَ مَنْ فِيهَا أَنْ يُزَيِّنُوا الْجِنَانَ كُلَّهَا بِمَعَارِسِهَا وَ أَشْجَارِهَا وَ ثِمَارِهَا وَ قُصُورِهَا وَ أَمَرَ
 رِيحَهَا فَهَبَّتْ بِأَنْوَاعِ الْعِطْرِ وَ الطَّيِّبِ ...

حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام): من همت گماشتم که با فاطمه دختر حضرت محمد ازدواج
 نمایم ولی جرات نمی‌کردم این مطلب را با رسول خدا در میان بگذارم. این آرزو همیشه شب و روز در
 سینه من بود تا اینکه بالاخره بحضور پیامبر خدا مشرف شدم. آن حضرت به من فرمود: یا علی! گفتم:
 لیبیک یا رسول الله! فرمود: تصمیم ازدواج داری؟ گفتم: رسول خدا بهتر میداند، پیغمبر خدا این منظور
 را داشت که بعضی از زنان قریش را برایم بگیرد، ولی من این خوف را داشتم که مبادا فاطمه از دستم
 برود. هنگامی که پیامبر خدا شخصی را نزد من فرستاد و مرا احضار فرمود و من که از شدت فرح و
 خوشحالی سر از پا نمی‌شناختم بحضور آن حضرت مشرف شدم دیدم آن برگزیده خدا بقدری مسرور
 و خوشحال است که هیچ روزی نبود، در آن موقع آن حضرت در حجره ام سلمه بود. وقتی نظر مبارک
 آن حضرت بمن افتاد صورت مبارکش میدرخشید بقدری مسرور و خندان بود که نظر من بسفیدی و
 درخشندگی دندانهایش افتاد. رسول خدا به من فرمود: یا علی! مژده باد تو را، زیرا خدا آن غم و
 اندوهی که من در باره ازدواج تو دارم بر طرف کرد. گفتم: چگونه یا رسول الله! فرمود: جبرئیل نزد من
 آمد و سنبل و قرنفل بهستی بمن داد، من آنها را گرفتم و بوئیدم، به جبرئیل گفتم: این سنبل و قرنفل
 برای چیست؟ گفت: خدای توانا به ملائکه و ساکنین بهشت دستور داده که بهشت را با درخت
 و میوه و قصرهای آن را زینت نمایند. باد بهشت را مأمور کرد تا انواع و اقسام عطر و بوی
 خوش را در بهشت منتشر نماید...

الأمالی (للصدوق)، ص ۵۵۸ / عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۳

سند عیون: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الشَّاهِ بِمَرُورُودٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ الْمُظَفَّرِ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ
 مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي الْمُهَدَّبِيُّ بْنُ سَابِقٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ
 جَدِّهِ قَالَ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ



تفسیر فرات الکوفی، ص ٤١٤

سند فرات: قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْحُسَيْنِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا فُرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ عَمْرٍو بْنِ طَرِيفٍ [طَرِيفٍ] الْحَجْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عُقْبَةُ بْنُ مُكْرَمِ الصَّبِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو ثَرَابٍ عَمْرُو [عَمْرُو] بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هَازُونَ الطُّوسِيِّ الْخُرَاسَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ أَبُو عَلِيٍّ الْهَرَوِيُّ الشَّيْبَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

بحار الأنوار، ج ٤٣، ص ١٠١

١/٢٤. شیعان سه دسته‌اند

حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ الْعَلَوِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَادٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: الشَّيْعَةُ ثَلَاثٌ مُحِبٌّ وَأَدُّ فَهَوَ مِنَّا وَ مُتَزَيِّنٌ بِنَا وَ نَحْنُ زَيْنٌ لِمَنْ تَزَيَّنَ بِنَا وَ مُسْتَأْكِلٌ بِنَا النَّاسِ وَ مَنْ اسْتَأْكَلَ بِنَا افْتَقَرَ.

امام ششم فرمود شیعه سه دسته‌اند: ١. دوست صمیمی که از ماست، ٢. کسانی که ارتباط با ما را وسیله زینت و آبرومندی خود کرده‌اند، ما نیز وسیله زینت و آبرومندی آنها خواهیم بود. ٣. کسانی که ما را وسیله شکم خوارگی و استفاده مادی قرار داده، هر کس ما را وسیله نان خوردن قرار دهد فقیر خواهد بود.

الخصال، ج ١، ص ١٠٣

روضة الواعظین، ج ٢، ص ٢٩٣ / مشکاة الأنوار، ص ٧٨ / أعلام الدین، ص ١٣٠

بحار الأنوار، ج ٦٥، ص ١٥٣

قَالَ الصَّادِقُ ع: النَّاسُ ثَلَاثَةٌ أَصْنَافٍ: صِنْفٌ تَزَيَّنَ بِنَا وَ صِنْفٌ أَكَلَ بِنَا وَ صِنْفٌ اهْتَدَوْا بِهَدَانَا وَ افْتَدَوْا بِأَمْرِنَا وَ هُمْ أَقَلُّ الْأَصْنَافِ أَوْلَيْكَ الْحُكَمَاءُ السُّعْدَاءُ النَّجَبَاءُ الْفُقَهَاءُ الْعُلَمَاءُ الْحُكَمَاءُ.

أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ١٤٢

وَ عَنْ أَبِي حَاتِمِ السَّجِسْتَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: الشَّيْعَةُ ثَلَاثَةٌ أَصْنَافٍ: صِنْفٌ يَتَزَيَّنُونَ بِنَا وَ صِنْفٌ يَسْتَأْكِلُونَ بِنَا وَ صِنْفٌ مِنَّا وَ إِلَيْنَا يَأْمُنُونَ بِأَمْنِنَا وَ يَخَافُونَ بِخَوْفِنَا لَيْسُوا بِالْبُذْرِ الْمُدْبِعِينَ وَ لَا بِالْجَفَاةِ الْمُرَائِينَ إِنْ غَابُوا لَمْ يُفْقَدُوا وَ إِنْ يَشْهَدُوا لَمْ يُؤْبَهُ بِهِمْ أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ الْهُدَى.

مشكاة الأنوار، ص ٦٣



الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ مُثَنَّى عَنْ أَبِي بَصِيرٍ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: [إِنَّ] النَّاسَ طَبَقَاتٌ ثَلَاثٌ طَبَقَةٌ هُمْ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ وَ طَبَقَةٌ يَتَزَيَّنُونَ بِنَا وَ
طَبَقَةٌ يَأْكُلُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا [بِنَا] ^{١٢٧}

الكافي، ج ٨، ص ٢٢٠

مشكاة الأنوار، ص ٦٣

الوافي، ج ٢٦، ص ٥٠٩

كلام مرحوم علامه مجلسى: أي يجعلون حينا و ما وصل إليهم من علومنا زينة لهم عند الناس، و وسيلة لتحصيل الجاه، و ليس ^{١٢٧} .
توسلهم بالأئمة عليهم السلام خالصا لوجه الله.

مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ٢٦، ص ١٤٥

**۲. برخی از آیات و روایات متفرقه اصطلاح «حلیه»:****۲/۱. فریبندگی زینت و حلیه دنیا!**

مِنْ كِتَابِ عُيُونِ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظِ، لِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْوَاسِطِيِّ كَتَبْنَا مِنْ أَصْلِ قَدِيمٍ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ: ... فَاحْذَرِ هَذِهِ الدَّارَ الْعَدَارَةَ الْخَتَالَةَ الْخَدَاعَةَ الَّتِي قَدْ تَزَيَّنَتْ بِخُدَعِهَا وَ قَتَلَتْ بِغُرُورِهَا وَ خَتَلَتْ بِأَمَالِهَا وَ شَوَّقَتْ لِخُطْبِهَا فَأَصْبَحَتْ كَالْعُرُوسِ الْمُتَحَلِّيَةِ الْجَمِيلَةِ فَالْعُيُونُ إِلَيْهَا نَاطِرَةٌ وَ الْقُلُوبُ عَلَيْهَا وَالْهَيَّةُ وَ النُّفُوسُ لَهَا عَاشِقَةٌ وَ هِيَ لِأَزْوَاجِهَا كُلِّهَا قَاتِلَةٌ فَلَا الْبَاقِي بِالْمَاضِي مُعْتَبِرٌ وَ لَا الْآخِرُ عَلَى الْأَوَّلِ مُزْدَجِرٌ ...

امیرالمومنین (علیه السلام): ... از این دنیای فریبکار، حیلہ گر بترس که با نیرنگ خود را زینت کرده و با فریبکاری اش کسانی را کشته و با آرمانهایش فریفته، و خواستگاراناش را شیفته کرده و خود را چون عروسی زیبا، زینت کرده، چشم‌ها به سوی آن خیره، و دل‌ها، شیدا و نفوس دلباخته آن شده است، در حالی که او تمام همسرانش را کشته است، پس چرا باقیمانده‌ها از گذشته‌ها عبرت نگیرند، و آیندگان از پیشینیان درس خودداری نیاموزند...

مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۴۲ / أعلام الدین، ص ۲۳۸

بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۰۸

۲/۲. حلیه (آراستن) بهشت در ماه رمضان

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ حَبِيبٍ الْجُرْجَانِيُّ الْمَذْكُورُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمَ بْنُ بِلَالٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ كَرَامٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ قَالَ حَدَّثَنَا مُعَاوِيَةُ بْنُ أَبِي إِسْحَاقَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ قَالَ: سَأَلْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ مَا لِمَنْ صَامَ رَمَضَانَ وَ عَرَفَ حَقَّهُ قَالَ تَهَيَّأْ يَا ابْنَ جُبَيْرٍ حَتَّى أُحَدِّثَكَ بِمَا لَمْ تَسْمَعْ أَذْنَاكَ وَ لَمْ يَمُرَّ عَلَى قَلْبِكَ فَرِحَ نَفْسَكَ لِمَا سَأَلْتَنِي عَنْهُ فَمَا أَرَدْتَهُ إِلَّا عَلِمَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ قَالَ سَعِيدُ بْنُ جُبَيْرٍ فَخَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ فَتَهَيَّأْتُ لَهُ مِنَ الْعَدِيدِ فَكَرَّرْتُ إِلَيْهِ مِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَصَلَّيْتُ الْفَجْرَ ثُمَّ ذَكَرَ الْحَدِيثَ فَحَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَيَّ فَقَالَ اسْمَعْ مِنِّي مَا أَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ لَوْ عَلِمْتُمْ مَا لَكُمْ فِي رَمَضَانَ لَزِدْتُمْ لِلَّهِ شُكْرًا إِذَا كَانَ أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْهُ غَفَرَ اللَّهُ لِأُمَّتِي الذُّنُوبَ كُلَّهَا سِرًّا وَ عَلَانِيَةً وَ رَفَعَ لَكُمْ أَلْفَ دَرَجَةٍ ... وَ إِذَا كَانَ يَوْمَ تَاسِعٍ وَ عِشْرِينَ أَعْطَاكُمْ اللَّهُ أَلْفَ مَحَلَّةٍ فِي جَوْفِ كُلِّ مَحَلَّةٍ قُبَّةٌ بَيْضَاءُ فِي كُلِّ قُبَّةٍ سَرِيرٌ مِنْ كَافُورٍ أَبْيَضَ عَلَى ذَلِكَ السَّرِيرِ أَلْفُ فِرَاشٍ مِنَ السُّنْدُسِ الْأَخْضَرِ فَوْقَ كُلِّ فِرَاشٍ حُورَاءٌ عَلَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ حُلَّةٍ وَ عَلَى رَأْسِهَا ثَمَانُونَ أَلْفَ ذُؤَابَةِ وَ كُلُّ ذُؤَابَةٍ مُكَلَّلَةٌ بِالذُّرِّ وَ الْبَاقُوتِ ...



سعید بن جبیر می‌گوید از ابن عباس پرسیدم کسی رمضان را روزه بگیرد و حق آن را بشناسد، چه پاداشی دارد؟ او در جواب گفت: آماده شو ابن جبیر تا چیزی به تو بگویم که گوشه‌ایت آن را نشنیده و بر دلت نگذشته است. و خود را برای آنچه که از من پرسیدی فارغ ساز که آنچه پرسیدی علم اولین و آخرین است. سعید بن جبیر می‌گوید رفتم و فردا به هنگام طلوع فجر سرعت خودم را به او رسانیده، نماز صبح را خواندم و مطلب را یادآوری کردم. او به من رو کرده و گفت: آنچه را می‌گویم بشنو. از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمودند: اگر می‌دانستید در رمضان چه پاداشی برای شما نهفته است، بیش از این شکر می‌کردید. هنگامی که شب اول آن فرا رسید، خداوند حتماً گناهان امتم را می‌بخشد؛ همه آنها را؛ آشکار آن و پنهان آن را و دو هزار هزار درجه شما را بالا می‌برد... هنگامی که روز بیست و نهم فرا رسد خداوند يك هزار هزار محله به شما عطا می‌کند که درون هر محله‌ای گنبد سفید است و در هر گنبدی تختی از کافور سفید که بر این تخت هزار رختخواب از سندس سبز است و بر هر رختخوابی حور العین است که هفتاد هزار لباس پوشیده است؛ هشتاد هزار زلف جلو پیشانی داشته و هر زلفی با درّ و یاقوت زینت شده است.

...

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۷۱ / الأمالی (للسدوق)، ص ۵۱ / فضائل الأشهر

الثلاثة (صدوق)، ص ۸۳

روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۴۴

بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۵۲

۲/۳. از علائم آخر الزمان: زینت کردن (حلیه و زخرف) ظاهری قرآن‌ها و مساجد!

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ سَهْلُ بْنُ زِيَادِ الْأَدَمِيِّ الرَّازِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ آدَمَ الشَّيْبَانِيُّ عَنْ أَبِيهِ آدَمَ بْنِ أَبِي إِيَّاسٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْمُبَارَكُ بْنُ فَصَّالَةَ عَنْ وَهَبِ بْنِ مُنَبِّهٍ رَفَعَهُ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَمَّا عَرَجَ بِي إِلَى رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ أَتَانِي النَّدَاءُ يَا مُحَمَّدُ قُلْتُ لَبَّيْكَ رَبَّ الْعِظَمَةِ لَبَّيْكَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ يَا مُحَمَّدُ فِيمَ اخْتَصَمَ الْمَلَأُ الْأَعْلَى قُلْتُ إِلَهِي لَا عِلْمَ لِي فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ هَلَّا اتَّخَذْتَ مِنَ الْأَدَمِيِّينَ وَزَيْرًا وَ أَخَا وَ وَصِيًّا مِنْ بَعْدِكَ فَقُلْتُ إِلَهِي وَ مَنْ اتَّخَذَ تَخَيَّرَ لِي أَنْتَ يَا إِلَهِي فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ يَا مُحَمَّدُ قَدْ اخْتَرْتُ لَكَ مِنَ الْأَدَمِيِّينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فَقُلْتُ إِلَهِي ابْنِ عَمِّي فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ عَلِيًّا وَارِثُكَ وَ وَارِثُ الْعِلْمِ مِنْ بَعْدِكَ وَ صَاحِبُ لَوَائِكَ ... أَعْطَيْتُكَ أَنْ أُخْرِجَ مِنْ صُلْبِهِ أَحَدَ عَشَرَ مَهْدِيًّا كُلُّهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنَ الْبَكْرِ الْبُتُولِ وَ آخِرُ رَجُلٍ مِنْهُمْ يُصَلِّي خَلْفَهُ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتَ مِنْهُمْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا أَنْجِي بِهِ مِنَ الْهَلَكَةِ وَ أَهْدِي بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ أُبْرِئُ بِهِ مِنَ الْعَمَى وَ أَشْفِي بِهِ الْمَرِيضَ فَقُلْتُ إِلَهِي وَ سَيِّدِي مَتَى



يَكُونُ ذَلِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ يَكُونُ ذَلِكَ إِذَا رَفَعَ الْعِلْمُ وَ ظَهَرَ الْجَهْلُ وَ كَثُرَ الْفُرَاءُ وَ قَلَّ الْعَمَلُ وَ كَثُرَ الْقَتْلُ وَ قَلَّ الْفُقَهَاءُ الْهَادُونَ وَ كَثُرَ فُقَهَاءُ الضَّالَّةِ وَ الْخَوْنَةُ وَ كَثُرَ الشُّعْرَاءُ وَ اتَّخَذَ أُمَّتُكَ قُبُورَهُمْ مَسَاجِدَ وَ حَلَّيْتَ الْمَصَاحِفَ وَ زُخْرِفَتِ الْمَسَاجِدُ وَ كَثُرَ الْجَوْزُ وَ الْفَسَادُ وَ ظَهَرَ الْمُنْكَرُ وَ أَمَرَ أُمَّتُكَ بِهِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمَعْرُوفِ وَ اِكْتَفَى الرَّجَالُ بِالرَّجَالِ وَ النَّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَ صَارَتِ الْأُمَّرَاءُ كَفْرَةً وَ أَوْلِيَاؤُهُمْ فَجْرَةٌ وَ أَعْوَانُهُمْ ظَلَمَةٌ وَ ذُوِي [ذُؤُو] الرَّأْيِ مِنْهُمْ فَسَقَةٌ ...

ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کند که فرمود: چون در معراج مرا به نزد پروردگارم جل جلاله بردند ندا آمد: ای محمد! گفتیم: لبتک ای پروردگار عظمت لبتک! و خدای تعالی به من وحی فرمود: ای محمد! ملا اعلی در چه چیز منازعه می کنند؟ گفتیم: پروردگارا مرا علمی نیست، فرمود: ای محمد! چرا از آدمیان وزیر و برادر و وصی پس از خودت را بر نگزیدی؟ گفتیم: الهی چه کسی را انتخاب کنم؟ تو برایم برگزین، خدای تعالی وحی کرد که ای محمد! من از میان آدمیان علی بن ابی طالب را برایت انتخاب کردم گفتیم: پروردگارا! پسر عمم را؟ فرمود: ای محمد! علی وارث تو و وارث علم پس از تو و پرچمدار توست ... و این فضیلت را برای او قرار دادم و بر تو نیز عطا کردم که از صلب او یازده مهدی خارج سازم که همه آنها از ذریه تو از فرزندان بکر بتول خواهد بود، و آخرین ایشان کسی است که عیسی بن - مریم پشت سر او نماز می خواند، و زمین را از عدل آکنده سازد همچنان که از ظلم و جور پر شده باشد، به واسطه او نجات می دهیم و از هلاکت باز می دارم و هدایت می کنم و از ضلالت جلوگیری می کنم و به واسطه او کوران را بینا و بیماران را شفا خواهیم داد، گفتیم: الهی و سیدی! آن چه کس خواهد بود؟ خدای تعالی وحی فرمود: آنگاه که علم برداشته شود و جهل آشکار گردد، قاریان فراوان شوند و عمل به قرآن اندک شود و کشتار فراوان گردد و فقهای هادی اندک و فقهای گمراهی و خائنان و شعراء افزون شوند و امت تو قبورشان را مسجد کنند، قرآنها زیور و مساجد زینت شود و جور و فساد افزون گردد و منکر آشکار شده و امتت بدان فرمان دهند و از معروف باز دارند و مردان به مردان اکتفا کنند و زنان با زنان در آمیزند و امیران کافر شوند و اولیای آنها فاجر و یارانشان ظالم و اندیشمندان آنها فاسق گردند ...

کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۵۰

بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۰ / إلیزام الناصب، ج ۱، ص ۱۹۱

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْجَلُودِيُّ بِالْبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُعَاذٍ قَالَ حَدَّثَنَا قَيْسُ بْنُ حَفْصٍ قَالَ حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ أَرْقَمٍ عَنْ أَبِي سَيَّارٍ الشَّيْبَانِيِّ عَنِ الصَّحَّاحِ بْنِ مَزَاحِمٍ عَنِ النَّزَّالِ بْنِ سَبْرَةَ قَالَ: حَطَبْنَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ع فَحَمِدَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَتَى عَلَيْهِ وَ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ثُمَّ قَالَ سَلُونِي أَيُّهَا النَّاسُ قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي



ثَلَاثًا فَفَقَامَ إِلَيْهِ صَعَصَعَةُ بْنُ صُوحَانَ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَتَى يَخْرُجُ الدَّجَالُ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ ع أَفْعُدُ فَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ كَلَامَكَ وَ عَلِمَ مَا أَرَدْتَ وَ اللَّهُ مَا الْمَسْئُولُ عَنْهُ بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ وَ لَكِنْ لِدَلِكِ عَلامَاتٌ وَ هَيئَاتٌ يَتَّبِعُ بَعْضُهَا بَعْضًا كَحَذْوِ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَ إِنْ شِئْتَ أَنْبَأْتُكَ بِهَا قَالَ نَعَمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ ع أَحْفَظْ فَإِنَّ عَلامَةَ ذَلِكَ إِذَا آمَتِ النَّاسُ الصَّلَاةَ وَ أَضَاعُوا الْأَمَانَةَ وَ اسْتَحَلُّوا الْكُذِبَ وَ أَكَلُوا الرِّبَا وَ أَخَذُوا الرِّشَا وَ شَبَّدُوا البُنْيَانَ وَ باعُوا الدِّينَ بالدُّنْيَا وَ اسْتَعْمَلُوا السُّفَهَاءَ وَ شَاوَرُوا النِّسَاءَ وَ قَطَعُوا الْأَرْحَامَ وَ اتَّبَعُوا الْأَهْوَاءَ وَ اسْتَحَفُّوا بالدِّمَاءِ وَ كَانَ الْجِلْمُ ضَعْفًا وَ الظُّلْمُ فُحْرًا وَ كَانَتِ الْأُمَرَاءُ فَجْرَةً وَ الْوُزَرَاءُ ظَلَمَةً وَ العُرَفَاءُ حَوَنَةً وَ القُرَاءُ فَسَقَةً وَ ظَهَرَتْ شَهَادَةُ الرُّورِ وَ اسْتَعْلِنَ الْفُجُورُ وَ قَوْلُ البُهْتَانِ وَ الإِثْمُ وَ الطُّغْيَانُ وَ حُلِّيَتِ الْمَصَاحِفُ وَ زُخْرِفَتِ الْمَسَاجِدُ وَ طَوَّلَتِ الْمَنَارَاتُ وَ أُكْرِمَتِ الْأَشْرَارُ وَ ارْدَحِمَتِ الصُّفُوفُ وَ اخْتَلَفَتِ الْقُلُوبُ وَ نَفِضَتِ الْعُهُودُ وَ اقْتَرَبَ الْمُوعُودُ وَ شَارَكَ النِّسَاءُ أَرْوَاجَهُنَّ فِي التَّجَارَةِ حِرْصًا عَلَى الدُّنْيَا وَ عَلَتْ أَصْوَاتُ الْفُسَّاقِ وَ اسْتَمِعَ مِنْهُمْ وَ كَانَ رَعِيمُ الْقَوْمِ أَرْذَاهُمْ وَ انْتَهَبِي الْفَاجِرَ مَخَافَةَ شَرِّهِ وَ صَدَّقِ الْكَاذِبَ وَ اؤْتِمِنِي الْخَائِنَ وَ اتَّخِذِي الْقِيَانُ وَ الْمَعَارِضُ وَ لَعْنِ آخِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوْلَهَا وَ رَكِبْ ذَوَاتِ الْفُرُوجِ السُّرُوجِ وَ تَشَبَّهِ النِّسَاءَ بِالرِّجَالِ وَ الرِّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ شَهِدِ الشَّاهِدَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُسْتَشْهَدَ وَ شَهِدِ الْآخِرَ قَضَاءً لِذِمَامِ بَعْضِ حَقِّ عَرَفَهُ وَ تَفَقَّهُ لِعَیْرِ الدِّينِ وَ اتَّرُوا عَمَلَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَ لَبَسُوا جُلُودَ الضَّانِ عَلَى قُلُوبِ الذَّنَابِ وَ قُلُوبُهُمْ أَنْتَنُ مِنَ الْجِيفِ وَ أَمْرٌ مِنَ الصَّبْرِ فَعِنْدَ ذَلِكَ الْوَحَا الْوَحَا ثُمَّ الْعَجَلُ الْعَجَلُ خَيْرُ الْمَسَاكِينِ يَوْمَئِذٍ بَيْتُ الْمَقْدِسِ وَ لِيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَتَمَنَّى أَحَدُهُمْ أَنَّهُ مِنْ سَكَّانِهِ ...

نزال بن سبرة گوید: امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام برای ما خطبه خواند و بر خدای تعالی حمد و ثنا گفت و بر محمد و خاندانش درود فرستاد آنگاه سه بار فرمود: ای مردم! پیش از آنکه مرا از دست بدهید از من پرسش کنید، آنگاه صعصعة بن صوحان برخاست و گفت: ای امیر المؤمنین! چه وقت دجال خروج می کند؟ علی علیه السلام فرمود: بنشین که خداوند کلامت را شنید و خواسته تو را دانست به خدا سوگند در این باب سؤال شونده از سؤال کننده داناست نیست و لیکن برای آن علامات و نشانه هایی است که طابق النعل بالنعل دنبال يك دیگر بیاید که اگر خواستی تو را بدان آگاه کنم و او گفت آری ای امیر المؤمنین! و علی علیه السلام فرمود: آنها چنین است: آنگاه که مردم نماز را تباه سازند و امانت را ضایع کنند و دروغ را حلال شمارند و رباخواری کنند و رشوه گیرند و ساختمانهای استوار بنا کنند و دین را به دنیا بفروشند و سفیهان را بکار گمارند و با زنان مشورت کنند و قطع رحم نمایند و از هوس پیروی کنند و خونریزی را سبک شمارند و بردباری ضعف و ستمگری افتخار به شمار آید و امیران فاجر و وزیران ستمکار و کدخدایان خیانتکار و قاریان فاسق باشند و گواهیهای دروغ ظاهر گردد و فجور و بهتان و گناه و طغیان علنی شود و قرآنها را زیور



کنند و مساجد را بیارایند و مناره‌ها را بلند سازند و اشرار را احترام کنند و صفوف درهم آید و قلوب مختلف شود و پیمانها شکسته گردد و موعود نزدیک شود و زنان به خاطر حرص بر دنیا در تجارت با شوهرانشان مشارکت کنند و آواز فاسقان بلند شود و آن را استماع کنند و رذل‌ترین مردم رهبر آنها شود و از فاجر به خاطر ترس از شرش پرهیزند و دروغگو را تصدیق کنند و خائن را امین شمارند و زنان آوازه‌خوان و تار و طنبور فراهم آورند و آخر این امت اول آن را لعنت کند و زنان بر زینها سوار شوند و زنان به مردان و مردان به زنان تشبیه کنند و شاهد بدون استشهاد گواهی دهد و دیگری بی‌آنکه حق را بشناسد و تفقه در دین داشته باشد قضاء ذمه را گواهی دهد و کار دنیا را بر آخرت ترجیح دهند و پوست میش را بر دل گرگ بیوشند و دل‌هایشان بدوتر از مردار و تلخ‌تر از زهر باشد، در این وقت سرعت و شتاب کنید سرعت و شتاب کنید و بهترین جاها در آن روز بیت المقدس باشد و بر مردم زمانی درآید که هر کدامشان آرزو کنند که از ساکنان آنجا باشند...

کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۲۵

مختصر البصائر، ص ۱۲۶

سند مختصر البصائر: فَمِمَّا أَجَازَ لِي الشَّيْخُ السَّعِيدُ الشَّهِيدُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مَكِّيٍّ الشَّامِيُّ رَوَيْتُهُ، عَنْ شَيْخِهِ السَّيِّدِ عَمِيدِ الدِّينِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ بْنِ الْأَعْرَجِ الْحُسَيْنِيِّ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ يُونُسَ بْنِ الْمُطَهَّرِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ السَّيِّدِ فَخَّارِ بْنِ مَعَدِّ الْمُوسَوِيِّ، عَنْ شَادَانَ بْنِ جَبْرِئِيلَ، عَنِ الْعِمَادِ الطَّبْرِيِّ، عَنْ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ الشَّيْخِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ الطُّوسِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ التُّعْمَانِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ تَابَوَيْتِهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْجَلُودِيُّ بِالْبَصْرَةِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُعَاذٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا قَيْسُ بْنُ حَفْصٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ أَزْقَمَ، عَنْ أَبِي سَيَّارٍ الشَّيْبَانِيِّ، عَنِ الصَّحَّاحِ بْنِ مُرَاجِمٍ، عَنِ الثَّرَّالِ بْنِ سَبْرَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۳۳

سند الخرائج: أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ جَعْفَرِ الدُّوزِيسْتِيِّ عَنْ أَبِيهِ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ بْنُ تَابَوَيْتِهِ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ يَحْيَى الْجَلُودِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُعَاذٍ عَنْ قَيْسِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ أَزْقَمَ عَنْ أَبِي سَيَّارٍ الشَّيْبَانِيِّ عَنِ الصَّحَّاحِ بْنِ مُرَاجِمٍ عَنِ الثَّرَّالِ بْنِ سَبْرَةَ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۳ / مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۲۷ (نقلًا عن مختصر البصائر)

وَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَصَاحِفَ حَلِيَّتْ وَ الْمَسَاجِدَ زِينَتْ وَ الْمَنَارَةَ طُوِّلَتْ وَ اتَّخَذَ الْقُرْآنُ مَزَامِيرَ وَ الْمَسَاجِدَ طُرُقًا الْمُؤْمِنُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ أَعَزُّ مِنَ الْكِبْرِيتِ الْأَحْمَرِ أَمَا إِنَّ مَسَاجِدَهُمْ مَزْحَرَفَةٌ وَ أَبْدَانُهُمْ نَقِيَّةٌ وَ قُلُوبُهُمْ أَنْتَنُ مِنَ الْجَيْفَةِ.

پیامبر (صلی الله علیه و آله): هر گاه دیدید قرآن‌ها آراسته و مساجد زیور شده و مناره‌ها بلند و طولانی شده و قرآن را فقط برای نشان دادن آواز خوش می‌خوانند و مساجد راه عبور و مرور است، در آن زمان، مؤمن از کبریت احمر هم کمیاب‌تر و گرانبه‌تر است. همانا مساجد چنان مردمی آراسته و ظاهر بدن‌هایشان پاکیزه است، ولی دل‌های ایشان پلیدتر از لاشه مردار است.

روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۳۸

**۲/۴. یکی از عذاب‌های زینت کردن (تحلی) زنان برای مردان نامحرم!**

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَا دِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ: الْحَيْضُ مِنَ النَّسَاءِ نَجَاسَةٌ رَمَاهُنَّ اللَّهُ بِهَا قَالَ وَ قَدْ كُنَّ النَّسَاءُ فِي زَمَنِ نُوحٍ إِنَّمَا تَحِيضُ الْمَرْأَةُ فِي كُلِّ سَنَةٍ حَيْضَةً حَتَّى خَرَجْنَ نِسْوَةً مِنْ حِجَابِهِنَّ وَ هُنَّ سَبْعُمِائَةٌ امْرَأَةً فَأَنْطَلَقْنَ فَلَبِسْنَ الْمُعْصَفَرَاتِ مِنَ الثِّيَابِ وَ تَحَلَّيْنَ وَ تَعَطَّرْنَ ثُمَّ خَرَجْنَ فَتَمَرَّقْنَ فِي الْبِلَادِ فَجَلَسْنَ مَعَ الرِّجَالِ وَ شَهِدْنَ الْأَعْيَادَ مَعَهُمْ وَ جَلَسْنَ فِي ضُفُوفِهِمْ فَرَمَاهُنَّ اللَّهُ بِالْحَيْضِ عِنْدَ ذَلِكَ فِي كُلِّ شَهْرٍ أَوْلَيْكَ النَّسْوَةُ بِأَعْيَانِهِنَّ فَسَأَلَتْ دِمَاؤُهُنَّ فَخَرَجْنَ مِنْ بَيْنِ الرِّجَالِ وَ كُنَّ يَحِضْنَ فِي كُلِّ شَهْرٍ حَيْضَةً قَالَ فَأَشْغَلَهُنَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِالْحَيْضِ وَ كَثُرَ شَهْوَتُهُنَّ قَالَ وَ كَانَ غَيْرُهُنَّ مِنَ النَّسَاءِ اللَّوَاتِي لَمْ يَفْعَلْنَ مِثْلَ فِعْلِهِنَّ كُنَّ يَحِضْنَ فِي كُلِّ سَنَةٍ حَيْضَةً قَالَ فَتَزَوَّجَ بَنُو اللَّاتِي يَحِضْنَ فِي كُلِّ شَهْرٍ حَيْضَةً بَنَاتِ اللَّاتِي يَحِضْنَ فِي كُلِّ سَنَةٍ حَيْضَةً قَالَ فَأَمْتَزَجَ الْقَوْمُ فَحِضْنَ بَنَاتٌ هَوْلَاءٌ وَ هَوْلَاءٌ فِي كُلِّ شَهْرٍ حَيْضَةً قَالَ وَ كَثُرَ أَوْلَادُ اللَّاتِي يَحِضْنَ فِي كُلِّ شَهْرٍ حَيْضَةً لِاسْتِقَامَةِ الْحَيْضِ وَ قَلَّ أَوْلَادُ اللَّاتِي لَا يَحِضْنَ فِي السَّنَةِ إِلَّا حَيْضَةً لِفَسَادِ الدَّمِ قَالَ فَكَثُرَ نَسْلُ هَوْلَاءٍ وَ قَلَّ نَسْلُ أَوْلَيْكَ.

امام باقر (علیه السلام): حیض نجاست و پلیدی است که حق تعالی در زنان قرار داده، سپس فرمودند: در زمان حضرت نوح علیه السلام زنان در هر سال یک بار حیض می‌دیدند تا این که جماعتی از زنان که تعدادشان هفتصد نفر بود از حجاب بیرون آمدند و رها و آزاد گشته، لباسهای سرخ پوشیده و خود را زینت کرده و معطر ساختند و سپس در بلاد و شهرها پراکنده شدند، با مردان همنشین شده و در اعیاد با آنها همراه بوده و در صفوف آنها در آمده و کاملاً با مردان آمیزش پیدا نمودند در چنین وقتی حق تعالی آنها را مبتلا ساخت به دیدن حیض در هر ماه، خون حیض این زنان از آنها جاری گشت لذا مجبور شدند که از بین مردان خارج شوند، همان طوری که ذکر شد ایشان در هر ماه یک بار حیض می‌دیدند حضرت فرمودند: خداوند تبارک و تعالی ایشان را مشغول به حیض و کثرت شهوتشان فرمود و سایر زنان که عمل ایشان را انجام نداده بودند در هر سال یک بار حیض می‌شدند، سپس حضرت فرمودند: پسران آن زنان که در هر ماه حائض می‌شدند با دختران این زنان که سالی یک مرتبه به آن مبتلا می‌گردیدند ازدواج نموده و بدین ترتیب بین طائفه امتزاج برقرار گردید و دخترانی که از این وصلت و ازدواج متولد شدند جملگی در هر ماه یک بار حیض می‌دیدند باری فرزندان زنانی که در هر ماه یک بار حیض می‌شدند زیاد گردیدند و جهتش آن بود که حیض آنها مستقیم و متعادل بود و در مقابل زنانی که در هر سال یک بار حائض می‌شدند چون مبتلا به فساد خون بودند فرزندانشان کم بود از این رو نسل آن زنان زیاد و نسل اینها اندک گردید.



علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۹۰ / من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۸۹
وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۲۹۲ / بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۳۲۶ / النور المبين في قصص الأنبياء و
المرسلين (للجزائري)، ص ۷۷

۲/۵. حکم زینت (حلیه) کعبه

نهج البلاغه: وَ رُوِيَ أَنَّهُ ذُكِرَ عِنْدَ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ فِي أَيَّامِهِ حَلِيَّ الْكَعْبَةِ وَ كَثُرَتْهُ فَقَالَ قَوْمٌ لَوْ أَخَذْتَهُ
فَجَهَّزْتَ بِهِ جُيُوشَ الْمُسْلِمِينَ كَانَ أَعْظَمَ لِلْأَجْرِ وَ مَا تَصْنَعُ الْكَعْبَةُ بِالْحَلِيِّ فَهَمَّ عُمَرُ بِذَلِكَ وَ سَأَلَ
عَنْهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع فَقَالَ ع إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ أُنزِلَ عَلَى النَّبِيِّ ص [مُحَمَّدٍ ص] وَ الْأَمْوَالُ أَرْبَعَةٌ أَمْوَالُ
الْمُسْلِمِينَ فَفَسَّمَهَا بَيْنَ الْوَرَثَةِ فِي الْفَرَائِضِ وَ الْفِيءِ فَفَسَّمَهُ عَلَى مُسْتَحِقِّيهِ وَ الْخُمْسُ [الْخُمْسُ]
فَوَضَعَهُ اللَّهُ حَيْثُ وَضَعَهُ وَ الصَّدَقَاتُ فَجَعَلَهَا اللَّهُ حَيْثُ جَعَلَهَا وَ كَانَ حَلِيَّ الْكَعْبَةِ فِيهَا يَوْمَئِذٍ
فَتَرَكَهُ اللَّهُ عَلَى حَالِهِ وَ لَمْ يَتْرُكْهُ نِسْيَانًا وَ لَمْ يَخَفْ عَلَيْهِ [عَنْهُ] مَكَانًا فَأَقْرَهُ حَيْثُ أَقْرَهُ اللَّهُ وَ
رَسُولُهُ فَقَالَ لَهُ عُمَرُ لَوْلَاكَ لَا فَتَضَحْنَا وَ تَرَكَ الْحَلِيَّ بِحَالِهِ.

نهج البلاغه: گفته‌اند: در زمان حکومت عمر بن خطاب از زینت کعبه و فراوانی آن سخن به میان
آمد، گروهی پیشنهاد کردند اگر آن را بفروشی و ارتش مسلمانان را تجهیز کنی ثوابش بیشتر است،
کعبه را به زینت چکار؟ عمر به این مسأله تصمیم گرفت، و از امیر المؤمنین علیه السلام پرسید،
حضرت فرمود: قرآن بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و اموال چهار نوع بود: اموال مسلمانان که
آن را میان ارث بران بر اساس قرآن تقسیم کرد. و غنیمت جنگی که آن را بر مستحقان قسمت فرمود.
و خمس که خداوند آن را در جایی که باید قرار داد. و صدقات که خداوند آن را در مصرفهای معینش
مقرر فرمود. در آن روز کعبه را زیور و زینت بود، و خداوند آن را به صورتی که بود گذاشت،
البته از روی فراموشی رها نکرد، و جایش بر خدا پنهان نبود، تو هم آن را همان جا که رسول
خدا قرار داده‌اند بر جای خود بگذار. عمر گفت: اگر تو نبودی ما رسوا می‌شدیم. و زینت کعبه را به
حال خود گذاشت.

نهج البلاغه، ص ۵۲۳ (حکمت ۲۷۰)

وسائل الشيعة، ج ۱۳، ص ۲۵۴ / بحار الأنوار، ج ۳۰، ص ۶۹۴

**۳. برخی از آیات و روایات متفرقه اصطلاح «جمال»:**

الإمام علي عليه السلام: إِنَّ أَحْسَنَ الرِّبِّيِّ مَا خَلَطَكَ بِالنَّاسِ وَجَمَّلَكَ بَيْنَهُمْ وَكَفَّ أَسِنَّتَهُمْ عَنْكَ.
امام علی علیه السلام: نیکوترین هیئت (سلوک) آن است که تو را با مردم آمیزش دهد و در میان آنها
زیبایت گرداند و زبان [بدگویی] آنان را از تو باز دارد.

غرر الحکم، ص ۲۲۵

حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ الْأَصْبَهَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مَكِّيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ سَعْدَوَيْهِ
الْبَزْدَعِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو مَنْصُورٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْعَتَكِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَشْرَسَ
قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ نَصْرِ قَالَ حَدَّثَنَا وَهْبُ بْنُ وَهْبٍ بْنِ هِشَامِ أَبُو الْبَحْتَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ
عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: يَا عَلِيُّ! ... آفَةُ الْجَمَالِ الْخِيَلَاءُ

...

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ای علی! ... آفت زیبایی، غرور است.

التوحید (للصدوق)، ص ۳۷۶

المحاسن، ج ۱، ص ۱۷ (عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو النَّصِيبِيِّ عَنِ السَّرِيِّ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّبِيِّ) / تحف العقول، ص ۶

بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۶۱

۳/۱. اهمیت تجمل و آراستگی

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي شُعَيْبٍ الْمَحَامِلِيِّ
عَنْ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَالتَّجَمُّلَ
وَ يُبْغِضُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَاؤُسَ.

الكافي، ج ۶، ص ۴۴۰

الوافي، ج ۲۰، ص ۶۹۶ / وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۵

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَيُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ التَّعَمَّةِ عَلَى
عَبْدِهِ.

امام علی (علیه السلام): خدا زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد؛ و دوست می‌دارد که آثار نعمت را
بر بنده خویش ببیند.

الكافي، ج ۶، ص ۴۳۸ / مکارم الأخلاق، ص ۱۰۳



بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۹۹ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۵

عَنْ خَيْثَمَةَ بْنِ أَبِي خَيْثَمَةَ قَالَ: كَانَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ لَبَسَ أَحْوَدَ ثِيَابِهِ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَ تَلْبَسُ أَحْوَدَ ثِيَابِكَ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَاتَّجَمَلُ لِرَبِّي وَهُوَ يَقُولُ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ فَأُحِبُّ أَنْ أَلْبَسَ أَحْوَدَ ثِيَابِي.

امام حسن (علیه السلام) هر گاه به نماز می ایستاد، بهترین لباسهای خود را می پوشید، پرسیدند: ای پسر رسول خدا! چرا بهترین لباسهایت را می پوشی؟ فرمود: «خدا زیباست و زیبایی را دوست می دارد، و من برای پروردگارم خود را می آرایم»، خدا فرموده است: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» در هر مسجدی خود را زینت کنید. بخاطر همین من دوست دارم، بهترین جامه هایم را بپوشم.

تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۴ / عوالمی اللنالی، ج ۱، ص ۳۲۱

بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۱۷۵ / وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۴۵۵ / مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۲۶

وَ بِالْإِسْنَادِ [أَخْبَرَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْفَحَّامِ الشَّرْمَنِيَّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمَنْصُورِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَمُّ أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنِي الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)] قَالَ: قَالَ سَيِّدُنَا الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِنَّ اللَّهَ (تَعَالَى) يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ التَّجْمِيلَ، وَ يَكْرَهُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَاؤُسَ، فَإِنَّ اللَّهَ (عَزَّ وَ جَلَّ) إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً أَحَبَّ أَنْ يَرَى عَلَيْهِ أَثَرَهَا. قِيلَ: وَ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ: يُنَظَّفُ تَوْبَهُ، وَ يُطَيَّبُ رِيحَهُ، وَ يُجَصِّصُ دَارَهُ، وَ يَكْنُسُ أَفْنِيَّتَهُ، حَتَّى إِنَّ السَّرَاحَ قَبْلَ مَغِيبِ الشَّمْسِ يَنْفِي الْفَقْرَ، وَ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ.

امام صادق (علیه السلام): خداوند زیبایی و آراستگی را دوست می دارد، و ژولیدگی و فقیرنمایی را نمی پسندد؛ چون نعمتی به بنده خویش عطا کند، دوست دارد اثر آن را بر وی ببیند. پرسیدند:

چگونه؟ فرمود: با نظیف پوشی، استفاده از عطر، گچکاری خانه (و آراستن محل سکونت)، و

جاروب کردن (و تمیز نگاهداشتن) حیاط؛ حتی اینکه روشن کردن چراغ پیش از غروب

خورشید فقر را می زداید و بر روزی می افزاید.

الأمالی (للطوسی)، ص ۲۷۵

إرشاد القلوب (للدیلمی)، ج ۱، ص ۱۹۵ / مکارم الأخلاق، ص ۴۱

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۷۶ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۷



فَقَهُ الرِّضَا، ع: وَ أَرَوِي أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ التَّجَمُّلَ وَ يُبَغِضُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَاؤُسَ وَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُبَغِضُ مِنَ الرِّجَالِ الْقَادُورَةَ وَ أَنَّهُ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدِهِ نِعْمَةً أَحَبَّ أَنْ يَرَى أَثَرَ تِلْكَ النِّعْمَةِ.

امام رضا علیه السلام: روایت می‌کنم که خداوند تبارک و تعالی زیبایی و آراستگی را دوست دارد و فقر و فقرنمایی را دشمن می‌دارد. خداوند عزوجل از مردان کثیف و بد بو نفرت دارد.

فقه الرضا علیه السلام، ص ۳۵۴

مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۳۶ / بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۰۳

امیرالمومنین (علیه السلام): التَّجَمُّلُ مِنْ أَحْلَاقِ الْمُؤْمِنِينَ.

امیرالمومنین (علیه السلام): زینت کردن از خصلتهای مؤمنان است.

غرر الحکم، ص ۶۳

۳/۲. توصیه به آراستگی (تجمل) برای خانواده و دوستان

الْحَسَنُ بْنُ الْفَضْلِ الطَّبْرَسِيُّ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ كَانَ ص يُنْظَرُ فِي الْمِرَاةِ وَيُرْجَلُ جُمَّتَهُ وَيَتَمَشَّطُ وَ رُبَّمَا نَظَرَ فِي الْمَاءِ وَ سَوَى جُمَّتَهُ فِيهِ وَ لَقَدْ كَانَ يَتَجَمَّلُ لِأَصْحَابِهِ فَضَلًا عَنْ تَجَمُّلِهِ لِأَهْلِهِ. وَ قَالَ ذَلِكَ لِعَائِشَةَ حِينَ رَأَتْهُ يُنْظَرُ فِي رُكُوتٍ فِيهَا مَاءٌ فِي حُجْرَتِهَا وَ يُسَوِّي فِيهَا جُمَّتَهُ وَ هُوَ يَخْرُجُ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَتْ يَا بِي أَنْتَ وَ أُمِّي تَتَمَرَّأُ فِي الرُّكُوتِ وَ تُسَوِّي جُمَّتَكَ وَ أَنْتَ النَّبِيُّ وَ خَيْرُ خَلْقِهِ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ عَبْدَهُ إِذَا خَرَجَ إِلَى إِخْوَانِهِ أَنْ يَتَهَيَّأَ لَهُمْ وَ يَتَجَمَّلَ.

بیغمبر (ص) در آینه نگاه می‌کرد و موهای سرش را منظم می‌نمود و شانه می‌زد و گاه در آب نگاه می‌نمود و موهایش را مرتب می‌فرمود، بیغمبر برای اصحاب خود نیز خود را آراسته می‌کرد، تا چه رسد به اهل خود، و این مطلب را به عایشه گوش زد کرد، وقتی عایشه دید حضرت در ظرف آبی که در منزل بود نگاه می‌کند و موی خود را منظم می‌نماید تا بنزد اصحاب بیرون رود، گفت پدر و مادرم فدایت در آب نگاه میکنی و زلفت را منظم می‌سازی در حالی که تو یک پیامبری و بهترین خلق خدایی؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند دوست دارد که بنده چون به سوی برادران خود بیرون میرود خود را برای آنها منظم کند و خود را بیاراید و زیبا سازد.

مکارم الأخلاق، ص ۳۴

وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۱ / هداية الأمة، ج ۲، ص ۱۱۱ / بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۴۹



وَرَوَى هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِجَمَالِهَا أَوْ لِمَالِهَا وَكَلَّ إِلَى ذَلِكَ وَإِنْ تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ الْمَالَ وَالْجَمَالَ.

امام صادق (علیه السلام): اگر مردی به جهت زیبایی یا دارایی زنی با او ازدواج کند به همان چیز سپرده می‌شود؛ و اگر زنی را به جهت دین‌داری اش بگیرد، خداوند زیبایی و ثروت را نیز نصیبش می‌کند.

الكافي، ج ۵، ص ۳۳۳ / تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۴۰۳

الوافي، ج ۲۱، ص ۴۶ / هداية الأئمة إلى أحكام الأئمة، ج ۷، ص ۶۹

۳/۳. حجاب؛ راهکاری برای دوام بیشتر زیبایی و جمال زنان

عن عليّ ع: صِيَانَةُ الْمَرْأَةِ أَنْعَمَ لِحَالِهَا وَ أَدْوَمَ لِحَمَالِهَا.

امام علی (علیه السلام): نگاهداری از زن شایسته‌ترست از برای حال او، و پاینده‌تر است برای جمال او.

تصنيف غرر الحكم، ص ۴۰۵

مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۵

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَنبَسَةَ عَنْ عَبَّادِ بْنِ زِيَادٍ الْأَسَدِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمَقْدَامِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَاصِمِيُّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: فِي رِسَالَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع إِلَى الْحَسَنِ ع: [وَ اكْتَفَى عَلَيْهِنَّ مِنْ أَنْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكَ إِيَّاهُنَّ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلَيْهِنَّ وَ لَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ إِدْخَالِكَ مَنْ لَا يُوثِقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ وَ إِنْ اسْتَطَعْتَ أَلَّا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ فَافْعَلْ وَ] لَا تُمَلِّكِ الْمَرْأَةَ مِنَ الْأَمْرِ مَا يُجَاوِزُ نَفْسَهَا فَإِنَّ ذَلِكَ أَنْعَمَ لِحَالِهَا وَ أَرْخَى لِبَالِهَا وَ أَدْوَمَ لِحَمَالِهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ ... اسْتَبَقِي مِنْ نَفْسِكَ بَقِيَّةً فَإِنَّ إِمْسَاكَكَ نَفْسَكَ عَنْهُنَّ وَ هُنَّ يَرِينَ أَنَّكَ ذُو اقْتِدَارٍ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَرِينَ مِنْكَ حَالًا عَلَى انْكِسَارٍ [إِيَّاكَ وَ التَّغَايُرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ غَيْرَةٍ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ مِنْهُنَّ إِلَى السَّقَمِ وَ لَكِنَّ أَحْكَمَ أَمْرُهُنَّ].

با پوششی که بر آنان قرار می‌دهی دیده آنان را از دیدن مردمان باز دار، زیرا سختی حجاب آنان را پاک‌تر نگاه می‌دارد، و بیرون رفتن زنان از خانه بدتر از این نیست که افراد غیر مطمئن را بر آنان در آوری، و اگر بتوانی چنان کن که غیر تو را نشناسند. اموری که در خور توان زنان نیست به دستشان مسپار، زیرا همین محدودیت برای حال او بهتر و برای خاطر او آسایش بخش‌تر و برای حفظ



زیبائیش مقاوم‌تر است؛ زیرا زن گل بهاری است [لطیف و آسیب‌پذیر]، نه زورمند پهلوان. ... در برابر زنان [از اظهار احساسات بیش از حد] خودداری کن که اگر بفهمند تو از آنان نیرومندتری بهتر است از آن که پی ببرند تو سست و ضعیف‌الذنیف هستی. آنجا که جای غیرت نیست از غیرت پرهیز، چرا که این روش افراطی سالم را به بیماری، و پاکدامن را به آلودگی دچار می‌کند.

الكافي، ج ۵، ص ۵۱۰

تحف العقول، ص ۸۶ / عوالي اللئالي، ج ۳، ص ۳۱۱ / نهج البلاغة، ص ۴۰۵ (نامه ۳۱) [با اندکی

تفاوت]

الوافي، ج ۲۲، ص ۸۰۰ / وسائل الشيعة، ج ۲۰، ص ۱۶۸ / هداية الأمة، ج ۷، ص ۸۶

مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۱ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۳، ص ۱۰۴ /

مکاتیب الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص ۲۰۰

**۴. برخی از آیات و روایات مشابه اصطلاح زینت و جمال و حلیه:****۴/۱. حُسن**

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الشَّعْرُ الْحَسَنُ مِنْ كِسْوَةِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَأَكْرَمُوهُ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): موی زیبا یکی از کسوت‌های الهی است پس آن را گرامی دارید.
 من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۹ دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۲۵ / الجعفریات (الأشعثیات)، ص ۱۵۶
 سند جعفریات: بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ
 مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۱۲ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۲۹ / الوافی، ج ۶، ص ۶۵۱ / بحار
 الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۱۶ (نقلاً عن کتاب الإمامة و التبصرة، عَنْ هَارُونَ بْنِ مُوسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ
 أَشْبَاطِ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنِ النَّبِيِّ)

۴/۲. تسویل (تزین)

رویناه یاسنادنا إلى أبي محمد هارون بن موسى التلعكبري رضي الله تعالى عنه، یاسناده إلى الحسن بن محبوب الزراد، عن أبي حمزة الثمالي أنه قال: كان علي بن الحسين سيد العابدين صلوات الله عليه يصلي عامة ليله في شهر رمضان، فإذا كان في السحر دعا بهذا الدعاء:
 إِلَهِي لَمْ أَغْصِكَ حِينَ عَصَيْتُكَ وَ أَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جَا حِدٌ، وَ لَا بِأَمْرِكَ مُسْتَخِفٌّ، وَ لَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ، وَ لَا لَوْعِيدِكَ مُتَهَاوِنٌ، وَ لَكِنْ حَطِيئَةٌ عَرَضَتْ وَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي وَ غَلَبَنِي هَوَايَ،

الإقبال بالأعمال، ج ۱، ص ۱۶۶ / مصباح المتجهد، ج ۲، ص ۵۸۹ / البلد الأمين، ص ۲۰۹ /

المصباح للكفعمي، ص ۵۹۵

بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۸۸ / زاد المعاد، ص ۹۷

عن علي عليه السلام: كَفَى بِالْمَرْءِ غُرُورًا أَنْ يَتَّقَ بِكُلِّ مَا تُسَوَّلُ لَهُ نَفْسُهُ.

امام علی علیه السلام: در غفلت و فریب خوردگی آدمی همین بس که به هر آنچه نفس در نظرش بیاراید اعتماد کند.

غرر الحکم، ص ۵۲۱

۴/۳. زبج

عن علي ع: مَنْ رَاقَهُ زَبْرُجُ الدُّنْيَا أَعْقَبَ نَاطِرِيهِ كَمَهَاءٍ.

امام علی (علیه السلام): هر که خوش آید او را زینت دنیا، مالک شود او را فریبها یعنی فریبهای دنیا.

غرر الحکم، ص ۶۰۰

۴/۴. تَبْرُج (زینت و آرایش)

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبِيعٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ قَالَ



رَسُولُ اللَّهِ ص: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشِرَارِ نِسَائِكُمْ الذَّلِيلَةَ فِي أَهْلِهَا الْعَزِيزَةَ مَعَ بَعْلِهَا الْعَقِيمِ الْحَفُودِ النَّبِيِّ لَا تَوَرَّعُ مِنْ قَبِيحِ الْمُتَبَرِّجَةِ إِذَا غَابَ عَنْهَا بَعْلُهَا الْحَصَانُ مَعَهُ إِذَا حَضَرَ لَا تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَلَا تُطِيعُ أَمْرَهُ وَ إِذَا خَلَا بِهَا تَمَنَّعَتْ مِنْهُ كَمَا تَمَنَّعُ الصَّعْبَةُ عَنْ زُكُوبِهَا لَا تَقْبَلُ مِنْهُ عُذْرًا وَلَا تَغْفِرُ لَهُ ذَنْبًا.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): آیا شما را به بدترین زنانتان خبر ندهم؟! کسی که در خانواده‌اش خوار، و با شوهرش متکبر است، نازا، کینه‌توزی که از کار زشت پروا ندارد، وقتی همسرش کنارش نیست خود را زینت و آرایش می‌کند، وقتی همسرش در کنارش است محکم است (زینت و آرایش نمی‌کند!)، حرفش را گوش نمی‌دهد و دستور او را اطاعت نمی‌کند، وقتی همسرش با او خلوت می‌کند از او خودداری می‌کند همانطور که مرکب از سوارشدن ممانعت می‌کند! نه عذری از شوهر می‌پذیرد و نه اشتباه او را می‌بخشد.

الكافي، ج ۵، ص ۳۲۵ / تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۴۰۰

الوافي، ج ۲۱، ص ۵۷ / الفصول المهمة، ج ۳، ص ۳۹۶

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَاطٍ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ قَالَ سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ ص فَقَالَ: إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمْ الْوَلُودُ الْوُدُودُ الْعَفِيفَةُ الْعَزِيزَةُ فِي أَهْلِهَا الذَّلِيلَةَ مَعَ بَعْلِهَا الْمُتَبَرِّجَةِ مَعَ زَوْجِهَا الْحَصَانِ عَلَى غَيْرِهِ النَّبِيُّ تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَ تُطِيعُ أَمْرَهُ وَ إِذَا خَلَا بِهَا بَدَلَتْ لَهُ مَا يُرِيدُ مِنْهَا وَ لَمْ تَبْدَلْ كَتَبَدَّلِ الرَّجُلِ.

پیغمبر (ص) فرمود: می‌خواهید بهترین زنان را معرفی کنم؟ گفتند آری یا رسول الله. فرمود: بهترین زنان آنست که بچه زیاد می‌آورد و با عاطفه و محبت و عقیف و پوشیده باشد، در خانواده‌اش عزیز و محترم، و برای شوهر متواضع و فروتن باشد. در نزد شوهرش زینت و آرایش کرده، و نسبت به دیگران (از مردان) مستور و خوددار باشد، به سخن شوهر گوش فرا دهد، و فرمانبرداری نماید، در خلوت خود را برای او بیاراید و چون مردان ترك زینت ننماید.

الكافي، ج ۵، ص ۳۲۴ / تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۴۰۰

مكارم الأخلاق، ص ۲۰۰

وسائل الشيعة، ج ۲۰، ص ۲۹ / الفصول المهمة، ج ۳، ص ۳۹۳ / الوافي، ج ۲۱، ص ۵۷



رَوَى عَلِيُّ بْنُ رَبَاطٍ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: كُنَّا جُلُوسًا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ فَتَذَاكُرْنَا النَّسَاءَ وَفَضَلَ بَعْضُهُنَّ عَلَى بَعْضٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ نِسَائِكُمْ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ فَأَخْبَرْنَا قَالَ إِنَّ مِنْ خَيْرِ نِسَائِكُمُ الْوُلُودَ الْوُدُودَ السَّتِيرَةَ الْعَفِيفَةَ الْعَزِيزَةَ فِي أَهْلِهَا الذَّلِيلَةَ مَعَ بَعْلِهَا الْمُتَبَرِّجَةَ مَعَ زَوْجِهَا الْحَصَانَ مَعَ غَيْرِهِ الَّتِي تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَتُطِيعُ أَمْرَهُ وَإِذَا خَلَا بِهَا بَدَلَتْ لَهُ مَا أَرَادَ مِنْهَا وَلَمْ تَبْدَلْ لَهُ تَبَدُّلَ الرَّجُلِ.

ابو حمزه ثمالی از جابر بن عبد الله انصاری روایت کرده گفت: ما در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم، راجع به زنها سخن می‌گفتیم و اینکه پاره‌ای نسبت به دیگران امتیازاتی دارند، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: آیا برایتان بگویم بهترین زنان شما کدامند؟ اصحاب عرض کردند بفرمائید، حضرت فرمود: از بهترین زنان شما آن زنی است که پر فرزند و مهربان، پوشیده و پاکدامن بوده و ارزشش در خانواده خود بیش از ارزش او در خانه شوهرش باشد، و آرایش و زینت‌کننده خویش برای شوهرش و از غیر او محفوظ و پوشیده باشد، آن زنی که گوش به سخن شوی دهد و فرمانش را اطاعت کند، و چون با شوهرش خلوت کند، هر چه شوهر از او بخواهد برای او بذل کند ولی مانند شوهر شوق و رغبت به همبستری نشان ندهد.

من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۹

۴/۵. لکل شیء شرف

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع: ... أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ شَرَفًا وَشَرَفُ الْإِسْلَامِ الشَّيْعَةُ...

امام صادق (علیه السلام): ... همانا برای هر چیزی شرافتی است و شرافت اسلام، شیعه است...

الکافی، ج ۸، ص ۲۱۳ / الأمالی (للسدوق)، ص ۶۲۶

سند امالی صدوق: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ

فضائل الشيعة (ابن بابويه، محمد بن علی، ۳۸۱ ق)، ص ۱۰

سند فضائل الشيعة: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حُمَرَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّادِقِ

الأمالی (للطوسي)، ص ۷۲۲

سند امالی طوسی: وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ صَالِحٍ، عَنْ سَلَامِ الْحَنَاطِ، عَنْ هَاشِمِ بْنِ سَعِيدٍ، وَ سَلِيمَانَ الدَّيْلَمِيَّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامِ)،

روضه الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۲، ص ۲۹۵ / مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۹۲ / تأویل الآیات الظاهرة

فی فضائل العتره الطاهرة، ص ۷۶۱ / بشارة المصطفی لشیعة المرتضی، ج ۲، ص ۱۴



سند بشاره المصطفی: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو الْبَقَاءِ الْبَصْرِيُّ إِبرَاهِيمَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ إِبرَاهِيمَ الْوَفا [الرَّقَاءُ] الْمُجَاوِرُ بِمَشْهَدِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع فِي الْمَحْرَمِ سَنَةَ سِتِّ عَشْرَةَ وَخَمْسِمِائَةٍ بِقِرَاءَتِي عَلَيْهِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو طَالِبٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْبَةَ بِالْبَصْرَةِ فِي مَشْهَدِ النَّحَّاسِينَ عَلَى صَاحِبِهِ السَّلَامِ سَنَةَ ثَلَاثٍ وَسِتِّينَ وَأَرْبَعِمِائَةٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْفَقِيهَ قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ وَهْبَانَ قَالَ: أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ حَبْشَةَ بْنِ الْمُؤَنِّيِّ الْكَاتِبِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا بْنِ شَيْبَانَ قَالَ: حَدَّثَنِي نَصْرُ بْنُ مُزَاحِمٍ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَمَانَ [عَمْرَانَ] بْنِ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۴۴ و ۸۰ و ص ۱۴۷ و ص ۶۵ و ج ۷، ص ۲۰۴

۴/۶. لكل شيء وجه

مُحَمَّدٌ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: لِكُلِّ شَيْءٍ وَجْهٌ وَوَجْهُ دِينِكُمْ الصَّلَاةُ فَلَا يَشِيئَنَّ أَحَدُكُمْ وَجْهَ دِينِهِ...

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): برای هر چیزی صورتی است و صورت دین شما نماز است؛ پس هیچکدام از شما صورت دین خود را زشت نکنند...

الكافي، ج ۳، ص ۲۷۰ / تهذيب الأحكام، ج ۲، ص ۲۳۸

سند تهذيب: مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ جَعْفَرِ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

الجعفریات (الأشعثيات)، ص ۳۹

سند جعفریات: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

فقه القرآن (قطب رواندی، ۵۷۳ ق)، ج ۱، ص ۷۹ / دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۳۳

۴/۷. زهرة الحياه الدنيا

مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى وَ عَلِيٍّ بْنِ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ قَالَ: مَا سَمِعْتُ بِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ كَانَ أَزْهَدَ مِنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع إِلَّا مَا بَلَغَنِي مِنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ أَبُو حَمَزَةَ كَانَ الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع إِذَا تَكَلَّمَ فِي الزُّهْدِ وَ وَعَظَ أَبْكَى مَنْ بَحْضَرْتَهُ قَالَ أَبُو حَمَزَةَ وَ قَرَأْتُ صَحِيفَةً فِيهَا كَلَامٌ زُهْدٍ مِنْ كَلَامِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع وَ كَتَبْتُ مَا فِيهَا ثُمَّ أَتَيْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ص فَعَرَضْتُ مَا فِيهَا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُ وَ صَحَّحَهُ وَ كَانَ مَا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * ... فَقَدِّمُوا أَمْرَ اللَّهِ وَ طَاعَتَهُ وَ طَاعَةَ مَنْ أَوْجَبَ اللَّهُ طَاعَتَهُ بَيْنَ يَدَيِ الْأُمُورِ كُلِّهَا وَ لَا تُقَدِّمُوا الْأُمُورَ الْوَارِدَةَ عَلَيْكُمْ مِنَ الطَّوَاعِيَةِ مِنْ فِتْنِ زَهْرَةِ الدُّنْيَا بَيْنَ يَدَيِ أَمْرِ اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ وَ طَاعَةَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ.

امام سجاد (علیه السلام): ... پس امر خدا و طاعت او و پیروی کسی را که خداوند اطاعتش را

واجب شمرده بر امور دیگر پیش اندازید، و فرمان‌های وارده از طاغوت‌ها را که فریفتگی‌های

زینت جلوه دنیاست بر امر خدا و طاعتش و طاعت اولی الامر تان جلوتر نیندازید.

الكافي، ج ۸، ص ۱۶



الأمالی (للمفید)، ص ۲۰۲ / تحف العقول، ص ۲۵۴ / مجموعة ورام، ج ۲، ص ۳۸
بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۵۰ / الوافی، ج ۲۶، ص: ۲۴۵ / مکاتیب الأئمة علیهم السلام، ج ۳، ص:
۱۶۱

۴/۸. زُخْرَفٌ - نَجْدٌ (مُنَجَّدٌ)

عن علی ع: آيَنَ مَنْ حَصَّنَ وَ أَكَّدَ وَ زَحْرَفَ وَ نَجَّدَ.

امام علی (علیه السلام): کجاست آن که حصار ساخت و محکم گردانید، و زینت کرد و آرایش نمود؟!
غرر الحکم، ص ۱۸۲

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَيْسَى الْقَاسَانِيِّ عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ الْمَيْسَرِيِّ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ قَالَ
الْمَسِيحُ ع خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَ لَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ - كُونُوا نَقَادَ الْكَلَامِ فَكَمْ مِنْ
ضَلَالَةٍ زُخْرِفَتْ بِآيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ كَمَا زُخْرِفَ الدَّرْهَمُ مِنْ نَحَاسٍ بِالْفِضَّةِ الْمُمَوَّهَةِ النَّظْرُ إِلَى ذَلِكَ سَوَاءٌ
وَ الْبُصْرَاءُ بِهِ خُبْرَاءُ .

عیسی بن مریم علیه السلام: حق را از اهل باطل فرا گیرید، و باطل را از اهل حق فرا نگیرید. ناقدان
سخن باشید؛ زیرا چه بسا گمراهی ای که با آیه ای از کتاب خدا زینت داده می شود، چنان که سگه
مسین را با نقره زینت کنند! به نظر، نقره می نماید؛ لیک کارشناسان، آن را می شناسند.

المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۹

إثبات الهداة، ج ۱، ص ۹۵ / غرر الحکم، ص ۵۱۵ / بحار الأنوار، ج ۲، ص ۹۶

و من کتاب لَشْرِيحِ بْنِ الْحَارِثِ قَاضِيهِ: وَ رُوِيَ أَنَّ شَرِيحَ بْنَ الْحَارِثِ قَاضِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع اشْتَرَى
عَلَى عَهْدِهِ دَاراً بِثَمَانِينَ دِينَراً فَبَلَغَهُ ذَلِكَ فَاسْتَدْعَى شَرِيحاً وَ قَالَ لَهُ: بَلَّغْنِي أَنَّكَ ابْتَعْتَ دَاراً بِثَمَانِينَ
دِينَراً وَ كَتَبْتَ لَهَا كِتَاباً وَ أَشْهَدْتَ فِيهِ شُهوداً...: مَنْ جَمَعَ الْمَالَ عَلَى الْمَالِ فَأَكْثَرَ وَ مَنْ بَنَى وَ سَيِّدَ وَ
زُخْرَفَ وَ نَجَّدَ وَ ادَّخَرَ وَ اعْتَقَدَ وَ نَظَرَ بِزَعْمِهِ لِلْوَلَدِ إِشْخَاصَهُمْ جَمِيعاً إِلَى مَوْقِفِ الْعَرَضِ وَ الْحِسَابِ وَ
مَوْضِعِ الثَّوَابِ وَ الْعِقَابِ إِذَا وَقَعَ الْأَمْرُ بِفَضْلِ الْقَضَاءِ وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ شَهِدَ عَلَى ذَلِكَ الْعَقْلُ إِذَا
خَرَجَ مِنْ أَسْرِ الْهَوَى وَ سَلِمَ مِنْ عِلَاقِ الدُّنْيَا.

نامه امیرالمومنین (علیه السلام) به شریح قاضی: (به امام خبر دادند که شریح بن الحارث، قاضی
امام خانه ای به ۸۰ دینار خرید، او را احضار کرده و به او فرمود: به من خبر دادند که خانه ای با هشتاد
دینار خریده ای، و سندی برای آن نوشته ای، و گواهانی آن را امضا کرده اند...: آنان که مال فراوان
گرد آورده بر آن افزودند، و آنان که قصرها ساخته، و محکم کاری کردند، طلاکاری کرده، و زینت



دادند، فراوان اندوختند، و نگهداری کردند، و به گمان خود برای فرزندان خود باقی گذاشتند همگی آنان به پای حسابرسی الهی، و جایگاه پاداش و کیفر رانده می‌شوند، آنگاه که فرمان داوری و قضاوت نهایی صادر شود «پس تبهکاران زیان خواهند دید». به این واقعیت‌ها عقل گواهی می‌دهد هر گاه که از اسارت هوای نفس نجات یافته، و از دنیا پرستی به سلامت بگذرد.

نهج البلاغة (نامه ۳)، ص ۳۶۵

بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۱۵۶

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَسَنِ الزَّيَّاتِ الْبَصْرِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ أَنَا وَصَاحِبٌ لِي وَإِذَا هُوَ فِي بَيْتٍ مُنْجَدٍ وَعَلَيْهِ مِلْحَفَةٌ وَرَدِيَّةٌ وَقَدْ حَفَّ لِحْيَتُهُ وَاكْتَحَلَ فَسَأَلْتُهُ عَنْ مَسَائِلَ فَلَمَّا قُمْنَا قَالَ لِي يَا حَسَنُ قُلْتُ لَبَيْكَ قَالَ إِذَا كَانَ غَدًا فَأَتَيْتَنِي أَنْتَ وَصَاحِبُكَ فَقُلْتُ نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِ دَخَلْتُ عَلَيْهِ وَإِذَا هُوَ فِي بَيْتٍ لَيْسَ فِيهِ إِلَّا حَصِيرٌ وَإِذَا عَلَيْهِ قَمِيصٌ غَلِيظٌ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ صَاحِبِي فَقَالَ يَا أَخَا أَهْلِ الْبَصْرَةِ إِنَّكَ دَخَلْتَ عَلَيَّ أَمْسٍ وَأَنَا فِي بَيْتِ الْمَرْأَةِ وَكَانَ أَمْسِ يَوْمِهَا وَالْبَيْتُ بَيْتِهَا وَالْمَتَاعُ مَتَاعِهَا فَتَزَيَّتُ لِي عَلَيَّ أَنْ أَتَزَيَّنَ لَهَا كَمَا تَزَيَّنْتُ لِي فَلَا يَدْخُلُ قَلْبُكَ شَيْءٌ فَقَالَ لَهُ صَاحِبِي جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ كَانَ وَاللَّهِ دَخَلَ فِي قَلْبِي شَيْءٌ فَأَمَّا الْآنَ فَقَدْ وَاللَّهِ أَذْهَبَ اللَّهُ مَا كَانَ وَعَلِمْتُ أَنَّ الْحَقَّ فِيمَا قُلْتُ.

حسن زیات بصری گفت من و دوستم خدمت حضرت باقر (علیه السلام) رسیدیم دیدیم در خانه آراسته يك جامه گلی رنگ بر تن نموده و سر و ریش خود را روغن زده و سُرمه کشیده است و چند مسأله پرسیدیم همین که خواستم حرکت کنم فرمود حسن فردا با رفیقت بیا پیش من و عرض کردم بسیار خوب فدایت شوم. فردا خدمتش رسیدم دیدم در خانه ای است که جز حصیر چیزی ندارد و يك جامه خشن پوشیده رو کرد به دوست من فرمود: برادر بصری! تو دیروز آمدی من در خانه عروسی بودم و آن روز نوبت او بود و خانه متعلق به خودش بود تمام وسائل نیز به او تعلق داشت او خود را برای من زینت کرده بود من نیز لازم بود خود را برایش بیاریم. مبدا خیالی بکنی! رفیقم گفت: به خدا خاطر من چیزی گذشت ولی اکنون دیگر هر چه خیال کرده بودم از بین رفت و فهمیدم حق با شما است.

الكافي، ج ۶، ص ۴۴۸

الوافي، ج ۲۰، ص ۷۱۷ / وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۳۲ / بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۲۹۳



عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الزِّيَّاتِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَ وَهُوَ فِي بَيْتِ مَنْجَدٍ ثُمَّ عُدْتُ إِلَيْهِ مِنَ الْعَدِ وَهُوَ فِي بَيْتِ لَيْسَ فِيهِ إِلَّا حَصَى فَبَرَزَ وَ عَلَيْهِ قَمِيصٌ غَلِيظٌ فَقَالَ الْبَيْتُ الَّذِي رَأَيْتُمْ أَمْسَ لَيْسَ هُوَ بَيْتِي إِنَّمَا هُوَ بَيْتُ الْمَرْأَةِ وَ كَانَ أَمْسَ يَوْمَهَا.

حسن بن زیات گوید: بر حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) داخل شدم، در حالی که خانه اش آراسته بود، فردا بر او وارد شدم، وی در خانه ای بود که جز شن چیزی در آن نبود، و حضرت آمد و پیراهنی خشن به تن داشت، و فرمود: خانه ای که دیروز دیدی اطاق من نبود، بلکه خانه همسر من بود که دیروز روز او بود (و وقت من مربوط به او).

مکارم الأخلاق، ص ۸۲

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الزِّيَّاتِ قَالَ كَانَ يَجْلِسُ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ فَلَمْ أَرُلْ بِهِ حَتَّى دَخَلَ فِي هَذَا الْأَمْرِ قَالَ وَ كُنْتُ أَصِفُ لَهُ أَبَا جَعْفَرٍ عَ فَخَرَجْنَا إِلَى مَكَّةَ فَلَمَّا قَضَيْنَا التُّسُكَ أَخَذْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ فَاسْتَأْذَنَّا عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَ فَأَذِنَ لَنَا فَدَخَلْنَا عَلَيْهِ فِي بَيْتِ مَنْجَدٍ وَ عَلَيْهِ مِلْحَفَةٌ وَرِدِيَّةٌ وَ قَدْ اخْتَضَبَ وَ اِكْتَحَلَ وَ حَفَّ لِحْيَتَهُ فَجَعَلَ صَاحِبِي يَنْظُرُ إِلَيْهِ وَ يَنْظُرُ إِلَى الْبَيْتِ وَ يَعْزِضُ عَمَاهُ بِقَلْبِهِ فَلَمَّا قُئِمْنَا قَالَ يَا حَسَنُ إِذَا كَانَ الْعُدُّ إِذَا شَاءَ اللَّهُ فَعُدَّ أَنْتَ وَ صَاحِبُكَ إِلَيَّ فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْعَدِ قُلْتُ لِصَاحِبِي أَذْهَبُ بِنَا إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ فَقَالَ أَذْهَبُ وَ دَعْنِي قُلْتُ سُبْحَانَ اللَّهِ أَلَيْسَ قَدْ قَالَ غَدًا عُدَّ أَنْتَ وَ صَاحِبُكَ قَالَ أَذْهَبُ أَنْتَ وَ دَعْنِي فَوَ اللَّهُ مَا زِلْتُ بِهِ حَتَّى مَضَيْتُ بِهِ فَدَخَلْنَا عَلَيْهِ فَإِذَا هُوَ فِي بَيْتِ لَيْسَ فِيهِ إِلَّا حَصَى فَبَرَزَ وَ عَلَيْهِ قَمِيصٌ غَلِيظٌ وَ هُوَ شَعْتُ فَمَالَ عَلَيْنَا فَقَالَ دَخَلْتُمْ عَلَيَّ أَمْسَ فِي الْبَيْتِ الَّذِي رَأَيْتُمْ وَ هُوَ بَيْتُ الْمَرْأَةِ وَ لَيْسَ هُوَ بَيْتِي وَ كَانَ أَمْسَ يَوْمَهَا فَتَرَيْتُمْ لَهَا وَ كَانَ عَلَيَّ أَنْ أَتَرَيْنَ لَهَا كَمَا تَرَيْتُمْ لِي وَ هَذَا بَيْتِي فَلَا يَعْزِضُ فِي قَلْبِكَ يَا أَخَا الْبَصْرَةِ فَقَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ كَانَ عَرَضَ فَأَمَّا الْآنَ فَقَدْ أَذْهَبَهُ اللَّهُ.

حسن بن زیات گوید: مردی بصری با من مجالست داشت، و همواره با او بودم تا به تشیع گرایید. من وصف او را برای حضرت باقر (علیه السلام) می نمودم، و به مکه رفتیم، چون مناسک را به انجام رسانیدیم، به مدینه رفتیم، و از امام (علیه السلام) اجازه ورود خواستیم، اجازه داد. وارد شدیم. اطاقی آراسته دیدیم، و حضرت لباسی خوشرنگ پوشیده بود، حنا بسته و سُرْمه کشیده و محاسن را اصلاح نموده، رفیق من همچنان به امام و اطاق نظاره می کرد، چون برخاستیم، حضرت فرمود: حسن، چون ان شاء الله فردا شد با رفیقت نزد ما آید، فردا به رفیقم گفتم، برویم به خانه امام (علیه السلام). مرد گفت: تو برو و مرا رها کن، گفتم: مگر هر دوی ما را دعوت نکرد؟ و چندان اصرار



کردم، قبول کرد. و چون بر حضرت وارد شدیم در خانه امام (علیه السلام) جز ریگ و شن چیزی نبود، و حضرت با جامه‌ای کهنه و خشن نزد ما آمد و فرمود: خانه‌ای را که دیروز دیدید و به آن وارد شدید خانه من نبود بلکه خانه همسرم بود، و دیروز من متعلق به او بود و من خود و خانه را بخاطر او آراسته بودم و بر من است که خود را برای او بیاریم، چنان که او خود را برای من، و خانه من این است. ای برادر بصری در دل تو تردید نباشد. مرد گفت: جانم فدایت! قبلا تردیدی آمد ولی اکنون خدا آن را بر طرف کرد.

مکارم الأخلاق، ص ۸۰

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۰۱

نکته:

جهت مطالعه روایات بیشتر در مورد اصطلاح «زینت» و اصطلاحات مشابه، به پیوست شماره ۳ (مصادیق زینت در آیات و روایات) مراجعه فرمایید.



پیوست شماره ۲: توضیحاتی در مورد مکتب فرمالیسم (formalism)

Formalism, a school of thought within the realm of art and literary criticism, has long been a guiding force in shaping our understanding and appreciation of creative works. Rooted in the belief that the form of an artwork is essential to its meaning, Formalism has sparked countless debates and discussions among scholars, artists, and enthusiasts. In this exploration, we delve into the core principles of Formalism, its historical context, and its enduring impact on the world of aesthetics.

Formalism emerged as a distinct school of thought in the early ۲۰th century, gaining prominence in both literary and visual art circles. Russian Formalism, led by scholars like Viktor Shklovsky and Roman Jakobson, was a pivotal movement that laid the groundwork for Formalist ideas. The Russian Formalists focused on the concept of “defamiliarization,” wherein the goal was to present familiar objects or ideas in a way that made them appear new and unfamiliar, thus leading to a heightened perception.

فرمالیسم، یک مکتب فکری در قلمرو هنر و نقد ادبی، مدت‌هاست که به عنوان یک نیروی راهنما در شکل‌دهی درک و ارزشگذاری ما از آثار خلاقانه عمل می‌کند. فرمالیسم، ریشه در این باور دارد که شکل یک اثر هنری برای معنای آن ضروری است و باعث ایجاد بحث‌ها و گفتگوهای بی‌شماری در میان محققان، هنرمندان و علاقه‌مندان شده است. در این بررسی، ما به اصول اصلی فرمالیسم، زمینه تاریخی آن و تأثیر ماندگار آن بر دنیای زیبایی‌شناسی می‌پردازیم.

فرمالیسم به عنوان یک مکتب فکری مجزا در اوایل قرن بیستم ظهور کرد و در محافل ادبی و هنرهای تجسمی محبوبیت یافت. فرمالیسم روسی، به رهبری محققانی مانند ویکتور شلوفسکی و رومان یاکوبسون، یک جنبش محوری بود که زمینه را برای ایده‌های فرمالیستی فراهم کرد. فرمالیست‌های روسی بر مفهوم «بیگانه‌سازی» تمرکز داشتند، که هدف آن ارائه اشیاء یا ایده‌های آشنا به گونه‌ای بود که آن‌ها را جدید و ناآشنا جلوه دهد و در نتیجه منجر به درک افزایش یافته شود.

۱۲۸



Formalism is the study of art based solely on an analysis of its form - the way it is made and what it looks like. Formalism describes the critical position that the most important aspect of a work of art is its form - the way it is made and its purely visual aspects - rather than its narrative content or its relationship to the visible world. In painting therefore, a formalist critic would focus exclusively on the qualities of colour, brushwork, form, line and composition.

- Formalism as a critical stance came into being in response to impressionism and post-impressionism (especially the painting of Cézanne) in which unprecedented emphasis was placed on the purely visual aspects of the work. In ۱۸۹۰ the post-impressionist painter and writer on art, Maurice Denis, published a manifesto titled Definition of Neo-Traditionism where he emphasised that aesthetic pleasure was to be found in the painting itself not its subject. This became one of the most widely quoted texts in the history of modern art:
- Remember, that a picture, before it is a picture of a battle horse, a nude woman, or some story, is essentially a flat surface covered in colours arranged in a certain order.^{۱۲۹}

فرمالیسم مطالعه هنر است که صرفاً بر اساس تجزیه و تحلیل فرم آن (نحوه ساخت و ظاهر آن) است. فرمالیسم این موضع انتقادی را توصیف می‌کند که مهم‌ترین جنبه یک اثر هنری، فرم آن است - نحوه ساخت و جنبه‌های صرفاً بصری آن - نه محتوای روایی یا ارتباط آن با جهان مرئی. بنابراین در نقاشی، یک منتقد فرمالیست منحصراً بر کیفیت رنگ، قلم مو، فرم، خط و ترکیب تمرکز می‌کند.^{۱۳۰}

۱۲۹. گالری های تیت، (موزه های هنری در بریتانیا)

tate.org.uk/art/art-terms/f/formalism

۱۳۰.

At its heart, Formalism places emphasis on the intrinsic qualities of an artwork — its form, structure, and the arrangement of its elements. For Formalists, the content or context surrounding the creation of a piece is secondary to its formal elements. Whether it be in visual arts, literature, or music, Formalism invites us to analyze and appreciate art for its own sake, divorced from external influences or narratives. Formalists argue that the formal elements of art, such as line, color, shape, rhythm, and composition, are the true bearers of



- فرمالیسم به عنوان یک موضع انتقادی در واکنش به امپرسیونیسم و پست امپرسیونیسم (به ویژه نقاشی سزان) به وجود آمد که در آن تأکید بی سابقه ای بر جنبه های صرفاً بصری اثر شده بود. در سال ۱۸۹۰، موریس دنیس، نقاش و نویسنده پست امپرسیونیست در زمینه هنر، مانیفستی با عنوان تعریف سنت‌گرایی نو منتشر کرد که در آن تأکید کرد که لذت زیبایی‌شناختی را باید در خود نقاشی یافت نه موضوع آن. این متن به یکی از متداول‌ترین متون در تاریخ هنر مدرن تبدیل شد: به یاد داشته باشید که یک عکس، قبل از اینکه تصویری از یک اسب جنگی، یک زن برهنه یا داستانی باشد، اساساً یک سطح صاف پوشیده از رنگ‌هایی است که به ترتیب خاصی چیده شده اند.

Key Ideas & Accomplishments

The rise of Formalism as a critical approach is inseparable from the rise of abstraction in painting across the ۱۹th century. As naturalistic detail receded from the canvas, so elementary compositional elements such as color relationship, shapes, and textures rose to prominence in the viewer's perception. This both paved the way for, and was heralded by, the emergence of critical approaches which championed "Formal" effects over and above figurative detail as key to artistic value.

In the hands of its most famous advocate, Clement Greenberg, Formalism came to stand for all that was intellectually sophisticated and forward-thinking in art, as opposed to what was kitsch and vulgar. For Greenberg, the aim of avant-garde art

meaning. These elements, when carefully orchestrated, create a unique aesthetic experience that transcends the need for a narrative or external reference. In essence, Formalism challenges us to see art as a self-contained entity, inviting us to explore the intricate interplay of its formal components.

در قلب خود، فرمالیسم بر ویژگی‌های ذاتی یک اثر هنری - شکل، ساختار و ترتیب عناصر آن - تأکید دارد. برای فرمالیست‌ها، محتوا یا زمینه اطراف قطعه [هنری]، یک اثر ثانویه نسبت به عناصر فرمال آن است. چه در هنرهای تجسمی، ادبیات یا موسیقی، فرمالیسم ما را دعوت می‌کند تا هنر را به خاطر خود آن، جدا از تأثیرات خارجی یا روایت‌ها، تحلیل و قدردانی کنیم. فرمالیست‌ها استدلال می‌کنند که عناصر فرمال هنر، مانند خط، رنگ، شکل، ریتم و ترکیب، حاملان واقعی معنا هستند. این عناصر، هنگامی که با دقت هماهنگ شوند، یک تجربه زیبایی‌شناسی منحصر به فرد ایجاد می‌کنند که فراتر از نیاز به یک روایت یا مرجع خارجی است. در اصل، فرمالیسم ما را به دیدن هنر به عنوان یک موجود خودکفا دعوت می‌کند و ما را به کاوش در تعامل پیچیده اجزای فرمال آن دعوت می‌کند.

دانشنامه علمی آمریکایی Medium

medium.com/salt-pepper-and-art/beyond-the-canvas-the-allure-of-formalism-in-art-and-aesthetics-fcd31da9e184



was to offer encoded analyses of the formal parameters of artistic expression itself, a subtle self-reflexivity that was only possible through the compositional play and daring of a Formalist approach.

Formalism has, throughout its history, been associated with a kind of political and ethical quietism, because of the assertion, so central to the school, that proper analysis of an artwork should be separated from all contextual consideration, and therefore all ideas of art as an agent of social change. This has occasionally led to an affinity between Formalism and the political right, which tends to preach acceptance of the social status quo. For example, Formalism in North America has been associated with the right-wing cultural journal *The New Criterion*.

ایده ها و دستاوردهای کلیدی

ظهور فرمالیسم به عنوان یک رویکرد انتقادی، جدایی ناپذیر از ظهور انتزاع در نقاشی در طول قرن نوزدهم است. همانطور که جزئیات طبیعی گرایانه از بوم عقب‌نشینی کردند، عناصر ابتدایی ترکیبی مانند رابطه رنگ، شکل‌ها و بافت‌ها در ادراک بیننده برجسته شدند. این هم‌راه را برای ظهور رویکردهای انتقادی هموار کرد و هم توسط آن‌ها اعلام شد که "اثرات فرمال" را بر جزئیات عینی به عنوان کلید ارزش هنری ترجیح می‌دهند.

در دست‌های مشهورترین مدافع خود، کلمنت گرینبرگ، فرمالیسم به معنای تمام آنچه که در هنر از نظر فکری پیچیده و آینده‌نگر بود، در مقابل آنچه که کیچ^{۱۳۱} و مبتذل بود، قرار گرفت. برای گرینبرگ، هدف هنر پیشرو ارائه تحلیل‌های رمزگذاری شده از پارامترهای فرمال خود بیان هنری بود، یک خودآگاهی ظریف که تنها از طریق بازی ترکیبی و جسارت رویکرد فرمالیستی امکان‌پذیر بود. فرمالیسم در طول تاریخ خود با نوعی سکوت سیاسی و اخلاقی همراه بوده است، به دلیل ادعای مرکزی این مکتب که تحلیل صحیح یک اثر هنری باید از هرگونه ملاحظات زمینه‌ای جدا شود.

Beginnings

۱۳۱. کیچ اصطلاحی است که به هنر و طراحی اطلاق می‌شود که به عنوان تقلیدی ساده لوحانه، بیش از حد عجیب و غریب، بیهوده یا دارای سلیقه بیش یا افتاده تلقی می‌شود. هنر پیشرو مدرن به طور سنتی با کیچ به دلیل تمایلات مولودراماتیک، رابطه سطحی آن با شرایط انسانی و معیارهای طبیعی زیبایی‌اش مخالف بود.



The development of Formalism was informed by the doctrine of "l'art pour l'art" ("art for art's sake"), first used by Victor Cousin, a French philosopher, during the early ۱۸۰۰s. Subsequently, the French novelist Théophile Gautier used the phrase to describe his novel, *Mademoiselle de Maupin* (۱۸۳۵); by the mid-۱۸۰۰s, a number of literary and visual artists were promoting the idea that art existed solely for its own sake, and should not serve any social or moral purpose.

The artist James McNeill Whistler said that "art should be independent of all claptrap - should stand alone." As a leading figure of both the Aesthetic movement and Tonalism, Whistler's "nocturnes", such as *Nocturne in Blue and Gold: Old Battersea Bridge* (c. ۱۸۷۲-۷۵), became influential exemplars of a Formalist approach. Critic Clive Bell would later describe Whistler as being among those "who made form a means to aesthetic emotion and not a means of stating facts and conveying ideas."

آغاز

توسعه فرمالیسم با دکتترین "هنر برای هنر" ("هنر برای هنر") که اولین بار توسط ویکتور کوزین، فیلسوف فرانسوی، در اوایل دهه ۱۸۰۰ استفاده شد، شکل گرفت. متعاقباً، رمان‌نویس فرانسوی توفیل گوتیه از این عبارت برای توصیف رمان خود، *Mademoiselle de Maupin* (۱۸۳۵) استفاده کرد. در اواسط دهه ۱۸۰۰، تعدادی از هنرمندان ادبی و تجسمی این ایده را ترویج کردند که هنر صرفاً به خاطر خودش وجود دارد و نباید در خدمت هیچ هدف اجتماعی یا اخلاقی باشد.

هنرمند جیمز مک نیل ویستلر گفت که "هنر باید مستقل از هر نوع دست زدن باشد - باید به تنهایی ایستاده باشد." به عنوان یک چهره پیشرو در جنبش زیبایی‌شناسی و تونالیسم، «شب‌های شبانه» ویستلر، مانند «شب‌های آبی و طلایی: پل قدیمی باترسی» (حدود ۱۸۷۲-۱۸۷۵)، به نمونه‌های تأثیرگذار رویکرد فرمالیستی تبدیل شدند. منتقد کلايو بل بعدها ویسلر را از جمله کسانی توصیف کرد که «شکل را وسیله‌ای برای احساسات زیبایی‌شناختی قرار دادند و نه وسیله‌ای برای بیان حقایق و انتقال ایده‌ها».

The Emergence of Abstraction



Formalism's emphasis upon the composition of formal elements paralleled and furthered the rise of abstraction. The connection could be seen as early as the near-abstraction of Whistler's *Nocturne in Black and Gold: The Falling Rocket* (۱۸۷۵) or Cezanne's final landscapes. Building upon Cezanne's emphasis upon "the cylinder, sphere and the cone" as the visual components of the natural world, Pablo Picasso and Georges Braque developed Cubism's multiple perspectives and fractured forms.

In ۱۹۱۳, Kazimir Malevich developed the principles of Suprematism, an abstract art composed of a limited number of geometric forms. As he later recalled, "[i]n the year ۱۹۱۳, trying desperately to free art from the dead weight of the real world, I took refuge in the form of the square." David Bomberg, a pioneer of abstraction in Britain, described his work on similar lines: "I appeal to a sense of form – where I use naturalistic form I have stripped it of all irrelevant matter... My object is the construction of Pure Form." His works, such as *The Mud Bath* (۱۹۱۴), depicted the human figure as a geometric shape, a process which he described as "searching for an intenser expression."

The Expressiveness of Form

Man Ray, the USA-born Dadaist and Surrealist, issued a statement in ۱۹۱۶ for The Forum Exhibition of Modern American Painters at the Anderson Galleries in New York. Including work by sixteen American painters, such as Arthur Dove, Charles Sheeler, Thomas Hart Benton and Marsden Hartley, the exhibition was meant to advance the idea of a North-American tradition of avant-garde art, building on the momentum of the famous Armory Show of ۱۹۱۳. Man Ray wrote that: "[t]he creative force and the expressiveness of painting reside materially in the color and texture of pigment, in the possibilities of form invention and organization, and in the flat plane on which these elements are brought to play." The artist, meanwhile, "is concerned solely with linking these absolute qualities directly to his wit, imagination, and experience, without the go-between of a 'subject.'"



In ۱۹۱۶ Man Ray also privately published *A Primer of the New Art of Two Dimensions*. His treatise failed to find a following and Man Ray was to become best known for his subsequent Dada and Surrealist works, and as a photographer. However, as art historian Francis M. Naumann wrote, the primer presented "the basic tenets of a remarkably prescient Formalist theory, one that contains the seeds of a critical approach that would not be fully explored in American art for some forty years, not until the so-called second generation of Formalist critics applied their analysis to the paintings of the Abstract Expressionists in the ۱۹۴۰s and ۱۹۵۰s. The three basic tenets of Formalism espoused by these critics can be summarized as follows: (۱) primary interest in the structural order of a work of art; (۲) purity of the medium; and (۳) integrity of the picture plane. All three of these concerns are either directly stated or implied in Man Ray's writings."

پیدایش انتزاع

تاکید فرمالیسم بر ترکیب عناصر شکل دهنده، موازی و تقویت کننده ظهور انتزاع بود. این ارتباط را می توان در آثار نزدیک به انتزاع مانند "نکتورن در سیاه و طلا: راکت سقوط کننده" (۱۸۷۵) ویستلر یا مناظر نهایی سزان دید. با تکیه بر تاکید سزان بر "استوانه، کره و مخروط" به عنوان اجزای بصری دنیای طبیعی، پابلو پیکاسو و ژرژ براک چشم اندازهای چندگانه و فرم های شکسته کوبیسم را توسعه دادند.

در سال ۱۹۱۳، کازیمیر مالویچ اصول سوپره ماتریسم را توسعه داد، یک هنر انتزاعی متشکل از تعداد محدودی از فرم های هندسی. همانطور که بعدها یادآوری کرد، "در سال ۱۹۱۳، با تلاش شدید برای رهایی هنر از وزن مرده دنیای واقعی، به پناهگاه فرم مربع پناه بردم." دیوید بامبرگ، پیشگام انتزاع در بریتانیا، کار خود را در خطوط مشابهی توصیف کرد: "من به حسی از فرم متوسل می شوم - جایی که از فرم طبیعی استفاده می کنم، آن را از تمام مواد غیر مرتبط جدا کرده ام... هدف من ساخت فرم خالص است." آثار او، مانند "حمام گل" (۱۹۱۴)، شکل انسانی را به عنوان یک شکل هندسی به تصویر کشید، فرآیندی که او آن را "جستجو برای یک بیان شدیدتر" توصیف کرد.

بیانگری فرم

من ری، دادائیسیت و سورئالیست متولد ایالات متحده، در سال ۱۹۱۶ بیانیه‌ای برای نمایشگاه انجمن هنرمندان مدرن آمریکایی در گالری‌های اندرسون در نیویورک منتشر کرد و نوشت: "قدرت خلاق و بیانگری نقاشی به طور مادی در رنگ و بافت رنگدانه، در امکانات اختراع و سازماندهی فرم و در صفحه تخت که این عناصر در آن به نمایش گذاشته می‌شوند، نهفته است. در همین حال، هنرمند "منحصراً با پیوند مستقیم این ویژگی‌های مطلق به هوش، تخیل و تجربه خود، بدون واسطه یک 'موضوع'، سروکار دارد."

در سال ۱۹۱۶ من ری همچنین به صورت خصوصی کتابی با عنوان "مقدمه‌ای بر هنر جدید دو بعدی" منتشر کرد. رساله او نتوانست پیروانی پیدا کند و من ری به خاطر آثار بعدی دادائیسیت و سورئالیست خود و به عنوان یک عکاس شناخته شد. با این حال، همانطور که مورخ هنر فرانسیس ام. نومان نوشت، این کتابچه "مبانی نظریه فرمالیستی بسیار پیش‌بینی‌کننده را ارائه می‌دهد، نظریه‌ای که حاوی بذره‌های یک رویکرد انتقادی است که در هنر آمریکا برای حدود چهار سال به طور کامل کاوش نخواهد شد، نه تا زمانی که نسل دوم منتقدان فرمالیست تجزیه و تحلیل خود را بر نقاشی‌های هنرمندان بیانگر انتزاعی در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ اعمال کردند. سه اصل اساسی فرمالیسم که توسط این منتقدان حمایت می‌شود را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد: (۱) علاقه اصلی به نظم ساختاری یک اثر هنری؛ (۲) خلوص رسانه؛ و (۳) یکپارچگی صفحه تصویر. هر سه مورد از این نگرانی‌ها یا به طور مستقیم بیان شده‌اند یا در نوشته‌های من ری ضمنی هستند."

Artists and Formalism

As Clement Greenberg's Formalism became a dominant force in the ۱۹۴۰s, the leading Abstract Expressionists, Mark Rothko and Adolph Gottlieb, wrote a letter in The New York Times, which stated: "We do not intend to defend our pictures. They make their own defense. We consider them clear statements... We refuse to defend them not because we cannot. It is an easy matter to explain to the befuddled [critics] that The Rape of Persephone is a poetic expression of the essence of myth...the impact of elemental truth." The two artists essentially believed that any attempt to deconstruct and subsequently explain an abstract work of art was to strip it of its intrinsic value. The ultimate meaning of an abstract artwork was to be found in its shapes, colors, and lines, and through the



acceptance that, according to Rothko, "art is an adventure into an unknown world." Yet, at the same time, Rothko and Gottlieb also felt that a traditional classical subject, taken from Greek myth, could be expressed through that elemental form and abstract composition. As they noted, "[w]e favor the simple expression of the complex thought. We are for the large shape because it has the impact of the unequivocal. We wish to reassert the picture plane. We are for flat forms because they destroy illusion and reveal truth."

هنرمندان و فرمالیسم

همانطور که فرمالیسم کلیمنت گرینبرگ در دهه ۱۹۴۰ به یک نیروی غالب تبدیل شد، پیشروهای اکسپرسیونیسم انتزاعی، مارک روثکو و آدولف گوتلیب، نامه‌ای در نیویورک تایمز نوشتند که در آن اظهار داشتند: «ما قصد نداریم از نقاشی‌های خود دفاع کنیم. آنها از خود دفاع می‌کنند. ما آنها را بیان‌های روشنی می‌دانیم... ما از دفاع کردن از آنها خودداری می‌کنیم نه به این دلیل که نمی‌توانیم. توضیح دادن به منتقدان گیج شده بسیار آسان است که تجاوز به پرسفونه یک بیان شاعرانه از ماهیت اسطوره است...» این دو هنرمند در اصل معتقد بودند که هرگونه تلاش برای تجزیه و سپس توضیح یک اثر هنری انتزاعی، آن را از ارزش ذاتی اش محروم می‌کند. معنای نهایی یک اثر هنری انتزاعی در شکل‌ها، رنگ‌ها و خطوط آن و از طریق پذیرش این که، طبق گفته روثکو، «هنر یک ماجراجویی در دنیایی ناشناخته است»، یافت می‌شد. همانطور که آنها اشاره کردند، «ما بیان ساده فکر پیچیده را ترجیح می‌دهیم. ما طرفدار شکل بزرگ هستیم زیرا تأثیر قاطع دارد. ما می‌خواهیم سطح تصویر را تأیید کنیم. ما طرفدار فرم‌های مسطح هستیم زیرا آنها توهم را از بین می‌برند و حقیقت را آشکار می‌کنند.»

Critics who Defied Formalism

Several critics during the era of Abstract Expressionism challenged Greenberg's Formalism. A leading rival, Harold Rosenberg, developed the term "action paintings" to describe Jackson Pollock's drip paintings, while arguing that "[f]ormal criticism has consistently buried the emotional, moral, social and metaphysical content of modern art under blueprints of 'achievements' in handling line, color, and form." Greenberg responded by characterizing

Rosenberg's approach as involving "perversions and abortions of discourse: pseudo-description, pseudo-narrative, pseudo-exposition, pseudo-history, pseudo-philosophy, pseudo-psychology, and - worst of all - pseudo-poetry." Curator Norman Kleeblatt has called the rivalry between the two men "the foundational dialectic of the era," adding that "many observers half a century ago viewed the opposed perspectives of Rosenberg and Greenberg as the only approaches to contemporary art...either a Formalist or an existentialist view."

منتقدان فرمالیسم

چندین منتقد در دوران اکسپرسیونیسم انتزاعی، فرمالیسم گرینبرگ را به چالش کشیدند. هارولد روزنبرگ، رقیب برجسته، استدلال کرد که "فرمالیسم انتقادی به طور مداوم محتوای عاطفی، اخلاقی، اجتماعی و متافیزیکی هنر مدرن را تحت نقشه‌های "دستاوردها" در دستکاری خط، رنگ و شکل دفن کرده است." گرینبرگ در پاسخ، رویکرد روزنبرگ را به عنوان شامل "انحرافات و سقط گفتمانها: شبه توصیف، شبه روایت، شبه شرح، شبه تاریخ، شبه فلسفه، شبه روان‌شناسی، و از همه بدتر، شبه شعر" توصیف کرد. نورمن کلیبلات، کیوریتور، رقابت بین این دو مرد را "دیالکتیک بنیادی آن دوره" نامیده است و اضافه کرده است که "بسیاری از ناظران نیم قرن پیش دیدگاه‌های متضاد روزنبرگ و گرینبرگ را تنها رویکردهای ممکن برای هنر معاصر می‌دانستند... یا یک دیدگاه فرمالیستی یا یک دیدگاه وجودی (اگر زیست‌انسیالیستی)."

مفاهیم و گرایش‌ها

۱. وفاداری به ماده

یکی از اصول اساسی فرمالیسم و در کل هنر قرن بیستم، تاکید بر مادی بودن یک اثر هنری بود که به عنوان "وفاداری به ماده" تعریف می‌شد. در سال ۱۹۳۴، هنری مور، مجسمه‌ساز بریتانیایی نوشت: "هر ماده دارای ویژگی‌های منحصر به فرد خود است... سنگ، به عنوان مثال، سخت و متمرکز است و نباید جعلی شود تا مانند گوشت نرم به نظر برسد... باید سختی و تنش سنگی خود را حفظ کند."



این تاکید بر مواد یک اثر هنری ریشه در قرن نوزدهم دارد. این موضوع در جنبش هنر و صنایع دستی و همچنین در نوشته‌های جان راسکین، منتقد ویکتوریایی، تاثیرگذار بود که نوشت: "کارگر وظیفه خود را انجام نداده است و بر اصول ایمن کار نمی‌کند، مگر اینکه ... به موادی که با آن کار می‌کند احترام بگذارد ... اگر در سنگ مرمر کار می‌کند، باید بر شفافیت و استحکام آن تاکید کند و آن را نمایش دهد؛ اگر در آهن، قدرت و استقامت آن؛ اگر در طلا، قابلیت انعطاف آن ..."

کلمنت گرینبرگ مفهوم مشهور خود را در مورد ویژگی یا "خلوص" متوسط از این اصل گسترده فرمالیستی استخراج کرد. او در مقاله خود "مدرنیسم" (۱۹۶۰) استدلال کرد که "از بین بردن هر اثری که ممکن است از هر هنر دیگری یا به وسیله رسانه‌ای از آن به عاریت گرفته شود، از آثار هر هنری حذف شود"، هدف اصلی هنر مدرن است. مسطح بودن عنصر فرمی تعریف‌کننده نقاشی برای گرینبرگ بود: "سطح بودن تنها چیزی بود که منحصر به هنر تصویری بود ... تنها شرطی که نقاشی با هیچ هنر دیگری مشترک نبود."

از قضا، در حالی که مفهوم، "وفاداری به ماده" در توسعه فرمالیسم تاثیرگذار بود، همچنین به طور عمیقی بر ظهور مینیمالیسم تاثیر گذاشت، که از اکسپرسیونیسم انتزاعی در استفاده از مواد و فرآیندهای غیرهنری و صنعتی فاصله گرفت و مرزهای اثر هنری را به عنوان یک موجود "ترکیبی" بررسی کرد. گرینبرگ مینیمالیسم را به عنوان "نوآوری" رد کرد، در حالی که مایکل فرید در "هنر و شیء" علیه "تئاتری بودن" مینیمالیسم استدلال کرد.

Formalism and Philosophy

Formalism was influenced by a number of philosophical concepts and trends, particularly drawn from the Plato's concept of ideal forms, and from the ۱۸th-century German philosopher Immanuel Kant's concept of "purposive form."

Using the word "eidos," meaning "visible form," interchangeably with the word "idea," Plato argued that truth resided in a realm of perfect forms which utterly embodied the ideals which evoked those forms. By comparison, everyday objects were mere shadows mimicking the ideals; for example, a beautiful object was but an imitation of the ideal form of Beauty. In his 'allegory of the cave,' Plato described this concept by developing the metaphor of prisoners held in a cave since childhood. Their only experience of reality was the shadow of things



moving on the wall before them, reflections cast by their own movements, lit up by the fire behind them. True knowledge meant leaving the cave and walking into the sunlight, a metaphor for entry into the realm of pure forms.

Clive Bell's Formalist theories echoed this relationship between the universal and the particular: he wrote that Paul Cézanne's work manifested "a sublime architecture haunted by that Universal which informs every Particular. He pushed further and further towards a complete revelation of the significance of form....His own pictures were for Cézanne nothing but rungs in a ladder...The whole of his later life was a climbing towards an ideal." This description of the particular or 'concrete' as 'rungs in a ladder' by which the artist climbed towards an ideal strongly evokes Plato's philosophical stance.

The German philosopher Immanuel Kant, in his Critique of Judgment (۱۷۹۰), argued that "the proper object of the pure judgment of taste" was "the delineations [in the] composition." As the contemporary philosopher Donald W. Crawford notes, "for Kant, form consists of the spatial...organization of elements: figure, shape, or delineation, adding that "[i]n the parts of the Critique of Judgment in which form is emphasized as the essential aspect of beauty, Kant is consistently a pure Formalist." Clive Bell's concept of "significant form" was influenced by Kant's concept of 'purposive form.'" Clement Greenberg also noted Kant's importance, noting that, "[b]ecause he was the first to criticize the means itself of criticism, I conceive of Kant as, the first real Modernist."

۲. فرمالیسم و فلسفه

فرمالیسم تحت تأثیر تعدادی از مفاهیم و گرایش‌های فلسفی قرار گرفته است، به‌ویژه از مفهوم فرم‌های ایده‌آل افلاطون و مفهوم «فرم هدفمند» فیلسوف آلمانی قرن هجدهم، ایمانوئل کانت، الهام گرفته است.

افلاطون با استفاده از کلمه «eidos» به جای «شکل قابل مشاهده»، استدلال کرد که حقیقت در قلمرو اشکال کاملی نهفته است که کاملاً ایده‌هایی را که این اشکال را برانگیخته‌اند، تجسم می‌بخشند. در مقایسه، اشیاء روزمره تنها سایه‌هایی بودند که از این ایده‌ها تقلید می‌کردند؛ به عنوان مثال، یک شیء زیبا تنها تقلیدی از شکل ایده‌آل زیبایی بود. افلاطون در «تمثیل غار» خود، این

مفهوم را با توسعه تمثیل زندانیانی که از کودکی در غاری محبوس بودند، توصیف کرد. تنها تجربه آنها از واقعیت، سایه چیزهایی بود که روی دیوار مقابل آنها حرکت می‌کرد، بازتاب‌هایی که توسط حرکات خودشان ایجاد شده بود و روشن شده توسط آتش پشت سر آنها. دانش واقعی به معنای ترک غار و قدم زدن در زیر نور خورشید بود، که تمثیلی برای ورود به قلمرو اشکال خالص بود.

نظریه‌های فرمالیستی کلیو بل این رابطه بین کلی و جزئی را تکرار کرد: او نوشت که آثار پل سزان «یک معماری باشکوه را نشان می‌دهند که توسط آن کلی که هر جزئی را آگاه می‌کند، تسخیر شده است. او بیشتر و بیشتر به سمت یک افشای کامل معنای فرم پیش رفت... تصاویر خودش برای سزان چیزی جز پله‌های نردبان نبودند... کل زندگی بعدی او صعود به سمت یک ایده آل بود.» این توصیف جزئی یا «بتنی» به عنوان «پله‌های نردبان» که هنرمند با آن به سمت یک ایده آل صعود می‌کند، به شدت یادآور موضع فلسفی افلاطون است.

فیلسوف آلمانی ایمانوئل کانت در «انتقاد قضاوت» خود (۱۷۹۰) استدلال کرد که «مفهوم مناسب برای قضاوت طعم خالص» «خطوط [در] ترکیب» است. همانطور که فیلسوف معاصر دونالد دبلیو کرافورد اشاره می‌کند، «برای کانت، فرم شامل سازماندهی فضایی عناصر: شکل، ترسیم یا خطوط است، با افزودن اینکه «در قسمت‌هایی از کتاب انتقاد قضاوت که فرم به عنوان جنبه ضروری زیبایی تأکید شده است، کانت به طور پیوسته یک فرمالیست خالص است». مفهوم «فرم معنادار» کلیو بل تحت تأثیر مفهوم «فرم هدفمند» کانت قرار گرفت. کلمنت گرینبرگ نیز اهمیت کانت را خاطر نشان کرد و گفت: «زیرا او اولین کسی بود که خود ابزار انتقاد را نقد کرد، من کانت را اولین مدرنیست واقعی می‌دانم.»

Flatness and Medium-Specificity

In developing his theory of Formalism, Greenberg not only defined the elemental formal components of canvas painting, but also developed the interrelated concepts of flatness and medium-specificity. Flatness, or what Greenberg called painting's "literal two-dimensionality," was, he argued, "unique and exclusive to pictorial art...the only condition painting shared with no other art." He defined medium-specificity more generally as "the unique and proper area of competence of each art [that] coincided with all that was unique in the nature of its medium."



Greenberg felt that painting's medium-specificity, which was sometimes dubbed 'purity,' would eschew any attempt to suggest three-dimensional or sculptural form. As such, only an abstract painting, refusing three-dimensional illusion and therefore refusing context, narrative, or figuration, could obtain medium-specificity. As Greenberg's Formalism was an examination of an artist's ability to visually balance the elemental forms on the canvas, it was also a judgment of that painting's purity of medium and style. It was partly for this reason that Greenberg championed the work of Jackson Pollock, Hans Hofmann, Barnett Newman, and Mark Rothko, pioneers of Abstract Expressionism and Color Field painting.

۳. مفهوم تخت بودن و ویژگی خاص رسانه

در توسعه‌ی نظریه‌ی فرمالیسم، گرینبرگ نه تنها اجزای بنیادین فرمال نقاشی روی بوم را تعریف کرد، بلکه مفاهیم مرتبط تخت بودن و ویژگی خاص رسانه را نیز توسعه داد. تخت بودن، یا آنچه گرینبرگ آن را "دو بعدی بودن حسی نقاشی" می‌نامید، به گفته‌ی او "منحصر به فرد و اختصاصی هنر تصویری... تنها شرطی که نقاشی با هیچ هنر دیگری مشترک نیست" بود. او ویژگی خاص رسانه (Medium-Specificity) را به طور کلی به عنوان "حوزه‌ی صلاحیت منحصر به فرد و مناسب هر هنر [که] با تمام آنچه در ماهیت رسانه‌ی آن منحصر به فرد بود مطابقت داشت" تعریف کرد.

گرینبرگ احساس می‌کرد که ویژگی خاص رسانه‌ی نقاشی، که گاهی به عنوان "خلوص" نیز نامیده می‌شد، هرگونه تلاش برای القای شکل سه‌بعدی یا مجسمه‌سازی را کنار می‌گذارد. به این ترتیب، تنها یک نقاشی انتزاعی، که از توهم سه‌بعدی و در نتیجه از زمینه، روایت، یا مجسمه‌سازی امتناع می‌کرد، می‌توانست به ویژگی خاص رسانه دست یابد. از آنجایی که فرمالیسم گرینبرگ بررسی توانایی یک هنرمند در تعادل بصری فرم‌های بنیادین روی بوم بود، همچنین داوری درباره‌ی خلوص رسانه و سبک آن نقاشی نیز بود. به همین دلیل بود که گرینبرگ از آثار جکسون پولاک، هانس هوفمن، بارنت نیومن، و مارک روٹکو، پیشگامان اکسپرسیونیسم انتزاعی و نقاشی میدان رنگ، حمایت کرد.

Literary Formalism

Though it has followed its own path of development, literary Formalism also emerged in the early ۲۰th century, initially with the emergence of Russian



Formalism. In ۱۹۱۴ in St. Petersburg, the OPOJAZ Society for the Study of Poetic Language was founded, emphasizing a 'scientific' or formal approach to poetic language and literary devices. As the scholar Victor Erlich wrote, the school "was intent upon delimiting literary scholarship from contiguous disciplines such as psychology, sociology, intellectual history, and...focused on the 'distinguishing features' of literature, on the artistic devices peculiar to imaginative writing."

While it was focused on language, the movement paralleled the development of Russian Futurism, an avant-garde art movement forged in literary circles. Though the Soviet Commissar for Education suppressed Russian Formalism in ۱۹۳۰, it became an important precursor to later Formalist literary approaches, including structuralism and post-structuralism. According to the literary scholar Douwe Fokkema, "[almost] every new school of literary theorists in Europe takes its cue from the 'Formalist' tradition, emphasizing different trends in that tradition and trying to establish its own interpretation of Formalism as the only correct one."

۴. فرمالیسم ادبی

با وجود اینکه فرمالیسم ادبی مسیر تکاملی خاص خود را طی کرده است، در اوایل قرن بیستم، همزمان با ظهور فرمالیسم روسی، این رویکرد نیز پدید آمد. در سال ۱۹۱۴ در سن پترزبورگ، انجمن «اوپوژاز» برای مطالعه زبان شعر تأسیس شد و بر یک رویکرد «علمی» یا «فرمال» نسبت به زبان شعر و دستگاه‌های ادبی تأکید کرد. همان‌طور که محقق ویکتور ارلیچ نوشته است، این مکتب «علاقه‌مند به جدا کردن پژوهش ادبی از رشته‌های مجاور مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ فکری و... متمرکز بر «ویژگی‌های متمایز» ادبیات، بر ابزارهای هنری خاص نوشتن تخیلی بود».

در حالی که این جنبش بر زبان متمرکز بود، موازی با توسعه آینده‌گرایی روسی، یک جنبش هنری آوانگارد شکل گرفته در محافل ادبی بود. اگرچه کمیسار آموزش و پرورش شوروی در سال ۱۹۳۰ فرمالیسم روسی را سرکوب کرد، اما این جنبش به یک پیش‌نیاز مهم برای رویکردهای ادبی فرمالیستی بعدی، از جمله ساختارگرایی و پساساختارگرایی تبدیل شد. به گفته محقق ادبی دووه فوکما، «تقریباً هر مکتب جدید نظریه‌پردازان ادبی در اروپا الهام خود را از سنت «فرمالیستی»



می‌گیرد، بر روندهای مختلف در این سنت تأکید می‌کند و سعی می‌کند تفسیر خاص خود را از فرمالیسم به عنوان تنها تفسیر صحیح تثبیت کند».^{۱۳۲}

Formalism in other Arts

Formalism was not confined to evaluating art; it was also used liberally in both music and literature. In music, the theory was used to explain that music is judged based on the basic composition of the notes, and only intellectual understanding is of value when assessing musical pieces. The listener's emotional reaction provides no additional value to the music's worth.

In literature, formalist view was more scientific (and perhaps, logical) in nature, putting emphasis on how writing could express language, and discounted how a reader would react to the subject of the writing. Further, a piece of literature would prove successful no matter the cultural context; it would stand the test of time in a changing world.

فرمالیسم در هنرهای دیگر

فرمالیسم صرفاً به ارزیابی هنر محدود نبود، بلکه در موسیقی و ادبیات نیز به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفت. در موسیقی، این نظریه برای توضیح اینکه موسیقی بر اساس ترکیب پایه‌نت‌ها قضاوت می‌شود، و تنها درک فکری در ارزیابی قطعات موسیقی ارزشمند است، استفاده می‌شد. واکنش احساسی شنونده هیچ ارزش اضافه‌ای به ارزش موسیقی نمی‌دهد.

در ادبیات، دیدگاه فرمالیستی ماهیت علمی‌تر (و شاید منطقی‌تر) داشت، با تأکید بر نحوه بیان زبان از طریق نوشتن، و نادیده گرفتن نحوه واکنش خواننده به موضوع نوشته. علاوه بر این، یک اثر ادبی بدون توجه به زمینه فرهنگی موفق خواهد بود؛ این اثر در دنیای در حال تغییر آزمون زمان را پس خواهد داد.^{۱۳۳}

منابع مفید فرمالیسم در هنر مدرن:

۱۳۲. دانشنامه هنری The Art Story

theartstory.org/definition/formalism/

۱۳۳. بنیاد بینش‌های هنری Sybaris

sybaris.com.mx/art-history-briefing-formalism-art



کتاب تاریخ هنر آلمان و اندیشه علمی: فراتر از فرمالیسم نوشته میچل بی فرانک و دانیل آدلر
German Art History and Scientific Thought: Beyond Formalism By Mitchell B. Frank
and Daniel Adler

کتاب هنر و فرهنگ: مقالات انتقادی نوشته کلمنت گرینبرگ
Art and Culture: Critical Essays By Clement Greenberg

کتاب قاب‌بندی فرمالیسم: اثر ریگل نوشته ریچارد وودفیلد
Framing Formalism: Riegl's Work By Richard Woodfield

گزیده ای از هنر (۱۹۱۴) توسط کلایو بل
Excerpt from Art (۱۹۱۴) By Clive Bell

امور فرمال نوشته دیوید گیرز / فریز / فوریه ۲۰۱۵
Formal Affairs By David Geers / Frieze / February ۲۰, ۲۰۱۵

فرمالیسم راجر فرای نوشته مایکل فرید / سخنرانی‌های تانر در مورد ارزش‌های انسانی / ارائه شده
در دانشگاه میشیگان / ۲ و ۳ نوامبر ۲۰۰۱

Roger Fry's Formalism By Michael Fried / The Tanner Lectures on Human Values /
Delivered at University of Michigan / November ۲ and ۳, ۲۰۰۱

میراث سمی فرمالیسم زامبی، قسمت ۱: چگونه یک اقتصاد بدون هنجار، دنیای جدیدی از «زیبایی
شناسی بدهی» را ایجاد کرد نوشته کریس وایلی / آرت نت / ۲۶ ژوئیه

The Toxic Legacy of Zombie Formalism, Part ۱: How an Unhinged Economy Spawned
a New World of 'Debt Aesthetics' By Chris Wiley / Artnet / July ۲۶, ۲۰۱۸



پیوست شماره ۳: برخی از مصادیق زینت در آیات و روایات

۱. مصادیقی از اصطلاح «زینت» در آیات و روایات:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الْعِفَافُ زِينَةُ الْبَلَاءِ، وَ التَّوَاضُّعُ زِينَةُ الْحَسَبِ، وَ الْفَصَاحَةُ زِينَةُ الْكَلَامِ، وَ الْعَدْلُ زِينَةُ الْإِيمَانِ، وَ السَّكِينَةُ زِينَةُ الْعِبَادَةِ، وَ الْحِفْظُ زِينَةُ الرَّوَايَةِ، وَ حِفْظُ الْحَاجِّ [الْحِجَابِ] زِينَةُ الْعِلْمِ، وَ حُسْنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ، وَ بَسْطُ الْوَجْهِ زِينَةُ الْحِلْمِ، وَ الْإِيثَارُ زِينَةُ الزُّهْدِ، وَ بَدَلُ الْمَوْجُودِ زِينَةُ الْيَقِينِ، وَ التَّقَلُّلُ زِينَةُ الْقَنَاعَةِ، وَ تَرْكُ الْمَنْ زِينَةُ الْمَعْرُوفِ، وَ الْخُشُوعُ زِينَةُ الصَّلَاةِ، وَ تَرْكُ مَا لَا يَغْنِي زِينَةُ الْوَرَعِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): عفت، زینت بلاء است، و تواضع زینت نسب و فصاحت زینت کلام و عدل زینت ایمان و سکون زینت عبادت و حفظ زینت روایت و حفظ حاجتها زینت علم و نیکی ادب زینت عقل و گشادگی روزی زینت بخشش و برگزیدن کسیرا بر خود زینت زهد و بخشش آنچه موجود است زینت یقین و کم چیز بودن زینت قناعت و ترک منت زینت نیکی و ترس و خشوع زینت نماز و ترک آن چه معنی ندارد زینت پرهیزکاری.

جامع الأخبار (للشعیری)، ص ۱۲۳ / بحار الأنوار، ج ۷، ص ۱۳۱

قَالَ اميرالمومنين ع: الْعِفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ، وَ الشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى، وَ الصَّبْرُ زِينَةُ الْبَلَاءِ، وَ التَّوَاضُّعُ زِينَةُ الْحَسَبِ، وَ الْفَصَاحَةُ زِينَةُ الْكَلَامِ، وَ الْعَدْلُ زِينَةُ الْإِيمَانِ، وَ السَّكِينَةُ زِينَةُ الْعِبَادَةِ، وَ الْحِفْظُ زِينَةُ الرَّوَايَةِ، وَ حَفْصُ الْجَنَاحِ زِينَةُ الْعِلْمِ، وَ حُسْنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ، وَ بَسْطُ الْوَجْهِ زِينَةُ الْحِلْمِ، وَ الْإِيثَارُ زِينَةُ الزُّهْدِ، وَ بَدَلُ الْمَجْهُودِ زِينَةُ النَّفْسِ، وَ كَثْرَةُ الْبُكَاءِ زِينَةُ الْخَوْفِ، وَ التَّقَلُّلُ زِينَةُ الْقَنَاعَةِ، وَ تَرْكُ الْمَنْ زِينَةُ الْمَعْرُوفِ، وَ الْخُشُوعُ زِينَةُ الصَّلَاةِ، وَ تَرْكُ مَا لَا يَغْنَى زِينَةُ الْوَرَعِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): عفاف زینت فقر است و سپاسگزاری زینت ثروت و صبر زینت بلا و تواضع زینت شخصیت و فصاحت زینت کلام و عدل زینت ایمان و آرامش زینت عبادت و حفظ زینت روایت و نقل. و فروتنی زینت علم و مؤدب بودن زینت عقل و خوشرویی زینت حلم و ایثار زینت زهد، بخشش بمقدار قدرت زینت نفس است و زیاد گریه کردن زینت خوف. و به کم گذراندن زینت قناعت، و منت نگذاشتن زینت کمك نمودن است، خشوع زینت نماز و ترک آنچه نامربوط است زینت ورع.



کشف الغمة في معرفة الأئمة (اربلی، ۶۹۲ ق)، ج ۲، ص ۳۴۷ / بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۸۰

من کلام امیرالمؤمنین ع و حکمه: الْعَفَافُ زِينَةُ الْفُقَرِ، الشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى، الصَّبْرُ زِينَةُ الْبَلَاءِ، التَّوَاضُعُ زِينَةُ الْحَسَبِ، الْفَصَاحَةُ زِينَةُ الْكَلَامِ، الْعَدْلُ زِينَةُ الْإِمَارَةِ، السَّكِينَةُ زِينَةُ الْعِبَادَةِ، الْحِفْظُ زِينَةُ الرَّوَايَةِ، حَفْضُ الْجَنَاحِ زِينَةُ الْعِلْمِ، حُسْنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ، بَسْطُ الْوَجْهِ زِينَةُ الْحِلْمِ، الْإِيْتَارُ زِينَةُ الرَّهْدِ، بَذْلُ الْمَجْهُودِ زِينَةُ الْمَعْرُوفِ، الْخُشُوعُ زِينَةُ الصَّلَاةِ، تَرْكُ مَا لَا يُعْنَى زِينَةُ الْوَرَعِ.

کنز الفوائد (کراچی، ۴۴۹ ق)، ج ۱، ص ۲۹۹ / بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۹۱

۱/۱. الله (جل جلاله)؛ زینت آسمانها و زمینها

وَرَوَى مَعْرُوفٌ بْنُ حَرْبُودَ عَنْ أَحَدِهِمَا يَعْنِي أَبَا جَعْفَرٍ وَأَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع - قَالَ: قُلْ فِي قُنُوتِ الْوَتْرِ: ...
اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللَّهُ زَيْنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللَّهُ جَمَالُ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ...

امام باقر و امام صادق (علیهما السلام): در قنوت نماز وتر این دعا را بخوان: ... بار خدایا تو همان خدایندی هستی که نور آسمانها و زمین است و تو زینت آسمانها و زمین، و جمال آسمانها و زمین هستی ...

من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۴۹۰ / مکارم الأخلاق، ص ۲۹۴

الوافي، ج ۸، ص ۷۵۹ / بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۲۰۳

قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبَّاسٍ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ نَصْرِ بْنِ مَزَاحِمٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أُمِّهِمَا فَاطِمَةَ بِنْتِ الْحَسَنِ ع عَنْ أَبِيهَا الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ص قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ بَيْنَ كُلِّ رَكْعَتَيْنِ مِنْ نَوَافِلِ صَلَاةِ الرَّوَالِ: «... اللَّهُمَّ إِلَهَ السَّمَاءِ وَإِلَهَ الْأَرْضِ وَفَاطِرَ السَّمَاءِ وَفَاطِرَ الْأَرْضِ وَنُورَ السَّمَاءِ وَنُورَ الْأَرْضِ وَزَيْنَ السَّمَاءِ وَزَيْنَ الْأَرْضِ وَعِمَادَ السَّمَاءِ وَعِمَادَ الْأَرْضِ وَبَدِيحَ السَّمَاءِ وَبَدِيحَ الْأَرْضِ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ...»

دعای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بعد از نوافل نماز ظهر: «...خدایا! ای معبود آسمان و زمین، و پدید آورنده آسمان و زمین، و نور آسمان و زمین، و زینت آسمان و زمین، و تکیه گاه آسمان و زمین، و نوافرین آسمان و زمین، صاحب بزرگی و بزرگواری ...»



فلاح السائل، ص ۱۴۰ / مصباح المتهدج، ج ۱، ص ۴۴
بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۶۶

۱/۲. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)؛ زینت بخش عرصه قیامت!

حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مَنْصُورٍ الْقَصَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الدَّمَشْقِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبَانَ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى بْنِ عُبَيْدَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ دِينَارٍ عَنْ أُمِّ هَانِيٍّ بِنْتِ أَبِي طَالِبٍ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: أَظْهَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْإِسْلَامَ عَلَى يَدَيَّ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ عَلَيَّ وَفَتَحَ الْكَعْبَةَ عَلَيَّ يَدَيَّ وَفَضَّلَنِي عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ وَجَعَلَنِي فِي الدُّنْيَا سَيِّدَ وُلْدِ آدَمَ وَفِي الْآخِرَةِ زَيْنَ الْقِيَامَةِ وَحَرَّمَ دُخُولَ الْجَنَّةِ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ حَتَّى أَدْخُلَهَا أَنَا وَحَرَّمَهَا عَلَى أُمَّمِهِمْ حَتَّى تَدْخُلَهَا أُمَّتِي وَجَعَلَ الْخِلَافَةَ فِي أَهْلِ بَيْتِي مِنْ بَعْدِي إِلَى النَّفْخِ فِي الصُّورِ فَمَنْ كَفَرَ بِمَا أَقُولُ فَقَدْ كَفَرَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): خداوند تبارک و تعالی اسلام را به دست من آشکار فرمود، و قرآن را بر من فرو فرستاد، و کعبه را بدست من فتح کرد، و مرا بر همه آفریدگان برتری بخشید، و مرا در دنیا سرور فرزندان آدم کرد و در آخرت زینت بخش عرصه قیامت قرار داد و داخل شدن به بهشت را بر پیغمبران قدغن فرمود تا هنگامی که من داخل شوم و بهشت را بر امتهای پیغمبران قدغن فرمود تا هنگامی که امت من داخل بهشت بشوند و جانشینی مرا پس از من تا هنگام دمیدن صور در خاندان من قرار داد، پس هر کس بآنچه میگویم کافر گردد بخدای بزرگ کافر شده است.

الخصال، ج ۲، ص ۴۱۳

بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۳۲۶

فصل من روايات العامة: فَمِنْ مُعْجَزَاتِهِ: أَنَّ النَّبِيَّ ص كَانَ فِي أَصْحَابِهِ إِذْ جَاءَ أَعْرَابِيٌّ وَمَعَهُ صَبٌّ قَدْ صَادَهُ وَجَعَلَهُ فِي كُمَّهِ قَالَ مَنْ هَذَا قَالُوا هَذَا النَّبِيُّ فَقَالَ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى مَا أَحَدٌ أَبْغَضَ إِلَيَّ مِنْكَ وَ لَوْ لَا أَنْ يُسَمِّيَنِي قَوْمِي عَجُولًا لَعَجَلْتُ عَلَيْكَ فَقَالَ ص مَا حَمَلَكَ عَلَى مَا قُلْتَ آمِنْ بِي قَالَ لَا أَوْمِنْ أَوْ يُؤْمِنُ بِكَ هَذَا الصَّبُّ فَطَرَحَهُ فَقَالَ النَّبِيُّ ص يَا صَبُّ فَأَجَابَهُ الصَّبُّ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ يَسْمَعُهُ الْقَوْمُ لَبَيْكَ وَ سَعْدَيْكَ يَا زَيْنَ مَنْ وَافَى الْقِيَامَةَ قَالَ مَنْ تَعَبُدُ قَالَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ عَرْشُهُ وَ فِي الْأَرْضِ سُلْطَانُهُ وَ فِي الْبَحْرِ سَبِيلُهُ وَ فِي الْجَنَّةِ رَحْمَتُهُ وَ فِي النَّارِ عِقَابُهُ قَالَ فَمَنْ أَنَا يَا صَبُّ قَالَ رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ حَاتِمُ النَّبِيِّينَ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ صَدَّقَكَ وَ حَابَ مَنْ كَذَّبَكَ قَالَ الْأَعْرَابِيُّ لَا أَتَّبِعُ أَثْرًا بَعْدَ عَيْنٍ لَقَدْ جِئْتُكَ وَ مَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَحَدٌ أَبْغَضَ إِلَيَّ مِنْكَ فَإِنَّكَ الْآنَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ نَفْسِي وَ وَالِدِي أَشْهَدُ أَنْ لَا



إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ فَ رَجَعَ إِلَى قَوْمِهِ وَ كَانَ مِنْ بَنِي سُلَيْمٍ فَأَخْبَرَهُمْ بِالْقَضِيَّةِ وَ آمَنَ أَلْفُ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ.

روزی رسول خدا - صلی الله علیه و آله - در جمع اصحاب نشستہ بود، عرب بادیه‌نشینانی که سوسماری را گرفته و در آستین خود مخفی کرده بود، خدمت پیامبر آمد. اعرابی گفت: «این شخص کیست؟». اصحاب گفتند: «پیامبر خداست». اعرابی گفت: قسم به لات و عزّی، در دنیا هیچ کس مبعوضتر از تو نزد من نیست، اگر قبیله‌ام به من نمی‌گفتند عجول، فوراً تو را به قتل می‌رساندم. پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: «چه چیز تو را به این کار وادار کرده است؟ به من ایمان بیاور». اعرابی گفت: «به تو ایمان نمی‌آورم مگر اینکه این سوسمار به تو ایمان آورد». در این لحظه سوسمار را از آستین خود بیرون انداخت. پیامبر فرمود: ای سوسمار! سوسمار گفت: «لیبک و سعديک! ای زینت کسی که به قیامت ایمان دارد». پیامبر فرمود: «چه کسی را می‌پرستی؟». سوسمار گفت: کسی را که عرش او در آسمانهاست و سلطنت او در زمین و دریاها جاری است و در بهشت، رحمت و در آتش جهنم، عذاب دارد. پیامبر فرمود: «من کیستم ای سوسمار؟». سوسمار گفت: تو فرستاده پروردگار عالمیان و خاتم پیامبران هستی. رستگار است کسی که تو را تصدیق کند و زیانکار است کسی که تو را تکذیب نماید. اعرابی خطاب به پیامبر گفت: «وقتی پیش تو آمدم مبعوضترین شخص نزد من بودی ولی الآن محبوبترین فرد هستی». آنگاه اسلام آورد و به یگانگی خدا و رسالت پیامبر - صلی الله علیه و آله - گواهی داد و پیش قبیله خود «بنی سلیم» برگشت و قضیه را به آنها گفت و هزار نفر از آنها مسلمان شدند.

الخراج و الجرائح (راوندی)، ج ۱، ص ۳۸

بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۴۰۶

۱/۳. امیرالمومنین علی بن ابیطالب (علیه السلام)

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: ... وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ أَخِي عَلِيًّا أَفْضَلَ زَيْنَةَ عَثْرَتِي. فَقَالَ: وَ مَنْ وَالَاهُ وَ وَالِي أَوْلِيَاءَهُ وَ عَادَى أَعْدَاءَهُ جَعَلْتُهُ مِنْ أَفْضَلِ زَيْنَةِ جَنَانِي وَ مِنْ أَشْرَفِ أَوْلِيَائِي وَ خُلَصَائِي.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ... بدانید که خداوند برادر من علی را بالاترین زینت عثرت من قرار داده، سپس فرمود: هر که او و دوستانش را دوست بدارد و با دشمنانش دشمن باشد، او را بهترین زینت بهشت و شریفترین دوستان خود و بندگان مخلص خویش قرار می‌دهم.

التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، ص ۵۸۳

بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۸۱



أَخْبَرَنَا عَقِيلُ بْنُ الْحُسَيْنِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حُرَّزَادَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مَنْصُورٍ الرَّمَادِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ، عَنْ مَعْمَرٍ، عَنْ قَتَادَةَ عَنْ عَطَاءٍ عَنْ [عَبْدِ اللَّهِ] بْنِ مَسْعُودٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا قَالَ: زِينَةُ الْأَرْضِ الرَّجَالُ وَزِينَةُ الرَّجَالِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ. عبد الله بن مسعود درباره سخن خداوند: «انا جعلنا ما على الارض زينة لها» گفت: زینت زمین مردان است و زینت مردان علی بن ابی طالب (ع) است.

شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۴۵۸ / مناقب (لابن شهر آشوب)، ج ۲، ص ۱۰۷ (عبد
الرّزّاق عن معمر عن قتادة عن عطاء عن ابن مسعود)
بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۱۷۷

۱/۴. امام حسین (علیه السلام)؛ زینت آسمانها و زمینها!

حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ ثَابِتِ الدَّوَالِبِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِمَدِينَةِ السَّلَامِ سَنَةَ اثْنَتَيْنِ وَخَمْسِينَ وَثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَاصِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَ عِنْدَهُ أَبِيُّ بْنُ كَعْبٍ فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ص: مَرْحَبًا بِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! يَا زَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ. قَالَ لَهُ أَبِيُّ: وَ كَيْفَ يَكُونُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ص زَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ أَحَدٌ غَيْرُكَ قَالَ يَا أَبِيُّ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ فِي السَّمَاءِ أَكْبَرُ مِنْهُ فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّهُ لَمَكْتُوبٌ عَنْ يَمِينِ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِصْبَاحُ هُدًى وَ سَفِينَةُ نَجَاةٍ وَ إِمَامٌ غَيْرٌ وَ هُنَّ وَ عَزَّ وَ فَخْرٌ وَ عِلْمٌ وَ دُخْرٌ ...

علی بن عاصم از حضرت محمد بن علی بن موسی و او از پدر بزرگوارش علی بن موسی و او از پدرش موسی بن جعفر و او از پدرش جعفر بن محمد و او از پدرش علی بن الحسین و او از پدرش حسین بن علی بن ابی طالب روایت کرده که فرمود وارد شدم بر رسول خدا در حالتی که ابی بن کعب نزد او حاضر بود پس رسول خدا (ص) به من فرمود: مرحبا به تو ای ابا عبد الله! ای زینت آسمانها و زمینها. پس ابی بن کعب به رسول خدا عرض کرد که: یا رسول الله! چگونه می شود احدی غیر از تو زینت آسمانها و زمینها باشد؟! آن جناب فرمود: به حق آن کسی که مرا بر حق فرستاد به پیغمبری که حسین بن علی در آسمان بزرگتر است از وی در روی زمین و او است که نوشته شد در طرف راست عرش خدا چراغ هدایت و کشتی نجات و امام غیر خوار و ضعیف و عزت و فخر و برگزیده ...

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۵۹ / کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۶۵
إعلام الوری، ص ۴۰۰ / قصص الأنبياء عليهم السلام (للراوندي)، ص ۳۶۱



بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۱۸۴

۱/۵. امام سجاد (علیه السلام)؛ زینت عبادت کنندگان و اولیاء

الکتاب العتیق الغروی دُعَاءٌ مُسْتَجَابٌ يُرَوَى أَنَّهُ لِمَوْلَانَا أَبِي إِبْرَاهِيمَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الصَّادِقِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ... أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مَوْلَانَا وَ سَيِّدِنَا وَ رَسُولَكَ مُحَمَّدَ حَبِيبِكَ الْخَالِصِ وَ صَفِيكَ الْمُسْتَخَصَّ الَّذِي اسْتَخَصَّصْتَهُ بِالْحَيَاةِ وَ التَّقْوِيضِ وَ ائْتَمَنْتَهُ عَلَيَّ وَ حَيْكَ وَ مَكْتُونِ سِرِّكَ وَ حَفِيِّ عِلْمِكَ وَ فَضَلْتَهُ عَلَيَّ مَنْ خَلَقْتَ وَ قَرَّبْتَهُ إِلَيْكَ وَ اخْتَرْتَهُ مِنْ بَرِيَّتِكَ التَّذِيرِ الْبَشِيرِ السَّرَاجِ الْمُنِيرِ الَّذِي أَيْدَتْهُ بِسُلْطَانِكَ وَ اسْتَخَلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ عَلَيَّ أَخِيهِ وَ وَصِيهِ وَ صِهْرِهِ وَ وَاثِرِهِ وَ الْخَلِيفَةَ لَكَ مِنْ بَعْدِهِ فِي أَرْضِكَ وَ خَلْفِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ عَلَيَّ ابْنَتِهِ الْكَرِيمَةَ الطَّاهِرَةَ الْفَاضِلَةَ الزَّهْرَاءَ الْعُرْوَةَ الْفَاطِمَةَ وَ عَلَيَّ وَ لَدَيْهِمَا الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْفَاضِلِينَ الرَّاجِحِينَ الزَّكِيِّينَ التَّقِيَّينَ الشَّهِيدِينَ الْخَيْرِينَ وَ عَلَيَّ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَ سَيِّدِهِمْ ذِي النَّفِثَاتِ ...

«

دعایی از امام صادق (علیه السلام): «... خداوند! از تو می خواهم که رحمت فرستی بر مولای ما و آقای ما فرستاده از جانب تو که محمد است و دوست خالص توست و برگزیده توست ... و رحمت فرست بر علی پسر حسین که زینت عبادت کنندگان و مولای ایشان و صاحب پینه هاست...»

البلد الامین، ص ۳۹۱ / مهج الدعوات، ص ۲۴۰

بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۴۴۸

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ ظَرِيفٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ أَبِي لَجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ - إِنَّ لِي إِلَيْكَ حَاجَةً فَمَتَى يَخْفُ عَلَيْكَ أَنْ أَخْلُوكَ فَاسْأَلْكَ عَنْهَا فَقَالَ لَهُ جَابِرٌ أَيُّ الْأَوْقَاتِ أَحَبَّبْتَهُ فَخَلَا بِهِ فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ فَقَالَ لَهُ يَا جَابِرُ أَخْبِرْنِي عَنِ اللَّوْحِ الَّذِي رَأَيْتَهُ فِي يَدِ أُمِّي فَاطِمَةَ ع بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ مَا أَخْبَرْتَنِي بِهِ أُمِّي أَنَّهُ فِي ذَلِكَ اللَّوْحِ مَكْتُوبٌ فَقَالَ جَابِرٌ أَشْهَدُ بِاللَّهِ أَنِّي دَخَلْتُ عَلَى أُمِّكَ فَاطِمَةَ ع فِي حَيَاةِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَهَيَّئْتُهَا بِوِلَادَةِ الْحُسَيْنِ وَ رَأَيْتُ فِي يَدَيْهَا لَوْحًا أَخْضَرَ ظَنَنْتُ أَنَّهُ مِنْ زُمُرٍ وَ رَأَيْتُ فِيهِ كِتَابًا أبيضَ شِبْهَ لَوْنِ الشَّمْسِ فَقُلْتُ لَهَا يَا أُمِّي يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص مَا هَذَا اللَّوْحُ فَقَالَتْ هَذَا لَوْحٌ أَهْدَاهُ اللَّهُ إِلَيَّ رَسُولِهِ ص فِيهِ اسْمُ أَبِي وَ اسْمُ بَعْلِي وَ اسْمُ ابْنِي وَ اسْمُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِي وَ أَعْطَانِيهِ أَبِي لِيُبَشِّرَنِي بِذَلِكَ قَالَ جَابِرٌ فَأَعْطَنِيهِ أُمُّكَ فَاطِمَةَ ع فَقَرَأْتُهُ وَ اسْتَسَخَرْتُهُ فَقَالَ لَهُ أَبِي فَهَلْ لَكَ يَا جَابِرُ أَنْ تُعْرِضَهُ عَلَيَّ قَالَ نَعَمْ فَمَشَى مَعَهُ أَبِي إِلَيَّ مَنزِلِ جَابِرٍ فَأَخْرَجَ صَحِيفَةً مِنْ رَقٍّ «(۱)» فَقَالَ يَا جَابِرُ انظُرْ فِي كِتَابِكَ لِأَقْرَأُ أَنَا عَلَيْكَ فَنَظَرَ جَابِرٌ فِي نَسْخَةِ فَقَرَأَهُ أَبِي فَمَا خَالَفَ حَرْفٌ حَرْفًا فَقَالَ جَابِرٌ فَأَشْهَدُ بِاللَّهِ أَنِّي هَكَذَا رَأَيْتُهُ فِي اللَّوْحِ مَكْتُوبًا بِسْمِ



اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ * هَذَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ * - لِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَ نُورِهِ وَ سَفِيرِهِ وَ حِجَابِهِ وَ دَلِيلِهِ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ مِنْ عِنْدِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَظُمَ يَا مُحَمَّدُ أَسْمَائِي وَ اشْكُرْ نِعْمَائِي وَ لَا تَجْحَدُ الْآيَاتِي إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا قَاصِمُ الْجَبَّارِينَ وَ مُدِيلُ الْمَظْلُومِينَ وَ دَيَّانُ الدِّينِ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَمَنْ رَجَا غَيْرَ فَضْلِي أَوْ خَافَ غَيْرَ عَذْلِي عَذَّبْتُهُ عَذَابًا لَا أَعْدَبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ فَيَايَا فَاعْبُدْ وَ عَلَيَّ فَتَوَكَّلْ إِنِّي لَمْ أَبْعَثْ نَبِيًّا فَأَكْمَلْتُ أَيَّامُهُ وَ انْقَضَتْ مُدَّتُهُ إِلَّا جَعَلْتُ لَهُ وَصِيًّا وَ إِنِّي فَضَّلْتُكَ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ وَ فَضَّلْتُ وَصِيَّكَ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ وَ أَكْرَمْتُكَ بِسِبْطِيكَ وَ سِبْطِيكَ حَسَنٌ وَ حُسَيْنٌ فَجَعَلْتُ حَسَنًا مَعْدِنَ عِلْمِي - بَعْدَ انْقِضَاءِ مُدَّةِ أَبِيهِ وَ جَعَلْتُ حُسَيْنًا خَازِنَ وَحْيِي وَ أَكْرَمْتُهُ بِالشَّهَادَةِ وَ حَتَمْتُ لَهُ بِالسَّعَادَةِ فَهُوَ أَفْضَلُ مَنْ اسْتَشْهَدَ وَ أَرْفَعَ الشُّهَدَاءَ دَرَجَةً جَعَلْتُ كَلِمَتِي التَّامَّةَ مَعَهُ وَ حُجَّتِي الْبَالِغَةَ عِنْدَهُ بَعَثْتَهُ أَثِيبٌ وَ أَعَاقِبُ أَوْلَهُمْ عَلَيَّ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ وَ زَيْنُ أَوْلِيَائِي الْمَاضِينَ ...

ابو بصیر از ابو عبد الله علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمود: پدرم به جابر بن عبد الله انصاری گفت: من يك حاجتی با تو دارم که می توانی روزی پیش من بیایی که با هم بنشینیم و از تو آن حاجت را سؤال کنم؟ جابر گفت: هر وقت که تو می خواهی. لذا روزی جابر با پدرم تنها بودند، من هم حضور داشتم. پدرم به جابر گفت: ای جابر، به من از لوحی خبر بده که تو در نزد مادرم فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله دیده ای و بگو که مادرم در باره آن لوح به تو چه گفت؟ جابر عرض کرد: خداوند را شاهد می گیرم که من روزی به نزد فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدم تا تولد حسین علیه السلام را به وی تهنیت بگویم. در دست ایشان يك لوح سبز رنگ دیدم. من تصور کردم که از زمرد است و در داخل آن لوح، نوشته های سفیدی دیدم که شبیه نور خورشید بودند و می درخشیدند. پس من به حضرت گفتم: پدر و مادرم فدای تو باد ای دختر رسول خدا، این لوح چیست؟ حضرت به من فرمود: این لوحی است که خداوند به رسولش محمد صلی الله علیه و آله هدیه کرده است که در آن نام شوهرم علی و نام دو فرزند نام (حسن و حسین) و نام سایر امامان از نسل من نوشته شده است و پدرم هم آن را به من داده تا این مژده را به من بدهد. بعد جابر اضافه می کند: مادرت آن لوح را به دست من داد و من خواندم و يك نسخه از آن را برداشتم. پدرم گفت: جابر، می توانی آن نسخه را به من نشان بدهی؟ پدرم با جابر رفتند به خانه جابر، جابر آن صحیفه را از صندوقی بیرون آورد، بعد پدرم به جابر گفت: تو به نسخه خودت نگاه کن من می خوانم برایت: آن وقت پدرم از نسخه ای که خودش همراه داشت خواند، کوچکترین تفاوتی با هم نداشتند. بعد جابر گفت: من خداوند را شاهد می گیرم که در لوح این مطالب نوشته شده بود: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ این کتابی است از جانب خداوند عزیز و حکیم برای محمد نبی و نورش و سفیرش و حجابش و دلیلش، که آن را روح الامین از جانب خداوند به محمد نازل کرده که خداوند می فرماید: ای محمد،



نامهای مرا بزرگ بشمار و در قبال نعمتهایم شکر کن و نعمتهای مرا انکار مکن. بدرستی که من خدایی یگانه هستم که جز من خدایی نیست و من شکننده جباران و دادرس مظلومان و پاداش دهنده دین هستم و من خداوند یگانه‌ای هستم که هر کس به فضل غیر من امیدوار باشد و یا از عدالت غیر من بترسد، او را چنان معذب می‌کنم که هیچ کدام از اهل عالم را چنان معذب نکرده باشم. پس ای محمد، بر من عبادت کن و بر من توکل نما. من هر پیامبری را فرستادم روزهایش را کامل کردم و نبوتش را تمام نکردم مگر این که برایش وصی بعد از خودش قرار دادم. و من تو را نسبت به سایر انبیاء برتری دادم و وصی تو را هم نسبت به اوصیای آنان افضل نمودم و من به تو با دادن دو نوه‌ات (حسن و حسین) کرامت کردم، حسن را بعد از انقضای مدت عمر پدرش معدن علم خودم قرار دادم و حسین را هم خزانه دار وحی خود ساختم و بوسیله شهادت او را گرامی ساختم و پایان عمرش را توام با سعادت نمودم. پس او افضل از همه شهداء از حیث درجه می‌باشد. کلمه تام خود را در نزد او قرار دادم و حجت بالغ من با اوست. بوسیله محبت او و خانواده‌اش، من پاداش نیکو می‌دهم و یا در اثر دشمنی بر او عذاب می‌دهم. اول آنها از صلب امام حسین، سید عبادت‌کنندگان و زینت اولیای گذشته من می‌باشد. ...

الكافي، ج ۱، ص ۵۲۷ / الغيبة (للطوسي)، ص ۱۴۳

سند الغيبة طوسی: أَخْبَرَنِي جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ سَفْيَانَ الْبُرْزُفَرِيِّ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ وَعَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ عَنْ أَبِي الْخَيْرِ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ الرَّازِيِّ وَالْحَسَنِ بْنِ طَرِيفٍ جَمِيعاً عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْغَيْبَةِ (للنعماني)، ص ۶۲

سند الغيبة نعمانی: حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ مُحَمَّدٍ الْقُمِّيُّ أَبُو الْقَاسِمِ بِشِيرَازَ سَنَةَ ثَلَاثِ عَشْرَةَ وَثَلَاثِمِائَةَ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

كمال الدين و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۰۹

سند كمال الدين: حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ جَمِيعاً عَنْ أَبِي الْحَسَنِ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ وَالْحَسَنِ بْنِ طَرِيفٍ جَمِيعاً عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ وَ حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَا جِبَلَوِيهِ وَ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ إِبرَاهِيمَ وَ الْحَسَنِ بْنِ إِبرَاهِيمَ قَالُوا حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ إِبرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۴۲

سند عيون: حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ جَمِيعاً عَنْ أَبِي الْخَيْرِ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ وَالْحَسَنِ بْنِ طَرِيفٍ جَمِيعاً عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ وَ حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَا جِبَلَوِيهِ وَ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ إِبرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ إِبرَاهِيمَ بْنِ تَائَانَةَ وَ أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

الإمامة و التنصرة (ابن بابويه)، ص ۱۰۳

سند الامامة: سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ جَمِيعاً، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ، وَالْحَسَنِ بْنِ طَرِيفٍ جَمِيعاً، عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي بصيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

جامع الأخبار (للشعيري)، ص ۱۸



سند من لایحضر: زوی عمرو بن شمر عن جابر بن یزید الجعفی عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر عن أبيه عن جدّه عن أنّ أمير المؤمنين ع قال في حُطْبَةِ حُطْبَتِهَا بَعْدَ مَوْتِ النَّبِيِّ

الأُمالي (للصدوق)، ص ۳۲۱

سند امالی: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَصَامٍ [عَاصِمٍ] الْكَلْبِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مَعْنٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ عَانِكَةَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ النَّضْرِ الْفَهْرِيِّ عَنِ عَمْرِو الْأَوْزَاعِيِّ عَنِ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجَعْفِيِّ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ ع عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي حُطْبَةِ حُطْبَتِهَا بَعْدَ مَوْتِ النَّبِيِّ ص بِتِسْعَةِ أَيَّامٍ

کنز الفوائد، ج ۱، ص ۲۰۰ / مجموعه ورام، ج ۲، ص ۴۰

بحار الأنوار، ج ۱، ص ۸۴ / الوافي، ج ۲۶، ص ۱۹ و ۲۲۵ / نوادر الأخبار (للفيض)، ص ۸

عن الصادق ع: مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ حَخْصَلَةٌ مِنْ ثَلَاثَةٍ لَمْ يُعَدَّ نَبِيًّا: مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ عَقْلٌ يَزِينُهُ أَوْ جِدَةٌ تُغْنِيهِ أَوْ عَشِيرَةٌ تَعُضُّدُهُ.

امام صادق (علیه السلام): هر کس دارای یکی از سه خصلت نباشد او را شریف و بزرگوار نخوانند: عقل و خردی که او را زینت دهد، و ثروتی که بی نیازش سازد، و عشیره و قومی که یاریش کنند.

تحف العقول، ص ۳۱۶ / بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۲۹

عن علي عليه السلام: زينة الرجل عقله.

امام علی علیه السلام: زینت مرد، عقل اوست.

کنز الفوائد، ج ۱، ص ۱۹۹

بحار الأنوار، ج ۱، ص ۹۵ / مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۰۶

عن علي ع: مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ عَقْلٌ يَزِينُهُ لَمْ يَنْبُلْ.

امام علی (علیه السلام): هر که با او عقلی نباشد که او را زینت دهد، افزون مرتبه نگردد.

غرر الحکم، ص ۶۵۴

عن علي ع: الْعَقْلُ زَيْنُ الْحُمُقِ شَيْنٌ.

امام علی (علیه السلام): عقل زینت است، حماقت، ننگ و زشتی است.

تصنيف غرر الحکم، ص ۵۱

عن علي عليه السلام: العقل زين لمن رزقه.

امام علی علیه السلام: عقل برای هرکسی روزی شود، زینت است.

غرر الحکم، ص ۶۸

الإمام علي عليه السلام: العقل أجمل زينة، والعلم أشرف مزية.



امام علی علیه السلام: عقل، زیباترین زینت، و علم، گرامی‌ترین برتری است.

غررالحکم، ص ۱۰۷

عن علی علیه السلام: زین الدین العقل.

امام علی علیه السلام: زینت دین، عقل است.

غررالحکم، ۵۴۶۶

۱/۸. ایمان

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ: قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ع: ... وَ أَحْسَنَ زِينَةَ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ الْإِيمَانِ.

امام صادق (علیه السلام): نیکوترین زینت مرد، آرامش همراه ایمان است.

الأمالی (للصدوق)، ص ۴۸۸ / من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۲

بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۱۴ / الوافی، ج ۲۶، ص ۱۵۷

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَرَجِ قَالَ: كَتَبَ إِلَيَّ أَبُو جَعْفَرٍ ابْنُ الرِّضَا ع: ... وَ كَانَ النَّبِيُّ ص يَقُولُ إِذَا فَرَّغَ مِنْ صَلَاتِهِ: ... اللَّهُمَّ زَيِّنَا بِزِينَةِ الْإِيمَانِ وَ اجْعَلْنَا هُدَاةً مُهْتَدِينَ ...

امام جواد (علیه السلام): ... رسول خدا (صلی الله علیه و آله) همیشه بعد از هر نماز این دعا را می‌خواندند: ... خداوندا! ما را به زینت ایمان، آراسته کن و راهنمایان هدایت شده قرار ده ...

الکافی، ج ۲، ص ۵۴۸ / من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۲۸ / مکارم الأخلاق، ص ۲۸۲

بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۲ / مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۸۶ / الوافی، ج ۸، ص ۸۰۳

۱/۹. هدایت

إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ الْإِمْتِشَاطَ فَلْيَأْخُذِ الْمُسْتَطَبَّ بِيَدِهِ الْيُمْنَى وَ هُوَ جَالِسٌ ... وَ يَقُولُ اللَّهُمَّ زَيِّنِّي بِزِينَةِ الْهُدَى ...

حضرت صادق (ع) فرمود: چون یکی از شما بخوهد موی خود را شانه بزند شانه را بدست راست بگیرد در حالت نشسته، ... سپس ... بگوید: خداوندا مرا به زینت هدایت زینت بخش.

مکارم الأخلاق، ص ۷۱ / جمال الأسبوع، ص ۳۶۴

مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۴۲ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۱۴

۱/۱۰. علم

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ الْحَسَنِ الْحَسَنِيِّ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) فِي رَجَبِ سَنَةِ سَبْعٍ وَثَلَاثِمِائَةٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، قَالَ: حَدَّثَنِي الرَّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ، فَاطْلُبُوا الْعِلْمَ فِي مَطَانِهِ، وَاقْتَسِمُوا مِنْ أَهْلِهِ، فَإِنْ تَعَلَّمَهُ لِلَّهِ حَسَنَةً، وَطَلَبَهُ عِبَادَةً، وَ الْمَذَاكِرَةَ فِيهِ تَسْبِيحٌ، وَ الْعَمَلُ بِهِ جِهَادٌ، وَ تَعْلِيمُهُ مِنْ لَا يَعْلَمُهُ صَدَقَةٌ، وَ بَدَلُهُ لِأَهْلِهِ قُرْبَةٌ إِلَى اللَّهِ (تَعَالَى)، لِأَنَّهُ مَعَالِمُ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ، وَ مَنَارٌ سُبُلِ الْجَنَّةِ، وَ الْمُؤْنَسِ فِي الْوَحْشَةِ، وَ الصَّاحِبِ فِي الْغُرْبَةِ وَ الْوَحْدَةِ، وَ الْمُحَدِّثِ فِي الْخُلُوةِ، وَ الدَّلِيلِ فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ، وَ السَّلَاحِ عَلَى الْأَعْدَاءِ، وَ الزَّيْنِ [التزوين] عِنْدَ الْأَخْلَاءِ. يَرْفَعُ اللَّهُ بِهِ أَقْوَامًا فَيَجْعَلُهُمْ فِي الْخَيْرِ قَادَةً، تَقْتَبِسُ آثَارَهُمْ، وَ يُهْتَدَى بِفَعَالِهِمْ، وَ يُنْتَهَى إِلَى آرَائِهِمْ، تَرَعَّبُ الْمَلَائِكَةُ فِي خَلْتِهِمْ، وَ بَأَجْرِيحَتِهَا تَمْسُهُمْ، وَ فِي صَلَاتِهَا تَبَارَكَ عَلَيْهِمْ، يَسْتَغْفِرُ لَهُمْ كُلَّ رَطْبٍ وَ يَابِسٍ حَتَّى حِيَتَانَ الْبَحْرِ وَ هَوَامَّتُهُ، وَ سِبَاعِ الْبِرِّ وَ أَنْعَامِهِ. إِنْ الْعِلْمُ حَيَاةَ الْقُلُوبِ مِنَ الْجَهْلِ، وَ ضِيَاءَ الْأَبْصَارِ مِنَ الظُّلْمَةِ، وَ قُوَّةَ الْأَبْدَانِ مِنَ الضَّعْفِ، يَبْلُغُ بِالْعَبْدِ مَنَازِلَ الْأَخْيَارِ، وَ مَجَالِسَ الْأَبْرَارِ، وَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَى فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، الدَّكْرِ فِيهِ يَعْدِلُ بِالصِّيَامِ، وَ مَدَارِسَتَهُ بِالْقِيَامِ، بِهِ يُطَاعُ الرَّبُّ وَ يُعْبَدُ، وَ بِهِ تُوصَلُ الْأَرْحَامُ، وَ يَعْرِفُ الْحَلَالَ مِنَ الْحَرَامِ، الْعِلْمُ إِمَامُ الْعَمَلِ وَ الْعَمَلُ تَابِعُهُ، يَلْهُمُ بِهِ السُّعْدَاءُ وَ يُحَرِّمُهُ الْأَشْقِيَاءَ، فَطُوبَى لِمَنْ لَمْ يُحَرِّمَهُ اللَّهُ مِنْهُ حَظَّهُ.

امام رضا از پدرش موسی بن جعفر از پدرش امام جعفر صادق علیه السلام از پدرش امام باقر علیه السلام از پدرش علی بن الحسین (علیه السلام) از پدرش امام حسین علیه السلام از پدرش امیر المؤمنین علیه السلام برای من حدیث کرد و فرمود: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می فرمود: طلب علم بر هر زن و مرد مسلمان واجب است پس علم را از جایگاهش بخواهید و قبسی از اهل علم بجوید، زیرا آموزش دانش برای خدا حسنه ای است و طلب آن عبادت است و گفتگوی علم تسبیح و عمل به آن جهاد و آموختن به نادان صدقه و بذل علم به اهل آن نزدیکی به خدای تعالی می باشد زیرا علم نشانه های به حلال و حرام است و راه بهشت را روشن می کند، و در وحشت مونس انسان است و در غربت و تنهایی رفیق انسان است و در خلوت با انسان گفتگو می کند و راهنمای آسودگی و تنگی است و دانش سلاح علیه دشمنان و زینت نزد دوستان است خدا بواسطه علم گروهی را بالا برد و ایشان را در خوبیها رهبر قرار داد که از آثار ایشان اقتباس می شود و



افعال آنها الگوی راهنمای دیگران است و از افکار ایشان استفاده می‌شود و ملایکه در دوستی با ایشان راغبند و با پرهایشان ایشان را لمس می‌کنند (و تبرک می‌جویند). و در دعاهایشان دانشمندان را برکت می‌دهند و هر تر و خشکی حتی ماهیان دریا و موجودات دریایی و درندگان بیابان و چهار پایان برای عالم استغفار می‌کنند و دانش حیات دل از نادانی و نور چشم در تاریکی و نیروی بدن از ضعف می‌باشد و بنده را به جایگاه خوبان و مجالس اخیار و درجات عالی در دنیا و آخرت می‌رساند و تفکر در علم با روزه برابر است و گفتگوی در آن با شب‌زنده‌داری مساوی است به وسیله دانش پروردگار اطاعت و پرستش می‌گردد و بدان واسطه صله ارحام صورت می‌گیرد و حلال و حرام دانسته می‌شود علم پیشوای عمل است و عمل تابع علم است خدا علم را به سعادت‌مندان الهام می‌کند و اشقیاء را از آن محروم می‌کند خوشا بحال کسی که خدا بهره‌ای از علم به او داده است.

الأمالی (للطوسی)، ص ۴۸۸

عدة الداعي (ابن فهد حلی، ۸۴۱ ق)، ص ۷۳ / إرشاد القلوب (للدیلمی، ۸۴۱ ق)، ج ۱، ص ۱۶۵

/ منیة المرید (شهید ثانی، ۹۶۶ ق)، ص ۱۰۹

بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۷۱

عن الصادق ع: الْعِلْمُ زَيْنُ الْمَرْءِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ سَائِقُهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ بِهِ يَصِلُ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ تَعَالَى.

امام صادق (علیه السلام): علم در دنیا و آخرت، زینت انسان است، و او را به سوی بهشت سوق می‌دهد، و به رضوان و خوشنودی خداوند متعال می‌رساند.

مصباح الشریعة، ص ۱۴ / بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳۲

عن علی ع: تَعَلَّمَ الْعِلْمَ فَإِنَّكَ إِنْ كُنْتَ غَنِيًّا زَانِكًا وَإِنْ كُنْتَ فَقِيرًا صَانِكًا.

امام علی (علیه السلام): علم را بیاموز؛ چرا که اگر ثروتمند باشی تو را زینت خواهد داد. و اگر فقیر باشی تو را حفظ خواهد کرد.

غرر الحکم، ص ۳۲۲

امیرالمومنین (علیه السلام): ... العلم زينة الرجال ...

غرر الأخبار (دیلمی)، ص ۱۲۸

۱/۱۱. حلم (بردباری)

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع بِالْكَوْفَةِ ...



يَقِفُ عَلَى أَهْلِ كُلِّ سُوقٍ فَيَنَادِي يَا مَعْشَرَ الثُّجَّارِ اتَّقُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَإِذَا سَمِعُوا صَوْتَهُ عَاقَبُوا مَا بَأْيَدِيهِمْ
وَ أَرَعُوا إِلَيْهِ بِقُلُوبِهِمْ وَ سَمِعُوا بِأَذَانِهِمْ فَيَقُولُ ع: قَدَّمُوا الْإِسْتِخَارَةَ وَ تَبَرَّكُوا بِالسُّهُولَةِ وَ اقْتَرَبُوا مِنْ
الْمُبْتَاعِينَ وَ تَزَيَّنُوا بِالْحِلْمِ وَ تَنَاهَوْا عَنِ الْيَمِينِ وَ جَانِبُوا الْكُذِبَ وَ تَجَافَوْا عَنِ الظُّلْمِ وَ أَنْصِفُوا
الْمَظْلُومِينَ وَ لَا تَقْرَبُوا الرِّبَا وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَ لَا تَبَخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ
مُفْسِدِينَ* فَيَطُوفُ ع فِي جَمِيعِ أَسْوَاقِ الْكُوفَةِ ثُمَّ يَرْجِعُ فَيَقْعُدُ لِلنَّاسِ.

امام باقر (علیه السلام): امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کوفه ... در بازارها یکی پس از دیگری ... ندا می داد که: ای تاجران! از خدا بترسید ... از او طلب خیر کنید، و از آسان گیری برکت خواهید، و با خریداران صمیمی باشید، و با حلم (بردباری) خود را زینت دهید، و یک دیگر را از سوگند یاد کردن باز دارید، و از دروغگویی دوری جوئید، و خود را از ظلم دور دارید، و با مظلومان (و مغبون شدگان) با انصاف رفتار کنید، و به ربا نزدیک مشوید، و «پیمانہ و ترازو را تمام پیمائید و وزن کنید، و از حق مردم چیزی مکاهید، و در زمین به فسادگری پردازید» ... بدین گونه در همه بازارها و فروشگاه های کوفه گردش می کرد، و پس از آن بازمی گشت و به فیصله دادن امور مردم می پرداخت.

الکافی، ج ۵، ص ۱۵۱ / من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۹۳

تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۶ (الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمَقْدَامِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ)

الأمالی (للصدوق)، ص ۴۹۷

حَدَّثَنَا أَبِي رَضَوَانُ اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا إِتْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ
بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ

الأمالی (للمفيد)، ص ۱۹۷

سند امالی: وَ بِالْإِسْنَادِ الْأَوَّلِ (عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنِ
الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ) عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزَبَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمَقْدَامِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ النَّبِيِّ
الْوَافِي، ج ۱۷، ص ۴۳۸ / وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۳۸۳ / مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۴۹ /

بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۹۴

رُوي أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ع قَالَ فِي حُطْبَةٍ لَهُ: الْحِلْمُ زِينَةٌ وَ الْوَفَاءُ مَرْوَةٌ

از حضرت امام حسن (علیه السلام) روایت شده که فرمود: حلم و بردباری زینت است، و قار مروت

است ...

إرشاد القلوب (للديلمی)، ج ۱، ص ۱۹۹ / معدن الجواهر (کراچی، ۴۴۹ ق)، ص ۶۳

نزہة الناظر، ص ۸۱ / كشف الغمة، ج ۲، ص ۳۰

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۲۲ / مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۸۸



مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى زَيَّنَ شَيْعَتَنَا بِالْحِلْمِ وَغَشَّاهُمْ بِالْعِلْمِ لِعِلْمِهِ بِهِمْ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ.

امام صادق (علیه السلام): خداوند متعال، شیعیان ما را به صفت حلم و بردباری زینت بخشید و در پوششی از علم و آگاهی آنان را مزین ساخت حتی قبل از آن که خلقت جد ما آدم (ع) صورت پذیرد. الکافی، ج ۸، ص ۳۱۵ / الوافی، ج ۴، ص ۱۷۱

عن امیرالمومنین (علیه السلام): لَا خَيْرَ فِي حُلُقٍ لَا يَزِينُهُ حِلْمٌ.

امیرالمومنین (علیه السلام): خیری نیست در اخلاقی که زینت ندهد آن را با حلم.

غرر الحکم، ص ۷۷۹

عن عليّ عليه السلام: إِنَّكَ مُقَوِّمٌ بِأَدْبِكَ، فَزَيَّنَهُ بِالْحِلْمِ.

امام علی علیه السلام: همانا تو به ادبَت بهاگذاری می شوی. پس آن را به بردباری زینت ده.

غرر الحکم، ص ۲۶۷

عن عليّ عليه السلام: إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا زَيَّنَهُ بِالسَّكِينَةِ وَالْحِلْمِ.

امام علی علیه السلام: هرگاه خداوند، بنده‌ای را دوست بدارد، او را با آرامش و بردباری می آراید.

غرر الحکم، ص ۲۸۸

عن النبي ص: اللهم أغنني بالعلم و زَيَّنِّي بالحلم و أكرمني بالتقوى و جَمَّلَنِي بالعافية.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): خدایا مرا بعلم توانگر ساز و به حلم زینت بخش و به تقوی عزیز کن و به عافیت زیبائی ده.

نهج الفصاحة، ص ۲۵۱

عن عليّ ع: لَنْ يُزَانَ الْعُقْلُ حَتَّى يُوَازِرَهُ الْحِلْمُ.

امام علی (علیه السلام): زینت داده نمی شود عقل، تا این که وزیر آن گردد حلم.

غرر الحکم، ص ۵۵۵

عن عليّ ع: الْحِلْمُ زَيْنُ الْخَلْقِ.

امام علی (علیه السلام): حلم و بردباری، زینت مردم (یا زینت اخلاق) است.

غرر الحکم، ص ۲۷

**۱/۱۲. همراهی علم و حلم**

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَتَزَيَّنُوا مَعَهُ بِالْحِلْمِ وَالْوَقَارِ وَتَوَاضَعُوا لِمَنْ تَعَلَّمُونَهُ الْعِلْمَ وَتَوَاضَعُوا لِمَنْ طَلَبْتُمْ مِنْهُ الْعِلْمَ وَ لَا تَكُونُوا عُلَمَاءَ جَبَّارِينَ فَيَذْهَبَ بِاطْلُكُمْ بِحَقِّكُمْ.

امام صادق (علیه السلام): دانش بجوید و همراه با دانش، خود را با بردباری و وقار زینت ببخشید و در مقابل کسانی که به آنان دانش می آموزید تواضع و فروتنی کنید و برای کسی که از او دانش می آموزید تواضع کنید و از دانشمندان متکبر و سرکش نباشید که در نتیجه، کار باطل شما [عمل و گفته] حق شما را از بین می برد.

الكافي، ج ۱، ص ۳۶ / الأمالي (للسدوق)، ص ۳۵۹

سند امالی: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمْبَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْأَخْطَابِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُعَاوِيَةُ بْنُ وَهَبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ

دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۸۰ / منية المرید، ص ۱۶۲ / روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۰

بحار الأنوار، ج ۲، ص ۴۱ / وسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۲۷۶ / مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۰۳

عن امیرالمومنین (علیه السلام): مَرَّيْنُ الرَّجُلِ عِلْمُهُ وَ حِلْمُهُ.

امیرالمومنین (علیه السلام): زینت دهنده مرد دانش اوست و بردباری او.

تصنيف غرر الحكم، ص ۲۸۶

عيون الحكم و المواعظ (لليثي)، ص ۴۸۹

عن امیرالمومنین (علیه السلام): وَقَارُ الْحِلْمِ زِينَةُ الْعِلْمِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): وقار حلم، زینت علم است.

تصنيف غرر الحكم، ص ۴۴

عن عليّ عليه السلام: زَيْنُ الْعِلْمِ الْحِلْمُ.

امام علی علیه السلام: زینت علم، حلم است.

غرر الحكم، ۵۴۶۳

۱/۱۳. انصاف

عن عليّ ع: تَاجُ الرَّجُلِ عَفَافُهُ وَ زِينَتُهُ إِنْصَافُهُ.

امام علی (علیه السلام): تاج مرد عفت اوست، و زینت او انصاف اوست.

غرر الحكم، ص ۳۱۸

**۱/۱۴. صبر**

وَ قَوْلُ عَلِيِّ ع: الشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى وَ الصَّبْرُ زِينَةُ الْبُلُوَى.

امیرالمومنین (علیه السلام): شکر، زینت ثروتمندی و صبر زینت بلاء و گرفتاری است.

الإرشاد(مفید)، ج ۱، ص ۳۰۰

بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۴۲۰

امیرالمومنین (علیه السلام): ... الصبر زينة المصائب ...

غرر الأخبار(دیلمی)، ص ۱۲۸

۱/۱۵. شکر (زینت ثروتمندی)

امیرالمومنین (علیه السلام): الشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى.

امیرالمومنین (علیه السلام): پاکدامنی زینت تهیدستی، و شکر زینت ثروتمندی است.

نهج البلاغة، ص ۴۷۹ (حکمت ۶۸ و ۳۴۰)

تحف العقول، ص ۹۰ و ۹۲ / کنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۹۳ / غرر الأخبار(دیلمی)، ص ۱۲۸ / أعلام

الدين(دیلمی)، ص ۱۵۹

وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۴۴۲ / بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۵۳

وَ قَوْلُ عَلِيِّ ع: الشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى وَ الصَّبْرُ زِينَةُ الْبُلُوَى.

امیرالمومنین (علیه السلام): شکر، زینت ثروتمندی و صبر زینت بلاء و گرفتاری است.

الإرشاد(مفید)، ج ۱، ص ۳۰۰

بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۴۲۰

عن علي ع: الشُّكْرُ زِينَةُ لِلنَّعْمَاءِ [زَيْنُ النِّعْمَاءِ].

امام علی (علیه السلام): شکر و سپاسگذاری، زینت نعمتهاست.

غرر الحكم، ص ۴۵

۱/۱۶. رفق (مدارا و ملایمت)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِنَّ الرِّفْقَ لَمْ يُوضَعْ عَلَيَّ شَيْءٌ إِلَّا زَانَهُ وَ لَا نُزِعَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: نرمی (رفق) روی هر چه گذاشته شد، آن را زینت داد و از هر چه برداشته شد، زشتش ساخت.

الكافي، ج ۲، ص ۱۱۹

وسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۲۷۱ / بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۶۰ / الوافي، ج ۴، ص ۴۶۳



أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَا وَضِعَ الرَّفْقُ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ وَلَا وَضِعَ الْخُرْقُ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ فَمَنْ أُعْطِيَ الرَّفْقَ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ حُرِمَهُ حُرِمَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): روح سازگاری و مدارا در وجود کسی قرار نمی‌گیرد، مگر اینکه او را زینت می‌بخشد، و خشونت و ناسازگاری در کسی به وجود نمی‌آید، مگر اینکه او را معیوب و زشت می‌گرداند. بنا بر این، به هر کسی خصلت مدارا و سازگاری داده شده، او خیر دنیا و آخرت را دریافت داشته، و هر کس از روح مدارا و سازگاری محروم شده، خیر و سعادت دنیا و آخرت را از دست داده است.

الجعفریات (الأشعثیات)، ص ۱۴۹ / النوادر (للراوندي)، ص ۴
بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۵۵ / مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۹۲
قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَيْكُمْ بِالرَّفْقِ، فَإِنَّهُ مَا خَالَطَ شَيْئًا إِلَّا زَانَهُ، وَلَا فَارَقَهُ إِلَّا شَانَهُ.
همواره (با مردم) همراهی و ملایمت کنید که همراه چیزی نشد جز آن که آن را آراست و از چیزی جدا نشد مگر آن که زشتش کرد.

نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۱۴ و ۳۷
عن عليّ ع: خَيْرُ الْأَعْمَالِ مَا زَانَهُ الرَّفْقُ.
امام علی (علیه السلام): بهترین کارها اینست که زینت دهد آنرا رفق.

غرر الحکم، ص ۳۵۶

عن النبي ص: الرفق يمن و الخرق شؤم و إذا أراد الله بأهل بيت خيرا أدخل عليهم باب الرفق؛ فإن الرفق لم يكن في شيء إلا زانه و إن الخرق لم يكن في شيء إلا شاناه.
رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ملایمت مایه میمنت است و خشونت مایه شئامت و همین که خداوند برای اهل خانه‌ای نیکی خواهد آنها را با ملایمت قرین کند زیرا ملایمت در هر چه باشد آن را زینت دهد و خشونت در هر چه باشد آن را خوار کند

نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص ۵۰۹



۱/۱۷. بلاء

قَالَ الصَّادِقُ ع: الْبَلَاءُ زَيْنُ الْمُؤْمِنِ وَ كَرَامَةُ لِمَنْ عَقَلَ لِأَنَّ فِي مُبَاشَرَتِهِ وَ الصَّبْرِ عَلَيْهِ وَ الثَّبَاتِ عِنْدَهُ تَصْحِيحٌ [تَصْحِيحًا] بِسُنَّةِ الْإِيمَانِ قَالَ النَّبِيُّ ص نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَشَدُّ بَلَاءً وَ الْمُؤْمِنُ الْأَمْثَلُ فَالْأَمْثَلُ وَ مَنْ ذَاقَ طَعْمَ الْبَلَاءِ تَحَتَّ سِتْرُ حِفْظِهِ اللَّهُ لَهُ تَلَدُّدٌ بِهِ أَكْثَرُ مِنْ تَلَدُّدِهِ بِالنُّعْمَةِ وَ يَسْتَأْتِي إِلَيْهِ إِذَا فَقَدَهُ لِأَنَّهُ تَحَتَّ يَدِ نِيرَانِ الْبَلَاءِ وَ الْمِحْنَةِ أَنْوَارِ النُّعْمَةِ وَ تَحَتَّ أَنْوَارِ النُّعْمَةِ نِيرَانُ الْبَلَاءِ وَ الْمِحْنَةِ وَ قَدْ يَنْجُو مِنْهُ كَثِيرٌ وَ يَهْلِكُ فِي النُّعْمَةِ كَثِيرٌ وَ مَا أَتَى اللَّهُ تَعَالَى عَلَى عَبْدٍ مِنْ عِبَادِهِ مِنْ لُدُنِ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ ص إِلَّا بَعْدَ ابْتِلَائِهِ وَ وَفَاءِ حَقِّ الْعُبُودِيَّةِ فِيهِ ابْتِلَاءٌ فَأَحَقُّ الْعُبُودِيَّةِ فَكِرَامَاتُ اللَّهِ تَعَالَى فِي الْحَقِيقَةِ نَهَايَاتُ بَدَايَاتِهَا الْبَلَاءُ وَ بَدَايَاتُ نَهَايَاتِهَا الْبَلَاءُ وَ مَنْ خَرَجَ مِنْ شَبَكَةِ الْبَلَاوَى جُعِلَ سِرَاجَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مُؤْنَسَ الْمُقَرَّبِينَ وَ دَلِيلَ الْفَاصِدِينَ ...

امام صادق (علیه السلام): بلا زینت مؤمن و کرامت عاقل است، برای این که برخوردار نمودن با بلا و صبر کردن و پایدار بودن به هنگام آن دلیل قوت ایمان است. « رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ما گروه پیغمبران ابتلاء و گرفتاری مان از همه مردم سخت تر است و بعد از ما مؤمنین به ترتیب درجه ایمانشان، مبتلای به گرفتاری می شوند یعنی هر چه منزلت و مقامشان نزد پروردگار بلندتر باشد به همان نسبت بلایشان نیز بیشتر است. و هر کس مزه بلا را در پنهانی (یعنی بدون این که به مردم ابراز کند) بچشد یا این که تحت مراقبت و حفظ پروردگار متعال مزه بلا را بچشد هر آینه لذت و خوشی او از آن بلا بیش از لذتش از نعمت می باشد و هر گاه آن بلا از او دور شود آرزوی آمدنش را می نماید و همواره مشتاق آن است، زیرا در تحت آتشیهای بلا و محنت، انوار نعمت است، و در تحت انوار نعمت آتشیهای بلا و محنت است، و گاه عده زیادی از بلا نجات می یابند و گاه عده زیادی در نعمت به هلاکت می رسند.» « خداوند متعال هیچ بنده ای را از زمان آدم علیه السلام تا زمان پیغمبر خاتم حضرت محمد صلی الله علیه و آله مورد ستایش و تعریف قرار نداد مگر بعد از ابتلاء و آزمایش و ادای وظیفه و حق بندگی او در هنگام بلا و گرفتاری. پس در واقع کرامت های خداوند، نتایج و آثار ابتلائات اولیه است.» « و کسی که از شبکه بلا و آزمایش به خوبی بیرون آید (یعنی هنگام بلا جزع و فرع و بی تابی نکند) چراغ مؤمنین و مونس مقربین و راهنمای حاجتمندان می گردد.

مسکن الفؤاد عند فقد الأحبة والأولاد، ص ۵۲ / مصباح الشریعة، ص ۴۰۸

بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۳۱ / مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۹۵

۱/۱۸. حیا

قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو عُبَيْدٍ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرَانَ الْمَرْزُبَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْحَكِيمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ قَالَ أَخْبَرَنَا يَحْيَى بْنُ مَعِينٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ قَالَ أَخْبَرَنَا مَعْمَرٌ عَنْ ثَابِتٍ عَنْ



أَنْسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا كَانَ الْفُحْشُ فِي شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا شَانَهُ وَ لَا كَانَ الْحَيَاءُ فِي شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا زَانَهُ.

رسول خدا (صلی الله علیه و اله): بدی و بد زبانی چیزی قرار نمی گیرد مگر آنکه آن را خوار و زشت می کند و حیا در هیچ چیز قرار نمی گیرد مگر آنکه آن را زینت می دهد.

الأمالی (للمفید)، ص ۱۶۷ / الأمالی (للطوسی)، ص ۱۹۰

سند امالی طوسی: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَفْرَانَ الْمَرْزُبَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْحَكِيمِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ، قَالَ: أَخْبَرَنَا يَحْيَى بْنُ مَعِينٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا مُعَمَّرٌ، عَنْ ثَابِتٍ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)

روضة الواعظین، ج ۲، ص ۶۶۰ / مشکاة الأنوار، ص ۲۳۴

بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۳۴ و ج ۷۶، ص ۱۱۱ / مستدرک الوسائل، ج ۸، ص: ۶۶۲ و ۶۶۵ و

ج ۱۲، ص ۸۰ / نهج الفصاحه، ص ۷۰۲

عن النبی ص: الحیاء زینة و التقی کرم و خیر المركب الصبر و انتظار الفرج من الله عز و جل عبادة. رسول خدا (صلی الله علیه و اله): حیا مایه زینت و تقوی مایه بزرگی است و بهترین وسیله وصول به مقصود صبر است و انتظار گشایش از طرف خداوند عبادت است. نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و اله)، ص ۵۵۳

۱/۱۹. زهد

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «وَأَتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا» يَعْنِي: الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا وَ قَالَ تَعَالَى لِمُوسَى ع: يَا مُوسَى! لَنْ يَتَزَيَّنَ الْمُتَزَيِّنُونَ بِزِينَةِ أَرْضٍ فِي عَيْنِي مِنَ الزُّهْدِ. پیامبر خدا صلی الله علیه و اله - درباره آیه «و در کودکی به او دانایی عطا کردیم» - فرمود: یعنی، زهد و بی رغبتی به دنیا. خداوند متعال به موسی فرمود: ای موسی! آراستگان، خود را به هیچ زیوری نیاراستند، که همانند زهد در نظرم زیبا آید.

مکارم الأخلاق، ص ۴۴۷

الوافی، ج ۲۶، ص ۲۰۴ / بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۹۴

حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مِسْكِينِ الثَّقَفِيِّ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ وَ هِشَامِ أَبِي سَاسَانَ وَ أَبِي طَارِقِ السَّرَّاجِ عَنْ عَامِرِ بْنِ وَائِلَةَ قَالَ: كُنْتُ فِي الْبَيْتِ يَوْمَ الشُّورَى فَسَمِعْتُ عَلِيًّا ع وَ هُوَ يَقُولُ: ... قَالَ نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص: يَا عَلِيُّ! إِنَّ اللَّهَ خَصَّكَ بِأَمْرٍ وَ



أَعْطَاكَ لَيْسَ مِنَ الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيْهِ وَلَا أَفْضَلَ مِنْهُ عِنْدَهُ الرَّهْدُ فِي الدُّنْيَا فَلَيْسَ تَتَّأَلُ مِنْهَا شَيْئًا وَلَا تَتَّأَلُهُ مِنْكَ وَهِيَ زِينَةُ الْأَبْرَارِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. فَطُوبَى لِمَنْ أَحْبَبَكَ وَصَدَّقَ عَلَيْكَ وَوَيْلٌ لِمَنْ أَبْغَضَكَ وَكَذَّبَ عَلَيْكَ غَيْرِي قَالُوا اللَّهُمَّ لَا.

امیرالمومنین (علیه السلام) در روز شوری: ... شما را به خدا در میان شما جز من کسی هست که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در باره او فرموده باشند: براستی خدا تو را به امری اختصاص داده و به تو انعامی کرده، هیچ عملی نزد او محبوبتر و بهتر از زهد در دنیا نیست تو به چیزی از دنیا نخواهی رسید دنیا هم به تو دست نخواهد یافت، در روز قیامت زهد در نزد خدا زینت نیکان است. خوشا بحال کسی که ترا دوست دارد و مقام تو را تصدیق کند و وای بر کسی که تو را دشمن دارد و مقام ترا تکذیب کند؟ گفتند: به خدا نه.

الخصال، ج ۲، ص ۵۵۶

بحار الأنوار، ج ۳۱، ص ۳۱۸

أَبِي رَه قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو أَيُّوبَ عَنِ الْوَصَّافِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: فِيمَا نَاجَى بِهِ اللَّهُ مُوسَى عَ عَلَى الطُّورِ أَنْ يَا مُوسَى! أَبْلُغْ قَوْمَكَ أَنَّهُ ... لَا تَزَيِّنْ لِي الْمُتَزَيِّنُونَ بِمِثْلِ الرَّهْدِ فِي الدُّنْيَا عَمَّا بِهِمُ الْغِنَى عَنْهُ ...

امام باقر علیه السلام فرمود: در ضمن آنچه خداوند بزرگ با موسی علیه السلام مناجات فرمود این بود که ای موسی قوم خود را ابلاغ کن که ... خودآراستگان برای دیدار من به چیزی چون زهد و بیرغبتی بدنیا خویشتن را نخواهند آراست ...

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۷۲

الجواهر السننية في الأحاديث القدسية (کلیات حدیث قدسی)، ص ۱۲۴

بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۳۴۹ و ج ۶۷، ص ۳۱۳

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ هَارُونَ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ قَالَ لِي أَبُو أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيُّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِعَلِيٍّ: إِنَّ اللَّهَ زَيْنَتُكَ بِزِينَةِ لَمْ يُزَيِّنِ الْعِبَادَ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْهَا وَلَا أَبْلَغَ عِنْدَهُ مِنْهَا الرَّهْدُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَعْطَاكَ ذَلِكَ وَجَعَلَ الدُّنْيَا لَا تَتَّأَلُ مِنْكَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكَ مِنْ ذَلِكَ سِيمَاءَ تُعْرَفُ بِهَا.



پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - به علی علیه السلام - فرمود: همانا خداوند تو را به زیوری آراسته است که بندگان به چیزی محبوبتر و رساتر از آن نزد خدا، آراسته نشده‌اند: زهد (بی‌رغبتی به دنیا) را خداوند به تو عطا فرمود و دنیا را چنان قرار داد که از تو به نوایی نرسد و برایت سیمایی قرار داد که با آن شناخته می‌شوی.

المحاسن، ج ۱، ص ۲۹۱

مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۱۱۴

بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۳۱۸ / مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۴

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَحْبَبْنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ خَالِدٍ الْمَرَاغِيَّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ صَالِحٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْأَعْلَى بْنُ وَاصِلِ الْأَسَدِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَزْرَوْرٍ، عَنِ الْأَضْبَعِيِّ بْنِ نُبَاتَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ عَمَّارَ بْنَ يَاسِرٍ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لِعَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يَا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ زَيَّنَكَ بِزِينَةٍ لَمْ يَزَيِّنِ الْعِبَادَ بِزِينَةٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْهَا، زَيَّنَكَ بِالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا، وَجَعَلَكَ لَا تَرْتَضُ مِنْهَا شَيْئاً، وَ لَا تَرْتَضُ مِنْكَ شَيْئاً.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! خداوند تو را به زیوری آراسته که بندگان را به زیوری محبوب‌تر از آن در نزد خود، نیاراسته است: تو را به زیور زهد آراسته و چنانست قرار داده که نه تو از دنیا چیزی بر می‌گیری و نه دنیا از تو چیزی بر می‌گیرد.

الأمالي (للطوسي)، ص ۱۸۱

بشارة المصطفى لشيعة المرتضى، ج ۲، ص ۹۸

بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۹۸

قَالَ الْخَوَارِزْمِيُّ وَنَقَلْتُهُ مِنْ مَنَاقِبِهِ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ قَالَ سَمِعْتُ عَمَّارَ بْنَ يَاسِرٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ: يَا عَلِيُّ! إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى زَيَّنَكَ بِزِينَةٍ لَمْ يَزَيِّنِ الْعِبَادَ بِزِينَةٍ هِيَ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْهَا زَهْدَكَ فِيهَا وَبَغْضَهَا إِلَيْكَ وَحَبَبَ إِلَيْكَ الْفُقَرَاءَ فَرَضِيَتْ بِهِمْ أَتْبَاعاً وَرَضُوا بِكَ إِمَاماً يَا عَلِيُّ طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّكَ وَصَدَّقَ عَلَيْكَ وَ الْوَيْلُ لِمَنْ أَبْغَضَكَ وَ كَذَّبَ عَلَيْكَ أَمَّا مَنْ أَحَبَّكَ وَ صَدَّقَ عَلَيْكَ فَإِخْوَانُكَ فِي دِينِكَ وَ شُرَكَاءُكَ فِي جَنَّتِكَ وَ أَمَّا مَنْ أَبْغَضَكَ وَ كَذَّبَ عَلَيْكَ فَحَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ يُقِيمَهُ مَقَامَ الْكَذَّابِينَ



پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! خداوند متعال تو را به زیوری آراسته که بندگان را به زیوری محبوبتر از آن نزد خود نیاراسته است؛ تو را به دنیا بی رغبت کرد و آن را منفور تو ساخت و محبت تهیدستان را در دل تو نهاد؛ پس تو، به داشتن پیروانی چون آنان خرسندی و آنان به داشتن امامی چون تو....

کشف الغمة، ج ۱، ص ۱۶۲

کشف الیقین فی فضائل امیر المؤمنین علیه السلام، ص ۸۵ / شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۴۵۹
سند شواهد تنزیل: حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْأَصْبَهَانِيُّ إِمْلَاءً قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحُسَيْنِ الْخَزَّازِ [حَدَّثَنَا] الْحُسَيْنُ بْنُ إِبرَاهِيمَ الْجَبْرِئِيُّ [حَدَّثَنَا] الْقَاسِمُ بْنُ خَلِيفَةَ [حَدَّثَنَا] حَمَّادُ بْنُ سَوَّارٍ، عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَزْوَرِيِّ، عَنْ أَبِي مَرْيَمَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ
بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۳۳۰

وَ رُويَ فيما أوحى الله تعالى إلى موسى وهارون: لَا يَزُوعُكُمْ مَّا لَبَّاسُهُ فَإِنَّ نَاصِيَتَهُ بِيَدِي وَلَا يُعْجِبُكُمْ مَّا مُتَّعَ بِهِ مِنْ زَهْرَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ زِينَةِ الْمُتَرْفِينَ فَلَوْ شِئْتُ زَيَّنْتُكُمْ بِزِينَةٍ يَعْرِفُ فِرْعَوْنُ حِينَ يَرَاهَا أَنَّ مَقْدَرَتَهُ يَعْجِزُ عَنْهَا وَ لَكِنِّي أَرْغَبُ بِكُمْ عَنْ ذَلِكَ فَأَزُوي الدُّنْيَا عَنْكُمْ - وَ كَذَلِكَ أَفْعَلُ بِأَوْلِيَائِي إِنِّي لَأَزُودُهُمْ عَنْ نَعِيمِهَا كَمَا يَزُودُ الرَّاعِي غَنَمَهُ عَنْ مَرَاثِعِ الْهَلَكَةِ وَ إِنِّي لَأَجُنُّهُمْ سُلوْكَهَا كَمَا يُجَنَّبُ الرَّاعِي الشَّفِيقُ إِبِلَهُ عَنْ مَوَارِدِ الْعَثْرَةِ وَ مَا ذَاكَ لِهَوَانِهِمْ عَلَيَّ وَ لَكِنْ لِيَسْتَكْمِلُوا نَصِيبَهُمْ مِنْ كَرَامَتِي سَالِمًا مَوْفَرًا إِنَّمَا يَتَرَيَّنَ لِي أَوْلِيَائِي بِالذَّلِّ وَ الْخُشُوعِ وَ الْخَوْفِ الَّذِي يُثَبِّتُ فِي قُلُوبِهِمْ فَيُظْهِرُ مِنْ قُلُوبِهِمْ عَلَى أَجْسَادِهِمْ فَهَوَّ شِعَارَهُمْ وَ دَثَارَهُمُ الَّذِي بِهِ يَسْتَشْعِرُونَ وَ نَجَاتَهُمُ الَّذِي بِهَا يُفُوزُونَ دَرَجَاتِهِمُ الَّتِي لَهَا يَأْمَلُونَ وَ مَجْدُهُمُ الَّذِي بِهِ يُفْتَخِرُونَ وَ سِيَمَاهُمُ الَّتِي بِهَا يُعْرَفُونَ فَإِذَا لَقِيْتَهُمْ يَا مُوسَى فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَ أَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَ ذَلِّلْ لَهُمْ قَلْبَكَ وَ لِسَانَكَ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ مَنْ أَحَافَ لِي وَ لِيًّا فَقَدْ بَارَزَنِي بِالْمُحَارَبَةِ ثُمَّ أَنَا الثَّائِرُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

روایت شده: آنگاه که خداوند متعال موسی و هارون - علیهما السلام - را به سوی فرعون فرستاد به آن دو گفت: مبادا لباسهای فاخرش شما را بترساند که زمام کار او در دست من است. و مبادا از بهره‌وری دنیایی و زینتهای او تعجب کنید که اگر می‌خواستم شما دو نفر را طوری زینت می‌کردم که هر وقت، فرعون شما را ببیند بفهمد که قدرتش در برابر آن عاجز است. ولی من شما را بر آن ترجیح می‌دهم، بنا بر این، دنیا را از شما دور کردم و این روش برخورد من است با دوستانم. به آنان آن مقدار نعمت دنیا می‌دهم که چوپان از علفهای هلاکت و نابودی به گوسفندانش



می‌دهد، من دوستانم را از سلوک در دنیا دور نگه می‌دارم همچنان که چوپان مهربان، شترهایش را از لغزشگاهها و پرتگاهها نگاهداری می‌نماید. بنا بر این، دور نگهداشتن دوستانم از دنیا به خاطر این نیست که آنان نزد من بی‌ارزشند بلکه به خاطر این است که در حال سلامت، به کمال کرامت در نزد من برسند. زینت اولیایم در برابر من، خشوع و هراسی است که در قلبهاشان خانه کرده و از آنجا در بدنهاشان آشکار شده است. این چنین حالتی ظاهر و باطن آنان را تشکیل می‌دهد و موجب نجاتشان است تا به درجاتی که آرزویش را می‌کشند نایل آیند، مجد و عظمت آنان در همین فروتنی و خشوع است و بدان افتخار هم می‌کنند، این حالت، علامت آنان است که بدان شناخته می‌شوند. ای موسی! هر گاه اینان را دیدی، برایشان بال گسترده، با نرمش و ملاطفت رفتار کن و قلب و زبانت را برایشان فروتن قرار بده و بدان که هر کس دوست مرا بترساند با من به جنگ و مبارزه برخاسته است و در قیامت علیه او غضبناک خواهم بود.

عدة الداعي و نجاح الساعي (ابن فهد حلی، ۸۴۱ ق)، ص ۱۵۹

أعلام الدين في صفات المؤمنين، ص ۲۳۹ / مجموعة ورام، ج ۱، ص ۱۴۳

بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۴۹ / الجواهر السنينة في الأحاديث القدسية (کليات حديث قدسی)، ص

۱۴۸

امیرالمومنین ع: النَّاسُ عَلَى أَرْبَعَةٍ: ... وَ مِنْهُمْ مَنْ أَبْعَدَهُ عَنْ طَلَبِ الْمُلْكِ ضُؤْلُهُ نَفْسِهِ وَ انْقِطَاعُ سَبَبِهِ فَكَصَرَتْهُ الْحَالُ عَلَى حَالِهِ فَتَحَلَّى بِاسْمِ الْقِنَاعَةِ وَ تَزَيَّنَ بِلِبَاسِ أَهْلِ الزَّهَادَةِ وَ لَيْسَ مِنْ ذَلِكَ فِي مَرَاكِحٍ وَ لَا مَعْدَى.

امیرالمومنین (علیه السلام): مردم بر چهار دسته‌اند: ... یک گروه پستی نفس و نداشتن قوم و قبیله از طلب حکومت بر جا نشانده، این تهیدستی او را محدود کرده، خود را به اسم قناعت آراسته، و خویش را به لباس زهد زینت داده، در حالی که در شب و روز اهل عنوان قناعت و زهد نیست.

نهج البلاغة، ص ۷۴ - خطبه ۳۲

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴ و ج ۳۴، ص ۹۸

يقول مولاي أبي طول الله عمره الفضل بن الحسن هذه الأوراق من وصية رسول الله ص لأبي ذر الغفاري رضي الله عنه التي أخبرني بها الشيخ المفيد أبو الوفاء عبد الجبار بن عبد الله المقرئ الرازي و الشيخ الأجل الحسن بن الحسين بن الحسن أبي جعفر محمد بن بابويه رضي الله عنهما إجازة قالاً أملى علينا الشيخ الأجل أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي قدس سره و أخبرني بذلك الشيخ العالم



الحسین بن الفتح الواعظ الجرجانی فی مشهد الرضا ع قال أخبرنا الشيخ الإمام أبو علي الحسن بن محمد الطوسي قال حدثني أبي الشيخ أبو جعفر قدس سره قال أخبرنا جماعة عن أبي المفضل محمد بن عبد الله بن محمد بن المطلب الشيباني قال حدثنا أبو الحسين رجاء بن يحيى العبرتي الكاتب سنة أربع عشرة و ثلاثمائة و فيها مات قال حدثنا محمد بن الحسين بن ميمون قال حدثني عبد الله بن عبد الرحمن الأضم عن الفضيل بن يسار عن وهب بن عبد الله الهناء [الهنائي] قال حدثني أبو حرب بن أبي الأسود الدؤلي عن أبي الأسود قال قدمت الربذة فدخلت على أبي ذر جندب بن جنادة رضي الله عنه فحدثني أبو ذر قال: قال رسول الله ص: ... أزهّد الناس من لم ينس المقابر و البلاء و ترك فضل زينة الدنيا و أثر ما يبقى على ما يفنى و لم يعد غدا من أيامه و عد نفسه في الموتى .

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): زاهدترین مردم آن کس است که قبر و بلا را فراموش نکند و از بهترین زینت دنیا چشم بپوشد و نعمت باقی را بر نعمت فانی ترجیح دهد و فردا را از عمر خویش حساب نکند و خود را در ردیف مردگان شمارد.

مکارم الأخلاق، ص ۴۶۳

الوافي، ج ۲۶، ص ۱۹۰ / بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۸۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۲

عن النبي ص: من يشته كرامة الآخرة يدع زينة الدنيا.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر که آرزومند کرامت آخرت است، زینت دنیا را رها کند.

شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم ص)، ص ۱۶۳

نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص ۷۴۲

عن علي عليه السلام: زَيْنُ الْحِكْمَةِ الرَّهْدُ فِي الدُّنْيَا.

امام علی علیه السلام: زیور حکمت، بی رغبتی به دنیا است.

غرر الحكم، ۵۴۷۰

۱/۲۰. صدق (راستگویی)

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ أَبِيهِ الْقُمِّيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ: قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ع ... زَيْنَةُ الْحَدِيثِ الصِّدْقُ.

امام صادق (علیه السلام): زینت سخن گفتن، راستگویی است.

الأمالي (للصدوق)، ص ۴۸۸ / من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۰۲

بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۱۴ / الوافي، ج ۲۶، ص ۱۵۷



عن عليّ ع: ثَلَاثٌ هُنَّ زِينَةُ الْمُؤْمِنِ: تَقْوَى اللَّهِ، وَ صِدْقُ الْحَدِيثِ، وَ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ.
امام علی (علیه السلام): سه خصلت است که آنها زینت مؤمن اند، تقوای الهی، و راستی سخن، و پس دادن امانت.

غرر الحکم، ص ۳۳۲

۱/۲۱. احتمال (تحمل)

عن عليّ عليه السلام: الاحتمالُ زَيْنُ الرَّفَاقِ.
امام علی علیه السلام: تحمّل [لغزشها] زیور همراهی و رفاقت است.

غرر الحکم، ص ۴۵

عن عليّ عليه السلام: زَيْنُ الْمُصَاحَبَةِ الاحتمالُ.
امام علی علیه السلام: زیور همراهی، تحمّل است.

غرر الحکم، ۵۴۶۱

عن عليّ ع: الاحتمالُ زَيْنُ السِّيَاسَةِ.
امام علی (علیه السلام): صبر و تحمل، زینت سیاست است.

غرر الحکم، ص ۴۶

۱/۲۲. سکینه و آرامش

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ
حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ
الْكَنَانِيِّ قَالَ: قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ع: ... وَ أَحْسَنَ زِينَةَ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ الْإِيمَانِ.
امام صادق (علیه السلام): نیکوترین زینت مرد، آرامش همراه ایمان است.

الأمالی (للصدوق)، ص ۴۸۸ / من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۲

بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۱۴ / الوافی، ج ۲۶، ص ۱۵۷

عن عليّ عليه السلام: إذا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا زَيْنَهُ بِالسَّكِينَةِ وَ الْجَلْمِ.

امام علی علیه السلام: هرگاه خداوند، بنده‌ای را دوست بدارد، او را با آرامش و بردباری می‌آراید.

غرر الحکم، ص ۲۸۸

امیرالمومنین (علیه السلام): ... السکینه زینة العلم ...

غرر الأخبار (دیلمی)، ص ۱۲۸

**۱/۲۳. طهارت درون و اعمال نیک**

عن علیّ علیه السلام: زَيْنُ الْإِيمَانِ طَهَارَةُ السَّرَائِرِ وَحُسْنُ الْعَمَلِ فِي الظَّاهِرِ.
امام علی علیه السلام: زیور ایمان، پاکی درونهاست و نیک رفتاری برون.

غرر الحکم، ۵۵۰۴

عن علیّ علیه السلام: الرِّينَةُ بِحُسْنِ الصَّوَابِ لَا بِحُسْنِ الثِّيَابِ.

امام علی علیه السلام: زیور، به زیبایی اعمال درست است، نه به زیبایی لباس.

غرر الحکم، ۱۷۴۵

۱/۲۴. صبر و رضا

عن علیّ علیه السلام: زَيْنُ الدِّينِ الصَّبْرُ وَالرِّضَا.

امام علی علیه السلام: زیور دین، صبر است و رضا [به قضای الهی].

غرر الحکم، ۵۴۷۱

۱/۲۵. احسان

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ
حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ
الْكِنَانِيِّ قَالَ: قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ع... وَزَيْنَةُ الْعِلْمِ الْإِحْسَانُ.

امام صادق (علیه السلام): زینت علم، احسان است.

الأمالی (للصدوق)، ص ۴۸۸ / من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۲

بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۱۴ / الوافی، ج ۲۶، ص ۱۵۷

عن علیّ علیه السلام: زَيْنَةُ الْإِسْلَامِ إِعْمَالُ الْإِحْسَانِ.

امام علی علیه السلام: زیور اسلام، به کار بستن احسان است.

غرر الحکم، ۵۵۰۲

۱/۲۶. صلّه رحم

عن علیّ علیه السلام: زَيْنُ النَّعْمِ صَلَّةُ الرَّحِمِ.

امام علی علیه السلام: زینت نعمتها، صلّه رحم است.

غرر الحکم، ص ۳۹۱

۱/۲۷. عفو و گذشت

عن علیّ ع: الْعَفْوُ زَيْنُ الْقُدْرَةِ.

امام علی (علیه السلام): عفو و گذشت، زینت قدرت یافتن است.

غرر الحکم، ص ۴۶



۱/۲۸. خشوع

عن علي عليه السلام: زَيْنُ الْعِبَادَةِ الْخُشُوعُ.

امام علی علیه السلام: زیور عبادت، خشوع است.

غرر الحکم، ۵۴۶۹

امیرالمومنین (علیه السلام): ... الخشوع زينة الفصاحة ...

غرر الأخبار (دیلمی)، ص ۱۲۸

۱/۲۹. سخاوت (بخشندگی)

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ (حَبْرَنَا الشَّيْخُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْغَضَائِرِيِّ، عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلْعُكَبَرِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْهَمْدَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ) عَنْ أَبِي قَتَادَةَ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) لِمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ: يَا مُعَلَّى، عَلَيْكَ بِالسَّخَاءِ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ، فَإِنَّهُمَا يُزَيِّنَانِ الرَّجُلَ كَمَا تُزَيِّنُ الْوَاسِطَةُ الْقِلَادَةَ.

امام صادق علیه السلام: بر تو باد سخاوت و خوش اخلاقی؛ زیرا همان گونه که گوهر درشت وسط گردنبند مایه زیبایی آن است، این دو خصلت نیز مایه زینت مرد هستند.

الأمالی (للطوسی)، ص ۳۰۱

وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۴۳۴ / بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۹۱

وَ قَالَ عَلِيُّ ع: بِالسَّخَاءِ تُرَانُ الْأَفْعَالُ.

امام علی (علیه السلام): به وسیله سخاوت، کارها زینت داده می شوند.

غرر الحکم، ص ۳۰۰

مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۶۰

عن علي عليه السلام: زَيْنُ الرِّيَاسَةِ الْإِفْضَالُ.

امام علی علیه السلام: زینت ریاست، بخشندگی است.

غرر الحکم، ۵۴۶۲

عن علي ع: لَنْ يَفْدِرَ أَحَدٌ أَنْ يَسْتَدِيمَ النِّعَمَ بِمِثْلِ شُكْرِهَا وَ لَا يُزَيِّنُهَا بِمِثْلِ بَدْلِهَا.

امام علی (علیه السلام): هیچ چیز به اندازه شکر نعمت، نعمت ها را مداومت نمی بخشد. و هیچ چیز

به اندازه بذل و بخشش نعمت، نعمت را زینت نمی بخشد.

غرر الحکم، ص ۵۵۴

عن علي ع: السَّخَاءُ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ وَ يُزَيِّنُ الْأَخْلَاقَ.



امام علی (علیه السلام): سخاوت، محبت به وجود می‌ورد و اخلاق را زینت می‌بخشد.

غرر الحکم، ص ۸۵

عن علی ع: السَّخَاءُ زِينُ الْإِنْسَانِ.

امام علی (علیه السلام): سخاوت، زینت انسان است.

غرر الحکم، ص ۲۷

۱/۳۰. رعایت پیمان

عن علی علیه السلام: وَفَاءٌ بِالذَّمِّ زِينَةُ الْكَرَمِ.

امام علی علیه السلام: وفا کردن به عهد و پیمانها، زینت کرم است.

غرر الحکم، ص ۷۲۶

عن علی علیه السلام: زَيْنُ الشَّيْمِ رَغِيءُ الذَّمِّ.

امام علی علیه السلام: زیور خصلتها، رعایت پیمانهاست.

غرر الحکم، ۵۴۶۵

۱/۳۱. عدالت

عن علی علیه السلام: زَيْنُ الْمُلْكِ الْعَدْلُ.

امام علی علیه السلام: زیور حکومت، عدالت است

غرر الحکم، ۵۴۶۷

امیرالمومنین (علیه السلام): ... العدل زينة الإمارة...

غرر الأخبار(دیلمی)، ص ۱۲۸

۱/۳۲. مال و فرزندان

الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا

اموال و فرزندان، زینت زندگی دنیاست و باقیات صالحات (آثار ماندگار شایسته) ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امید بخش تر است.

سوره مبارکه کهف، آیه ۴۶

۱/۳۳. وقار و متانت

عَنْهُ (عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ) عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ مُدْرِكِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْإِسْلَامُ عُزَيَانٌ فَلِبَاسُهُ الْحَيَاءُ وَزِينَتُهُ الْوَقَارُ وَ مَرْوَةٌ تَهْتِكُ الْعَمَلَ الصَّالِحَ وَ عِمَادَةُ الْوَرَعِ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَ أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.



عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ مُدْرِكِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عٍ مِثْلَهُ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): اسلام عریان است، حیاء به منزله لباس او، وقار زینت او، و عمل صالح مردانگی او، و پرهیزگاری اساس زندگی اوست، هر چیز اساسی دارد، و اساس اسلام محبت ما اهل بیت است.

المحاسن، ج ۱، ص ۲۸۶ / الکافی، ج ۲، ص ۴۶ / من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۴ /

الأمالی (للصدوق)، ص ۲۶۸

سند امالی: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ زِيَادِ بْنِ مَرْوَانَ الْقَنْدِيِّ

عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ مُبَارَكِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

رَوْضَةُ الْوَاعِظِينَ، ج ۲، ص ۴۶۰ / مشكاة الأنوار، ص ۸۸ (الا ان فيهما: الايمان عريان بدل الاسلام عريان) /

تحف العقول، ص ۳۰۷

بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۳۴۳ / الوافي، ج ۴، ص ۱۴۲ / وسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۱۸۴

قَالَ عَلِيٌّ ع: وَقَارُ الرَّجُلِ يَزِينُهُ وَخُرْفُهُ يَشِينُهُ.

امیرالمومنین (علیه السلام): وقار مرد زینت می دهد او را، و درشتی و بدخوبی او عیناک می گرداند او را.

غرر الحکم، ص ۷۲۵ / مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۷۳

۱/۳۴. عفت بطن

عنه صلى الله عليه و آله: مَا زَيْنَ اللَّهُ رَجُلًا بِزِينَةٍ خَيْرًا مِنْ عَفَافِ بَطْنِهِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، هیچ مردی را به زینتی بهتر از عفت شکم نیاراست.

مجموعه ورام، ج ۲، ص ۲۲۹

۱/۳۵. طاعت خداوند

عن علي عليه السلام: مَا تَزَيَّنَ مُتَزَيِّنٌ بِمِثْلِ طَاعَةِ اللَّهِ.

امام علی علیه السلام: هیچ آراسته ای به زیوری مانند طاعت خدا، آراسته نشد.

غرر الحکم، ۹۴۸۹

۱/۳۶. خوش اخلاقی

عَنِ الْبَاقِرِ أَوْ الصَّادِقِ ع قَالَ: إِنَّ مِمَّا يَزِينُ الْإِسْلَامَ الْأَخْلَاقُ الْحَسَنَةُ فِيمَا بَيْنَ النَّاسِ فَتَوَاطَبُوا عَلَى

مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ حُسْنِ الْهَدْيِ وَ السَّمْتِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يَزِينُكُمْ عِنْدَ النَّاسِ إِذَا نَظَرُوا إِلَى مَحَاسِنِ

مَا تَتَطَفَّوْنَ بِهِ.



امام علیه السلام فرمود: چیزی که اسلام را زینت می دهد اخلاق حسنه می باشد و اینکه آدمی در روابط اجتماعی خود با مردم خوش رفتار باشد و با اخلاق پسندیده در جامعه حرکت کند و هر کس این گونه رفتار کند در میان مردم زینت داده می شود.

مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۲۴۰

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ (خَبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْغَضَائِرِيُّ، عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلُكُبَرِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْهَمْدَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ) عَنْ أَبِي قَتَادَةَ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) لِمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ: يَا مُعَلَّى، عَلَيْكَ بِالسَّخَاءِ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ، فَإِنَّهُمَا يُزَيِّنَانِ الرَّجُلَ كَمَا تَزَيِّنُ الْوَاسِطَةُ الْقِلَادَةَ.

امام صادق علیه السلام: بر تو باد سخاوت و خوش اخلاقی؛ زیرا همان گونه که گوهر درشت وسط گردنبد مایه زیبایی آن است، این دو خصلت نیز مایه زینت مرد هستند.

الأمالی (للطوسی)، ص ۳۰۱

وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۴۳۴ / بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۹۱

۱/۳۷. درستی کردار

عن عليّ ع: صَوَابُ الْفِعْلِ [صحة الفعل] يُزَيِّنُ الرَّجُلَ.

امام علی (علیه السلام): درستی کردار زینت می دهد مرد را.

غرر الحكم، ص ۴۱۸

۱/۳۸. حسن سمت (نیکویی روش)

كِتَابُ الْإِمَامَةِ وَ التَّبَصُّرَةِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ عَنْ خَالِهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ الْخَرَّازِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: زَيْنُ أُمَّتِي فِي حُسْنِ السَّمْتِ. ۱۳۴

۱۳۴. ارجاع پژوهشی: روایاتی در فهم بهتر معنای «حسن السمّت»:

حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ بْنِ صُهَيْبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: لَا يَجْمَعُ اللَّهُ لِمُنَافِقٍ وَلَا فَاسِقٍ حُسْنَ السَّمْتِ وَ الْفِقْهَ وَ حُسْنَ الْخُلُقِ أَبَدًا.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: خداوند در منافق و در فاسق، نیکویی روش و تفقه (فهم عمیق) و خوش اخلاقی را جمع نمیکند.

الخصال، ج ۱، ص ۱۲۷ / تحف العقول، ص ۳۷۰

بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۴۳



پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زیور امت من در نیکویی روش و سیره است.

بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۴۴

۱/۳۹. دین

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْهُمْ ع قَالَ فِيمَا وَعَظَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ عَيْسَى ع: ... يَا عَيْسَى! تَزَيِّنُ بِالَّذِينَ وَحُبِّ الْمَسَاكِينِ.

عن النبي صلی الله علیه و آله: حَمَسٌ لَا يَجْتَمِعَنَّ إِلَّا فِي الْمُؤْمِنِ حَقًّا يُوجِبُ اللَّهُ لَهُ بِهِنَّ الْجَنَّةَ: التُّورُ فِي الْقَلْبِ، وَالْفِقْهُ فِي الْإِسْلَامِ، وَالْوَرَعُ فِي الدِّينِ، وَالْمَوَدَّةُ فِي النَّاسِ، وَحُسْنُ السَّمْتِ فِي الْوَجْهِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنج چیز است که جز در مؤمن راستین فراهم نمی‌آیند و خداوند به سبب آنها بهشت را بر وی واجب می‌گرداند: نورانیت دل، فهم در اسلام، پارسایی در دین، محبوبیت در میان مردم و سیمای اهل خیر داشتن.

کنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۰ / أعلام الدین، ص ۱۴۴

بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۱۹

حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْبُنْدَاوِي قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ الْحَمَّادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا صَالِحُ بْنُ مُحَمَّدِ الْبَغْدَادِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَكَّارٍ قَالَ حَدَّثَنَا عُبَيْدُ بْنُ حُمَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنَا قَابُوسُ بْنُ أَبِي طَلِبَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْهَدْيُ الصَّالِحُ وَالسَّمْتُ الصَّالِحُ وَالْإِقْتِصَادُ جُزْءٌ مِنْ حَمْسَةٍ وَأَرْبَعِينَ جُزْءًا مِنَ التُّبُوءَةِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هدایت نیک و سیره نیک و میانه روی، جزئی از چهل و پنج جزء نبوت است.

الخصال، ج ۱، ص ۱۷۸ / بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۴۳

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص حَمَسٌ لَا يَجْتَمِعَنَّ إِلَّا فِي مُؤْمِنٍ حَقًّا يُوجِبُ اللَّهُ لَهُ بِهِنَّ الْجَنَّةَ التُّورُ فِي الْقَلْبِ وَ الْفِقْهُ فِي الْإِسْلَامِ وَ الْوَرَعُ فِي الدِّينِ وَ الْمَوَدَّةُ فِي النَّاسِ وَ حُسْنُ السَّمْتِ فِي الْوَجْهِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنج چیز است که جز در مؤمن راستین فراهم نمی‌آیند و خداوند به سبب آنها بهشت را بر وی واجب می‌گرداند: نورانیت دل، فهم در اسلام، پارسایی در دین، محبوبیت در میان مردم و داشتن سیمای اهل خیر.

کنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۰ / أعلام الدین، ص ۱۴۴

بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۱۹

قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ خَالِدٍ الْمَرَاغِي قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَيْسَى قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: حَلَّتَانِ لَا تَجْتَمِعَانِ فِي مُنَافِقٍ فِقْهُ فِي الْإِسْلَامِ وَ حُسْنُ سَمْتٍ فِي الْوَجْهِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو خصلت است که در منافق فراهم نمی‌آیند: فهم در اسلام، و برخورداری از سیمای نیکوکاران.

الأمالی (للمفید)، ص ۲۷۴ / الأمالی (للطوسی)، ص ۳۶

سند امالی طوسی: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ خَالِدٍ الْمَرَاغِي قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَيْسَى، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۸۱ / النوادر (للراوندي)، ص ۱۸

بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۴۳



امام رضا و امام جواد (علیهما السلام) در روایت موعظه خداوند عزوجل به عیسی علیه السلام: ...
ای عیسی! به وسیله دین و دوست داشتن مساکین و فقرا خود را زینت بده.

الکافی، ج ۸، ص ۱۳۵

مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۶۱ / أعلام الدين في صفات المؤمنين، ص ۲۳۰

الوافي، ج ۲۶، ص ۱۳۳ / بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۲۹۳ / مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۳۰

الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیة (کلیات حدیث قدسی)، ص ۲۰۱

۱/۴۰. محبت مساکین

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْهُمْ ع قَالَ فِيمَا وَعَظَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ عَيْسَى ع: ... يَا
عَيْسَى! تَزَيِّنْ بِالذِّينِ وَ حُبِّ الْمَسَاكِينِ.

امام رضا و امام جواد (علیهما السلام) در روایت موعظه خداوند عزوجل به عیسی علیه السلام: ...
ای عیسی! به وسیله دین و دوست داشتن مساکین و فقرا خود را زینت بده.

الکافی، ج ۸، ص ۱۳۵

مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۶۱ / أعلام الدين في صفات المؤمنين، ص ۲۳۰

الوافي، ج ۲۶، ص ۱۳۳ / بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۲۹۳ / مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۳۰

الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیة (کلیات حدیث قدسی)، ص ۲۰۱

۱/۴۱. جوانمردی (فتوت)

عن علي ع: مَا تَزَيَّنَ الْإِنْسَانُ بِزِينَةٍ أَجْمَلَ مِنَ الْفُتُوَّةِ.

امیرالمومنین علیه السلام: آرایش نیافته آدمی بزینتی زیباتر از جوانمردی.

غرر الحکم، ص ۶۹۵

۱/۴۲. سکوت (صمت)

قَالَ الصَّادِقُ ع: الصَّمْتُ كَنْزٌ وَافِزٌ وَ زَيْنٌ الْحَلِيمِ وَ سِتْرٌ الْجَاهِلِ.

امام صادق (علیه السلام): سکوت گنجی است بی پایان، زینت مردمان بردبار است، و جاهلان را
از عیب و نقص نگه می دارد.

من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۹۶ / الإختصاص (مفيد)، ص ۲۳۲

الوافي، ج ۴، ص ۴۵۵ / وسائل الشيعة، ج ۱۲، ص ۱۸۵ / بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۲۹۴ [تقلاً عن: وَ

مِنْهُ] كِتَابُ الْإِمَامَةِ وَ التَّبَصُّرَةِ، عَنْ سَهْلِ بْنِ أَحْمَدَ [عَنِ الْحَسَنِ بْنِ حَمَزَةَ الْعُلَوِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ
مُسْعِدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ عَنِ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

وَ سُئِلَ عَنِ الصَّمْتِ فَقَالَ: هُوَ سِتْرٌ الْعَيِّ وَ زَيْنٌ الْعَرِضِ وَ فَاعِلُهُ فِي رَاحَةٍ وَ جَلِيسُهُ آمِنٌ.



سؤال کردند از امام حسن (علیه السلام) از سکوت. فرمود که: پوشش درماندگی است، و زینت و آرایش آبرو است، و فاعل آن در راحت است، و همنشین آن در امنیت.

کشف الغمة، ج ۱، ص ۵۷۱

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۱۱

قَالَ الصَّادِقُ ع: الصَّمْتُ شِعَارُ الْمُحَقِّقِينَ بِحَقَائِقِ مَا سَبَقَ وَ جَفَّ الْقَلَمُ بِهِ وَ هُوَ مِفْتَاحُ كُلِّ رَاحَةٍ مِنَ الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ وَ فِيهِ رِضَى اللَّهِ وَ تَخْفِيفُ الْحِسَابِ وَ الصَّوْنُ مِنَ الْخَطَايَا وَ الزَّلَلِ وَ قَدْ جَعَلَهُ اللَّهُ سِتْرًا عَلَى الْجَاهِلِ وَ زِينًا لِلْعَالِمِ وَ مَعَهُ عَزْلُ الْهَوَى وَ رِيَاضَةُ النَّفْسِ وَ حَلَاوَةُ الْعِبَادَةِ وَ زَوَالُ قَسْوَةِ الْقَلْبِ وَ الْعُقَافِ وَ الْمُرُوءَةِ وَ الظَّرْفِ فَأَعْلِقْ بِأَبِّ لِسَانِكَ عَمَّا لَكَ مِنْهُ بُدًّا.

امام صادق (علیه السلام): صمت (سکوت) شعار آن کسانی است که بررسی و رسیدگی کامل کرده‌اند و در حقایق که ثابت و محقق است و آن امور و مطالبی که قابل تغییر و تبدیل نیست. در سکوت فوائد و آثاری است: ۱- کلید هر گونه راحتی و آسایش دنیوی و اخروی است. ۲- موجب رضا و خوشنودی پروردگار متعال است. ۳- حساب انسان در روز رستاخیز سبک و آسان می‌شود. ۴- از خطا و لغزش و اشتباه محفوظ می‌ماند.

۵- برای شخص جاهل پرده ساتر و برای شخص عالم زینت است. ۶- با سکوت هوی‌ها و هوسهای نفسانی قطع می‌شود. ۷- به خاطر سکوت و جلوگیری از تظاهرات مجاهدت با نفس حاصل می‌شود. ۸- در اثر قطع هوی و مجاهدت با نفس: توجه به روحانیت و عبادات پیدا شده و حلاوت و لذت عبادت فهمیده می‌شود. ۹- سختی قلب و قساوت دل مرتفع می‌شود. ۱۰- برای نفس عفت و حیاء و پرهیزکاری حاصل می‌شود. ۱۱- در اثر سکوت: تدبر و تعقل و سپس مروت و مردانگی حاصل می‌شود. ۱۲- موجب تدبر صحیح و سپس موجب فهم و کیاست و عقل است. پس تا مجبور و ناچار نشدی، لب به سخن گفتن مگشای، و زبان فروبند.

مصباح الشریعة، ص ۱۰۱

بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۲۸۴ / مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۲۰

الإمام علي عليه السلام: كُنْ صَمُوتًا مِنْ غَيْرِ عِيٍّ فَإِنَّ الصَّمْتَ زِينَةُ الْعَالِمِ، وَسِتْرُ الْجَاهِلِ.

امام علی علیه السلام: ساکت باش، نه از روی گنگی؛ که سکوت، زیور دانشمند و پوشش نادان است.

غرر الحکم، ص ۵۳۱



عن علی ع: إِنَّ فَضْلَ الْقَوْلِ عَلَى الْفِعْلِ لَهَجْنَةٌ وَإِنَّ فَضْلَ الْفِعْلِ عَلَى الْقَوْلِ لَجَمَالٌ وَزِينَةٌ.

امام علی (علیه السلام): به درستی که افزونی گفتار بر کردار هر آینه قباحت و زشتی است، و افزونی کردار بر گفتار هر آینه زیبایی و زینت است.

غرر الحکم، ص ۲۳۳

۱/۴۳. عفاف (خودنگهداری)

امیرالمومنین (علیه السلام): الْعَفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): پاکدامنی زینت تهیدستی، و شکر زینت ثروتمندی است.

نهج البلاغه، ص ۴۷۹ (حکمت ۶۸ و ۳۴۰)

غرر الأخبار (دیلمی)، ص ۱۲۸ / تحف العقول، ص ۹۰ و ۹۲ / کنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۹۳ / غرر

الأخبار (دیلمی)، ص ۱۲۸ / أعلام الدین (دیلمی)، ص ۱۵۹

وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۴۴۲ / بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۵۳

عن النبی ص: العفاف زینة النساء.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): عفت، زینت زنان است.

نهج الفصاحة، ص ۵۷۹

۱/۴۴. فصاحت

امیرالمومنین (علیه السلام): ... الفصاحة زينة الكلام ...

غرر الأخبار (دیلمی)، ص ۱۲۸

۱/۴۵. ایثار

امیرالمومنین (علیه السلام): ... و الإیثار زينة الزهد ...

غرر الأخبار (دیلمی)، ص ۱۲۸

۱/۴۶. تقوی

قَالَ الصَّادِقُ ع: زَيْنُ [أَزِينُ] اللَّبَاسِ لِلْمُؤْمِنِ لِبَاسِ التَّقْوَى وَ أُنْعَمَهُ الْإِيْمَانُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (وَ

لِبَاسِ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ)

امام صادق (علیه السلام): بهترین لباسها برای مؤمن از لحاظ زینت، لباس تقوی است، و نیکوترین

لباس از جهت خوشی و راحتی لباس ایمان است، خداوند متعال فرمود: و لباس تقوی بهتر است.

مصباح الشریعة، ص ۳۰

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۳۲۴



و كان من دعائه عليه السلام في مكارم الأخلاق و مرضي الأفعال: ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ حَلِّبِي بِحَلِيَّةِ الصَّالِحِينَ، وَ أَلْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَ كَظْمِ الْغَيْظِ، وَ إِطْفَاءِ النَّائِرَةِ، وَ صَمِّ أَهْلَ الْفُرْقَةِ، وَ إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَ إِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَ سِتْرِ الْعَائِبَةِ، وَ لِينِ الْعَرِيكَةِ، وَ خَفْضِ الْجَنَاحِ، وَ حُسْنِ السَّيْرَةِ، وَ سُكُونِ الرِّيْحِ، وَ طَيْبِ الْمُخَالَقَةِ، وَ السَّبْقِ إِلَى الْفُضَيْلَةِ، وَ إِيْثَارِ التَّفَضُّلِ، وَ تَرْكِ التَّعْيِيرِ، وَ الْإِفْضَالِ عَلَي غَيْرِ الْمُسْتَحَقِّ، وَ الْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَ إِنْ عَزَّ، وَ اسْتِقْلَالِ الْخَيْرِ وَ إِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي، وَ اسْتِكْثَارِ الشَّرِّ وَ إِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي، وَ أَكْمَلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ، وَ لُزُومِ الْجَمَاعَةِ، وَ رَفْضِ أَهْلِ الْبِدْعِ، وَ مُسْتَعْمَلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ...

امام سجاد (علیه السلام) در دعای مکارم الاخلاق: خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا به زیور نیکوکاران بیارای، و زینت پرهیزگاران بر من ببوشان، با گسترده داد و فرو خوردن خشم و ... و با اندک شمردن کار نیک هر چند در گفتار و کردار من فراوان باشد، و بسیار شمردن کار بد هر چند در گفتار و کردار من اندک باشد. و این همه را برای من با ادامه طاعت، و حضور در جماعت، و طرد اهل بدعت و پیروان آرای اختراعی، کامل گردان. ...

الصحيفة السجادية، ص ۹۶

رُوي إِذَا أَرَادَ أَنْ يَحْلِقَ رَأْسَهُ فَلْيَبْدَأْ مِنَ النَّاصِيَةِ إِلَى الْعُظْمَيْنِ وَ لِيُقَلِّ: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَي مَلَةِ رَسُولِ اللَّهِ ص اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَإِذَا فَرَعْتُ فَلْيُقَلِّ: اللَّهُمَّ زَيِّنِّي بِالتَّقْوَى وَ جَنِّبْنِي الرَّذَى.

در روایت است که: برای سر تراشیدن از پیشانی شروع کنید و بگوئید: «بسم الله و بالله و على ملة رسول الله (ص): خداوندا بهر موئی در قیامت نوری بمن عطا کن»، و پس از تمام شدن موی سر بگوئید: «خداوندا مرا به تقوی زینت بخش، و از پستی نگهدار».

مكارم الأخلاق، ص ۵۹

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۸۳

عن عليّ ع: ثَلَاثُ هُنَّ زِينَةُ الْمُؤْمِنِ: تَقْوَى اللَّهِ، وَ صِدْقُ الْحَدِيثِ، وَ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ.

امام علی (علیه السلام): سه خصلت است که آنها زینت مؤمن اند، تقوای الهی، و راستی سخن، و پس دادن امانت.

غرر الحکم، ص ۳۳۲

۱/۴۷. تواضع

عن عليّ ع: بِالتَّوَّاضِعِ تُزَانُ الرَّفْعَةُ.



امام علی (علیه السلام): به وسیله تواضع، بزرگی [بزرگان] زینت [بیشتر] داده می‌شود.

غرر الحکم، ص ۲۹۷

۱/۴۸. وَرَع (پرهیزکاری)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رَبَاطٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّا لَا نَعُدُّ الرَّجُلَ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ لِيَجْمَعَ أَمْرًا مُتَّبِعًا مُرِيدًا أَلَا وَإِنَّ مِنْ اتِّبَاعِ أَمْرِنَا وَإِرَادَتِهِ الْوَرَعَ فَتَزَيَّنُوا بِهِ يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ وَكَبَدُوا أَعْدَاءَنَا بِهِ يُنْعَشِكُمُ اللَّهُ.

امام صادق (علیه السلام): ما مردی را مؤمن نمی‌شماریم مگر اینکه تمامی امر ما را پیروی کند و بخواهد، آگاه باشید که از جمله پیروی امر ما و خواستن امر ما پارسایی است، پس خود را با پارسایی زینت دهید تا خداوند رحمتش را شامل حالتان کند و دشمنان ما را به وسیله پارسایی فریب دهید تا خداوند شما را بلند مرتبه گرداند.

الکافی، ج ۲، ص ۷۸

الوافی، ج ۴، ص ۳۲۷ / وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۴۳ / بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۳۰۲

و من مواظب الله سبحانه ما رواه أبو محمد الحسين بن أبي الحسن بن محمد الديلمي رحمه الله في آخر كتابه المسمى بإرشاد القلوب إلى الصواب مرسلًا عن جعفر بن محمد عليهما السلام و رواه غيره مسندًا عنه عليه السلام، عن أبيه، عن جده أمير المؤمنين عليهم السلام أنه قال: عن النبي قال الله عز وجل ليله المعراج: ... يَا أَحْمَدُ! إِنَّ الْوَرَعَ زَيْنُ الْمُؤْمِنِ وَ عِمَادُ الدِّينِ إِنَّ الْوَرَعَ مَثَلُهُ كَمَثَلِ السَّفِينَةِ كَمَا أَنَّ الْبَحَرَ لَا يَنْجُو إِلَّا مَنْ كَانَ فِيهَا كَذَلِكَ لَا يَنْجُو الزَّاهِدُونَ إِلَّا بِالْوَرَعِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): خداوند متعال در شب معراج: ای احمد! ورع، زینت مؤمن و ستون دین است، و ورع مانند کشتی است در دریا که هر که بر آن سوار باشد نجات میابد، همچنین نجات نمی‌یابند زاهدان مگر با داشتن ورع.

إرشاد القلوب (للدیلمی)، ج ۱، ص ۲۰۳

الوافی، ج ۲۶، ص ۱۴۶

عن علی ع: زَيْنُ الْإِيمَانِ الْوَرَعُ.

امام علی (علیه السلام): زینت ایمان، ورع (پرهیزکاری) است.

غرر الحکم، ص ۳۹۱

امیرالمومنین (علیه السلام): ... الورع زينة العباد ...

غرر الأخبار (دیلمی)، ص ۱۲۸



۱/۴۹. نصیحت پنهانی

مِنْ كَلَامِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع: مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ وَمَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ.

امیرالمومنین (علیه السلام): هر که برادر خود را در پنهانی نصیحت کند، پس او را زینت داده است. و هر که نصیحت کند او را به آشکارا، پس او را زشت و خوار کرده است.

تحف العقول، ص ۴۸۹ / کنز الفوائد، ج ۱، ص ۹۳ / كشف الغمة، ج ۲، ص ۳۵۰ / أعلام الدين،

ص ۱۷۹

الوافي، ج ۲۶، ص ۲۸۵ / بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۶۶

۱/۵۰. اداء امانت

عن عليّ ع: ثَلَاثُ هُنَّ زِينَةُ الْمُؤْمِنِ: تَقْوَى اللَّهِ، وَ صِدْقُ الْحَدِيثِ، وَ آدَاءُ الْأَمَانَةِ.

امام علی (علیه السلام): سه خصلت است که آنها زینت مؤمن اند، تقوای الهی، و راستی سخن، و پس دادن امانت.

غرر الحکم، ص ۳۳۲

۱/۵۱. دشمنی بدان با نیکان؛ زینت نیکان است!

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ حُبُّ الْأَبْرَارِ لِلْأَبْرَارِ ثَوَابٌ لِلْأَبْرَارِ وَ حُبُّ الْفَجَّارِ لِلْأَبْرَارِ فَضِيلَةٌ لِلْأَبْرَارِ وَ بُغْضُ الْفَجَّارِ لِلْأَبْرَارِ زَيْنٌ لِلْأَبْرَارِ وَ بُغْضُ الْأَبْرَارِ لِلْفَجَّارِ حَزِيٌّ عَلَى الْفَجَّارِ.

امام صادق علیه السلام: دوست داشتن نیکان، برای نیکان، ثواب است؛ و دوست داشتن بدان، برای نیکان، فضیلت است؛ و دشمنی بدان با نیکان، زیور نیکان است؛ و دشمنی نیکان با بدان، تنگی است برای بدان.

المحاسن، ج ۱، ص ۲۶۶ / الكافي، ج ۲، ص ۶۴۰ / مصادقة الإخوان (صدوق)، ص ۵۰

تحف العقول، ص ۴۸۷ / مشکاة الأنوار، ص ۱۲۲ / الإختصاص (مفید)، ص ۲۳۹

وسائل الشيعة، ج ۱۲، ص ۳۱ / بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۸ / مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۲۰

۱/۵۲. نماز شب:

حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عُمَرَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنْ كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ قَالَ - «الْمَالُ وَ الْبُنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» إِنَّ الثَّمَانَ رَكَعَاتِ اللَّيْلِ يُصَلِّيَهَا الْعَبْدُ آخِرَ اللَّيْلِ زِينَةَ الْآخِرَةِ.



امام صادق علیه السلام فرمودند: همانا خدای عز و جل فرموده است «مال و پسران زینت زندگی دنیا است». بدون شك هشت رکعت نمازی که بنده خدا در آخر شب می خواند نیز زینت آخرت است.

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۴۱ / تهذیب الأحكام، ج ۲، ص ۱۲۰
سند تهذیب: عَنْهُ (مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى) عَنْ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عُمَرَ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ عَنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
تفسير العياشي، ج ۲، ص ۳۲۷
بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۱۵۳ / الوافي، ج ۷، ص ۱۰۵ / وسائل الشيعة، ج ۸، ص ۱۵۰ / مستدرک
الوسائل، ج ۶، ص ۳۳۰

ابن محبوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: ثَلَاثٌ هُنَّ فَخْرُ الْمُؤْمِنِ وَرِزْيَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: الصَّلَاةُ فِي آخِرِ اللَّيْلِ وَيَأْسُهُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَلَا يَنْهَى الْإِمَامَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ع.

امام صادق (علیه السلام): سه چیز است که افتخار و زینت اویند در دنیا و آخرت: ۱- نماز در آخر شب ۲- نومیادی او از آنچه در دست مؤمن است ۳- پیروی و دوستی او از برای امام از خاندان محمد (صلی الله علیه و آله).

الكافي، ج ۸، ص ۲۳۴

۱/۵۴. صدق (راستی)

وصیت الامام الباقر ع لجابر بن یزید الجعفی: رُوِيَ عَنْهُ ع أَنَّهُ قَالَ لَهُ يَا جَابِرُ! ... تَزَيَّنْ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالصِّدْقِ فِي الْأَعْمَالِ.

امام باقر علیه السلام: با راست کرداری، خود را برای خداوند عزوجل بیارای.

تحف العقول، ص ۲۸۵

الوافي، ج ۲۶، ص ۲۶۱ / بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۶۴

عن علي ع: بِالصِّدْقِ تَتَزَيَّنُ الْأَقْوَالُ.

امام علی (علیه السلام): به وسیله صداقت و راستی، زینت و آرایش می یابد گفتارها.

غرر الحکم، ص ۳۰۰



۱/۵۵. فقه (برای ایمان)، حلم (برای فقه)، رفق (برای حلم)، نرمش (برای رفق)، سهل گیری (برای نرمش)
 عن الصادق ع: مِنْ زَيْنِ الْإِيمَانِ الْفِقْهُ، وَ مِنْ زَيْنِ الْفِقْهِ الْحِلْمُ، وَ مِنْ زَيْنِ الْحِلْمِ الرَّفْقُ، وَ مِنْ زَيْنِ
 الرَّفْقِ اللَّيْنُ، وَ مِنْ زَيْنِ اللَّيْنِ السُّهُولَةُ.

امام صادق (علیه السلام): «فقه» (فهم احکام دین) یکی از زینت‌های ایمان، «حلم» یکی از
 زینت‌های فقه، «مدارا(رفق)» یکی از زینت‌های حلم، «نرمش» یکی از زینت‌های مدارا(رفق)، و
 «سهل‌گیری» یکی از زینت‌های نرمش است.

تحف العقول، ص ۳۶۸

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۵۱

۱/۵۶. نظامیان برای حکومت‌ها

و من کتاب له ع کتبه للأشتر النخعي [رحمه الله] لما ولاه على مصر و أعمالها حين اضطرب أمر أميرها محمد بن
 أبي بكر، و هو أطول عهد كتبه و أجمعه للمحاسن. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ
 الْمُؤْمِنِينَ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْطَرِ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ حِينَ وُلَاهُ مِصْرَ جَبَايَةَ حَرَا جَهَا وَ جِهَادَ عَدُوَّهَا وَ اسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَ
 عِمَارَةَ بِلَادِهَا: ... فَالْجُنُودُ يَأْذِنُ اللَّهُ حُضُورَ الرَّعِيَّةِ وَ زَيْنُ الْوَلَاةِ وَ عِزُّ الدِّينِ وَ سُبُلُ الْأَمْنِ وَ لَيْسَ تَقْوَمُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا
 بِهِمْ...

عهد نامه مكتوب اميرالمومنين (عليه السلام) برای مالك اشتر نخعی - رحمه الله - زمانی که او را به امارت مصر و
 مناطق تابعه آن انتخاب نمود و این برنامه به وقتی بود که کار حاکم مصر محمد بن ابو بکر در آشفتگی قرار داشت.
 این عهد نامه طولانی‌ترین عهد نامه و از جهت در برداشتن خوبیها جامع‌ترین آنهاست: این فرمانی است که بنده
 خدا امیر المؤمنین در پیمان‌ش به مالك بن حارث اشتر زمانی که او را به فرمانروایی مصر برگزید دستور داد: ...
 لشکریان (نظامیان)، به اذن خدا دژهای استوار مردم و زینت زمامداران‌اند، و عزت دین، و راه‌های امنیت و
 آسایش هستند، و مردم برپا نمی‌مانند مگر با بودن ایشان. ...

تحف العقول، ص ۱۳۱ / نهج البلاغة (نامه ۵۳)، ص ۴۳۲

بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۶۰۳ / مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۶۳ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۲،

ص ۶۴۶

۱/۵۷. ادب

عن علي ع: عَلَيْنِكَ بِالْأَدَبِ فَإِنَّهُ زَيْنُ الْحَسَبِ.

امام علی علیه السلام: ادب بیاموز که زینت حسب و نسب است.

غرر الحکم، ص ۴۴۳

عن علي ع: مَنْ اسْتَهْتَرَ [اشتهر] بِالْأَدَبِ فَقَدْ زَانَ نَفْسَهُ.



امام علی (علیه السلام): هر که حریص (یا مشهور) باشد به ادب، پس خود را زینت داده است.

غرر الحکم، ص ۶۰۷

۱/۵۸. حفظ زبان

عن علی ع: مَنْ قَوَّمَ لِسَانَهُ زَانَ عَقْلَهُ.

امام علی (علیه السلام): هر که راست گرداند زبان خود را، زینت دهد عقل خود را.

غرر الحکم، ص ۶۱۲

۱/۵۹. همشینی با علما

عن علی ع: عَجِبْتُ لِمَنْ يَرَعِبُ فِي التَّكْثُرِ مِنَ الْأَصْحَابِ كَيْفَ لَا يَصْحَبُ الْعُلَمَاءَ الْأَتْقِيَاءَ الَّذِينَ تُغْتَنَّمُ فَضَائِلُهُمْ وَتَهْدِيهِ عُلُومُهُمْ وَتَزِينُهُ صُحْبَتُهُمْ.

امیرالمومنین (علیه السلام): عجب دارم از کسی که رغبت میکند در بسیاری مصاحبان چگونه مصاحب نمی شود با علمای خردمندان پرهیزگاران که غنیمت برد فضایل ایشان را، و راه نماید او را علمهای ایشان، و زینت دهد او را صحبت ایشان.

غرر الحکم، ص ۴۶۱

۱/۶۰. دوستان خوب

عن علی ع: إِخْوَانُ الصَّدَقِ زِينَةٌ فِي السَّرَاءِ وَ عُدَّةٌ فِي الضَّرَاءِ.

امام علی (علیه السلام): دوستان راستین، زینت انسان در آشکار هستند و آماده به کار در پنهانی.

غرر الحکم، ص ۹۷

۱/۶۱. زینت بودن ستارگان برای اهل زمین

إِنَّا زَيْنًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ

سوره مبارکه صافات، آیه ۶

وَلَقَدْ زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَ جَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ

سوره مبارکه ملک، ۵

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَ زَيْنَّاها وَ مَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ

سوره مبارکه ق، ۶

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَ زَيْنَّاها لِلنَّاطِرِينَ

سوره مبارکه حجر، آیه ۱۶



فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَ
حِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

سوره مبارکه فصلت، آیه ۱۲

دعاء عظیم مروی عن النبي ص وَهُوَ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ ... بِالْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَبِالْقَيُّومِ الَّذِي لَا
تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ وَبِالَّذِي تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ بِأَكْنَافِهَا وَالأَرْضُونَ بِأَطْرَافِهَا وَالبِحَارُ بِأَمْوَاجِهَا وَ
الْحَيَاتَانُ فِي بَحَارِهَا وَالأشْجَارُ بِأَغْصَانِهَا وَالنُّجُومُ بِتَرْتِيبِهَا [بزینتها] وَالأَوْحُوشُ فِي قَفَارِهَا وَ الطَّيْرُ
فِي أَوْكَارِهَا وَ النَّحْلُ فِي أَحْجَارِهَا وَ التَّمَلُّ فِي مَسَاكِنِهَا وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ فِي أَفْلاكِهِمَا ...»

دعایی عظیم که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده: «خدایا! از تو می‌خواهم به آن
زنده‌ای که نمی‌میرد و به آن قیوم و پاینده‌ای که او را خواب و چرت فرا نمی‌گیرد، و به آن که تمام
آسمان‌ها با اکنافشان، و زمین‌ها با اطرافشان، و دریاها با امواجشان، و ماهی در دریاها، و درختان با
ریشه‌هایشان، و ستارگان با زینتشان، و حیوانات وحشی در بیابان‌ها، و پرندگان در لانه‌هایشان، و
زنبور عسل در سنگ‌هایشان، و مورچگان در خانه‌هایشان، و خورشید و ماه در افلاکشان تو را تسبیح
می‌گویند ...»

البلد الامین (کفعمی، ۹۰۵ ق)، ص ۴۲۷ / مهج الدعوات (ابن طاووس)، ص ۸۶

بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۳۷۲

دعاء الحجب مروی عن النبي ص: ... يَا مَنْ زَيْنَ السَّمَاءِ بِالنُّجُومِ الطَّالِعَةِ وَ جَعَلَهَا هَادِيَةً
لِخَلْقِهِ، يَا مَنْ أَنَارَ الْقَمَرَ الْمُنِيرِ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بِطُفْفِهِ، يَا مَنْ أَنَارَ الشَّمْسَ الْمُنِيرَةَ وَ جَعَلَهَا
مَعَاشًا لِخَلْقِهِ وَ جَعَلَهَا مُفَرِّقَةً بَيْنَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ بِعَظَمَتِهِ ...

دعای حُجْب که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده است: ... ای خدایی که زینت
بخشیده است آسمان را به ستاره‌های طلوع‌کننده و گردانیده است آنها را راهنمایی از برای
مخلوقات خود، ای کسی که روشن کرده است ماه روشن را در سیاهی شب تاریک به لطف خود، ای
کسی که نورانی گردانیده است آفتاب روشن را و گردانیده است آن را سبب زندگانی (یا زمان تحصیل
معاش) برای خلق خود و گردانیده است آن را جداکننده میان شب و روز به بزرگی خود. ...

مهج الدعوات، ص ۷۶ / البلد الامین، ص ۳۷۶ / المصباح للكفعمي، ص ۲۷۵

بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۴۰۳ / زاد المعاد، ص ۵۲۵



الدعوات المأثورة غير الموقته و فيه الدعوات الجامعة للمقاصد: وَ مِنْ ذَلِكَ دُعَاءُ عَلَّمَهُ جَبْرَيْلُ لِلنَّبِيِّ ص وَ جَدْتُ فِي كِتَابٍ عَتِيقٍ تَارِيخٍ كِتَابَتِهِ أَكْثَرُ مِنْ مِائَتِي سَنَةٍ إِلَى تَارِيخِ سَنَةِ خَمْسِينَ وَ سِتِّمِائَةٍ قَالَ: جَاءَ جَبْرَيْلُ ع إِلَى النَّبِيِّ ص وَ مَعَهُ مِيكَائِيلُ وَ إِسْرَافِيلُ ع وَ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَكْرَمَكَ وَ أَمَّتَكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ فَطُوبَى لَكَ وَ لِأُمَّتِكَ وَ لِمَنْ يُؤَفِّقُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ أَنْ يَدْعُوَ بِهَذَا الدُّعَاءِ: ... «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ ... بِالْأَسْمِ الَّذِي وَضَعَ عَلَى الْجَنَّةِ فَأَزْلَفْتُ وَ عَلَى الْجَحِيمِ فَسُعِّرْتُ وَ عَلَى النَّارِ فَتَوَقَّدْتُ وَ عَلَى السَّمَاءِ فَاسْتَقَلَّتْ وَ قَامَتْ بِلا عَمَدٍ وَ لا سَنَدٍ وَ عَلَى النُّجُومِ فَتَزَيَّنَتْ وَ عَلَى الشَّمْسِ فَاشْرَقَتْ وَ عَلَى الْقَمَرِ فَأَنَارَ وَ أَضَاءَ وَ عَلَى الْأَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَ عَلَى الْجِبَالِ فَأَزَسَتْ وَ عَلَى الرِّيَّاحِ فَذَرَّتْ وَ عَلَى السَّحَابِ فَأَمْطَرَتْ وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَسَبَّحَتْ وَ عَلَى الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ فَأَجَابَتْ وَ عَلَى الطَّيْرِ وَ التَّمَلِّ فَتَكَلَّمَتْ وَ عَلَى اللَّيْلِ فَأَطْلَمَ وَ عَلَى النَّهَارِ فَاسْتَنَارَ وَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ فَسَبَّحَ ...»

دعایی که جبرئیل به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تعلیم داد: «خداوند! از تو می خواهم ... به حق آن نام که گذاشته شده است بر بهشت پس نزدیک گردانیده شده است و بر جهنم پس افروخته گشته است و بر آتش پس شعله ور گشته است و بر آسمان پس قرار گرفته و ایستاده است بدون ستونی و نه پایه ای و بر ستارگان پس زینت داده شدند و بر آفتاب پس روشن گردیده و بر ماه پس نورانی و صاحب روشنی شده و بر زمین پس قرار گرفته و بر کوهها پس ثابت گشته اند و بر بادها پس پراکنده نموده اند اشیاء را و بر ابرها پس باریده اند و بر فرشتگان پس تسبیح گفتند و بر انس و جن پس اطاعت نمودند و بر مرغان و مورچه ها پس سخن گفتند و بر شب پس تاریک شد و بر روز پس روشن گشت و بر هر چیزی پس تسبیح گفت ...»

مهج الدعوات، ص ۸۵ / البلد الأمين، ص ۴۲۵

بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۳۷۰

الدعوات المأثورة غير الموقته و فيه الدعوات الجامعة للمقاصد: وَ مِنْ ذَلِكَ دُعَاءُ عَلَّمَهُ جَبْرَيْلُ لِلنَّبِيِّ ص وَ جَدْتُ فِي كِتَابٍ عَتِيقٍ تَارِيخٍ كِتَابَتِهِ أَكْثَرُ مِنْ مِائَتِي سَنَةٍ إِلَى تَارِيخِ سَنَةِ خَمْسِينَ وَ سِتِّمِائَةٍ قَالَ: جَاءَ جَبْرَيْلُ ع إِلَى النَّبِيِّ ص وَ مَعَهُ مِيكَائِيلُ وَ إِسْرَافِيلُ ع وَ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَكْرَمَكَ وَ أَمَّتَكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ فَطُوبَى لَكَ وَ لِأُمَّتِكَ وَ لِمَنْ يُؤَفِّقُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ أَنْ يَدْعُوَ بِهَذَا الدُّعَاءِ: ... وَ بِالْأَسْمِ الَّذِي تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُونَ بِأَطْرَافِهَا وَ الْبِحَارُ بِأَمْوَاغِهَا وَ الْحِيَتَانُ فِي بَحَارِهَا وَ الْأَشْجَارُ بِأَغْصَانِهَا وَ النُّجُومُ بِزِينَتِهَا وَ الْوُحُوشُ فِي قَفَارِهَا وَ الطُّيُورُ فِي أَوْكَارِهَا وَ النَّحْلُ فِي أَحْجَارِهَا وَ التَّمَلُّ فِي مَسَاكِنِهَا وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ فِي أَفْلَاكِهِمَا وَ كُلُّ شَيْءٍ يُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّهِ ...



و به حق آن کسی که تسبیح می‌کنند از برای او آسمانها و زمینها به جانبهای خود و دریاها به موجهای خود و ماهیها در دریاها و درختان به شاخه‌های خود و ستاره‌ها به زینت دادن خود و جانوران وحشی در بیابانهای خود و مرغان در آشیانه‌های خود و زنبور عسل در سوراخهای خود و مورچه‌ها در خانه‌های خود و آفتاب و ماه در آسمانهای خود و همه چیز تسبیح می‌کند به سپاس پروردگار خود.

مهج الدعوات، ص ۸۶
بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۳۷۲

۱/۶۲. دشت و سرسبزی‌های روی زمین

و من خطبة له ع تعرف بخطبة الأشباح و هي من جلائل خطبه ع: رَوَى مَسْعَدَةُ بْنُ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع أَنَّهُ قَالَ خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ بِهَذِهِ الْخُطْبَةِ عَلَى مِثْبَرِ الْكُوفَةِ وَ ذَلِكَ أَنَّ رَجُلًا أَتَاهُ فَقَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صِفْ لَنَا رَبَّنَا مِثْلَ مَا نَرَاهُ عَيْنًا ... قَالَ: ... فَلَمَّا أَلْقَتِ السَّحَابُ بَرَكَ بَوَائِبِهَا وَ بَعَاغَ مَا اسْتَقَلَّتْ بِهِ مِنَ الْعِبَاءِ الْمَحْمُولِ عَلَيْهَا، أَخْرَجَ بِهِ مِنْ هَوَامِدِ الْأَرْضِ الثَّبَاتَ وَ مِنْ زُغْرِ الْجِبَالِ الْأَغْشَابَ فَهِيَ تَبْهَجُ بِرِيْنَةِ رِيَاضِهَا وَ تَزْدَهِي بِمَا أَلْبَسَتْهُ مِنْ رِيْطِ أَزَاهِيرِهَا وَ حَلِيَّةِ مَا سُمِطَتْ بِهِ مِنْ نَاضِرِ أَنْوَارِهَا. وَ حَلِيَّةِ مَا سُمِطَتْ بِهِ مِنْ نَاضِرِ أَنْوَارِهَا وَ جَعَلَ ذَلِكَ بَلَاغًا لِلْأَنَامِ وَ رِزْقًا لِلْأَنْعَامِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): ... که ابرها سینه خود را به زمین ساییدند، و آنچه از باران داشتند بر زمین پاشیدند، خداوند در زمین‌های خشک گیاه، و در دامن کوهها سبزه رویاند، در این وقت زمین با زینت باغ‌های زیبای خود به شادی نشست، و از پرده لطیفی از شکوفه‌های خوشبو و زیبا که بر خود پوشیده بود، و از نظم دقیق شکوفه‌ها و بوته‌های با طراوت که چهره آن را می‌آراست به نشاط و بهجت برخاست، و خداوند آن نباتات و گلها را توشه آدمیان و روزی چهارپایان قرار داد. و نیز راههای فراخ در اطراف زمین باز کرد.

نهج البلاغة، ص ۱۳۳ (خطبه ۹۱)
بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۳۲۷

۱/۶۳. حبوبات زمین!

الْأَسْمَاءُ الْحَسَنَى: وَ هِيَ مَرْوِيَّةٌ عَنِ النَّبِيِّ ص وَ لَهَا شَرْحٌ عَظِيمٌ وَ لَا تَقْرَأُهَا إِلَّا وَ أَنْتَ طَاهِرٌ وَ هِيَ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ... يَا اللَّهُ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تُخْرِجُ بِهِ الْحُبُوبَ مِنَ الْأَرْضِ فَتَزَيِّنُ بِهَا الْأَرْضَ فَتَذَكَّرُ بِنِعْمَتِكَ ...

دعای اسماء الحسنی که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که شرح عظیمی دارد و آن را قرائت نکن مگر اینکه طهارت داشته باشی. و آن دعا عبارت است از: بسم الله الرحمن الرحيم ...



یا الله! و از تو می‌خواهم به آن اسمی که به وسیله آن حبوبات را از زمین خارج می‌کنی پس به وسیله آن‌ها زمین را زینت می‌دهی پس یادآورِ نعمت تو می‌گردد...

البلد الامین و الدرع الحصین، ص ۴۱۳
بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۲۵۶

۱/۶۴. طلا؛ زینت زنان در دنیا

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ رَجُلٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَقْبَةَ عَنْ مُوسَى بْنِ أَكْبَلِ التَّمِيرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الْحَدِيدِ أَنَّهُ حَلِيَّةُ أَهْلِ النَّارِ وَ الذَّهَبُ حَلِيَّةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ جَعَلَ اللَّهُ الذَّهَبَ فِي الدُّنْيَا زِينَةَ النِّسَاءِ فَحَرَّمَ عَلَى الرَّجَالِ لُبْسَهُ وَ الصَّلَاةَ فِيهِ وَ جَعَلَ اللَّهُ الْحَدِيدَ فِي الدُّنْيَا زِينَةَ الْجِنَّ وَ الشَّيَاطِينِ فَحَرَّمَ عَلَى الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَلْبَسَهُ فِي الصَّلَاةِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ قِبَالَ عَدُوٍّ فَلَا بَأْسَ بِهِ قَالَ قُلْتُ لَهُ فَالرَّجُلُ فِي السَّفَرِ يَكُونُ مَعَهُ السَّكِّينُ فِي حُفِّهِ لَا يَسْتَعْنِي عَنْهُ أَوْ فِي سَرَائِيلِهِ مَشْدُوداً وَ الْمِفْتَاحُ يَخْشَى أَنْ يَضَعَهُ ضَاعَ أَوْ يَكُونُ فِي وَسْطِهِ الْمِنْطَقَةَ مِنْ حَدِيدٍ قَالَ لَا بَأْسَ بِالسَّكِّينِ وَ الْمِنْطَقَةَ لِلْمُسَافِرِ أَوْ فِي وَفْتِ ضَرُورَةٍ وَ كَذَلِكَ الْمِفْتَاحُ إِذَا حَافَ الصَّيِّعَةَ وَ النَّسِيَانَ وَ لَا بَأْسَ بِالسَّيْفِ وَ كُلِّ آلَةِ السَّلَاحِ فِي الْحَرْبِ وَ فِي غَيْرِ ذَلِكَ لَا يَجُوزُ الصَّلَاةُ فِي شَيْءٍ مِنَ الْحَدِيدِ فَإِنَّهُ نَجَسٌ مَمْسُوحٌ.

امام صادق (علیه السلام): آهن، زینت اهل آتش است و طلا زینت اهل بهشت. و خداوند طلا را در دنیا زینت زنان قرار داد پس پوشیدن آن و نماز خواندن در آن را بر مردان حرام کرد، و خداوند آهن را زینت جن و شیاطین قرار داد لذا پوشیدن آن در نماز بر مرد مسلمان را حرام کرد؛ مگر اینکه در مقابل با دشمن باشد که اشکالی ندارد. راوی می‌گوید به ایشان گفتم: پس مردی که در سفر چاقو [آهنین] به همراه دارد و از آن بی‌نیاز نیست (و به آن نیاز دارد) در کمر بندش و کلید که می‌ترسد گم شود. فرمود: در وقت ضرورت اشکالی ندارد... و همینطور اشکالی نیست در شمشیر و هر وسیله‌ای که در جنگ استفاده می‌شود. ولی در غیر آن (مانند نماز خواندن در آهن) جایز نیست.

تهذیب الأحكام، ج ۲، ص ۲۲۷

الوافی، ج ۷، ص ۴۲۷ / وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۴۱۹

۱/۶۵. طلا؛ زینت مومنین در آخرت (و ممنوعیت طلا برای مردان در دنیا)

أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ص لِعَلِيِّ ع: إِنِّي أَحْبُّ لَكَ مَا أَحْبُّ لِنَفْسِي وَ أَكْرَهُ لَكَ مَا أَكْرَهُ لِنَفْسِي فَلَا تَتَخْتَمَنَّ خَاتَمَ ذَهَبٍ فَإِنَّهُ زِينَتُنَا فِي الْآخِرَةِ وَ لَا تَلْبَسُوا الْقَرَمِزَ فَإِنَّهُ مِنْ



أُزْدِيَّةِ إِبْلِيسَ وَلَا تَرَكُّبُوا مِثْرَةً حَمَرَاءَ فَإِنَّهَا مِنْ مَرَائِبِ إِبْلِيسَ وَلَا تَلْبَسِ الْحَرِيرَ فَيُحْرِقَ اللَّهُ عَزْرًا وَجَلَّ
جِلْدُكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

امام صادق (علیه السلام): نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمودند: من دوست دارم برای تو آنچه را که برای خود دوست دارم و کراهت دارم برای تو از آنچه برای خود کراهت دارم لذا سفارش می‌کنم: انگشتر طلا به دست مکن زیرا زینت ما در آخرت است و لباس قرمز مپوش زیرا لباس ابلیس می‌باشد و سوار مرکبی که بالشچه سرخ پیش زین آن نهاده‌اند مشو زیرا آن از مراکب شیطان است و لباس حریر به تن مکن که خدا در روز قیامت پوست تو را می‌سوزاند.

علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۴۹ / من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۵۳

وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۴۱۴ / بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۲۴۲ / الوافی، ج ۲۰، ص ۷۱۴



۱/۶۶. نگاه کردن در آینه و سُرمه کشیدن؛ دو نمونه از مصادیق زینت (که در حال احرام حرام است)^{۱۳۵}

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَا تَنْظُرِي فِي الْمِرْآةِ وَ أَنْتَ مُحْرِمٌ لِأَنَّهُ مِنَ الزَّيْنَةِ. لَا تَكْتَحِلِ الْمَرْأَةُ الْمُحْرِمَةُ - بِالسَّوَادِ إِنْ السَّوَادَ زَيْنَةً.

حریر از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است، که فرمود: چون مُحرم باشی در آینه نگاه مکن، زیرا که آن از زینت است. زنی که مُحرم است، سُرمه نکشد؛ چون سیاهی سُرمه زینت محسوب می‌شود.

الکافی، ج ۴، ص ۳۵۶ / تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۳۰۲ / من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۷
الوافی، ج ۱۲، ص ۶۳۴ / وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۴۷۲ و ۴۶۹

۱۳۵. **ارجاع پژوهشی:** سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ حَرِيزِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: الْمُحْرِمَةُ تَلْبَسُ الْخُلْيَةَ كُلَّهَا إِلَّا خُلْيَةَ مَشْهُورًا لِلزَّيْنَةِ.

امام صادق (علیه السلام): زن در هنگام احرام، هر لباسی بخواهد می‌پوشد غیر از لباس زیوری که برای زینت است.

تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۷۶ / الإستبصار، ج ۲، ص ۳۱۰ / من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۴
الوافی، ج ۱۲، ص ۵۹۰ / هداية الأمة، ج ۵، ص ۲۵۱ / وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۴۹۷

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَاجِلَوَيْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ وَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرَانَ الدَّقَائِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِي وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّائِي وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُكْتَبِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الرَّبِيعِ الصَّخَّافِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ وَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ وَ عَلِيُّ بْنُ عَمْرٍو فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْبَرْقِيُّ رَحِمَهُمُ اللَّهُ قَالُوا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلَوَيْهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا ع كَتَبَ إِلَيْهِ فِي جَوَابِ مَسْأَلَةٍ: ... فَإِنَّ قَالَ: فَلِمَ أُمِرُوا بِالْإِحْرَامِ قِيلَ لِأَنَّهُ يَخْشَعُوا قَبْلَ دُخُولِ حَرَمِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمْنِهِ وَ لِيَتَلَّأَ يَلْهُوَا وَ يَسْتَعْلُوا بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَ زِينَتِهَا وَ لِدَاتِهَا وَ يَكُونَ [يَكُونُوا] جَادِينَ فِيهَا هُمْ فِيهَا قَاصِدِينَ نَحْوَهُ مُقْبِلِينَ عَلَيْهِ بِكَلْبَتِهِمْ مَعَ مَا فِيهِ مِنَ التَّعْظِيمِ لِلَّهِ تَعَالَى وَ لِيُبَيِّنَهُ وَ التَّدَلُّلَ لِأَنْفُسِهِمْ عِنْدَ قَصْدِهِمْ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ وَفَادَتِهِمْ إِلَيْهِ رَاجِعِينَ تَوَابَهُ رَاهِبِينَ مِنْ عِقَابِهِ مَا ضِيقَ نَحْوَهُ مُقْبِلِينَ إِلَيْهِ بِالذَّلِّ وَ الْإِسْتِكَانَةِ وَ الْخُضُوعِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

محمد بن سنان: حضرت امام رضا علیه السلام در جواب سؤالات من مکتوبی مرقوم و بسوی من ارسال داشتند در آن آمده: ... پس اگر بگویند چرا مردم مأمور باحرام شدند باید در جواب گفته شود از برای آنکه خاشع شوند پیش از دخول حرم خدا و محل امن او و از برای اینکه مشغول نشوند بلهو و چیزی از امر دنیا یا زینت دنیا و لذات دنیوی و جهدکننده باشند در آن عملی که از برای آن عمل آمده‌اند و قصد کنند آن عمل را و مجموع روی به آن بروند. علاوه بر اینکه در احرام است تعظیم خدا و پیغمبر او و تذلل کردن بندگان در وقتی که قصد خدا را کرده‌اند و بمحض خلوص رفتن بسوی خدا در حالتی که شواپ او امیدوار هستند و از عقاب او ترسان و هراسان باشند و گذشتگان بسوی او و روکنندگان باو باشند بذلت و خضوع و مسکنت و صلی الله علی محمد و آله. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲۱
بحار الأنوار، ج ۶، ص ۸۴



أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا تَنْظُرُ فِي الْمِرَاةِ وَأَنْتَ مُحْرِمٌ لِأَنَّهُ مِنَ الزَّيْنَةِ.
 امام صادق (عليه السلام): در حالی که مُحْرِم هستی در آئینه نگاه مکن زیرا این فعل زینت محسوب می شود.

علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۵۸

عَلَيْهِ بُنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا تَكْتَحِلِ الْمَرْأَةُ الْمُحْرِمَةَ - بِالسَّوَادِ إِنَّ السَّوَادَ زِينَةٌ.
 حرّیز از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است، که فرمود: زنی که مُحْرِم است، سُرمه نکشد؛ چون سیاهی سُرمه زینت محسوب می شود.

الکافی، ج ۴، ص ۳۵۶ / تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۳۰۱

الوافی، ج ۱۲، ص ۶۳۴ / وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۴۷۲ و ۴۶۹

أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ وَ عَبْدِ اللَّهِ ابْنِي مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْمَرْأَةِ تَكْتَحِلُ وَ هِيَ مُحْرِمَةٌ قَالَ لَا تَكْتَحِلُ قُلْتُ بِسَوَادٍ لَيْسَ فِيهِ طَيْبٌ قَالَ فَكْرِهَهُ مِنْ أَجْلِ أَنَّهُ زِينَةٌ وَ قَالَ إِذَا اضْطُرَّتْ إِلَيْهِ فَلْتَكْتَحِلِ.
 حلبی می گوید از امام صادق (علیه السلام) راجع به زن مُحْرِمی که سُرمه می کشد سؤال کردم؟ حضرت فرمودند: سُرمه نکشد. عرض کردم: با رنگ سیاهی که در آن چیز خوشبو نیست چطور؟ حضرت فرمودند: مکروه است زیرا زینت محسوب می شود و سپس فرمودند: البته اگر زن مُحْرِم به کشیدن سرمه مضطر باشد (برای مداوا)، سُرمه بکشد و اشکالی ندارد.

علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۵۶

بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۱۶۸ / وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۴۷۱

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا تَكْتَحِلِ الْمَرْأَةُ بِالسَّوَادِ إِنَّ السَّوَادَ مِنَ الزَّيْنَةِ.
 امام صادق علیه السلام: زن با رنگ سیاه سُرمه نکشد زیرا سیاهی زینت می باشد.

علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۵۶

بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۱۶۸ / وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۴۶۹

**۱/۶۷. ریش (محاسن) برای مردان**

حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ الْأَسْوَارِيُّ الْفَقِيهُ قَالَ حَدَّثَنَا مَكِّيُّ بْنُ سَعْدٍ وَوَيْهَ الْبَرْدَعِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ نُوحُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ جَمِيلُ بْنُ سَعْدٍ قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الْوَاحِدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الْعَسْقَلَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ حُمَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنَا حَمَادُ بْنُ سَلَمَةَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ أَبِي النَّجُودِ عَنْ زُرِّ بْنِ حُبَيْشٍ قَالَ: ... قَالَ حُمَيْدٌ قَالَ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الْوَاحِدِ وَ سَمِعْتُ أَحْمَدَ بْنَ شَيْبَانَ الْبَرْمَكِيَّ يَقُولُ وَ زَادَ الْحَمِيرِيُّ فِي الْحَدِيثِ: [عن ابن مسعود عن النبي ص]: فَجَلَسَ آدَمُ عَ جِلْسَةَ الْقُرْفُصَاءِ وَ رَأْسُهُ بَيْنَ رُكْبَتَيْهِ كَنِيْبًا حَزِينًا فَبَعَثَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَيْهِ جَبْرَائِيلَ فَقَالَ يَا آدَمُ مَا لِي أَرَاكَ كَنِيْبًا حَزِينًا قَالَ لَا أَزَالُ كَنِيْبًا حَزِينًا حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ قَالَ فَإِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكَ وَ هُوَ يُفْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ يَا آدَمُ حَيَّاكَ اللَّهُ وَ بَيَّاكَ قَالَ أَمَّا حَيَّاكَ فَأَعْرِفُهُ فَمَا بَيَّاكَ قَالَ أَضْحَكَكَ قَالَ فَسَجَدَ آدَمُ فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَ: يَا رَبِّ زِدْنِي جَمَالًا فَأَصْبَحَ وَ لَهُ لِحْيَةٌ سَوْدَاءٌ كَالْحَمَمِ فَضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَيْهَا فَقَالَ يَا رَبِّ مَا هَذِهِ؟ قَالَ: هَذِهِ اللَّحْيَةُ زَيَّنْتُكَ بِهَا أَنْتَ وَ ذُكُورٌ وَ لِدِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): آدم علیه السلام نشست در حالی که زانوها را در بغل گرفت و سر را بین دو زانو نهاد با حالی حزین و غمگین، پس خداوند تبارک و تعالی جبرئیل علیه السلام را نزدش فرستاد، جبرئیل گفت: ای آدم چرا تو را غمگین و محزون می بینم؟ جناب آدم علیه السلام فرمود: پیوسته حزین و غمگین هستم تا امر خدا بیاید. جبرئیل علیه السلام عرض کرد: من فرستاده خداوند عز و جل به سوی تو بوده و حق تو را سلام می رساند و می فرماید: ای آدم: حیاک الله و بیاک. جناب آدم فرمود: اما حیاک معنایش را می دانم (یعنی خدا عمرت را طولانی کند و باقی بدارد تو را) اما بیاک را ندانسته و معنایش چه می باشد؟ جبرئیل علیه السلام عرض کرد: یعنی خدا تو را بخنداند. نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: آدم سجده کرد بعد سر برداشت و به طرف آسمان بلند کرد و عرضه داشت: پروردگارا به جمال و زیبایی من بیفزا، پس برایش ریشی مشکمی همچون ذغال روید، پس دست زد و محاسن خود را گرفت و عرض کرد: الهی این چیست؟ خداوند فرمود: این ریش است و تو و فرزندان ذکورت تا روز قیامت را با آن زینت دادم.

علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۸۰

بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۷۲

۱/۶۸. شانه زدن

حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مَنْصُورِ بْنِ أَحْمَدَ الْقَصَّارِ بِفَرْعَانَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيِّ الْأَنْصَارِيِّ أَبُو عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ



عَلِيٌّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَجَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»؛ قَالَ الْمَشْطُ فَإِنَّ الْمَشْطَ يَجْلِبُ الرُّزْقَ وَيَحْسِنُ الشَّعْرَ وَ يُنَجِّزُ الْحَاجَةَ وَ يَزِيدُ فِي مَاءِ الصُّلْبِ وَ يَقْطَعُ الْبَلْغَمَ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُسْرِّحُ تَحْتَ لِحْيَتِهِ أَرْبَعِينَ مَرَّةً وَ مِنْ فَوْقِهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ يَقُولُ إِنَّهُ يَزِيدُ فِي الذَّهْنِ وَ يَقْطَعُ الْبَلْغَمَ.

امام صادق علیه السلام فرمود: در بیان آیه شریفه خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ (هر گاه بمسجد شوید خود را آرایش کنید) فرمود مقصود از آرایش شانه زدن است شانه زدن جلب روزی کند و موی را زیبا گرداند و حاجت روا سازد و منی را بیفزاید و بلغم را ببرد رسول خدا را شیوه آن بود که زیر ریش خود را چهل بار شانه میزد و از بالای ریش هفت بار و میفرمود: که این چنین شانه زدن هوش را زیاد میکند و بلغم را می برد.

الخصال، ج ۱، ص ۲۶۸

روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۲، ص ۳۰۸

وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۱۲۱ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۱۸

۱/۶۹. خضاب (حنا)

عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَحْمَرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ص نَفَقَةٌ دَرَاهِمٍ فِي الْخِضَابِ أَفْضَلُ مِنْ [ألف] نَفَقَةٍ دَرَاهِمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ فِيهِ أَرْبَعُ عَشْرَةَ خَصْلَةً يَطْرُدُ الرِّيحَ مِنَ الْأُدُنَيْنِ وَ يَجْلُو الْغِشَاءَ عَنِ الْبَصَرِ وَ يَلَيِّنُ الْخِيَاشِيمَ وَ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ وَ يَشُدُّ اللَّتَّةَ وَ يَذْهَبُ بِالْغَشْيَانِ [بالضني] وَ يُقَلِّ وَ وَسُوسَةَ الشَّيْطَانِ وَ تَفْرُحُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ وَ يَسْتَبْشِرُ بِهِ الْمُؤْمِنُ وَ يَغِيظُ بِهِ الْكَافِرَ وَ هُوَ زِينَةٌ وَ هُوَ طِيبٌ وَ بَرَاءَةٌ فِي قَبْرِهِ وَ يَسْتَحْيِي مِنْهُ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ.

رسول خدا (ص) فرمود: يك درهم برای خضاب دادن از [هزار] درهم در راه خدا انفاق کردن بهتر است و در خضاب کردن چهارده خاصیت است: باد را از دو گوش بیرون میراند چشم را از تار شدن روشنی می بخشد و از خشکی نرمه بینی جلوگیری میکند و دهن را خوشبو میسازد و لثه دندان را محکم میکند و لاغری را از بین میبرد و وسوسه شیطان را کم میکند و فرشتگان را شاد مینماید و مؤمن را خوشرو میکند و کافر را خشمناک میگرداند و خضاب کردن زینت و هم بوی خوش است و باعث دوری از شکنجه در قبر است و منکر و نکیر از آن شرم میکنند.

الكافي، ج ۶، ص ۴۸۲ / الخصال، ج ۲، ص ۴۹۷

سند خصال: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عَمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ التَّهَافُوتِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زَيْدٍ رَفَعَ الْحَدِيثَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ثَوَابِ الْأَعْمَالِ وَ عِقَابِ الْأَعْمَالِ، ص ۲۱



سند ثواب الاعمال: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ التُّغْدَادِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زَيْدٍ رَفَعَ الْحَدِيثَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۸۵ / الوافي، ج ۶، ص ۶۳۶ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۹۷

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَاجِيلَوَيْهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: الْخِضَابُ بِالسَّوَادِ زِينَةٌ لِلنِّسَاءِ مَكْتَبَةٌ لِلْعَدْوِ.

امام رضا علیه السلام: خضاب به رنگ سیاه، مایه زینت زنان و سبب خشم دشمنان است.

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۱

وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۹۰

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الْحِنَاءُ خِضَابُ الْإِسْلَامِ يُزَيِّنُ الْمُؤْمِنَ وَيَذْهَبُ بِالصُّدَاعِ وَيُحْدِثُ الْبَصَرَ وَيَزِيدُ فِي الْجَمَاعِ وَالْحَسَنَةُ بِعَشْرَةِ وَالدَّرْهَمُ بِسَبْعِمِائَةِ

پیغمبر (ص) فرمود: حنا خضاب اسلام است، مؤمن را زینت می بخشد، و سردرد را می برد، و نور چشم را می افزاید، و نیروی آمیزش را زیاد می کند، و مثل ثواب را ده برابر می کند، و یک درهم را ۷۰۰ برابر می کند.

مکارم الأخلاق، ص ۸۲

۱/۷۰. سبزی در سفره

قَالَ ص: زَيَّنُوا مَوَائِدَكُمْ بِالْبَقْلِ فَإِنَّهَا مَطْرَدَةٌ لِلشَّيَاطِينِ مَعَ التَّسْمِيَةِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): سفره های خود را با سبزی زینت دهید که خوردن آن همراه با گفتن بسم الله، شیاطین را می راند.

طب النبي صلى الله عليه و آله و سلم، ص ۳۰

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۰۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۱۴

۱/۷۱. ریسندگی برای زنان

قَالَ الصَّادِقُ ع: مُرُوا نِسَاءَكُمْ بِالْعَزْلِ فَإِنَّهُ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَأَزِينِ.

امام صادق علیه السلام: زنان را به ریسندگی وادارید، که این شغل برای آنها خیر و زینت بخش تر است.

مکارم الأخلاق، ص ۲۳۸



۱/۷۲. زینت برخی مکان‌ها

رَأَيْتُ فِي كِتَابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ طَحَّالٍ الْمِقْدَادِيِّ قَالَ رَوَى الْخَلْفُ عَنِ السَّلَفِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ لِعَلِيِّ ع: يَا عَلِيُّ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ عَرَضَ مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَى السَّمَاوَاتِ فَأَوَّلُ مَنْ أَجَابَ مِنْهَا السَّمَاءُ السَّابِعَةُ فَرَزَيْنَهَا بِالْعَرْشِ وَالْكَرْسِيِّ، ثُمَّ السَّمَاءُ الرَّابِعَةُ فَرَزَيْنَهَا بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ، ثُمَّ سَمَاءُ الدُّنْيَا فَرَزَيْنَهَا بِالنُّجُومِ، ثُمَّ أَرْضُ الْحِجَازِ فَشَرَفَهَا بِالْبَيْتِ الْحَرَامِ، ثُمَّ أَرْضُ الشَّامِ فَشَرَفَهَا بِبَيْتِ الْمَقْدِسِ، ثُمَّ أَرْضُ طَبِيبَةَ فَشَرَفَهَا بِقَبْرِي، ثُمَّ أَرْضُ كُوفَانَ فَشَرَفَهَا بِقَبْرِكَ يَا عَلِيُّ! ...

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: یا علی! خداوند عالمیان عرض کرد محبت ما اهل بیت را بر آسمان‌ها و زمین؛ پس اول چیزی که قبول کرد و اجابت نمود آسمان هفتم بود؛ پس خداوند عالمیان آن را زینت داد به عرش و کرسی. بعد از آن آسمان چهارم قبول کرد؛ پس زینت بخشید آن را به بیت المعمور. پس از آن آسمان اول قبول کرد؛ پس زینت بخشید آن را به ستارگان. بعد از آن زمین حجاز اجابت نمود؛ حق تعالی آن را مشرف ساخت به بیت الحرام. بعد از آن زمین شام قبول کرد؛ پس او را مشرف ساخت بیت المقدس؛ بعد از آن زمین مدینه مشرفه قبول کرد؛ پس آن را شرف و منزلت کرامت کرد به قبر من؛ بعد از آن زمین کوفه قبول کرد، و حق - سبحانه و تعالی - آن را مشرف ساخت به قبر تو یا علی! ... (ترجمه علامه مجلسی)

الغارات (۲۸۳ ق)، ج ۲، ص ۸۴۴

فرحة الغري في تعيين قبر أمير المؤمنين (عبدالکریم ابن طاووس، ۶۹۳ ق)، ص ۲۷

بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۸۱ و ج ۴۲، ص ۱۹۷

۱/۷۳. آهن؛ زینت جنیان و جهنمیان!

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ رَجُلٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَقْبَةَ عَنْ مُوسَى بْنِ أَكْبِيلِ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الْحَدِيدِ أَنَّهُ حَلِيَّةُ أَهْلِ النَّارِ وَالذَّهَبُ حَلِيَّةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَجَعَلَ اللَّهُ الذَّهَبَ فِي الدُّنْيَا زِينَةَ النِّسَاءِ فَحَرَّمَ عَلَى الرِّجَالِ لُبْسَهُ وَالصَّلَاةَ فِيهِ وَجَعَلَ اللَّهُ الْحَدِيدَ فِي الدُّنْيَا زِينَةَ الْجِنِّ وَالشَّيَاطِينِ فَحَرَّمَ عَلَى الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَلْبَسَهُ فِي الصَّلَاةِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ قِبَالَ عَدُوٍّ فَلَا بَأْسَ بِهِ قَالَ قُلْتُ لَهُ فَالرَّجُلُ فِي السَّفَرِ يَكُونُ مَعَهُ السَّكِّينُ فِي حُفِّهِ لَا يَسْتَعْنِي عَنْهُ أَوْ فِي سَرَاوِيلِهِ مَشْدُوداً وَ الْمِفْتَاحُ يَخْشَى إِنْ وَضَعَهُ صَاعٌ أَوْ يَكُونُ فِي وَسْطِهِ الْمِنْطَقَةَ مِنْ حَدِيدٍ قَالَ لَا بَأْسَ بِالسَّكِّينِ وَ الْمِنْطَقَةَ لِلْمَسَافِرِ أَوْ فِي وَفْتِ ضَرُورَةٍ وَ كَذَلِكَ الْمِفْتَاحُ إِذَا خَافَ الضَّيْعَةَ وَ النَّسِيَانَ وَ لَا بَأْسَ بِالسَّيْفِ وَ كُلِّ آلَةٍ السَّلَاحِ فِي الْحَرْبِ وَ فِي غَيْرِ ذَلِكَ لَا يَجُوزُ الصَّلَاةُ فِي شَيْءٍ مِنَ الْحَدِيدِ فَإِنَّهُ نَجَسٌ مَمْسُوحٌ.



امام صادق (علیه السلام): آهن، زینت اهل آتش است و طلا زینت اهل بهشت. و خداوند طلا را در دنیا زینت زنان قرار داد پس پوشیدن آن و نماز خواندن در آن را بر مردان حرام کرد، و خداوند آهن را زینت جن و شیاطین قرار داد لذا پوشیدن آن در نماز بر مرد مسلمان را حرام کرد؛ مگر اینکه در مقابل با دشمن باشد که اشکالی ندارد. راوی می گوید به ایشان گفتم: پس مردی که در سفر چاقو [ی آهنین] به همراه دارد و از آن بی نیاز نیست (و به آن نیاز دارد) در کمر بندش و کلید که می ترسد گم شود. فرمود: در وقت ضرورت اشکالی ندارد... و همینطور اشکالی نیست در شمشیر و هر وسیله ای که در جنگ استفاده می شود. ولی در غیر آن (مانند نماز خواندن در آهن) جایز نیست.

تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۲۲۷

الوافی، ج ۷، ص ۴۲۷ / وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۴۱۹

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ [مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ السَّابَّاطِيِّ] عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: ... إِنَّ الْحَدِيدَ لِبِئْسَ أَهْلِ النَّارِ وَ الذَّهَبَ لِبِئْسَ أَهْلِ الْجَنَّةِ.

تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۴۲۵ / الإستبصار، ج ۱، ص ۹۶

سند استبصار: مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ

الْمَدَائِنِيِّ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

الوافی، ج ۶، ص ۲۳۸ / وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۲۸۸ و ج ۳، ص ۵۳۰

۱/۷۴. لكل شيء زينه

وَ رُوِيَ عَنْ مُقَاتِلِ بْنِ حَيَّانَ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع أَنَّهُ قَالَ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ السُّورَةُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ لِحَبْرَيْلَ: مَا هَذِهِ النَّحِيرَةُ الَّتِي أَمَرَنِي بِهَا رَبِّي؟ قَالَ لَيْسَتْ بِنَحِيرَةٍ وَ إِنَّمَا يَأْمُرُكَ إِذَا تَحَرَّمْتَ لِلصَّلَاةِ أَنْ تَرْفَعَ يَدَيْكَ إِذَا كَبَّرْتَ وَ إِذَا رَكَعْتَ وَ إِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ الرُّكُوعِ وَ إِذَا سَجَدْتَ فَإِنَّهُ صَلَاتُكَ وَ صَلَاةُ الْمَلَائِكَةِ فِي السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ زِينَةً وَ إِنَّ زِينَةَ الصَّلَاةِ رَفْعُ الْأَيْدِي عِنْدَ كُلِّ تَكْبِيرَةٍ.

امام علی علیه السلام: هنگامی که این آیه [از سوره کوثر] بر پیامبر خدا نازل شد: «ما به تو کوثر را بخشیدیم. پس برای پروردگارت نماز بخوان و نحر کن»، پیامبر خدا فرمود: «ای جبرئیل! این قربانی (نحر) که پروردگرم مرا به آن فرمان داده، چیست؟». جبرئیل علیه السلام گفت: آن، فرمان قربانی کردن نیست؛ بلکه دستور می دهد که هنگام تکبیر در آغاز نماز و رکوع و سر از رکوع برداشتن،



دست‌های خود را بالا ببری؛ چرا که نماز ما و فرشتگان هفت آسمان، چنین است. و همانا برای هر چیزی زینتی است و زینت نماز، بالا بردن دست‌ها در وقت هر تکبیر است.

فقه القرآن (قطب راوندی)، ج ۱، ص ۱۰۷ / عوالي اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۲، ص ۴۷
تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۳۸۳ / وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۳۰ / بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۳۵۲

السَّيِّخُ إِبرَاهِيمُ الكَفَّعِمِيُّ فِي الجَنَّةِ الوَاقِيَةِ، عَنِ الشَّيْخِ عَزِّ الدِّينِ الحَسَنِ بْنِ نَاصِرِ بْنِ إِبرَاهِيمَ الحَدَّادِ العَامِلِيِّ فِي كِتَابِهِ طَرِيقِ النَّجَاةِ الَّذِي اسْتَظْهَرَ صَاحِبُ رِيَاضِ العُلَمَاءِ أَنَّهُ بَعَيْنِهِ هُوَ كِتَابُ النَّجَاةِ الَّذِي يُنْقَلُ عَنْهُ الحَسَنُ بْنُ فَضْلِ الطَّبْرِسِيِّ فِي مَكَارِمِ الأَخْلَاقِ كَثِيرًا عَنِ الصَّادِقِ ع: ... وَ كَانَ عَلَيَّ ع إِذَا رَأَى أَحَدًا مِنْ شِيعَتِهِ قَالَ: رَحِمَ اللهُ مَنْ قَرَأَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ. وَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... لِكُلِّ شَيْءٍ زِينَةٌ وَ زِينَةُ القُرْآنِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ ... فَأَمِنُوا بِهَا قَبِيلٌ وَ مَا الإِيمَانُ بِهَا قَالَ إِنَّهَا تَكُونُ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَ كُلُّ مَا يُنْزَلُ فِيهَا حَقٌّ. امام صادق (عليه السلام): ... همیشه هرگاه امام علی (عليه السلام) یکی از شیعیان را می‌دیدن می‌فرمودند: خدا رمت کند کسی را که سوره انا انزلناه (سوره قدر) را بخواند. هر چیزی زینتی دارد و زینت قرآن سوره قدر است ...

بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۳۳۱ / مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۳۶۳

وَ قَالَ النَبِيُّ ع: إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ زِينَةً وَ زِينَةَ الإِسْلَامِ الصَّلَوَاتُ الخَمْسُ ...

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): همانا برای هر چیزی زینتی است و زینت اسلام نمازهای پنجگانه است ...

جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۷۳

۱/۷۵. چشم به مال مردم نداشتن

ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ ع يَقُولُ: ثَلَاثٌ هُنَّ فَخْرُ المُؤْمِنِ وَ زِينَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ: الصَّلَاةُ فِي آخِرِ اللَّيْلِ وَ يَأْسُهُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ وَلا يُتُّهُ الإِمَامُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ع.

امام صادق (عليه السلام): سه چیز است که افتخار و زینت اویند در دنیا و آخرت: ۱- نماز در آخر شب ۲- نومیدی او از آنچه در دست مؤمن است ۳- پیروی و دوستی او از برای امام از خاندان محمد (صلی الله علیه و آله).

الكافي، ج ۸، ص ۲۳۴

**۱/۵۳. قبول ولایت اهلیت (علیهم السلام)**

ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: ثَلَاثٌ هُنَّ فَخْرُ الْمُؤْمِنِ وَزِينَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: الصَّلَاةُ فِي آخِرِ اللَّيْلِ وَيَأْسُهُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَوَلَايَتُهُ الْإِمَامَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ع.

امام صادق (علیه السلام): سه چیز است که افتخار و زینت اویند در دنیا و آخرت: ۱- نماز در آخر شب ۲- نومیادی او از آنچه در دست مؤمن است ۳- پیروی و دوستی او از برای امام از خاندان محمد (صلی الله علیه و آله).

الكافي، ج ۸، ص ۲۳۴

۱/۷۵. کفن مردگان!

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَجِيدُوا أَكْفَانَ مَوْتَاكُمْ فَإِنَّهَا زِينَتُهُمْ.^{۱۳۶}

۱۳۶. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَتَوَقَّوْا فِي الْأَكْفَانِ فَإِنَّكُمْ تُبَعَثُونَ بِهَا. امام صادق علیه السلام فرمود: کوشش کنید در تهیّه بهترین و نفیس ترین کفن ها که مردگان در روز قیامت با همین کفن ها برانگیخته خواهند شد.

الكافي، ج ۳، ص ۱۶۹ / تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۴۴۹ / من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۴۶
فلاح السائل، ص ۶۹
بحار الأنوار، ج ۷، ص ۴۳ / الوافي، ج ۲۴، ص ۳۷۴ / وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۴۰ / هداية الأمة، ج ۱، ص ۲۶۹ / الفصول المهمة، ج ۱، ص ۳۴۱ / مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۲۲

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَمْرٍو بْنِ عَثْمَانَ وَغَيْرِهِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ص: لَيْسَ مِنْ لِبَاسِكُمْ شَيْءٌ أَحْسَنَ مِنَ الْبَيَاضِ فَأَلْبِسُوهُ وَكَفَّنُوا فِيهِ مَوْتَاكُمْ.

الكافي، ج ۳، ص ۱۴۸ / تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۴۳۴
سهل بن زياد عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن أبي جميلة عن جابر عن أبي جعفر ع قال قال النبي الدعوات (لراوندي)، ص ۲۵۵ / دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۶۱ / مكارم الأخلاق، ص ۱۰۴
وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۲۷ / مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۲۳

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ع عَنْ مِثْقَى الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الْبَيْسُ الْبَيَاضُ فَإِنَّهُ أَطْيَبُ وَأَطْهَرُ وَكَفَّنُوا فِيهِ مَوْتَاكُمْ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): لباس سفید بپوشد؛ زیرا چاک و چاکیزه تراست و مردگان خود را در آن کفن کنید.

الكافي، ج ۶، ص ۴۴۵
وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۴۱ / مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۲۳



امام صادق (علیه السلام): کفن‌های مردگان خود را نیکو قرار دهید که آن زینت ایشان است.

الکافی، ج ۳، ص ۱۴۸ / من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۴۶ / علل الشرائع، ج ۱، ص ۳۰۱
 سند علل: اَبی رَجْمَةَ اللّٰهُ قَالَ حَدَّثَنَا اَحْمَدُ بْنُ اِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ اَحْمَدَ عَنْ اَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ اَصْحَابِنَا يَرْفَعُهُ اِلَى اَبِي عَبْدِ اللّٰهِ
 فلاح السائل، ص ۶۹ (مِنْ كِتَابِ مَدِيْنَةِ الْعِلْمِ بِاسْتِزَادِهِ اَيْضًا اِلَى الصّٰدِقِ)
 الدعوات (للراوندي)، ص ۲۵۴ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۹۷
 سند ثواب الاعمال: اَبی رِه قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ اَحْمَدَ عَنْ اَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى يَرْفَعُهُ اِلَى اَبِي عَبْدِ اللّٰهِ
 الوافي، ج ۲۴، ص ۳۷۳ / بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۱۲ / وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۴۰ / مستدرک
 الوسائل، ج ۲، ص ۲۲۲

۲. مصادیقی از اصطلاح «حلیه» در آیات و روایات:

۲/۱. عقل

عن علیّ علیه السلام: الْعَقْلُ أَحْسَنُ حَلِيَّةٍ.

امام علی علیه السلام: عقل، زیباترین زیور است.

غرر الحکم، ص ۴۷

۲/۲. حلم

عن علیّ ع: مَنْ تَحَلَّى بِالْحِلْمِ سَكَنَ طَيْبُشُهُ.

امام علی (علیه السلام): هر که زینت یابد به بردباری، ساکن شود سبک سری او.

غرر الحکم، ص ۵۹۱

عن علیّ علیه السلام: الْحِلْمُ حَلِيَّةُ الْعِلْمِ، وَ عِلَّةُ السَّلْمِ.

امام علی علیه السلام: بردباری زیور دانش و منشأ سلامت است.

غرر الحکم، ص ۷۲

۲/۳. قناعت

امیرالمومنین ع: النَّاسُ عَلَى اَرْبَعَةٍ: ... وَ مِنْهُمْ مَنْ اُبْعَدَهُ عَنْ طَلَبِ الْمُلْكِ صُؤْلُهُ نَفْسِهِ وَ انْقِطَاعُ سَبَبِهِ
 فَقَصْرَتُهُ الْحَالُ عَلَى حَالِهِ فَتَحَلَّى بِاسْمِ الْقَنَاعَةِ وَ تَزَيَّنَ بِلِبَاسِ اَهْلِ الزَّهَادَةِ وَ لَيْسَ مِنْ ذَلِكَ فِي مَرَاحٍ وَ
 لَا مَغْدَى.

امیرالمومنین (علیه السلام): مردم بر چهار دسته‌اند: ... یک گروه پستی نفس و نداشتن قوم و قبيله
 از طلب حکومت بر جا نشانده، این تهیدستی او را محدود کرده، خود را به اسم قناعت آراسته، و
 خویش را به لباس زهد زینت داده، در حالی که در شب و روز اهل عنوان قناعت و زهد نیست.

نهج البلاغه، ص ۷۴ - خطبه ۳۲

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴ و ج ۳۴، ص ۹۸



عن علی ع: ذَلَّلَ نَفْسَكَ بِالطَّاعَةِ وَ حَلَّهَا بِالْتَّقَاعَةِ وَ حَفَّضَ فِي الطَّلَبِ وَ أَجْمَلَ فِي الْمُكْتَسَبِ.

امام علی (علیه السلام): رام کن نفس خود را به طاعت خداوند، و زینت بخش او را به قناعت، و سهل انگاری کن در طلب، و تأتی کن در کسب کردن.

غرر الحکم، ص ۳۷۲

مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۳۲

۲/۴. عفاف

عن علی ع: طُوبَى لِمَنْ تَحَلَّى بِالْعَفَافِ وَ رَضِيَ بِالْكَفَافِ.

امام علی (علیه السلام): خوشا به حال کسی که زینت یابد به عفت، و راضی شود به کفاف.

غرر الحکم، ص ۴۳۰

عن علی ع: أَنْعَمُ النَّاسِ عَيْشاً قَالَ مَنْ تَحَلَّى بِالْعَفَافِ وَ رَضِيَ بِالْكَفَافِ.

علی (علیه السلام): اما پر نعمت‌ترین مردم از جهت لذت بردن از زندگی کسی است که به عفت زینت داده شده باشد و به قدر کفاف راضی باشد.

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۵۴ (نقلاً عن كنز الفوائد)

شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج ۲۰، ص ۳۰۱ (فی الحکم المنسوبه الی امیرالمومنین ع)

۲/۴. سخاوت و ورع

عن علی ع: تَحَلَّى بِالسَّخَاءِ وَ الْوَرَعِ فَهُمَا حِلْيَةُ الْإِيمَانِ وَ أَشْرَفُ خِلَالِكَ.

امام علی علیه السلام: به زیور بخشندگی و پارسایی آراسته شو؛ که این دو، زیور ایمانند و بهترین خصلتهای تو.

غرر الحکم، ص: ۳۱۹

۲/۵. سکینه و آرامش

عن علی ع: اسْتَشْعِرِ الْحِكْمَةَ وَ تَجَلَّبَبْ بِالسَّكِينَةِ فَإِنَّهَا حِلْيَةُ الْأَبْرَارِ.

امام علی (علیه السلام): حکمت را شعار خود و آرامش را پیراهن خود قرار ده؛ چرا که آرامش زینت نیکوکاران است.

غرر الحکم، ص ۱۳۵

۲/۵. احسان

قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيُّ ع: مَنْ كَانَ الْوَرَعُ سَجِيَّتَهُ وَ الْإِفْضَالُ حِلْيَتَهُ اتَّصَرَ مِنْ أَعْدَائِهِ بِحُسْنِ التَّنَاءِ عَلَيْهِ وَ تَحَصَّنَ بِالذِّكْرِ الْجَمِيلِ مِنْ وُضُولِ نَقْصِ إِلَيْهِ.



امام حسن عسکری (علیه السلام): هر که پارسایی خوی او و احسان زینت او باشد، ستایش نیکو را از دشمنانش به یاری گیرد و در پناه یادکرد نیکویش از خرده‌گیری ایمن بماند.

الدرة الباهرة (شهید اول)، ص ۴۷
بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۷ و ج ۷۵، ص ۳۷۸

۲/۶. وفاء

عن علی علیه السلام: الوفاء حلیة العقل و عنوان النبیل.

امام علی علیه السلام: وفاداری، زینت عقل است و نشان شرافت.

غرر الحکم، ص ۸۵

۲/۷. سبزی؛ حلیه و زینت سفره‌ها

الشَّيْخُ الطُّوسِيُّ فِي أَمَالِيهِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ التَّلْعُكَبْرِيِّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الْهَمْدَانِيِّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنِ أَبِي قَتَادَةَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيَّةٌ وَ حَلِيَّةُ الْخَوَانِ الْبُقْلُ.

امام صادق (علیه السلام): برای هر چیزی حلیه و زینتی است و حلیه و زینت سفره‌ها، سبزی است.
الأمالی (للطوسی)، ص ۳۰۴ / مکارم الأخلاق، ص ۱۷۶
مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۱۶ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۹۹

۲/۸. صوت زیبا؛ حلیه و زینت قرآن

عَنْهُ (عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ) عَنِ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ع: لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيَّةٌ وَ حَلِيَّةُ الْقُرْآنِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ.

امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر چیزی زینتی دارد و زینت قرآن آواز خوش است.

الكافی، ج ۲، ص ۶۱۵ / جامع الأخبار (لشعیری)، ص: ۴۹ (أَنَّسُ بْنُ مَالِكٍ عَنِ النَّبِيِّ)
الوافی، ج ۹، ص ۱۷۴۰ / تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۷۱ / وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۲۱۱ / بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۹۰ / مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۷۳ / نهج الفصاحة، ص ۶۳۲

۲/۹. راستگویی؛ حلیه و زینت سخن گفتن

عن علی ع: لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيَّةٌ وَ حَلِيَّةُ الْمَنْطِقِ الصِّدْقُ.

امیرالمومنین (علیه السلام): برای هر چیزی زیوری است و زیور سخن گفتن، صداقت و راستگویی است.

غرر الحکم، ص ۵۴۲

**۲/۱۰. دوستان؛ حلیه و زینت مردان**

و قال جعفر بن محمد ع: لكل شيء حلية و حلية الرجل أوداؤه.

امام صادق (علیه السلام): برای هر چیزی زیوری است و زیور مرد، دوستان او هستند.

شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج ۱۸، ص ۱۱۲

۲/۱۱. پیری (حلیه و زینت عقل)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي عَبَّادُ بْنُ سُلَيْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِيهِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ أَبُو بَصِيرٍ وَ قَدْ حَضَرَهُ النَّفْسُ فَلَمَّا أَنْ أَخَذَ مَجْلِسَهُ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَا هَذَا النَّفْسُ الْعَالِي قَالَ جَعَلْتُ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ كَبِرَ سِنِّي وَ دَقَّ عَظْمِي وَ اقْتَرَبَ أَجْلِي مَعَ مَا أَنِّي لَا أَدْرِي عَلَى مَا أَرُدُّ عَلَيْهِ فِي آخِرَتِي قَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا أَبَا مُحَمَّدٍ وَ إِنَّكَ لَتَقُولُ هَذَا قَالَ قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ فَكَيْفَ لَا أَقُولُ قَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُكْرِمُ الشَّبَابَ مِنْكُمْ وَ يَسْتَحِي مِنْ الْكُهُولِ قَالَ اللَّهُ يُكْرِمُ الشَّبَابَ مِنْكُمْ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ وَ مِنَ الْكُهُولِ أَنْ يُحَاسِبَهُمْ قَالَ قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ هَذَا لَنَا خَاصٌّ أَمْ لِأَهْلِ التَّوْحِيدِ قَالَ فَقَالَ لَا وَ اللَّهُ إِلَّا لَكُمْ خَاصَّةٌ دُونَ الْعَامَّةِ وَ فِي الْخَبَرِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ شَيْبُ الْمُؤْمِنِينَ نُورِي وَ أَنَا أَسْتَحِي أَنْ أُحْرِقَ نُورِي بِنَارِي وَ قَدْ قِيلَ الشَّيْبُ حَلِيَّةُ الْعَقْلِ وَ سِمَةٌ الْوَقَارِ...

سلیمان دیلمی گفت نزد امام صادق علیه السلام بودیم که ابو بصیر نفس زنان وارد شد چون نشست ابو عبد الله علیه السلام فرمود این چه حالی است؟ عرض کرد: یا ابن رسول الله! سن من فزونگی گرفته و مغز استخوانم آب شده و اجلم نزدیک گشته در حالی که نمی دانم در آخرت بر من چه خواهد گذشت حضرت فرمود یا ابا محمد تو هم چنین می گویی عرض کرد فدایت شوم چگونه نگویم فرمود یا ابا محمد آیا نمی دانی خداوند متعال جوانان شما را اکراه کرده از اینکه عذاب کند و پیروان شما را لطف کرده از اینکه بمعرض حساب کشد عرض کرد فدایت شوم آیا این موهبت ویژه ما است یا برای تمام اهل توحید است فرمودند نه این فقط برای شما است نه برای دیگران خداوند متعال می فرماید پیری در مؤمن نور من است و من شرم دارم از اینکه نور را بنارم بسوزانم و گفته اند: پیری زینت عقل و نشان وقار است...

فضائل الشيعة (شيخ صدوق)، ص ۲۱



۲/۱۲. طلا و نقره و خضاب برای زنان

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَ وَ سُئِلَ عَنْ حُلِيِّ الذَّهَبِ لِلنِّسَاءِ فَقَالَ لَيْسَ بِهِ بَأْسٌ وَلَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُعْطَلَ نَفْسَهَا وَلَا أَنْ تُعْلَقَ فِي رَقَبَتِهَا قِلَادَةٌ وَلَا يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تَدَعَ يَدَهَا مِنَ الْخِضَابِ وَلَا أَنْ تَمْسَحَهَا بِالْحِنَّاءِ مَسْحًا وَلَا كَأَنَّ مُسِنَّةً.

محمد بن مسلم از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) در باره زیور زنان پرسید؟ فرمود: مانعی ندارد و زن نباید خود را رها کند، و بی زیور گذارد، اگر چه با گلوبندی باشد، و نباید دستش بی خضاب باشد، گرچه به حنا بمالد و اگر چه مسن باشد.

مکارم الأخلاق، ص ۹۴

بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۶۰

ابن محبوب عن العلاء عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر قال: لا ينبغي للمرأة أن تعطل نفسها ولو تعلقت في عنقها قِلَادَةٌ وَلَا يَنْبَغِي أَنْ تَدَعَ يَدَهَا مِنَ الْخِضَابِ وَلَا تَمْسَحَهَا بِالْحِنَّاءِ وَإِنْ كَانَتْ مُسِنَّةً.

امام باقر (علیه السلام): سزاوار نیست که زن خود را [در نزد غیر نامحرمان] زینت نکند و هر چند به آویختن گلوبندی به گردن و سزاوار نیست که زن دست خود را خضاب نبندد هر چند فقط به حنا دست بزند و اگر چه سالخورده باشد.

الكافي، ج ۵، ص ۵۰۹ / من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۳

الأمالي (للطوسي)، ص ۴۳۷

سند امالی طوسی: و بالإسناد [أخبرنا أبو عبد الله الحسين بن عبيد الله الغضائري، قال: أخبرنا أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي قال: أخبرني أبي علي بن الحسين بن بابويه (رحمه الله)]، قال: حدثنا محمد بن موسى بن المتوكل، قال: حدثنا محمد بن يحيى العطار، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن أحمد بن محمد بن أبي نصر البرقي عن داود بن سرحان، قال: قال أبو عبد الله

الأمالي (للصدوق)، ص ۳۹۶

سند امالی صدوق: حدثنا محمد بن موسى بن المتوكل رضوان الله عليه قال حدثنا محمد بن يحيى العطار عن أحمد بن محمد بن عيسى عن أحمد بن محمد بن أبي نصر البرقي عن داود بن سرحان قال قال أبو عبد الله

روضة الواعظين، ج ۲، ص ۳۰۷

الوافي، ج ۶، ص ۶۴۵ / وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۹۷

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ حَلِيَّةِ النِّسَاءِ بِالذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ فَقَالَ لَا بَأْسَ.

الكافي، ج ۶، ص ۴۷۵

وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۱۰۴ / الوافي، ج ۲۰، ص ۷۷۹ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۵۳۹

**۲/۱۳. طلا، زینت اهل بهشت در قیامت (ممنوعیت طلا برای مردان در دنیا)**

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ وَ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ قَالَ النَّبِيُّ ص لِعَلِيِّ ع: إِيَّاكَ أَنْ تَتَخْتَمَ بِالذَّهَبِ فَإِنَّهُ حَلِيَّتُكَ فِي الْجَنَّةِ.

امام صادق (علیه السلام): پیامبر (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمود: که از انگشتر طلا بپرهیز که طلا زینت تو در بهشت است.

قرب الإسناد، ص ۹۸ / مکارم الأخلاق، ص ۸۶
بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۲۵۶ / وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۴۱۶

و بِهِذَا الْإِسْنَادِ [مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ السَّابَّاطِيِّ] عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: ... إِنَّ الْحَدِيدَ لِبِئْسَ أَهْلِ النَّارِ وَ الذَّهَبَ لِبِئْسَ أَهْلِ الْجَنَّةِ.

تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۴۲۵ / الإستبصار، ج ۱، ص ۹۶
سند استبصار: مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْوَافِي، ج ۶، ص ۲۳۸ / وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۲۸۸ و ج ۳، ص ۵۳۰

۲/۱۴. حلیه ابلیس (تکبر)!

الإمام علي عليه السلام: إِيَّاكَ وَ الْكِبْرَ؛ فَإِنَّهُ أَعْظَمُ الذُّنُوبِ وَ الْأَمُّ الْعُيُوبِ، وَ هُوَ حَلِيَّةُ إِبْلِيسَ.

امام علی علیه السلام: از تکبر بپرهیز؛ چرا که بزرگترین گناه و نکوهیده‌ترین عیب‌هاست و زیور ابلیس است.

غرر الحکم، ص ۱۶۶
مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۹

۳. مصادیقی از اصطلاح «جمال» در آیات و روایات:**۳/۱. الله (جل جلاله)؛ جمال آسمان‌ها و زمین**

وَ رَوَى مَعْرُوفُ بْنُ خَرَّبُودَ عَنْ أَحَدِهِمَا يَعْنِي أَبَا جَعْفَرٍ وَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع - قَالَ: قُلْ فِي قُنُوتِ الْوَتْرِ: ... اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ أَنْتَ اللَّهُ زَيْنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ أَنْتَ اللَّهُ جَمَالُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ...



امام باقر و امام صادق (عليهما السلام): در قنوت نماز وتر این دعا را بخوان: ... بار خدایا تو همان خداوندی هستی که نور آسمان‌ها و زمین است و تو زینت آسمان‌ها و زمین هستی، و جمال آسمان‌ها و زمین هستی ...

من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٤٩٠ / مكارم الأخلاق، ص ٢٩٤
الوافي، ج ٨، ص ٧٥٩ / بحار الأنوار، ج ٨٤، ص ٢٠٣

٣/٢. عقل

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَعْمَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عُرْكَائَةَ التَّمِيمِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ النَّضْرِ الْفَهْرِيِّ عَنْ أَبِي عَمْرٍو الْأَوْزَاعِيِّ عَنْ عَمْرٍو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: ... لَا جَمَالَ أَرِيْنُ مِنَ الْعُقْلِ.

امام باقر (عليه السلام) و امیرالمومنین (عليه السلام): ... هیچ جمالی زینت بخش‌تر از عقل نیست.

الكافي، ج ٨، ص ١٩ / من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤٠٦
سند من لا يحضر: رَوَى عَمْرٍو بْنُ شِمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ فِي خُطْبَةٍ خَطَبَهَا بَعْدَ مَوْتِ النَّبِيِّ

الأمالي (للصدوق)، ص ٣٢١

سند امالی: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِصَامٍ [عَاصِمٍ] الْكَلْبِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَعْنٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ عَاتِكَةَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ النَّضْرِ الْفَهْرِيِّ عَنْ عَمْرٍو الْأَوْزَاعِيِّ عَنْ عَمْرٍو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي خُطْبَةٍ خَطَبَهَا بَعْدَ مَوْتِ النَّبِيِّ ص بِسِتَّةِ أَيَّامٍ

كنز الفوائد، ج ١، ص ٢٠٠ / مجموعة ورام، ج ٢، ص ٤٠

بحار الأنوار، ج ١، ص ٨٤ / الوافي، ج ٢٦، ص ١٩ و ٢٢٥ / نوادر الأخبار (للفيضي)، ص ٨

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَلَمَةَ بْنِ الْبَرَاءِ الْحَافِظُ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الثَّقَفِيُّ أَبُو الْعَبَّاسِ قَالَ حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ مُحَمَّدٍ الْكَاتِبُ قَالَ حَدَّثَنِي الْمَدَائِنِيُّ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ ع قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع: عُقُولُ النِّسَاءِ فِي جَمَالِهِنَّ وَ جَمَالَ الرِّجَالِ فِي عُقُولِهِنَّ.

الأمالي (للصدوق)، ص ٢٢٨ / معاني الأخبار، ص ٢٣٤

روضة الواعظين، ج ١، ص ٤ / مكارم الأخلاق، ص ١٩٩ / مشكاة الأنوار، ص ٢٥١

نوادر الأخبار (للفيضي)، ص ٨ / بحار الأنوار، ج ١، ص ٨٢ و ج ١٠٠، ص ٢٢٤

امیرالمومنین و امام حسن عسکری (عليهما السلام): حُسْنُ الصُّورَةِ جَمَالٌ ظَاهِرٌ وَ حُسْنُ الْعُقْلِ جَمَالٌ بَاطِنٌ.



امام عسکری علیه السلام: زیبایی صورت، زیبایی ظاهری است و زیبایی عقل، زیبایی باطنی.
 أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۳۱۳ / نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، ص ۱۴۵ / الدرّة
 الباهرة (شهید اول)، ص ۴۶
 بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۷۷ (عن الامام العسکری علیه السلام) / غرر الحکم، ص ۳۴۳

عن علیّ علیه السلام: حَسَبُ الْمَرْءِ عِلْمُهُ، وَ جَمَالُهُ عَقْلُهُ.

امام علی علیه السلام: حَسَب و نَسَب انسان، علم او، و جمال او عقل او.

غرر الحکم، ص ۳۴۹

عن علیّ علیه السلام: زِينَةُ الْبَوَاطِنِ أَجْمَلُ مِنْ زِينَةِ الظَّوَاهِرِ.

امام علی علیه السلام: زیور درون، زیباتر از زیور برون است.

غرر الحکم، ص ۵۵۰۳

۳/۳. علم

عن علیّ علیه السلام: الْعِلْمُ جَمَالٌ لَا يَخْفَى، وَ نَسِيبٌ لَا يَجْفَى.

امام علی (عله السلام): علم، جمال و زیبایی ای است که مخفی نمی ماند، و خویشاوندی است که جفا نمی کند.

غرر الحکم، ص ۷۸

۳/۴. حلم (بردباری)

عن علیّ ع: جَمَالُ الرَّجُلِ حِلْمُهُ.

امام علی (علیه السلام): جمال و زیبایی مرد، حلم و بردباری اوست.

غرر الحکم، ص ۳۳۶

۳/۵. اخلاق خوب

قال الصادق علیه السلام: الْخُلُقُ الْحَسَنُ جَمَالٌ فِي الدُّنْيَا وَ نُزْهَةٌ فِي الْآخِرَةِ.

امام صادق (علیه السلام): اخلاق نیکو جمال و زیبایی است در دنیا، و گشایش و خوشی است در آخرت.

مصباح الشریعة، ص ۲۵۴

بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۹۳ / مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۴۹

۳/۶. زبان (خوش سخنی)

امیرالمومنین (علیه السلام): الْجَمَالُ فِي اللِّسَانِ وَ الْكَمَالُ فِي الْعَقْلِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): جمال و زیبایی در زبان است و کمال در عقل.



کنز الفوائد، ج ۱، ص ۲۰۰ / كشف الغمة، ج ۲، ص ۳۴۷
بحار الأنوار، ج ۱، ص ۹۶ / مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۰۷

عن رسول الله صلى الله عليه وآله: **الجمال في الرجل اللسان.**
پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: زیبایی در مرد، زبان [او] است.

نهج الفصاحة، ص ۴۳۳

عن رسول الله صلى الله عليه وآله: **جمال المرء فصاحة لسانه.**

رسول خدا (صلى الله عليه وآله): جمال و زیبایی مرد به فصاحتِ زبان اوست.

جامع الأحاديث للقمي، ۷۰ / نهج الفصاحة، ص ۴۳۱

۳/۷. صداقت

عن علي عليه السلام: **الصدق جمال الإنسان، و دعامة الإيمان.**
امام علی (علیه السلام): صداقت، زیبایی انسان و ستون ایمان است.

غرر الحكم، ص ۱۲۱

۳/۸. ادب

الإمام علي عليه السلام: **طلب الأدب جمال الحسب.**

امام علی علیه السلام: تحصیل ادب، مایه زیباییِ حَسَب است.

غرر الحكم، ص ۴۳۵

۳/۹. وقار (متانت) و گذشت و ...

عنه (عده من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد) عن الهيثم التهمدي عن عبد العزيز بن عمر عن بعض أصحابه عن يحيى بن عمران الحلبي قال: **قلت لأبي عبد الله ع: أي الخصال بالمرء أجمل؟ فقال: وقار بلا مهابة و سماح بلا طلب مكافأة و تشاغل بغير متاع الدنيا.**

احمد بن عمر حلبی گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: زیباترین صفت در مرد چیست؟ فرمود: وقار بدون ترساندن، و گذشت و جوانمردی بدون انتظار تلافی، و سرگرمی بغير لذائذ دنیوی.

الكافي، ج ۲، ص ۲۴۰ / الأمالي (للصدوق)، ص ۲۸۹

سند امالی: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رِضْوَانَ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا الْهَيْثَمُ بْنُ أَبِي مَسْرُوقٍ التَّهْمَدِيُّ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلَبِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ

الخصال، ج ۱، ص ۹۳

سند خصال: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ أَبِي مَسْرُوقٍ التَّهْمَدِيِّ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلَبِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ

فقه الرضا علیه السلام، ص ۳۵۴ / التمجیص، ص ۶۸ (فیه اکمل بدل اجمل)



روضه الواعظین، ج ۲، ص ۳۸۳ و ۴۴۴ / مجموعه ورام (۶۰۵ ق)، ج ۲، ص ۲۰۳ / مشکاة
 الأنوار، ص ۲۳۱
 بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۶۷ / الوافی، ج ۴، ص ۱۶۷

امیرالمومنین (علیه السلام): جَمَالُ الرَّجُلِ فِي الْوَقَارِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): زیبایی مرد در وقار و متانت اوست.

غرر الحکم، ص ۳۳۸

۳/۱۰. حُسن معاشرت

امیرالمومنین (علیه السلام): جَمَالُ الْأَخُوَّةِ إِحْسَانُ الْعِشْرَةِ وَالْمُوَاسَاةُ مَعَ الْعُسْرَةِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): زیبایی برادری، به حُسن معاشرت، و مواسات با وجود تنگدستی است.

غرر الحکم، ص ۳۴۱

۳/۱۱. مواسات با دیگران با وجود تنگدستی

امیرالمومنین (علیه السلام): جَمَالُ الْأَخُوَّةِ إِحْسَانُ الْعِشْرَةِ وَالْمُوَاسَاةُ مَعَ الْعُسْرَةِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): زیبایی برادری، به حُسن معاشرت، و مواسات با وجود تنگدستی است.

غرر الحکم، ص ۳۴۱

۳/۱۲. اطاعت از پروردگار

امیرالمومنین (علیه السلام): جَمَالُ الْعَبْدِ الطَّاعَةِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): زیبایی بنده به اطاعت [از پروردگار] است.

غرر الحکم، ص ۳۳۸

۳/۱۳. قناعت

امیرالمومنین (علیه السلام): جَمَالُ الْعَيْشِ الْقَنَاعَةِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): زیبایی خوشی زندگی به قناعت است.

غرر الحکم، ص ۳۳۸

۳/۱۴. ترک مَنّت

امیرالمومنین (علیه السلام): جَمَالُ الْإِحْسَانِ تَرْكُ الْإِمْتِنَانِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): زیبایی احسان و بخشش، ترک مَنّت است.

غرر الحکم، ص ۳۳۸

۳/۱۵. عمل به علم

امیرالمومنین (علیه السلام): جَمَالُ الْعَالِمِ عَمَلُهُ بِعِلْمِهِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): جمال عالم، عمل به علمش است.



غرر الحکم، ص ۳۳۸

۳/۱۶. بیشتر بودن عمل کردن نسبت به سخن گفتن

عن علی ع: إِنَّ فَضْلَ الْقَوْلِ عَلَى الْفِعْلِ لَهَجْنَةٌ وَإِنَّ فَضْلَ الْفِعْلِ عَلَى الْقَوْلِ لَجَمَالٌ وَزِينَةٌ. امام علی (علیه السلام): به درستی که افزونی گفتار بر کردار هر آینه قباح و زشتی است، و افزونی کردار بر گفتار هر آینه زیبایی و زینت است.

غرر الحکم، ص ۲۳۳

۳/۱۷. نشر علم

امیرالمومنین (علیه السلام): جَمَالُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ، وَ ثَمَرَتُهُ الْعَمَلُ بِهِ، وَ صِيَاتُهُ وَضْعُهُ فِي أَهْلِهِ. امیرالمومنین (علیه السلام): زیبایی علم، نشر آن است. و ثمره اش عمل به آن، و صیانتش در قراردادن در اهلش است.

غرر الحکم، ص ۳۳۸

۳/۱۸. اجتناب از ننگ

امیرالمومنین (علیه السلام): جَمَالُ الْحُرِّ تَجَنُّبُ الْعَارِ. امیرالمومنین (علیه السلام): زیبایی انسان آزاد مرد، در اجتناب از ننگ و عار است.

غرر الحکم، ص ۳۳۸

۳/۱۹. ورع (پرهیزکاری)

امیرالمومنین (علیه السلام): جَمَالُ الْمُؤْمِنِ وَرَعُهُ. امیرالمومنین (علیه السلام): زیبایی مومن به ورع اوست.

غرر الحکم، ص ۳۳۸

۳/۲۰. عفو و عدل

امیرالمومنین (علیه السلام): جَمَالُ السِّيَاسَةِ الْعَدْلُ فِي الْإِمْرَةِ وَالْعَفْوُ مَعَ الْقُدْرَةِ. امیرالمومنین (علیه السلام): زیبایی سیاست، عدالت در بین مردم، و گذشت (با قدرت بر انتقام) می باشد.

غرر الحکم، ص ۳۴۱

۳/۲۱. تمام کردن کار نیک

امیرالمومنین (علیه السلام): جَمَالُ الْمَعْرُوفِ إِثْمَامُهُ. امیرالمومنین (علیه السلام): زیبایی کار خیر به تمام کردن آن است.

غرر الحکم، ص ۳۳۸

**۳/۲۲. حُسن نیت**

الإمامُ عليٌّ عليه السلام: حُسنُ النِّيَّةِ جَمالُ السَّرائِرِ.

امام علی (علیه السلام): حُسن نیت، جمال درون و باطن انسان است.

غرر الحکم، ص: ۳۴۳

۲/۲۳. نیک سیرتی

عن عليٍّ عليه السلام: حُسنُ السَّيِّرةِ جَمالُ الثَّدْرَةِ وَحِصْنُ الإِمْرَةِ.

امام علی (علیه السلام): جمال قدرت و دژ مستحکم امارت، نیک سیرتی است.

غرر الحکم، ص ۳۴۶

۳/۲۴. حقگویی

أخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِشْكَابٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حَفْصِ الْمَدَائِنِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَيُّوبُ بْنُ سَيَّارٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُنْكَدِرِ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: أَقْبَلَ الْعَبَّاسُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ذَاتَ يَوْمٍ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَانَ الْعَبَّاسُ طَوَّالًا حَسَنَ الْجِسْمِ، فَلَمَّا رَأَهُ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تَبَسَّمَ إِلَيْهِ فَقَالَ: إِنَّكَ يَا عَمَّ لَجَمِيلٌ. فَقَالَ الْعَبَّاسُ: مَا الْجَمَالُ بِالرِّجَالِ، يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: صَوَابُ الْقَوْلِ بِالْحَقِّ. قَالَ: فَمَا الْكَمَالُ قَالَ: تَقْوَى اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) وَحُسْنُ الْخُلُقِ.

جابر بن عبد الله انصاری گوید: یکی از روزها عباس نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد. عباس مردی قد بلند و زیبا منظر بودند، هنگامی که رسول خدا او را مشاهده کردند تبسم نمودند و فرمودند: ای عمو! شما زیبا هستید. عباس گفت: یا رسول الله! زیبایی و جمال مردان به چیست؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: درست و حق گویی، گفت: کمال در چیست، فرمودند ترس از خداوند و حسن خلق.

الأمالی (للطوسی)، ص ۴۹۷

بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۹۰

۳/۲۵. عافیت

عن النبي ص: اللهم أغنني بالعلم و زَيِّتِي بالحلم و أكرمني بالتقوى و جَمِّلْنِي بالعافية.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): خدایا مرا بعلم توانگر ساز و به حلم زینت بخش و به تقوی عزیز کن و به عافیت زیبائی ده.

نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص ۲۵۱

**۳/۲۶. صورت زیبا (جمال ظاهر)**

امیرالمومنین (علیه السلام): **الْجَمَالُ الظَّاهِرُ حُسْنُ الصُّورَةِ الْجَمَالِ البَاطِنُ حُسْنُ السَّرِيرَةِ.**
 امیرالمومنین (علیه السلام): جمال ظاهر نیکوئی صورت است، و جمال باطن نیکوئی درون است،
 غرر الحکم، ص ۶۴

امیرالمومنین (علیه السلام): **الصُّورَةُ الْجَمِيلَةُ أَوَّلُ السَّعَادَةِ..**
 امیرالمومنین (علیه السلام): نیکوئی صورت اول نیکبختی است.
 غرر الحکم، ص ۸۸

امیرالمومنین (علیه السلام): **حُسْنٌ وَجْهِ الْمُؤْمِنِ [الْمَرْءِ] مِنْ حُسْنِ عِنَايَةِ اللَّهِ بِهِ.**
 امیرالمومنین (علیه السلام): نیکوئی روی مؤمن از نیکوئی عنایت خداست باو، یعنی از جمله آثار
 آنست.

غرر الحکم، ص ۳۴۶
 امیرالمومنین و امام حسن عسکری (علیهما السلام): **حُسْنُ الصُّورَةِ جَمَالٌ ظَاهِرٌ وَ حُسْنُ الْعُقْلِ
 جَمَالٌ بَاطِنٌ.**

امام عسکری علیه السلام: زیبایی صورت، زیبایی ظاهری است و زیبایی عقل، زیبایی باطنی.
 أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۳۱۳ / نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، ص ۱۴۵ / الدرّة
 الباهرة (شهید اول)، ص ۴۶
 بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۷۷ (عن الامام العسکری علیه السلام) / غرر الحکم، ص ۳۴۳

۳/۲۷. مو و صدای خوش

عَنْهُ (عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ) عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ص: **إِنَّ مِنْ أَجْمَلِ الْجَمَالِ الشَّعْرَ الْحَسَنَ وَ نِعْمَةَ الصَّوْتِ الْحَسَنَ.**
 امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): از جمله زیباترین زیباییها موی
 زیبا و نغمه آواز خوش است.

الکافی، ج ۲، ص ۶۱۵

عَنْهُ (عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ) عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ
 اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: **لَمْ يُعْطِ أُمَّتِي أَقْلٌ مِنْ ثَلَاثِ الْجَمَالِ وَ الصَّوْتِ الْحَسَنِ وَ الْحِفْظِ.**



رسول خدا (صلی الله علیه و آله): به امت من کمتر از سه چیز داده نشده: زیبایی، آواز خوش، حافظه.

الكافي، ج ۲، ص ۶۱۵

۳/۲۸. ریش (محاسن) برای مردان

حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ الْأَسْوَارِيُّ الْفَقِيهَ قَالَ حَدَّثَنَا مَكِّيُّ بْنُ سَعْدَوَيْهِ الْبَرْدَعِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ نُوحُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ جَمِيلُ بْنُ سَعْدٍ قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الْوَاحِدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الْعَسْقَلَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ حُمَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنَا حَمَادُ بْنُ سَلَمَةَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ أَبِي الْجُودِ عَنْ زُرِّ بْنِ حُبَيْشٍ قَالَ: ... قَالَ حُمَيْدٌ قَالَ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الْوَاحِدِ وَ سَمِعْتُ أَحْمَدَ بْنَ شَيْبَانَ الْبَرْمَكِيَّ يَقُولُ وَ زَادَ الْحُمَيْرِيُّ فِي الْحَدِيثِ: [عن ابن مسعود عن النبي ص]: فَجَلَسَ آدَمُ عَ جِلْسَةَ الْفُرُصَاءِ وَ رَأْسُهُ بَيْنَ رُكْبَتَيْهِ كَنِيبًا حَزِينًا فَبَعَثَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَيْهِ جَبْرَائِيلَ فَقَالَ يَا آدَمُ مَا لِي أَرَاكَ كَنِيبًا حَزِينًا قَالَ لَا أَرَأَلَ كَنِيبًا حَزِينًا حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ قَالَ فَإِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكَ وَ هُوَ يُفْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ يَا آدَمُ حَيَّاكَ اللَّهُ وَ بَيَّاكَ قَالَ أَمَّا حَيَّاكَ فَأَعْرِفُهُ فَمَا بَيَّاكَ قَالَ أَضْحَكَكَ قَالَ فَسَجَدَ آدَمُ فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَ: يَا رَبِّ زِدْنِي جَمَالًا فَأَصْبَحَ وَ لَهُ لِحْيَةٌ سَوْدَاءٌ كَالْحَمَمِ فَضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَيْهَا فَقَالَ يَا رَبِّ مَا هَذِهِ؟ قَالَ: هَذِهِ اللَّحْيَةُ زَيْنَتُكَ بِهَا أَنْتَ وَ ذُكُورَ وُلْدِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): آدم علیه السلام نشست در حالی که زانوهای را در بغل گرفت و سر را بین دو زانو نهاد با حالی حزین و غمگین، پس خداوند تبارک و تعالی جبرئیل علیه السلام را نزدش فرستاد، جبرئیل گفت: ای آدم چرا تو را غمگین و محزون می بینم؟ جناب آدم علیه السلام فرمود: پیوسته حزین و غمگین هستم تا امر خدا بیاید. جبرئیل علیه السلام عرض کرد: من فرستاده خداوند عز و جل به سوی تو بوده و حق تو را سلام می رساند و می فرماید: ای آدم: حیاک الله و بیاک. جناب آدم فرمود: اما حیاک معنایش را می دانم (یعنی خدا عمرت را طولانی کند و باقی بدارد تو را) اما بیاک را ندانسته و معنایش چه می باشد؟ جبرئیل علیه السلام عرض کرد: یعنی خدا تو را بخنداند. نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: آدم سجده کرد بعد سر برداشت و به طرف آسمان بلند کرد و عرضه داشت: پروردگارا به جمال و زیبایی من بیفزا، پس برایش ریشی مشکمی همچون ذغال روید، پس دست زد و محاسن خود را گرفت و عرض کرد: الهی این چیست؟ خداوند فرمود: این ریش است و تو و فرزندان ذکورت تا روز قیامت را با آن زینت دادم.

علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۸۰

بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۷۲



۳/۲۹. خضاب (حنا)

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص اخْتَضِبُوا بِالْحِنَاءِ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي سَبَابِكُمْ وَ جَمَالِكُمْ وَ نِكَاحِكُمْ وَ حُسْنِ وَجُوهِكُمْ وَ يُبَاهِي اللَّهُ بِكُمْ الْمَلَائِكَةَ وَ الدَّرْهَمُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِسَبْعِمِائَةٍ وَ الدَّرْهَمُ فِي الْخِضَابِ بِسَبْعَةِ آلَافٍ فَإِذَا مَاتَ أَحَدُكُمْ وَ أُدْخِلَ قَبْرَهُ دَخَلَ عَلَيْهِ مَلَكَاةٌ فَإِذَا نَظَرَ إِلَى خِضَابِهِ قَالَ أَخَذَهُمَا لِصَاحِبِهِ أَخْرَجَ عَنْهُ فَمَا لَنَا عَلَيْهِ مِنْ سَبِيلٍ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): به حنا خضاب کنید که به جوانی و زیبایی و قوه نکاح و طراوت و زیبایی چهره شما می افزاید، و خداوند بشما بر ملائکه مباحثات می نماید، و یک درهم در راه خدا ۷۰۰ برابر، و یکدرهم برای خضاب هفت هزار برابر میباشد، و چون یکی از شما بقبر مدفون شود و دو ملک (نکیر و منکر) بر او در آیند و به خضابش نظر افکنند بهمديگر گویند: بیرون رویم که بر این راهی نداریم.

مکارم الأخلاق، ص ۸۲



پیوست شماره ۴: آیاتی از قرآن در باب تأکید بر رؤیت و تجربه (بازدید از اماکن تاریخی) به عنوان یکی از روش‌های تثبیت زینت در افراد و جامعه

النمل: ۶۹ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ
 بگو: در زمین بگردید پس با تأمل بنگرید که سرانجام گنهکاران چگونه بود؟

العنكبوت: ۲۰ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 بگو: در زمین بگردید پس با تأمل بنگرید که چگونه مخلوقات را آفرید، سپس خدا جهان آخرت را ایجاد می‌کند زیرا خدا بر هر کاری تواناست

الروم: ۴۲ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ
 بگو: در زمین بگردید پس با تأمل بنگرید که سرانجام کسانی که پیش‌تر بودند [و مرتکب کار زشت شدند] چگونه بود؟ بیشتر آنان مشرک بودند.

یوسف: ۱۰۹ وَ مَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِم مِّنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا أَ فَلَا تَعْقِلُونَ
 و پیش از تو جز مردانی از اهل آبادی‌ها را که به آنان وحی کردیم [برای هدایت مردم] نفرستادیم. آیا [مخالفان حق] در زمین گردش نکردند تا با تأمل بنگرند که عاقبت کسانی که پیش از آنان بودند، چگونه بود؟ و مسلماً سرای آخرت برای کسانی که پرهیزکاری کردند، بهتر است آیا نمی‌اندیشید؟

الحج: ۴۶ أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُون لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ



آیا در زمین گردش نکرده‌اند تا برای آنان دل‌هایی [بیدار و بینا] پیدا شود که با آن بیندیشند یا گوش‌هایی که با آن [اندرزها را] بشنوند؟ حقیقت این است که دیده‌ها کور نیست بلکه دل‌هایی که در سینه‌هاست، کور است!

الروم: ۹ أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

آیا [به غفلت نانی می‌خورند و بی‌خبر به سر می‌برند و] در زمین گردش نکرده‌اند تا با تأمل بنگرند سرانجام کسانی که پیش از اینان بودند چگونه بود؟ آنان قوی‌تر و نیرومندتر از اینان بودند، و زمین را [برای هدف‌های گوناگون] زیر و رو کردند و آن را بیش از آنچه اینان آبادش کردند، آباد نمودند، و پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند [ولی به سبب تکذیب پیامبرانشان هلاک شدند] پس خدا بر آن نبود که به آنان ستم کند، ولی آنان بودند که به خودشان ستم می‌کردند.

فاطر: ۴۴ أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا

آیا در زمین گردش نکردند تا بنگرند سرانجام کسانی که پیش از اینان زندگی می‌کردند و از اینان نیرومندتر بودند چگونه بود؟ و هیچ چیز در آسمان‌ها و زمین نیست که بتواند خدا را عاجز کند [تا از دسترس قدرت او بیرون رود] زیرا او همواره دانا و تواناست.

غافر: ۲۱ أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ آثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَ مَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ

آیا در زمین گردش نکردند تا با تأمل بنگرند که سرانجام کسانی که پیش از آنان بودند، چگونه بود؟ آنان از ایشان نیرومندتر بودند، و در زمین آثاری پایدارتر [چون قلعه‌ها، خانه‌های استوار و کاخ‌های بسیار محکم] داشتند، پس خدا آنان را به کیفر گناهانشان [به عذاب] گرفت، و در برابر خدا مدافع و حمایت‌گری نداشتند.



غافر: ۸۲ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ
وَ أَشَدَّ قُوَّةً وَ آثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

آیا در زمین گردش نکردند تا با تأمل بنگرند که سرانجام کسانی که پیش از آنان بودند [و
سرکشی و تکبر می کردند] چگونه بود؟ همانان که نفراشان از اینان بیشتر و از ایشان
نیرومندتر بودند، و در زمین آثاری پایدارتر [چون قلعه‌ها و خانه‌های استوار و کاخ‌های بسیار
محکم] داشتند، ولی نفرات و قدرت و آثاری که همواره به دست می آوردند [چیزی از عذاب
خدا را] از آنان دفع نکرد.

محمد: ۱۰ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ
وَ لِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا

آیا در زمین گردش نکردند تا با تأمل بنگرند که سرانجام کسانی که پیش از آنان بودند،
چگونه بود؟ خدا آنان را درهم کوبید و نابود کرد و نیز برای این کافران همانند آن [عذاب‌ها
قطعی و ثابت] است.



پیوست شماره ۵: روایاتی در مورد برخی از راهکارهای تقویت قوای دریافتی انسان؛ به عنوان یکی از روش‌های تثبیت زینت در افراد و جامعه

آیات و روایات فراوانی در مورد «تاثیر تغذیه بر کاهش و یا افزایش فهم و درک انسان» وجود دارد؛ برای نمونه به سه مورد اشاره می‌شود:

تاثیر سرکه بر افزایش قوه دریافت انسان:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْخَلُّ يَشُدُّ الْعَقْلَ.

امام صادق علیه السلام: سرکه، عقل را استحکام می‌بخشد.

الكافي، ج ۶، ص ۳۲۹ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۵

سند اول محاسن: عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ الْجَوَالِيقِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

سند دوم محاسن: عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ زَكَرِيَّا بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي الْيَسَعِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

الوافي، ج ۱۹، ص ۳۲۴ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۰۱ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۹۱

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ أَنَّ رَجُلًا كَانَ عِنْدَ الرَّضَاعِ بِخُرَاسَانَ فَقَدِمَتْ إِلَيْهِ مَائِدَةٌ عَلَيْهَا خَلٌّ وَ مِلْحٌ فَأَفْتَتَحَ ع بِالْخَلِّ فَقَالَ الرَّجُلُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَمَرْتَنَا أَنْ نَفْتَحَ بِالْمِلْحِ فَقَالَ هَذَا مِثْلُ هَذَا يَعْنِي الْخَلُّ وَإِنَّ الْخَلَّ يَشُدُّ الذَّهْنَ وَيَزِيدُ فِي الْعَقْلِ.

به نقل از محمد بن علی همدانی: مردی در خراسان نزد امام رضا علیه السلام بود. در این هنگام، نزد امام سفره‌ای گسترده‌ای که در آن، سرکه و نمک بود. امام علیه السلام با سرکه آغاز کرد. آن مرد گفت: فدایت شوم! به ما فرموده‌ای که با نمک، آغاز کنیم! فرمود: «این، همانند آن (یعنی نمک) است. سرکه، ذهن را استحکام می‌بخشد و عقل را افزون می‌کند».

الكافي، ج ۶، ص ۳۲۹ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۷ عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ

الهمداني

الوافي، ج ۱۹، ص ۳۲۴ / وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۴۰۸ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۰۳



عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّا لَتَبَدَأُ بِالْخَلِّ عِنْدَنَا كَمَا تَبْدَأُ وَنَ بِالْمِلْحِ عِنْدَكُمْ فَإِنَّ الْخَلَّ لَيَشُدُّ الْعَقْلَ.

امام صادق علیه السلام: ما با سرکه آغاز می کنیم، چنان که شما با نمک آغاز می کنید؛ چرا که سرکه، عقل را استحکام می بخشد.

الكافي، ج ۶، ص ۳۲۹ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۵ (عنه) احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبَانَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ

إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

مكارم الأخلاق، ص ۱۹۰

الوافي، ج ۱۹، ص ۳۲۴ / وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۴۰۷ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۰۳ و ۳۹۸

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: خَلُّ الْخَمْرِ يَشُدُّ اللَّتَّةَ وَيَقْتُلُ دَوَابَّ الْبُطْنِ وَيَشُدُّ الْعَقْلَ.

امام صادق علیه السلام: سرکه شراب، لته را تقویت می کند، جنبنندگان شکم را می کشد و عقل را استحکام می بخشد.

الكافي، ج ۶، ص ۳۳۰ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۷

سند اول محاسن: عنه) احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ صَبَاحِ الْحَدَّاءِ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ

سند دوم محاسن: وَ رَوَاهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَبَاحِ الْحَدَّاءِ

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۹۳ / الوافي، ج ۱۹، ص ۳۲۵

تأثير ميوه به بر افزايش قوه دريافت انسان:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يُونُسَ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عُبَيْنَةَ قَالَ حَدَّثَنَا دَارِمُ بْنُ قَبِيصَةَ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَاعِ عَنْ أَبِيهِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ [مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ] عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ ع قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص يَوْمًا وَ فِي يَدِهِ سَفْرَجَلَةٌ فَجَعَلَ يَأْكُلُ وَ يُطْعِمُنِي وَ يَقُولُ كُلْ يَا عَلِيُّ فَإِنَّهَا هَدِيَّةُ الْجَبَّارِ إِلَيَّ وَ إِلَيْكَ. قَالَ: فَوَجَدْتُ فِيهَا كُلَّ لَذَّةٍ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ مَنْ أَكَلَ السَّفْرَجَلَةَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ عَلَى الرَّيْقِ صَفَا ذَهْنُهُ وَ امْتَلَأَ جَوْفُهُ حِلْمًا وَ عِلْمًا وَ وَقِيَ مِنْ كَيْدِ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ.



امام علی علیه السلام: روزی، در حالی که پیامبر خدا يك به در دست داشت، بر ایشان وارد شدم. ایشان به خوردن به و دادن پاره‌هایی از آن به من پرداخت و می‌فرمود: «ای علی! بخور، که این، هدیه خداوند به من و توست». من در آن، همه لذت‌ها را دیدم. پیامبر صلی الله علیه و آله همچنین فرمود: «ای علی! هر کس سه روز ناشتا به بخورد، ذهنش صفا می‌یابد، درونش از دانش و بردباری پُر می‌گردد و از نیرنگ ابلیس و سپاهیانش ننگه داشته می‌شود».

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۷۳

مکارم الأخلاق، ص ۱۷۲

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۶۷ و ج ۳۹، ص ۱۲۵ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۶۹

تأثیر پر خوری بر کاهش فهم:

امیرالمؤمنین (علیه السلام): **الْبَطْنَةُ تَمْنَعُ الْفِطْنَةَ**.

امیرالمؤمنین (علیه السلام): شکم پری مانع از زیرکی است

غرر الحکم ج ۱ ص ۳۰ / عیون الحکم ج ۱ ص ۳۹

و قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله : لَا تَشْبَعُوا فَيُطْفَأَ نُورُ الْمَعْرِفَةِ مِنْ قُلُوبِكُمْ وَ مَنْ بَاتَ يُصَلِّي فِي خِفَّةٍ مِنْ الطَّعَامِ بَاتَتِ الْحُورُ الْعَيْنُ حَوْلَهُ.

و نیز فرمود: سیر و پر غذا مخورید که نور معرفت را در قلب شما خاموش می‌سازد، و هر که شب با شکم سبک نماز بخواند در آن شب حور العین اطراف او خواهند بود.

جامع الأخبار ج ۱ ص ۱۸۳ / مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۵۰

الفصول المهمة ج ۲ ص ۳۲۸ / بحار الأنوار ج ۶۷ ص ۷۱ / مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۲۱۸

الرَّسَالَةُ الذَّهَبِيَّةُ ، قَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَاعْتَدِ مَا يُشَاكِلُ جَسَدَكَ وَ مَنْ أَخَذَ مِنَ الطَّعَامِ زِيَادَةً لَمْ يُعَدِّهِ وَ مَنْ أَخَذَهُ بِقَدَرٍ لَا زِيَادَةَ عَلَيْهِ وَ لَا نَقْصَ فِي غِذَائِهِ نَفَعَهُ وَ كَذَلِكَ الْمَاءُ فَسَيِّلُكَ أَنْ تَأْخُذَ مِنَ الطَّعَامِ [كَفَايَتِكَ فِي أَيَّامِهِ] وَ إِزْفَعُ يَدَيْكَ مِنْهُ وَ بِكَ إِلَيْهِ بَعْضُ الْقَرَمِ وَ عِنْدَكَ إِلَيْهِ مَيْلٌ فَإِنَّهُ أَصْلَحُ لِمَعِدَتِكَ وَ لِبَدَنِكَ وَ أَزْكَى لِعَقْلِكَ وَ أَحْفَ لِحَسْمِكَ إِلَى آخِرِهِ .

امام رضا (علیه السلام) در رساله ذهبیه: [راه سلامت] این است که هر غذایی را به مقدار کافی و در زمان (و فصل) آن تناول کنی و هنگامی دست از غذا بردار که هنوز میل به خوردن داری [و قبل از



اینکه سیر شوی (و هنوز اشتها باقی است) دست از طعام بکشی]. که این شیوه، موجب صحت و سلامت بیشتری در بدنت و هوش فزون تری برای عقلت و سبکباری برای وجودت می گردد. [زیرا این اعتدال و امساک برای معده، سودمندتر است و هرگز آن را از نشاط و فعالیت خسته نخواهد ساخت].

طب الإمام الرضا علیه السلام (الرسالة الذهبية)، ص ۱۴ / بحار الأنوار ج ۵۹ ص ۳۰۶
مکاتیب الأئمة عليهم السلام، ج ۵، ص ۱۹۴ / مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۲۲۰

امیرالمؤمنین (علیه السلام): **الْبِطْنَةُ تَحْجُبُ الْفِطْنَةَ** .

امیرالمؤمنین (علیه السلام): شکم پر جلو زیرکی را میگیرد.

غرر الحکم ج ۱ ص ۴۱ / عیون الحکم ج ۱ ص ۳۲

وَ فِي خَبَرٍ مُرْسَلٍ: إِنَّ الشَّيْطَانَ لَيَجْرِي مِنْ ابْنِ آدَمَ مَجْرَى الدَّمِ فَضَيِّقُوا مَجَارِيَهُ بِالْجُوعِ وَالْعَطَشِ .

در حدیث مرسلی آمده است که شیطان نسبت به فرزند آدم بمنزله خونی است که در رگهایش جریان دارد، پس تا می توانید با گرسنگی و تشنگی حرکت شیطان را کند سازید.

مجموعه ورام ج ۱ ص ۱۰۱ / أعلام الدين ج ۱ ص ۱۲۱ / عوالي اللئالي ج ۱ ص ۲۷۳ و ص ۳۲۵
بحار الأنوار ج ۶۰ ص ۳۳۲ و ج ۶۷ ص ۴۲ / مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۲۲۰

امیرالمؤمنین (علیه السلام): **مَنْ كَظَّتْهُ الْبِطْنَةُ حَجَبَتْهُ عَنِ الْفِطْنَةِ** .

امیرالمؤمنین (علیه السلام): پر خوری که انسان را به رنج اندازد از زیرکی و دریافت نیز او را باز دارد.

غرر الحکم ج ۱ ص ۶۱۷
مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۲۲۱

امیرالمؤمنین (علیه السلام): **لَا تَجْتَمِعُ الْبِطْنَةُ وَالْفِطْنَةُ** .

امیرالمؤمنین (علیه السلام): پر خوری و زیرکی با هم جمع نشوند.

غرر الحکم ج ۱ ص ۷۷۲ / عیون الحکم ج ۱ ص ۵۳۳
مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۲۲۲

وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: **إِيَّاكُمْ وَالْبِطْنَةَ فَإِنَّهَا مَقْسَاةٌ لِلْقَلْبِ مَكْسَلَةٌ عَنِ الصَّلَاةِ مُفْسَدَةٌ لِلْجَسَدِ** .

امیرالمؤمنین (علیه السلام): بر شما باد بدوری از پر خوری که آن دل را سخت میکند و شخص را در نماز کسل میسازد و تن را به تباهی میکشاند.

غرر الحکم ج ۱ ص ۱۷۵ / عیون الحکم ج ۱ ص ۱۰۱
مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۲۲۱



تأثیر تجارت بر افزایش عقل:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «تَرَكَ التَّجَارَةَ يَنْقُصُ الْعَقْلَ.»

امام صادق (علیه السلام): «ترک کردن تجارت، عقل را کم می کند.»

الكافي، ج ۵، ص ۱۴۸ / تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۲

وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۳

قَالَ الصَّادِقُ ع: «تَرَكَ التَّجَارَةَ مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ.»

امام صادق (علیه السلام): «ترک کردن تجارت، از بین برندهی عقل است.»

من لايحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۹۲ / وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۷

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «التَّجَارَةُ تَزِيدُ فِي الْعَقْلِ.»

امام صادق (علیه السلام): «تجارت کردن، عقل را زیاد می کند.»

الكافي، ج ۵، ص ۱۴۸ / من لايحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۹۱ / وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۲

أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي الْجَهْمِ عَنْ فَضَيْلِ الْأَعْوَرِ قَالَ: شَهِدْتُ مُعَاذَ بْنَ كَثِيرٍ وَ قَالَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: «إِنِّي قَدْ أَيْسَرْتُ فَأَدْعُ التَّجَارَةَ فَقَالَ إِنَّكَ إِن فَعَلْتَ قَلَّ عَقْلُكَ أَوْ نَحْوَهُ.»

معاذ بن كثير به امام صادق علیه السلام عرض کرد: من توانگر شده‌ام؛ آیا تجارت را رها کنم؟ امام

علیه السلام فرمود: «اگر چنین کنی، عقلت کاهش می یابد.» یا سخنی شبیه به این فرمود.

الكافي، ج ۵، ص ۱۴۸ / تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۲

(سند تهذيب: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي الْجَهْمِ عَنْ فَضَيْلِ الْأَعْوَرِ قَالَ شَهِدْتُ مُعَاذَ بْنَ كَثِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ أَبِي الْفَرَجِ الثَّمَمِيِّ عَنِ مُعَاذِ بْنِ بِيَّاعِ الْأَكْسَبِيِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا مُعَاذُ أَضَعُفْتَ عَنِ التَّجَارَةِ أَوْ زَهَدْتَ فِيهَا قُلْتُ مَا ضَعُفْتُ عَنْهَا وَمَا زَهَدْتُ فِيهَا قَالَ فَمَا لَكَ قُلْتُ كُنَّا نَنْتَظِرُ أَمْرًا وَ ذَلِكَ حِينَ قُتِلَ الْوَلِيدُ وَ عِنْدِي مَالٌ كَثِيرٌ وَ هُوَ فِي



يَدِي وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ عَلَيَّ شَيْءٌ وَ لَا أَرَانِي أَكُلُهُ حَتَّى أَمُوتَ فَقَالَ تَتْرُكُهَا فَإِنَّ تَرْكَهَا مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ أَسْعَ
عَلَى عِيَالِكَ وَ إِيَّاكَ أَنْ يَكُونَ هُمْ السُّعَاءَ عَلَيْكَ.

معاذ لباس فروش می گوید: «امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای معاذ! در تجارت سست شدی بلکه از آن کناره گرفته‌ای! معاذ گفت: در تجارت سست نشده‌ام و از آن کناره‌گیری نکرده‌ام. امام علیه السلام فرمود: پس تو را چه شده است؟ گفتم: منتظر قیام شما هستم [یا منتظر دستور مجدد شما برای تجارت هستم] - این ماجرا مربوط به زمان گذشته شدن ولید بن عبدالملک بود - و من مال بسیاری دارم که در اختیارم هست و به احدی بدهکار نیستم و گمان نمی‌کنم که تا پایان عمرم نیز تمام شود.» امام علیه السلام فرمود: تجارت را رها نکن؛ زیرا ترك آن عقل را از بین می‌برد. برای خانواده‌ات تلاش کن و پرهیز از این که آنان برای تو کار و تلاش کنند.

الكافي، ج ۵، ص ۱۴۸ / تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۲

(سند تهذيب: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْفَرَجِ عَنْ مُعَاذِ بْنِ الْأَكْسَبِيِّ قَالَ) [كُنْتُ أَنْتَظِرُ
أَمْرَكَ بَدَلِ كُنَّا نَنْتَظِرُ أَمْرًا]

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ
كَثِيرٍ بَيَّاعِ الْأَكْسَبِيِّ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ إِنِّي قَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَدَعَ السُّوقَ وَ فِي يَدِي شَيْءٌ قَالَ
إِذَا يَسْقُطُ رَأْيُكَ وَ لَا يُسْتَعَانَ بِكَ عَلَى شَيْءٍ.»

معاذ بن كثير لباس فروش به امام صادق علیه السلام عرض کرد: «اموالی در اختیار دارم و تصمیم گرفته‌ام بازار را رها کنم. امام علیه السلام فرمود: در این صورت نظرت از ارزش و اعتبار ساقط می‌شود و در هیچ موردی از تو درخواست کمک نمی‌شود.»

الكافي، ج ۵، ص ۱۴۹ / تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۳

(سند تهذيب: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ بَيَّاعِ الْأَكْسَبِيِّ)

تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۳۲۹

(سند ۲: مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ

صَاحِبِ الْأَكْسَبِيِّ)

مترجم و محقق کافی در معنای این روایت اینچنین نگاشته‌اند:

«أَيُّ يَنْقُصُ عَقْلَكَ، وَ لَا يَرْجِعُ النَّاسُ إِلَيْكَ فِي تَدْبِيرِ أُمُورِهِمْ، وَ لَا يَشَاوِرُونَكَ فِي إِصْلَاحِ

أُمُورِهِمْ، فَصُرْتَ حَقِيرًا فِي أَعْيُنِ النَّاسِ وَ عَارِيًّا عَنِ الْإِعْتِبَارِ.»



یعنی: عقلت کم می‌شود، و مردم در تدبیر کارهایشان به تو مراجعه نمی‌کنند، و از تو مشورت نمی‌گیرند، پس در چشم مردم حقیر و کم ارزش می‌گرددی و از اعتبار می‌افتی.

تحقیق و تصحیح کافی: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد / الکافی (طبع اسلامیة)، ج ۵، ص ۱۴۹

عَنْهُ (ای: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى) عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ اسْبَاطِ بْنِ سَالِمِ بْنِ يَسَّاعِ الزُّطِّيِّ قَالَ: «سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ يَوْمًا وَأَنَا عِنْدَهُ عَنْ مُعَاذِ بْنِ يَسَّاعِ الْكُرَّائِسِيِّ فَقِيلَ تَرَكَ التَّجَارَةَ فَقَالَ عَمَلُ الشَّيْطَانِ عَمَلُ الشَّيْطَانِ مَنْ تَرَكَ التَّجَارَةَ ذَهَبَ ثُلُثًا عَقْلِهِ أَمَا عَلِمَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَدِمَتْ عَيْرٌ مِنَ الشَّامِ فَأَشْتَرَى مِنْهَا وَاتَّجَرَ فَرَبِحَ فِيهَا مَا قَضَى دَيْنَهُ.»

اسباط بن سالم می‌گوید: روزی نزد امام صادق (علیه السلام) بودم که ایشان در مورد معاذ لباس فروش سوال کردند. به ایشان عرض شد که: معاذ تجارت را ترک کرده است. پس حضرت فرمود: این کار او کار شیطان است! کار شیطان! هر کس تجارت را ترک کند دو سوم عقلش از بین می‌رود! آیا معاذ نمی‌دانست که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نزد کاروانی از شام رفتند و از آن چیزی خریدند و با آن تجارت کردند و سودی بردند که با آن سود بدهی خود را پرداخت نمودند.

تهذیب الأحكام، ج ۷، ص ۴ عوالمی اللئالی، ج ۳، ص ۱۹۴ (با اندکی تفاوت)

وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۷





نظام اصطلاحات:

نظام اصطلاحات دیگران	نظام اصطلاحات الگوی پیشرفت اسلامی
<p>مفهوم هنر / بشر خودبنیاد / نگاه استقرایی و تجربه‌بنیاد / فرمالیست (Formalist) / چارچوب‌های فرم‌ی / فرمالیسم (Formalism) / نو فرمالیسم (new Formalism) / آشنایی‌زدایی / بیگانه‌سازی / عادت‌زدایی / رشته تخصصی هنر / اصول فرم / تئاتر / سینما / ادبیات / عکاسی / هنر برای هنر / فرم عالی / شکل عالی / فرمالیسم ادبی / انیمیشن باب اسفنجی / قانون / مجالس مدرن / بسته قانونی / قانون‌گذاری مدرن / سناریو / فیلمنامه / پایان‌باز / سمبولیست (Symbolist) / ساختارگراها / تفکیک اثر مولف از زندگی و نیت مولف / تفسیر جهان و واقعیت به محوریت متن / هنرهای تجسمی / مجسمه / گرافیک / کاراکتر / سمبولیسم (Symbolism)</p>	<p>زینت / استنطاق از انبیاء / روایت‌ها و توصیف‌های انبیاء از مسائل / پایگاه إشراف به مسائل / حضرت مدینه‌العلم (صلی الله علیه و آله) / نگاه انبیاء به مسئله هنر / جمال / عروس / حلیه / زین / شین / سیاق مسئله هنر و توجه به زیبایی‌ها / هنر و برجسته‌سازی زیبایی‌ها / غایات و مفاهیم پیشینی هنر / جنبه‌های شکلی اصلی از نظر انبیاء / ساختارهای هنری از نگاه فقهی / برجسته‌سازی مفاهیم پیشینی هنر / مفاهیم قبلی هنر / برجسته‌سازی مفاهیم و حالات خیر / مفهوم خیر / هنر برای برجسته‌سازی خیر / هنر برای افشاء شر اضافه‌شده به مفاهیم خیر / مفهوم شر / شر شهوت‌گرایی / شر حرص / شر سبک‌سری / مفاهیم شر / فرمالیست‌های اولیه و افراطی / مفاهیم خیر / برجسته‌سازی حالات خیر و مطلوب / افشاء لایه شر اضافه‌شده به مفاهیم خیر / مفهوم محاسبه و تقاص / خیر و شر / هدایت و ضلالت / مفهوم امتداد و بقاء / روش تحقیق فقهی / جهت‌دهی نرم به اختیارها / تسبیح / شکر / کفر / نظم اختیاری / نظم جبری / کارکرد هنر در اداره جامعه / مفهوم سیاقی هنر / زینت فرمی / زینت شیئی / اصول سه‌گانه فرم از نگاه انبیاء / زینت اصلی فرم / روایت قلیل / افشاء شر / ادب در بیان / قَلْ و دَلْ بودن / بیان بعد از پرسش / تأمل / اصول شکلی فرم روایت از نظر اهل بیت (علیهم السلام) / اصلی بیان بعد از تأمل / اصل قَلْ و دَلْ / اصلی ادب / اصول ثلاثه فقهی برای فرم / عَقَّت / ابتلاء / زینتِ بلاء / بلاء عظیم / عقیف / سیر با بلای امام حسین (علیه السلام) / حالت انبعاث و نشاط / تواضع / حَسَب / فصاحت / حفظ / امانت / جَفْظُ الْحَاجِّ / بسط وجه / بذل / ترک مَمْت / تَقَلُّل / خشوع / زیبایی معروف / زینت‌های تثبیت‌کننده خیر / خیر کلام و سخن / زینت‌های شیئی پایه / چارچوب‌های سه‌گانه روایت خیر و اشیاء تثبیت‌کننده آن / اشیاء تثبیت‌کننده خیرها / روایت متمرکز / روایت و داستان و احسن القصص به شکل روایت غیر متمرکز / داستان خوانی غیر متمرکز / رؤیت و تجربه / تقویت قوای دریافتی انسان‌ها / أَحْسَنُ الْقِصَص / تغذیه مبتنی بر طَبِیَّات</p>





نشست تخصصی

جدول فقهی زینت
(در مقایسه با مکتب هنری فرمالیسم)



علکاشوری
حجت الاسلام والمسلمین

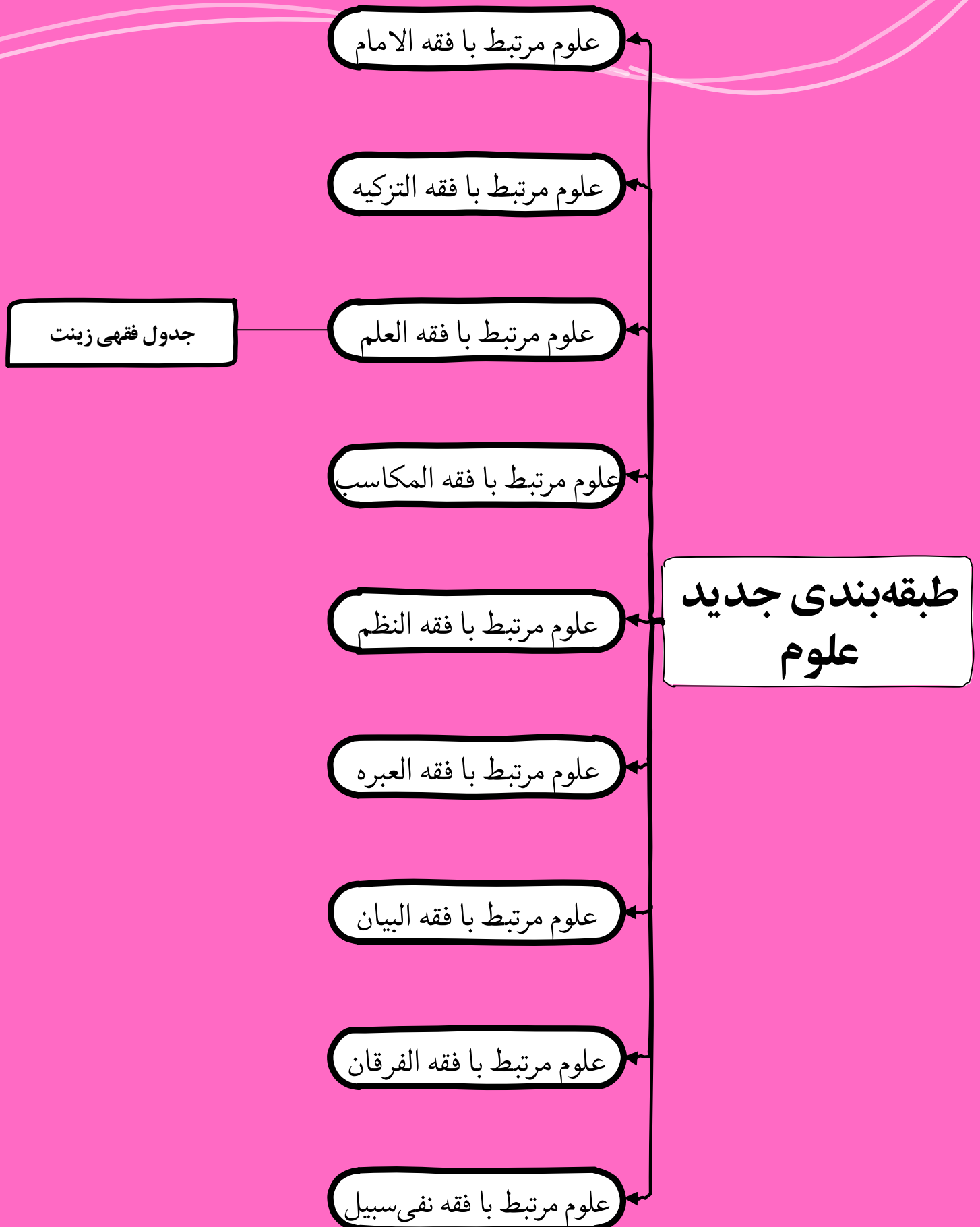
دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

زمان: شنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۲ - ساعت ۲۰

مکان: تالار شهر









* جدول تصمیم جدول فقهی زینت (۸ تصمیم) *

آثار تصمیمات:	تصمیمات پیشنهادی:	دسته بندی تصمیمات:
توجه دادن مخاطب نسبت به مفهوم محاسبه و تقاص (مراقبت در انجام کارها؛ بخاطر اندیشیدن در عاقبت آنها) / توجه دادن مخاطب نسبت به مفهوم امتداد و بقاء (امتداد آثار اعمال) / جهت دهی نرم به اختیارها	برجسته سازی مفاهیم و حالات «خیر» در آثار هنری افشاء «شَر» اضافه شده به مفاهیم «خیر» در آثار هنری	تصمیمات مرتبط با سیاق مفهوم هنر از نظر انبیاء (مفاهیم پیشینی و اهداف و برای ی هنر)
مؤدبانه شدن فرم و نوع بیان در آثار هنری / حفظ کرامت و احترام انسان / تاثیرگذاری بیشتر	رعایت ادب در آثار هنری	تصمیمات مرتبط با اصول فرم از نگاه انبیاء (جنبه های شکلی برجسته کردن خیر و افشاء شَر)
خسته کننده نشدن اثر هنری و دوری گزیدن از فرم نامطلوب طولانی بودن / دلالت صریح بر مطلب و دوری از فرم نامطلوب پایان باز برای اثر هنری!	قَلّ و دَلّ (مختصر و مفید بودن) آثار هنری	
ایجاد تامل در مخاطب برای پیگیری اثر هنری / همراهی مخاطب برای دنبال کردن اثر هنری به صورت اختیاری / به رسمیت شناختن به اختیار مخاطب	بیان مسئله بعد از ایجاد تأمل (پرسش) در آثار هنری	
ماندگاری بیشتر (بخاطر ایجاد کاراکترها و شخصیت سازی های متنوع) / همراه بودن با محبت	روایت داستان و احسن القصص به شکل روایت غیر متمرکز	تصمیمات مرتبط با ساختار و روش های تثبیت زینت در افراد و جامعه
بالارفتن سطح تاثیرگذاری بر افراد و جامعه	رؤیت و تجربه (مانند: بازدید از اماکن تاریخی)	
افزایش قوه دریافت مخاطب برای فهم عمیق تر آثار هنری / جلوگیری از ایجاد اختلال در فهم	احیاء و تقویت قوای دریافتی شنونده یا بیننده اثر هنری (مانند: اصلاح تغذیه مبتنی بر طبیات)	

* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع رسانی نقشه راه m-hedayat.blog.ir

کانال «الگو» در پیام رسان ایتا @Olgou